

(ادامه‌ی شرح جلد کتاب)

۴. بعضی مواقع یک ابر روحانی گوشه‌ای از آسمان روحانی برهماجیوتی را اشغال می‌کند و بخش پوشیده شده‌ی ماهات تاتوا نامیده می‌شود. آنگاه خداوند با ظهور خویش به صورت ماه- ویشنو، در درون آب موجود در این ماهات- تاتوا دراز می‌کشد. این آب، اقیانوس علیت (کارانا- جالا) نامیده می‌شود.

۵. هنگامی که خداوند در اقیانوس علیت می‌خوابد، جهان‌های متعددی از تنفس وی تولید می‌شوند. این جهان‌های شناور، در سراسر اقیانوس علیت پراکنده می‌شوند. آنها در طول یک تنفس ماه- ویشنو باقی می‌مانند.

۶. در هریک از جهان‌ها همان ماه- ویشنو به صورت گاربهوداکشایی ویشنو وارد می‌شود و در اقیانوس گاربها بر تجلی مار شِشا دراز می‌کشد. از ناف وی ساقه‌ی نیلوفری رشد می‌کند و بر آن نیلوفر، برهما خالق جهان متولد می‌شود. برهما تمام موجودات زنده در اشکال مختلف را بر حسب خواسته‌های ایشان در این جهان خلق می‌کند. وی همچنین خورشید، ماه و دیگر خداوندگاران را خلق می‌نماید.

۷. خورشید در مرکز هر یک از این جهان‌ها واقع است و انوار و گرمای نافذ را در سراسر آن جهان منتشر می‌کند. میلیون‌ها و میلیاردها خورشید در تمام میلیون‌ها و میلیاردها جهان در درون ماهات- تاتوا وجود دارند. وجود خورشیدها و ماهها در درون جهان‌ها ضروری است؛ چرا که این جهان‌ها ذاتاً تاریک هستند. وداها به ما آموزش می‌دهند که از تاریکی جهان‌ها خارج شویم و به انوار درخشان برهماجیوتی دست یابیم.

۸. دلیل وجود برهماجیوتی سیارات درخشان وایکونتهاست که نیازمند خورشید یا ماه یا قدرت الکتریسیته نیستند. شریما-د-بهاگاواتام به ما کمک می‌کند به سیارات متعال، گولوکا ورینداون دست یابیم. منظور از زندگی انسانی دستیابی به این هدف ویژه است، چرا که بالاترین کمال می‌باشد.



THE BHAKTIVEDANTA BOOK TRUST

شریما-د-بهاگاواتام

جزء اول

جلد اول

(فصول ۱-۹)

آ.ج. بهاکتی‌ودانتا
سوامی پرابهوپاد

شریما-د-بهاگاواتام

جزء اول



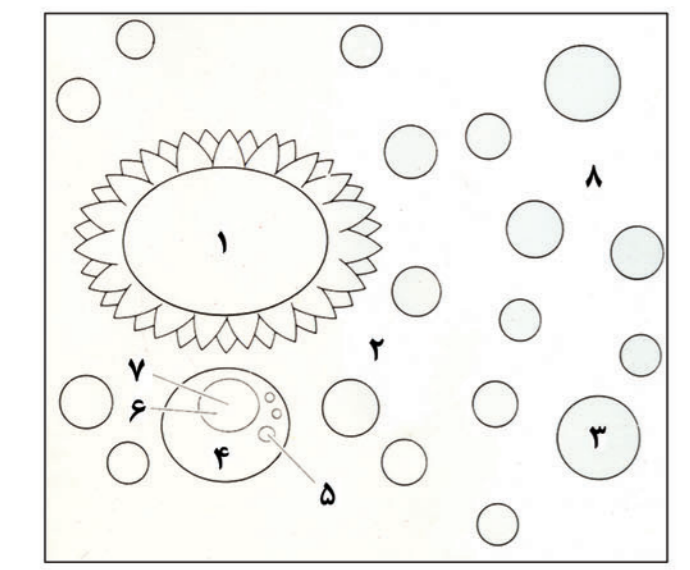
آ.ج. بهاکتی‌ودانتا سوامی پرابهوپاد

آچاریای بنیان‌گذار انجمن بین‌المللی کریشنا‌آگاهی

شریما-د-بهاگاواتام

شریما-د-بهاگاواتام، متن ادبی و فلسفی حماسی، جایگاهی حائز اهمیت در خرد و اندیشه‌ی مکتوب انبوه و مفصل هند داراست. خرد بی‌زمان هند در وداها، متون سانسکریت باستانی بیان شده است که در بر گیرنده‌ی تمام حوزه‌های دانش بشری است. وداها که اصولاً از طریق سنت شفاهی حفظ می‌شدند، نخستین بار توسط ویاسادو «ظهور ادبی خداوند» به رشته‌ی تحریر درآمدند. پس از تألیف وداها، شریلا ویاسادو توسط پیر روحانی‌اش تشویق شد تا جوهر عمیق وداها را در شکل شریما-د-بهاگاواتام ارائه کند. شریما-د-بهاگاواتام که به عنوان «میوه رسیده‌ی درخت متون ودایی» شناخته می‌شود، کامل‌ترین و معتبرترین شرح دانش ودایی است.

شرح جلد کتاب



۱. سیاره‌ی روحانی اصلی که شبیه حلقه‌ی یک گل بزرگ نیلوفر است، گولوکا ورینداوان نامیده می‌شود. این سیاره سکونتگاه خداوند کریشنا، شخصیت اصلی خداوند است.
۲. این سیاره‌ی اصلی گولوکا، انوار روحانی به نام برهماجیوتی را از خود ساطع می‌کند که هدف غایی بی‌هویت‌گرایان است.
۳. درون این برهماجیوتی نامحدود، تعداد نامحدودی از سیارات روحانی وجود دارند، همان‌طور که سیارات مادی نامحدودی در انوار خورشید جهان‌های مادی وجود دارند. این سیارات روحانی تحت تسلط بسط‌های کامل خداوند کریشنا هستند و ساکنان آنها موجودات زنده‌ی همواره رها می‌باشند. آنها همگی چهار دست هستند. خداوند در آن‌جا به صورت نارایانا شناخته می‌شود و سیارات را نیز با نام وایکونتها شناخته می‌شوند.

شری ماد بھاگاواتام جزء اول



آ.ج. بھاگتی ودانتا سوامی پرابھوپاد
آچاریای بنیان گذار انجمن بین المللی کریشنا آگاہی

شکوه فراوان بر پیر روحانی و گورانگا

شریماد بہاگواتام

مؤلف:

کریشنا - دواپایانا ویاسا

جزء اول

«آفرینش»

جلد اول: فصل ۱ الی ۹

شرح از:

حضرت آ.ج. بہاگتی ودانتا سوامی پرابھوپادا

آچاریای بنیان گذار انجمن بین المللی کریشنا آگاہی



اثر حاضر ترجمه‌ای است از کتاب

Śrīmad-Bhāgavatam (Bhāgavata Purāṇa)

First Canto: Creation

که جلد اول آن (مشمول بر ترجمه‌ی ۹ فصل اول کتاب)، جهت استفاده‌ی پژوهشی و تحقیقاتی اندیشمندان، و علاقه‌مندان فلسفه ودایی در سال ۱۳۹۰ در تعداد نسخ محدودی تکثیر گردیده است.

تقدیم به

پیر روحانی‌ام،

شریلا پرابهوپاد

بهاکتی سیدھانتا ساراسواتی

گوسوامی ماهاراج

در بیست و ششمین سالگرد رحلتش

او همواره با آموزش‌هایش زنده است

و

شاگردانش در جوار او به سر می‌برند.

فهرست مطالب

۱..... سرآغاز

۴..... پیشگفتار

۷..... مقدمه

- ادراک خداوند و حقیقت مطلق
- منشاء انرژی مادی
- واعظ شریماذ - بهاگواتام
- دانش کریشنا و ضرورت آن
- شری چیتانیا ماهاپراپهو
- تولد وی
- مأموریت وی
- کودکی وی
- زندگی دانش آموزی وی
- نافرمانی مدنی وی
- نجات گناه کاران
- سانیاسی شدن وی
- کشیرا-چورا گوپیناتها
- ملاقات با بهاتاچاریا
- بحث وی در مورد ودانتا
- ملاقات وی با راماناندا رای
- اهمیت شنیدن متواضعانه
- داستان آموزنده‌ی هاری داسای کوچک‌تر
- قدرت جنبش سان کیرتان
- گفتگوی وی با پراکاشاناندا، سانیاس مایاوادی
- خداوند ماتهورا و ورینداوان را ملاقات می‌کند
- وی پاتهان‌ها را به کیش و آیین وایشناو در می‌آورد
- موانع مسیر عبودیت
- هشت حالت دعای یک عابد پاک

۴۷..... فصل اول: پرسش‌های حکیمان

- پرسش‌های حکیمان

- پارامایشوارای متعال
- هدف ماترای گایاتری
- سه بخش مسیره‌های ودایی
- تبادل راسا میان دو فرد یکسان
- آبیاری ریشه‌ی درخت
- نشانه‌های انسان در عصر نزاع یا عصر کالی
- جمع‌بندی متون مقدس
- شکوه نام مقدس
- راه‌حل واقعی برای صلح در جهان
- ظهور خداوند مشخص می‌شود

فصل دوم: الوهیت و خدمت الهی..... ۹۱

- احترامات به پیر روحانی و خداوند
- جمع‌بندی شریما- بهاگاواتام
- هدف ارضای حواس
- تعریف حقیقت مطلق
- فرایند ادراک آن
- وظیفه‌ی تمام طبقات بشر
- خدمت به عابدان
- کتاب و شخص بهاگاواتا
- رؤیت خداوند
- اشکال خداوند و موجودات زنده
- کیفیت پرستش و خداوندگاران
- خداوند شری کریشنا، یا واسودوا همه چیز است
- او در همه‌جا غالب است

فصل سوم: کریشنا منشاء تمام ظهورات است..... ۱۴۵

- ظهورات پورو‌شا: علت ماده و جهان مادی
- از وی برهما متجلی می‌شود
- توصیف شکل جهانی
- توصیف مختصر ظهورات مختلف
- ۱: ظهور کوماراها
- ۲: ظهور شوکارا
- ۳: ظهور نارادا

- ۴: ظهور نار-نارایانا
- ۵: کاپیلا، نویسنده‌ی فلسفه‌ی سانکھیا
- ۶: ظهور داناتریا
- ۷: ظهور یاگیا
- ۸: ظهور ریشابها
- ۹: ظهور پریتھو
- ۱۰: ظهور ماتسیا
- ۱۱: ظهور کورما
- ۱۲: ظهور دانوانتاری
- ۱۳: ظهور موهینی
- ۱۴: ظهور نرشمیها
- ۱۵: ظهور وامانا
- ۱۶: ظهور بریگهوپاتی (پاراشوراما)
- ۱۷: ظهور ویاسادو
- ۱۸: ظهور رام
- ۱۹: ظهور بالارام
- ۲۰: ظهور کریشنا
- ۲۱: ظهور بودا
- ۲۲: ظهور کالکی

- خداوند کریشنا، شخصیت اصلی خداوند
- ویرات-روپای خداوند، یک تصور
- خداوند و موجودات زنده هر دو روح هستند
- خداوند با پندار ذهنی غیرقابل شناخت است
- شریما-بهاگاواتام شاهد تمام تاریخ‌هاست
- حالت پذیرش آن
- شریما-بهاگاواتام نماینده‌ی خداوند کریشناست
- شریما-بهاگاواتام و ناسازگاری‌های آن

فصل چهارم: ظهور شری نارادا..... ۲۰۵

- شوکادو گوسوامی پاراماهاسا
- ماهاراج پاریکشیت، پادشاه ایده‌آل
- تاریخ تولد ویاسادو
- فعالیت‌های وی در آماده‌سازی آثار متعال
- وداهها به محققان مختلف سپرده شدند

- وداها برای طبقه‌ی کم‌خرد آسان می‌شوند
- لطف و یاسادو
- پسران بی‌ارزش طبقه‌ی اعلیٰ
- نارضایتی و یاسادو و دلیل آن

فصل پنجم: آموزش‌های نارادا به ویاسادو درباره‌ی شریما-بهاگواتام.....۲۳۹

- ذهن و بدن
- تعریف خود با بدن یا ذهن علت افسردگی است
- علت توضیح داده می‌شود
- زبان شیرین بدون خدا تقبیح می‌شود
- نیاز و عجز شریما-بهاگواتام
- هیچ چیز بدون خدا خوب نیست
- متمرکز بر کلّ کامل
- ضعف اخلاقی بشر
- برکتی برای عوام
- وظیفه‌ی اصلی
- دستاورد دائمی
- وجوه شخصی و فاقد هویت خداوند
- هدف تمام دارایی‌های فرهنگی
- بهاکتی‌ودانتاها
- اصول معاشرت روحانی
- عمل اعجاب‌انگیز شنیدن بهاگواتام
- اثرات معاشرت روحانی
- وظایف یک مبتدی
- پیر روحانی واقعی
- معنای تسلیم
- علت بدبختی‌ها
- مفهوم بهاکتی-یوگا
- اشتغال صد درصد
- صدا به صورت شکل
- آخرین آموزش نارادا

فصل ششم: گفتگوی میان نارادا و ویاسادو.....۲۹۸

- پرسش بیشتر توسط ویاسادو

- تاریخچه‌ی زندگی گذشته‌ی نارادا
- مسافرت وی
- اشتیاق زیاد وی برای خداوند
- رؤیت خداوند
- پیام خداوند
- اشتغال ابدی نارادا
- بدن متعال وی
- ظهور مجدد وی
- آزادی وی برای جابه‌جایی در تمام سیارات
- خداوند، معاشر ابدی وی
- اهمیت قیاسی بهاکتی-یوگا و قدرت‌های ماورایی

فصل هفتم: مجازات پسر درونا ۳۳۶

- مراقبه‌ی ویاسادو
- درک شفاف وی
- اعمال مایا، انرژی مادی
- اثرات بهاکتی-یوگا
- اثرات شنیدن شریمد-بهاگواتام
- اولین شاگرد شریمد-بهاگواتام
- جذبه‌ی خاص متون ادبی عظیم
- قلب و روح عابدان
- در ادامه‌ی نبرد کوروکشترا
- کشتن پنج پسر دروپادی
- رها کردن برهماسترا
- خداوند کریشنا، ماوراء
- ماهیت ظهور وی
- دستگیری آشواتاما
- برهمانا و برهما-باندهو
- قاتل حیوانات تقبیح می‌شود
- خداوند کریشنا دستور قتل آشواتاما را صادر می‌کند
- سستی زنان
- خداوند کریشنا معمایی غیرقابل حل را حل می‌کند

فصل هشتم: دعا‌های ملکه کونتی و نجات پاریکشیت ۳۹۷

- نبرد کوروکشترا پایان می‌یابد
- تلاش برای قتل پسر زابیده‌نشده‌ی اوتارا
- خداوند کریشنا، پاریکشیت را از مرگ در رحم نجات می‌دهد
- دعا‌های ملکه کونتی به خداوند کریشنا
- چرا عابدان از بدبختی‌ها استقبال می‌کنند
- مردم تصور می‌کنند خداوند طرفدار گروهی است
- چگونگی اجتناب از تولد و مرگ
- شکوفایی طبیعی بر خلاف جهنم صنعتی
- کریشنا گروه‌های سیاسی اهریمنان را نابود می‌کند
- پادشاه یودهیشثیرا برای ۶۴۰ میلیون کشته نبرد سوگواری می‌کند

فصل نهم: درگذشت بهیشمادو در حضور خداوند کریشنا.....۴۶۵

- بهیشما برای ترک بدن خویش آماده می‌شود
- تجمع تمام ارواح بزرگ در بستر مرگ بهیشما
- بهترین حفاظت: خداوند، برهماناها و دین
- احمقان فکر می‌کنند کریشنا انسانی عادی است
- یوگای واقعی: رؤیت شخصیت خداوند
- بهیشما تمدن کامل را توصیف می‌کند
- بدن متعال خداوند
- توصیف شکل زیبای خداوند
- خداوند متعال، ارباب‌ران آرجونا می‌شود

سر آغاز

ما باید نیاز جامعه‌ی انسانی کنونی را بدانیم. و این نیاز چیست؟ جامعه‌ی انسانی دیگر گرفتار محدودیت‌های جغرافیایی و مرزبندی‌های مربوط به کشورهای خاص و یا جامعه‌ی خاص نیست. جامعه‌ی انسانی نسبت به قرون وسطی فراتر رفته و بسیار گسترده شده است. گرایش کنونی جهان به سمت تشکیل یک کشور و یا یک جامعه‌ی انسانی در کل جهان است. بر اساس شریماد بهاگواتام، کمونیسیم روحانی، آرمانی کم و بیش بر اساس یگانگی کل جامعه‌ی انسانی و یا به عبارتی دیگر بر اساس یکی بودن کل انرژی تمام موجودات زنده است. درک این نیاز توسط متفکران بزرگ سبب گردیده که این نظر را تبدیل به ایدئولوژی موفقی نمایند. شریماد بهاگواتام این احتیاج را در جامعه‌ی انسانی برآورده می‌سازد. بنابراین شریماد بهاگواتام با این کلمات قصار فلسفه‌ی ودانتا (جانمادی آسیایاتا) (*janmādy asya yatah*) جهت استقرار وجه مشترک آرمانی آغاز می‌گردد.

جامعه‌ی انسانی در حال حاضر تحت تأثیر تاریکی فراموشی نیست؛ بلکه پیشرفت سریعی در زمینه‌ی رفاه مادی، دانش و پیشرفت اقتصادی در سراسر جهان نموده است. اما در مجموع یک مشکل کلی در ساختار اجتماعی آن وجود دارد و بدین جهت دائماً حتی در مورد کم‌اهمیت‌ترین مسائل در سطح جهانی نزاع و اختلاف وجود دارد. اکنون نیاز به راهنمایی برای یکپارچه نمودن بشریت توأم با صلح، دوستی و رفاه و با اهداف مشترک وجود دارد. شریماد بهاگواتام این احتیاج را برآورده می‌سازد؛ زیرا ارائه‌ی فرهنگی برای روحانی نمودن دوباره‌ی کل جامعه‌ی بشری است. شریماد بهاگواتام باید در مدارس و دانشگاه‌ها نیز تدریس گردد. همان‌گونه که توسط رهرو و عابد بزرگی چون پراهلاد ماهاراج برای تغییر صورت دیوصفتانه‌ی جامعه توصیه گردیده است:

*kaumāra ācaret prājño
dharmān bhāgavatān iha
durlabhaṁ mānuṣaṁ janma
tad apy adhruvam arthadam
(SB 7.6.1)*

تفرقه در جامعه‌ی انسانی در نتیجه‌ی عدم برقراری اصول در یک تمدن بی‌خدا پدید می‌آید.

خداوند و یا قادر مطلق وجود دارد که همه چیز از او نشأت می‌گیرد، اوست که از همه چیز حفاظت می‌نماید و همه چیز در او مستحیل می‌گردد و آرام می‌گیرد. دانش مادی با وجود تمام تلاش‌هایش موفق به یافتن منشاء نهایی خلقت نشده است. اما حقیقت مسلم این است که یک منشاء نهایی برای همه چیز وجود دارد و این منشاء نهایی به طور معتبر، موثق و منطقی در کتاب زیبایی بهاگواتام یا شریمادهاگواتام شرح داده شده است.

شریمادهاگواتام دانش ماوراء و متعال است و ما نه تنها برای آگاهی از منشاء نهایی همه چیز، بلکه برای شناخت رابطه‌ی خود با او و وظایف خود نسبت به کل جامعه‌ی انسانی می‌توانیم بر مبنای این دانش کامل عمل نماییم. این کتاب حاوی مطالب مؤثری به زبان سانسکریت است که هم‌اکنون به طور کامل به زبان انگلیسی برگردانده شده است تا صرفاً با مطالعه‌ی دقیق آن، خواننده قادر به درک خداوند در حدی عالی گردد و با کسب دانش کافی از آن بتواند در مقابل حملات سخت ملحدین از خود دفاع کند. و بالاتر از این، حتی انسان می‌تواند دیگران را به راه خداشناسی و قبول خداوند به عنوان حقیقت‌اعلای زندگی رهنمون سازد.

شریمادهاگواتام با تعریف و توصیف در مورد منشاء نهایی آغاز می‌شود. این کتاب شرحی موثق بر ودانتاسوترا توسط نویسنده‌ی آن شریلا ویاسادوا است و به طور تدریجی در نه جزء خواننده را به بالاترین مرحله‌ی ادراک خداوند می‌رساند. تنها شرط لازم برای درک این کتاب بی‌نظیر مشتمل بر دانش متعال این است که باید گام به گام و با دقت، و نه مثل کتاب‌های عادی دیگر تصادفی و اتفاقی، و با پرش از بخشی به بخش دیگر، خوانده شود. این کتاب باید فصل به فصل یکی پس از دیگری مطالعه شود. مطالب به صورت متن اصلی سانسکریت، ترجمه‌ی انگلیسی، و کلمات مترادف طوری طرح‌ریزی گردیده که انسان واقعاً می‌تواند مطمئن باشد که پس از خواندن نه جزء نخست آن کاملاً تبدیل به یک روح خداشناخته می‌گردد.

جزء دهم شریمادهاگواتام از نه جزء (کنتوی) اولیه مجزا است؛ زیرا به شرح مستقیم اعمال و بازی‌های خداوند متعال، شری کریشنا، می‌پردازد. انسان بدون مطالعه‌ی نه جزء اولیه نمی‌تواند جزء دهم و اثرات آن را درک نماید. این کتاب در دوازده جزء تکمیل می‌گردد که هر کدام مستقل از دیگری هستند، اما توصیه می‌گردد که این کتاب در قالب قسمت‌هایی کوچک، یکی پس از دیگری خوانده شود.

من باید کمبودهای کار خود در ارائه‌ی شریمادهاگواتام را تصدیق نمایم؛ اما همچنان با اتکا به قدرت بیانی‌ی زیر از شریمادهاگواتام، به ادراک عالی آن از سوی متفکرین و حکمای جامعه امیدوار هستم:

*tad-vāg-visargo janatāgha-viplavo
yasmin prati-ślokaṁ abaddhavyaṁ aṅgī
nāmāny anantasya yaśo 'ṅkitāni yac
chṛṇvanti gāyanti gṛṇanti sādavaḥ*
(SB 1.5.11)

” از سوی دیگر، اثری که حاوی توصیفات شکوه نام متعال خداوند، شهرت متعال خداوند، فرم متعال خداوند و بازی‌های نامحدود خداوند باشد، اثری فوق‌العاده و متعال و ماورایی است که می‌تواند انقلابی در زندگی غیرمستقیم تمدن منحرف امروزی پدید آورد. چنین اثر متعالی حتی اگر به طور بی‌قاعده و بی‌نظمی نوشته شود، شنیده، خوانده و مقبول افراد پاک‌ی که قلباً صادق هستند واقع می‌گردد.“

اُم تات سات

آ.ج. بهاکتی ودانتا سوامی

دهلی، پانزدهم دسامبر ۱۹۶۲

پیشگفتار

این بهاگواتا پورانا همچون خورشید درخشان است و درست پس از عزیمت خداوند کریشنا، به سمت سکونتگاهش همراه با دین، دانش و غیره طلوع نموده است. آنها که به دلیل تاریکی شدید جهل در عصر کالی بصیرت خود را از دست داده‌اند، باید از این پورانا کسب نور کنند.^۱ (شریماد-بهاگواتام ۴۳/۳/۱)

حکمت بی‌پایان هند در وداها، متون سانسکریت باستانی که تمام حوزه‌های دانش بشری را در خود دارا هستند، بیان شده است. وداها که در آغاز از طریق سنت شفاهی نگاه داشته می‌شدند نخستین بار پنج هزار سال پیش توسط ویاسادو، «ظهور ادبی خداوند» به رشته‌ی تحریر درآمدند. پس از تألیف وداها، ویاسادو عصاره‌ی وداها را در قالب سخنان کوتاه پندآموزی با عنوان ودانتا-سوتراها به رشته‌ی تحریر درآورد. شریماد-بهاگواتام، تفسیر ویاسادو بر ودانتا-سوترای خویش است. این کتاب در دوره‌ی بلوغ زندگی روحانی ویاسادو و تحت هدایت نارادا مونی، پیر روحانی وی نگاشته شده است. شریماد-بهاگواتام که با عنوان «میوه‌ی رسیده‌ی درخت متون ودایی» مورد اشاره قرار می‌گیرد، کامل‌ترین و معتبرترین شرح دانش ودایی است.

پس از تألیف بهاگواتام، ویاسا خلاصه‌ی آن را برای پسرش، شوکادو گوسوامی حکیم بازگو نمود. بعدها شوکادو گوسوامی در اجتماع حکیمان در ساحل گنگ در هاستیناپور (دهلی نو) کل بهاگواتام را برای ماهاراج پاریکشیت نقل کرد. ماهاراج پاریکشیت امپراطور جهان و یک راجاریشی بزرگ (پادشاه قدیس) بود. با دریافت هشدار مبنی بر مرگ ظرف مدت یک هفته، وی خود را از پادشاهی منقطع نمود و برای روزه گرفتن تا هنگام مرگ و درک بصیرت روحانی در ساحل رود گنگ حاضر شد. بهاگواتام با پرسش خردمندان‌هی امپراطور پاریکشیت از شوکادو گوسوامی آغاز می‌شود: "تو پیر روحانی حکیمان بزرگ و عابدان هستی. بنابراین من از تو درخواست می‌کنم مسیر کمال برای همگان، و به خصوص برای کسی که در آستانه‌ی مرگ است را توضیح دهی. خواهش می‌کنم اجازه بده بدانم یک انسان چه چیزی را باید بداند، ذکر کند، به یاد آورد و پرستش کند و نیز چه کاری را نباید انجام دهد. خواهش می‌کنم اینها را برای من شرح بده."

پاسخ شوکادو گوسوامی به این پرسش و دیگر پرسش‌های متعدد مطرح شده توسط ماهاراج

پاریکشیت، در مورد همه چیز از ماهیت خود تا منشاء جهان توجه کامل جمع حکیمان را به خود جلب نمود و این امر به مدت هفت روز تا زمان مرگ پادشاه استمرار یافت. حکیم سوتا گوسوامی، که در آن اجتماع و زمانی که شوکادو گوسوامی شریماد-بهاگاواتام را اولین بار نقل می نمود حضور داشت، بعدها بهاگاواتام را در جمع حکیمان در جنگل نایمشرانیا بازگو نمود. آن حکیمان که نگران خیر روحانی عموم مردم بودند، جمع شده بودند تا سلسله قربانی های مستمر و درازمدتی را انجام دهند تا با اثرات مخرب اولیهی عصر کالی مقابله کنند. در واکنش به درخواست حکیمان از سوتا گوسوامی برای بیان جوهر خرد ودایی، وی از حفظ، کل هجده هزار آیهی شریماد-بهاگاواتام را آن گونه که توسط شوکادو گوسوامی برای ماهاراج پاریکشیت بیان شده بود، تکرار کرد.

خوانندهی شریماد-بهاگاواتام می شنود که سوتا گوسوامی پرسش های ماهاراج پاریکشیت و پاسخ های شوکادو گوسوامی را نقل می کند. همچنین سوتا گوسوامی بعضی مواقع مستقیماً به پرسش های مطرح توسط شوناکا ریشی، سخنران جمع حکیمان در نایمشرانیا پاسخ می دهد. بنابراین فرد به صورت همزمان دو مکالمه را می شنود. یکی بین ماهاراج پاریکشیت و شوکادو گوسوامی در ساحل گنگ، و دیگری در نایمشرانیا میان سوتا گوسوامی و حکیمان حاضر در آن جنگل به رهبری شوناکا ریشی، علاوه بر این، شوکادو گوسوامی در هنگام آموزش دادن به پادشاه پاریکشیت اغلب داستان های تاریخی را نقل می کند و به مباحث فلسفی طولانی میان حکیمان بزرگی همچون نارادا مونی و واسودوا ارجاع می نماید. با این درک از تاریخ بهاگاواتام، خواننده به سادگی قادر به پیگیری مکالمه ها و حوادث درهم آمیخته از منابع مختلف خواهد شد. از آن جایی که خرد فلسفی و نه نظم و ترتیب تاریخی، مهم ترین موضوع این کتاب است، فرد باید تنها نسبت به موضوع اصلی شریماد-بهاگاواتام آگاه باشد، تا پیغام عمیق آن را کاملاً درک کند.

مترجمان این نسخه، بهاگاواتام را به آب نبات تشبیه می کنند، که هر کجای آن را بجشید، آن را به همان میزان شیرین و خوش طعم خواهید یافت. بنابراین، برای چشیدن شیرینی بهاگاواتام، فرد می تواند مطالعهی هر یک از مجلدات این نسخه را آغاز کند. اما پس از این مزه ی ابتدایی، به خوانندهی جدی توصیه می شود که به ابتدای جزء اول باز گردد و به تدریج در طول بهاگاواتام، جزئی پس از جزء دیگر با نظم طبیعی آن پیش رود.

نسخه ی حاضر از بهاگاواتام، اولین ترجمه ی کامل انگلیسی این متن مهم به همراه تفسیری دقیق است و برای نخستین بار در دسترس عموم مردم انگلیسی زبان قرار گرفته است. دوازده

مجلد اول (از جزء یک تا جزء ده، بخش اول) محصول تلاش تحقیقاتی و عابدانه‌ی مظهر لطف الهی آ.ج. بهاکتی‌ودانتا سوامی پرابهوپاد، آچاریای بنیان‌گذار انجمن بین‌المللی کریشنا‌آگاهی، و معلم مشهور مذهب و اندیشه‌ی فلسفی هند است. دانش بی‌انتهای وی در سانسکریت و آشنایی کامل او با فرهنگ و اندیشه‌ی ودایی و با شناخت وی از روش‌های نوین زندگی ترکیب گشته است تا شرحی عظیم را بر این کتاب کلاسیک مهم، پدید آورد. پس از رحلت شریلا پرابهوپاد در سال ۱۹۷۷، فعالیت به یاد ماندنی ترجمه و شرح نویسی بر شریما-د-بهاگاواتام توسط شاگردانش هیرادیاناندا داسا گوسوامی و گوپی پارانادهانا داسا ادامه یافته است.

خوانندگان به دلایل مختلف این اثر را ارزشمند خواهند یافت. برای افرادی که علاقمند به ریشه‌های باستانی تمدن هند هستند، این کتاب به منزله‌ی منبعی عظیم از اطلاعات مشروح در زمینه‌های مختلف آن تمدن عمل می‌کند. برای دانشجویان مذهب و فلسفه‌ی قیاسی، بهاگاواتام دیدگاهی نافذ در مورد مفهوم میراث روحانی عمیق هند را عرضه می‌دارد. برای جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان، بهاگاواتام فعالیت علمی یک فرهنگ ودایی سازمان یافته به لحاظ علمی و سرشار از صلح را ارائه می‌کند که نهادهای آن بر اساس یک دیدگاه جهانی روحانی بسیار پیشرفته در یکدیگر ادغام شده‌اند. دانشجویان ادبیات، بهاگاواتام را به عنوان یک شاهکار از شعر خارق‌العاده خواهند یافت. برای دانشجویان روانشناسی، این کتاب فراهم‌آورنده‌ی دیدگاه‌هایی حائز اهمیت از ماهیت آگاهی، رفتار انسانی و مطالعه‌ی فلسفی هویت است. در نهایت برای کسانی که در جستجوی کسب بینش روحانی هستند، کل این کتاب حجیم و چند جلدی که توسط انتشارات "بهاکتی‌ودانتا بوک تراست" ارائه می‌شود، تا مدت‌های مدید جایگاهی حائز اهمیت در زندگی فکری، فرهنگی و روحانی انسان امروزی خواهد داشت.

- ناشران انگلیسی کتاب -

مقدمه

مفاهیم خداوند و حقیقت مطلق در سطح یکسانی قرار ندارند. شربماد-بهاگاواتام حقیقت مطلق را هدف قرار می‌دهد. مفهوم خداوند بر کنترل‌کننده دلالت دارد، در حالی که مفهوم حقیقت مطلق بر خیر مطلق یا منشاء لایزال تمامی انرژی‌ها دلالت دارد. هیچ اختلاف نظری درباره‌ی وجه شخصی خداوند به عنوان کنترل‌کننده وجود ندارد؛ زیرا کنترل‌کننده نمی‌تواند فاقد هویت باشد. البته دولت‌های مدرن، به ویژه دولت‌های دموکراتیک تا حدودی بی‌هویت هستند؛ اما در نهایت رییس بخش اجرایی در این دولت‌ها نیز یک شخص، و وجه فاقد شخصیت دولت تابع این وجه شخصی است. پس بدون شک هرگاه به کنترل کردن دیگران اشاره می‌کنیم باید وجود یک وجه شخصی را بپذیریم. از آن‌جا که کنترل‌کنندگان مختلف برای موقعیت‌های مدیریتی مختلف وجود دارند، ممکن است خدایان کوچک بسیاری وجود داشته باشند. آن‌گونه که در بهاگاواد-گیتا آمده است، هر کنترل‌کننده‌ای که تا حدی دارای قدرت خارق‌العاده‌ی خاصی باشد، *ویبهوتیمات ساتوا (vibhūtimat sattva)* یا کنترل‌کننده‌ی قدرت‌یافته از سوی خداوند نامیده می‌شود. *ویبهوتیمات ساتوا*ها یا کنترل‌کنندگان و خدایان بسیاری با قدرت‌های خاص متفاوت وجود دارند، اما حقیقت مطلق یکی است و دومی ندارد. شربماد-بهاگاواتام حقیقت مطلق یا خیر مطلق را به عنوان *پارام ساتیام (param satyam)* برمی‌گزیند.

نویسنده‌ی شربماد-بهاگاواتام، شریلا ویاسادو، در ابتدا سجده‌های محترمانه‌ی خویش را به پارام ساتیام (حقیقت مطلق) تقدیم می‌نماید و از آن‌جا که پارام ساتیام منشاء غایی همه‌ی انرژی‌هاست، همان شخص متعال است. خدایان یا کنترل‌کنندگان بی‌شک شخص هستند، اما پارام ساتیام که خدایان قدرت کنترل‌کردن را از او دریافت می‌کنند، شخص متعال است. لغت سانسکریت ایشوارا (کنترل‌کننده) اهمیت خداوند را نشان می‌دهد، اما شخص متعال پارام ایشوارا (*paramēśvara*) یا ایشوارای متعال نامیده می‌شود. شخص متعال یا پارام ایشوارا، شخصیت آگاه متعال است و از آنجایی که هیچ قدرتی را از هیچ منشاء دیگری کسب نمی‌کند، به طور متعال مستقل است. در ادبیات ودائی، برهما به عنوان خدای متعال یا رییس همه‌ی خدایان دیگر چون ایندرا، چاندرا و وارونا توصیف شده است؛ اما شربماد-بهاگاواتام تأیید می‌کند که حتی برهما در قدرت و دانش خود مستقل نیست. او دانش را به شکل وادها از شخص متعال که در

درون قلب همه‌ی موجودات زنده جای دارد، دریافت نمود. آن شخصیت متعال از همه چیز به طور مستقیم و غیرمستقیم آگاه است. اشخاص منفرد بی‌نهایت کوچک که ذرات و اجزای شخصیت متعال هستند، ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم همه چیز را در رابطه با بدن و یا کیفیات بیرونی خود بدانند، اما شخصیت متعال همه چیز را، هم درباره‌ی کیفیات بیرونی و هم درباره‌ی کیفیات درونی خود، می‌داند.

کلمات «جانمادی آسیا» (ش.ب. ۱. ۱. ۱) به این موضوع اشاره دارند که منشاء تمام آفرینش‌ها، حفاظت‌ها و نابودی‌ها همان شخصیت آگاه متعال است. حتی با تجربه‌ی فعلی خود، می‌دانیم که هیچ چیز از ماده‌ی بی‌جان به وجود نمی‌آید؛ بلکه ماده‌ی بی‌جان می‌تواند توسط موجودات زنده تولید شود. برای مثال، بدن مادی بر اثر تماس با موجود زنده، به یک ماشین کاری تبدیل می‌شود. انسان‌ها با دانش ناچیز خود، این ماشین بدن را موجود زنده می‌پندارند. اما حقیقت این است که موجود زنده، پایه و اساس این ماشین بدنی است. ماشین بدن به محض اینکه جرقه‌ی زندگی، آن را ترک کند بلااستفاده می‌شود. به‌طور مشابه، منشاء اصلی انرژی‌های مادی، شخص متعال است. این حقیقت در تمام متون ودائی بیان شده و تمام تفاسیر دانش روحانی این حقیقت را پذیرفته‌اند. نیروی زندگی (حیات)، برهن نامیده می‌شود. یکی از آچارپاهای (معلمان) بزرگ به نام شری پاد شانکاراچاریا (*Śrīpāda Śaṅkarācārya*) این‌گونه توضیح می‌دهد که برهن اصل، و دنیای تجلی‌یافته فرع است. منشاء اصلی همه‌ی انرژی‌ها نیروی حیات است و او به طور منطقی به عنوان شخص متعال پذیرفته می‌شود. بنابراین او به همه چیز در گذشته، حال و آینده، و همچنین به تمام زوایای تجلیات مادی و روحانی خویش آگاه است. یک موجود زنده ناقص حتی نمی‌داند که درون بدن خودش چه می‌گذرد. او غذا می‌خورد؛ اما نمی‌داند این غذا چگونه تبدیل به انرژی می‌شود، یا چگونه این انرژی بدن او را حفظ می‌کند. وقتی که یک موجود زنده کامل باشد، بر هر چیزی که رخ می‌دهد آگاه است؛ و از آنجایی که خداوند متعال از همه لحاظ کامل است، کاملاً طبیعی است که او همه چیز را با همه‌ی جزئیات می‌داند. در نتیجه در شریماد-بهاگواتام، شخصیت کامل با عنوان *واسودوا* (*Vāsudeva*) یا کسی که در همه جا با آگاهی تمام و در مالکیت تمام نسبت به انرژی کامل خود زندگی می‌کند، خطاب می‌گردد. همه‌ی اینها به روشنی در شریماد-بهاگواتام توضیح داده شده است و خواننده فرصت کافی برای مطالعه‌ی موشکافانه‌ی این مطالب را خواهد داشت.

در عصر کنونی، خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو، با عمل به شریماد-بهاگواتام در زندگی خود، به موعظه و تعلیم آن پرداخت. دستیابی به موضوعات شریماد-بهاگواتام به واسطه‌ی لطف

بی‌دریغ شری چیتانیا آسان‌تر است. بنابراین شرح کوتاهی از از زندگی و آموزه‌های ایشان در این‌جا بیان گردیده است تا به خواننده در درک شکوه حقیقی شریماد-بهاگواتام کمک نماید. بسیار مهم است که فرد، شریماد-بهاگواتام را از شخص بهاگواتام بیاموزد. شخص بهاگواتام کسی است که زندگی او نمونه‌ای عملی از شریماد-بهاگواتام باشد. از آن‌جا که شری چیتانیا ماهاپرابهو شخصیت مطلق خداوند است، او هم شخص و هم صوت بهاگوان و هم بهاگواتام می‌باشد. بنابراین روش او برای نزدیک شدن به شریماد-بهاگواتام برای همه‌ی جهانیان عملی است. خواسته‌ی وی این بود که شریماد-بهاگواتام در هر گوشه و کنار این جهان توسط کسانی که در هند متولد شده‌اند آموزش داده شود.

شریماد-بهاگواتام علم کریشنا، شخصیت مطلق خداوند است که ما بر اساس متن بهاگاواد-گیتا، دانشی مقدماتی نسبت به وی داریم. شری چیتانیا ماهاپرابهو فرموده است که هر شخص متبحر در دانش کریشنا (شریماد-بهاگواتام و بهاگاواد-گیتا)، بدون توجه به شغلی که دارد، می‌تواند واعظ و معلمی معتبر در این دانش باشد.

برای نجات بشر در حال رنج در سراسر جهان، جامعه‌ی بشری به علم کریشنا نیاز دارد. و ما به سادگی از رهبران همه‌ی ملتها تقاضا داریم به خاطر خیر خویش، جامعه و همه‌ی مردم جهان، این دانش را به کار گیرند.

شرح کوتاهی بر زندگی و آموزه‌های خداوند چیتانیا، واعظ شریماد-بهاگواتام

خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو (Lord Śrī Caitanya Mahāprabhu)، پیام‌آور بزرگ عشق به خداوند و پدر ذکر دسته‌جمعی نام مقدس خداوند، در عصر روز بهالگونی پورنیم (Phālgunī Pūrṇimā) سال ۱۴۰۷ شاکابدا (Śākābda) (مطابق با فوریه ۱۴۸۶ میلادی) در سرزمین مقدس مایاپور (Śrīdhāma Māyāpura)، در محله‌ای از شهر ناوادیپ (Navadvīpa) در بنگال ظهور نمود.

پدرش شری جاگاناتها میشر (Śrī Jagannātha Miśra)، برهمنای فاضلی از منطقه‌ی سیلخت (Sylhet) بود که در پی کسب دانش به ناوادیپ آمده بود؛ چرا که ناوادیپ در آن زمان مرکز آموزش و فرهنگ به شمار می‌رفت. او پس از ازدواج با شریماتی ساچی‌دوی (Śrīmatī Śacidevī)، دختر شریلا نیلامبارا چاکراواری

(*Śrīla Nilāmbara Cakravartī*)، حکیم فرهیخته‌ی ناوادیپا، در ساحل رودخانه‌ی گنگ سکنی گزید.

جاگانانها می‌شرا از همسرش ساچی‌دوی صاحب چندین فرزند دختر شد که اکثر آنها در سنین کودکی از دنیا رفتند. در نهایت دو پسرش به نام‌های شری ویشواروپا (*Śrī Viśvarūpa*) و ویشوامبارا (*Viśvambhara*) که زنده مانده بودند، مورد عشق والدین خود قرار گرفتند. دهمین و جوان‌ترین پسر به نام ویشوامبارا بعدها به نام نیمای پاندیت (*Nimāi Paṇḍita*) شناخته شد و پس از پذیرش مرحله‌ی انقطاع از زندگی، به خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو شهرت یافت.

خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو، چهل و هشت سال بازی‌های متعال خویش را به نمایش گذاشت و سرانجام در سال ۱۴۵۵ شاکابدا در پوری (*Purī*) از این جهان ناپدید گشت.

وی ۲۴ سال نخست زندگی‌اش را چون فردی دانش‌آموز و متأهل در ناوادیپ گذراند. همسر اولش، شریماتی لاکشمی‌پریا (*Śrīmatī Lakṣmīpriyā*) بود که در اوان جوانی، زمانی که خداوند چیتانیا مدتی از منزل دور بود، درگذشت. هنگامی که از بنگال شرقی بازگشت، به تقاضای مادرش همسر دوم اختیار کرد. همسر دومش شریماتی ویشنوپریا دوی (*Śrīmatī Viṣṇupriyā Devī*) بود که در سراسر زندگی خود فراغ خداوند چیتانیا را تحمل کرد، چرا که خداوند در سن بیست و چهار سالگی سانایاسا (*sannyāsa*) (انقطاع) اتخاذ نمود و در این زمان، شریماتی ویشنو پریا فقط شانزده سال داشت.

خداوند پس از سانایاس شدن به درخواست مادرش شریماتی ساچی‌دوی، در جاگانات پوری مستقر شد. وی ۲۴ سال در پوری اقامت گزید و شش سال از این مدت را به طور مداوم به سراسر هند (به خصوص بخش‌های جنوب هند) سفر می‌کرد و شریماد-بهاگاواتام را آموزش می‌داد.

خداوند چیتانیا نه فقط شریماد-بهاگاواتام را آموزش داد، بلکه تعالیم بهاگاواد-گیتا را به کاربردی‌ترین صورت ممکن اشاعه نمود. در بهاگاواد-گیتا خداوند شری کریشنا به عنوان شخصیت متعال خداوند معرفی می‌شود و آخرین آموزه‌ی او در این کتاب عالی دانش روحانی این است که شخص باید تمام گونه‌های اعمال دینی را کنار بگذارد و او (خداوند شری کریشنا) را به عنوان تنها خدای قابل پرستش بپذیرد. آنگاه خداوند به همه‌ی عابدانش اطمینان می‌دهد که آنها را از تمام انواع اعمال گناه‌آلود حفظ خواهد نمود و برای آنها هیچ جای نگرانی وجود نخواهد داشت.

متأسفانه با وجود دستورات مستقیم خداوند شری کریشنا و آموزه‌های بهاگاواد-گیتا، افراد کم‌خرد

به اشتباه او را چیزی جز یک شخصیت تاریخی بزرگ نمی‌دانند، از این رو نمی‌توانند او را به عنوان شخصیت‌اعلای خداوند بپذیرند. این افراد با دانش ناچیز خود، توسط جمع کثیر غیرعابدان، گمراه می‌شوند. بنابراین تعالیم بهاگاواد-گیتا حتی توسط محققان بزرگ نیز به اشتباه تفسیر شده است. محققان متبحر، پس از غیبت خداوند شری کریشنا، صدها تفسیر بر بهاگاواد-گیتا نوشتند که تقریباً همه‌ی این تفاسیر آمیخته با انگیزه‌ها و علایق شخصی بود.

خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو خود خداوند شری کریشنا است؛ اما این بار به عنوان عابد بزرگ خداوند ظهور کرده است تا عموم مردم و همین طور مذهبیبون و فلاسفه را درباره‌ی مقام متعال شری کریشنا، خداوند ازلی و علت همه‌ی علت‌ها، ارشاد کند. جوهر آموزه‌های او این است که خداوند شری کریشنا، که در وراجابهومی (*Vrajabhūmi*) (ورینداوان) به عنوان پسر پادشاه وراج (ناندا ماهاراج) (*Nanda Mahārāja*) ظهور کرد، شخصیت متعال خداوند و قابل پرستش برای همگان است. سرزمین مقدس ورینداوان با خود خداوند تفاوتی ندارد، چرا که نام، شهرت، فرم و مکانی که خداوند خود را در آن‌جا متجلی نموده است، همگی به عنوان دانش مطلق با خداوند یکی هستند. بنابراین سرزمین ورینداوان همانند خود خداوند قابل پرستش است. بالاترین طریق پرستش متعال خداوند توسط بانوان وراجابهومی به فرم عشق خالص به خداوند به نمایش گذارده شده است. و خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو، این راه را به عنوان عالی‌ترین طریقه‌ی پرستش توصیه می‌نماید. او شریماد-بهاگاواتا پورانا (*Śrīmad-Bhāgavata Purāna*) را به عنوان ادبیاتی بی‌نقص جهت درک خداوند می‌پذیرد و هدف غایی زندگی تمام انسان‌ها را دست یافتن به سکوی پرما (*premā*) یا عشق به خداوند بیان می‌دارد.

بسیاری از عابدان خداوند چیتانیا ماهاپرابهو مانند شریلا ورینداوان داس تهاکور، شری لوکانا داس تهاکور، شریلا کریشنا داس کاویراج گوسوامی، شری کاویکارناپور، شری پرابدهاناندا ساراسواتی، شری روپا گوسوامی، شری ساناتانا گوسوامی، شری راگونات بهاتا گوسوامی، شری جیوا گوسوامی، شری گوپالابهاتا گوسوامی، شری راگونات داس گوسوامی، و در ۲۰۰ سال اخیر، شری ویشوانات چاکراواری، بالادوا ویدیا بهوشانا، شری شیاماناندا گوسوامی، شری ناروتام داس تهاکور، شری بهاکتی‌وینود تهاکور و در آخر، شری بهاکتی‌سیدهاناندا ساراسواتی تهاکور (پیر روحانی ما) و بسیاری دیگر از محققان بزرگ و سرشناس و عابدان خداوند، چندین جلد کتاب و متون مختلفی را درباره‌ی زندگی و تعالیم خداوند به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. این متون همگی بر اساس شاستراهایی مانند وداها، پوراناها، اوپانیشادها، رامایانا، ماهابهاراتا و دیگر تاریخ و ادبیات معتبر تأیید شده توسط آچاریاها نوشته شده‌اند. آنها در ترکیب منحصر به فرد، در ارائه بی‌نظیر، و

مملو از دانش متعال هستند. متأسفانه جهانیان هنوز از آنها غافل هستند؛ اما وقتی این متون که بیشتر به زبان بنگالی و سانسکریت هستند، جهان را روشن کنند و به اندیشمندان عرضه شوند، آنگاه شکوه هند و پیام عشق، این جهان بیمارگون را که به روش‌های توهمی تأیید نشده از سوی آچارهای سلسله‌ی پیران روحانی، بیهوده در جستجوی آرامش و کامیابی است، در بر خواهد گرفت.

خوانندگان این شرح کوتاه بر زندگی و تعالیم خداوند چیتانیا با مراجعه به کتاب‌های شری و رینداوان داس تهاکور (شری چیتانیا- بهاگواتا) (*Śrī Caitanya-bhāgavata*) و شری کریشناداس کویراج گوسوامی (شری چیتانیا- چاریتامریتا) (*Śrī Caitanya-caritāmṛta*) بسیار سود خواهند برد. ایام جوانی خداوند به طرز بسیار جذابی توسط نویسنده‌ی چیتانیا- بهاگواتا (*Caitanya-bhāgavata*)، و آموزه‌های وی نیز در چیتانیا- چاریتامریتا (*Caitanya-caritāmṛta*) واضح‌تر توصیف شده‌اند. این تعالیم اکنون برای جامعه‌ی انگلیسی‌زبان از طریق کتاب «آموزش‌های خداوند چیتانیا»^۱ م قابل دسترسی است.

سال‌های نخستین زندگی خداوند توسط یکی از نزدیک‌ترین عابدان معاصر ایشان به نام شریلا موراری گوپتا، طبیب وقت، و بخش دوم زندگی شری چیتانیا ماهاپرابهو توسط منشی مخصوص ایشان، شری دامودار گوسوامی، یا شریلا سواروپ دامودار، که عملاً همراه دائمی خداوند در پوری بود، ثبت شده است. این دو عابد عملاً جزئیات همه‌ی فعالیت‌های خداوند را جمع‌آوری کردند و کتاب‌های مورد اشاره در بالا که بعدها درباره‌ی خداوند نوشته شد، بر اساس کوداچاهای (یادداشت‌ها) شریلا دامودار گوسوامی و موراری گوپتا بوده است.

بنابراین خداوند در هنگام عصر پهلالگونی پورنیمای ۱۴۰۷ شاکابدا ظهور نمود و به اراده‌ی او بود که در آن هنگام ماه‌گرفتگی صورت گرفت. بر اساس سنت، هندوها به هنگام ماه‌گرفتگی در رودخانه‌ی گنگ یا در هر رودخانه مقدس دیگری استحمام می‌کنند و به منظور تطهیر به ذکر مانترهای ودایی می‌پردازند. بنابراین به هنگام تولد خداوند چیتانیا در حین ماه‌گفتگی، همه‌ی هندوستان را صدای مقدس هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره ، هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره، فرا گرفته بود. این شانزده نام خداوند در بسیاری از پوراناها و اوپانیساده‌ها ذکر، و به عنوان تاراکا- برهما ناما (*Tāraka-brahma nāma*) در این عصر معرفی شده است. در کتب مقدس توصیه شده است که ذکر بدون اهانت این نام‌های مقدس خداوند، می‌تواند روح فروافتاده را از اسارت دنیای مادی نجات بخشد. خداوند نام‌های بی‌شماری چه در هند و چه خارج از هند دارد و همه‌ی آنها به یک اندازه خوب هستند؛ زیرا همگی نشانگر

شخصیت اعلای خداوند می‌باشند. اما از آن‌جا که این شانزده نام به طور خاص برای این عصر توصیه شده است، مردم باید از آنها بهره‌گیرند و راه آچاربای‌های بزرگی را دنبال کنند که با تمرین قوانین شاستراها (کتب مقدس) به موفقیت دست یافتند.

رخداد همزمان ظهور خداوند و خسوف ماه، نمایان‌گر مأموریت خاص خداوند بود. این مأموریت، آموزش اهمیت ذکر نام‌های مقدس خداوند در این عصر کالی (جنگ و نزاع) است. در عصر حاضر حتی بر سر چیزهای بی‌اهمیت نزاع در می‌گیرد. بنابراین متون مقدس برای این عصر خطمشی مشترکی را برای درک و شناخت توصیه کرده‌اند، و آن، ذکر نام‌های مقدس خداوند است. افراد می‌توانند گردهم آیند و خداوند را به زبان خودشان و با آوازهای موسیقایی، پرشکوه کنند. و اگر این ذکر نام‌های خداوند بدون اهانت انجام شود، به یقین شرکت‌کنندگان در آن ذکر، بدون نیاز به انجام روش‌های دشوارتر، به تدریج به کمال روحانی دست می‌یابند. در چنین گردهمایی‌هایی، خردمند و نادان، فقیر و غنی، هندو و مسلمان، انگلیسی و هندی، چاندالا و برهمنان، همگی می‌توانند اصوات متعال را بشنوند و به این ترتیب، گرد و غبار معاشرت‌های مادی را از آئینه قلبشان پاک کنند. برای تأیید رسالت خداوند، همه‌ی مردم جهان نام مقدس خداوند را به عنوان خطمشی مشترک آیین جهانی بشریت خواهند پذیرفت. به عبارت دیگر، ظهور نام مقدس خداوند همزمان با ظهور خداوند چیتانیا ماهاپرابهو اتفاق افتاد.

خداوند در آغوش مادرش با شنیدن صدای ذکر و کف زدن خانم‌ها در اطرافش، به یکباره دست از گریه برمی‌داشت. همسایه‌ها این رخداد غریب را با ترس و احترام می‌نگریستند. گاهی دختران جوان از به گریه انداختن خداوند و سپس متوقف کردن آن به وسیله‌ی ذکر نام خداوند لذت می‌بردند. بدین ترتیب خداوند از آغاز کودکی شروع به آموزش اهمیت نام مقدس نمود. در سال‌های اولیه‌ی کودکی، خداوند شری چیتانیا به نیمای معروف بود. این نام را مادر عزیزش به او داد؛ زیرا خداوند زیر یک درخت نیمبا در حیاط خانه‌ی پدرش متولد شده بود.

زمانی که در شش ماهگی در مراسم آنا-پراشانانا (*anna-prāśana*) به خداوند غذا دادند، وی رسالت آینده‌ی خود را نمایان ساخت. در این مراسم رسم بود که جلوی کودک سکه‌های پول و کتاب می‌گذاشتند تا سرنوشت آینده‌ی کودک تا حدی نشان داده شود. در یک طرف خداوند سکه و در طرف دیگرش شریمداد-بهاگواتام گذاشتند و خداوند به طرف شریمداد-بهاگواتام رفت و به سکه‌های طلا دست نزد. در زمان کودکی روزی ماری در برابر او که در حیاط سینه‌خیز می‌رفت ظاهر شد و خداوند مشغول به بازی کردن با او شد. همه‌ی ساکنین خانه با ترس و هیبت به این صحنه می‌نگریستند، اما پس از مدت زمان کوتاهی، مار آن‌جا را ترک کرد

و مادر فرزندش را در آغوش گرفت. یک بار دزدی او را به نیت ربودن جواهراتش دزدید و روی شانهاش گذاشت، اما خداوند از سفر کردن بر روی شانهای دزد سردرگم که به دنبال مکان خلوتی می‌گشت لذت می‌برد. این طور شد که دزد سرگردان این‌جا و آن‌جا، سرانجام به جلوی منزل جاگانات می‌رسید و از ترس گرفتار شدن، کودک را یکباره بر زمین انداخت. و البته والدین و اقوام نگران، از دیدن کودک گم‌شده خرسند شدند.

یک بار که منزل جاگانات می‌سرا میزبان برهمنایی زائر بود، خداوند در برابر زائر که در حال تقدیم غذا به خداوند بود، ظاهر شد و از غذای آماده شده خورد. چون کودک به غذاها دست زده بود، غذا دیگر قابل تقدیم نبود و بنابراین برهمانا ناچار شد غذای دیگری آماده کند. دوباره همان اتفاق افتاد. وقتی که برای سومین بار نیز همین اتفاق تکرار شد، کودک را به رختخواب بردند. ساعت دوازده شب، وقتی که همه‌ی افراد خانه در اتاق‌های درسته‌ی خود خواب بودند، برهمنای زائر غذاهای ویژه‌ی طبخ شده را به تمثال خداوند تقدیم کرد و به همان صورت قبل خداوند کودک در مقابل وی ظاهر شد و تقدیم غذای او را بر هم زد. این بار برهمانا شروع به گریه کردن نمود، ولی چون همه خواب بودند هیچ‌کس صدای گریه‌ی او را نشنید. در آن زمان خداوند کودک در برابر آن برهمنای خوشبخت ظاهر شد و هویت خود را به عنوان کریشنا بر او آشکار نمود. بر این برهمانا قدغن شده بود که این رخداد را برای کسی فاش نماید و کودک دوباره به آغوش مادرش بازگشت.

رویدادهای مشابه بسیاری در دوران کودکی او رخ داد. گاه همچون کودکی بازیگوش، برهمناهای متعصب را که برای غسل کردن به رودخانه‌ی گنگ می‌رفتند، تمسخر می‌نمود. وقتی برهمنانها به پدرش شکایت کردند که او به جای رفتن به مدرسه به آنها آب می‌پاشد، خداوند به ناگهان با لباس و کتاب‌های مدرسه جلوی پدرش ظاهر شد، گویی که تازه از مدرسه می‌آید. او همچنین عادت داشت که در گاتا (*ghāta*) حمام، با دختران همسایه که به امید یافتن همسران خوب مشغول پرستش خداوندگار شیوا بودند، شوخی کند. این یک سنت رایج در میان دختران مجرد خانواده‌های هندو است. هنگامی که آنها مشغول چنین پرستش‌هایی بودند، خداوند با شیطنت جلوی آنها ظاهر می‌شد و می‌گفت: "خواهران عزیزم خواهش می‌کنم هرچه برای تقدیم به خداوندگار شیوا آورده‌اید، به من دهید. خداوندگار شیوا عابد من، و پارواتی (*Pārvatī*) [همسر خداوندگار شیوا]، خادم من است. اگر مرا پرستش کنید، خداوندگار شیوا و سایر خداوندگاران بیشتر خشنود خواهند شد." برخی از آنها از خداوند بازیگوش پیروی نمی‌کردند و خداوند آنها را به خاطر این نافرمانی نفرین می‌کرد که با پیرمردانی که هفت فرزند از همسران

قبلی‌شان داشته باشند، ازدواج کنند. گاه از ترس و گاه از روی عشق، این دختران به او نیز غذاهای متنوع تقدیم می‌کردند و سپس خداوند به آنها اطمینان می‌داد که همسران جوان بسیار خوبی پیدا خواهند کرد و مادر دوازده فرزند خواهند شد. این الطاف خداوند دخترها را سرزنده می‌کرد، اما آنها اغلب نزد مادرانشان از این رخدادها شکایت می‌کردند.

خداوند به این ترتیب دوران کودکی خویش را سپری نمود. زمانی که فقط شانزده سال داشت چاتوش پاتهی (*catuṣpāṭhī*) خود (مدرسه‌ی روستایی که توسط یک برهمنای خردمند اداره می‌شود) را دایر نمود. در این مدرسه او حتی به هنگام خواندن دستور زبان نیز به توصیف کربشنا می‌پرداخت. شریلا جیوا گوسوامی بعدها برای خشنود ساختن خداوند، دستور زبانی در سانسکریت تدوین نمود که در آن همه‌ی قوانین با مثال‌هایی که نام‌های مقدس خداوند در آنها به کار رفته بود، شرح داده می‌شد. این دستور زبان هنوز رایج است و به عنوان هاری-نامامرتا-ویاکارانا (*Hari-nāmāmṛta-vyākaraṇa*) معروف است و در برنامه‌ی درسی مدارس بنگال قرار دارد.

در این زمان یک محقق بزرگ کشمیری به نام کِشاوا کشمیری (*Keśava Kāśmīri*) به ناوادویپ آمد تا مناظراتی در قالب متون مقدس داشته باشد. این پاندیت کشمیری محققى ممتاز بود و به تمام مکان‌های آکوزش در هندوستان سفر کرده بود. سرانجام به ناوادویپ آمده بود تا پاندیت‌های خردمند آنجا را به مناظره فرا خواند. پاندیت‌های ناوادویپ تصمیم گرفتند که نیمای پاندیت (خداوند چیتانیا) را در مقابل پاندیت کشمیری قرار دهند، با این تفکر که اگر پاندیت کشمیری، نیمای پاندیت را شکست دهد، از آن‌جا که او کودکی بیش نیست، آنها شانس دیگری برای بحث با این فیلسوف خواهند داشت؛ و اگر پاندیت کشمیری شکست بخورد، آنها بسیار پرشکوه خواهند شد، زیرا همگان اعلان خواهند کرد که پسر بچه‌ای از ناوادویپ، فیلسوف بزرگی را که در سراسر هند شهرت دارد، شکست داده است. بدین ترتیب بود که نیمای پاندیت کِشاوا کشمیری را در حال قدم زدن در سواحل گنگ، ملاقات نمود. خداوند از وی درخواست نمود که یک بیت سانسکریت در مدح رودخانه‌ی گنگ بسراید، و پاندیت کشمیری در مدت زمان کوتاهی یکصد بیت سرود و در حالی که با صدایی رسا همچون غریو طوفان ایبات را می‌خواند، قدرت دانش وسیع خویش را نشان می‌داد. نیمای پاندیت بلافاصله همه‌ی ایبات را بدون هیچ خطایی به خاطر سپرد. او بیت شصت و چهارم را نقل و به ایرادهای ادبی و بلاغتی آن اشاره کرد. وی به خصوص از پاندیت درباره‌ی کاربرد لغت بهاوانی-بهارتو (*bhavāni-bhartuh*) پرسید و اشاره کرد که به کار بردن این کلمه زائد است، زیرا بهاوانی به معنای

همسر شیواست و چه کسی به غیر او می‌تواند بهارتا (یعنی شوهر) او باشد؟ او همچنین به چندین خطای دیگر اشاره نمود و پاندیت کشمیری را شگفت‌زده نمود. او از اینکه یک دانش‌آموز دستور زبان توانسته بود اشتباهات ادبی یک محقق خردمند را بگیرد، تعجب کرده بود. گرچه این اتفاق پیش از یک مناظره‌ی عمومی پایان یافت، اما خبر آن همچون شعله‌ی ماده‌ای آتش‌زا در سراسر ناوادویپ پیچید. اما در نهایت کشاوا کشمیری در خواب دید که ساراسواتی (Sarasvatī) (الهه‌ی دانش) به او دستور می‌دهد خودش را تسلیم خداوند نماید و به این ترتیب، این پاندیت کشمیری مرید خداوند شد.

پس از این خداوند با شکوه و شادمانی ازدواج کرد و در این زمان شروع به آموزش ذکر دسته‌جمعی نام‌های مقدس خداوند در ناوادویپ نمود. بعضی از برهمنانها به شهرت او حسادت ورزیدند و موانع بسیاری بر سر راهش ایجاد کردند. آنها به قدری حسود بودند که سرانجام شکایت خود را نزد یک قاضی مسلمان در ناوادویپ بردند. در آن زمان بنگال زیر نظر پاتان‌ها (Pathans) اداره می‌شد و حاکم این استان «نواب حسین شاه» بود. قاضی مسلمان شکایت برهمنانها را جدی گرفت و در ابتدا به مریدان نیمای پاندیت هشدار داد که نام هاری را با صدای بلند ذکر نکنند؛ اما خداوند چیتانیا از مریدانش خواست که از فرمان قاضی سرپیچی کنند و بدین ترتیب آنان به سان کیرتان (sankīrtana) (ذکر دسته‌جمعی) خود به طور معمول ادامه دادند. سپس قاضی سربازانش را فرستاد تا سان کیرتان را قطع کنند و آنها بعضی از مردانگاهها (mrdangas) (طبل‌ها) را شکستند. هنگامی که نیمای پاندیت از این حادثه باخبر شد، تجمعی برای نافرمانی مدنی را تشکیل داد. او پیشگام جنبش‌های نافرمانی مدنی برحق در هندوستان محسوب می‌شود. او راهپیمایی‌ای دسته‌جمعی با حضور یکصد هزار نفر و با هزاران مردانگا و کاراتالا (karatāla) (سج‌های دستی) سازماندهی کرد و این جماعت در اعتراض به قانونی که قاضی وضع کرده بود، جاده‌های ناوادویپ را طی کردند. سرانجام وقتی این جماعت به منزل قاضی رسیدند، وی از ترس آنان به طبقه‌ی بالایی منزلش پناه برده بود. این جماعت انبوه در منزل قاضی گردهم آمدند و خشم خود را ابراز نمودند؛ اما خداوند از آنها خواست که آرام باشند. در این حین قاضی بیرون آمد و سعی کرد خداوند را با خواهرزاده‌ی خود خطاب کردن آرام کند. او اشاره کرد که نیلامبارا چاکراواتی او را دایبی خطاب می‌کرده است و بنابراین شریمانی ساچی دوی، مادر نیمای پاندیت، خواهر او است. او از خداوند پرسید که آیا درست است که پسر خواهرش به او خشمگین شود و خداوند پاسخ داد چون قاضی دایبی اوست، باید خواهرزاده‌ی خود را در منزلش بپذیرد. به این ترتیب اوضاع آرام شد و این دو محقق خردمند مباحثه‌ای طولانی

درباره قرآن و شاستراهای هندو انجام دادند. خداوند درباره‌ی کشتن گاوها سؤال کرد و قاضی به درستی و با ارجاع به قرآن پاسخ او را داد. قاضی نیز درباره‌ی قربانی کردن گاو در وداها از خداوند سؤال نمود و خداوند جواب داد که این چنین قربانی‌ها همان‌طور که در وداها آمده در واقع کشتن گاو محسوب نمی‌شود. در این قربانی‌ها، گاوهای نر و ماده‌ی پیر را قربانی می‌کردند، زیرا به واسطه‌ی قدرت مانترهای ودایی، آنها بدن جوان‌تری می‌گرفتند. اما در کالی یوگا این چنین قربانی‌های گاو ممنوع است؛ زیرا هیچ برهمنای شایسته‌ای که بتواند چنین قربانی‌هایی را به درستی انجام دهد، وجود ندارد. در واقع در کالی یوگا همه‌ی انواع یاگیا (قربانی‌ها) ممنوع اعلام شده، زیرا تنها تلاش بیهوده‌ای از سوی انسان‌های احمق است. در کالی‌یوگا تنها سان‌کیرتان یاگیا (قربانی ذکر دسته‌جمعی) برای همه‌ی اهداف کاربردی توصیه شده است. خداوند سرانجام با این صحبت‌ها قاضی را متقاعد نمود؛ تا حدی که قاضی هم مرید وی شد. قاضی از آن پس اعلام کرد که هیچ‌کس نباید جلوی جنبش سان‌کیرتانی را بگیرد که توسط خداوند آغاز شده است. قاضی این موضوع را در وصیت‌نامه‌اش نوشت که برای تمام نسل‌های بعد از او نیز به اجرا درآید. آرامگاه قاضی هنوز در ناحیه‌ی نلادویپ وجود دارد و زائران هندو به آنجا می‌روند تا احترامات خویش را ادا نمایند. اولاد قاضی هنوز در آنجا ساکن هستند و حتی در زمان اختلافات مسلمانان و هندوها، آنها هرگز به جنبش سان‌کیرتان اعتراض نکردند.

این واقعه به وضوح نشان می‌دهد که خداوند یک وایشناوای ترسو نبود. یک وایشناوا، عابد بی‌باک خداوند است و برای احقاق حق و هدفش هر قدمی که لازم باشد را برمی‌دارد. آرجونا نیز عابد وایشناوای خداوند کربشنا بود و دلاورانه برای رضایت خداوند جنگید. به طور مشابه، واجرانگاجی (*Vajrāṅgajī*) یا هانومان، عابد خداوند راما بود و درس‌هایی به سپاه غیرعابد راوانا داد. اصل وایشناویزم، راضی کردن خداوند به هر طریقی است. یک وایشناوا ذاتاً موجودی آرام و بدون خشونت است و همه‌ی ویژگی‌های خوب خداوند را دارد؛ اما زمانی که غیرعابدی به خداوند یا عابدان او اهانت می‌کنند، وایشناواها چنین بی‌حرمتی‌هایی را هرگز تحمل نمی‌کنند.

پس از این حادثه، خداوند به طور جدی‌تری شروع به آموزش و وعظ بهاگاوات-دارما (*Bhāgavata-dharma*)، یا جنبش سان‌کیرتان نمود و هر که با ترویج یوگا-دارما، یا وظیفه‌ی این عصر به مقابله برمی‌خاست، به موقع با سرزنش‌های مختلفی مورد تنبیه قرار می‌گرفت. دو تن از برهمنانهای اصیل به نام‌های چاپالا (*Cāpala*) و گوپالا (*Gopāla*) که آنها نیز دایی‌های خداوند بودند، به عنوان تنبیه به جذام مبتلا شدند، و بعدها زمانی که توبه کردند، خداوند آنها را پذیرفت. خداوند در زمان موعظه و ارشاد خود، هر روز پیروان خود از جمله

شریلا نیتیاناندا پرابهو (*Śrīla Nityānanda Prabhu*) و هاری داسا تهاکور (*Thākura Haridāsa*)، که دو تن از مهم‌ترین طرفدارانش بودند، را برای آموزش شریمادا - بهاگواتام از خانهای به خانه دیگر می‌فرستاد. همه‌ی ناوادویپ پر از جنبش سان کیرتان او شد و مرکز فعالیت‌های ایشان در منزل شری‌واسا تهاکورا (*Śrīvāsa Thākura*) و شری ادویتا پرابهو (*Śrī Advaita Prabhu*)، دو تن از شاگردان متأهل ایشان، قرار گرفته بود. این دو خردمند اجتماع برهماناها، مشتاق‌ترین حامیان جنبش خداوند چیتانیا بودند. شری ادویتا پرابهو علت اصلی ظهور خداوند بود. زمانی که ادویتا پرابهو تمام اجتماع بشری را غرق در فعالیت‌های مادی و عاری از هرگونه خدمت عبادانه - که به تنهایی می‌تواند بشریت را از رنج‌های سه‌گانه طبیعت مادی نجات دهد - دید، از روی شفقت بی‌چون و چرای خویش برای وضعیت دردناک جامعه‌ی بشری، برای ظهور خداوند بسیار زیاد دعا کرد و دائماً خداوند را با آب رودخانه‌ی گنگ و برگ درختان مقدس تولاسی پرستش می‌نمود. در زمینه‌ی تعلیم و ارشاد در جنبش سان کیرتان، از همه انتظار می‌رفت که مطابق با دستور خداوند سهم روزانه‌ی خویش را انجام دهند.

روزی نیتیاناندا پرابهو و شریلا هاری داس تهاکور در حال گذر از جاده‌ای اصلی بودند که عده‌ای را در حال هیاهو دیدند. وقتی از عابران سؤال کردند، دریافتند که دو برادر به نام‌های جاگای (*Jagāi*) و مادهای (*Mādhāi*) در حالت مستی مزاحمت عمومی به وجود آوردند. آنها همچنین شنیدند که این دو برادر در یک خانواده‌ی محترم برهمانا به دنیا آمده‌اند؛ اما به علت معاشرت فرومایه، به بدترین نوع عیاشان تبدیل شده‌اند. آنها نه تنها مست، بلکه گوشتخوار، زن‌باز و دزد هم بودند و به تمام معنی گناهکار بودند. شریلا نیتیاناندا پرابهو همه‌ی این داستان‌ها را شنید و تصمیم گرفت که این دو روح فروافتاده باید اولین کسانی باشند که به رستگاری می‌رسند. اگر آنها از زندگی گناه‌آلود خویش رهایی یابند، آنگاه نام نیک خداوند چیتانیا شکوهمندتر خواهد شد. نیتیاناندا پرابهو و هاری داس با این فکر، راه خود را از میان جمعیت باز کردند و از این دو برادر تقاضا نمودند که نام مقدس خداوند هاری را ذکر کنند. برادران مست از شنیدن این تقاضا بسیار خشمگین شدند و با کلماتی رکیک به نیتیاناندا پرابهو حمله کردند. دو برادر تا مسافتی طولانی آنها را تعقیب کردند. عصر هنگام، گزارش کار موعظه به خداوند رسید و او از اینکه نیتیاناندا و هاری داس تلاش کرده بودند تا چنین افراد احمقی را نجات دهند، بسیار خوشحال شد.

روز بعد نیتیاناندا پرابهو به دیدار دو برادر رفت و به محض نزدیک شدن، یکی از آنها تکه‌ای از یک ظرف سفالی شکسته را به سمت وی پرتاب کرد. ظرف سفالی به پیشانی او برخورد کرد و بلافاصله خون از آن جاری شد. اما نیتیاناندا پرابهو آن قدر پرمهر بود که به جای اعتراض به این

عمل شنیع، گفت: "مهم نیست که شما این سنگ را به طرف من انداختید، من باز هم از شما تقاضا می‌کنم که نام مقدس خداوند هاری را ذکر کنید."

یکی از برادرها، جاگای، خیلی از رفتار نیتیاناندا پرابهو متعجب شد و بلافاصله جلوی پای او به خاک افتاد و از او خواست که برادر گناهکارش را ببخشد. وقتی مادهای دوباره سعی کرد که به نیتیاناندا پرابهو آسیب برساند، جاگای جلوی او را گرفت و به او التماس کرد که به پای نیتیاناندا بیفتد. در این حین خبر زخمی شدن نیتیاناندا به خداوند رسید. او خشمگین و با عجله خود را به آن مکان رساند. خداوند بلافاصله سوارشانا چاکرای خویش (اسلحه‌ی ازلی خداوند به شکل چرخ) را فرا خواند تا این گناهکاران را نابود کند، اما نیتیاناندا پرابهو به او مأموریتش را یادآوری نمود. مأموریت خداوند نجات ارواح فروافتاده در کالی یوگا بود که امیدی به آنها نمی‌رفت. برادران جاگای و مادهای نمونه‌ی بارز این ارواح فروافتاده بودند. نود درصد مردم در این دوره، علی‌رغم تولدهای عالی و وضعیت اقتصادی آبرومندانه، شبیه این دو برادر هستند. به گفته‌ی کتب مقدس، تمام جمعیت جهان در این دوره از پایین‌ترین درجه‌ی کیفی شودرا (*śūdra*) یا حتی پایین‌تر از آن خواهند بود. باید توجه کرد که شری چیتانیا ماهاپرابهو هرگز سیستم متداول طبقاتی مردم هند (کاست) که بر اساس آن، تولد در یک طبقه حقوقی را برای شخص ایجاد می‌کند، تأیید نکردند؛ بلکه ایشان به‌طور خیلی جدی دنباله‌روی نظرات کتب مقدس درباره‌ی سواروپا (*svarūpa*) یا هویت حقیقی فرد بودند.

وقتی خداوند سوادارشانا چاکرای خود را فراخواند و شریلا نیتیاناندا پرابهو از او درخواست نمود که این دو برادر را ببخشد، هر دو برادر به قدوم نیلوفرین خداوند افتادند و برای اعمال زشتشان از او معذرت خواستند. نیتیاناندا پرابهو نیز از خداوند درخواست کرد که این ارواح پشیمان را بپذیرد و خداوند با این شرط که آنان از این پس تمام اعمال گناه‌آلود و عادات‌های پست خود را کنار بگذارند، پذیرفت که آنها را ببخشد. هر دو برادر قبول کردند و قول دادند که تمام عادت‌های گناه‌آلود خود را کنار بگذارند و خداوند مهربان آنها را پذیرفت و دیگر هرگز به کردار زشت گذشته‌ی آنها اشاره‌ی ننمود.

این مهربانی خاص خداوند چیتانیاست. در این عصر هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که از گناه مبری است. چنین ادعایی برای همه غیرممکن است. اما خداوند چیتانیا همه‌ی افراد گناهکار را به یک شرط می‌پذیرد. شرط آن است که آنها سوگند بخورند پس از آنکه توسط یک پیر روحانی معتبر تشرف گرفتند، هرگز به عادات گناه‌آلود نپردازند.

در داستان این دو برادر، نکات آموزنده‌ی بسیاری وجود دارد. در عصر کالی، عملاً همه‌ی مردم

ویژگی‌های جاگای و مادهای را دارا هستند. آنها اگر بخواهند از واکنش‌های اعمال ناپسند خود رها شوند، باید پناه خداوند چیتانیا ماهاپرابهو را بگیرند و پس از دریافت تشریف روحانی، از اعمالی که در کتب مقدس ساسترا نهی شده‌اند، پرهیز نمایند. قوانین منع‌کننده در آموزه‌های خداوند به شریلا روپا گوسوامی آمده است.

خداوند در دوران زندگی تأهل خود، تعداد زیادی از معجزاتی که عموماً از چنین شخصیتی انتظار می‌رود را به نمایش گذاشت. اما یک بار در خانه‌ی شری نیواسا تنهاکور، زمانی که سان کیرتان در اوج بود، معجزه‌ی شگفت‌انگیزی انجام داد. او از عابدان پرسید چه می‌خواهند بخورند و هنگامی که مطلع شد که آنها انبه می‌خواهند، با اینکه فصل آن میوه نبود، درخواست نمود که یک بذر انبه برایش بیاورند. وقتی که بذر انبه را آوردند، ایشان بذر را در حیاط منزل شری نیواسا کاشت. بذر بلافاصله جوانه زد و شروع به رشد کردن نمود و در زمان بسیار کوتاهی تبدیل به یک درخت بسیار بزرگ پر از انبه شد که بیش از آنچه که عابدان بتوانند از آن تناول کنند میوه داشت. این درخت در باغچه‌ی شری نیواسا باقی ماند و از آن پس، هرچه می‌خواستند از این درخت انبه می‌چیدند.

شری چیتانیا ماهاپرابهو احترام بسیار زیادی به عشق و علاقه‌ی خادمان و راجابهومی (ورینداوان) به کریشنا قائل بود، و یک بار برای قدردانی از خدمت ناب و خالص آنها به خداوند، نام‌های مقدس گوپی‌ها (دختران گاوچران) را به جای نام‌های مقدس خداوند ذکر کرد. در این زمان بعضی از شاگردان او به دیدنش آمدند و وقتی دیدند خداوند نام گوپی‌ها را ذکر می‌کند، متعجب شدند. آنان از روی نادانی از خداوند پرسیدند که چرا نام گوپی‌ها را ذکر می‌کند و به او نصیحت کردند که نام مقدس کریشنا را ذکر نمایند. خداوند که در شرف بود از نادانی این شاگردان برآشفست. او آنها را ملامت کرد و از آن‌جا راند. شاگردان تقریباً هم‌سن خداوند بودند، بنابراین اشتبهاً خداوند را همانند خود می‌پنداشتند. آنها جلسه‌ای گذاشتند و تصمیم گرفتند که اگر این بار خداوند جرأت کرد آنها را به این شکل تنبیه کند، به او حمله کنند. این حادثه بخشی از مردم عامی را به صحبت‌های ناشایستی در مورد خداوند برانگیخت.

وقتی خداوند از این موضوع آگاه شد، شروع به تفکر درباره‌ی انواع مختلف افراد در جامعه نمود. وی دریافت که به ویژه شاگردان، معلمان، انجام‌دهندگان اعمال ثمرجویانه، یوگی‌ها، غیرعابدان و طبقات مختلف خدانشناسان، همگی مخالف خدمت عابدانه به خداوند هستند. "ماموریت من این است که تمام ارواح فروافتاده‌ی این عصر را نجات دهم." با خود اندیشید، "اما اگر آنها به من اهانت کنند و من را یک انسان معمولی بپندارند، سودی نخواهند کرد. اگر آنها قصد شروع یک

زندگی توأم با ادراک روحانی را دارند، باید به طریقی احترامات خود را تقدیم من نمایند." بنابراین خداوند تصمیم گرفت مرحله‌ی انقطاع از زندگی (سانیاسی) (*sannyāsa*) را بپذیرد؛ چرا که مردم عموماً تمایل دارند به یک سانیاس احترام گذارند.

پانصد سال پیش، شرایط اجتماع مانند امروز پست نبود. در آن زمان مردم به سانیاس‌ها احترام می‌گذاشتند و سانیاس‌ها به طور جدی قواعد و قوانین مرحله‌ی انقطاع از زندگی را اجرا می‌کردند. شری چیتانیا ماهاپرابهو طرفدار سرسخت زندگی توأم با انقطاع در دوره‌ی کالی نبود، زیرا تعداد بسیار کمی از سانیاس‌ها در این دوره قادرند قواعد و قوانین زندگی سانیاسی را رعایت نمایند. شری چیتانیا ماهاپرابهو تصمیم گرفت این قوانین را بپذیرد و سانیاسی ایده‌آل شد تا عموم مردم به وی احترام بگذارند. هر شخصی موظف است که به یک سانیاس احترام بگذارد؛ زیرا سانیاس پیر همه‌ی مردم از وارناها و آشراهای مختلف [طبقات و مراحل گوناگون زندگی] محسوب می‌شود.

وقتی وی در اندیشه‌ی پذیرش قواعد سانیاسی بود، بر حسب اتفاق کیشاوا بهاراتی (*Keśava Bhāratī*)، سانیاسی از مکتب مایاوادی، و ساکن کاتوا (*Katwa*) (در بنگال) به ناوادویپ آمد و برای صرف شام با خداوند از او دعوت شد. وقتی که کیشاوا بهاراتی به منزل خداوند آمد، خداوند از او خواست که به وی مرتبه‌ی سانیاسی عطا کند. این تنها به جا آوردن آداب و رسوم بود؛ زیرا مرتبه‌ی سانیاسی از یک سانیاس دیگر پذیرفته می‌شود. گرچه خداوند از همه لحاظ مستقل است، با این حال برای اینکه آداب و رسوم شاستراها (کتب مقدس) را اجرا کند و با وجود این که کیشاوا بهاراتی از وایشناوا-سامپرادایا (*Vaiṣṇava-sampradāya*) (مکتب وایشناوا) نبود، مرتبه‌ی سانیاسی را از وی پذیرفت.

پس از مشورت با کیشاوا بهاراتی، خداوند ناوادویپ را به قصد کاتوا ترک نمود تا به طور رسمی مرتبه‌ی سانیاسی زندگی را بپذیرد. شریلا نیتیاناندا پرابهو، چاندراشیکارا آچاریا (*Candraśekhara Ācārya*) و موکوندا داتا (*Mukunda Datta*) او را همراهی می‌کردند. این سه تن برای انجام جزئیات مراسم به او کمک می‌کردند. واقعه‌ی پذیرش مرتبه‌ی سانیاسی از طرف خداوند، به تفصیل در چیتانیا-بهاگاواتا (*Caitanya-bhāgavata*)، نوشته‌ی شریلا ورینداوان داس تهاکور (*Śrīla Vṛndāvana dāsa Ṭhākura*)، شرح داده شده است.

بدین ترتیب در ماه ماگا، خداوند در سن بیست و چهار سالگی مرتبه‌ی سانیاسی را پذیرفت. پس از قبول این مرتبه ایشان واعظی کاملاً بالغ برای بهاگاواتا-دارما گشت. گرچه او در زندگی

تأهل نیز همین‌طور موعظه می‌نمود، اما وقتی موانعی را بر سر راه ارشادش مشاهده نمود، برای نجات ارواح فروافتاده حتی زندگی راحت خویش را کنار گذاشت. یاور اصلی ایشان در زندگی تأهل، شریلا ادویتا پرابهو و شریلا شری‌واس تهاکور بودند. اما پس از پذیرش سانیاسی، دستیار اصلی ایشان نیتیاناندا پرابهو بود که مقرر شده بود به خصوص در بنگال ارشاد کند و شش گوسوامی (روپا گوسوامی، سانانانا گوسوامی، جیوا گوسوامی، گوپالا بهاتا گوسوامی، راگونات داس گوسوامی، و راگونات بهاتا گوسوامی) به رهبری شریلا روپا و سانانانا به ورینداون فرستاده شدند تا مکان‌های زیارتی موجود را کاوش و به همگان معرفی کنند. بنابراین شهر کنونی ورینداوان و اهمیت وراجابومی به اراده‌ی خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو بر همگان آشکار شده است.

خداوند پس از سانیاس شدن بلافاصله تصمیم گرفت به ورینداون برود. برای سه روز پی در پی او در رادها-دشا (*Rādhā-deśa*) مکان‌هایی که گنگ در آنها جاری نیست) سفر کرد. با فکر رفتن به ورینداوان او در شعف کامل بود. به هر حال شریلا نیتیاناندا پرابهو مسیر او را تغییر داد و در عوض او را به منزل ادویتا پرابهو در شانتی‌پور (*Śāntīpura*) آورد. خداوند چند روزی در منزل شری ادویتا پرابهو ماند. شری ادویتا پرابهو که خوب می‌دانست خداوند می‌خواهد منزل و سکونتگاهش را برای همیشه ترک کند، افراش را به ناوادویپ فرستاد تا مادر ساچی را برای آخرین ملاقات با پسرش به آن‌جا بیاورند. بعضی از افراد نادان می‌گویند که لرد چیتانیا پس از اینکه سانیاسی گرفت، همسرش را نیز ملاقات کرد و کفش‌های چوبی خود را به او داد تا پرستش کند. اما مراجع معتبر اطلاعاتی درباره‌ی چنین ملاقاتی به دست نمی‌دهند. مادرش او را در منزل ادویتا پرابهو ملاقات کرد و هنگامی که او را در لباس سانیاسی دید، شروع به ضجه و زاری کرد. او از پسرش خواست در پوری (*Purī*) مستقر شود تا او بتواند از حال و روزش خبر بگیرد. خداوند این آخرین خواسته‌ی مادر محبوبش را پذیرفت. پس از این واقعه، خداوند به طرف پوری حرکت کرد و همه‌ی ساکنان ناوادویپ را در اقیانوسی از سوگواری برای دوری از او، ترک کرد.

خداوند در راه پوری مکان‌های مهم بسیاری را زیارت نمود. او به معبد گوپینات جی (*Gopīnāthajī*) که شیر تغلیظ شده را از عابد خود به نام شریلا مادهاوندرا پوری (*Śrīla Mādhavendra Purī*) دزیده بود، رفت. از آن پس دیتی گوپینات جی به نام کشیرا-کورا-گوپینات (*Kṣīra-corā-gopīnātha*) معروف شد. خداوند از این داستان بسیار لذت می‌برد. تمایل به دزدیدن حتی در آگاهی مطلق نیز وجود دارد، اما از آن‌جا که چنین تمایلی از سوی وجود مطلق به نمایش گذارده می‌شود، حالت انحراف‌یافته‌ی خود را از دست می‌دهد و بنابراین

قابل پرستش می‌شود و بدین ترتیب بر اساس این درک مطلق که خداوند و تمایل دزدی او با هم یکی و هم‌هویت هستند، حتی خداوند چیتانیا نیز از این داستان لذت برد. داستان جالب گوپینات‌جی به تفصیل در کتاب چیتانیا- چاریتامریتا، اثر کریشنا داس کاویراجا گوسوامی شرح داده شده است.

پس از زیارت معبد کشیرا-کورا- گوپینات رمونا (*Remunā*) در بالاسور (*Balasore*) استان اوریسا (*Orissa*)، خداوند به طرف پوری حرکت کرد و در راه به معبد ساکشی-گوپالا (*Sākṣi-gopāla*) رسید که به عنوان شاهد در دعوای بین دو خانواده‌ی عابد براهمانا ظاهر شده بود. خداوند داستان ساکشی-گوپال را با لذت بسیار شنید، زیرا می‌خواست به خدانشناسان ثابت کند که دیتی‌های قابل پرستش موجود در معابد که آچارهای معتبر آنها را تأیید کرده‌اند، آن‌گونه که توسط نابخردان مطرح می‌شود، بت نیستند. دیتی در معبد ظهور آرچای (*arcā*) شخصیت اعلا‌ی خداوند، و بنابراین از همه لحاظ با خود خداوند یکسان است. او به نسبتی که عابدانش به او عشق می‌ورزند، آنها را اجابت می‌نماید. در داستان ساکشی-گوپال، که در آن یک سوءتفاهم خانوادگی میان دو عابد خداوند پیش آمد، خداوند برای تسکین این آشفتگی و نیز برای نشان دادن لطف خاص خود به خدامانش، در فرم تجلی آرچای خود از ورینداون حرکت کرد و به ویدیناگارا (*Vidyānagara*) روستایی در اوریسا آمد. از آن‌جا این دیتی به کوتاک (*Cuttack*) آورده شد و از این رو حتی امروز هم هزاران زائر در مسیر خود به جاگانات پوری به معبد ساکشی-گوپال می‌روند. خداوند شب را آن‌جا ماند و به طرف پوری حرکت کرد. در راه، نیتیاناندا پرابهو چوب سانیاسی او را شکست. [*Cc. Madhya 1.97*] ظاهراً خداوند به این دلیل از او خشمگین شد، همراهان خود را ترک کرد و به تنهایی به پوری رفت [*Cc. Madhya*]. [1.98]

در پوری با ورود به معبد جاگانات بلافاصله از شعف روحانی سرشار شد و بیهوش بر زمین افتاد. نگهبانان معبد قادر نبودند درجه‌ی والای روحانیت خداوند را درک کنند؛ اما پاندیت خردمندی به نام ساروابهوما بهاتاچاریا (*Sārvabhāuma Bhaṭṭācārya*) آنجا بود و فهمید که بیهوش شدن خداوند به هنگام ورودش به معبد جاگانات یک اتفاق معمولی نیست. ساروابهوما بهاتاچاریا که پاندیت ارشد دربار شاه اوریسا، ماهاراج پراتاپارودرا (*Mahārāja Pratāparudra*) بود، جذب درخشش جوانی خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو شد، زیرا می‌دانست که چنین شعف‌های روحانی به ندرت و تنها توسط برترین عابدانی که در سطح روحانی واقع شده‌اند و موجودیت مادی را به کل فراموش نموده‌اند، به نمایش گذاشته می‌شود. تنها یک روح ره‌اشده می‌تواند

چنین شرف روحانی‌ای را نمایش دهد و بهاتاچاریا که بسیار دانش‌آموخته بود، در پرتو متون روحانی که با آنها آشنایی داشت این موضوع را می‌دانست. بنابراین او از مأموران معبد خواست مزاحم این سانیاس ناشناس نشوند. او از آنها خواست که خداوند را به منزلش ببرند تا او بتواند او را در وضعیت بی‌هوشی بیشتر معاینه کند. خداوند بلافاصله به منزل ساروابهوما بهاتاچاریا که در آن زمان به عنوان ساها پاندیت (*sabhā-paṇḍita*) یا رئیس دانشکده‌ی ادبیات سانسکریت قدرت و اعتبار کافی داشت، انتقال یافت. این پاندیت خردمند می‌خواست با دقت این حالت‌های روحانی خداوند چیتانیا را امتحان کند، زیرا بعضی وقت‌ها عابدان بی‌اخلاق، به منظور جذب افراد بی‌گناه و سوء استفاده از آنها، از این حالات جسمی تقلید می‌کردند تا خود را از نظر روحانی پیشرفته جلوه دهند. ادیب خردمندی چون بهاتاچاریا می‌توانست به سرعت چنین متقلبان‌ی را شناسایی کند و هنگامی که با چنین افرادی برخورد می‌کرد، فوراً آنها را از خود می‌راند.

در مورد خداوند چیتانیا ماهاپرابهو، بهاتاچاریا همه‌ی علائم را در پرتوی شاسترا آزمود. او مانند یک دانشمند و نه مثل یک احمق احساساتی، علائم را امتحان کرد. او حرکات شکم، ضربان قلب و تنفس بینی او را مشاهده نمود. همچنین ضربان نبض خداوند را امتحان کرد و متوجه شد که همه‌ی فعالیت‌های بدنی او در وضعیت تعلیق کامل است. وقتی پنبه‌ی کوچکی را جلوی بینی او گرفت، فهمید که تنفس بسیار ظریفی جاری است، طوری که ایاف نازک پنبه حرکت می‌کردند. بنابراین فهمید که خلسه‌ی خداوند حقیقی است و شروع به درمان وی به طرق توصیه شده نمود. اما تنها به یک طریق خاص می‌شد خداوند چیتانیا ماهاپرابهو را درمان کرد. او فقط به اصوات نام‌های مقدس خداوند که توسط عابدان ذکر می‌شد عکس‌العمل نشان می‌داد. این روش معالجه برای ساروابهوما بهاتاچاریا ناشناخته بود؛ چرا که او هنوز خداوند را نمی‌شناخت. هنگامی که برای نخستین بار خداوند را در معبد دید، چنین پنداشت که او یکی از زائران معمولی است.

در این هنگام همراهان خداوند که کمی بعد از او به معبد رسیده بودند، درباره‌ی خلسه‌ی روحانی خداوند و اینکه بهاتاچاریا او را با خود به منزلش برده است، شنیدند. زائران معبد هنوز داشتند در این باره صحبت می‌کردند. بر حسب اتفاق، یکی از این زائران، گوپینات آچاریا (*Gopīnātha Ācārya*) - که گادادهارا پاندیت (*Gadādhara Paṇḍita*) وی را از قبل می‌شناخت - را ملاقات کرده و از او شنیده بود که خداوند در حال بیهوشی به منزل ساروابهوما بهاتاچاریا که اتفاقاً برادر زن گوپینات آچاریا نیز بود، انتقال یافته است. همه‌ی افراد جمع توسط گادادهارا پاندیت به گوپینات آچاریا معرفی شدند و وی آنها را به منزل بهاتاچاریا که خداوند بیهوش در حالت خلسه‌ی روحانی در آن‌جا به سر می‌برد، راهنمایی کرد. همگی به طور معمول شروع به

ذکر بلند نام مقدس هاری کردند و خداوند به آرامی به هوش آمد. سپس بهاتاجاریا به استقبال همه‌ی افراد جمع از جمله خداوند نیتیاناندا رفت و از آنها خواست مهمان افتخاری او باشند. همگی همراه با خداوند برای استحمام به دریا رفتند و بهاتاجاریا ترتیب اقامت و خوراک آنها را در منزل کاشی می‌شرا (Kāśī Mīśra) داد. گوپینات آچاریا، برادر زنش نیز در این امر به او کمک کرد. در این حین، گفتگوی دوستانه‌ای درباره‌ی تعالی خداوند بین این دو صورت گرفت. در این مباحثه، گوپینات آچاریا که خداوند را از قبل می‌شناخت سعی کرد اثبات کند که او «شخصیت اعلا‌ی خداوند» است؛ ولی بهاتاجاریا تلاش داشت ثابت کند که او یک عابد بسیار بزرگ می‌باشد. هر دوی آنها از زاویه‌ی دید شاسترا و نه از روی احساسات عامیانه صحبت می‌کردند. ظهورات خداوند را کتب مقدس اصیل، و نه رأی انسان‌های احمق متعصب تعیین کرده‌اند. از آن‌جایی که خداوند چیتانیا در واقع یکی از ظهورات خداوند بود، افراد احمق متعصب بدون ارجاع به کتب اصیل مقدس در این عصر افراد بسیاری را به عنوان ظهور خداوند معرفی کرده‌اند. اما ساروابهوما بهاتاجاریا و گوپینات آچاریا به چنین صحبت‌های احساساتی و احمقانه‌ای نمی‌پرداختند. برعکس، هر دوی آنها سعی داشتند که متعال بودن خداوند را به قدرت کتب مقدس رد و یا قبول کنند.

همچنین بعدها اعلام شد که بهاتاجاریا نیز اهل ناحیه‌ی ناوادویپ است و از او نقل شده بود که بر حسب اتفاق، نیلامبارا چاکراواری پدربزرگ مادری خداوند چیتانیا همکلاسی پدر ساروابهوما بهاتاجاریا بوده است و بنابراین این سانیاسی جوان (خداوند چیتانیا) عاطفه‌ی پدری بهاتاجاریا را نیز برانگیخته بود. بهاتاجاریا استاد سانیاسی‌های بسیاری در سامپرادایای شانکارآچاریا بود و خود او نیز به همین مکتب تعلق داشت. به این ترتیب بهاتاجاریا می‌خواست که از این سانیاس جوان نیز تعالیم ودانتا را از او بشنود.

پیروان شانکارا عموماً به ودانتسیت معروفند. اما این بدان معنی نیست که ودانتا فقط تحت مطالعه و اختیار شانکارا سامپرادایا می‌باشد. همه‌ی سامپرادایاهای معتبر ودانتا را مطالعه می‌کنند؛ اما هر کدام تفسیر خود را از ودانتا دارند. آنهایی که در شانکارا سامپرادایا قرار گرفته‌اند عموماً از دانش وایشناوهای ودانتسیت غافل هستند. به همین دلیل لقب «بهاکتی ودانتا» نخستین بار توسط وایشناواها به نویسنده داده شده است.

خداوند قبول کرد که از بهاتاجاریا درس ودانتا بیاموزد. آنها با هم در معبد جاگانات نشستند. بهاتاجاریا برای هفت روز به طور مداوم صحبت کرد و خداوند با دقت بسیار زیاد بدون اینکه صحبت‌های او را قطع کند، به او گوش فرا داد. سکوت خداوند شکی در قلب بهاتاجاریا پدید

آورد و او از خداوند پرسید چگونه است که او هیچ سؤالی نمی‌پرسد یا هیچ نظری درباره‌ی توضیحات او در زمینه‌ی ودانتا نمی‌دهد. خداوند خود را در مقابل بهاتاچاریا به شکل یک دانشجوی احمق نشان داد و وانمود کرد که ودانتا را از او می‌شنود؛ چرا که بهاتاچاریا می‌پنداشت که این وظیفه‌ی یک سانیاسی است. اما خداوند با سخنرانی‌های او موافق نبود. به این ترتیب خداوند نشان داد که این به اصطلاح ودانتیست‌ها در بین سامپارادایای شانکارا و یا هر سامپارادایای دیگر که واقعاً دستورات شریلا ویاسادو را اجرا نمی‌کنند، دانش‌پژوهان مکانیکی ودانتا هستند. آنها کاملاً از این دانش عظیم آگاهی ندارند. توضیحات ودانتا سوترا (Vedānta-sūtra) توسط خود نویسنده در متن شریما-بهاگاواتام داده شده است. کسی که از بهاگاواتام دانشی ندارد به سختی می‌تواند ودانتا را درک کند.

بهاتاچاریا مردی دانش آموخته بود و می‌توانست کنایه‌های خداوند درباره‌ی ودانتیست‌های مشهور را درک کند. بنابراین از او پرسید که چرا درباره‌ی آنچه که نمی‌فهمد سؤالی نمی‌کند. بهاتاچاریا می‌توانست معنی سکوت کامل او در این روزها را بفهمد. این به وضوح نشان می‌داد که خداوند فکر دیگری در سر دارد و برای همین بهاتاچاریا از او خواست تا ذهنیاتش را بر او آشکار سازد.

در این هنگام خداوند این چنین سخن گفت: "سرورم، من می‌توانم معانی سوتراهایی چون جانمادی آسیا یاتاها (janmādy asya yataḥ)، شاسترا-یونیتوات (śāstra-yonitvāt) و آتهاتو برهما جیگیاسا (athāto brahma jijñāsā) از ودانتا را بفهمم، اما وقتی شما آنها را به روش خود شرح می‌دهید، درکشان برای من خیلی مشکل می‌شود. مقصود سوتراها در خود آنها بیان شده است؛ اما توضیحات شما آنها را با چیزهای دیگری می‌پوشاند. شما عمداً معنی مستقیم سوترا را نمی‌گویید و به طور غیرمستقیم تفاسیر خود را ارائه می‌کنید."

به این ترتیب خداوند به همه‌ی ودانتیست‌ها که ودانتا-سوترا را به طرز متداول و با قدرت تفکر محدود خود جهت تأمین مقاصد شخصی‌شان تفسیر می‌کنند، مورد هجوم قرار داد. بدین وسیله ارائه‌ی چنین تفاسیر غیرمستقیمی بر متون معتبر مانند ودانتا-سوترا در این‌جا از سوی خداوند رد می‌شود.

خداوند ادامه داد که شریلا ویاسادو معنای مستقیم ماتراهای اوپانیشادها را در ودانتا سوترا خلاصه می‌کند. متأسفانه شما معنای مستقیم آنها را نمی‌گویید؛ بلکه به طور غیرمستقیم آنها را به شکل دیگری تفسیر می‌کنید.

"کسی نمی‌تواند مرجعیت وداها را رد کند و در آن هیچ شکی نیست. و هرآنچه که در وداها آمده

است باید پذیرفته شود. در غیر این صورت، فرد اعتبار آنها را زیر سؤال برده است. "بوق صدفی و پهن گاو، استخوان و مدفوع دو حیوان هستند، اما چون در وداها پاک معرفی شده‌اند، مردم آنها را بدین ترتیب قبول می‌کنند و این به دلیل مرجعیت وداهاست."

این بدان معناست که شخص نمی‌تواند دلایل ناقص خود را ورای مرجعیت وداها قرار دهد. دستورهای ودایی باید بی‌چون و چرا اجرا شوند و نباید هیچ دلیل مادی برای اجرا یا رد آنها به کار برد. این به اصطلاح پیروان دستورات ودایی، تفاسیر خودشان را ارائه می‌کنند و به این ترتیب، گروه و فرقه‌ی جدیدی را از دین وداها تشکیل می‌دهند. تنها به این دلیل است که پیروان جدی وداها مذهب بودایی‌ها را قبول ندارند. اما آنها که به اصطلاح دنباله‌روی وداها هستند، از بودایی‌ها خطرناک‌ترند. بودایی‌ها این شهامت را دارند که وداها را مستقیماً رد کنند، اما به اصطلاح پیروان وداها، این جرأت را ندارند که وداها را رد کنند و این در حالی است که غیرمستقیم از دستورات وداها سرپیچی می‌کنند. خداوند چیتانیا این را محکوم می‌کند.

مثال‌هایی که خداوند در این رابطه از بوق صدفی و مدفوع گاو آورده است، بسیار مناسب هستند. اگر فردی بگوید حال که مدفوع گاو پاک است پس مدفوع یک برهمنای خردمند از آن هم پاک‌تر است، گفته‌ی او مورد قبول نخواهد بود. مدفوع گاو پذیرفته، و مدفوع یک برهمنای عالی‌مقام رد می‌شود. خداوند به این صورت ادامه داد:

"دستورات ودایی به خودی خود معتبر هستند و اگر موجودی دنیوی بخواهد بر وداها تفسیر ارائه کند، آن وقت مرجعیت وداها را رد کرده است. خیلی احمقانه است که فرد خود را با شعورتر از شریلا ویاسادو بیندارد. او خود را در سوترهایش بیان کرده است و نیازی به کمک شخصیت‌های پست‌تر از او نیست. اثر او، ودانتا- سوترا، به درخشندگی خورشید در نیمه‌ی روز است و وقتی کسی سعی می‌کند تفسیرات خود را بر خورشید تابان ودانتا- سوترا ارائه کند، همانند این است که بخواهد خورشید را با ابر تخیل خود بپوشاند. هدف وداها و پوراناها یکی است. آنها حقیقت مطلق که اعلی‌تر از هر چیز دیگری است را ثابت می‌کنند. حقیقت مطلق در نهایت به عنوان شخصیت اعلای خداوند که قابلیت کنترل مطلق را دارد درک می‌شود. به این ترتیب، شخص مطلق خداوند می‌باید کاملاً سرشار از ثروت، قدرت، شهرت، زیبایی، دانش و انقطاع باشد. با این حال شخصیت روحانی خداوند به طرز بسیار شگفت‌انگیزی به عنوان فاقد شخصیت نشان داده می‌شود."

"توصیفات فاقد شخصیت بودن حقیقت مطلق در وداها برای خنثی کردن ادراک مادی از کل مطلق است. اجزای شخصی خداوند کاملاً با تمام انواع اجزای مادی متفاوت است. موجودات

زنده همگی فرد، و جزء و ذره‌ای از کل متعال هستند. اگر اجزاء و ذرات، شخصیت‌های منفرد هستند، بنابراین منشاء تجلی آنها نمی‌تواند فاقد شخصیت باشد. او شخص متعال در میان همه‌ی اشخاص نسبی است."

"وداها به ما می‌گویند که همه چیز از او [برهمن] [Brahman] ساطع شده است. و همه چیز بر او تکیه دارد. و پس از قیامت همه چیز در او مستحیل می‌شود. بنابراین او علت و مسبب نهایی، و علت تمام علل است؛ و همه‌ی این علت‌ها را نمی‌توان به یک موجود فاقد شخصیت نسبت داد."

"وداها به ما می‌گویند که او بود که بی‌شمار شد و وقتی چنین بخواهد، به طبیعت مادی نظر می‌افکند. پیش از آنکه او به طبیعت مادی نظر کند، خلقت مادی وجود نداشت. بنابراین نظر او یک نظر مادی نیست. ذهن یا حواس مادی در زمانی که خداوند بر طبیعت مادی نظر انداخت وجود نداشتند. بنابراین شواهد وداها ثابت می‌کنند که بی‌شک خداوند دارای چشمان روحانی و ذهن روحانی است. آنها مادی نیستند. بنابراین فاقد شخصیت بودن او نافی مادی بودنش است، نه دلیلی بر رد شخصیت روحانی او."

"برهمن در نهایت به شخصیت متعال خداوند اشاره دارد و درک برهمن فاقد شخصیت فقط تصور معکوس خلقت‌های خاکی و دنیوی است. پاراماتما (Paramātmā) وجه مکان‌یافته‌ی برهمن است که در همه‌ی انواع بدن‌های مادی قرار دارد. در نهایت طبق همه‌ی شواهد متون مقدس، درک برهمن متعال، درک شخصیت خداوند است. او منشاء غایی ویشنو- تاتواها (viṣṇu-tattvas) می‌باشد."

"پورانها (Purāṇas) نیز مکمل وداها هستند. مانترهای ودایی برای یک فرد عادی بسیار مشکل هستند. زنان، شودراها و افراد به اصطلاح دوبار زاده شده‌ی طبقات بالاتر قادر نیستند مفهوم واقعی وداها را درک کنند. بنابراین ماهابهاراتا و همچنین پورانها حقایق وداها را به سادگی شرح می‌دهند. برهما در دعا‌های خود در برابر شری کریشنا به فرم پسر بچه اظهار می‌دارد که حدی برای خوشبختی ساکنان وراجابهومی به رهبری شری ناندا ماهاراج و یاشودامایی نیست، زیرا حقیقت مطلق ابدی، خویشاوند نزدیک آنها شده است."

"مانترهای ودایی چنین بیان می‌دارند که حقیقت مطلق نه دست دارد و نه پا، و با این همه از همه تندتر می‌دود و هر چیزی که با عشق به او تقدیم شود را می‌پذیرد. بخش دوم این قضیه دلالت بر وجه واجد شخصیت خداوند دارد؛ با اینکه دست و پای او متفاوت با دست و پا و حواس خاکی هستند."

"بنابراین برهنه هرگز فاقد شخصیت نیست، اما هنگامی که این ماتراها به طور غیرمستقیم تفسیر می‌شوند، به اشتباه چنین برداشت می‌شود که حقیقت مطلق فاقد شخصیت است. حقیقت مطلق شخصیت خداوند دارای کامل‌ترین توانگری می‌باشد و بنابراین او فرمی روحانی از موجودیت، دانش و شرف کامل دارد. بنابراین چگونه کسی می‌تواند تصدیق نماید که حقیقت مطلق فاقد شخصیت است؟"

"از این که برهنه سرشار از توانگری‌هاست، چنین استنباط می‌شود که دارای انرژی‌های متفاوتی است. و با استناد به ویشنو پورانا (*Viṣṇu Purāṇa*) [۶۰/۷/۶] تمامی این انرژی‌ها در سه گروه جای می‌گیرند. ویشنو پورانا بیان می‌دارد که انرژی‌های روحانی خداوند در آغاز سه‌تا هستند. انرژی روحانی او و انرژی موجودات زنده، انرژی‌های برتر او محسوب می‌شوند؛ در حالی که انرژی مادی انرژی فروتر می‌باشد که از جهل نشأت گرفته است."

"انرژی موجودات زنده به لحاظ فنی، انرژی کشرایا (*kṣetrajña*) نامیده می‌شود. این کشرایا-شاکتی (*kṣetrajña-śakti*) با اینکه از لحاظ کیفی با خداوند یکی است، به علت جهالت تحت تأثیر طبیعت مادی قرار می‌گیرد و به این ترتیب از همه بدبختی‌های مادی رنج می‌برد. به بیانی دیگر، موجودات زنده در انرژی حاشیه‌ای مابین انرژی برتر (روحانی) و انرژی فروتر (مادی) قرار گرفته‌اند و به نسبتی که با دنیای مادی و یا روحانی تماس حاصل کنند، در سطوح بالاتر و پایین‌تر موجودیت واقع می‌شوند."

"همانطور که در بالا ذکر شد، خداوند ماورای انرژی حاشیه‌ای و انرژی فروتر قرار گرفته و انرژی روحانی او در سه حالت تجلی می‌یابد: به عنوان وجود ابدی، شرف ابدی و دانش ابدی. وجود ابدی توسط قدرت ساندیهینی (*sandihini*) هدایت می‌شود. مشابهاً شرف و دانش جاودان به وسیله‌ی قدرت‌های هلادینهی (*hlādhini*) و سامویت (*samvit*) هدایت می‌شوند. به عنوان خداوند متعال دارای انرژی، او کنترل‌کننده‌ی تمام انرژی‌های روحانی، حاشیه‌ای و مادی است. و همه‌ی این انواع مختلف انرژی‌ها در خدمت عابدانه‌ی جاودان با خداوند در ارتباط هستند."

"شخصیت‌اعلای خداوند به این ترتیب در فرم ابدی و روحانی خویش لذت می‌برد. آیا این تعجب‌آور نیست که کسی جرأت کند خدوند متعال را بدون انرژی خطاب کند؟ خداوند کنترل‌کننده‌ی همه‌ی انرژی‌هاست و موجودات زنده اجزاء و ذرات یکی از انرژی‌های او هستند. بنابراین تفاوت بسیار زیادی بین خداوند و موجودات زنده وجود دارد. پس چگونه ممکن است فردی ادعا کند که خداوند و موجودات زنده یکی و برابرند؟ در بهاگاواد-گیتا نیز توضیح داده شده است که موجودات زنده به انرژی برتر خداوند تعلق دارند. بنابر همبستگی نزدیک انرژی و

منبع انرژی آنها متفاوت هم نیستند. بنابراین، موجودات زنده و خداوند به عنوان انرژی و منبع انرژی با یکدیگر غیرمتفاوتند."

"خاک، آب، آتش، هوا، اتر، ذهن، شعور و منیت همگی انرژی‌های فروتر خداوند هستند. اما موجودات زنده به عنوان انرژی برتر با همه‌ی اینها متفاوتند." این نتیجه‌گیری بهاگاواد-گیتا (۷/۴) است.

"فرم روحانی خداوند به طور ابدی وجود دارد و پر از شعف روحانی است. پس چگونه امکان دارد این فرم از گونه‌ی نیکی مادی ساخته شده باشد؟ بنابراین هرکسی که اعتقاد به فرم خداوند ندارد یک اهریمن بی‌ایمان است و بنابراین نباید لمس شود. برای همین این شخص نجس است. چنین شخصی عنصری نامطلوب و غیرقابل پذیرش، و شایسته‌ی مجازات به دست حکام قدرتمند است."

"بودایی‌ها کافر نامیده می‌شوند؛ زیرا آنها هیچ احترامی برای وداها قائل نیستند. اما آن دسته از به ظاهر پیروان وداها که نتایج ودایی را رد می‌کنند، همان‌طور که در بالا ذکر شد در واقع از بودایی‌ها خطرناک‌ترند."

"شری ویاسادو با لطف بسیار زیاد، دانش ودایی را در ودانتا-سوترای خود جمع‌آوری نموده است. اما اگر کسی تفاسیر مکتب مایاوادای راجع به ودانتا-سوترا (آنگونه که از سوی سامپرادایای شانکارا مطرح می‌شود) را بشنود، حتماً از مسیر ادراک روحانی منحرف خواهد شد."

"نظریه‌ی تجلیات، نخستین موضوعی مطرح شده در ودانتا-سوترا است. تمام تجلیات کیهانی به واسطه‌ی انرژی‌های گوناگون تصورناپذیر خداوند، از شخصیت مطلق وی سرچشمه می‌گیرند. مثال کیمیا در رابطه با تئوری تجلی قابل استفاده است. کیمیا می‌تواند مقدار بسیار زیادی آهن را تبدیل به طلا کند و با این حال خود همان‌طور که هست باقی بماند. به همین صورت، خداوند نیز می‌تواند توسط انرژی‌های تصورناپذیر خود، همه‌ی جهان‌های متجلی را خلق کند و با این حال، خود کامل و تغییر نیافته باقی بماند. او پورنا (*pūrṇa*) (کامل) است و با آنکه بی‌شمار کامل از وی ناشی می‌شوند، همچنان کامل باقی می‌ماند."

"نظریه‌ی توهم مکتب مایاوادای بر این اساس است که تجلی سبب تغییر حقیقت مطلق می‌شود. اگر این طور باشد، ویاسادو اشتباه کرده است. برای پرهیز از این امر، آنها ماهرانه نظریه‌ی توهم را پیش کشیده‌اند. اما جهان و خلقت این کائنات آن‌گونه که مایاوادای‌ها می‌گویند، دروغین نیست. بلکه فقط موجودیت دائمی ندارد. چیزی را که دائمی نیست نمی‌توان دروغین و کاذب نامید. اما یکسان پنداشتن بدن مادی با خود حقیقی (ذات)، قطعاً اشتباه است."

" پُراناوا (Pranava) (اُم) یا همان اُم کارا (omkāra) نخستین سروده‌ی ودهاست. این صوت متعال با فرم خداوند یکسان است. این پُراناوا ام کارا اساس همه‌ی سروده‌های ودایی است. تات توام آسی (Tat tvam asi) تنها یک کلمه‌ی حاشیه‌ای ادبیات ودایی است و بنابراین نمی‌تواند نخستین سرود ودها باشد. شریپادا شانکاراچاریا، به جای اصل آغازین اُم کارا، بر روی این کلمات حاشیه‌ای تات توام آسی تأکید بیشتری نموده است."

بدین ترتیب، خداوند درباره‌ی ودانتا- سوترا سخن گفت و تبلیغات مکتب مایاوادی را به مبارزه طلبید. بهاتاچاریا کوشش کرد تا به کمک شعبده‌ی منطق و دستور زبان، از خود و از مکتب مایاوادی دفاع کند، اما خداوند توانست با استدلال‌های محکم خود او را شکست دهد. او اثبات کرد که همه‌ی ما با شخصیت متعال خداوند رابطه‌ای ابدی داریم و خدمت عابدانه وظیفه‌ی ابدی ما در مبادله‌ی رابطه با اوست. نتیجه‌ی چنین مبادلاتی دستیابی به پرما (premā) یعنی عشق به خداوند است. وقتی به درجه‌ی عشق به خداوند رسیدیم، عشق به تمام موجودات دیگر خود به خود در پی آن می‌آید؛ چرا که خداوند وجود کل تمام موجودات زنده است.

خداوند فرمود: "اما به جز برای این سه موضوع - یعنی رابطه‌ی ابدی با خداوند و تبادل روابط با او و رسیدن به عشق او - تمامی آنچه‌های دیگری که در ودها آموزش داده شده، زائد و ساختگی هستند."

خداوند اضافه کرد که فلسفه‌ی مایاوادی شریپاد شانکاراچاریا آن را شرح داده، توضیحی موهوم از ودهاست؛ اما باید توسط او آموزش داده می‌شد، زیرا شخصیت‌اعلای خداوند به او چنین دستور داده بود. در پادما پورانا (Padma Purāṇa) آمده است که شخص خداوند به خداوندگار شیوا دستور داد که انسان‌ها را از او (شخصیت خداوند) منحرف نماید. شخصیت خداوند می‌بایست آنچنان پوشانیده می‌شد که انسان‌ها در گمراهی خود به تولید نسل بیشتر تشویق می‌شدند. حضرت شیوا به همسرش دوی می‌گوید: "در کالی- یوگا من باید در کسوت یک برهمنان، فلسفه‌ی مایاوادا را که چیزی جز بودیسم پوشیده شده نیست، ارشاد کنم."

بهاتاچاریا پس از شنیدن همه‌ی سخنان خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو، غرق در شگفتی شده بود. هیبت خداوند او را تحت تأثیر قرار داده بود و در سکوت عمیقی فرو رفته بود. خداوند سپس به او اطمینان داد که هیچ جای شک و شگفتی نیست. او گفت: من می‌گویم "خدمت عابدانه به شخصیت‌اعلای خداوند بالاترین هدف زندگی انسان‌ها است." او سپس آیه‌ای از بهاگاواتام را نقل نمود و به او اطمینان داد که حتی ارواح رها شده که مجذوب روح و ادراکات روحانی هستند نیز به خدمت عابدانه به خداوند هاری (Lord Hari) رو می‌آورند، زیرا شخصیت‌اعلای خداوند

چنان صفات متعالی دارد که قادر است قلب ارواح رها شده را نیز به خود جذب کند. سپس بهاتاپاریا درخواست نمود که شرح آیهی آتماراما (*ātmārāma śloka*) از کتاب بهاگاواتام (۱۰/۷/۱) را از زبان خداوند بشنود. اما خداوند از او خواست که اول وی همان آیه را شرح دهد. بهاتاپاریا به طرز فاضلانهای و با اشاره‌ی خاص به منطق آیه را توضیح داد. او آیه را بر اساس منطق به ۹ طریق متفاوت توضیح داد، زیرا معروف‌ترین دانشمند منطق در عصر خود بود.

خداوند پس از شنیدن توضیحات بهاتاپاریا از او برای ارائه‌ی فاضلانهای تشکر کرد و سپس به درخواست بهاتاپاریا این آیه را به ۶۴ روش متفاوت بدون اشاره به ۹ توضیح بهاتاپاریا توضیح داد.

بهااتاپاریا پس از شنیدن توضیحات آیهی آتماراما از خداوند، متقاعد شد که چنین ارائه‌ی عالمانه‌ای توسط یک موجود خاکی غیرممکن است. پیش از آن، شری گوپینات آپاریا کوشیده بود که درباره‌ی متعال بودن خداوند او را قانع کند، اما در آن زمان او نمی‌توانست چنین امری را بپذیرد. اما حالا بهاتاپاریا مبهوت شرح او از ودانتا سوترا و توضیحاتش راجع به آیهی آتماراما شده بود. بنابراین به این فکر افتاد که با نشناختن خداوند به عنوان خود کریشنا مرتکب اهانت بزرگی به قدوم نیلوفرین او شده است. او سپس تسلیم شد و از نحوه‌ی برخوردش با خداوند توبه نمود و خداوند با مهربانی وی را پذیرفت. سپس خداوند از سر لطف بی‌دلیل خود ابتدا در فرم نارایانای چهار دست، و سپس به فرم خداوند کریشنای دو دست با فلوتی در دستانش در برابر چشمان او متجلی گشت.

بهااتاپاریا بلافاصله به قدوم نیلوفرین خداوند افتاد و به لطف او ابیات بسیار مناسبی در ثنا و تمجید خداوند سرود. او تقریباً صد اشلوکا در تمجید و ثنای خداوند گفت. خداوند سپس او را در آغوش گرفت و بهاتاپاریا از روی شعف متعال بیهوش شد و آگاهی از حالت جسمانی زندگی را از دست داد. اشک‌ها، لرزش، گرفتگی صدا، تعلق، امواج احساسی، رقص، آواز، فریاد، و تمامی هشت نشانه‌ی شعف در بدن بهاتاپاریا نمایان گشت. شری گوپینات آپاریا از این گفتگوی بسیار عالی بین برادر زن خود و خداوند بسیار خوشحال و متعجب شد. از میان صد بیت معروفی که بهاتاپاریا در تمجید از خداوند سرود، دو بیت زیر مهم‌ترین‌ها هستند که مأموریت خداوند را شرح می‌دهند و عبارتند از:

۱- باشد که به شخصیت خداوند تسلیم شوم که اکنون به صورت خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو ظاهر شده است. او اقیانوس همه‌ی الطاف است و اکنون هبوط نموده تا انقطاع از

مادیات و خدمت عابدانه به خود را به ما بیاموزد.

۲- از آنجایی که خدمت عابدانه‌ی ناب و خالص به خداوند به مرور زمان از بین رفته است، خداوند ظهور کرده تا اصول را از نو برقرار کند و از این رو من سجده‌های خود را به او تقدیم می‌دارم.

خداوند توضیح داد که واژه‌ی موکتی (*mukti*) از لحاظ معنی مساوی است با کلمه‌ی ویشنو، یعنی شخصیت‌اعلای خداوند. رسیدن به موکتی یا رهایی از اسارت موجودیت مادی همان رسیدن به خدمت خداوند است.

سپس خداوند برای مدتی به جنوب هند سفر کرد و تمام کسانی را که در راه ملاقات نمود به عابد خداوند کریشنا تبدیل کرد. این عابدان نیز بسیاری دیگر را به آیین خدمت عابدانه یا بهاگاواتا-دارمای خداوند درآوردند. سپس او به ساحل رودخانه‌ی گوداوارای (*Godāvarī*) رسید. در آن‌جا شریلا راماناندا رای (*Śrīla Rāmānanda Rāya*) را ملاقات کرد که فرماندار مدرس (*Madras*) بود و از سوی ماهاراج پراتاپارودرا (*Mahārāja Pratāparudra*)، پادشاه اوریسا، به این سمت گماشته شده بود. گفتگوی خداوند با راماناندا رای برای ادراک بالاتر دانش متعال بسیار مهم است. این صحبت‌ها خود یک کتاب را تشکیل می‌دهند و ما در این‌جا، خلاصه‌ای از این گفتگو را نقل می‌کنیم.

شری راماناندا رای، یک روح خودشناخته بود؛ هرچند در ظاهر به نظر می‌آمد او به طبقه‌ای پایین‌تر از برهمنانها تعلق دارد. او در مرحله‌ی انقطاع نبود و در عین حال خادم عالی‌رتبه‌ی دولتی در استان بود. با این حال، شری چیتانیا ماهاپرابهو او را به دلیل درک بالایش از دانش متعال به عنوان یک روح رها شده پذیرفت. مشابهاً خداوند شریلا هاری داس تهاکور، عابد قدیمی خداوند را که از خانواده‌ای مسلمان بود پذیرفت؛ و بسیاری عابدان بزرگ دیگری که از اجتماعات، طبقات و فرقه‌های مختلف می‌آیند. تنها ملاک خداوند میزان خدمات عابدانه‌ی هر شخص بود. او با لباس‌های بیرونی اشخاص کاری نداشت. بنابراین تمام تبلیغات مذهبی خداوند باید در سطح روحانی درک شود. بنابراین آیین شری چیتانیا ماهاپرابهو یا همان بهاگاوات-دارما هیچ کاری با موضوعات مادی مثل جامعه‌شناسی، سیاست، پیشرفت اقتصادی و از این دست ابعاد زندگی ندارد. شریماد-بهاگاواتام نیاز متعال و خالص روح است.

خداوند طی ملاقات خود با شری راماناندا رای در ساحل رودخانه‌ی گادواری، به سیستم وارنا‌آشرام- دارما (*varnāśrama-dharma*) که هندوها از آن تبعیت می‌کردند اشاره نمود. شریلا راماناندا رای گفت که با پیروی از اصول وارنا‌آشرام- دارما، یعنی سیستمی مشتمل بر

چهار طبقه و چهار مرحله‌ی زندگی انسانی، همه می‌توانند به درک متعال دست یابند. به نظر خداوند سیستم وارنا‌آشرام - دارما فقط یک سیستم ظاهری است و ربط زیادی به بالاترین ادراکات ارزش‌های متعال ندارد. والاترین کمال زندگی انسانی، انقطاع از دلبستگی‌های مادی و درک نسبی خدمت عاشقانه‌ی متعال به خداوند است. شخصیت اعلای خداوند فقط کسانی را که در این راه پیشرفت می‌کنند مورد تشخیص و عنایت قرار می‌دهد. بنابراین خدمت عاشقانه، نقطه‌ی اوج فرهنگ تمام دانش‌ها است. وقتی شری کریشنا، شخصیت اعلای خداوند برای نجات ارواح فروافتاده بر روی زمین ظاهر شد، رهایی تمام موجودات زنده را به شرح زیر توصیه نمود: شخصیت اعلای مطلق خداوند که تمام موجودات زنده از وی نشأت گرفته‌اند، باید با تعهد تمام توسط همگان مورد پرستش قرار گیرد؛ زیرا هر چه که ما می‌بینیم بسطی از انرژی اوست. این راه کمال واقعی است و تمامی آچاربای‌های معتبر گذشته و حال آن را تأیید نموده‌اند. سیستم وارنا‌آشرام کمابیش بر اصول اخلاقی تکیه دارد و درک متعال در آن بسیار جزئی است. خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو این سیستم را به دلیل ظاهری بودن رد می‌کند و از اماناندا رای درخواست می‌کند که بحث را ادامه دهد.

در ادامه، شری رماناندا رای به انقطاع از اعمال ثمربخش اشاره کرد. بهاگاواد-گیتا (۲۷/۹) در این رابطه می‌گوید: "آنچه انجام می‌دهی، آنچه می‌خوری، آنچه قربانی می‌کنی یا می‌بخشی، و تمامی ریاضت‌هایی که متحمل می‌شوی را فقط به من تقدیم کن." این تقدیم از سوی انجام‌دهنده‌ی عمل نشانگر آن است که شخصیت خداوند یک قدم بالاتر از مفهوم فاقد شخصیت مستتر در سیستم وارنا‌آشرام است. با این حال رابطه‌ی موجود زنده و خداوند به طور دقیق در این راه مشخص نیست. بنابراین خداوند پیشنهاد پرداختن به این بحث را رد می‌کند و از اماناندا رای می‌خواهد که گفتگو را ادامه دهد.

رای، سپس پیشنهاد ترک سیستم وارنا‌آشرام - دارما و پرداختن به خدمت عابدانه را مطرح می‌کند. خداوند این پیشنهاد را نیز قبول نمی‌کند. دلیل رد این پیشنهاد آن است که شخص نباید موقعیت خود را به طور ناگهانی ترک کند؛ چرا که این ترک ناگهانی ممکن است نتیجه‌ی مطلوبی به بار نیاورد.

سپس رای اشاره می‌کند که دستیابی به ادراک روحانی رها از هر نوع پندار مادی از زندگی، بالاترین موفقیت یک موجود زنده است. خداوند این را هم رد می‌کند؛ زیرا به علت وجود چنین ادراکات روحانی است که افراد نادان، ویرانی‌های بسیاری به بار آورده‌اند؛ بنابراین اتخاذ ناگهانی چنین رویکردی نیز ممکن نیست. آنگاه رای معاشرت صادقانه با ارواح خودشناخته و شنیدن

متواضعانه‌ی پیام‌های متعال بازی‌های شخصیت متعال خداوند را پیشنهاد می‌کند. خداوند از این پیشنهاد استقبال می‌کند. این پیشنهاد به پیروی از برهماچی گفته شده که می‌گوید: شخصیت اعلای خداوند به آجیتا (*ajita*)، یعنی کسی که شکست‌ناپذیر است و هر کسی نمی‌تواند به او نزدیک شود، معروف است. اما این آجیتا با یک روش بسیار ساده و آسان جیتا (*jita*) (شکست‌پذیر) نیز می‌شود. این روش ساده آن است که شخص باید ادعای متکبرانانه‌ی خدایی خود را کنار بگذارد. فرد باید بسیار متواضع و فرمانبردار باشد و با گوش سپردن به سخنان روح خودشناخته‌ی متعالی که درباره‌ی پیام بهاگواتام، یا آیین پرشکوه نمودن خداوند متعال و عبادانش سخن می‌گوید، در آرامش زندگی کند. پرشکوه کردن یک انسان بزرگ، غریزه‌ی طبیعی موجودات زنده است؛ اما آنها نیاموخته‌اند که باید خداوند را پرشکوه کنند. کمال زندگی با پرشکوه نمودن خداوند در معاشرت با عابدان خودشناخته دست‌یافتنی است. عابد خودشناخته کسی است که کاملاً تسلیم خداوند گشته است و هیچ دلبستگی به کامیابی مادی ندارد. کامیابی مادی و ارضای حواس و پیشرفت در چنین مقولاتی همگی نشانگر عملکرد جهل در جامعه‌ی بشری هستند. آرامش و دوستی برای اجتماع بی‌بهره از معاشرت خدا و عابدان او، امکان‌پذیر نیست. بنابراین ضروریست که فرد با هر موقعیتی که در زندگی دارد، صادقانه به دنبال معاشرت عابد پاک باشد و با صبر و تواضع از او بشنود. مقام مادی بالا یا پایین شخص، مانعی برای وی در مسیر خوشناسی نیست. تنها کاری که فرد باید انجام دهد این است که با یک برنامه‌ی منظم از روحی خودشناخته بشنود. معلم روحانی ممکن است به پیروی از آچاربای‌های گذشته که حقیقت را درک کرده‌اند، بر اساس ادبیات ودایی سخنرانی کند. لرد چیتانیا ماهاپرابهو به‌کارگیری روش ساده‌ی "بهاگواتا- دارما" را برای خودشناسی پیشنهاد می‌کند. شریما- بهاگواتام بهترین راهنما برای این منظور است.

خداوند و شری راماناندا رای، فراتر از موضوعات مطرح شده در این‌جا، درباره‌ی موضوعات پیشرفته‌ی روحانی نیز گفتگو کردند. ما عمداً آنها را در این‌جا مطرح نمی‌کنیم؛ چراکه شخص پیش از آنکه بتواند سایر صحبت‌های خداوند با راماناندا رای را بشنود باید به سطح روحانی رسیده باشد. ما صحبت‌های بعدی شریلا راماناندا رای با خداوند را در کتاب دیگری به نام آموزش‌های خداوند چیتانیا بیان کرده‌ایم.

در انتهای این ملاقات، خداوند به شری راماناندا رای توصیه نمود که از سیمت خود استعفا دهد و به پوری برود تا بتوانند با هم زندگی کنند و رابطه‌ی روحانی داشته باشند. کمی بعد شری راماناندا رای از خدمت دولتی استعفا داد، حقوق بازنشستگی خود را از شاه دریافت نمود و به

خانه‌اش در پوری بازگشت و در آن‌جا یکی از محرم‌ترین عابدان خداوند شد. شخص محترم دیگری به نام شیکهی ماهیتی (*Sikhi Māhiti*) نیز در پوری همچون رامانندا رای از عابدان نزدیک خداوند بود. خداوند به طور معمول جلسات محرمانه‌ای درباره‌ی ارزش‌های روحانی با سه یا چهار تن از همراهان خود در پوری برگزار می‌نمود و هجده سال از زندگی‌اش را این‌گونه در خلسه و شعف روحانی سپری کرد. منشی شخصی‌اش شری دامودارا گوسوامی، یکی از چهار عابد نزدیک به خداوند، صحبت‌های او را ثبت کرده است.

خداوند به طور گسترده‌ای در سراسر جنوب هند مسافرت کرد و قدیس بزرگ ماهاراشترا (*Mahārāṣṭra*) معروف به توکارامای قدیس (*Saint Tukārāma*) نیز از خداوند تشرف گرفت. این حکیم بزرگ پس از آنکه از خداوند تشرف گرفت، تمام استان ماهاراشترا را از جنبش سان‌کیرتان لبریز نمود و این جنبش روحانی همچنان در قسمت جنوب‌غربی شبه جزیره‌ی هند در جریان است.

خداوند از قسمت جنوب هند دو کتاب ادبی قدیمی و بسیار مهم به نام‌های برهما-سامهتیا (*Brahmā-samhitā*) و کریشنا-کارنامریتا (*Kṛṣṇa-karṇāmṛta*) را یافت. این دو کتاب مهم، کتب معتبری برای افراد واقع در راه خدمت عابدانه هستند. خداوند پس از مسافرت به جنوب هند به پوری بازگشت.

در این بازگشت همه‌ی عابدان مشتاق دیدار خداوند جانی دوباره یافتند. خداوند آن‌جا ماند و اجرای بازی‌های روحانی خود را ادامه داد. مهم‌ترین حادثه‌ای که در این زمان اتفاق افتاد، ملاقات رسمی پادشاه پراتاپارودرا (*Pratāparudra*) با خداوند بود. پادشاه پراتاپارودرا عابد بزرگ خداوند بود و خود را یکی از خادمان خداوند می‌دانست و مسئولیت جارو کردن معبد را به عهده گرفته بود. خداوند چیتانیا این رفتار متواضعانه‌ی پادشاه را بسیار تحسین می‌کرد. پادشاه هم از بهاتاچاریا و هم از رامانندا رای تقاضا کرد ترتیبی بدهند که او با خداوند ملاقات کند. وقتی که این دو عابد نمونه‌ی خداوند چنین تقاضایی از وی نمودند، او بسیار جدی این تقاضا را رد کرد. خداوند بیان نمود که برای یک سانیاسی بسیار خطرناک است که در تماس نزدیک با اشخاص دنیوی و پول‌پرست و یا زن‌ها باشد. خداوند یک سانیاس نمونه بود. هیچ زنی نمی‌توانست حتی برای ادای احترام به او نزدیک شود. مکان نشستن زن‌ها بسیار دور از خداوند در نظر گرفته می‌شد. به عنوان یک معلم نمونه و یک آچاریا، او در امور معمول سانیاسی بسیار جدی بود. جدا از اینکه خود یک ظهور الهی بود، به عنوان یک انسان نیز شخصیتی ایده‌آل محسوب می‌شد. برخورد او با دیگران نیز فارغ از هرگونه شبهه‌ی ارتکاب به خطا بود. در

روابطش به عنوان یک آچارپا، او قوی‌تر از رعد و برق و لطیف‌تر از یک گُل رز بود. یکی از معاشرائش به نام هاری داس [پرابهوپاد در این‌جا عنوان *Junior* را برای این عابد به کار می‌برد تا این شخص با هاری داس تنهاکور اشتباه گرفته نشود] اشتباه بزرگی انجام داد و نگاه شهوت‌آمیزی به یک دختر جوان کرد. خداوند به عنوان روح متعال توانست این شهوت را در ذهن وی بخواند. هاری داس جوان بلافاصله از معاشرت خداوند رانده شد و با اینکه از خداوند تقاضا شد او را بیخشد، خداوند هرگز دیگر او را به حضور نپذیرفت. هاری داس پس از آن به دلیل محرومیت از معاشرت خداوند، دست به خودکشی زد و خبر خودکشی او به خداوند داده شد. حتی در آن زمان نیز خداوند اهانت او را فراموش نکرد و فرمود هاری داس اکنون به درستی مجازات شده است.

خداوند در اصول و قوانین زندگی سانیاسی بسیار جدی بود. او با اینکه می‌دانست این پادشاه یک عابد بزرگ است نمی‌خواست او را ببیند، زیرا پادشاه اهل پول و روابط مالی بود. خداوند با این مثال خود بر رفتار مناسب یک رهروی روحانی تأکید کرد. یک رهرو روحانی نباید کاری با پول و زن داشته باشد و همیشه باید از چنین روابط نزدیکی دوری کند. به هر حال این پادشاه از طریق هماهنگی‌های ویژه‌ی انجام شده از سوی عابدان، مورد لطف خداوند قرار گرفت. این بدان معناست که عابدان محبوب خداوند سخاوتمندانه‌تر از خود خداوند به عابدان مبتدی لطف می‌نمایند. بنابراین عابدان پاک خداوند هرگز به قدم عابد پاک دیگر اهانت نمی‌کنند. خداوند پرلطف گاه اهانتی را که به قدم نیلوفرینش می‌شود، می‌بخشاید؛ اما اهانت به قدم عابد خداوند برای کسی که می‌خواهد در خدمت عابدانه پیشرفت کند، بسیار خطرناک است.

تا زمانی که خداوند در پوری اقامت داشت، هنگام جشن ارابه‌های راتها-یاترای (*Ratha-yātrā*) خداوند جاگانات، هزاران عابد برای دیدنش می‌آمدند و در جشن ارابه‌ها، شستن معبد گوندیچا تحت نظارت مستقیم خداوند، یکی از آیین‌های مهم بود. جنبش سان‌کیرتان دسته‌جمعی خداوند در پوری نمایی منحصر به فرد برای توده‌ی مردم به شمار می‌رفت. این راهی بود برای جذب اذهان عمومی به سوی درک روحانی. خداوند این سیستم سان‌کیرتان دسته‌جمعی را بنیان گذاشت و تمام رهبران کشورها می‌توانند جهت برقراری صلح ناب و دوستی میان مردم از آن بهره‌گیرند. این نیاز جامعه‌ی بشری امروز در سراسر جهان است. پس از مدتی، خداوند دوباره مسافرتش را به سمت شمال هند آغاز کرد و تصمیم گرفت به ورینداون و مکان‌های اطراف آن برود. وی از جنگل جاری‌کاندها (*Jharikhanda*) (مادهیا بهاراتا) (*Madhya Bhārata*) عبور نمود و همه‌ی حیوانات وحشی نیز به جنبش سان‌کیرتان او پیوستند. ببرهای وحشی، فیل‌ها و خرس‌ها و آهوها همه با خداوند همراه شدند و خداوند نیز در سان‌کیرتان آنها را

همراهی نمود؛ و به این ترتیب، او ثابت کرد که با پخش جنبش سان کیرتان (یعنی ذکر دسته‌جمعی و پرشکوه نمودن نام مقدس خداوند)، حتی حیوانات وحشی نیز می‌توانند در دوستی و صلح زندگی کنند؛ چه برسد به انسان‌ها که قرار است متمدن هم باشند. هیچ انسانی در دنیا پیوستن به جنبش سان کیرتان را نمی‌تواند رد کند. جنبش سان کیرتان خداوند محدود به یک طبقه، نژاد، رنگ، و نوع خاص نیست. این شاهدهی است از جنبش بزرگ وی: او حتی اجازه داد که حیوانات وحشی نیز در جنبش او شرکت کنند.

خداوند در راه بازگشت از ورینداون، ابتدا به پرایاگ (*Prayāga*) رسید، و در آن‌جا روپا گوسوامی را همراه با برادر جوان‌ترش آنوپاما (*Anupama*) ملاقات نمود. سپس به بنارس (*Benares*) رفت و طی مدت دو ماه، دانش متعل را به شری ساناناتا گوسوامی آموخت. تعلیمات خداوند به ساناناتا گوسوامی خود نقلی طولانی است و ارائه‌ی کامل آنها در این‌جا ممکن نیست؛ ولی موضوعات اصلی آن در ادامه آورده شده است.

ساناناتا گوسوامی (که پیش‌تر دبیر خاص نام داشت)، در کابینه‌ی دولت بنگال در رژیم نواب حسین شاه کار می‌کرد. او تصمیم گرفت به خداوند ملحق شود، و به همین منظور از خدمت دولتی کناره گرفت. وقتی خداوند در مسیر بازگشت از ورینداوان به وارناسی (*Vārāṇasī*) رسید، مهمان شری تاپانا میشرا (*Śrī Tapana Miśra*) و چاندراشیکهار (*Candraśekhara*) شد و در این سفر یک برهمنای اهل ماهاراشترا وی را همراهی می‌کرد. در آن زمان شهر وارناسی توسط یک سانایاس بزرگ مکتب مایاوادوی به نام شریپاد پراکاشاناندا ساراسواتی (*Śrīpāda Prakāśānanda Sarasvatī*) هدایت می‌شد. وقتی خداوند در وارناسی بود، به دلیل جذابیت ذکر سان کیرتان دسته‌جمعی، عامه‌ی مردم بیشتر جذب چیتانیا ماهاپراهو شدند. هر جا که او می‌رفت، به ویژه وقتی راهی معبد ویشوانات (*Viśvanātha*) می‌شد، هزاران زائر به دنبال خداوند راه می‌افتادند. بعضی‌ها جذب سیمای بدنیش می‌شدند، و دیگران جذب آوازهای دلنشین او که خداوند را پرشکوه می‌نمود.

سانایاس‌های مایاوادوی خود را به عنوان نارایانا (*Nārāyaṇa*) معرفی می‌کنند. وارناسی هنوز هم پر از سانایاس‌های مایاوادوی است. برخی از مردمی که خداوند را در گروه سان کیرتان می‌دیدند، فکر می‌کردند که او واقعاً نارایانا است و این خبر به سانایاس بزرگ پراکاشاناندا رسید. در هندوستان همیشه نوعی رقابت روحانی میان مایاوادوی‌ها و مکتب بهاگواتا وجود دارد؛ به همین دلیل وقتی اخبار مربوط به خداوند به پراکاشاناندا رسید، او می‌دانست که خداوند یک سانایاس وایشناو است؛ و به همین دلیل از ارزش خداوند در برابر کسانی که پیغام را برای او

آورده بودند، کاست. او فعالیت‌های خداوند را قبیح می‌دانست؛ زیرا خداوند به ارشاد جنبش سان‌کیرتان که از نظر او مذهبی احساساتی بود، می‌پرداخت. پراکاشاناندا دانشجوی عمیق ودانتا بود و به مریدان خود اعلام کرد که دقت بیشتری به ودانتا کنند و مشغول سان‌کیرتان نشوند. یک عابد برهمانا که مرید خداوند شده بود، انتقاد پراکاشاناندا را نپسندید و نزد خداوند رفت تا پشیمانی خود را ابراز دارد. او به خداوند گفت که وقتی نام خداوند را نزد پراکاشاناندا می‌سنانیاس بر زبان آورده است، وی به شدت از خداوند انتقاد کرده است. این در حالی بود که آن برهمانا شنیده بود پراکاشاناندا چندین بار نام چیتانیا را به زبان آورده است. این برهمانا از اینکه دیده بود وی نمی‌توانست صوت کریشنا را حتی یک بار بر زبان آورد، اما نام چیتانیا را چندین بار تکرار نمود، بسیار شگفت‌زده شده بود.

خداوند با لبخند به این عابد برهمانا توضیح داد که چرا «مایاواد‌ها» نمی‌توانند نام مقدس کریشنا را بر زبان آورند، در حالی که همیشه برهما، آتما یا چیتانیا را صدا می‌زنند. چون مایاواد‌ها به قدوم نیلوفرین کریشنا اهانت می‌کنند، در واقع قادر نیستند نام مقدس کریشنا را بر زبان بیاورند. نام مقدس کریشنا و شخصیت متعال خداوند با یکدیگر یکی هستند. در سطح مطلق هیچ تفاوتی بین نام، فرم، و شخصیت حقیقت مطلق وجود ندارد؛ زیرا در قلمرو مطلق، همه چیز شمع متعال است و هیچ تفاوتی بین بدن و روح شخصیت اعلائی خداوند کریشنا نیست. بنابراین او با موجودات زنده که همواره از بدن بیرونی خود متفاوت هستند، فرق دارد. به علت مقام روحانی خداوند، برای یک شخص معمولی مشکل است که بتواند شخصیت اعلائی خداوند، نام مقدس او، شهرت او و غیره را به درستی درک کند. نام او، شهرت او، فرم او، بازی‌هایش همه یکی هستند و یک هویت روحانی دارند. آنها توسط حواس مادی قابل تجربه و درک نیستند.

"روابط متعال در بازی‌های خداوند منشاء شعفی است بیش از آنچه که فرد می‌تواند از درک برهمن و یا یکی شدن با خداوند تجربه کند. اگر این‌گونه نبود، کسانی که جذب شمع برهمن شده بودند، نمی‌توانستند بعدها جذب شمع روحانی بازی‌های خداوند شوند."

پس از آن، ملاقاتی بزرگ توسط عابدان خداوند ترتیب داده شد که همه‌ی سانیاس‌های بزرگ شامل خداوند و پراکاشاناندا ساراسواتی به آن دعوت شدند. در این ملاقات، هر دو عالم (خداوند و پراکاشاناندا) درباره‌ی ارزش‌های روحانی جنبش سان‌کیرتان مباحثه‌ای طولانی نمودند که خلاصه‌ی آن در ادامه آمده است.

پراکاشاناندا، سانیاس بزرگ مایاواد‌ی، از خداوند پرسید که چرا وی جنبش سان‌کیرتان را به

مطالعه‌ی ودانتا- سوترا ترجیح می‌دهد. او اضافه کرد که وظیفه‌ی هر سانیاسی خواندن ودانتا- سوتراست. چه چیز باعث شده است که خداوند به سان‌گیرتان پردازد؟ پس از این سؤالات، خداوند متواضعانه پاسخ داد: "من جنبش سان‌گیرتان را به جای مطالعه ودانتا- سوترا انتخاب کردم زیرا یک احمق بزرگ هستم." بدین ترتیب خداوند خود را مانند یکی از بی‌شمار احمق‌های این دوره که کاملاً ناتوان از مطالعه‌ی فلسفه‌ی ودانتا هستند، نشان داد. اشتغال احمق‌ها به مطالعه‌ی ودانتا درس‌های بسیار زیادی را برای اجتماعات بشری به بار آورده است. خداوند چنین ادامه داد: "و چون من یک احمق بزرگ هستم، پیر روحانی من مرا از بازی با فلسفه‌ی ودانتا منع کرده است. او گفت بهتر است من نام‌های مقدس خداوند را ذکر کنم؛ زیرا این کار مرا از اسارت مادی نجات خواهد داد."

"در این عصر کالی، هیچ دین دیگری به غیر از پرشکوه نمودن خداوند از طریق ذکر نام او وجود ندارد و این دستور تمام کتب مقدس است. و پیر روحانی من به من یک آیه [از بریهان- نارادیا پورانا (*Bṛhan-nārāḍīya Purāṇa*)] آموزش داده است:

*harer nāma harer nāma harer nāmaiva kevalam kalau nāsty
eva nāsty eva nāsty eva gatir anyathā. (Cc. Adi 17.21)*

بنابراین به دستور پیر روحانی‌ام، من نام مقدس هاری را ذکر می‌کنم و اکنون دیوانه‌ی این نام شده‌ام. هرگاه نام مقدس خداوند را بر زبان می‌آورم، خود را کاملاً فراموش می‌کنم. گاه می‌خندم، گاه گریه می‌کنم، و گاه همچون دیوانه‌ای می‌رقصم. فکر کردم که با این روش ذکر واقعاً دیوانه شده‌ام. بنابراین از پیر روحانی خود در این مورد سؤال کردم. او به من اطمینان داد که این اثر واقعی ذکر نام مقدس خداست و احساسی متعال در انسان پدید می‌آورد که تجلی بسیار نادری است. این نشانه‌ی عشق به خداست که هدف نهایی زندگی است. عشق خدا حتی از رهایی (موکتی) متعال‌تر است؛ برای همین درجه‌ی پنجم ادراک روحانی نامیده می‌شود و بالاتر از رهایی قرار دارد. به وسیله‌ی ذکر نام مقدس کریشنا شخص می‌تواند به درجه عشق خداوند نائل گردد و خیلی خوب است که خوشبختانه من شامل این لطف شده‌ام."

پس از شنیدن این اظهارات خداوند، سانیاس مایاوادی از خداوند سؤال کرد که مطالعه‌ی ودانتا در کنار ذکر نام مقدس خداوند چه اشکالی دارد؟ پراکاشاناندا ساراسواتی خوب می‌دانست که خداوند قبلاً به نام نیمای پاندیت، محقق بزرگ ناودویپ، معروف بود و اینکه خود را یک احمق بزرگ نشان می‌دهد، حتماً دلیلی دارد. پس از شنیدن این سؤال سانیاسی، خداوند لبخند زد و گفت: "آقای عزیز، اگر شما ناراحت نمی‌شوید من سؤال شما را پاسخ خواهم داد."

همه‌ی سانیاس‌هایی که آن‌جا بودند از رفتار صادقانه‌ی خداوند خیلی راضی شده بودند و دسته‌جمعی جواب دادند که از پاسخ‌های خداوند رنجیده‌خاطر نخواهند شد. سپس خداوند چنین جواب داد:

"ودانتا- سوترا از کلمات یا اصوات روحانی بیان شده توسط شخصیت متعال خداوند تشکیل شده است؛ بنابراین در تعالیم ودانتا هیچ اثری از نقایص بشری چون توهم، تقلب یا کمبود وجود ندارد. پیغام اوپانیشادها در ودانتا- سوترا آمده و آنچه در آن‌جا به طور مستقیم بیان شده، قطعاً پرشکوه است. تفاسیری که شانکارا آچاریا ارائه نموده، هیچ ارتباط مستقیمی با این سوتراها ندارد، و بنابراین چنین تفاسیری همه چیز را نابود می‌کند."

"کلمه‌ی برهمن یعنی بزرگ‌ترین بزرگ‌ها، و این نشان می‌دهد که غنی از قدرت‌ها و ثروت‌های متعال، و برتر از همگان است. نهایت برهمن، شخصیت اعلا‌ی خداوند است، اما توسط تفسیرهای غیرمستقیم پوشیده، و به عنوان وجودی فاقد شخصیت بیان شده است. هر آنچه در دنیای روحانی است از جمله: فرم، بدن، مکان و متعلقات خداوند، همگی واجد شعف متعال‌اند. همه به طور ابدی آگاه و خوش هستند. این خطای شانکارا آچاریا نیست که ودانتا را این‌چنین تعریف کرده است؛ اما اگر کسی آن را قبول کند، قطعاً بزرگ‌ترین اهانت‌ها را مرتکب می‌شود." خداوند با این سانیاس‌ها نیز همان‌گونه که با بهاتاچاریا در پوری صحبت کرده بود، سخن گفت. او با استدلال‌های محکم تفاسیر مایاوادی از ودانتا- سوترا را خنثی نمود. همه‌ی سانیاسی‌های حاضر در آن جمع تصدیق کردند که خداوند چیتانیا شخصیت تجلی‌یافته‌ی وادها یعنی همان شخصیت اعلا‌ی خداوند است و همگی جذب آیین بهاکتی شدند و نام مقدس شری کریشنا را پذیرفتند و سپس با خداوند شام خوردند. پس از این مباحثه با سانیاسی‌ها، شهرت خداوند واراناسی فزونی گرفت و هزاران نفر جمع شدند که شخص خدا را ملاقات کنند. خداوند بدین ترتیب اهمیت بنیادین شریما-بهاگاواتا-دارما را تصدیق نمود و همه‌ی راه‌های دیگر در کمال روحانی را مغلوب کرد. پس از آن، همه‌ی مردم در واراناسی غرق در جنبش متعال سانکیرتان شدند.

در هنگام اقامت خداوند در واراناسی، ساناتانا گوسوامی پس از ترک مقام دولتی خود بدان‌جا رسید. او قبلاً در حکومت بنگال پست وزارت را از طرف رژیم نواب حسین شاه داشت. او برای ترک پست دولتی خود دچار مشکلاتی شد، زیرا نواب تمایل نداشت به او اجازه دهد پستش را ترک کند. ولی او به هر حال به واراناسی آمد و خداوند چیتانیا اصول خدمت عابدانه را به او آموخت. خداوند به او درباره‌ی وضعیت مقید موجود زنده و علت اسارت او در دنیای مادی و

رابطه‌ی ابدی او با شخصیت‌های اعلای خداوند و مقام متعال شخصیت‌های اعلای خداوند و بسط‌های کامل متفاوت او در ظهوراتش، کنترل او بر بخش‌های مختلف کائنات، ماهیت سکونتگاه متعال او، اعمال عابدانه و راه‌های مختلف توسعه‌ی آنها، قواعد و قوانین دستیابی تدریجی به مراحل کمال روحانی، نشانه‌های ظهورات گوناگون در عصرهای مختلف و نحوه‌ی تشخیص آنها با مراجعه به متون مقدس آموزش داد.

تعالیم خداوند به سانانانا گوسوامی، یک فصل بزرگ از شری چیتانیا چاریتامریتا را تشکیل می‌دهد و برای اینکه آن را به طور کامل توصیف کنیم، نیاز به یک جلد کتاب جداگانه داریم. این موضوعات به طور مجزا در کتابی به نام "آموزش‌های خداوند چیتانیا" آمده است. در ماتهورا، خداوند همه‌ی مکان‌های مهم را زیارت نمود و سپس به ورینداون رسید. لرد چیتانیا در خانواده‌ای از طبقه‌ی بالایی برهمانا ظاهر شده بود و همچنین به عنوان یک سانیا سانیاس معلم تمام واراناها و آشرام‌ها بود؛ اما با این همه او از همه نوع طبقات مختلف وایشناواها غذا قبول می‌کرد. در ماتهورا برهماناهای سانودیا (*Sanodiyā*) جزو طبقات پایین‌تر اجتماعی محسوب می‌گردند؛ اما خداوند غذای این برهماناها را پذیرفت، زیرا مهماندارش مرید خانواده‌ی مادهاوندرای پوری بود.

در ورینداون خداوند در ۲۴ مکان مهم و گات غسل نمود. او به همه‌ی ۱۲ وانا (*vana*) (جنگل‌های مهم) رفت. در این جنگل‌ها همه‌ی گاوها و پرنده‌ها به او خوشامد گفتند؛ چنان‌که گویی او دوست دیرین آنها بوده است. خداوند شروع به در آغوش گرفتن تمام درختان آن جنگل‌ها کرد و با این کار علائم شمع و خلسه‌ی روحانی را از خود نشان داد. گاهی اوقات او بیهوش به زمین می‌افتاد؛ اما با ذکر نام‌های مقدس کریشنا دوباره به هوش می‌آمد. نشانه‌های متعالی که در طول سفر وی به جنگل‌های ورینداوان در بدن خداوند نمایان شد همه در نوع خود نمونه‌هایی استثنایی و توصیف‌ناپذیر بودند و ما در این‌جا فقط اشاراتی به آن کرده‌ایم.

بعضی از مکان‌های مهمی که خداوند در ورینداوان به زیارتشان رفت عبارت بودند از: کامیوانا (*Kāmyavana*)، آدیشوارا (*Ādīśvara*)، پاونان-سارووارا (*Pāvana-sarovara*)، کهادیراوانا (*Khadiravana*)، شیشاشایی (*Śeṣaśāyī*)، کلا-تیرتا (*Khela-tīrtha*)، بهانیدیراوانا (*Bhāṇḍīravana*)، بهادرانانا (*Bhadravana*)، شری‌وانا (*Śrīvana*)، لوهوانانا (*Lauhavana*)، ماهوانانا (*Mahāvana*)، گوکولا (*Gokula*)، کالیا-هرادا (*Kāliya-herada*)، داواداشادیتیا (*Dvādaśāditya*)، و کیشی-تیرتها (*Keśī-tīrtha*)، و غیره. وقتی او مکانی را که رقص راسا (*rāsa dance*) در آن‌جا اجرا شده بود دید، بلافاصله در حالت خلسه

بر زمین افتاد. و تمام مدت اقامتش در ورینداوان را در آکرورا-گات (*Akrūra-ghāta*) مستقر شد.

خادم شخصی او کریشناداس ویپرا (*Kṛṣṇadāsa Vipra*) با اصرار از او خواست که از ورینداوان به پرایاگ برود و به هنگام ماگها-ملا (*Māgha-melā*) در آنجا آب‌تنی کند. خداوند این پیشنهاد را پذیرفت و آنها به طرف پرایاگ رفتند. در راه چند پاتان را دیدند که مولانایی (*Moulana*) خردمند در میانشان بود. خداوند قدری با این مولانا و همراهانش صحبت کرد و وی را قانع نمود که در قرآن نیز چنین توصیفات از بهاگاواد-دارما و کریشنا وجود دارد. همه‌ی پاتان‌ها مکتب او را پذیرفتند و به خدمت عابدانه گرویدند.

پس از بازگشت خداوند به پرایاگ، شریلا روپا گوسوامی و جوان‌ترین برادرش وی را در نزدیکی معبد بیندو-مادهاوا (*Bindu-mādhava*) ملاقات نمودند. این بار ساکنان پرایاگ با احترام بیشتری از خداوند استقبال کردند. قرار بر این شد که شخصی به نام والایها بهاتا (*Vallabha Bhaṭṭa*) که در ساحل مقابل پرایاگ در دهکده‌ی آدایلا (*Ādāila*) زندگی می‌کرد، خداوند را در منزل خود بپذیرد. در راه منزل او، خداوند ناگهان به درون رودخانه‌ی یامونا پرید. با سختی فراوان در حالت خلسه و بیهوشی او را از رودخانه بیرون آوردند و وی بالاخره به منزل والایها بهاتا رسید. این شخص یکی از بهترین ستاینندگان خداوند بود، اما بعدها خود سلسله‌ی والایها سامپارادایا را تأسیس نمود.

در سواحل داشاوشاومدها-گات (*Dasāśvamedha-ghāta*) در پرایاگ، خداوند برای ده روز مداوم دانش خدمت عابدانه را به شریلا روپا گوسوامی آموخت. همچنین او درجات مختلف موجودات زنده را در ۸۴۰۰۰۰۰۰ فرم به وی تعلیم داد. سپس خداوند درباره‌ی گونه انسان‌ها به او آموخت که در میان انسان‌ها عده‌ای از اصول ودایی پیروی می‌کنند و در بین چنین افرادی، عده‌ای در پی انجام فعالیت‌های ثمربخش، فلاسفه‌ی تجربی، و ارواح رها شده وجود دارند. او گفت در میان همه‌ی این افراد، فقط ممکن است چند نفر به عنوان عابد پاک خداوند شری کریشنا پیدا شوند.

شریلا روپا گوسوامی، برادر جوان‌تر ساناناتا گوسوامی است و وقتی که او از خدمت دولت کناره گرفت، با خود دو قایق پر از سکه‌های طلا آورد. این بدان معناست که او صدها و هزاران روپیه‌ی دستمزد خود را که پس‌انداز نموده بود، با خود همراه آورد. او قبل از اینکه نزد خداوند چیتانیا ماهاپراپوهو بیاید، ثروتش را چنین تقسیم کرد: ۵۰ درصد برای خداوند و عابدان او، ۲۵ درصد برای اقوام و خانواده، و ۲۵ درصد برای مخارج و احتیاجات ضروری شخصی. این اقدام

وی الگویی مناسب برای تمام افراد متأهل است.

خداوند در مورد خدمت عابدانه به این گوسوامی تعلیم داد، و آن را به یک پیچک تشبیه کرد و به او نصیحت نمود که این پیچک بهاکتی را به دقت از اهانت فیل دیوانه [م: اهانتی که نسبت به عابدان پاک صورت می‌گیرد به رفتار فیل دیوانه تشبیه می‌شود] حفظ کند. همچنین این پیچک باید از خواسته‌های کامجویی، رهایی وحدت گرایانه [فنا شدن در خدا]، و کمال سیستم هاتا-یوگا (haṭha-yoga) حفظ شود. همه‌ی اینها انحرافات در راه خدمت عابدانه هستند. همچنین خشونت ورزیدن نسبت سایر موجودات زنده، خواسته‌ی دستیابی به سود، احترام و شهرت مادی، همگی برای پیشرفت بهاکتی یا بهاگواتا- دارما مضر هستند.

خدمت عابدانه‌ی پاک باید عاری از هر نوع خواسته برای کامجویی باشد؛ همچنین از هر نوع خواسته برای کسب نتیجه، و از هر نوع دانش فنا شدن در خدا عاری باشد. فرد باید از هر گونه رنگ تعلق آزاد باشد. وقتی که شخصی به این ترتیب به پاک‌ی متعال دست یافت، آنگاه می‌تواند با حواس پاک به خداوند خدمت کند.

تا زمانی که خواسته‌ی لذت بردن از طریق حواس در شخص وجود دارد، یا اینکه می‌خواهد با متعال یکی، و یا دارای قدرت‌های جادویی شود، امکان رسیدن به خدمت عابدانه‌ی پاک وجود نخواهد داشت.

خدمت عابدانه به دو دسته‌ی تمرینات ابتدایی و احساسات خودجوش تقسیم می‌شود. وقتی شخص بتواند به سطح احساس خودجوش برسد، می‌تواند با دلبستگی روحانی، احساس، عشق و بسیاری دیگر از مراحل بالاتر زندگی عابدانه که نمی‌توان واژه‌ی معادل انگلیسی برای آنها یافت، پیشرفت کند. ما تلاش نموده‌ایم که دانش خدمت عابدانه را در کتابی به نام شهید عبودیت که بر مبنای کتاب بهاکتی راسامریتا سیندهو (Bhakti-rasāmṛta-sindhu) اثر رویا گوسوامی تألیف شده است، شرح دهیم.

خدمت عابدانه‌ی متعال ۵ نوع رابطه‌ی متقابل با خداوند ایجاد می‌کند:

۱- درجه‌ی خودشناسی که درست پس از رهایی از اسارت دنیای مادی به دست می‌آید و به نام شانتا (śānta) یعنی درجه‌ی خنثی معروف است؛

۲- پس از این مرحله، وقتی پیشرفتی در دانش متعال عابد در زمینه‌ی قدرت‌ها و ثروت‌های درونی خداوند حاصل شود، عابد وارد مرحله‌ی داسیا (dāsya) یا خادمی می‌گردد؛

۳- با پیشرفت در مرحله‌ی داسیا، نوعی حالت برادری محترمانه نسبت به خداوند در شخص ایجاد می‌گردد و بالاتر از آن، نوعی احساس دوستی متقابل با خدا در شخص ظاهر می‌شود. هر

دوی این درجات، ساکھیا (sākhya)، یعنی خدمت عابدانه در دوستی، نام دارند؛
۴- بالاتر از این درجه، محبت والدینی نسبت به خداوند است که واتسالیآ (vātsalya) نامیده می‌شود؛

۵- بالاتر از این درجه، عشق نکاحی است که بالاترین درجه‌ی عشق به خداوند است؛ هرچند در واقع هیچ تفاوتی در کیفیت درجات ذکر شده‌ی بالا وجود ندارد. آخرین مرتبه‌ی عشق نکاحی نسبت به خداوند، مادهوریا (mādhurya) خوانده می‌شود.

به این ترتیب خداوند خدمت عابدانه را به روپا گوسوامی آموخت و به او مأموریت داد که به ورینداوان برود و مکان‌های بازی‌های روحانی خداوند کریشنا را که بر اثر مرور زمان از نظرها گم شده بودند، کشف کند. سپس خداوند به واراناسی بازگشت و تمام سانیاسی‌های آن‌جا را نجات داد و به برادر بزرگ‌تر روپا گوسوامی دستورات لازم را -که قبلاً شرح آن رفت - داد.
خداوند فقط ۸ اشلوکای مکتوب (آیه یا متن) از دستوراتش از خود باقی گذاشت که به شیکشاستاکا (Śikṣāṣṭaka) معروف هستند. باقی ادبیات مکتب متعالش به طور وسیعی توسط مریدان اصلی او یعنی شش گوسوامی ورینداوان و مریدان آنها نوشته شده است. مکتب فلسفه‌ی چیتانیا از هر مکتب دیگری غنی‌تر است. و به دلیل قدرت گسترش آن در همه‌جا به عنوان «ویشوادارما» یعنی دین جهانی، به عنوان دین زنده‌ی روز پذیرفته شده است. ما خوشحالیم که این موضوع را حکیمان بزرگ و مشتاقی مثل بهاکتی سیدانتا ساراسواتی گوسوامی ماهاراج و مریدانش به عهده گرفتند و با اشتیاق بسیار زیاد منتظر فرارسیدن روزهای خوش بهاگواتا-دارما یا همان پرما-دارما که توسط خداوند چیتانیا ماهاپرابهو آغاز شده است، هستیم.
۸ آیه‌ی بیان شده توسط خداوند به شرح زیر است:

(۱) پر شکوه باد سان کیرتانای خداوند شری کریشنا، که دل‌ها را از غبارهای انباشته‌شده در طول سالیان پاک می‌گرداند و آتش زندگی مقید و تولد و مرگ پیاپی را خاموش می‌سازد. این جنبش سان کیرتانای بزرگ‌ترین رحمت برای بشریت است؛ چرا که همچون ماه پربرکت انوار خود را منتشر می‌سازد. این جنبش روح و جان تمام دانش‌های متعال است. این جنبش بر اقیانوس شعف روحانی می‌افزاید و ما را قادر می‌سازد تا شهدی را که همواره در پی آن بودیم بچشمیم.

(۲) خدای من نام مقدس تو به تنهایی می‌تواند تمام برکات را برای موجودات زنده به ارمغان آورد و به همین دلیل است که تو صدها و میلیون‌ها نام نظیر کریشنا و گوویندا داری و در این نام‌های متعال، تمام انرژی‌های متعال خود را قرار داده‌ای. حتی برای ذکر این نام‌ها قواعد

سخت و سنگینی نیز وجود ندارد. خدای من، از سر لطف و رحمت ما را قادر ساخته‌ای که به واسطه‌ی نام‌های مقدست به سادگی به تو نزدیک شویم، اما من چنان بدبخت هستم که هیچ علاقه‌ای به آنها ندارم.

(۳) فرد باید نام مقدس خداوند را با تواضع و با احساس حقیرتر از گاهی بر سر راه بودن ذکر کند. فرد باید شکیباتر از درخت، عاری از هرگونه احساس حیثیت کاذب و آماده‌ی ادای احترام به تمام موجودات زنده باشد. در چنین حالتی است که انسان می‌تواند همواره نام مقدس خداوند را ذکر کند.

(۴) ای قادر متعال، من هیچ تمایلی برای جمع‌آوری ثروت، معاشرت با زنان زیبا و داشتن پیروان زیاد ندارم. تنها خواسته‌ام آن است که زندگی پس از زندگی، در خدمت عابدانه‌ی بی‌چون و چرای تو باشم.

(۵) ای پسر ناندا ماهاراج (کریشنا)، من خادم ابدی تو هستم ولی با این وجود به گونه‌ای به این اقیانوس تولد و مرگ فرو افتاده‌ام. تمنا دارم مرا از این اقیانوس مرگ برگیری و به عنوان ذره‌ای ناچیز در قدوم نیلوفرینت جای دهی.

(۶) خدای من، کی آن زمان فرا خواهد رسید که هنگام ذکر نام مقدست پیوسته اشک عشق از چشمانم جاری شود، صدا در گلویم باز ایستد و مو بر تنم راست گردد؟

(۷) ای گوویندا، با احساس جدایی از تو یک لحظه برایم همچون سال‌هاست. اشک مانند سیل از دیدگانم جاری است و دنیا بدون تو پوچ و بی‌معنی است.

(۸) هیچ‌کس را جز کریشنا خدای خود نمی‌دانم و اگر او مرا با محبت در آغوش گیرد و یا با عدم حضور در کنارم مرا شکسته‌دل سازد، باز هم تنها خدای من خواهد بود. او در رفتار خود کاملاً آزاد است، زیرا همواره بدون هیچ قید و شرطی خداوند محبوب و پرستیدنی من است.

فصل اول

پرسش‌های حکیمان

آیه ۱

om namo bhagavate vāsudevāya
 janmādy asya yato 'nvayād itarataś cārtheṣv abhijñah svarāt
 tene brahma hṛdā ya ādi-kavaye muhyanti yat sūrayah
 tejo-vāri-mṛdām yathā vinimayo yatra tri-sargo 'mṛṣā
 dhāmnā svena sadā nirasta-kuhakaṁ satyaṁ paraṁ dhīmahī

om: ای خداوندم؛ namaḥ: تقدیم کردن احتراماتم و سجده‌هایم؛ bhagavate: به شخصیت خداوند؛ vāsudevāya: به واسودوا (پسر واسودوا)، یا خداوند شری کریشنا، خداوند ازلی؛ janma-ādi: خلقت، بقا و فنا؛ asya: مربوط به جهان‌های تجلی‌یافته؛ yataḥ: از کسی که؛ anvayāt: به طور مستقیم؛ itarataḥ: به طور غیرمستقیم؛ ca: و؛ artheṣu: مقاصد، مفاد، مفاهیم؛ abhijñah: کاملاً آگاه؛ sva-rāṭ: کاملاً مستقل؛ tene: ابلاغ کرد، منتقل کرد؛ brahma: دانش ودایی؛ hṛdā: آگاهی قلب؛ yah: کسی که؛ ādi-kavaye: به موجود مخلوق اصلی و اولی؛ muhyanti: دچار توهم شده‌اند؛ yat: درباره‌ی آن کسی؛ sūrayah: حکیمان و خداوندگاران بزرگ؛ tejah: آتش؛ vāri: آب؛ madam: خاک؛ yathā: آن قدر که؛ vinimayah: کنش و واکنش؛ yatra: که در نتیجه‌ی آن؛ tri-sargah: سه گونه خلقت، نیروهای خلاق؛ amṛṣā: تقریباً حقیقی؛ dhāmnā: همراه با تمام ملحقات متعال؛ svena: به طرز خودکفایی؛ sadā: همواره؛ nirasta: نفی به واسطه‌ی فقدان یا غیاب؛ kuhakam:

توهم؛ *satyam*: حقیقت؛ *param*: مطلق؛ *dhimahi*: من مراقبه می‌کنم بر.

ترجمه

ای خداوندم، شری کریشنا، پسر واسودوا، ای شخصیت همه‌جا حاضر و گسترده‌ی خداوند، به تو محترمانه سجده می‌کنم. من بر شری کریشنا مراقبه می‌کنم، زیرا او حقیقت مطلق و علت اولیه‌ی تمام علل آفرینش، نگهداری و انهدام جهان‌های تجلی‌یافته است. او که، به طور مستقیم و غیرمستقیم، به تمام تجلیات آگاه است و با این همه، در ورای تمامی آنها قرار دارد و کاملاً مستقل است، زیرا هیچ علتی ورای او نیست. هم اوست و نه کس دیگر که در آغاز، دانش ودایی را به قلب برهما، نخستین موجود آفریده شده، ابلاغ کرد. این جهان که سراب ساده‌ای بیش نیست از طریق او حتی برای حکمای بزرگ و خداوندگاران، ظاهری ملموس و حقیقی به‌خود می‌گیرد و آنان را سرگشته می‌سازد، همان‌گونه که فرد از تجلی سراب‌گونه‌ی آبی که در آتش و خشکی‌ای که در آب دیده می‌شود گمگشته می‌گردد. از طریق اوست که عوالم مادی، که تجلیات توهمی سه‌گونه‌ی طبیعت‌اند، تصویرهایی از واقعیت به نظر می‌رسند. بنابراین من بر او، خداوند شری کریشنا، مراقبه می‌کنم که جاودانه در ملکوت روحانی خود، که همواره از نمودهای توهمی دنیای مادی بری است، زندگی می‌کند. من بر او مراقبه می‌کنم، زیرا او حقیقت مطلق است.

شرح

این کُرُنش و سجده به شخصیت خداوند، و آسودوا^۱ (*Vāsudeva*)، مستقیماً اشاره به خداوند شری کریشنا دارد که پسر الهی و آسودوا^۲ (*Vasudeva*) و دواکی است. این حقیقت با تفصیل

^۱ منظور از و آسودوا (*Vāsudeva*)، پسر واسودوا، یعنی کریشناست.

^۲ منظور از و آسودوا (*Vasudeva*)، پدر کریشناست. در این متن برای متمایز کردن این دو واژه از یکدیگر، هر کجا که منظور کریشنا باشد، علامت مد (~) به واسودوا اضافه، و به صورت و آسودوا نوشته می‌شود.

بیشتری در متن این اثر شرح داده خواهد شد. شری ویاسادوا در اینجا به یقین اظهار می‌نماید که شری کریشنا شخصیت اصلی و ازلی پروردگار است که تمامی شکل‌های دیگرش، بسط‌های کامل مستقیم یا غیرمستقیم او، یا بسط‌هایی از بسط اویند. حضرت جیوا گوسوامی این موضوع را با تفصیل بیشتری در کتاب کریشنا-سانداربهای (*Kṛṣṇa-sandarbh*) خود توضیح داده است. و برهما، نخستین موجود زنده، حقیقت شری کریشنا را به طور اساسی در رساله‌اش به نام برهما-سامهیتا (*Brahma-sāmhītā*) شرح داده است. همچنین در ساما-ودا اوپانیشاد (*Sāma-veda Upaniṣad*) اظهار شده است که خداوند شری کریشنا، پسر الهی دیواکی است. بنابراین، در این دعا، اولین موضوع دال بر آن است که خداوند شری کریشنا، خداوند ازلی، است و چنانچه نام روحانی‌ای به شخصیت مطلق خداوند تعلق گیرد، آن نام باید واژه‌ی کریشنا، به معنای جذاب کل باشد. از طرف دیگر، خداوند در بسیاری از قسمت‌های بهاگاواد-گیتا (*Bhagavad-gītā*)، خود را شخصیت اصلی پروردگار معرفی می‌کند و این حقیقت را آرجونا و همچنین حکیمان بزرگی همچون نارادا، ویاسا و بسیاری دیگر تصدیق می‌کنند. همچنین در پادما-پورانا (*Padma Purāṇa*) نیز گفته شده است که در میان نام‌های بی‌شمار خداوند، کریشنا، نام اصلی است. در این آیه، منظور از و‌آسودوا به طور مشخص فرزند الهی و‌آسودوا و دیواکی است، هرچند که و‌آسودوا بر بسط کامل شخصیت خداوند نیز دلالت دارد، بسط کاملی که شکل‌های گوناگون خداوند - که در این اثر به آنها اشاره خواهد شد - با آن یکی هستند. شری کریشنا همواره موضوع تمرکز پاراماها‌ماساها (*paramahamsas*) است. در میان اشخاصی که در مرحله‌ی انقطاع از زندگی‌اند، پاراماها‌ماساها کامل‌ترین مظهر انقطاع محسوب می‌شوند. و‌آسودوا، یا خداوند شری کریشنا، علت تمام علل است. هر آنچه وجود دارد، از او نشأت می‌گیرد. در فصول بعدی این اثر مقدس توضیح داده خواهد شد که چگونه خداوند منشاء همه چیز است. شری چیتانیا ماهاپرابهو از این متن مقدس به عنوان پورانای خالص و بی‌عیب یاد می‌کند، زیرا این اثر حاوی روایات روحانی مربوط به شخصیت خداوند شری کریشنا است. تاریخچه‌ی شریماد-بهاگواتام نیز بسیار پرشکوه است. شری ویاسادوا پس از رسیدن به بلوغ کامل در دانش روحانی، آن را تحت آموزش‌های شری ناراداجی، پیر روحانی‌اش، گردآوری و تألیف کرد. ویاسادوا، پیش از آن، تمام متون مقدس ودایی، شامل چهار بخش وداها، ودانتا-سوتراها (*Vedānta-sūtras*) (یا برهما-سوتراها (*Brahma-sūtras*))، پوراناها، ماهاپهاراتا (*Mahābhārata*) و غیره را تألیف کرده بود، ولی چون از کار خود کاملاً راضی نبود، پیر روحانی‌اش، نارادا، به او توصیه کرد که شریماد-بهاگواتام را تحریر کند و درباره‌ی اعمال

روحانی خداوند شری کریشنا بنویسد، که آنها به طور اخص، در جزء دهم این اثر ادبی توصیف شده است. اما برای دستیابی به حقیقت و جوهر این اعمال، خواننده باید دانش دریافت آنها را از طریق مطالعه‌ی تدریجی جزءهای قبلی در خود پرورش دهد. این طبیعی است که ذهن فلسفی در طلب کسب دانش درباره‌ی منشاء خلقت باشد. او شب هنگام، ستارگان را در آسمان مشاهده می‌کند و طبیعتاً درباره‌ی ساکنانشان به تفکر می‌پردازد. چنین جستجوهای مختص انسان است، زیرا آگاهی پیشرفته‌تری نسبت به حیوانات دارد. مؤلف شریما-بهاگاواتام به چنین پرسش‌هایی مستقیماً پاسخ می‌دهد. او اظهار می‌دارد که خداوند شری کریشنا منشاء تمام آفرینش است. خداوند نه تنها خالق جهان است، که نابودکننده‌ی آن نیز هست. این عالم کائنات در یک دوره‌ی معین با اراده‌ی خداوند خلق می‌شود، برای مدتی حفظ می‌شود و سپس با خواست او نابود می‌شود. بنابراین، در ورای تمام حرکات عالم هستی، اراده‌ی متعال قرار دارد. البته، طبقات گوناگون خدانشناسان، به دلیل بی‌بهره بودن از دانش، به وجود خالق جهان ایمان ندارند. برای مثال، دانشمندان امروز، ماهواره‌هایی ساخته‌اند که با برنامه‌ریزی خاصی به فضا پرتاب می‌شود تا مدتی، با اراده‌ی دانشمندی که در فاصله‌ی دوری از آنها قرار دارد، پرواز کند. مشابهاً شعور شخصیت خداوند، تمام جهان‌ها را با بی‌شمار ستارگان و سیارات کنترل می‌کند.

در متون مقدس ودایی گفته شده است که حقیقت مطلق، شخصیت خداوند، شخص اصلی در میان تمام شخصیت‌های موجود است. تمام موجودات زنده، از نخستین موجود مخلوق، یعنی برهما، تا مورچه‌ی کوچک، همگی صاحب فردیت و از هم متمایزند. و حتی فراتر از برهما نیز موجودات زنده‌ی دیگری با استعدادهای فردی وجود دارند و شخصیت خداوند نیز یک وجود زنده‌ی مشابه، و همانند موجودات زنده‌ی دیگر صاحب فردیت است. اما خداوند متعال، یا وجود زنده‌ی اعلی، یعنی حی متعال، بالاترین شعور و نیروهای تصورناشدنی گوناگون اعلا را داراست. اگر مغز انسان بتواند ماهواره‌ی فضایی بسازد، به آسانی می‌توان تصور کرد که چگونه مغزهای برتر از مغز انسان می‌تواند چیزهای شگفت‌انگیز به مراتب برتری خلق کند. شخص منطقی این استدلال را به آسانی می‌پذیرد، درحالی‌که خدانشناسان یا منکران سرسخت هیچ‌گاه تن به آن نمی‌دهند. اما شریلا ویاسادوا، بی‌درنگ شعور متعال را به عنوان پارامشوارا (*parameshvara*) می‌پذیرد و احترامات خود را به این شعور متعال که به او پارا یا پارامشوارا یا شخصیت اعلا‌ی خداوند خطاب شده است، تقدیم می‌کند. و آن پارامشوارا، شری کریشنا است، همان‌گونه که این حقیقت در بهاگاواد-گیتا و کتب مقدس دیگری که شری ویاسادوا عرضه کرده و به طور خاص در این شریما-بهاگاواتام، تصدیق شده است. خداوند در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید که هیچ‌گونه

پارا- تاتوایی (حقیقت اعلائی) جز او نیست. بنابراین، شری ویاسادوا بلافاصله پارا- تاتوا (*para-tattva*)، یعنی شری کریشنا را که اعمال روحانی‌اش در جزء دهم این اثر توصیف شده است، پرستش می‌کند.

ناصالحان بی‌درنگ به مطالعه‌ی جزء دهم و به‌خصوص پنج فصلی که رقص راسای خداوند را توصیف می‌کند می‌پردازند. برای درک این بخش از شریماد-بهاگواتام که محرمانه‌ترین قسمت این متن مقدس محسوب می‌شود، شخص نیاز به شناخت روحانی کامل خداوند دارد؛ و گرنه مطمئناً اعمال روحانی قابل پرستش خداوند، یعنی رقص راسا و روابط عاشقانه‌اش با گویی‌ها را به اشتباه درک خواهد کرد. این مطالب دارای جایگاه والای روحانی هستند و فقط اشخاص ره‌اشده‌ای که توانسته باشند به‌تدریج خود را به درجه‌ی پاراماها‌مسا برسانند، می‌توانند شاهد روحانی این رقص راسا را بچشند. بنابراین شریلا ویاسادوا به خواننده این فرصت را می‌دهد تا به تدریج، پیش از آنکه به حقیقت شئون‌ات متعال روحانی خداوند پی برده باشد در معرفت روحانی، پیشرفت کند. و بدین جهت است که او به واژه‌ی دهیماهی (*dhīmahī*) یعنی واژه‌ای از مانترای گایاتری (*Gāyatrī mantra*) متوسل می‌شود. ذکر این مانترا اختصاص به کسانی دارد که از نظر روحانی پیشرفته‌اند. وقتی شخص در ذکر مانترای گایاتری موفق باشد، می‌تواند به جایگاه روحانی خداوند وارد شود. بدین جهت شخص باید خصوصیات و صلاحیت‌های برهمنایی کسب کرده یا به طرز کاملی در گونه‌ی نیکی واقع شده باشد تا بتواند مانترای گایاتری را با موفقیت ذکر کند و در نهایت به مرحله‌ی ادراک روحانی خداوند، نام، شهرت، صفات او و غیره دست یابد. شریماد-بهاگواتام، روایت سواروپای (*svarūpa*) خداوند است که از طریق نیروی درونی‌اش متجلی شده است؛ و این نیروی درونی خداوند از نیروی بیرونی او که عالم کائنات را متجلی کرده و در حوزه‌ی تجربه‌ی ما قرار دارد، متمایز است. شریلا ویاسادوا در این آیه تمایز واضحی بین این دو نیرو قائل می‌شود، زیرا اظهار می‌کند که نیروی درونی متجلی شده، حقیقی است، درحالی‌که نیروی متجلی شده‌ی بیرونی که شکل موجودیت مادی را به خود می‌گیرد فقط موقتی و توهمی است؛ مانند سرابی در بیابان. آب حقیقی در سراب یافت نمی‌شود و فقط ظاهر آب در آن‌جا قابل رؤیت است. آب حقیقی جای دیگری وجود دارد. مشابهاً خلقت کیهانی تجلی‌یافته که برای ما ظاهر حقیقی به‌خود می‌گیرد، چیزی جز سایه‌ی آن حقیقتی که در دنیای روحانی یافت می‌شود نیست. حقیقت مطلق متعلق به دنیای روحانی است، نه دنیای مادی که در آن حقیقت نسبی است، یعنی به عوامل دیگری خارج از خودش وابسته است. این خلقت کیهانی از برهم‌کنش سه‌گونه‌ی طبیعت نشأت می‌گیرد و تجلیات مادی موقت در آن چنان خلق شده

است که توهمی از حقیقت را برای ذهن سرگشته‌ی ارواح مقید ارائه کند، ارواح مقیدی که در بسیاری از شکل‌های حیاتی گوناگون ظاهر می‌شوند که خداوندگاران والاتر، مانند برهما، ایندرا، چاندرا و غیره را نیز در بر می‌گیرند. در واقع، هیچ‌گونه حقیقتی در این جهان تجلی‌یافته وجود ندارد؛ و چنانچه این جهان حقیقی به نظر می‌رسد، به سبب وجود حقیقت واقعی در جهان روحانی است، جایی که شخصیت خداوند به طور جاودان با ملحقات روحانی‌اش در آن حضور دارد.

مهندس و طراح اصلی یک ساختمان پیچیده، شخصاً در ساخت و ساز آن شرکت نمی‌کند، اما به تمام جزئیات کار آگاه است، زیرا همه‌چیز تحت نظارت وی انجام می‌شود. او به طور مستقیم و غیرمستقیم، اطلاعاتی کامل درباره‌ی این ساختمان دارد. به طور مشابه، اگرچه خداوندگاران اجرای امور را در دست دارند اما شخصیت خداوند که مهندس متعال این آفرینش کیهانی است، به تمام جزئیات آن آگاه است. هیچ موجودی در خلقت مادی، از برهما تا مورچه‌ی ناچیز، مستقل نیست. دست خداوند در همه‌جا دیده می‌شود. فقط از اوست که تمام عناصر مادی و نیز تمامی اخگرهای روحانی صادر می‌شود. هر آنچه در این دنیای مادی خلق می‌شود چیزی نیست جز برهم‌کنش دو نیروی مادی و روحانی که خود از حقیقت مطلق، شخصیت پروردگار، شری کریشنا نشأت می‌گیرد. اگرچه شیمی‌دان می‌تواند از طریق ترکیب هیدروژن و اکسیژن در آزمایشگاه آب تولید کند، در حقیقت، تحت هدایت خداوند متعال است که عمل می‌کند. همچنین، موادی را که او با آنها کار می‌کند، خداوند تأمین کرده است. خداوند همه چیز را به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌داند و بر تمام جزئیات واقف و کاملاً مستقل است. خداوند به معدن طلا، و آفرینش‌های کیهانی با شکل‌های گوناگون، به اشیای ساخته‌شده از طلا تشبیه می‌شود. الگو، گردن‌بند و سایر زیورآلات طلا از نظر کیفی با طلای معدن یکی، اما از نظر کمی با آن متفاوت است. بنابراین، حقیقت مطلق به طور همزمان یکی و متفاوت است. هیچ چیز کاملاً برابر با حقیقت مطلق نیست، اما در عین حال مستقل از آن هم نیست.

ارواح مقید، از برهما که جهان را طراحی می‌کند تا مورچه‌ی ناچیز، همگی خلاق هستند و می‌آفرینند، اما هیچ‌یک از آنها مستقل از خداوند متعال نمی‌توانند عمل کنند. مادی‌گرایان به اشتباه گمان می‌کنند که هیچ‌گونه آفریننده‌ای جز خودشان وجود ندارد. این طرز تفکر مایا، یا توهم خوانده می‌شود. آنان به‌علت بی‌بهره‌بودن از دانش نمی‌توانند آن سوی قلمروی حواس ناقصشان را مشاهده و درک کنند و در نتیجه تصور می‌کنند که ماده خودبه‌خود، بدون کمک یک شعور برتر، شکل می‌گیرد. ولی شریلا و یاسادوا این دیدگاه را در آیه‌ی حاضر به این صورت

رد می‌کند: «چون کلّ کامل یا حقیقت مطلق سرچشمه‌ی همه چیز است، هیچ چیز نمی‌تواند از کالبد حقیقت مطلق مستقل یا جدا باشد.» صاحب کالبد، به آنچه در کالبدش رخ می‌دهد، آگاه است. مشابهاً خداوند یا مطلق نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم به تمامی آنچه در موجودات خلقت که کالبد او محسوب می‌شوند، رخ بدهد، آگاه است.

همچنین در شروتی - مانترا (*śruti-mantra*) تأیید شده است که کل مطلق یا برهمن، منبع غایی همه چیز است. همه چیز از او نشأت می‌گیرد، همه چیز توسط او نگهداری می‌شود و سرانجام همه چیز به درون او وارد می‌شود. این قانون طبیعت است. همین موضوع در اسمریتی - مانترا (*smṛti-mantra*) بدین صورت تأیید شده است: آن منبعی که همه چیز در آغاز عمر برهما از آن نشأت می‌گیرد و آن مخزنی که همه چیز در نهایت به درونش وارد می‌شود، حقیقت مطلق یا برهمن است. برای دانشمندان مادی این امر مسلم است که منشاء نهایی سیستم سیاره‌ای، خورشید است، اما آنها از توضیح درباره‌ی منشاء خورشید عاجزند. در این آیه، در مورد منشاء نهایی توضیح داده می‌شود. بر اساس متون مقدس ودایی، برهما، که می‌توان او را به خورشید تشبیه کرد، آفریننده‌ی نهایی نیست. در این آیه گفته شده است که شخصیت پروردگار دانش ودایی را به برهما آموخت. ممکن است چنین استدلال شود که چگونه برهما که نخستین موجود زنده بوده، توانسته است مَلْهَم شود، درحالی که در آن زمان موجود زنده‌ی دیگری وجود نداشته است که الهام‌بخش او باشد. در این جا اظهار شده است که خداوند متعال، برهما را الهام بخشید، تا وی بتواند اعمال خود را به عنوان آفریننده‌ی ثانوی انجام دهد. در نتیجه، شعور متعالی که در پشت تمام آفرینش‌ها قرار دارد، خداوند مطلق، شری کریشنا است. خداوند شری کریشنا در بهاگاواد-گیتا تأیید می‌کند که تنها اوست که می‌تواند بر نیروی آفریننده، یعنی پراکریتی که شامل کلیت ماده است، نظارت کند. بنابراین، شری ویاسادوا، به پرستش برهما نمی‌پردازد، بلکه خداوند متعال را پرستش می‌کند که برهما را در اعمال آفرینندگی‌اش هدایت می‌کند. در این آیه، واژه‌های مشخص آبهیگیا (*abhiñāḥ*) و سوارات (*svarāt*) به علت اینکه خداوند متعال را از تمام موجودات زنده‌ی دیگر متمایز می‌کند حائز اهمیت است. هیچ موجود زنده‌ی دیگری آبهیگیا یا کاملاً آگاه، و سوارات یا کاملاً مستقل نیست. حتی برهما برای استفاده از نیروی خلاقه‌اش باید بر خداوند متعال مراقبه کند. حال، درباره‌ی دانشمندان بزرگی مانند اینشتین چه می‌توان گفت! قطعاً مغز چنین دانشمندی محصول و مصنوع انسان نیست. هیچ دانشمندی نمی‌تواند چنین مغزی بسازد، چه رسد به خدانشناسان نادان که مرجعیت و حقانیت خداوند را انکار می‌کنند. حتی بی‌هویت‌گرایان مایاوادی نیز که خود را با این مطلب که روزی با

خداوند یکی خواهند شد دلخوش می‌کنند، آبهیگیا یا سوارات نیستند. چنین بی‌هویت‌گرایی ریاضت‌های سختی را به منظور کسب دانش برای یکی شدن با خداوند متحمل می‌شوند. اما در نهایت، خود وابسته‌ی مریدان ثروتمندی می‌شوند که هزینه‌ی ساختن صومعه و معبد را برایشان تأمین می‌کنند. کافرانی همچون راوانا یا هیرانیاکاشیپو قبل از آنکه بتوانند به مرجعیت خداوند اهانت کنند، مجبور به تحمل ریاضت‌های سنگینی شدند. و هرچند قدرت‌هایی کسب کردند، در نهایت، هنگامی که خداوند در برابر آنان به صورت مرگ بی‌رحم ظاهر شد، مستأصل و عاجز ماندند و نتوانستند خود را نجات دهند. این موضوع درباره‌ی خدانشناسان یا کافران زمان ما نیز که جرأت می‌کنند به مرجعیت خداوند اهانت کنند صدق می‌کند. با چنین کافرانی همین‌گونه رفتار خواهد شد، زیرا تاریخ تکرار می‌شود. هرگاه انسان مرجعیت و حقانیت خداوند را نادیده بگیرد، طبیعت و قوانینش او را جریمه و تنبیه خواهند کرد. این موضوع در آیه‌ی مشهور بهاگاود-گیتا (*yadā yadā hi dharmasya glāniḥ*) (ب.گ. ۷/۴) تصدیق شده است. «ای نواده‌ی بهاراتا، هرگاه و هرکجا که دین دچار تباهی شود و بی‌دینی حکم‌فرما گردد، در آن زمان شخصاً هیوط می‌کنم.»

در تمام شروتی - مانتراها این موضوع تصدیق شده است که خداوند متعال، کامل مطلق است. در شروتی - مانتراها اظهار شده است که خداوند کامل مطلق با نظر افکندن بر ماده، تمام موجودات زنده را خلق کرد. موجودات زنده اجزا و ذرات لاینفک خداوند هستند و خداوند متعال خلقت مادی عظیم را با بذرِ جرقه‌های روحانی بارور ساخت و در نتیجه نیروهای آفریننده به حرکت درآمدند تا آفرینش‌های شگفت‌انگیز بی‌شماری را ایجاد کنند. در اینجا، خدانشناسان چنین استدلال می‌کنند که خداوند چیزی جز یک سازنده‌ی دستگاه نیست. ولی آیا سازنده‌ی دستگاهی دیده شده است که بتواند دستگاه‌هایی به صورت نر و ماده بسازد که بتوانند خود را تکثیر کنند؟ انواع دستگاه‌های گوناگون به شکل مذکر و مؤنث، بدون اینکه احتیاج به توجه بیشتر خداوند باشد، دستگاه‌های مشابه بی‌شماری را ایجاد می‌کنند. اگر انسان می‌توانست یک جفت دستگاه بسازد که بتواند بدون توجه و نظارت او دستگاه‌های دیگری را تولید کند، آنگاه می‌توانستیم بگوییم که شعور او به شعور خداوند نزدیک شده است. اما چنین چیزی برای انسان ممکن نیست، زیرا او هر دستگاه را تک به تک می‌سازد و اداره می‌کند، پس، هیچ‌کس نمی‌تواند به خوبی خداوند بیافریند. و بدین سبب است که به او نام آساموردهوا (*asamaurdhva*) را داده‌اند، بدان معنی که هیچ‌کس با او برابر یا برتر از او نیست. پارام ساتیام (*Param satyam*) یا حقیقت متعال، کسی است که همتا یا برتری ندارد. این موضوع در شروتی - مانتراها نیز

تصدیق شده است: پیش از خلقت جهان مادی، فقط خداوند که ارباب، حاکم و صاحب همه است، وجود داشت. و هم او بود که دانش ودایی را به برهما آموخت. باید از هر نظر از آن خداوند اطاعت کرد و هرکس که خواهان رهایی از اسارت مادی است باید تسلیم او شود. این موضوع نیز در بهاگاواد-گیتا تصریح شده است.

مادامی که شخص تسلیم قدوم نیلوفرین خداوند متعال نشده است، قطعاً سرگردان و گمگشته خواهد بود. فقط زمانی که فرد خردمند همان گونه که بهاگاواد-گیتا تصریح کرده است، تسلیم قدوم نیلوفرین کریشنا شود و کاملاً درک کند که کریشنا علت تمام علل است، می تواند یک ماهاتما (*mahatma*) یا روح بزرگ شود. اما چنین روح بزرگی به ندرت یافت می شود. فقط ماهاتما می توانند درک کنند که خداوند متعال علت ازلی و اصلی تمام آفرینشها است. او پاراما (*parama*) یا حقیقت غایی است، زیرا تمام حقایق دیگر در ارتباط با او نسبی و به او وابسته اند. خداوند آگاه متعال است. برای او هیچ گونه توهمی وجود ندارد.

برخی از دانشمندان مایاوادی چنین استدلال می کنند که شریماد-بهاگواتام را شری ویاسادوا تألیف نکرده است. و برخی از آنان مطرح می کنند که این کتاب اثر جدیدی است که شخصی به نام وُپادوا (*Vopadeva*) آن را نوشته است. شری شریدهارا سوامی برای رد چنین استدلالات عبث و بی معنی خاطر نشان می کند که در بسیاری از قدیمی ترین پوراناها به بهاگواتام اشاره شده است. اولین آیهی بهاگواتام با مانترای گایاتری شروع می شود. در ماتسیا پورانا (*Matsya Purāna*)، که کهن ترین پورانا است، با اشاره به مانترای گایاتری در بهاگواتام، گفته شده است که بسیاری از آموزشهای روحانی با مانترای گایاتری آغاز می شود. و در داستان وریتراسورا (*Vṛtrāsura*) آمده است که چنانچه کسی این اثر بزرگ را در روزی که ماه کامل است به دیگری هدیه دهد، به بالاترین کمال زندگی، یعنی بازگشت به خداوند، دست می یابد. در پوراناها دیگر نیز به بهاگواتام اشاره و به وضوح گفته شده است که این اثر در دوازده جزء، شامل هجده هزار آیه تألیف شده است. در پادما پورانا نیز در گفتگویی بین گوتاما (*Gautama*) و پادشاه آمباریشا به بهاگواتام اشاره شده است. طی این مکالمه حکیم به پادشاه پند می دهد که اگر خواهان رهایی از اسارت مادی باشد، شریماد-بهاگواتام را به طور مرتب و منظم بخواند. پس با وجود چنین دلایلی، جای هیچ گونه شکی دربارهی مرجعیت و حقایقت بهاگواتام باقی نمی ماند. در پانصد سال گذشته، فاضلان متبحر و آچاربایهای بسیاری همانند جیوا گوسوامی، ساناتانا گوسوامی، ویشواناتها چاکراوارتی، والابهاچاریا و همچنین بسیاری از فرهیختگان برجستهی دیگر، پس از زمان شری چیتانیا، تفسیرهای استادانه ای بر بهاگواتام نگاشته اند. و

شایسته است که شاگرد جدی تلاش کند با مطالعه‌ی آنها پیام متعال شریما-د- بهاگواتام را به طور کامل بچشد.

شریلا ویشواناتها چاکراوارتی تهاکورا به طور ویژه درباره‌ی روان‌شناسی جنسی در شکل پاک و خالص و اصلی و ازلی خود (آدی-راسا) (*ādi-rasa*) که فاقد هرگونه آلودگی مادی یا مستی دنیوی است، بحث می‌کند. حرکت کل خلقت مادی تحت تأثیر اصل رابطه‌ی جنسی است. در تمدن جدید، رابطه‌ی جنسی نقطه‌ی کانونی تمام فعالیت‌هاست. انسان به هرکجا می‌نگرد، حاکمیت رابطه‌ی جنسی را مشاهده می‌کند. بنابراین، رابطه‌ی جنسی غیرحقیقی نیست. حقیقت آن در دنیای روحانی تجربه می‌شود. رابطه‌ی جنسی مادی چیزی جز انعکاس منحرفی از حقیقت اصلی آن نیست. حقیقت اصلی رابطه‌ی جنسی در حقیقت مطلق نهفته است، و بدین سبب است که حقیقت مطلق نمی‌تواند فاقد شخصیت باشد. ممکن نیست حقیقت مطلق فاقد شخصیت باشد و در عین حال بتواند جایگاه رابطه‌ی جنسی پاک و خالص باشد. در نتیجه، فلاسفه‌ی بی‌هویت‌گرا، با تأکید شدید بر فاقد شخصیت بودن حقیقت نهایی، مبادرت به رابطه‌ی جنسی مکروه دنیوی را به طور غیرمستقیم تشویق کرده‌اند. و انسان، بدون معرفت از شکل حقیقی روحانی رابطه‌ی جنسی، رابطه‌ی جنسی منحرف مادی را به عنوان اصل پذیرفته است. ولی باید دانست که تمایزی اساسی بین رابطه‌ی جنسی در وضعیت بیمارگونه‌ی مادی و رابطه‌ی جنسی روحانی وجود دارد.

شریما-د- بهاگواتام خواننده‌ی بی‌غرض و عاری از تعصب را تدریجاً به بالاترین مرحله‌ی کمال روحانیت و وادی حقیقت ارتقا خواهد داد و او را قادر خواهد ساخت تا از سه‌گونه‌ی فعالیت‌های مادی یعنی اعمال ثمربخش، فلسفه‌ی پندارگرایانه و پرستش خداوندگاران به نحوی که در آیات ودایی مطرح شده است درگذرد و بر آنها فائق آید.

آیه ۲

*dharmah projjhita-kaitavo 'tra paramo nirmatsarāṇām satām
vedyam vāstavam atra vastu śivadam tāpa-trayonmūlanam
śrīmad-bhāgavate mahā-muni-kṛte kim vā parair īśvaraḥ
sadyo hṛdy avarudhyate 'tra kṛtibhiḥ śuśrūsubhis tat-kṣaṇāt*

dharmah: دین‌داری؛ *projjhita*: کاملاً طرد شده؛ *kaitavaḥ*: پوشیده شده با مقاصد

شمربخش؛ *atra*: در این جا؛ *paramah*: بالاترین؛ *nirmatsarāṇām*: مربوط به صاحبان قلب صد درصد پاک و خالص؛ *satām*: عابدان؛ *vedyam*: قابل درک و فهم؛ *vāstavam*: حقیقی؛ *atra*: در این جا؛ *vastu*: ذات، جوهر؛ *śivadam*: رفاه، خیر؛ *tāpa-traya*: رنج‌های سه‌گانه؛ *unmūlanam*: باعث ریشه‌کن شدن؛ *śrīmat*: زیبا؛ *bhāgavate*: بهاگاواتا پورانا؛ *mahā-muni*: حکیم بزرگ (ویاسادوا)؛ *kr̥te*: گردآوری و تألیف کرده؛ *kim*: چیست؛ *vā*: نیاز؛ *paraiḥ*: دیگران؛ *īśvaraḥ*: خداوند متعال؛ *sadyaḥ*: بلافاصله؛ *hr̥di*: درون قلب؛ *avarudhyate*: متراکم می‌شود؛ *atra*: در این جا؛ *kr̥tibhiḥ*: به‌وسیله‌ی اشخاص متقی؛ *śuśrūṣubhiḥ*: با پرورش؛ با کسب؛ *tat-kṣaṇāt*: بدون تأخیر.

ترجمه

این بهاگاواتا پورانا، با ردّ هرگونه عمل مذهبی برانگیخته از خواسته‌ی مادی، والاترین حقیقت را مطرح می‌کند که تنها برای عابدان با قلب‌هایی کاملاً پاک قابل درک است. والاترین حقیقت، یعنی تمایز بین واقعیت و توهم برای خیر همگان. چنین حقیقتی قادر است سه نوع رنج را ریشه‌کن نماید. این بهاگاواتام زیبا و عالی که آن را حکیم بزرگ، ویاسادوا (در بلوغ روحانی‌اش) گردآوری کرده است، به‌تنهایی برای شناخت خداوند کفایت می‌کند؛ و به محض آنکه شخص به پیام آن با دقت و مطیعانه گوش فرا دهد، از طریق پرورش این معرفت، بی‌درنگ خداوند متعال در قلبش مستقر می‌شود.

شرح

دین شامل چهار موضوع اصلی، یعنی اعمال پرهیزگارانه، پیشرفت اقتصادی، ارضای حواس و سرانجام رهایی از اسارت مادی است. زندگی غیردینی وضعیتی توحش‌گونه است و زندگی انسانی در واقع با دین آغاز می‌شود. خوردن، خوابیدن، ترسیدن، و جفت‌گیری چهار اصل زندگی حیوانی است که در مورد زندگی انسان نیز صدق می‌کند؛ ولی پیروی از دین، عملکرد و وظیفه‌ی خاص و اعلا‌ی انسان محسوب می‌شود. بدون دین، زندگی انسانی چندان برتر از زندگی حیوانی نیست. به همین دلیل است که در هر یک از جوامع انسانی، شکلی از دین دیده می‌شود که هدف آن خودشناسی و یافتن رابطه‌ی جاودان انسان با خداوند است.

در مراحل پست‌تر تمدن انسانی، همواره رقابتی برای حکمرانی و خدایی کردن بر طبیعت مادی وجود دارد، یا به عبارت دیگر، تلاشی مداوم برای ارضای حواس. تحت تأثیر چنین آگاهی است که انسان به دین روی می‌آورد و برای کسب دستاوردهای مادی به اعمال پرهیزگارانه یا ادای فریض دینی می‌پردازد. اما اگر چنین دستاوردهای مادی به روش دیگری نیز قابل حصول باشد، آنگاه این به اصطلاح دین نادیده گرفته می‌شود، همان‌گونه که این وضعیت در تمدن کنونی به وجود آمده است. انسان عصر حاضر، در حال ترقی اقتصادی است و در نتیجه چندان علاقه‌ای به دین از خود نشان نمی‌دهد. اکنون عملاً کلیساهای، مساجد یا معابد خالی است؛ و او بیشتر به کارخانه‌ها، فروشگاه‌ها و سینماها علاقه‌مند است تا اماکن مذهبی که نیاکنش بنا کرده بودند. این موضوع عملاً پرداختن به دین به منظور کسب دستاوردها و منافع اقتصادی را اثبات می‌کند، زیرا انسان برای ارضای حواس، به دستاوردهای مادی نیاز دارد. اغلب وقتی شخص در جستجوی ارضای حواس، به نتیجه دلخواه نمی‌رسد و از آن محروم می‌شود، راه‌هایی را در پیش می‌گیرد و می‌کوشد با خداوند متعال یکی شود. می‌توان چنین نتیجه گرفت که پرداختن به این فعالیت‌ها چیزی نیست جز جستجویی برای یافتن راه‌هایی گوناگون جهت ارضای حواس. در وداها، چهار فعالیت مزبور با رعایت اصول و قواعدی تجویز شده است تا هیچ‌گونه رقابت و برتری‌طلبی زایدی برای ارضای حواس به وجود نیاید. اما شریما- بهاگواتام ورای تمامی این فعالیت‌های مربوط به ارضای حواس قرار دارد. شریما- بهاگواتام متن روحانی خالصی است که فقط عابدان پاک و مریدان مخلص خداوند که ارضای حواس رقابت‌جویانه را پشت‌سر گذاشته‌اند می‌توانند آن را درک کنند. در دنیای مادی رقابت شدید بین حیوانات، بین انسان‌ها، بین طبقات و بین ملت‌ها وجود دارد. اما عابدان خداوند به ورای چنین رقابت‌هایی صعود می‌کنند. آنها هیچ‌گونه رقابتی با مادی‌گرایان ندارند، زیرا در راه بازگشت نزد خداوند هستند، جایی که زندگی جاودان و مملو از سعادت است. چنین عرفایی عاری از حسد هستند و قلبی پاک و خالص دارند. در دنیای مادی، افراد به هم حسادت می‌کنند و بنابراین رقابت وجود دارد. اما عابدان اعلای خداوند نه تنها از حسادت مادی آزادند، بلکه خیرخواه همگاند و تلاش می‌کنند جامعه‌ای بدون رقابت که خداوند در مرکز آن باشد به وجود آورند. طرز تفکر سوسیالیستی معاصر در مورد به ایجاد جامعه‌ای بدون رقابت، مصنوعی است زیرا در حکومت سوسیالیستی، رقابت برای به دست آوردن منصب دیکتاتور، در سطح اداره‌کنندگان مملکت، از بین نمی‌رود. با در نظر گرفتن سه طریق توصیه شده در وداها- انجام دادن اعمال ثمربخش به منظور ارتقا به سیارات با شریط زندگی بهتر، پرستش خداوندگاران مختلف به منظور دستیابی به سیارات آنان و ادراک حقیقت

مطلق و جنبه‌ی فاقد هویت و فاقد شخصیت او به منظور یکی شدن با وی - و همچنین با در نظر گرفتن فعالیت‌های عادی اکثر انسان‌ها، به این مطلب پی می‌بریم که ارضای حواس، اساس زندگی مادی را تشکیل می‌دهد.

باید دانست که وجه فاقد شخصیت حقیقت مطلق، برهمن، بالاترین سیمای حقیقت نیست. برتر از وجه فاقد شخصیت، پاراماتا (*Paramātmā*) یا وجه موضعی و برتر از پاراماتا، وجه شخصی حقیقت مطلق یا بهاگوان (*Bhagavān*) قرار دارد. شریماد-بهاگواتام که جنبه‌ی واجد شخصیت حقیقت مطلق را به ما می‌شناساند، از تمام ادبیات بی‌هویت‌گرایان، از بخش‌های گیانا-کاندا (*jñāna-kāṇḍa*)، کارما-کاندا (*karma-kāṇḍa*) و حتی بخش اوپاسانا-کاندای (*upāsana-kāṇḍa*) وداها نیز برتر است، زیرا پرستش شخصیت اعلا‌ی پروردگار، خداوند شری کریشنا را توصیه می‌کند. کارما-کاندا مبتنی بر رقابت برای دستیابی به سیارات بهشتی به منظور ارضای بهتر حواس است و در گیانا-کاندا و اوپاسانا-کاندا رقابت‌های مشابه نیز به چشم می‌خورد. شریماد-بهاگواتام نسبت به تمامی اینها برتر است، زیرا حقیقت متعال را هدف قرار می‌دهد که جوهر یا ریشه‌ی جمیع این بخش‌ها را تشکیل می‌دهد. انسان از طریق شریماد-بهاگواتام می‌تواند اصل و همچنین تمام بخش‌های فرعی را درک کند، که اصل عبارت است از حقیقت مطلق، خداوند متعال و فرعیات عبارت است از تمام تجلیاتی که شکل‌های نسبی انرژی خداوند را تشکیل می‌دهند.

هیچ چیز از اصل جدا نیست، ولی در عین حال نیروها با اصل تفاوت دارند. این دیدگاه اگرچه متناقض به نظر می‌رسد، تناقضی در آن وجود ندارد. شریماد-بهاگواتام این فلسفه‌ی یکی و در عین حال متفاوت بودن ودانتا-سوترا را که با سوترای «جانمادی آسیا» (*janmādy asya*) (ش.ب. ۱/۱/۱) آغاز می‌شود، به تفصیل بیان می‌کند.

این دانش که انرژی خداوند را به طور هم‌زمان با او یکی و در عین حال از او متفاوت می‌داند، پاسخی است به تلاش متفکران ذهنی که درصددند انرژی را به عنوان حقیقت مطلق اثبات کنند. وقتی این دانش حقیقتاً درک شود، شخص درمی‌یابد که دیدگاه‌های وحدت وجود و دوئیت ناقص‌اند. پرورش این آگاهی روحانی، بر اساس دیدگاه یکی و در عین حال مختلف بودن، بلافاصله شخص را به مرحله‌ی رهایی از رنج‌های سه‌گانه هدایت می‌کند. رنج‌های سه‌گانه عبارت‌اند از: (۱) رنج‌هایی که از ذهن و بدن نشأت می‌گیرند؛ (۲) رنج‌هایی که مسبب موجودات زنده‌ی دیگرند؛ و (۳) رنج‌هایی که از وقایع ناگوار طبیعی برمی‌خیزد که شخص هیچ‌گونه تسلطی بر آنها ندارد. شریماد-بهاگواتام با تسلیم‌شدن عابد به شخص مطلق آغاز می‌شود. عابد کاملاً

آگاه است که با مطلق یکی است و در عین حال در موقعیت ابدی خادم نسبت به مطلق قرار دارد. در دیدگاه مادی، شخص به اشتباه خود را ارباب، حکمران و خدای پیرامون می‌پندارد و بدین جهت همواره گرفتار رنج‌های سه‌گانه‌ی زندگی است. اما به‌مجرد اینکه به موقعیت حقیقی خود به عنوان خادم روحانی پی ببرد، بلافاصله از تمام نگون‌بختی‌های مادی آزاد می‌شود. تا زمانی که موجود زنده برای تسلط‌یافتن بر طبیعت مادی تلاش می‌کند، به هیچ‌وجه برایش امکان ندارد که خادم خداوند متعال شود. زیرا خدمت به خداوند باید در آگاهی پاک و خالص و با شناخت هویت روحانی خویش انجام پذیرد. شخص از طریق انجام چنین خدمتی است که بلافاصله از گرفتاری‌های مادی رها می‌شود.

گذشته از این، شریما-د بهاگواتام تفسیری است که شری ویاسادوا شخصاً بر اثر دیگر خود ودانتا- سوترا انجام داده است و وی زمانی که کاملاً به پختگی و بلوغ روحانی رسیده بود، با لطف و رحمت نارادا، دست به نگارش این اثر زد. شری ویاسادوا ظهور صاحب صلاحیت نارایانا، شخصیت خداوند، است. بنابراین، شکی درباره‌ی مرجعیتش نیست. او مؤلف تمام متون مقدس ودایی است، ولی با وجود این، مطالعه‌ی شریما-د بهاگواتام را بیشتر از متون دیگر توصیه می‌کند. در پورانا‌های مختلف، روش‌های گوناگون برای پرستش خداوندگاران ارائه شده است. اما بهاگواتا پورانا یا شریما-د بهاگواتام فقط پرستش خداوند متعال را توصیه می‌کند. خداوند متعال پیکر کل است و خداوندگاران اعضای مختلف آن پیکر را تشکیل می‌دهند. در نتیجه، پرستش خداوند متعال، شخص را از پرستش خداوندگاران بی‌نیاز می‌کند. با چنین پرستشی خداوند متعال بلافاصله در قلب عابد پابرجا می‌شود. بدین سبب است که حضرت چیتانیا ماهاپرابهو شریما-د بهاگواتام را پورانای ناب و خالص می‌نامد و آن را از تمام پورانا‌های دیگر متمایز می‌کند.

روش صحیح برای دریافت پیام متعال این اثر، گوش فرا دادن به آن با تواضع و تسلیم است. با رفتاری حاکی از ادعا و با حالتی حاکی از مبارزه‌طلبی نمی‌توان به درک این پیام متعال دست یافت. برای هدایت صحیح ما، در این جا واژه‌ی مشخص شوشروشو (ŚUŚRĪṢU) به کار برده شده است. انسان باید مشتاق شنیدن این پیام متعال باشد و مهم‌ترین صلاحیت برای مطالعه‌ی بهاگواتام، داشتن اشتیاق برای شنیدن صادقانه است.

اشخاص کم‌اقبال هیچ‌گونه علاقه‌ای به شنیدن شریما-د بهاگواتام ندارند؛ زیرا هرچند روش ساده است، به‌کارگیری آن و مداومت و استمرار در آن مشکل است. آنان وقت کافی برای شنیدن گفتگوهای اجتماعی و سیاسی عبث و بیهوده را دارند، اما هیچ‌گونه رغبتی برای حضور به‌هم رسانیدن در گردهمایی عابدان برای شنیدن شریما-د بهاگواتام از خود نشان نمی‌دهند.

گاهی قاریان حرفه‌ای بهاگواتام برای پرداختن به شرح بازی‌های متعالِ محرمانه‌ی خداوند که آنها را به منزله‌ی متون جنسی تعبیر می‌کنند، عجله می‌نمایند. به شریماد-بهاگواتام باید از آغاز گوش فرا داد. آیه‌ی حاضر از کسانی که شایسته‌ی دریافت و جذب این اثر روحانی هستند بدین صورت یاد می‌کند: «پس از انجام اعمال پرهیزگارانه‌ی بسیار زیاد، شایستگی گوش فرا دادن به شریماد-بهاگواتام به دست می‌آید.» حکیم بزرگ، ویاسادوا، به شخص هوشمند و صاحب بصیرت اطمینان می‌دهد که وی می‌تواند شخصیت خداوند را مستقیماً با شنیدن شریماد-بهاگواتام درک کند. بدین ترتیب انسان می‌تواند بدون پیمودن مراحل مختلف خودشناسی و ادراک روحانی که در وداها بیان گردیده است، صرفاً با قبول دریافت این پیام متعال بلافاصله به جایگاه پاراماها مسا ارتقا یابد.

آیه ۳

*nigama-kalpa-taror galitam phalam
śuka-mukhād amṛta-drava-saṁyutam
pibata bhāgavataṁ rasam ālayaṁ
muhur aho rasikā bhūvi bhāvukāḥ*

nigama: متون ودایی؛ *kalpa-taror*: درخت آرزو؛ *galitam*: کاملاً رسیده؛ *phalam*: میوه؛ *śuka*: شریلا شوکادوا گوسوامی، اولین گوینده‌ی شریماد-بهاگواتام؛ *mukhāt*: از لبان مربوط به؛ *amṛta*: شهد؛ *drava*: نیمه سفت و نرم، بنابراین به آسانی قابل بلعیدن؛ *saṁyutam*: از تمام جهات کامل؛ *pibata*: آن را با لذت بچشید؛ *bhāgavatam*: کتاب مربوط به علم رابطه‌ی جاودان با خداوند؛ *rasam*: عصاره(عصاره‌ی خوش طعم)؛ *ālayam*: تا مرحله‌ی رهایی یا حتی در وضعیت و مرحله‌ی رهاشده؛ *muhur*: همواره؛ *aho*: ای؛ *rasikāḥ*: آن کسانی که دانش کامل مزه‌ها را دارند؛ *bhūvi*: روی زمین؛ *bhāvukāḥ*: ماهر و فکور.

ترجمه

ای خبرگان و متفکران، با تناول میوه‌ی رسیده‌ی درخت آرزوی متون ودایی، یعنی شریماد-بهاگواتام که از لبان شری شوکادوا گوسوامی جاری شده

است، محظوظ شوید. این میوه که برای همگان، از جمله ارواح رهایی‌یافته خوش‌مزه و لذت‌بخش بوده، بر اثر تماس با لبان این قدیس مزه‌ای مطبوع‌تر یافته است.

شرح

در دو آیه‌ی پیش به وضوح اثبات گردید که شریما-د-بهاگواتام متن مقدس اعلائی است که به علت خصایل روحانی‌اش از تمام متون مقدس ودایی دیگر پیشی می‌گیرد و در ورای تمام فعالیت‌های دنیوی و دانش مادی واقع می‌شود. در این اشلوکا اظهار شده است که شریما-د-بهاگواتام نه تنها متن مقدس برتری است، بلکه میوه‌ی رسیده‌ی تمام ادبیات ودایی نیز محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، شریما-د-بهاگواتام، عصاره‌ی تمام دانش ودایی است. با در نظر گرفتن تمام این مطالب، شنیدن بردبارانه و متواضعانه‌ی آن قطعاً ضروری است. انسان باید پیام شریما-د-بهاگواتام و درس‌های آن را با احترام کامل و توجه بسیار دریافت کند.

وداها به درخت آرزو تشبیه شده است، زیرا دربرگیرنده‌ی تمام نکات دانستنی برای انسان، چه در زمینه‌ی نیازهای مادی و چه در زمینه‌ی معرفت روحانی است. وداها تمام دانش تنظیم‌کننده و قوانین مربوط به زندگی اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و نظامی انسان را در برمی‌گیرد، همچنین طب، شیمی، فیزیک و متافیزیک را و هر آنچه برای بقا و ایجاد هماهنگی بین بدن و روح لازم است. گذشته از این، حاوی راهنمایی‌های خاص برای معرفت روحانی است. دانش تنظیم‌کننده، ارتقای تدریجی موجود زنده را به سکوی روحانی فراهم می‌کند و کمال معرفت روحانی، درک این حقیقت است که شخصیت خداوند منبع تمام راساها یا مزه‌های روحانی (احساسات یا هیجانات روحانی) است.

همه‌ی موجودات زنده، از برهما اولین موجود زنده‌ی دنیای مادی تا مورچه‌ی ناچیز، همه می‌خواهند از نوعی مزه یا طعم که از ادراکات حواس نشأت می‌گیرد لذت ببرند. به این لذات حسی از نظر فنی راسا می‌گویند. چنین راساهایی تنوعات گوناگون دارند. در کتب مقدس، دوازده نوع راسا برشمرده شده است: (۱) رودرا (*raudra*) یا خشم، (۲) آدبهوتا (*adbhuta*) یا بُهت و حیرت، (۳) شربنگارا (*śṛṅgāra*) یا عشق نکاحی، (۴) هاسیا (*hāsyā*) یا شوخی و طنز، (۵) ویرا (*vīra*) یا دلیری و سلحشوری، (۶) دایا (*dayā*) یا رحمت و شفقت، (۷) داسیا (*dāsya*) یا خدمت و نوکری، (۸) ساکھیا (*sakhya*) یا دوستی و برادری، (۹) بهایاناکا (*bhayānaka*) یا ترس و وحشت، (۱۰) بیبھاتسا (*bībhatsa*) یا هول و تکان و ضربه‌ی روحی، (۱۱) شانتا

(*śānta*) یا بی‌طرفی، (۱۲) واتسالیایا (*vātsalya*) یا محبت والدینی.

جوهر و چکیده‌ی تمام این راساها علاقه یا عشق خوانده می‌شود. نشانه‌های عشق عمدتاً در تحسین، خدمت، دوستی، محبت والدینی و عشق نکاحی متجلی می‌شود. و هنگام فقدان این پنج رابطه، عشق به طور غیرمستقیم در خشم، بهت، شوخی، جوانمردی، ترس، ضربه‌ی روحی و غیره تجلی می‌یابد. برای مثال، وقتی مردی عاشق زنی می‌شود، ارتباط آنان بر اساس شرینگارا-راسا یا عشق نکاحی است. اما وقتی چنین رابطه‌ی عاشقانه‌ای از هم می‌گسلد، ممکن است بهت، خشم، ضربه‌ی روحی یا حتی وحشت به وجود آید. گاهی رابطه‌ی عاشقانه بین دو شخص به قتلی هولناک منجر می‌شود. راسا همیشه بین موجودات گونه‌ی حیوانی مشابه به وجود می‌آید و هیچ‌گونه امکان تبادل راسا بین انسان و حیوان یا بین انسان و موجودات زنده از گونه‌های دیگر دنیای مادی وجود ندارد. اما چون ارواح از نظر کیفی با خداوند متعال یکی هستند، بنابراین، راسا به طور ذاتی بین موجود زنده‌ی روحانی و کلّ روحانی یا شخصیت‌اعلای خداوند تبادل می‌گردد. راسا یا تبادل روحانی به طور کامل در موجودیت روحانی بین موجودات زنده و خداوند متعال انجام می‌شود.

بدین ترتیب شخصیت‌اعلای پروردگار در شروتی-مانتراها (*śruti-mantras*)، یعنی سرودهای ودایی، به عنوان «سرچشمه‌ی تمام راساها» توصیف شده است. موجود زنده، زمانی واقعاً شاد و خوشبخت است که بر اثر معاشرت با خداوند متعال، راسای فطری و ذاتی‌اش را با او تبادل کند.

این شروتی-مانتراها اشاره می‌کنند که هر موجود زنده دارای جایگاه و مقامی فطری است که وقف تبادل راسای معین و مشخصی با پروردگار است. این راسای اصلی فقط زمانی که موجود زنده به رهایی دست می‌یابد به طور کامل تجربه می‌شود. زیرا در زندگی مادی، راسا در شکل منحرف که موقتی است تجربه می‌گردد. و در نتیجه راساهای دنیای مادی به شکل‌های مادی همانند رودرا (*raudra*) یا خشم و غیره نشان داده می‌شود.

بنابراین، کسی که به شناخت کامل راساهای گوناگون که پایه و اساس اصلی عمل را تشکیل می‌دهند دست یابد، می‌تواند درک کند که راساهای دنیای مادی چیزی جز انعکاس و مظاهر کاذب راساهای اصلی دنیای روحانی نیست. محقق دانا به دنبال چشیدن راسای حقیقی در شکل روحانی آن است. ولی در مراحل اولیه، روحانیون کم‌خردتر می‌خواهند با متعال یکی گردند. در نتیجه، نمی‌توانند بدون شناخت راساهای گوناگون، فراتر از ادراک یکی‌شدن با روح کل بروند.

در این اشلوکا، با قاطعیت اظهار شده است که راسای روحانی، که حتی ارواح رهاشده را نیز

محفوظ می‌کند، می‌تواند از طریق متن مقدس شریماد- بهاگواتام که میوه‌ی رسیده‌ی تمام دانش ودایی است تجربه شود. شخص با شنیدن متواضعانه و مطیعانه‌ی این متن متعال، می‌تواند به لذت کامل خواسته‌ی قلبی‌اش دست یابد. اما شخص باید بسیار مراقب باشد که پیام را از منبعی مطمئن بشنود، درست همان‌گونه که شریماد- بهاگواتام از منبعی صحیح دریافت شد. نارادامونی آن را از دنیای روحانی به ارمغان آورد و به شاگردش حضرت ویاسادوا اعطا کرد. سپس او به نوبه‌ی خود این پیام را به پسرش شریلا شوکادوا گوسوامی منتقل نمود و شریلا شوکادوا گوسوامی پیام را درست هفت روز قبل از مرگ ماهاراجا پاریکشیت در اختیار او گذارد. شریلا شوکادوا گوسوامی از همان آغاز تولد و حتی قبل از تولد و در رحم مادرش، روحی رهاشده بود. در نتیجه پس از تولد، مشمول هیچ‌گونه تعلیم و تربیت روحانی نشد. در زمان تولد، هیچ‌کس هیچ‌گونه شایستگی، نه از نظر مادی و نه از نظر روحانی، ندارد. اما شری شوکادوا گوسوامی، چون روح رهاشده‌ی کاملی بود، احتیاج به دنبال کردن روشی تکاملی برای رسیدن به معرفت روحانی نداشت. هرچند او شخص کاملاً رهاشده‌ای بود که در موقعیت متعال و رای سه‌گونه مادی قرار داشت، با این حال جذب این راسای متعال شخصیت اعلائی خداوند شد، خداوندی که ارواح رهاشده‌ای که سرودهای روحانی ودایی را می‌سرایند او را پرستش می‌کنند. اعمال روحانی خداوند متعال برای ارواح رهاشده جذاب‌تر از مردم عادی است. شایان ذکر است که خداوند ضرورتاً نمی‌تواند فاقد شخصیت باشد، زیرا داشتن راسای متعال فقط با یک شخص امکان‌پذیر است.

شوکادوا گوسوامی به گونه‌ای منظم، در شریماد- بهاگواتام، به روایت اعمال روحانی خداوند می‌پردازد که موضوع آن برای تمام طبقات مردم، و نیز کسانی که به دنبال رهایی یا در جستجوی یکی‌شدن با کل متعال هستند، جذاب است.

در زبان سانسکریت به طوطی نیز شوکا می‌گویند که می‌تواند با نوک‌زدن به میوه‌ای رسیده، طعم شیرین آن را افزایش دهد. به همین ترتیب، میوه‌ی رسیده و خوش‌طعم دانش ودایی هنگامی که از لبان شریلا شوکادوا گوسوامی جاری شود دلچسب‌تر می‌گردد. وی به طوطی تشبیه شده است؛ نه به سبب توانایی‌اش برای بیان بهاگواتام دقیقاً همان‌گونه که آن را از پدر فاضلش شنید، بلکه به‌خاطر توانایی‌اش در ارائه‌ی این اثر به‌نحوی که برای تمام طبقات مردم جذاب گردد.

شریلا شوکادوا گوسوامی موضوع بحث را به‌نحوی ارائه می‌کند که هر شنونده‌ی صادقی، چنانچه متواضعانه بشنود، بتواند بلافاصله مزه‌های متعال را که از مزه‌های منحرف دنیای مادی

تمایز است بچشد. این میوهی رسیده به یکباره از کریشنالوکا یا بالاترین سیاره‌ی روحانی فرو نیفتاده است؛ بلکه، با دقت از طریق سلسله‌ی پیران، دست به دست گشته و بدون تغییر یا تحریف به ما منتقل شده است. نادانانی که در سلسله‌ی پیران روحانی قرار ندارند، زمانی که تلاش می‌کنند بدون پیروی از راه شوکادوا گوسوامی، که این میوه را بسیار به دقت، با در نظر گرفتن مراحل مختلف ادراک روحانی، قدم به قدم عرضه می‌کند، به رمز و راز اعلی‌ترین راسای روحانی معروف به رقص راسا پی ببرند، دچار اشتباهات فاحشی می‌گردند. شخص باید به اندازه‌ی کافی هوشمند باشد تا شأن شریماد-بهاگواتام را از طریق شخصیت‌هایی همچون شوکادوا گوسوامی، که با موضوع با دقت و احتیاط هرچه تمام‌تر رفتار می‌کنند، بفهمد. انسان باید شریماد-بهاگواتام را از شخصی بشنود و بیاموزد که نماینده‌ی واقعی شریلا شوکادوا گوسوامی باشد؛ این روش سلسله‌ی پیران مکتب بهاگواتا است. راوی حرفه‌ای بهاگواتام که با تلاوت نامشروع آن به دنبال راه انداختن کسب و کار است قطعاً نمی‌تواند نماینده‌ی شوکادوا گوسوامی باشد؛ زیرا چنین شخصی فقط در صدد تأمین معاش و گذران زندگی‌اش است. بنابراین انسان باید از گوش سپردن به کلام چنین اشخاصی خودداری کند، اشخاصی که غالباً به محرمانه‌ترین بخش این متن مقدس می‌پردازند، بی‌آنکه روش تدریجی درک این موضوع سنگین را دنبال کرده باشند. آنها غالباً و بی‌محابا وارد رقص راسا می‌شوند، موضوعی که درک آن برای نادانان بسیار مشکل است و آنان را به اشتباه می‌اندازد. برخی از آنان این موضوع را غیراخلاقی تلقی می‌کنند، در حالی که دیگران سعی می‌کنند با تفاسیر ابلهانه‌ی خود بر آن سرپوش بگذارند. آنها هیچ‌گونه خواسته‌ای برای پیروی از حضرت شوکادوا گوسوامی ندارند.

بنابراین چنین نتیجه‌گیری می‌کنیم که طالب و شاگرد جدی راسا باید پیام بهاگواتام را از سلسله‌ی پیران، از نماینده‌ی موثق حضرت شوکادوا گوسوامی دریافت کند، کسی که بهاگواتام را از همان ابتدایش شرح می‌دهد و نه از روی هوی و هوس برای راضی کردن اشخاص دنیوی که شناخت بسیار اندکی از علم روحانی دارند. شریماد-بهاگواتام چنان به دقت ارائه شده است که شخص جدی و صادق می‌تواند صرفاً با نوشیدن عصاره‌ی شه‌گونه‌ی جاری شده از دهان شوکادوا گوسوامی یا نماینده‌ی معتبر و موثق وی، بلافاصله از میوه‌ی رسیده‌ی دانش ودایی لذت ببرد.

آیه ۴

naimiṣe 'nimiṣa-kṣetre

*ṛṣayaḥ śaunakādayaḥ
satraṁ svargāya lokāya
sahasra-samam āsata*

naimiṣe: در جنگل معروف به نایمیشارانیا؛ *animiṣa-kṣetre*: مکانی که به‌خصوص مورد علاقه‌ی ویشنو (کسی که پلک‌هایش را نمی‌بندد) است؛ *ṛṣayaḥ*: حکیمان؛ *śaunaka-ādāyāḥ*: به سرکردگی حکیم شوناکا؛ *satram*: قربانی؛ *svargāya*: خداوند که در بهشت از او تجلیل می‌شود؛ *lokāya*: و برای عابدانی که همواره در تماس با خداوند هستند؛ *sahasra*: یک هزار؛ *samam*: سال‌ها؛ *āsata*: انجام دادند.

ترجمه

یک بار حکیمان بزرگ به سرگردگی حکیم شوناکا، برای انجام یک قربانی بزرگ هزار ساله به منظور رضایت خداوند و عبادانش، در مکان مقدسی در جنگل نایمیشارانیا، گرد آمدند.

شرح

مقدمه‌ی شریماد-بهاگواتام در سه اشلوکای قبل بیان شد. شریلا شوکادوا گوسوامی برای نخستین بار شریماد-بهاگواتام را نقل کرد و برای بار دوم در نایمیشارانیا تکرار گردید. در وایویا تانترا (*Vāyaviya Tantra*) آمده است که برهما، طراح این جهان خاص، چرخ بزرگی که می‌توانست جهان را در خود جای دهد در نظر گرفت. مرکز این دایره‌ی عظیم در مکان خاصی که به نام نایمیشارانیا معروف است واقع شده بود. مشابهاً، اشاره دیگری در واراها پورانا (*Varāha Purāna*) به جنگل نایمیشارانیا وجود دارد، مبنی بر این که با انجام قربانی در این مکان، می‌توان از قدرت دیوصفتان کاست. بدین جهت است که برهماناها، نایمیشارانیا را برای انجام مناسک قربانی ترجیح می‌دهند.

عابدان خداوند ویشنو انواع قربانی‌ها را برای لذت و رضایت خداوند تقدیم او می‌کنند. عابدان همواره دلبسته به خدمت خداوندند، در حالی که ارواح فروافتاده به شادی و لذت موجودات مادی. در بهاگاواد-گیتا، گفته شده است هر عملی که در دنیای مادی به هر دلیلی به غیر از رضایت خداوند ویشنو انجام شود، باعث اسارت بیشتر شخص انجام دهنده‌ی آن عمل می‌گردد. بنابراین

سفارش شده است که تمام اعمال باید در حکم قربانی برای رضایت ویشنو و عابدانش انجام شود. این کار صلح و آرامش و موفقیت و خوشبختی را برای همه به ارمغان می‌آورد.

حکیمان بزرگ همواره مشتاق نیکی کردن در حق عموم مردم‌اند و بدین سبب است که حکیمان به سرکردگی شوناکا در این مکان مقدس نایمیشارانیا با برنامه‌ی انجام یک سلسله‌ی مداوم از قربانی‌های بزرگ گرد آمدند. اشخاصی که خداوند را به فراموشی سپرده‌اند، راه حقیقی صلح و آرامش و موفقیت و خوشبختی را نمی‌دانند. اما حکیمان چون به خوبی از آن آگاهند، برای خیر و صلاح تمام انسان‌ها، همواره مشتاق انجام اعمالی هستند که صلح و آرامش را در جهان به ارمغان آورد. آنها چون دوستان صادق و صمیمی تمام موجودات زنده‌اند، همواره برای خیر و رفاه مردم به خدمت خداوند مشغولند، حتی چنانچه در این راه دچار محرومیت‌هایی شوند و آسایش شخصی خود را به خطر اندازند. خداوند ویشنو به درختی بزرگ تشبیه می‌شود و تمامی موجودات دیگر شامل خداوندگاران، انسان‌ها، سیدهاها (Siddhas)، چارانها (Cārāṇas)، ویدیاهاها (Vidyādhāras) و موجودات زنده‌ی دیگر، به شاخه‌های بزرگ، شاخه‌های کوچک و برگ‌های آن درخت. با آب دادن به ریشه‌ی درخت، تمام قسمت‌های آن خودبه‌خود تغذیه می‌شود. فقط آن شاخه‌ها و برگ‌هایی که از درخت جدا شده است نمی‌توانند چندان راضی شوند و به رغم تمام کوشش ما برای آب دادن به آنها، به تدریج خشک می‌شوند. مشابهاً، جامعه‌ی انسانی، وقتی از شخصیت خداوند گسسته می‌شود، همچون شاخه‌ها و برگ‌های جدا شده، قادر به بهره جستن از آبی که به درخت داده می‌شود نیست و کسی که در انجام چنین کاری تلاش کند، صرفاً نیرو و منابع خود را تلف کرده است.

رابطه‌ی جامعه‌ی مادی‌گرای جدید با خداوند متعال قطع شده است و تمامی نقشه‌هایی که رهبران خدانشناسش طراحی می‌کنند قطعاً در هر گام با شکست مواجه می‌گردد. با وجود این، آنها به این حقیقت واقف نمی‌شوند و از این خواب غفلت بر نمی‌خیزند.

در این عصر، روش تجویز شده برای بیداری جامعه، ذکر دسته‌جمعی نام‌های مقدس خداوند است. شری چیتانیا ماهاپرابهو راه‌ها و الزامات این روش را به صورتی علمی ارائه کرده است و اشخاص هوشمند، چنانچه در نظر داشته باشند سعادت و صلح و آرامش حقیقی را به ارمغان آورند، باید از آموزش‌های ایشان بهره جویند. شریماد-بهاگواتام نیز به همین منظور ارائه شده است و این موضوع در بخش‌های بعدی این اثر به طور مشخص‌تر توضیح داده خواهد شد.

*ta ekadā tu munayaḥ
prātar huta-hutāgnayaḥ
sat-kṛtam sūtam āsīnam
ṣapracchur idam ādarāt*

te: آنها (حکیمان)؛ *ekadā*: روزی؛ *tu*: اما؛ *munayaḥ*: حکیمان؛ *prātaḥ*: صبح‌گاه؛ *huta*: سوزاندن؛ *huta-agnayaḥ*: آتش قربانی؛ *sat-kṛtam*: احترامات واجب؛ *sūtam*: شری سوتا گوسوامی؛ *āsīnam*: نشسته بر؛ *ṣapracchuḥ*: جويا شدند؛ *idam*: درباره‌ی این (چنان که در ذیل مطرح است)؛ *ādarāt*: با احترامات و توجهات مناسب.

ترجمه

روزی، حکیمان بزرگ پس از اتمام وظایف صبحگاهی خود از طریق روشن کردن آتش قربانی و تقدیم جایگاهی بلندمرتبه به شریلا سوتا گوسوامی، با احترام زیاد از وی درباره موضوعات زیر پرسش نمودند.

شرح

صبحگاه، بهترین زمان برای فعالیت‌های روحانی است. حکیمان بزرگ جایگاه بارزشی که ویاساسانا (*vyāsāsana*)، یا جایگاه شری ویاسادوا خوانده می‌شود، به گوینده‌ی بهاگواتام تقدیم کردند. شری ویاسادوا (*Śrī Vyāsadeva*) آموزگار روحانی اصلی تمام انسان‌هاست و تمام آموزگاران دیگر به شرطی که بتوانند دقیقاً دیدگاه شری ویاسادوا را عرضه کنند، نمایندگان وی محسوب می‌شوند. شری ویاسادوا پیام بهاگواتام را به شریلا شوکادوا گوسوامی منتقل کرد و شری سوتا گوسوامی آن را از دهان شری شوکادوا گوسوامی شنید. تمام نمایندگان معتبر و موثق شری ویاسادوا در سلسله‌ی پیران، گوسوامی هستند زیرا آنان بر حواس خود تسلط کامل دارند و به جدیت راهی را که آچارهای گذشته تدوین کرده‌اند دنبال می‌کنند. گوسوامی‌ها سخنرانی‌های بوالهوسانه‌ای بر بهاگواتام عرضه نمی‌کنند. به عکس، با پیروی از پیشینیان و پیش کسوتان خود که پیام روحانی را دست نخورده به آنها اعطا کرده‌اند، خدمتشان را با دقت هر چه تمام‌تر انجام می‌دهند.

شنوندگان بهاگواتام، می‌توانند برای روشن شدن معانی، پرسش‌هایی از گوینده‌ی آن مطرح

کنند، اما این کار نباید با روحیه‌ای مبارزه‌طلبانه انجام شود. انسان باید پرسش‌های خویش را با قائل شدن احترام فراوان، هم برای گوینده و هم برای موضوعی که او ارائه می‌کند، مطرح نماید. این نیز همان راه توصیه‌شده در بهاگاواد-گیتا است: انسان باید دانش روحانی را با شنیدن مطیعانه از منابع صحیح بیاموزد. به همین جهت است که این حکیمان، سوتا گوسوامی را با احترام بسیار مورد خطاب قرار دادند.

آیه ۶

*ṛṣaya ūcuḥ
tvayā khalu purāṇāni
setihāsāni cānagha
ākhyātāny aṇy adhītāni
dharma-śāstrāṇi yāny uta*

ṛṣayah: حکیمان؛ *ūcuḥ*: گفتند؛ *tvayā*: به وسیله‌ی تو؛ *khalu*: بدون شک؛ *purāṇāni*: ملحقات وداها با روایات توضیحی؛ *sa-itihāsāni*: همراه با روایات تاریخی؛ *ca*: و؛ *anagha*: مبری از گناه؛ *ākhyātāni*: توضیح داده شده؛ *aṇi*: هرچند؛ *adhītāni*: خوب مطالعه‌شده؛ *dharma-śāstrāṇi*: کتب مقدس که دستورهای صحیح برای زندگی تکاملی ارائه می‌کنند؛ *yāni*: همه‌ی اینها؛ *uta*: گفت.

ترجمه

حکیمان گفتند: سوتا گوسوامی محترم، تو از هرگونه گناهی کاملاً مبری هستی. و در تمامی کتب مقدس مشهور مناسب برای دنبال کردن یک زندگی دینی و همچنین در پوراناها و تواریخ کاملاً متبحری، زیرا آنها را تحت هدایت صحیح آموخته، و نیز شرح داده‌ای.

شرح

یک گوسوامی (*gosvāmī*)، یا نماینده‌ی معتبر و موثق شری ویاسادوا، باید از هرگونه گناهی مبری باشد. چهار گناه اصلی کالی-یوگا (*Kali-yuga*) عبارت است از: (۱) رابطه‌ی نامشروع با

زنان، (۲) کشتار حیوانات، (۳) استفاده از مسکرات، (۴) اقدام به هرگونه قمار. گوسوامی، قبل از آنکه به خود اجازه‌ی نشستن بر ویاساسانا را بدهد، باید از کلیه‌ی این گناهان آزاد شده باشد. لازمه‌ی مجاز بودن برای تکیه زدن بر ویاساسانا، دارا بودن سیرتی بی‌نقص و بری بودن از گناهان مذکور است. او باید همچنین در تمامی کتب آسمانی و وداها که شامل پوراناها و تواریخی همچون ماهابهاراتا و رامایانا (*Rāmāyaṇa*) نیز می‌شود، تبحر کامل داشته باشد. آچاریا یا گوسوامی باید به خوبی به تمام این متون آگاه باشد. شنیدن و توضیح دادن آنها مهم‌تر از خواندنشان است، زیرا شخص دانش کتب مقدس را فقط با شنیدن و توضیح دادن می‌تواند جذب کند. شنیدن شروانا (*śravaṇa*) و توضیح دادن کیرتانا (*kīrtana*) خوانده می‌شود. برای پیشرفت در زندگی روحانی، دو روش شروانا و کیرتانا دارای بیشترین اهمیت است. فقط کسی می‌تواند دانش روحانی را به درستی توضیح دهد که آن را صحیح آموخته باشد، یعنی از منبعی موثق و از طریق شنیدنی مطیعانه.

آیه ۷

yāni veda-vidāṁ śreṣṭhaḥ
bhagavān bādarāyaṇaḥ
anye ca munayaḥ sūta
parāvara-vido viduḥ

yāni: تمام آن؛ veda-vidāṁ: عالمان وداها؛ śreṣṭhaḥ: سابقه‌دارترین؛ bhagavān: ظهور خداوند؛ bādarāyaṇaḥ: ویاسادوا؛ anye: دیگران؛ ca: و؛ munayaḥ: حکیمان؛ sūta: ای سوتا گوسوامی؛ parāvara-vidaḥ: کسی که در میان فاضلان دانا، به دانش فیزیک و متافیزیک آگاه است؛ viduḥ: کسی که می‌داند.

ترجمه

ای سوتا گوسوامی، تو قدیمی‌ترین عالم دانای وداها هستی و دانش ویاسادوا – ظهور خداوند – و همچنین علم حکمای بزرگ دیگر، استادان علوم گوناگون فیزیک و متافیزیک، را آموخته‌ای.

شرح

شریماد-بهاگاواتام تفسیری مسلم بر برهما- سوترا (*Brahma-sūtra*)، یا بادارایانی ودانتا-سوتراها (*Bādarāyaṇi Vedānta-sūtras*) است. زیرا ویاسادوا مؤلف هر دو اثر، یعنی ودانتا-سوتراها و شریماد-بهاگاواتام یا عصاره‌ی تمام متون مقدس ودایی است. به غیر از ویاسادوا، حکیمان دیگری نیز وجود دارند به نام گوتاما (*Gautama*)، کانادا (*Kaṇāda*)، کاپیلا (*Kapila*)، پاتانجالی (*Patañjali*)، جایمینی (*Jaimini*) و آشتاواکرا (*Aṣṭāvakra*) که بنیان‌گذار شش مکتب بزرگ فلسفی‌اند. در ودانتا-سوترا خدانشناسی کاملاً توضیح داده شده است، در حالی که در مکاتب دیگر فلسفی، عملاً ذکرى از علت غایی تمام علل به میان نیامده است. انسان، فقط پس از آگاهی از تمام مکاتب فلسفی می‌تواند بر ویاساسانا (*vyāsāna*) بنشیند تا بتواند دیدگاه‌های توحیدی بهاگاواتام را در مخالفت با تمام مکاتب دیگر به طور کامل ارائه کند. شریلا سوتا گوسوامی چون معلم شایسته بود، حکیمان نامیشارانیا وی را بر ویاساسانا نشاندهند. شریلا ویاسادوا در این‌جا به عنوان شخصیت پروردگار معرفی شده است، زیرا او ظهور قدرت یافته‌ی معتبر و موثق است.

آیه ۸

*vettha tvam saumya tat sarvaṃ
tattvatas tad-anugrahāt
brūyuh snigdhasya śiṣyasya
guravo guhyam apy uta*

vettha: متبحر هستی؛ *tvam*: تو که محترم هستی؛ *saumya*: کسی که پاک و ساده است؛ *tat*: آنها؛ *sarvaṃ*: تمام؛ *tattvataḥ*: درحقیقت؛ *tat*: مال آنها؛ *anugrahāt*: از طریق لطف؛ *brūyuh*: خواهد گفت؛ *snigdhasya*: مربوط به کسی که تسلیم است؛ *śiṣyasya*: مربوط به شاگرد؛ *guravaḥ*: پیران روحانی؛ *guhyam*: راز؛ *api uta*: اعطا کردند، ارزانی داشتند.

ترجمه

و چون فروتن و فرمانبرداری، پیران روحانی‌ات تمامی الطاف شایسته‌ی یک شاگرد نجیب و شریف را به تو ارزانی داشته‌اند. بدین‌سبب قادری تمامی آنچه

را که به شیوه‌ای علمی از آنها آموخته‌ای در اختیار ما گذاری.

شرح

راز موفقیت در زندگی روحانی، در خشنود ساختن پیر روحانی و در نتیجه کسب دعا‌های خیر وی نهفته است که از روی خلوص نیت نثار پیرو خود می‌کند. شریلا ویشواناتها چاکراوارتی تنهاکورا، در هشت قطعه شعر مشهورش درباره‌ی پیر روحانی، چنین سروده است: «من به قدم نیلوفرین پیر روحانی‌ام سجده می‌کنم. فقط از طریق جلب رضایت اوست که انسان می‌تواند شخصیت پروردگار را خشنود و راضی سازد و بر اثر نارضایتی او، در راه معرفت روحانی فقط خرابی و ویرانی به بار می‌آید.» بنابراین ضروری است که شاگرد کاملاً مطیع و فرمانبردار پیر روحانی حقیقی باشد. شریلا سوتا گوسوامی از تمامی خصایل یک شاگرد کامل برخوردار بود؛ بنابراین الطاف و برکات پیران روحانی خودشناخته و دانایش همچون شریلا ویاسادوا و دیگران را نصیب خود کرد. حکیمان نایمشارانیا مشتاق شنیدن سخنان شریلا سوتاگوسوامی بودند، زیرا به ارزش و اعتبار وی اطمینان داشتند.

آیه ۹

*tatra tatrāñjasāyusman
bhavatā yad viniścitam
pumsām ekāntataḥ śreyaś
tan naḥ śamsitum arhasi*

tatra: از آن، وابسته به آن، متعلق به آن؛ *tatra*: از آن، وابسته به آن، متعلق به آن؛ *añjasā*: آسان‌شده؛ *āyusman*: از برکت عمر طولانی برخوردار شده؛ *bhavatā*: به‌وسیله‌ی شخص نیک شما؛ *yad*: هرآنچه؛ *viniścitam*: ثابت‌شده؛ *pumsām*: برای عموم مردم؛ *ekāntataḥ*: مطلقاً؛ *śreyaś*: خیر اعلا؛ *tat*: آن؛ *naḥ*: به ما؛ *śamsitum*: توضیح‌دادن؛ *arhasi*: سزاوار بودن، لایق بودن.

ترجمه

بنابراین، از تو که از برکت طول عمر برخوردار شده‌ای تقاضا می‌کنیم، آنچه را

که خیر مطلق و غایی برای تمام انسان‌ها به شمار می‌آورد، برای ما، به شبیه‌ای که به آسانی درک شود، بازگو کنی.

شرح

در بهاگاواد – گیتا، ستایش و پرستش آچاریا توصیه شده است؛ زیرا آچارها و گوسوامی‌ها همواره در فکر رفاه و سعادت همه‌ی مردم‌اند، به خصوص رفاه روحانی‌شان که رفاه مادی را خودبه‌خود به دنبال دارد. بنابراین آچارها راهنمایی‌ها و دستورهایی درباره‌ی رفاه روحانی عموم مردم عرضه می‌کنند. حکیمان، با پیش‌بینی بی‌کفایتی مردم عصر کالی، یا عصر آهن و عصر ستیزه‌جویی، درخواست کردند که سوتاگوسوامی خلاصه‌ای از تمامی کتب آسمانی را، به نفع مردم این عصر که از هر نظر محکوم به بدبختی‌اند، عرضه کند. بنابراین، حکیمان می‌خواهند بدانند خیر مطلق که سعادت نهایی برای مردم به شمار می‌آید چیست. آیه‌ی بعد به توصیف سرنوشت اسفبار مردم این عصر می‌پردازد.

آیه ۱۰

*prāyeṇālpāyusaḥ sabhya
kalāv asmin yuge janāḥ
mandāḥ sumanda-matayo
manda-bhāgyā hy upadrutāḥ*

prāyeṇa: تقریباً همیشه؛ *alpa*: کم، ناکافی؛ *āyusaḥ*: طول عمر؛ *sabhya*: عضو جامعه‌ی فضلا؛ *kalau*: در این عصر کالی (نزاع)؛ *asmin*: در این‌جا؛ *yuge*: عصر؛ *janāḥ*: مردم؛ *mandāḥ*: تنبل؛ *sumanda-matayaḥ*: گمراه؛ *manda-bhāgyāḥ*: بدبخت؛ *hi*: و از همه گذشته؛ *upadrutāḥ*: مضطرب.

ترجمه

ای فرزانه، در این عصر کالی یا عصر آهن، انسان‌ها عمری کوتاه دارند. آنها نزاع طلب و فتنه‌جو، تنبل، گمراه، بدبخت و از همه مهم‌تر، همواره مضطرب هستند.

شرح

عابدان خداوند همواره مشتاق پیشرفت روحانی همه‌ی مردم‌اند. حکیمان نایمیشارانیا هنگام تحلیل موقعیت انسان در این عصر کالی، پیش‌بینی کردند که او عمر کوتاهی خواهد داشت و این موضوع مربوط می‌شود به عادات نامنظم و نه غذای ناکافی. سلامتی را می‌توان با داشتن عادات منظم و خوردن غذای ساده حفظ کرد. پُرخوری، افراط در کام‌جویی و ارضای حواس، زیاده‌روی در اتکاء به لطف دیگری و معیارهای تصنعی زندگی، رفته رفته از نیروی حیات و انرژی انسانی می‌کاهد. بدین سبب طول عمر کم می‌شود.

مردم این عصر همچنین بسیار تنبل هستند؛ نه فقط از نظر مادی، بلکه در موضوع خودشناسی. زندگی انسانی به طور خاص برای خودشناسی منظور شده است. انسان باید بتواند در طول زندگی‌اش به درک ذات خویشتن، جهان و حقیقت متعال نائل آید. زندگی انسانی وسیله‌ای است که موجود زنده می‌تواند با آن به تمام رنج‌های مربوط به تلاش‌های سخت زندگی در موجودیت مادی خاتمه دهد و نزد خداوند یعنی منزلگاه جاودانش باز گردد. اما، به علت نظام نادرست آموزشی، انسان‌ها هیچ‌گونه خواسته‌ای برای خودشناسی ندارند. حتی اگر پا به عرصه‌ی درک آن نیز بنهند، بدبختانه قربانی معلمان کاذب می‌شوند.

در این عصر، انسان‌ها نه تنها قربانی عقاید و گروه‌های مختلف سیاسی هستند، بلکه قربانی بسیاری از انواع گوناگون سرگرمی‌های مربوط به ارضای حواس همچون سینما، ورزش، قمار، باشگاه‌های شبانه، کتابخانه‌های مادی، معاشرت ناسالم، سیگار، مشروب، تقلب، دزدی، زد و خورد و غیره نیز می‌شوند. ذهن آنان، به علت اشتغالات گوناگون، همواره مضطرب و مملو از پریشانی و نگرانی است. در این عصر، ناصالحان بسیار، اعتقادات مذهبی خاص را که بر اساس هیچ‌یک از کتب آسمانی نیست، ابداع و اغلب اوقات مردمی را که به ارضای حواس خو کرده‌اند به خود جذب می‌کنند. در نتیجه، گناهان بسیار زیادی به نام دین انجام می‌شود که مردم را به طور کلی از رسیدن به صلح و آرامش ذهن و همچنین سلامتی جسمانی باز می‌دارد. جوامع دانش‌آموزی برهماچاری (*brahmacārī*) دیگر وجود ندارد و متأهلان نیز دیگر قواعد و قوانین گریه‌استها-آشراما (*grhastha-āśrama*) را رعایت نمی‌کنند. در نتیجه، این به اصطلاح واناپراستها (*vānaprasthas*) و سانیا‌سی‌هایی (*sannyāsīs*) که از چنین گریه‌استها-آشرام‌هایی برمی‌خیزند به آسانی از راه راست منحرف می‌شوند. جو کالی یوگا سرشار از بی‌ایمانی و کفر است و افراد، دیگر علاقه‌ای به ارزش‌های روحانی ندارند. کام‌جویی و ارضای حواس مادی اکنون معیار تمدن را تشکیل می‌دهد. انسان، برای نگهداری و بقای چنین تمدن‌های

مادی‌ای، ملت‌ها و جوامع پیچیده‌ای به وجود آورده است که بر آنها فشارهای دائمی ناشی از جنگ‌های سرد و گرم سنگینی می‌کند. بنابراین، در حال حاضر احیای معیارهای روحانی، به علت انحراف ارزش‌های جامعه‌ی انسانی، بسیار دشوار شده است. حکیمان نایمیشارانیا چون نگران نجات کلیه‌ی ارواح فروافتاده‌اند راه درمان را از شریلا سوتا گوسوامی جوپا می‌شوند.

آیه ۱۱

bhūrīṇi bhūri-karmāṇi
śrotavyāni vibhāgaśaḥ
ataḥ sādho 'tra yat sāram
samuddhṛtya manīṣayā
brūhi bhadrāya bhūtānām
yenātmā suprasīdati

bhūrīṇi: تنوع؛ *bhūri*: بسیار؛ *karmāṇi*: وظایف؛ *śrotavyāni*: باید آموخته شود؛ *vibhāgaśaḥ*: به‌وسیله‌ی تقسیم‌بندی‌های موضوع؛ *ataḥ*: بنابراین؛ *sādho*: ای حکیم؛ *atra*: در این‌جا؛ *yat*: هرآنچه؛ *sāram*: عصاره؛ *samuddhṛtya*: با انتخاب؛ *manīṣayā*: بهترین بر اثر شناخت تو؛ *brūhi*: لطفاً به ما بگو؛ *bhadrāya*: برای خیر؛ *bhūtānām*: موجودات زنده؛ *yena*: از طریق آن؛ *ātmā*: ذات؛ *suprasīdati*: کاملاً راضی می‌شود.

ترجمه

تنوع زیادی در متون مقدس وجود دارد که در تمامی آنها وظایف بی‌شماری برای انسان تجویز شده است. سال‌های بسیاری برای مطالعه و آموزش بخش‌های گوناگون همه‌ی آنها لازم است. بنابراین، ای حکیم، جوهر تمامی این کتب مقدس را برگزین و آن را برای خیر همگان بازگو نما تا قلب آنان از چنین آموزش‌هایی کاملاً خشنود گردد.

شرح

آتما (*Ātmā*)، یا ذات، از ماده و عناصر مادی متمایز است و به علت سرشت روحانی‌اش است

که هیچ‌گونه نقشه‌ی مادی، هیچ‌گاه نمی‌تواند او را راضی کند. تمام کتب مقدس و آموزش‌های روحانی برای رضایت این ذات، یا آتما منظور شده است. راه‌های متنوع بسیاری برای انواع مختلف موجودات زنده در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تجویز شده است. در نتیجه، تعداد کتب مقدس بی‌شمار است که در آنها روش‌ها و وظایف تجویز شده‌ی مختلفی توصیه شده است. حکیمان نایمیشارانیا با در نظر گرفتن وضعیت فروافتاده‌ی عموم مردم در این عصر کالی، درخواست کردند که شری سوتا گوسوامی جوهر و چکیده‌ی تمام این کتب مقدس را نقل کند، زیرا ادراک و جذب کلیه‌ی آموزش‌های تمام این کتب مقدس گوناگون در نظام وارنا و آشراما، برای ارواح فروافتاده‌ی این عصر ممکن نیست.

بهترین نظام برای ارتقای انسان به سکوی روحانی، نظام وارنا و آشراما است، اما با فرا رسیدن عصر کالی اجرای قواعد و قوانین این نظام ممکن نیست. همچنین برای توده‌ی مردم، قطع کامل روابط خانوادگی، چنان‌که نظام وارناشراما تجویز می‌کند، میسر نیست. جوّ این عصر پر از مخالفت و مغایرت با این نظام است و با توجه به این موضوع می‌توان دریافت که رهایی روحانی برای انسان عادی در این عصر چقدر مشکل است. در آیات بعد توضیح داده می‌شود که چرا حکیمان این موضوع را برای شری سوتا گوسوامی مطرح کردند.

آیه ۱۲

*sūta jānāsi bhadrām te
bhagavān sātvatām ṣatiḥ
devakyām vasudevasya
jāto yasya cikīrṣayā*

sūta: ای سوتا گوسوامی؛ *jānāsi*: تو می‌دانی؛ *bhadrām te*: تمام برکات بر تو باد؛ *bhagavān*: شخصیت پروردگار؛ *sātvatām*: مربوط به عابدان پاک و خالص؛ *ṣatiḥ*: حافظ؛ *devakyām*: در رجمِ دواکی؛ *vasudevasya*: از طریق واسودوا؛ *jātaḥ*: زاده شده از؛ *yasya*: به منظور؛ *cikīrṣayā*: انجام دادن.

ترجمه

تمامی برکات نثار تو باد، ای سوتا گوسوامی؛ تو که از علت ظهور شخصیت

خداوند به صورت پسر واسودوا در رجمِ دواکی آگاه هستی.

شرح

بهاگوان یعنی خداوند قادر مطلق که گرداننده‌ی تمام ثروت، قدرت، شهرت، زیبایی، دانش و انقطاع است. او حافظ عابدان پاک و خالص خویش است. هرچند خداوند به همه یکسان می‌نگرد، به‌ویژه به عابدانش متمایل است. سات (*sat*) یعنی حقیقت مطلق. و اشخاصی که خادمان حقیقت مطلق‌اند ساتواتا (*sātvatas*) نامیده می‌شوند. و شخصیت خداوند که چنین عابدان پاک و خالصی را حفاظت می‌کند به عنوان حافظ ساتواتاها خوانده می‌شود. بهادرآم ته (*Bhadram te*) یا «برکت بر تو باد»، حاکی از اشتیاق حکیمان برای شناخت حقیقت مطلق از طریق گوینده است. شری کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، بر دواکی، همسر واسودوا، ظاهر شد. واسودوا نماد جایگاه روحانی است که در آن ظهور خداوند متعال رخ می‌دهد.

آیه ۱۳

*tan naḥ śuśrūṣamāñānām
arhasy aṅgānuvarṇitum
yasyāvatāro bhūtānām
kṣemāya ca bhavāya ca*

tan: آنها؛ *naḥ*: به ما؛ *śuśrūṣamāñānām*: آن کسانی که تلاش و کوشش می‌کنند به منظور؛ *arhasi*: موظف به انجام دادن آن؛ *aṅga*: ای سوتا گوسوامی؛ *anuvarṇitum*: توضیح از طریق پیروی از آچارپاهای گذشته؛ *yasya*: که. . . اش؛ *avatārah*: ظهور؛ *bhūtānām*: مربوط به موجودات زنده؛ *kṣemāya*: برای خیر؛ *ca*: و؛ *bhavāya*: ارتقاء؛ *ca*:

۰۹

ترجمه

ای سوتا گوسوامی، ما مشتاقیم مطالبی درباره‌ی شخصیت پروردگار و ظهوراتش بیاموزیم. لطفاً آموزش‌هایی را که استادان گذشته (آچارپاهای) ابلاغ کردند برای ما بازگو کن، زیرا انسان با سخن گفتن درباره‌ی آنها و نیز با

شنیدنشان، ارتقاء می‌یابد.

شرح

شرایط لازم برای شنیدن پیام روحانی حقیقت مطلق در این جا مطرح شده است. نخستین شرط این است که شنونده باید صادق و مشتاق شنیدن و گوینده باید متعلق به خط سلسله‌ی پیران آچارایی به رسمیت شناخته شده باشد. کسانی که مجذوب مادیات هستند نمی‌توانند پیام روحانی خداوند مطلق را درک کنند. با وجود این، انسان تحت هدایت پیر روحانی معتبر و موثق به تدریج پاک می‌شود. بدین سبب، شخص باید در حلقه‌ی سلسله‌ی پیران درآمده باشد و هنر روحانی شنیدن مطیعانه را بیاموزد. در مورد حضرت سوتا گوسوامی و حکیمان نایمیشارانیا تمامی این شرایط صدق می‌کرد، زیرا شریلا سوتا گوسوامی در خط شریلا ویاسادوا قرار داشت و حکیمان نایمیشارانیا همگی ارواحی صادق بودند و مشتاق آموختن حقیقت. در نتیجه به علت مساعد بودن شرایط، موضوعات روحانی در مورد فعالیت‌های فوق انسانی خداوند شری کریشنا، ظهور وی، تولدش، پیدایش یا ناپیدایی‌اش، شکل‌هایش، نام‌هایش و غیره همگی به سادگی قابل درک بودند و چنین گفتارهایی، به پیشرفت تمامی انسان‌هایی که در راه معرفت روحانی قرار دارند می‌انجامد.

آیه ۱۴

*āpannaḥ saṁsṛtiṁ ghorāṁ
yan-nāma vivaśo gr̥ṇan
tataḥ sadyo vimucyeta
yad bibheti svayam bhayam*

āpannaḥ: گرفتار شدن؛ *saṁsṛtiṁ*: در دام تولد و مرگ؛ *ghorāṁ*: بسیار پیچیده؛ *yat*: آنچه؛ *nāma*: نام مطلق؛ *vivaśaḥ*: ناآگاهانه؛ *gr̥ṇan*: ذکر کردن؛ *tataḥ*: از آن؛ *sadyaḥ*: بلافاصله؛ *vimucyeta*: رهایی می‌یابد؛ *yat*: آن که؛ *bibheti*: می‌ترسد؛ *svayam*: شخصاً؛ *bhayam*: شخصیت ترس.

ترجمه

موجودات زنده‌ای که در دام پیچیده‌ی تولد و مرگ اسیر شده‌اند، می‌توانند بلافاصله با ذکر هر چند ناآگاهانه‌ی نام مقدس کریشنا، که حتی شخصیت ترس نیز از آن می‌هراسد، به رهایی دست یابند.

شرح

وآسودوا، یا خداوند کریشنا، شخصیت مطلق خداوند، اداره‌کننده‌ی متعال همه چیز است. در تمام آفرینش، کسی نیست که از غضب قادر متعال نترسد. شخصیت پروردگار آسوراها‌ی بزرگی همچون راوانا، هیرانیا کاشیپو، کامسا و موجودات قدرتمند دیگری را نابود ساخت. و وآسودوا‌ی قادر متعال، نام خود را با نیروهای شخص خویش قدرتمند کرده است. همه چیز با او ارتباط دارد و همه چیز هویت خود را از او کسب می‌کند. در اینجا گفته شده است که حتی شخصیت ترس از نام کریشنا می‌ترسد. این موضوع دال بر آن است که نام کریشنا با خود کریشنا متفاوت نیست. بنابراین، نام کریشنا به قدرت خود خداوند کریشناست و بین آن دو، به هیچ وجه تفاوتی وجود ندارد. بدین جهت، همه می‌توانند از نام‌های مقدس خداوند شری کریشنا، حتی در قلب سهمگین‌ترین مخاطرات، بهره‌مند گردند. نام متعال کریشنا حتی چنانچه ناآگاهانه و یا تحت شرایط محیطی به جبر ادا گردد، می‌تواند به شخص کمک کند تا به رهایی از اسارت تولد و مرگ دست یابد.

آیه ۱۵

yat-pāda-saṁśrayāḥ sūta
munayaḥ praśamāyanāḥ
sadyaḥ punanti upaspr̥ṣṭāḥ
svardhuny-āpo 'nusevayā

yat: مال کسی که؛ pāda: قدوم نیلوفرین؛ saṁśrayāḥ: کسانی که پناه برده‌اند به؛ sūta: ای سوتا گوسوامی؛ munayaḥ: حکیمان بزرگ؛ praśamāyanāḥ: مجذوب عشق و عبودیت به متعال؛ sadyaḥ: بلافاصله؛ punanti: تطهیر می‌کنند؛ upaspr̥ṣṭāḥ: صرفاً با معاشرت؛ svardhuni: مربوط به رود مقدس گنگ؛ āpaḥ: آب؛ anusevayā: با استفاده‌ی.

ترجمه

ای سوتا، آن حکیمان بزرگی که کاملاً به قدوم نیلوفرین خداوند پناه برده‌اند، قادرند بی‌درنگ هر آن کس را که در مجاورتشان قرار می‌گیرد تطهیر و پاک کنند، در حالی که آب رود گنگ فقط در درازمدت قدرت تطهیرکنندگی دارد.

شرح

عابدان پاک و خالص خداوند دارای قدرتی بیشتر از آب رودخانه‌ی مقدس گنگ هستند. استفاده‌ی درازمدت از آب گنگ منافع روحانی در بر دارد. اما لطف و رحمت عابد پاک و خالص خداوند قدرت تطهیر بی‌درنگ دارد. در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که همه، قطع نظر از نوع تولد - چه به صورت شودرا، چه به صورت زن و چه به صورت بازرگان - می‌توانند به قدوم نیلوفرین خداوند پناه برند و از این طریق نزد خداوند بازگردند. پناه بردن به قدوم نیلوفرین خداوند یعنی پناه بردن به عابدان پاک و خالص. از چنین عابدان پاک و خالصی که تنها شعلشان خدمت کردن است، با نام‌های پرابهوپادا و ویشنوپادا تجلیل می‌شود که این نام‌ها بر این دلالت دارد که ایشان نماینده‌ی قدوم نیلوفرین خداوند هستند. بنابراین، کسی که به قدوم نیلوفرین یک عابد پاک و خالص، از طریق پذیرش وی به عنوان پیر روحانی‌اش پناه ببرد، می‌تواند بی‌درنگ تطهیر گردد. چنین عابدانی به اندازه‌ی خداوند مورد تجلیل قرار می‌گیرند، زیرا آنها به محرمانه‌ترین خدمت خداوند، یعنی نجات ارواح فروافتاده‌ای که خداوند می‌خواهد آنان به سرمزل مقصود یعنی نزد او بازگشت کنند، مشغولند. آنها، بر اساس کتب مقدس، به منزله‌ی قائم‌مقام خداوند شناخته می‌شوند. شاگرد صادق عابد پاک و خالص، پیر روحانی خود را برابر با خداوند در نظر می‌گیرد و خود را خادم متواضع خادم خداوند می‌داند. [ر.ک به: چیتانیا چاریتامریتا، ماده‌ها ۸۰/۱۳] این راه عشق و عبودیت پاک و خالص است.

آیه ۱۶

*ko vā bhagavatas tasya
puṇya-ślokeḍya-karmaṇaḥ
śuddhi-kāmo na śṛṇuyād
yaśaḥ kali-malāpaham*

kaḥ: چه کسی؛ *vā*: بلکه؛ *bhagavataḥ*: مربوط به خداوند؛ *tasya*: مال او؛ *puṇya*:

پرهیزگار؛ *śloka-īdya*: پرستیدنی از طریق دعا؛ *karmaṇaḥ*: اعمال؛ *śuddhi-kāmaḥ*: خواهان رهایی از تمام گناهان؛ *na*: نه؛ *śṛṇuyāt*: می‌شنود؛ *yaśaḥ*: شکوه و عظمت؛ *kali*: مربوط به عصر نزاع؛ *mala-apaham*: عامل تطهیر.

ترجمه

چه کسی، چنانچه خواهان رهایی از مصائب، آلودگی‌ها و عیوب عصر کالی - عصر ستیز - باشد، از شنیدن شکوه منزّه خداوند سر باز خواهد زد؟

شرح

عصر کالی به علت جنبه‌های ستیزه جویانه‌اش، محکوم‌ترین و فاسدترین اعصار است. کالی - یوگا چنان با فساد و گناه اشباع شده است که با کوچک‌ترین سوءتفاهم، جنگی بزرگ به پا می‌شود. فقط کسانی قادرند از بیزاری‌ها و بیگانگی‌های این عصر پیچیده خلاص شوند که عاری از هرگونه خواسته برای خود بزرگ کردن و آزاد از نتایج اعمال ثمربخش و غور و تفکر خشک فلسفی، به خدمت عبادانه‌ی پاک و خالص خداوند مشغول باشند. رهبران دولت‌ها، سخت مشتاق صلح و آرامش و دوستی و صمیمیت هستند، اما آنها هیچ‌گونه اطلاعی از روش ساده‌ی گوش فرا دادن به شکوه و عظمت خداوند ندارند. به عکس، آنان نه تنها مخالف اشاعه و ابلاغ شکوه و عظمت خداوند هستند، بلکه حتی منکر وجود خداوند نیز می‌باشند. نقشه‌های گوناگون پیشرفت‌طلبانه‌ی چنین رهبرانی که هر سال به نام حکومت غیرمذهبی (لائیک) طرح می‌شود، از طریق پیچیدگی‌های از میان برداشتنی طبیعت مادی خداوند، دائماً با ناکامی و شکست مواجه می‌گردد؛ ولی آنان هیچ‌گونه قدرتی برای دیدن و درک این موضوع ندارند و متوجه نیستند که تمام تلاش‌هایشان به منظور تحقق صلح و دوستی منجر به شکست می‌شود. اما، آیه‌ی حاضر، راهی برای نجات از این دام ارائه می‌کند: چنانچه ما خواهان صلح و آرامش حقیقی باشیم، باید راه درک خداوند متعال کریشنا را بگشاییم و از او به سبب اعمال روحانی منزّه‌ش، همان‌گونه که در صفحات شریما-بهاگواتام توصیف شده است، تجلیل کنیم.

آیه ۱۷

tasya karmāṇy udārāṇi
parigītāni sūribhiḥ

*brūhi naḥ śraddadhānānām
līlayā dadhataḥ kalāḥ*

tasya: مال او؛ *karmāṇi*: اعمال متعال؛ *udārāṇi*: بزرگوار؛ *parigītāni*: پخش شده؛
sūribhiḥ: از طریق ارواح بزرگ؛ *brūhi*: لطفاً سخن بگو؛ *naḥ*: برای ما؛
śraddadhānānām: آماده‌ی دریافت کردن با احترام؛ *līlayā*: اعمال روحانی؛ *dadhataḥ*:
ظهور کرده؛ *kalāḥ*: ظهورات.

ترجمه

اعمال روحانی خداوند که حکیمان بزرگ فاضلی چون نارادا آنها را می‌سرایند،
باشکوه و پر جلال است. پس از سر لطف، برای ما که سخت مشتاق شنیدن
هستیم، ماجراهایی را که او در ظهورات گوناگونش انجام می‌دهد، بازگو نما.

شرح

شخصیت پروردگار هیچ‌گاه، چنان‌که برخی نابخردان مطرح می‌کنند، بی‌عمل و غیرفعال نیست.
او عمل می‌کند و اعمالش عالی و عظیم است. آفرینش‌های خداوند، چه مادی و چه روحانی،
همگی شگفت‌انگیز و حاوی تنوعات بسیار است. ارواح رهاشده‌ای همچون شریلا نارادا (Śrīla
Nārada)، ویاسا (Vyāsa)، والمیکی (Vālmīki)، دیوالا (Devala)، آسیتا (Asita)،
مادهاوا (Madhva)، شری چیتانیا (Śrī Caitanya)، رامانوجا (Rāmānuja)، ویشنوسوامی
(Viṣṇu Svāmī)، نیمبارکا (Nimbārka)، شریدهارا (Śrīdhara)، ویشواناتها
(Viśvanātha)، بالادیوا (Baladeva)، بهاکتی‌وینودا (Bhaktivinoda)، سیدهانتا
ساراسواتی (Siddhānta Sarasvatī) و همین‌طور ارواح خودشناخته و دانای بسیار دیگری
آنها را به طرز بسیار عالی توصیف کرده‌اند. این آفرینش‌های مادی و روحانی خداوند، مملو از
توانگری، زیبایی و دانش است، اما قلمرو روحانی به علت سرشاری از دانش، شمع و جاودانگی،
باشکوه‌تر است. آفرینش‌های مادی که سایه‌های منحرف ملکوت روحانی را تشکیل می‌دهند،
برای مدت کوتاهی متجلی می‌شوند و می‌توان آنها را به سینما تشبیه کرد. آنها اشخاص
کم‌خردی که مستعد پذیرش چیزهای کاذب هستند را مجذوب خود می‌سازند. اشخاص نادان،
بی‌اطلاع از حقیقت، یقین دارند که تجلی مادی کاذب همه و همه چیز است. اما اشخاص

باشعورتر که فرزانه‌گانی چون ویاسا و نارادا آنها را هدایت می‌کنند، می‌دانند که ملکوت جاودان خداوند لذت‌بخش‌تر، عظیم‌تر و به طور جاودان مملو از شمع و دانش است. گاهی اوقات، زمانی که خداوند شمعِ جاودان معاشرتش را، همان‌گونه که در قلمرو متعال وجود دارد به نمایش می‌گذارد، افرادی که هیچ اطلاعی از اعمال خداوند و قلمرو متعالش ندارند از طریق ظهورات وی در ماجراهای الهی و شئون روحانی او مورد لطف و رحمت قرار می‌گیرند. خداوند با چنین فعالیت‌های روحانی‌ای، ارواح مقید جهان مادی را جذب می‌کند که برخی از آنان به لذت کاذب حواس و برخی دیگر صرفاً به نفی زندگی حقیقی‌شان در جهان روحانی مشغول‌اند. این اشخاص کم‌خرد به ترتیب به عنوان کارمی (*karmīs*)، یا جوینده‌ی ثمر و گیانی (*jñānīs*)، یا غور و تفکرکننده‌ی خشک ذهنی شناخته می‌شوند. اما ورای این دو طبقه انسان، طبقه‌ی دیگری از اشخاص روحانی وجود دارد که به عنوان ساتواتا (*sātvata*)، یا عابدان خداوند شناخته می‌شوند که نه مشغول عمل مادی متداول هستند و نه با غور و تفکر مادی سروکار دارند. آنان به خدمت عملی و ساده‌ی خداوند مشغولند و در نتیجه بالاترین منفعت روحانی را که برای کارمی‌ها و گیانی‌ها ناشناخته است، عاید خود می‌سازند.

خداوند، به عنوان حکمران اعلای جهان‌های مادی و روحانی، دارای ظهورات گوناگون در طبقه‌بندی‌های نامحدود است. ظهوراتی همچون برهما، رودرا، مانو، پریتهو و ویاسا، ظهورات واجد کیفیت مادی اویند، در حالی که راما (*Rāma*)، ناراسیمها (*Narasimha*)، واراها (*Varāh*) و وامانا (*Vāmana*)، ظهورات متعالش هستند. خداوند شری کریشنا سرچشمه‌ی تمام ظهورات و بدین جهت، علت تمام علل است.

آیه ۱۸

*athākhyāhi harer dhīmann
avatāra-kathāḥ śubhāḥ
līlā vidadhataḥ svairam
īśvarasyātma-māyayā*

atha: بنابراین؛ *ākhyāhi*: توصیف کن؛ *hareḥ*: مربوط به خداوند؛ *dhīman*: ای دانا؛ *avatāra*: ظهورات؛ *kathāḥ*: روایت‌ها، حکایت‌ها؛ *śubhāḥ*: فرخنده؛ *līlā*: ماجراها؛ *vidadhataḥ*: انجام‌شده؛ *svairam*: بازی‌ها، شئون؛ *īśvarasya*: مربوط به

اداره‌کننده‌ی متعال؛ *ātma*؛ شخصی؛ *māyayā*؛ نیروها.

ترجمه

ای سوتای خردمند، لطفاً بازی‌های روحانی ظهورات متعدد خداوند را برای ما حکایت کن. این ماجراها و بازی‌های متعال خداوند کنترل‌کننده‌ی متعال، از طریق قدرت‌های درونی او انجام می‌پذیرد.

شرح

برای خلقت، بقا و انهدام جهان‌های مادی، شخصیت متعال خداوند خود به هزاران شکل و ظهورات گوناگون ظاهر می‌شود؛ و ماجراهای خاص مربوط به آن شکل‌های روحانی همگی پاک و خجسته‌اند. همه از اعمال روحانی خداوند منتفع می‌شوند، چه کسانی که در زمان وقوع آنها حضور دارند، و چه آنان که روایات روحانی چنین اعمالی را می‌شنوند.

آیه ۱۹

vayaṁ tu na vitṛpyāma
uttama-śloka-vikrame
yac-chṛṇvatām rasa-jñānām
svādu svādu pade pade

vayaṁ: ما؛ *tu*: اما؛ *na*: نه؛ *vitṛpyāmaḥ*: خسته خواهیم شد؛ *uttama-śloka*: شخصیت خداوند، که در نیایش‌های روحانی از او تجلیل می‌شود؛ *vikrame*: ماجراها؛ *yac*: که؛ *chṛṇvatām*: با شنیدن مداوم؛ *rasa*: مزه، طعم؛ *jñānām*: آن کسانی که آگاه هستند به؛ *svādu*: لذت بردن؛ *svādu*: خوشمزه؛ *pade pade*: در هر قدم.

ترجمه

ما هیچ‌گاه از شنیدن بازی‌های روحانی شخصیت پروردگار، که سرودهای روحانی و نیایش‌های قدسی از او تجلیل می‌کنند، خسته نمی‌شویم. کسانی که میل و رغبت برای ایجاد رابطه‌ی روحانی با او را در خود پرورش داده‌اند، هر

حظه از شنیدن درباره‌ی بازی‌های متعاش لذت می‌برند.

شرح

تفاوت عظیمی بین داستان، افسانه و تاریخ، با اعمال روحانی وجود دارد. روایت‌های کهن مربوط به تاریخ جهان - مثل رامایانا، ماهابهاراتا و پوراناها - حتی پس از خواندن‌های مکرر طراوت خود را حفظ می‌کنند، زیرا با بازی‌های روحانی ظهورات خداوند ارتباط مستقیم دارند و بدین‌گونه ثبت شده‌اند. برای مثال هر کس می‌تواند بهاگاواد- گیتا یا شریماد- بهاگواتام را به طور مکرر در طول زندگی‌اش بخواند و هربار در آنها معارف نوین بیابد. اطلاعات مربوط به دنیای مادی ایستاست، درحالی‌که اطلاعات مربوط به دنیای روحانی پویاست؛ درست همان‌گونه که روح فعال و پویاست و ماده، ساکن و ایستاست. کسانی که میل و رغبتِ ادراک موضوعات روحانی را در خود پرورش داده‌اند هیچ‌گاه از شنیدن چنین حکایاتی خسته نمی‌شوند. انسان از اعمال دنیوی به سرعت سیر می‌شود، اما هیچ‌کس با اعمال روحانی یا اعمال حاکی از عشق و عبودیت اشباع نمی‌شود. واژه‌ی اوتاما - اشلوکا به متنی اشاره دارد که برای جهل و غفلت منظور نشده است. ادبیات مادی در گونه‌ی تاریکی یا جهل قرار دارد، در حالی‌که ادبیات روحانی کاملاً متفاوت است و آن‌سوی گونه‌ی تاریکی قرار دارد و روشنایی آن با خواندن و درک تدریجی موضوع روحانی، درخشان‌تر می‌شود. اشخاص به اصطلاح رهاشده هیچ‌گاه با تکرار واژه‌های آهام برهماسمی (*aham brahmāsmi*) راضی نمی‌شوند. چنین معرفت‌تصنعی از برهمن، به سرعت پیش‌پا افتاده و مبتذل می‌شود و در نتیجه، آنها برای چشیدن لذت حقیقی به روایات شریماد- بهاگواتام رو می‌آورند. برخی دیگر که اقبال آنان را ندارند به نوع دوستی و بشردوستی دنیوی رو می‌آورند. این مطلب بیان‌گر آن است که فلسفه‌ی مایاوادا، فلسفه‌ی مادی و دنیوی است، در حالی‌که فلسفه‌ی بهاگاواد- گیتا و شریماد- بهاگواتام از ماهیتی روحانی برخوردار است.

آیه ۲۰

*kṛtavān kila karmāṇi
saha rāmeṇa keśavaḥ
atimartyāni bhagavān
gūḍhaḥ kapata-mānuṣaḥ*

kr̥tavān: انجام‌شده از طریق؛ *kila*: آنچه؛ *karmāṇi*: اعمال؛ *saha*: همراه با؛ *rāmeṇa*: بالاراما؛ *keśavaḥ*: شری کریشنا؛ *atimartyāni*: فوق انسانی؛ *bhagavān*: شخصیت پروردگار؛ *gūḍhaḥ*: زیر نقاب؛ *kapata*: ظاهراً؛ *mānuṣaḥ*: موجود انسانی.

ترجمه

خداوند شری کریشنا، شخصیت پروردگار، همراه با بالاراما، نقش یک انسان را بازی کرد و با چنین هیئت مبدلی، اعمال فوق انسانی بسیاری را انجام داد.

شرح

نظریه‌های مربوط به قائل شدن شکل انسانی و همین‌طور شکل حیوانی برای خداوند هیچ‌گاه در مورد شری کریشنا، یا شخصیت پروردگار صدق نمی‌کند. امروزه این نظریه که انسان با ریاضت و کف نفس خدا می‌شود، به‌خصوص در هند، بسیار شایع است. با توجه به اینکه حکیمان و قدیسان با استناد به کتب مقدس، هویت اصلی و الهی شری راما، شری کریشنا و شری چیتانیاماهاپرابهو را به عنوان شخصیت متعال خداوند آشکار ساختند، اشخاص ناصالح بسیاری به ابداع ظهورات شخصی خود پرداختند تا جایی که امروزه جعل کردن ظهورات خداوند، به خصوص در بنگال، عملی متداول شده است. هر شخص مشهوری که از اندکی قدرت‌های خارق‌العاده برخوردار باشد، می‌تواند با انجام قدری تردستی و شعبده‌بازی، از طریق آرای عموم مردم، به سهولت تبدیل به ظهور خداوند شود. شری کریشنا از آن نوع ظهورات نبود. او در واقع از همان آغاز حضورش، شخصیت خداوند بود و در برابر به اصطلاح مادرش به صورت ویشنوی چهاردست ظاهر شد. سپس، به درخواست مادر، به شکل یک کودک انسانی درآمد و بلافاصله مادرش را به قصد رفتن نزد عابد دیگری در گوکولا، جایی که به صورت پسر نانداماهاراجا و یاشودا ماتا پذیرفته شد، ترک کرد. مشابهاً، شری بالادوا (*Śrī Baladeva*)، همتای خداوند شری کریشنا نیز به عنوان کودکی انسانی متولدشده از همسر دیگر شری واسودوا محسوب شد. در بهاگاود-گیتا، خداوند می‌فرماید که ظهور و اعمالش، متعال و روحانی‌اند و چنانچه شخص آن‌قدر خوشبخت باشد که توفیق درک سرشت روحانی تولد و اعمال او را پیدا کند، بلافاصله رها می‌شود و شایسته‌ی بازگشت به ملکوت خداوند می‌گردد. پس شناخت سرشت روحانی تولد و اعمال خداوند شری کریشنا برای رهایی کافی است. نه جزء اول بهاگاواتام، به توصیف طبیعت روحانی خداوند می‌پردازد و جزء دهم به اعمال روحانی خاص او. تمام این حقایق با مطالعه‌ی

تدریجی این متن درک می‌شود. اما این‌جا یادآوری این نکته حائز اهمیت است که خداوند، تعالی خویش را حتی در دامان مادرش نشان داد، که اعمالش همگی فوق انسانی است (او تپه‌ی گوواردهانا (Govardhana) را در سن هفت سالگی بلند کرد) و اینکه تمام این اعمال قطعاً اثبات می‌کند که او حقیقتاً شخصیت‌اعلای پروردگار است. با این حال، به علت وجود حجاب نیروی باطنی‌اش، به اصطلاح پدر و مادر و سایر بستگان او را کودکی انسانی می‌پنداشتند. هرگاه که اعمال پهلوانی خارق‌العاده از او سر می‌زد، پدر و مادر برداشت دیگری از آن می‌کردند. آنها، بدون توجه به این اعمال، صرفاً در کریشنا فرزند خویش را می‌دیدند و با عشقی خدشه‌ناپذیر به او راضی و دلخوش بودند. پس بدین‌صورت، حکیمان نیمیشارانیا فردی را به شکل و هیئت انسان توصیف می‌کنند که در حقیقت کسی جز شخصیت قادر متعال پروردگار نیست.

آیه ۲۱

*kalim āgatam ājñāya
kṣetre 'smin vaiṣṇave vāyam
āsinā dīrgha-satṛeṇa
kathāyām sakṣaṇā hareḥ*

kalim: عصر کالی (عصر آهن و ستیزه‌جویی)؛ *tāgatam*: رسیدن؛ *ājñāya*: با دانستن این؛ *kṣetre*: در این دیار؛ *asmin*: در این؛ *vaiṣṇave*: به‌خصوص منظور شده برای عابد خداوند؛ *vāyam*: ما؛ *āsināḥ*: نشسته؛ *dīrgha*: طویل‌المدت؛ *satṛeṇa*: برای انجام قربانی؛ *kathāyām*: در سخنان مربوط به؛ *sa-kṣaṇāḥ*: با زمان موجود در اختیار ما؛ *hareḥ*: مربوط به شخصیت پروردگار.

ترجمه

با علم به اینکه هم‌اکنون عصر کالی آغاز شده است، ما در این مکان مقدس، برای انجام قربانی بلندمدتی که همانا شنیدن پیام روحانی و متعال خداوند است گرد آمده‌ایم.

شرح

این عصر کالی برخلاف ساتیا-یوگا (Satya-yuga) (عصر طلایی)، ترتا-یوگا (Tretā-yuga) (عصر نقره) و دواپارا-یوگا (Dvāpara-yuga) (عصر مس) اصلاً برای خودشناسی مساعد نیست. در ساتیا-یوگا، چون انسان‌ها از طول عمر زیادی - معادل صد هزار سال - برخوردار بودند، می‌توانستند برای رسیدن به خودشناسی به مراقبه‌های طولانی بپردازند. در ترتا-یوگا، هنگامی که طول عمر ده‌هزار سال بود، از طریق انجام قربانی‌های بزرگ به خودشناسی دست می‌یافتند. و در دواپارا-یوگا، هنگامی که طول عمر هزار سال بود، خودشناسی از طریق پرستش خداوند حاصل می‌شد. اما در کالی-یوگا که حداکثر طول عمر فقط یکصد سال است و از طرف دیگر با مشکلات و مسائل گوناگونی نیز توأم می‌باشد، روش توصیه‌شده برای خودشناسی همانا شنیدن و ذکر کردن نام مقدس، شهرت و اعمال روحانی خداوند است. حکیمان نایمیشارانیا این روش خودشناسی را در مکانی که به‌خصوص برای عابدان خداوند منظور شده است آغاز کردند. آنها خود را برای شنیدن در مورد اعمال روحانی خداوند، در طول مدت بیش از هزار سال، آماده کردند. انسان با سرمشق قرار دادن این حکیمان باید بیاموزد که شنیدن و خواندن منظم و مرتب بهاگاواتام یگانه راه خودشناسی است. تلاش‌های دیگر صرفاً اتلاف وقت است، زیرا هیچ‌گونه نتیجه‌ی محسوسی به بار نمی‌آورد. خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو به ارشاد مردم از طریق این نظام بهاگاواتا-دهارما پرداخت و توصیه کرد که تمام کسانی که در هند متولد می‌شوند باید مسئولیت پخش پیام‌های خداوند شری کریشنا، به‌خصوص پیغام بهاگاواد-گیتا را بپذیرند. و هنگامی که شخص آموزش‌های بهاگاواد-گیتا را خوب فرا گرفت، برای کسب اشراق بیشتر در خودشناسی می‌تواند به مطالعه‌ی شری‌ماد-بهاگاواتام بپردازد.

آیه ۲۲

*tvaṁ naḥ sandarśīto dhātrā
dustaram nistitīrṣatām
kalim sattva-haram puṁsām
karṇa-dhāra ivārṇavam*

tvaṁ: حضرت‌عالی؛ *naḥ*: به ما؛ *sandarśītaḥ*: ملاقات؛ *dhātrā*: از طریق مشیت الهی؛ *dustaram*: فائق‌نیامدنی؛ *nistitīrṣatām*: برای کسانی که خواهان عبور کردن هستند؛

kalim: عصر کالی؛ *sattva-haram*: چیزی که صفات نیک را تباه می‌کند؛ *pumsām*: مربوط به انسان؛ *karma-dhārah*: ناخدا؛ *iva*: به‌منزله‌ی؛ *amāvam*: اقیانوس.

ترجمه

ما فکر می‌کنیم که بر اثر مشیت الهی بود که به دیدار جناب‌عالی نائل شدیم تا بتوانیم شما را به عنوان ناخدای کشتی‌ای برای عبور افرادِ راغب به گذر از اقیانوس صعب کالی که منهدم‌کننده‌ی تمام شایستگی‌های انسان است، بپذیریم.

شرح

عصر کالی برای انسان، عصری پرخطر است. هدف از زندگی انسانی صرفاً خودشناسی است، اما به علت این عصر خطرناک، این هدف کاملاً به‌بوته‌ی فراموشی سپرده شده است. در این عصر، به تدریج از طول عمر کاسته می‌شود. مردم رفته‌رفته حافظه، احساسات لطیف، قدرت و صفات نیکشان را از دست می‌دهند. فهرستی از ناپهنجاری‌های این عصر، در جزء دوازدهم این اثر ذکر شده است در نتیجه، آن دسته از کسانی که بخواهند در این عصر زندگی خود را صرف خودشناسی کنند، با مشکلات بسیار مواجه خواهند شد. در این عصر، مردم چنان به ارضای حواس مشغولند که کاملاً خودشناسی را به فراموشی می‌سپرنند. آنها چون قادر به درک این مطلب نیستند که این زندگی کوتاه چیزی نیست جز لحظه‌ای مختصر در سفر بزرگ ما به سوی شناخت خود، از روی دیوانگی با صراحت و بی‌پرده اظهار می‌دارند که هیچ احتیاجی به خودشناسی ندارند. تمام نظام آموزشی امروز بر محور ارضای حواس بنا شده است و چنانچه فردی دانا آن را مورد تفکر و تحلیل قرار دهد، درمی‌یابد که کودکان این عصر عمداً به کشتارگاه‌های به اصطلاح آموزش و پرورش فرستاده می‌شوند. بنابراین، دانایان باید جانب احتیاط را در مورد این عصر رعایت کنند و چنانچه واقعاً طالب گذشتن از اقیانوس خطرناک کالی باشند، باید راه حکیمان نایمیشارانیا را دنبال کنند و شری سوتا گوسوامی یا نماینده‌ی معتبر و موثق وی را به عنوان ناخدای کشتی خود بپذیرند؛ این کشتی پیام خداوند شری کریشنا است به هیئت بهاگاواد-گیتا و شریماد-بهاگاواتام.

*brūhi yogēśvare kṛṣṇe
brahmaṇye dharma-varmaṇi
svām kāṣṭhām adhunoṣṭe
dharmaḥ kaṁ śaraṇaṁ gataḥ*

brūhi: لطفاً بگو؛ *yoga-īśvare*: صاحب تمام قدرت‌های خارق‌العاده؛ *kṛṣṇe*: خداوند کریشنا؛ *brahmaṇye*: حقیقت مطلق؛ *dharma*: دین؛ *varmaṇi*: حافظ؛ *svām*: مال خود؛ *kāṣṭhām*: قلمرو؛ *adhunā*: امروزه؛ *uṣṭe*: عزیزت کرده؛ *dharmaḥ*: دین؛ *kaṁ*: به چه کسی؛ *śaraṇaṁ*: پناه؛ *gataḥ*: رفته.

ترجمه

اکنون که شری کریشنا، حقیقت مطلق و ارباب تمام نیروهای خارق‌العاده به منزلگاه و ملکوت خود عزیزت کرده است، لطفاً به ما بگو چه کسی پاسدار و نگهبان اصول دین خواهد بود.

شرح

جوهره‌ی دین قوانین تجویز شده‌ای است که شخصیت پروردگار خود به وضوح بیان و اعلام کرده است. در بهاگاواد-گیتا بیان شده است که هرگاه اصول دین مورد سوءاستفاده‌ی شدید یا مسامحه قرار گیرد، خداوند متعال شخصاً ظهور می‌کند تا آنها را دوباره برقرار و احیا کند. در اینجا حکیمان نایمیشارانیا درباره‌ی این اصول پرسش می‌کنند که به این سؤال در بخش‌های بعد پاسخ داده می‌شود. از آن‌جا که شریماد-بهاگاواتام مظهر صوتی متعال شخصیت پروردگار است، در نتیجه مظهر کامل دانش متعال و اصول دینی نیز محسوب می‌شود.

بدین‌سان، شرح‌های بهاکتی‌ودانتا بر فصل اول از جزء اول شریماد-بهاگاواتام تحت عنوان "پرسش‌های حکیمان"، پایان می‌یابد.

فصل دوم

الوهیت و خدمت الهی

آیه ۱

vyāsa uvāca
iti sampraśna-samhṛṣṭo
viprāṇām raumaharṣaṇiḥ
pratipūjya vacas teṣām
pravaktum upacakrame

vyāsaḥ uvāca: ویاسا گفت؛ *iti*: بدین‌سان؛ *sampraśna*: پرسش‌های کامل؛ *samhṛṣṭaḥ*: کاملاً راضی؛ *viprāṇām*: مربوط به حکیمان آن‌جا؛ *raumaharṣaṇiḥ*: پسر روماهارشانا (*Romaharṣaṇa*)، به نام اوگراشراوا (*Ugraśravā*)؛ *pratipūjya*: پس از سپاسگزاری از آنها؛ *vacaḥ*: سخنان؛ *teṣām*: مال آنها؛ *pravaktum*: برای جواب دادن به آنها؛ *upacakrame*: مبادرت کرد.

ترجمه

شری ویاسا گفت: اوگراشراوا [سوتاگوسوامی]، پسر روماهارشانا، از برهمنانها، به سبب پرسش‌های عالی و بی‌نقصشان که وی را کاملاً خشنود کرده بود،

سپاس‌گزاری کرد و بدین سان درصدد پاسخ برآمد.

شرح

حکیمان نایمیشارانیا شش پرسش از سوتا گوسوامی کردند و او یک به یک به آنها پاسخ می‌دهد.

آیه ۲

sūta uvāca

*yam pravrajantam anuṣetaṁ apeta-kṛtyam
dvaipāyano viraha-kātara ājuhāva
putreti tan-mayatayā taravo 'bhinedus
tam sarva-bhūta-hṛdayam munim ānato 'smi*

sūtaḥ: سوتا گوسوامی؛ *uvāca*: گفت؛ *yam*: که او؛ *pravrajantam*: هنگامی که برای پذیرش مرحله‌ی انقطاع از زندگی خارج می‌شد؛ *anuṣetaṁ*: بدون تهذیب به‌وسیله‌ی نخ مقدس؛ *apeta*: بدون گذراندن مراسم؛ *kṛtyam*: وظایف تجویز شده؛ *dvaipāyanaḥ*: ویاسادوا؛ *viraha*: جدایی؛ *kātaraḥ*: از روی ترس؛ *ājuhāva*: با تعجب گفت؛ *putra iti*: ای پسر؛ *tat-mayatayā*: بدین سان مجذوب شده؛ *taravaḥ*: تمام درختان؛ *abhineduḥ*: پاسخ دادند؛ *tam*: به او؛ *sarva*: همه؛ *bhūta*: موجودات زنده؛ *hṛdayam*: قلب؛ *munim*: حکیم؛ *ānataḥ asmi*: سجده‌ها و احترامات را تقدیم می‌کنم.

ترجمه

شریلا سوتا گوسوامی گفت: بگذارید سجده‌های محترمانه‌ی خود را به آن حکیم بزرگ [شوکا‌دوا گوسوامی] که قادر است به قلب همگان وارد شود تقدیم کنم. هنگامی که او بدون پاک‌سازی از طریق نخ مقدس و به‌جا آوردن مراسمی که مختص طبقات بالاتر است، خانه را برای پذیرش مرحله‌ی انقطاع زندگی ترک گفت، پدرش، ویاسادوا که از جدایی او بیمناک بود فریاد برآورد: «پسرم!» ولی، به راستی که فقط، درختان مجذوب در همان احساس جدایی، صدای پدر شکسته‌دل را منعکس کردند.

شرح

پیروان نظام وارنا و آشرما ملزمند وظایف تنظیم‌کننده‌ی بسیاری را که این نظام تجویز می‌کند رعایت کنند. بدین ترتیب، شخصی که خواهان مطالعه‌ی وداهاست باید به یک پیر روحانی معتبر و موثق مراجعه و از او درخواست کند تا به عنوان شاگردش پذیرفته گردد. نخ مقدس نشانه‌ی آن کسانی است که شایسته‌ی مطالعه‌ی وداها نزد آچاربا، یا پیر روحانی حقیقی‌اند. اما شری شوکادوا گوسوامی احتیاج به چنین مراسم پاک‌سازی نداشت، زیرا او از همان آغاز تولد روحی ره‌اشده بود. برای انسان متولد شده در شرایط عادی، انجام روش پاک‌سازی از طریق دریافت ریسمان مقدس، به مثابه‌ی تولد دوم یا تولد روحانی است. زمانی که وی روشنایی جدیدی می‌بیند و جوای هدایت به منظور پیشرفت روحانی می‌گردد، برای آموزش وداها به پیر روحانی مراجعه می‌کند. پیر روحانی فقط طالب صادق را به عنوان شاگرد خود می‌پذیرد و به او نخ مقدس می‌دهد. به این ترتیب، شخص «دوبار زاده‌شده» یا یک دویجا (*dvija*) می‌شود. شخص پس از دریافت شایستگی به عنوان یک دویجا می‌تواند وداها را مطالعه کند و پس از خیره شدن در وداها وپیرا (*vipra*) شود. در نتیجه وپیرا، یا برهمنای (*brāhmaṇa*) باصلاحیت، مطلق را درک می‌کند و پیشرفت بیشتری در زندگی روحانی کسب می‌نماید تا به مرحله‌ی وایشناوا برسد. مرحله‌ی وایشناوا، مرحله‌ی برهمنای دانش‌آموخته‌ی محسوب می‌شود. برهمنای خواهان پیشرفت باید الزاماً وایشناوا شود، زیرا وایشناوا چیزی نیست جز برهمنای حکیم خودشناخته. شریلا شوکادوا گوسوامی از همان آغاز وایشناوا بود؛ بنابراین، نیازی به رعایت روش‌های نظام وارناشرما نداشت. هدف نهایی وارناشرما-دهارما تبدیل انسان خام و عادی به عابد پاک و خالص خدا یا وایشناواست. بنابراین، چنانچه اوتاما-آدهیکاری (*uttama-adhikārī*) یا وایشناوای درجه یک، فردی را به عنوان وایشناوا بشناسد و بپذیرد باید بلافاصله، قطع نظر از تولد یا اعمال گذشته‌ی او وی را برهمنای نیز محسوب کرد. شری چیتانیا ماهاپرابهو با پذیرش این اصل شریلا هاری داسا تهاکورا را به عنوان آچاربای نام مقدس شناخت، هر چند وی در یک خانواده‌ی مسلمان زاده شده بود. در نتیجه، چون شریلا شوکادوا گوسوامی وایشناوا زاده شده بود، خودبه‌خود دارای تمام ویژگی‌های برهمنایی نیز بود و اجباری به مراعات تشریفات مذهبی نداشت. علاوه بر این، هر شخص با تولد فرورمته‌ای -چه یک کیراتا (*Kirāta*) باشد چه هونا (*Hūṇa*)، آندھرا (*Āndhra*)، پولیندا (*Pulinda*)، پولکاشا (*Pulkaśa*)، آبهیرا (*Ābhīra*)، شومبها (*Śumbha*)، یاوانا (*Yavana*)، کهاسا (*Khasa*) و یا حتی پایین‌تر از

آنها- می‌تواند از طریق لطف و ایشناواها به بالاترین موقعیت روحانی دست یابد. شریلا سوتا گوسوامی قبل از آغاز پاسخ‌گویی به پرسش‌های حکیمان در نایمیشارانیا، سجده‌های محترمانه‌اش را به پیر روحانی خود یعنی شریلا شودکادوا گوسوامی تقدیم می‌کند.

آیه ۳

*yaḥ svānubhāvam akhila-śruti-sāram ekam
adhyātma-dīpam atititīrṣatām tamo 'ndham
saṁsāriṇām karuṇayāha purāṇa-guhyam
tam vyāsa-sūnum upayāmi gurum muninām*

yaḥ: کسی که؛ *sva-anubhāvam*: خود جذب کرده (مجرّب)؛ *akhila*: تمام؛ *śruti*: وداها؛ *sāram*: عصاره؛ *ekam*: یگانه؛ *adhyātma*: متعال؛ *dīpam*: مشعل؛ *atititīrṣatām*: خواهان فائق آمدن؛ *tamaḥ andham*: ظلمات موجودیت مادی؛ *saṁsāriṇām*: مربوط به انسان‌های مادی؛ *karuṇayā*: ناشی از لطف بی‌دلیل و بی‌سبب؛ *āha*: گفت؛ *purāṇa*: مکمل وداها؛ *guhyam*: بسیار محرمانه؛ *tam*: به او؛ *vyāsa-sūnum*: پسر ویاسادوا؛ *upayāmi*: اجازه دهید سجده‌هایم را تقدیم نمایم؛ *gurum*: پیر روحانی؛ *muninām*: مربوط به حکیمان بزرگ.

ترجمه

اجازه دهید سجده‌های محترمانه‌ی خود را به او [شوکا] که پیر روحانی تمامی حکیمان و پسر ویاسادوا است تقدیم کنم، او که این محرمانه‌ترین مکمل عصاره‌ی دانش ودایی را پس از آنکه خویشتن از طریق تجربه جذب کرد، از سر رحم و شفقت بی‌انتهای خود برای مادی‌گرایان ادا نمود؛ مادی‌گرایان شدیدی که برای نجات خود از ظلمات عمیق موجودیت مادی تلاش می‌کنند.

شرح

شریلا سوتا گوسوامی در واقع تمام مقدمه‌ی شریماد- بهاگاواتام را در این دعا خلاصه می‌کند. شریماد- بهاگاواتام تفسیر اصلی و مکمل ودانتا- سوتراها است. ویاسادوا ودانتا- سوتراها یا

برهما- سوتراها را صرفاً به منظور ارائه‌ی چکیده‌ی دانش ودایی گردآوری کرد و شیرماد-بهاگواتام تفسیر حقیقی این چکیده است. از آن‌جا که شیرلا شوکادوا گوسوامی استاد ودانتا-سوترا بود، تفسیر آن - یعنی شیرماد-بهاگواتام- را نیز به‌خوبی می‌دانست و شخصاً به ادراک آن رسیده بود؛ و فقط به منظور نشان دادن لطف و رحمت بی‌کرانش به مادی‌گرایان سرگردانی که خواهان رهایی کامل از جهل و غفلت هستند، این دانش محرمانه را برای نخستین بار ارائه کرد.

جای هیچ‌گونه بحثی نیست که شخص مادی نمی‌تواند به خوشبختی و شادی دست یابد. هیچ مخلوق مادی -چه برهمای بزرگ باشد چه مورچه‌ی ناچیز- نمی‌تواند شاد و خوشبخت باشد. همه سعی می‌کنند به منظور یافتن شادی و خوشبختی دائم نقشه‌ای بکشند و طرحی بریزند؛ ولی قوانین طبیعت مادی تمام تلاش‌هایشان را با شکست مواجه می‌کند. بدین سبب جهان مادی، تاریک‌ترین وادی آفرینش خداوند خوانده می‌شود. با وجود این، مادی‌گرایان ناشاد و بدبخت، چنانچه صرفاً خواسته‌ی رهایی داشته باشند، می‌توانند از آن خلاصی یابند. متأسفانه آنها چنان ابله‌اند که نمی‌خواهند گریزی بیابند. بنابراین آنها به شتر تشبیه می‌شوند که از خوردن خار لذت می‌برد زیرا این حیوان از طعم ترکیب‌شده‌ی خار با خون خوشش می‌آید. او متوجه نیست که خار زبانش را مجروح کرده و مشغول خوردن خون خویشتن است. مشابهاً، برای شخص مادی‌گرا، خون وی به شیرینی عسل است و هر چند همواره از ساخته‌های مادی خویش به ستوه می‌آید، ولی آرزوی گریختن ندارد. چنین مادی‌گرایانی کار می‌خوانده می‌شوند. در میان صدها هزار کارمی، فقط تعداد اندکی ممکن است از اشتغال مادی خسته شوند و آرزوی خلاصی از این مخمصه را پیدا کنند. چنین اشخاص خردمندی گیانی خوانده می‌شوند. ودانتا-سوترا برای چنین گیانی‌هایی منظور شده است. اما شیرلا ویاسادوا، چون ظهور خداوند متعال است قادر به پیش‌بینی این بود که اشخاص ناصالح از ودانتا-سوترا سوءاستفاده کنند؛ بنابراین شخصاً بهاگواتا پورانا یا شیرماد-بهاگواتام را به آن ضمیمه کرد. به وضوح گفته شده است که این بهاگواتام تفسیر اصلی بر برهما-سوتراها است که شیرلا ویاسادوا آن را به پسر خویش، شیرلا شوکادوا گوسوامی که از قبل به مرحله‌ی رهایی دست یافته بود، آموزش داد. شیرلا شوکادوا شخصاً به ادراک آن دست یافت تا به نوبه‌ی خود بعداً آن را توضیح و آموزش دهد و به واسطه‌ی لطف و رحمت او است که بهاگواتا-ودانتا-سوترا در دسترس تمام ارواح صادقی که بخواهند از موجودیت مادی خارج شوند، قرار گرفت.

شیرماد-بهاگواتام تفسیری منحصر به فرد بر ودانتا-سوترا است. شریپادا شانکاراچاریا

(Śrīpāda Śaṅkarācārya) عمداً به آن نپرداخت زیرا به خوبی می‌دانست که تسلط بر این تفسیر اصلی برای او کار دشواری خواهد بود. وی به نگارش شاریراکا-بهاشیای (-Sārīraka bhāṣya) خود پرداخت و مدعیان پیروی از او، با تقبیح و محکوم کردن بهاگواتام آن را ارائه‌ی «جدیدی» [از ودانتا- سوترا] دانستند. ولی نباید با چنین تبلیغات سوئی که مکتب مایاوادا علیه بهاگواتام انجام می‌دهد، گمراه شد. از طریق اشلوکای مقدماتی، شاگرد مبتدی باید پی ببرد که شریماد- بهاگواتام تنها متن روحانی است که برای پاراماهامساها (paramahamsas) یعنی کسانی که کاملاً از بیماری مادی عناد رها شده‌اند، منظور شده است. مایاوادی‌ها، به رغم اقرار شریپاد شانکاراچاریا به اینکه نارایانا - شخصیت پروردگار- ورای آفرینش مادی است، به شخصیت خداوند حسادت می‌ورزند و بدین سبب نمی‌توانند به بهاگواتام دسترسی یابند. اما کسانی که واقعاً مشتاق خروج از این موجودیت مادی‌اند می‌توانند به بهاگواتام پناه ببرند، زیرا روحی رهاشده همچون شریلا شوکادوا گواسوامی آن را بیان نموده است. شریماد- بهاگواتام آن مشعل فروزان متعالی است که به وسیله‌ی آن شخص می‌تواند به شناخت حقیقت مطلق متعال که به صورت برهمن (Brahman)، پاراماتما (Paramātmā) و بهاگوان (Bhagavān) درک گردیده است نائل آید.

آیه ۴

nārāyaṇam namaskṛtya
naram caiva narottamam
devīm sarasvatīm vyāsam
tato jayam udīrayet

nārāyaṇam: شخصیت پروردگار؛ namaḥ-kṛtya: پس از تقدیم سجده‌های محترمانه؛ naram ca eva: و نارایانا ریشی؛ nara-uttamam: والاترین موجود انسانی؛ devīm: الهه؛ sarasvatīm: ارباب دانش؛ vyāsam: ویاسادوا؛ tataḥ: از آن پس؛ jayam: تمامی آنچه برای پیروزی منظور شده است؛ udīrayet: اعلام شود.

ترجمه

قبل از تلاوت این شریماد- بهاگواتام، که همانا وسیله‌ی پیروزی است، باید

سجده‌های محترمانه‌ی خود را به نارایانا، شخصیت پروردگار، به نارا- نارایانا ریشی، والاترین انسان‌ها، به مادر ساراسواتی، الهه‌ی دانش و به شریلا ویاسادوا، مؤلف این اثر، تقدیم کرد.

شرح

تمام متون مقدس ودایی از جمله پوراناها ابزارهایی برای پیروزی بر ظلمات موجودیت مادی هستند. موجود زنده به علت اینکه از زمان‌های بسیار دور شدیداً جذب ارضای حواس مادی شده، رابطه‌ی خود با خداوند را به دست فراموشی سپرده است. تلاش وی برای بقا در دنیای مادی همیشگی است و خروج از آن با هر طرح و نقشه‌ای غیرممکن خواهد بود. اگر واقعاً بخواهد بر این تلاش دائمی و مبارزه‌ی ابدی فائق آید، باید رابطه‌ی جاودانش با خداوند را دوباره برقرار کند. و کسی که در نظر داشته باشد چنین درمانی را بپذیرد، باید به متون مقدسی همچون وداها و پوراناها پناه ببرد. اشخاص نادان منکر رابطه‌ی پوراناها با وداها هستند، درحالی‌که باید بدانیم پوراناها شرح‌هایی الحاقی بر وداهاست که برای دسته‌های مختلف انسان‌ها نقل شده است. همه‌ی انسان‌ها در یک سطح واقع نشده‌اند. برخی از آنان تحت تسلط گونه‌ی نیکی، برخی تحت نفوذ گونه‌ی شهوت و برخی دیگر تحت نفوذ گونه‌ی چهل‌اند. پوراناها به نحوی تقسیم شده‌اند که هر طبقه‌ای از انسان‌ها بتواند از آنها بهره‌مند شود و به تدریج جایگاه گمشده‌ی خود را باز یابد و از این تقلای دشوار برای بقا رهایی یابد. شریلا سوتا گوسوامی راه ذکر کردن پوراناها را نشان می‌دهد و اشخاصی که مایل هستند واعظان متون ودایی و پوراناها شوند می‌توانند از آن پیروی کنند. شریماد-بهاگواتام پورانای بی‌نقص و خالص است. این اثر مختص کسانی است که بخواهند به طور ابدی از اسارت مادی رها شوند.

آیه ۵

*munayaḥ sādhu pṛṣṭo 'haṁ
bhavadbhir loka-maṅgalaṁ
yat kṛtaḥ kṛṣṇa-sampraśno
yenaṭmā suprasīdati*

munayaḥ: ای حکیمان؛ *sādhu*: این مربوط و مناسب است؛ *pṛṣṭaḥ*: سؤال شده؛ *ahaṁ*:

خودم؛ *bhavadbhiḥ*: از طریق همه‌ی شما؛ *loka*: جهان؛ *maṅgalam*: رفاه و سلامت؛ *yat*: چون؛ *kṛtāḥ*: انجام شده؛ *kr̥ṣṇa*: شخصیت پروردگار؛ *sampraśnaḥ*: پرسش مربوط و بجا؛ *yena*: از طریق آن؛ *ātma*: ذات؛ *suprasīdati*: کاملاً راضی شده.

ترجمه

ای حکیمان، شما به درستی از من پرسش کردید و ارزش سؤال‌های شما در این است که به شری کریشنا مربوط می‌شود و در نتیجه خیر و سعادت جهان را در بر دارد. فقط این‌گونه پرسش‌ها قادرند رضایت کامل ذات را فراهم آورند.

شرح

همان‌گونه که پیش از این اظهار شده بود، مطالعه‌ی بهاگواتام شناخت حقیقت مطلق را میسر می‌کند. پس پرسش‌های حکیمان نیمیشارانیا مناسب و کاملاً بجا هستند، زیرا به کریشنا، شخصیت‌اعلای پروردگار و حقیقت مطلق، مربوط می‌شود. شخصیت پروردگار در بهاگاواد-گیتا (۱۵/۱۵) می‌فرماید که در تمام وداها چیزی جز اشتیاق یافتن خداوند کریشنا وجود ندارد. در نتیجه پرسش‌های مربوط به کریشنا جوهر و چکیده‌ی تمام جستجوهای ودایی است. تمام جهان مملو از پرسش و پاسخ است. پرندگان، جانوران و انسان‌ها همگی مشغول سؤال و جواب‌های دائمی‌اند. صبح‌گاه پرندگان در لانه‌ی خود به پرسش و پاسخ مشغولند و شام‌گاه نیز همان پرندگان باز می‌گردند و به پرسش و پاسخ می‌پردازند. انسان فقط زمانی که در خواب عمیق شبانه است گرفتار پرسش و پاسخ نیست. تاجران و کاسب‌کاران در بازار به پرسش و پاسخ مشغولند و همچنین وکلا در دادگاه و دانش‌آموزان و دانشجویان در مدارس و دانشگاه‌ها، قانون‌گذاران در مجلس و همین‌طور سیاستمداران و نمایندگان خبرگزاری‌ها، همگی به پرسش و پاسخ مشغولند. هر چند آنها در تمام طول زندگی خود به انجام چنین کاری مشغولند، ولی این پاسخ و پرسش‌ها به هیچ‌وجه نمی‌تواند آنها را راضی کند، زیرا رضایت روح فقط با پرسش و پاسخ درباره‌ی خداوند می‌تواند حاصل شود.

کریشنا نزدیک‌ترین ارباب، دوست، پدر، فرزند و موضوع عشق نکاحی است. ما با فراموش کردن کریشنا، موضوعات بسیار زیادی برای پرسش و پاسخ ایجاد کرده‌ایم که هیچ‌یک از آنها قادر به راضی کردن کامل ما نیستند. هر چیزی - به جز کریشنا - فقط رضایت موقتی ایجاد می‌کند و چنانچه ما در طلب رضایت کامل باشیم، باید به پرسش و پاسخ درباره‌ی کریشنا بپردازیم.

لحظه‌ای از زندگی، بدون اینکه در معرض پرسش و پاسخ واقع شویم نمی‌گذرد. چون شریماد-بهاگواتام از یک سلسله پرسش و پاسخ مربوط به کریشنا تشکیل می‌شود، ما می‌توانیم صرفاً با خواندن و شنیدن این متن روحانی، بالاترین رضایت را کسب کنیم. شخص باید شریماد-بهاگواتام را بیاموزد و راه‌حلی کلی و همه‌جانبه برای تمام مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی و مذهبی خود پیدا کند. شریماد-بهاگواتام و کریشنا مجموع همه چیزند.

آیه ۶

*sa vai pumsām paro dharmo
yato bhaktir adhokṣaje
ahaituky apratihatā
yayātmā suprasīdati*

saḥ: آن؛ *vai*: قطعاً، حتماً؛ *pumsām*: برای بشریت؛ *paraḥ*: اعلیٰ؛ *dharmah*: اشتغال؛ *yataḥ*: که از طریق آن؛ *bhaktiḥ*: خدمت عابدانه؛ *adhokṣaje*: به خداوند متعال غیرقابل درک با حواس مادی؛ *ahaitukī*: بی‌دلیل، بدون انگیزه؛ *apratihatā*: نشکسته، لاینقطع؛ *yayā*: که از طریق آن؛ *ātma*: ذات؛ *suprasīdati*: کاملاً راضی.

ترجمه

اشتغال [یا دهارمای] اعلیٰ برای تمام بشریت آن است که او را به سوی خدمت عابدانه‌ی عاشقانه به خداوند متعال هدایت کند. و این خدمت عابدانه برای آنکه بتواند ذات را راضی سازد باید مداوم و بدون انگیزه باشد.

شرح

با این عبارت، شری سوتاگوسوامی به نخستین پرسش حکیمان نایمیشارانیا پاسخ می‌دهد. حکیمان از او درخواست کردند که جمیع کتب مقدس نازل شده را خلاصه و اساسی‌ترین بخش آنها را ارائه کند تا اشخاص فروافتاده یا عموم مردم بتوانند به آسانی به آن دست یابند. وداها دو نوع نحوه‌ی عمل یا اشتغال برای انسان مقرر می‌کنند: یکی پراوریتی-مارگا (*pravṛtti*) که راه فروتر است و به لذت حواس می‌پردازد و دیگری نیوریتی-مارگا (*nivṛtti*)

(*mārga*) که راه برتر است و به انقطاع می‌پردازد و راه قربانی برای هدف اعلی است. زندگی مادی وضعیتی بیمارگونه برای موجودات زنده است، زیرا وی برای زندگی روحانی و حقیقی ساخته شده است که به آن برهما- بهوتا (*brahma-bhūta*) می‌گویند [ر.ک به: ش.ب. ۲۰/۳۰/۴] و سرشار از ابدیت، شرف و دانش است. موجودیت مادی موقتی، توهمی و مملو از رنج است و هیچ‌گونه شادی و خوشبختی در آن یافت نمی‌شود و فقط در آن به تلاش عبث برای رهایی از رنج برمی‌خوریم و قطع موقتی رنج به طور کاذب، خوشبختی خوانده می‌شود. پس، راه لذت مادی تدریجی، که موقتی، رنج‌بار و توهمی است، فروتر محسوب می‌شود، درحالی‌که راه خدمت عابدانه به خداوند متعال که انسان را به زندگی جاودان، پرشرف و مملو از آگاهی سوق می‌دهد اشتغال اعلی به حساب می‌آید. گاهی اوقات این اشتغال اعلی به علت ترکیب شدن با عوامل مادی آلوده می‌شود و در آن اختلال ایجاد می‌گردد. برای مثال، چنانچه خدمت عابدانه را به منظور کسب دستاورد مادی بپذیریم، قطعاً مانعی در راه پیشرفت تدریجی انقطاع به وجود آورده‌ایم. انقطاع به منظور رسیدن به نفع غایی قطعاً اشتغال بهتری است تا لذت بردن در موقعیت بیمارگونه‌ی زندگی. چنین لذتی فقط بیماری را تشدید می‌کند و مدت آن را افزایش می‌دهد. بنابراین خدمت عابدانه به خداوند باید از کیفیتی پاک و خالص برخوردار باشد، یعنی بدون وجود کمترین خواسته برای لذت مادی. بنابراین، انسان باید اشتغال برتر را به صورت خدمت عابدانه‌ی خداوند- بدون کمترین اثری از خواسته‌ی غیرضروری، عمل ثمربخش و غور و پندار فلسفی- اختیار کند. این تنها می‌تواند شخص را به آرامش دائمی در خدمت خداوند هدایت کند.

ما عمداً واژه‌ی دهارما را به عنوان اشتغال معنی کرده‌ایم، زیرا ریشه‌ی لغوی آن به مفهوم «آن چیزی که موجودیت انسان را حفظ می‌کند» است. بقای موجود زنده از طریق هماهنگی اعمالش با رابطه‌ی جاودان او با خداوند متعال کریشنا به‌دست می‌آید. کریشنا محور اصلی و نقطه‌ی اتکای همه‌ی موجودات زنده است؛ او در میان تمامی موجودات زنده یا اشکال جاودان، جذاب کل است. در دنیای روحانی، تمام موجودات زنده از شکلی جاودان برخوردارند و کریشنا جذابیت جاودان برای تمام آنهاست و موضوع شیفتگی ابدی آنها را تشکیل می‌دهد. کریشنا کلّ کامل است و هر چیز دیگری جزء و ذره‌ای از اوست و بین این دو رابطه‌ی خادم و مخدوم حکم‌فرماست که رابطه‌ی متعال و روحانی و کاملاً متفاوت با تجربیات ما در زندگی مادی می‌باشد. این رابطه‌ی خادم و مخدوم سازگارترین شکل صمیمیت و نزدیکی است و دلنشین‌ترین نوع رابطه را در سطح روحانی تشکیل می‌دهد که انسان با پیشرفت در خدمت عابدانه به درک

آن نائل خواهد شد. همه، حتی در مرحله‌ی مقید کنونی زندگی مادی، باید خویش را مشغول خدمت عاشقانه روحانی خداوند کنند و از طریق آن تدریجاً معنی حقیقی زندگی را درک نمایند و به رضایت کامل برسند.

آیه ۷

*vāsudeve bhagavati
bhakti-yogaḥ prayojitaḥ
janayaty āśu vairāgyam
jñānam ca yad ahaitukam*

vāsudeve: به کریشنا؛ *bhagavati*: به شخصیت خداوند؛ *bhakti-yogaḥ*: تماس خدمت عابدانه؛ *prayojitaḥ*: به کار برده شده؛ *janayati*: ایجاد می‌کند؛ *āśu*: خیلی زود؛ *vairāgyam*: انقطاع؛ *jñānam*: دانش؛ *ca*: و؛ *yat*: آنکه؛ *ahaitukam*: بی‌سبب، بدون انگیزه.

ترجمه

هر که با عشق و عبودیت به شخصیت خداوند، شری کریشنا خدمت کند، بی‌درنگ با لطف و رحمت بی‌سبب او، به دانش و انقطاع از جهان دست می‌یابد.

شرح

کسانی که خدمت حاکی از عشق و عبودیت به خداوند متعال شری کریشنا را امری احساسی در زمینه‌ی مادی تلقی می‌کنند، ممکن است چنین استدلال نمایند که در کتب مقدس، روش‌های دیگر معرفت روحانی همچون قربانی، صدقه، ریاضت، دانش، قدرت‌های خارق‌العاده و غیره توصیه شده است. بر اساس دیدگاه آنان، بهاکتی، یا خدمت عاشقانه و عابدانه به خداوند، برای کسانی منظور شده است که قادر به انجام فعالیت‌های سطح بالاتر نیستند؛ یعنی برای شودراها، وایشیا و طبقه‌ی کم‌خرد زنان. اما این امر حقیقت ندارد. آیین بهاکتی بالاترین در میان تمام اعمال روحانی است و بدین جهت، همزمان سهل و والاست. اعلی و والاست برای عابدان پاک و خالصی که برای برقراری رابطه با خداوند متعال جدی هستند و سهل است برای مبتدیانی که

فقط در آستانه‌ی خانه‌ی بهاکتی قرار دارند. ارتباط با شخصیت اعلا‌ی پروردگار شری کریشنا، علم بزرگی محسوب می‌شود و راه آن برای تمام موجودات زنده، شامل شودراها، وایشیاه، زنان و حتی کسانی که از شودراهای فرورمته، فروتر هستند، گشوده است، چه برسد به اشخاص ارتقا یافته‌ای چون برهماناهای شایسته و پادشاهان خودشناخته‌ی بزرگ. اعمال سطح بالای دیگر یعنی قربانی، صدقه، ریاضت و غیره همگی عوامل فرعی ذیل آیین خالص و علمی بهاکتی هستند.

اصل دانش و اصل انقطاع، دو عامل مهم در راه معرفت روحانی محسوب می‌شوند. کلّ روند روحانی به شناخت کامل هر چیز مادی و روحانی منجر می‌شود و نتایج چنین دانش کاملی این است که انسان از علایق مادی منقطع و به فعالیت‌های روحانی علاقه‌مند می‌شود. آن گونه که اشخاص جاهل تصور می‌کنند، انقطاع از مادیات به مفهوم سکون کامل و ترک فعالیت نیست. نایشکارما (Naiṣkarma) یعنی انجام ندادن اعمالی که نتایج خوب یا بد به بار می‌آورند. نفی عمل به معنای نفی عمل مثبت نیست. نفی عمل غیرلازم به معنای نفی عمل ضروری نیست. مشابهاً، انقطاع از اشکال مادی به معنای نفی اشکال مثبت نیست. آیین بهاکتی برای معرفت اشکال مثبت منظور شده است. وقتی شکل مثبت درک شود، اشکال منفی خودبه‌خود حذف خواهند شد. بنابراین با پیشرفت در آیین بهاکتی، با به‌کار بردن خدمت مثبت برای شکل مثبت، شخص به طور طبیعی از موارد فروتر منقطع و به موارد برتر دل‌بسته می‌شود. مشابهاً، آیین بهاکتی، چون برترین اشتغال برای موجود زنده محسوب می‌شود، او را به خروج از دایره‌ی لذت حواس مادی سوق می‌دهد. این نشانه‌ی عابد پاک و خاص است. عابد پاک و خالص نادان نیست، سرگرم نیروهای فروتر نمی‌شود و به ارزش‌های مادی وابسته نیست. دستیابی به این دانش فقط به سبب لطف و رحمت قادر متعال رخ می‌دهد نه از طریق استدلال خشک بی‌ثمر. چنین نتیجه‌گیری می‌کنیم که عابد پاک و خالص خداوند، تمامی صفات نیک، یعنی دانش، انقطاع و غیره را دارد، اما کسی که فقط صاحب دانش یا انقطاع است، نمی‌تواند الزاماً از اصول آیین بهاکتی نیز کاملاً مطلع باشد. بهاکتی اعلی‌ترین اشتغال برای انسان محسوب می‌شود.

آیه ۸

*dharmāḥ svanuṣṭhitāḥ pumsām
viṣvaksena-kathāsu yaḥ
notpādayed yadi ratim*

śrama eva hi kevalam

dharmah: اشتغال؛ *svanuṣṭhitaḥ*: انجام شده بر حسب جایگاه خود شخص؛ *pumsām*: مربوط به بشریت؛ *viśvaksena*: شخصیت پروردگار (بسط کامل)؛ *kathāsu*: در پیغام؛ *yah*: آنچه هست؛ *na*: نه (علامت نفی)؛ *utpādayet*: ایجاد می‌کند؛ *yadi*: اگر؛ *ratim*: جاذبه؛ *śramah*: کار و تلاش بی‌فایده؛ *eva*: فقط؛ *eva*: قطعاً؛ *kevalam*: کاملاً.

ترجمه

فعالیت‌های حرفه‌ای انجام شده طبق موقعیت هر فرد، چنانچه کشش برای پیام شخصیت پروردگار را در او برنیا نگیزد، تلاش و زحمت بیهوده‌ای بیش نیست.

شرح

اشتغال‌های گوناگونی برحسب ادراکات مختلف انسان از زندگی وجود دارد. برای مادی‌گرایان زمخت که نمی‌توانند چیزی ورای بدن مادی زمخت ببینند، چیزی ورای حواس وجود ندارد. بنابراین فعالیت‌های حرفه‌ای آنان به خودخواهی متمرکز و خودخواهی بسط یافته محدود می‌شود. خودخواهی متمرکز حول محور کالبد جسمانی شخصی دور می‌زند و این موضوع به طور کلی بین حیوانات فروتر دیده می‌شود. خودخواهی بسط یافته در جامعه‌ی انسانی متجلی می‌شود و حول محور خانواده، طبقه، جامعه، ملت و جهان، به منظور رفاه و آسایش زمخت جسمانی، متمرکز می‌گردد. فراتر از این مادی‌گرایان زمخت، پندارگرایان ذهنی هستند که در حال در جا زدن در فضاهای ذهنی‌اند و وظایف حرفه‌ای‌شان پرداختن به شعر و فلسفه یا اشاعه‌ی فرضیه‌ای خاص – نوعی ایسم – با همان هدف خودخواهی که به بدن و ذهن محدود می‌گردد را شامل می‌شود. اما ورای بدن و ذهن، روح خفته قرار دارد که فقدان آن از بدن، تمام دامنه‌ی خودخواهی جسمی و ذهنی را به طور کامل باطل می‌کند. متأسفانه، اشخاص کم‌خرد هیچ‌گونه اطلاعی از روح و نیازهایش ندارند و نمی‌دانند چگونه روح ورای حوزه‌ی بدن و ذهن قرار دارد و برتر از آنهاست؛ و به این علت است که آنان در انجام وظایف حرفه‌ای خود به رضایت دست نمی‌یابند. در اینجا مسئله‌ی رضایت ذات مطرح می‌شود. ذات ورای بدن زمخت و ذهن لطیف قرار دارد و اصل فعال نیرومند آن دو محسوب می‌گردد. بدون شناخت نیاز روح

خفته، شخص نمی‌تواند صرفاً با آنچه از بدن و ذهنی که فقط پوشش‌های بیرونی غیرضروری روح را تشکیل می‌دهند، شاد و خوشبخت شود. نیازهای روح باید برآورده شود. فقط با پاک کردن قفس پرنده، نمی‌توان پرنده را راضی و خشنود کرد. شخص باید واقعاً نیازهای خود پرنده را بشناسد.

نیاز روح این است که می‌خواهد از فضای محدود اسارت مادی خارج شود و خواسته‌اش را برای رهایی کامل تحقق بخشد. او می‌خواهد از دیوارهای پوشاننده‌ی جهان عظیم خارج شود و نور آزاد و روح را ببیند. این رهایی کامل هنگامی به دست می‌آید که او روح کامل، شخصیت پروردگار را ملاقات نماید. درون همه علاقه و محبتی خفته برای خداوند وجود دارد؛ موجودیت روحانی از طریق بدن زمخت و ذهن به شکل علاقه و محبت منحرف به ماده‌ی زمخت و لطیف متجلی شده است. بنابراین ما باید خود را سرگرم اشتغال‌هایی کنیم که آگاهی الهی‌مان را بیدار کند. این امر فقط از طریق گوش فرا دادن به اعمال الهی خداوند متعال و ذکر آنها امکان‌پذیر است و در این‌جا گفته شده است هر فعالیت حرفه‌ای که به شخص کمک نکند به دلبستگی برای شنیدن و ذکر کردن پیغام روحانی خداوند دست یابد، صرفاً اتلاف وقت محسوب می‌شود. این بدان دلیل است که وظایف حرفه‌ای دیگر (به هر ایسمی که تعلق داشته باشند) نمی‌توانند به روح رهایی بخشد. حتی اعمال رستگاری‌طلبان بی‌فایده و بیهوده تلقی می‌شود، زیرا آنان در رسیدن به سرچشمه و منشاء تمامی رهایی‌ها شکست می‌خورند. مادی‌گرایان زمخت می‌توانند عملاً ببینند که دستاورد مادی‌شان چه در این جهان و چه در جهان دیگر، فقط به زمان و فضا محدود شده است. حتی اگر او تا سرحدّ سوارگالوکا (Svargaloka) نیز برود، هیچ‌گونه مأمّن دائمی برای روح تشنه‌اش نخواهد یافت. روح مشتاق باید با روش علمی کامل خدمت عابدانه‌ی پاک راضی شود.

آیه ۹

*dharmasya hy āpavargyasya
nārtho 'rthāyopakalpate
nārthasya dharmaikāntasya
kāmo lābhāya hi smṛtaḥ*

dharmasya: اشتغال؛ *hi*: قطعاً، حتماً؛ *āpavargyasya*: رهایی نهایی؛ *na*: نه؛ *arthaḥ*:

هدف؛ *arthāya*: برای دستاورد مادی؛ *upakalpate*: منظور شده است برای؛ *na*: نه هم؛ *arthasya*: مربوط به دستاورد مادی؛ *dharma-eka-antasya*: برای کسی که به خدمت حرفه‌ای نهایی (اشتغال یا خدمت نهایی) مشغول شده است؛ *kāmaḥ*: ارضای حواس؛ *lābhāya*: دست‌یابی؛ *hi*: دقیقاً؛ *smṛtaḥ*: توصیف شده از طریق حکیمان بزرگ.

ترجمه

مراد از تمام اشتغالات حرفه‌ای قطعاً رهایی نهایی است. آنها هیچ‌گاه نباید به منظور دستاورد مادی انجام شوند. علاوه بر این، طبق اظهارات حکیمان، کسی که به خدمت حرفه‌ای نهایی مشغول شده است، هرگز نباید از دستاورد مادی برای توسعه و پرورش ارضای حواس استفاده کند.

شرح

پیش‌تر به این موضوع پرداختیم که خدمت عابدانه‌ی پاک و خالص به خداوند، خودبه‌خود دانش کامل و انقطاع از موجودیت مادی را به دنبال می‌آورد. اما بعضی‌ها تصور می‌کنند که تمام انواع اشتغالات، و نیز آنهایی که مربوط به دین هستند، منظوری جز دستاورد و منفعت مادی ندارند. تمایل کلی هر شخص عادی در هر جای جهان این است که در قبال وظیفه‌ی دینی یا هرگونه خدمت حرفه‌ای دیگر قدری منفعت مادی کسب کند. حتی متون مقدس ودایی، در ازای اجرای انواع مراسم مذهبی، به انسان وعده‌ی دستاورد مادی می‌دهند و اکثر مردم از طریق چنین تطمیعات یا برکات دینی جذب می‌شوند. چرا منفعت مادی چنین اشخاص به‌اصطلاح دین‌دار را اغوا می‌کند؟ زیرا سود و منفعت مادی می‌تواند شخص را قادر سازد تا خواسته‌ها و آرزوهایش را تحقق بخشد و رضایت حواس را جلب کند. این دایره‌ی اشتغالات حرفه‌ای، دین‌داری کاذب را در بر می‌گیرد که این نوع دین‌داری منفعت مادی را به دنبال دارد و منفعت مادی موجب تحقق خوسته‌ها و آرزوها می‌شود. ارضای حواس، مسیر کلی تمامی انواع انسان‌های پرمشغله است. اما در اظهارات حضرت سوتاگوسوامی، در اشلوکای حاضر، همان‌گونه که شریماد-بهاگواتام آن را تأیید می‌کند، این مطلب رد شده است.

شخص نباید خود را به هیچ نوع خدمت حرفه‌ای صرفاً برای دستاورد مادی مشغول سازد. همچنین دستاورد مادی نباید به منظور ارضای حواس به‌کار برده شود. آیه‌ی بعد به توصیف چگونگی به‌کار بردن دستاورد مادی می‌پردازد.

آیه ۱۰

kāmasya nendriya-prītir
lābho jīveta yāvatā
jīvasya tattva-jijñāsā
nārtho yaś ceha karmabhiḥ

kāmasya: مربوط به خواسته‌ها؛ *na*: نه؛ *indriya*: حواس؛ *prītiḥ*: رضایت؛ *lābhaḥ*: دستاورد، منفعت؛ *jīveta*: صیانت نفس؛ *yāvatā*: به آن اندازه که؛ *jīvasya*: مربوط به موجود زنده؛ *tattva*: حقیقت مطلق؛ *jijñāsā*: پرسش‌ها؛ *na*: نه؛ *arthah*: منظور، هدف؛ *yaḥ ca*: *iha*: هر چیز دیگر؛ *karmabhiḥ*: از طریق فعالیت‌های حرفه‌ای.

ترجمه

ما نباید در آرزوی زیستن برای ارضای حواس باشیم، بلکه باید زندگی سالم و مطابق با شکل انسانی‌ای را بگذرانیم که منظور از آن فقط جستجوی حقیقت مطلق است. هیچ چیز دیگری نباید هدف اعمال فرد باشد.

شرح

تمدن مادی کاملاً سرگشته، به اشتباه به سمت برآورده ساختن خواسته‌های کام‌جویانه کشیده شده است. در چنین تمدنی، در تمام ابعاد زندگی، هدف نهایی ارضای حواس است. در سیاست، خدمات اجتماعی، نوع‌دوستی، بشردوستی و در نهایت در دین یا حتی در طلب رستگاری، همان رنگ ارضای حواس به طرز فزاینده‌ای غالب است. در عرصه‌های سیاسی، رهبران با یکدیگر می‌جنگند تا ارضای حواس شخصی‌شان را تحقق بخشند. فقط در صورتی که رهبران کاذب وعده‌ی ارضای حواس دهند، رأی‌دهندگان به تحسین و تمجید آنان می‌پردازند. رأی‌دهندگان، به محض اینکه در کامجویی حواسشان خللی ایجاد شود و ناراضی شوند رهبران خود را از سیمتشان عزل می‌کنند؛ رهبران موجب یأس و سرخوردگی رأی‌دهندگان می‌شوند، زیرا نمی‌توانند حواس آنان را راضی کنند. همین موضوع در تمام عرصه‌های دیگر صدق می‌کند؛ هیچ‌کس درباره‌ی مسائل حقیقی زندگی جدی نیست. حتی طالبان رستگاری که درصددند با حقیقت مطلق یکی گردند، به منظور ارضای حواس است که مرتکب خودکشی روحانی می‌شوند. اما

بهاگواتام آموزش دهد که شخص نباید برای ارضای حواس زندگی کند و باید حواس را فقط تا آنجایی که برای صیانت نفس لازم است راضی کرد. چون بدن از حواس تشکیل شده است، آنها به مقدار معینی رضایت نیاز دارند، به همین علت دستورهایی برای ایجاد رضایت تنظیم شده‌ی حواس ارائه شده است. پس باید دانست که حواس برای لذت بی‌حد و حصر منظور نشده‌اند. برای مثال، ازدواج یا اتحاد مرد و زن برای فرزنددار شدن لازم است، ولی هدف این اتحاد لذت حواس نیست. در اثر فقدان جلوگیری از حاملگی داوطلبانه است که تبلیغ برای تنظیم خانواده ضروری می‌شود. اشخاص نادان نمی‌دانند به مجرد اینکه فرد به جستجوی حقیقت مطلق بپردازد تنظیم خانواده خودبه‌خود عملی می‌شود. جویندگان حقیقت مطلق هیچ‌گاه با اشتغالات غیرلازم ارضای حواس اغوا نمی‌شوند، زیرا همواره غرق پژوهش حقیقت هستند. بنابراین، در تمام ابعاد زندگی، هدف نهایی باید جستجوی حقیقت مطلق باشد. این نوع اشتغال شخص را شاد و خوشبخت می‌سازد، زیرا او کمتر به ارضای حواس، در انواع مختلف آن خواهد پرداخت. آیه‌ی بعد توضیح خواهد داد که این حقیقت مطلق چیست.

آیه ۱۱

*vadanti tat tattva-vidas
tattvam yaj jñānam advayam
brahmeti paramātmēti
bhagavān iti śabdyate*

vadanti: آنها می‌گویند؛ *tat*: آن؛ *tattva-vidas*: ارواح دانا؛ *tattvam*: حقیقت مطلق؛ *yaj*: که؛ *jñānam*: دانش؛ *advayam*: غیردوگانه؛ *brahma iti*: شناخته شده به عنوان برهمن؛ *paramātmēti*: شناخته شده به عنوان پاراماتما؛ *bhagavān iti*: شناخته شده به عنوان بهاگاوان؛ *śabdyate*: آن چنین به‌نظر رسید (چنین به‌گوش رسید).

ترجمه

عرفای دانایی که حقیقت مطلق را می‌شناسد، این ذات عاری از دوگانگی را برهمن، پاراماتما یا بهاگاوان می‌نامند.

شرح

حقیقت مطلق هم جوهر و هم هدف است و هیچ‌گونه تفاوت کیفی بین آنها وجود ندارد. بنابراین، برهمن، پاراماتا و بهاگاوآن از نظر کیفی یکی و یکسان هستند. دانش‌آموزان اوپانیشادها، حقیقت مطلق، آن ذات واحد را به صورت برهمن فاقد شخصیت، هیرانیاکاربهها (Hiraṇyagarbhas) یا یوگی‌ها به صورت پاراماتمای مکان‌پذیرفته (localized) (Paramātmā) و عابدان به صورت بهاگاوآن (Bhagavān) درک می‌کنند. به عبارت دیگر، بهاگاوآن، یا شخصیت خداوند، کلام غایی و وجه نهایی حقیقت مطلق است. پاراماتا مظهر جزئی شخصیت خداوند و برهمن فاقد هویت، تابش درخشان اوست، همان‌گونه که انوار خورشید از خداوندگار خورشید ساطع می‌شوند. شاگردان کم‌خرد هر یک از مکاتب فوق، گاهی اوقات به نفع ادراک خاص خودشان به بحث می‌نشینند، اما بینندگان کامل حقیقت مطلق به خوبی می‌دانند که سه وجه فوق از حقیقت مطلق واحد، منظره‌های گوناگون رؤیت شده از زوایای مختلف است.

همان‌گونه که در نخستین اشلوکای فصل اول بهاگاوآتام توضیح داده شد، حقیقت متعال، غنی بالذات، علیم و از توهم نسبیت آزاد است. در جهان نسبی، داننده با دانسته متفاوت است، اما در سطح حقیقت مطلق، داننده و دانسته یا عالم و معلوم یکی و یکسان می‌باشد. در جهان نسبی، داننده، روح زنده یا نیروی برتر است، در حالی که دانسته، ماده‌ی بی‌جان یا نیروی فروتر است. بنابراین، در این حوزه، دوگانگی نیروی برتر و فروتر وجود دارد، درحالی‌که در قلمروی مطلق، داننده و دانسته یا عالم و معلوم یکسان و هر دو از جنس نیروی برتر هستند. سه نوع نیرو از منبع نیروی متعال نشأت می‌گیرد. هیچ‌گونه تفاوتی بین نیروها وجود ندارد، اما نوعی تفاوت کیفی بین آنها مشاهده می‌شود. قلمرو مطلق و موجودات زنده از یک نیروی اعلی نشأت می‌گیرند و جهان مادی از نیروی سفلی. زمانی که موجود زنده در تماس با نیروی فروتر قرار می‌گیرد دچار این توهم می‌شود که به نیروی فروتر تعلق دارد؛ بنابراین ادراک نسبیت در دنیای مادی پدید می‌آید. اما در مطلق، چنین ادراکی از تفاوت بین داننده و دانسته وجود ندارد و بدین جهت همه چیز آن‌جا مطلق است.

آیه ۱۲

tac chraddadhānā munayo
jñāna-vairāgya-yuktayā
paśyantya ātmani cātmānam

bhaktiyā śruta-grhītayā

tat: آن؛ *śraddadhānāḥ*: جوینده‌ی راسخ؛ *munayaḥ*: حکیمان؛ *jñāna*: دانش؛ *vairāgya*: انقطاع، عدم دلبستگی؛ *yuktayā*: خوب مجهز شده با؛ *paśyanti*: می‌بینند؛ *ātmani*: درون خودش؛ *ca*: و؛ *ātmanam*: پاراماتا؛ *bhaktiyā*: در خدمت عابدانه و عاشقانه؛ *śruta*: وداها؛ *grhītayā*: خوب دریافت شده.

ترجمه

حکیم یا طالب جوینده‌ی جدی، مجهز به دانش و انقطاع، آن حقیقت مطلق را از طریق اعطای خدمت حاکی از عشق و عبودیت و بر اساس آنچه از ودانتا-شروتی شنیده است، درک می‌کند.

شرح

حقیقت مطلق به طور کامل از طریق روش خدمت حاکی از عشق و عبودیت به و آسودوا، یا شخصیت خداوند، که سیمای کامل حقیقت مطلق است، درک می‌شود. برهنه، تابش روحانی کالبد متعال او، و پاراماتا مظهر جزئی اوست. در نتیجه، ادراک حقیقت مطلق به صورت برهنه یا پاراماتا معرفت و ادراکی ناقص است. چهار نوع انسان وجود دارد: کارمی، گیانی، یوگی و عابد. کارمی‌ها مادی‌گرا، و سه نوع دیگر معنویت‌گرا هستند. عابدانی که به درک شخص اعلی و متعال دست یافته‌اند، معنویت‌گرایان درجه‌ی یک را تشکیل می‌دهند. معنویت‌گرایان درجه‌ی دو کسانی هستند که به طور ناقص بسط کامل شخص مطلق را درک کرده‌اند؛ و معنویت‌گرایان درجه‌ی سه کسانی که به سختی جایگاه اصلی روحانی شخص مطلق را درک کرده‌اند. همان‌گونه که در بهاکاواد-گیتا و متون مقدس ودایی دیگر گفته شده است، شخص متعال از طریق خدمت عابدانه و عاشقانه‌ای که با دانش کامل و عدم دلبستگی به معاشرت مادی همراه شده باشد، درک می‌شود. پیش‌تر گفته شد که دانش و انقطاع از معاشرت مادی، از خدمت عابدانه حاصل می‌شود. همان‌گونه که شناخت برهنه و پاراماتا، شناختی ناقص از حقیقت مطلق است، راه و روش شناخت برهنه و پاراماتا، یعنی راه‌های گیانا و یوگا نیز راه‌های ناقص شناخت حقیقت مطلق را تشکیل می‌دهند. خدمت عابدانه، که بر دانش کامل آمیخته با انقطاع از معاشرت مادی تکیه دارد و از طریق گوش فرا دادن به ودانتا-شروتی ثابت و استوار شده است،

یگانه راه کاملی است که طالب جستجوگر جدی از طریق آن می‌تواند حقیقت مطلب را درک کند. بنابراین، خدمت عابدانه برای طبقه‌ی کم‌خرد معنویت‌گرایان منظور نشده است. عابدان نیز به نوبه‌ی خود به سه دسته‌ی درجه یک، دو و سه تقسیم می‌شوند. عابدان درجه‌ی سه که عابدان مادی‌گرا خوانده می‌شوند، مبتدیان بی‌بهره از دانشی هستند که هنوز از آلودگی ناشی از سه گونه‌ی طبیعت مادی رها نشده‌اند، اما صرفاً با روش مقدماتی پرستش تمثال خداوند در معبد جذب شده‌اند. عابدان مادی بیشتر به منفعت مادی دلبسته‌اند تا منفعت روحانی. شخص باید هر چه زودتر پیشرفت کند و خود را از موقعیت خدمت عابدانه‌ی مادی به موقعیت خدمت عابدانه‌ی درجه‌ی دو ارتقا دهد که در این موقعیت می‌تواند به درک چهار موضوع اصلی در مسیر عبودیت، یعنی شخصیت خداوند، عبادانش، جاهلان و حسودان برسد. شخص باید حداقل خود را به مرحله‌ی عابد درجه‌ی دو ارتقا دهد و بدین‌سان شایسته‌ی شناخت حقیقت مطلق شود.

عابد درجه‌ی سه باید آموزش‌های راجع به خدمت عابدانه را از منابع معتبر و موثق بهاگواتا دریافت کند. منبع بهاگواتای اول، شخصیت استوار و پابرجای عابد و بهاگواتای دیگر، بهاگواتام یا پیام خداوند است. بنابراین عابد درجه‌ی سه باید آموزش‌های خدمت عابدانه را نزد شخص عابد بیاموزد. چنین عابدی کاسب‌کاری نیست که از طریق معامله‌ی بهاگواتام زندگی خود را بگذراند. او همچون سوتاگوسومی نماینده‌ی شوکادوا گوسومی است که آیین خدمت حاکمی از عشق و عبودیت را برای خیر همگان موعظه می‌کند. عابد مبتدی رغبت بسیار کمی برای شنیدن از مراجع معتبر و موثق دارد و به منظور ارضای حواس خویش، نمایشی از شنیدن از افرادی که کتاب مقدس بهاگواتام را وسیله‌ی امرار معاش خود کرده‌اند، می‌دهد. این نوع شنیدن و قرائت کلمات مقدس همه چیز را تباه می‌کند؛ در نتیجه شخص باید بسیار مراقب باشد که راه اشتباه را در پیش نگیرد. پیام‌های مقدس خداوند، همان‌گونه که در بهاگاواد-گیتا یا شریما-د-بهاگواتام مطرح شده است، بدون شک موضوعاتی متعال و روحانی‌اند. شخص باید از دریافت آنها از فردی حرفه‌ای (کاسب‌کار) خودداری کند، زیرا چنین فردی درست همان‌گونه که مار شیر را صرفاً با لمس زبانش مسموم می‌سازد، آنها را تباه می‌کند.

بدین‌جهت، عابد صادق، چنانچه بخواهد پیشرفت کند، باید آمادگی شنیدن متون مقدس ودایی همچون اوپانیشاده‌ها، ودانتا و متون دیگری را که مراجع یا گوسومی‌های پیشین به جا گذارده‌اند، داشته باشد. بدون گوش فرا دادن به چنین متون مقدسی، شخص نمی‌تواند پیشرفت حقیقی نماید. خدمت عابدانه‌ی بدون شنیدن و به تبع آن بدون پیروی از آموزش‌ها، صرفاً نمایشی بی‌بهاست که در راه خدمت عابدانه‌ی حقیقی اغتشاش و آشفتگی به‌وجود می‌آورد. بنابراین،

مادامی که خدمت عابدانه بر اساس اصول شروتی (*śruti*)، اسمریتی (*smṛti*)، پورانا (*purāṇa*) یا پانچاراترا (*pañcarātra*) که منابع معتبر و موثق هستند ثابت و استوار نشده است، نمایش خدمت عابدانه باید بلافاصله کنار گذارده شود. عابد غیرمعتبر و غیرموثق نباید هیچ‌گاه به منزله‌ی عابد پاک و خالص به رسمیت شناخته شود. انسان با جذب چنین پیام‌هایی از متون مقدس ودایی، می‌تواند دائماً وجه موضوعی همه‌جاگسترده‌ی شخصیت پروردگار را درون ذات خویش ببیند. این حالت، سامادهی نامیده می‌شود.

آیه ۱۳

*ataḥ pumbhir dvija-śreṣṭhā
varṇāśrama-vibhāgaśaḥ
svanuṣṭhitasya dharmasya
samsiddhir hari-toṣaṇam*

ataḥ: پس؛ *pumbhiḥ*: از طریق موجود انسانی؛ *dvija-śreṣṭhāḥ*: ای بهترین در میان دوبار زاده‌شدگان؛ *varṇa-āśrama*: نظام چهار طبقه و چهار مرحله‌ی زندگی؛ *vibhāgaśaḥ*: از طریق تقسیم‌بندی؛ *svanuṣṭhitasya*: مربوط به وظایف تجویز شده‌ی خود شخص؛ *dharmasya*: حرفه‌ای؛ *samsiddhiḥ*: بالاترین کمال؛ *hari*: شخصیت خداوند؛ *toṣaṇam*: راضی کردن.

ترجمه

ای بهترین در میان دوبار زاده‌شدگان، چنین نتیجه‌گیری شده است که برترین کمالی که انسان می‌تواند با انجام وظایف تجویز شده در حرفه‌ی خاص خویش، بر اساس تقسیم‌بندی‌های طبقات و مراحل زندگی به‌دست آورد، راضی کردن شخصیت خداوند است.

شرح

جامعه‌ی انسانی در سراسر جهان به چهار طبقه‌ی اجتماعی و چهار مرحله‌ی زندگی تقسیم می‌شود. چهار طبقه‌ی اجتماعی عبارتند از: طبقه‌ی خردمندان، طبقه‌ی جنگجویان، طبقه‌ی

تولیدکنندگان و طبقه‌ی کارگران. این طبقات بر حسب عمل و صلاحیت شخص دسته‌بندی می‌شوند و نه بر حسب تولد و توارث. چهار مرحله‌ی زندگی از دوران شاگردی، دوران تأهل، دوران بازنشستگی و دوران عبودیت تشکیل می‌شود. مصلحت جامعه‌ی انسانی چنین تقسیم‌بندی‌هایی را ایجاب می‌کند، در غیر این صورت نظام اجتماعی به هیچ وجه نمی‌تواند در یک وضعیت سالم رشد کند. و در هر یک از تقسیم‌بندی‌های فوق‌الذکر زندگی، هدف باید راضی کردن مرجعیت‌اعلای شخصیت خداوند باشد. این عملکرد نهادی جامعه‌ی انسانی که روشی کاملاً طبیعی برای پیشرفت زندگی متمدنانه است، به نام نظام وارناشراما-دهارما (*varṇāśrama-dharma*) شناخته می‌شود. هدف از تأسیس نظام وارناشراما قادر ساختن انسان برای شناخت حقیقت مطلق است و نه سلطه‌ی مصنوعی طبقه‌ای بر طبقه‌ی دیگر. وقتی هدف زندگی یعنی شناخت حقیقت مطلق، به علت دلستگی شدید به ایندریا-پریتی (*indriya-prīti*)، یا ارضای حواس فراموش می‌شود، همان‌گونه که پیش از این بحث شد، اشخاص خودخواه از وارناشراما-دهارما برای اعمال حاکمیتی مصنوعی بر طبقه‌ی ضعیف‌تر استفاده می‌کنند. هم‌اکنون در کالی-یوگا، یا عصر ستیز و نفاق، این برتری‌جویی مصنوعی جاری است، اما بخش عاقل‌تر مردم این مطلب را به خوبی می‌دانند که تنها هدف تقسیم‌بندی‌های طبقات و مراحل زندگی، ایجاد روابط اجتماعی آرام و هماهنگ و خودشناسی مبتنی بر تفکر اعلی است و نه چیز دیگر.

بدین ترتیب، هدف زندگی یا برترین کمالی که می‌توان از طریق نظام وارناشراما-دهارما به آن دست یافت همکاری بین انسان‌ها برای جلب رضایت خداوند متعال است. این پیام آیه‌ی حاضر بهاگاواتام است که آیه‌ی سیزدهم فصل چهارم بهاگاواد-گیتا نیز آن را تأیید می‌کند.

آیه ۱۴

*tasmād ekena manasā
bhagavān sātvatām paṭiḥ
śrotavyaḥ kīrtitavyaś ca
dhyeyaḥ pūjyaś ca nityadā*

tasmād: بنابراین؛ *ekena*: از طریق یک نفر؛ *manasā*: توجه ذهن؛ *bhagavān*: شخصیت خداوند؛ *sātvatām*: مربوط به عابدان؛ *paṭiḥ*: حافظ؛ *śrotavyaḥ*: باید شنیده شود؛

kīrtitavyah: باید تجلیل شود؛ و *ca*: و؛ *dhyeyah*: باید به یاد آورده شود؛ *pūjyah*: باید پرستش شود؛ و *ca*: و؛ *nityadā*: دائماً.

ترجمه

بنابراین، انسان باید با توجهی متمرکز، دائماً درباره‌ی شخصیت خداوند، که حافظ عابدان خویش است، بشنود، او را تجلیل کند، به یاد آورد و پرستش نماید.

شرح

چنانچه شناخت حقیقت مطلق هدف نهایی زندگی را تشکیل دهد، باید از تمام راه‌ها و وسایل برای تحقق آن استفاده شود. اشتغالات عمومی انسان، در هر یک از طبقات و مراحل زندگی مورد اشاره، چهار فعالیت تجلیل، شنیدن، به یاد آوردن و پرستش کردن است. هیچ‌کس، بدون پرداختن به این چهار عمل که اساس فعالیت موجود زنده را تشکیل می‌دهد نمی‌تواند زندگی کند؛ به‌خصوص در جامعه‌ی مدرن که تمام فعالیت‌ها کم و بیش به شنیدن و تجلیل کردن وابسته است. هر شخصی، در هر جایگاه اجتماعی که باشد، چنانچه صرفاً روزنامه‌ها به راست یا به دروغ از او تجلیل کنند، می‌تواند در زمان کوتاهی مشهور شود. گاهی اوقات رهبران سیاسی حزبی مشخص نیز از طریق تبلیغات در روزنامه معرفی می‌شوند و با چنین روش تجلیل کردنی، بی‌درنگ شخصی بی‌اهمیت به شخصی مهم تبدیل می‌شود. اما چنین تبلیغی که اساسش بر تجلیل کاذب از شخصی فاقد صلاحیت نهاده شده است، نمی‌تواند هیچ‌گونه نیکی و پاکی، نه برای خود آن شخص و نه برای جامعه به ارمغان آورد. چنین تبلیغاتی می‌تواند ثمراتی موقت داشته باشند، ولی هیچ اثر پایداری از آنها بر جای نخواهد ماند. بنابراین چنین فعالیت‌هایی چیزی نیستند جز اتلاف وقت. موضوع حقیقی تجلیل، شخصیت اعلا‌ی خداوند است که خالق تمام تجلیاتی است که در برابر ما قرار دارند. ما درباره‌ی این حقیقت، پیش از این، یعنی از آغاز اشلوکای «جانمادی آسیا»ی این اثر به تفصیل بحث کرده‌ایم. تمایل برای تجلیل دیگران یا گوش فرا دادن به دیگران باید به موضوع و منظور حقیقی تجلیل یعنی خداوند متعال معطوف شود. و در آن صورت است که شادی و خوشبختی به ارمغان خواهد آورد.

*yad-anudhyāsīnā yuktāḥ
karma-granthi-nibandhanam
chindanti kovidās tasya
ko na kuryāt kathā-ratim*

yat: که؛ *anudhyā*: به یاد داشتن؛ *asinā*: شمشیر؛ *yuktāḥ*: مجهز شده به؛ *karma*: عمل بازتاب به بار آورنده؛ *granthi*: گره؛ *nibandhanam*: شبکه؛ *chindanti*: قطع می‌کند؛ *kovidāḥ*: خردمند؛ *tasya*: مال او، ش؛ *kah*: کسی که؛ *na*: نه، علامت نفی فعل؛ *kuryāt*: انجام خواهد داد؛ *kathā*: پیغام‌ها؛ *ratim*: توجه.

ترجمه

انسان خردمند با سلاح یاد خداوند، کلاف گره‌های اعمال ثمرجویانه [کارما] را قطع می‌نماید. بنابراین، چه کسی به پیام خداوند توجه نخواهد کرد؟

شرح

تماس جرقه‌ی روحانی با عناصر مادی، گره‌ای ایجاد می‌کند که چنانچه شخص خواهان رهایی از کُش و واکنش عمل ثمربخش باشد، باید قطع گردد. رهایی یعنی آزادی از دایره‌ی اعمالی که واکنش ایجاد می‌کنند. برای کسی که دائماً بازی‌های روحانی شخصیت خداوند را به یاد می‌آورد، این رهایی خودبه‌خود پدید می‌آید. این بدان دلیل است که تمام اعمال خداوند متعال (لیلاهای خداوند) فراتر از گونه‌های انرژی مادی است. این اعمال روحانی همگان را به خود جذب می‌کنند و بنابراین معاشرت دائم با اعمال روحانی خداوند متعال، به تدریج روح مقید را روحانی می‌کند و نهایتاً گره‌ی اسارت مادی را قطع می‌سازد.

بنابراین رهایی از اسارت مادی، محصول خدمت عابدانه است. دستیابی به دانش روحانی تضمینی برای رسیدن به رهایی نیست. چنین دانشی باید با خدمت عابدانه توأم شود، تا در نهایت خدمت عابدانه به تنهایی غالب گردد. و در آن صورت است که رهایی میسر می‌شود. حتی عمل ایجادکننده‌ی واکنش در فردی که جویای ثمر است چنانچه با خدمت عابدانه توأم شود، می‌تواند او را به رهایی برساند. کارمای توأم با خدمت عابدانه، کارما-یوگا خوانده می‌شود. مشابهاً، دانش تجربی توأم با خدمت عابدانه، گیانا-یوگا نامیده می‌شود. اما بهاکتی-یوگای خالص، مستقل از چنین کارما و گیانایی است زیرا به تنهایی می‌تواند نه فقط رهایی از زندگی

مقید را ارزانی کند که به شخص، خدمت عاشقانه‌ی روحانی خداوند را نیز اعطا نماید. بنابراین، هر شخص عاقلی که دانش او فراتر از سطح دانش و آگاهی عامه‌ی مردم باشد، باید دائماً شخصیت خداوند را از طریق شنیدن درباره‌ی او، از طریق تجلیل کردن او، به یاد آوردن و پرستش دائمی او، بدون وقفه به خاطر داشته باشد. این راه کامل خدمت عابدانه است. گوسوامی‌های ورینداوانا، که از نظر شری چیتانیا ماهاپرایهو استادانی معتبر و موثق در زمینه‌ی موعظه‌ی آئین بهاکتی بودند، با جدیت از این اصول پیروی کردند و برای خیر همگان متون بی‌شماری را در زمینه‌ی علوم روحانی نگاشتند. آنها بر اساس آموزش‌های شری‌ماد-بهاگواتام و متون مقدس معتبر و موثق مشابه دیگر، راه‌های قابل استفاده‌ی را برای تمام مردم، بر حسب طبقات مختلف آنان و نیز بر حسب مراحل گوناگون زندگی‌شان، ترسیم نمودند.

آیه ۱۶

*śuśrūṣoḥ śraddadhānasya
vāsudeva-kathā-ruciḥ
syān mahat-sevayā viprāḥ
puṇya-tīrtha-niṣevaṇāt*

śuśrūṣoḥ: کسی که مشغول شنیدن است؛ *śraddadhānasya*: با دقت و توجه؛ *vāsudeva*: در ارتباط با و آسودوا؛ *kathā*: پیغام؛ *ruciḥ*: کشش، دلبستگی؛ *syāt*: ممکن می‌شود؛ *mahat-sevayā*: با خدمت به عابدان و مریدان پاک و خالص؛ *viprāḥ*: ای دوبار زاده شده؛ *puṇya-tīrtha*: کسانی که از تمام گناهان پاک شده‌اند؛ *niṣevaṇāt*: با خدمت کردن.

ترجمه

ای حکیمان دوبار زاده شده، عمل فردی که خود را وقف خدمت به عابدان مبری از هرگونه گناه می‌کند، بسیار بالارزش است. با خدمت به آنها، وی علاقه به شنیدن پیام و آسودوا را در خود پرورش می‌دهد.

شرح

موجود زنده به علت تمرّد در برابر خداوند، گرفتار زندگی مقید می‌شود. کسانی که در برابر مرجعیت خداوند قد علم می‌کنند آسورا (*asuras*) یا دیو صفت خوانده می‌شوند و دیگران که موجوداتی الهی و خدانشناسند به دیوا (*deva*) معروف هستند. بهاگاواد-گیتا در فصل شانزدهم خود آسورا را به طرز واضحی توصیف می‌کند. آسورا، زندگی پس از زندگی، در اعماق چهل هرچه بیشتر فرو می‌رود و در نتیجه در اشکال حیوانی پست‌تر غرق می‌شود، اشکالی که در آنها نمی‌توان هیچ‌گونه اطلاعی از حقیقت مطلق، شخصیت خداوند به‌دست آورد. این آسوراها، به تدریج بر اثر مشیّت الهی و لطف خادمان رهایی‌یافته‌ی خداوند اصلاح می‌شوند و آگاهی به خداوند را کسب می‌کنند. این قبیل عابدان خداوند، معاشران بسیار محرمانه‌ی اویند و هنگامی که ظاهر می‌شوند تا جامعه‌ی انسانی را از خطرات بی‌خدایی نجات بخشند، به عنوان ظهورات قدرتمند خداوند، پسران خداوند، خادمان خداوند یا به عنوان معاشران خداوند شناخته می‌شوند. اما هیچ‌یک از آنان خود را به طور کاذب خدا قلمداد نمی‌کند. زیرا این ادعای خدا بودن، کفر و توهین به مقدسات محسوب می‌شود و فقط آسوراها مبادرت به چنین عملی می‌کنند و پیروان خدانشناسان نیز آنان را به عنوان خدا یا ظهور وی می‌پذیرند. اطلاعات دقیق و مشخصی از ظهورات خداوند در متون مقدس وجود دارد و هیچ‌کس نباید به عنوان خداوند یا ظهور او پذیرفته شود مگر کتب مقدس او را تأیید کرده باشند.

عابدانی که درصددند نزد خداوند باز گردند، باید به خادمان او به اندازه‌ی خود خداوند احترام بگذارند. این قبیل خادمان که ارشاد آنان بر اساس زمان و مکان معین صورت می‌گیرد، ماهاتما (*mahatma*)، یا تیرتها (*tirtha*) خوانده می‌شوند. آنان به مردم اصرار می‌کنند که عابد و مرید خداوند گردند. خادمان خداوند نمی‌توانند تحمل کنند که خدا خوانده شوند. شری چیتانیا ماهاپرابهو بر اساس اشارات متون مقدس، خود خداوند بود، اما نقش یک عابد را ایفا کرد. وقتی اشخاصی که می‌دانستند او خداست، وی را خدا خطاب می‌کردند، شری چیتانیا گوش‌هایش را با دست می‌گرفت و نام خداوند ویشنو را ذکر می‌کرد. او قویاً در برابر اینکه خدا خوانده شود اعتراض می‌کرد، هر چند بدون شک او خود خداوند بود. خداوند چنان رفتار می‌کند که ما را از نزدیک شدن به اشخاص ناصالحی که از قلمداد کردن خود به عنوان خداوند لذت می‌برند، برحذر کند.

خادمان خداوند می‌آیند تا خداآگاهی را اشاعه دهند و اشخاص خردمند باید از هر نظر با آنان همکاری کنند. با خدمت به خادم خداوند، شخص می‌تواند خداوند را بیشتر راضی و خشنود سازد تا خدمت مستقیم به خود او. خداوند به این علت از محترم شمردن خادمانش به طرز مناسب،

خشنود می‌شود زیرا آنان به خاطر خدمت خداوند همه چیز خود را به خطر می‌اندازند و در نتیجه برای او بسیار عزیزند. خداوند در بهاگاواد-گیتا (۶۹/۱۸) می‌فرماید هیچ‌کس برای او از کسی که همه چیز خود را برای اشاعه‌ی شکوه و عظمت وی به مخاطره می‌اندازد عزیزتر نیست. با خدمت به خادمان خداوند، شخص به تدریج صفات چنین خادمی را کسب می‌کند و در نتیجه شایستگی و صلاحیت شنیدن شکوه و عظمت خداوند را کسب می‌کند. اشتیاق برای شنیدن درباره‌ی خداوند، نخستین ویژگی عابد شایسته‌ی ورود به ملکوت خداوند است.

آیه ۱۷

*śṛṇvatām sva-kathāḥ kṛṣṇaḥ
puṇya-śravaṇa-kīrtanaḥ
hṛdy antaḥ stho hy abhadrāṇi
vidhunoti suhṛt satām*

śṛṇvatām: آن کسانی که کشش و اشتیاق پرورش داده‌اند برای شنیدن پیام؛ *sva-kathāḥ*: سخنان خود وی (خداوند)؛ *kṛṣṇaḥ*: شخصیت خداوند؛ *puṇya*: فضایل؛ *śravaṇa*: شنیدن؛ *kīrtanaḥ*: ذکر کردن؛ *hṛdy antaḥ sthaḥ*: درون قلب شخص؛ *hi*: قطعاً، حتماً؛ *abhadrāṇi*: خواسته برای لذت بردن از ماده؛ *vidhunoti*: پاک می‌کند؛ *suhṛt*: خیرخواه؛ *satām*: از شخص صادق.

ترجمه

شری کریشنا، شخصیت خداوند، که پارامتامی [روح متعال] درون قلب همگان و خیرخواه عابد صادق است، قلبی را که اشتیاق شنیدن پیام‌های او را در خود پرورش داده است، از خواسته برای لذت مادی پاک می‌کند؛ پیام‌هایی که چنانچه به طور صحیح منتقل و دریافت شوند، لبریز از فضیلت هستند.

شرح

پیام‌های شخصیت خداوند شری کریشنا تفاوتی با او ندارند. بنابراین هرگاه شنیدن در مورد خداوند و تجلیل کردن از او بدون اهانت صورت پذیرد، باید درک گردد که خداوند کریشنا در

آنجا به شکل صوت متعال، که به اندازه‌ی شخص خداوند قدرتمند است، حاضر شده است. شری چیتانیا ماهاپراپهو، در شیکشاشتاکای خود به‌وضوح اظهار می‌کند که نام مقدس خداوند تمام نیروهای او را در بر دارد و اینکه وی به نام‌های بی‌شمارش قدرتی یکسان اعطا کرده است. هیچ‌گونه قاعده‌ی سختی برای زمان ذکر این نام‌ها وجود ندارد و هرکس می‌تواند نام مقدس را هرطور که راحت است ذکر کند، به شرطی که این امر را با دقت و احترام انجام دهد. خداوند مهربان چنان با ما مهربان است که شخصاً در برابر ما به شکل صوت روحانی حاضر می‌شود، اما بدبختانه ما هیچ‌گونه میل و رغبتی برای شنیدن نام خداوند و شنیدن در مورد اعمال او و تجلیل از آنها نداریم. قبلاً توضیح داده‌ایم که چگونه می‌توان اشتیاق برای شنیدن و ذکر کردن صوت مقدس را در خود پرورش داد: این امر از طریق خدمت به عابد پاک و خالص خداوند امکان‌پذیر می‌شود.

خداوند متقابلاً پاسخ‌گوی عابدان خویش است، و هنگامی که مشاهده کند عابد برای پذیرفته شدن در خدمت روحانی او کاملاً صادق است و در نتیجه برای شنیدن درباره‌ی وی اشتیاق دارد، از درون عابد به طرز عمل می‌کند که او بتواند به آسانی نزد وی بازگردد. اشتیاق خداوند برای بازگرداندن ما به ملکوتش خیلی بیش از آن چیزی است که ما بتوانیم آرزو کنیم. اکثر ما اصلاً آرزو نمی‌کنیم نزد خداوند باز گردیم. تنها تعداد معدودی این آرزو را در دل می‌پروراند که نزد خداوند باز گردند و شری کریشنا آنها را در این امر از هر نظر یاری خواهد کرد.

ورود به ملکوت خداوند جز با پاک شدن از تمام گناهان میسر نیست. گناهان مادی محصول خواسته‌ی خدایی کردن بر طبیعت مادی است و خلاصی از چنین خواسته‌ای بسیار مشکل است. بدین ترتیب، زن و ثروت مادی موانع بزرگی برای پیشرفت عابد در راه بازگشت به خداوند محسوب می‌شوند. عابدان مصمم و ثابت‌قدم بسیاری در مسیر عشق و عبودیت، قربانی چنین دام‌هایی شده‌اند و در نتیجه از راه‌هایی عقب‌نشسته‌اند. اما وقتی خود خداوند شخصاً به کسی یاری کند، کل روند‌رهای با لطف و رحمت او بسیار آسان می‌شود.

جای تعجب نیست که انسان بر اثر تماس با زن و ثروت، آرامش خود را از دست بدهد، زیرا از زمان‌های بسیار دور و در عمل از زمان ازل، درگیر آنان بوده است و رهایی از آنها و بهبود این شرایط غیرطبیعی مستلزم زمان است. اما اگر شخص به شنیدن شکوه و عظمت خداوند مشغول شود، به‌تدریج جایگاه و موقعیت حقیقی خود را درک خواهد کرد. چنین عابدی با لطف و رحمت خداوند نیروی کافی می‌یابد تا از خود در برابر تحریکات یا اغتشاشات دفاع کند و به‌تدریج تمامی عوامل ایجادکننده‌ی تشویش از ذهنش زدوده شود.

آیه ۱۸

*naṣṭa-prāyeṣu abhadreṣu
nityam bhāgavata-sevayā
bhagavaty uttama-śloke
bhaktir bhavati naiṣṭhikī*

naṣṭa: نابود شده؛ *prāyeṣu*: تقریباً هیچ؛ *abhadreṣu*: تمامی آنچه ناخجسته و ناپاک است؛ *nityam*: به طور منظم و مرتب؛ *bhāgavata*: شریماद्-بهاگواتام، یا عابد پاک و خالص؛ *sevayā*: با خدمت کردن؛ *bhagavati*: به شخصیت خداوند؛ *uttama*: متعال و روحانی؛ *śloke*: دعاها و نیایش‌ها؛ *bhaktiḥ*: خدمت عاشقانه؛ *bhavati*: به وجود می‌آید؛ *naiṣṭhikī*: قطعی، برگشت‌ناپذیر.

ترجمه

با حضور منظم در کلاس‌های بهاگواتام و با اعطای خدمت به عابد پاک و خالص، تمامی آنچه برای قلب رنج‌آور و سخت است تقریباً به طور کامل نابود می‌شود و خدمت عاشقانه به شخصیت خداوند، که با سرودهای روحانی از او ستایش به عمل می‌آید، به عنوان حقیقتی قطعی، استوار و پابرجا می‌شود.

شرح

چاره‌ی زدودن تمامی ناپاکی‌های درون قلب که موانعی در راه خودشناسی هستند، معاشرت با بهاگواتاها است که به دو صورت کتاب بهاگواتا و عابد بهاگواتا یافت می‌شود. هر دو بهاگواتا، درمان‌های شایسته‌ای محسوب می‌شوند و هر کدام از آنها و یا هر دو با هم، به تنهایی برای برطرف کردن موانع کافی هستند. عابد بهاگواتا هم‌ارزش کتاب بهاگواتا است، زیرا وی زندگی خود را با هدایت گرفتن از این کتاب می‌گذراند؛ و کتاب بهاگواتا نیز مملو از اطلاعات درباره‌ی شخصیت خداوند و عابدان پاک و خالصش یا بهاگواتاها است. کتاب بهاگواتا و شخص بهاگواتا همانند یکدیگرند و با هم تفاوتی ندارند.

عابد بهاگواتا، نماینده‌ی مستقیم بهاگوان، شخصیت خداوند است و با راضی و خشنود ساختن او، می‌توان به منفعت حاصله از مطالعه‌ی کتاب بهاگواتا دست یافت. منطق انسانی از درک

اینکه چگونه شخص با خدمت به عابد بهاگواتا یا کتاب بهاگواتا، در راه عشق و عبودیت ارتقای تدریجی می‌یابد، عاجز است؛ اما اینها در واقع حقایقی هستند که شریلا نارادا دوا توضیح داده است. وی در زندگی قبلی خود فرزند زنی خدمتکار بود که به حکیمان خدمت می‌کرد و از این طریق، نارادامونی نیز در تماس با آنان قرار گرفت. این پسر پیشخدمت صرفاً با معاشرت با حکیمان و خوردن باقیمانده‌ی غذای آنان، فرصت یافت عابد بزرگ و معروفی همچون شریلانارادا دوا گردد. اینها تأثیرات معجزه‌آسای معاشرت با بهاگواتاها است و به منظور درک عملی این تأثیرات باید متذکر شد که شخص از طریق معاشرت صادقانه با بهاگواتاها، قطعاً دانش روحانی را به آسانی دریافت می‌کند که نتیجه‌ی این امر ثبات قدم و تمرکز در خدمت عابدانه‌ی خداوند است. هر قدر شخص، تحت هدایت بهاگواتاها در راه عبودیت بیشتر پیشرفت کند، بیشتر در خدمت عاشقانه‌ی روحانی خداوند ثابت و متمرکز می‌شود. بنابراین پیام‌های کتاب بهاگواتا باید از عابد بهاگواتا دریافت شود و ترکیب این دو بهاگواتا به عابد مبتدی کمک می‌کند تا بیشتر و بیشتر پیشرفت حاصل کند.

آیه ۱۹

*tadā rajas-tamo-bhāvāḥ
kāma-lobhādayaś ca ye
ceta etair anāviddham
sthitam sattve prasīdati*

tadā: در آن زمان؛ *rajaḥ*: در گونه‌ی شهوت؛ *tamaḥ*: گونه‌ی جهل؛ *bhāvāḥ*: موقعیت، وضعیت؛ *kāma*: شهوت و خواسته؛ *lobha*: حرص و طمع؛ *ādayaḥ*: دیگران؛ *ca*: و؛ *ye*: هرچه هستند؛ *cetaḥ*: ذهن؛ *etaiḥ*: از طریق اینها؛ *anāviddham*: بدون متأثر شدن؛ *sthitam*: ثابت و متمرکز شدن؛ *sattve*: در گونه‌ی نیکی؛ *prasīdati*: بدین‌سان کاملاً خشنود و راضی می‌شود.

ترجمه

به مجرد آنکه خدمت عاشقانه‌ی قطعی در قلب پابرجا شود، تأثیرات گونه‌ی شهوت و گونه‌ی جهل مانند خواسته‌ی جنسی و حرص و آز از آن زدوده

می‌گردد. سپس عابد در نیکی استوار می‌شود و به خوشبختی کامل دست می‌یابد.

شرح

جایگاه فطری طبیعی موجود زنده قرارگیری در شعف روحانی و کاملاً راضی بودن از آن است. این مرحله از موجود، برهما- بهوتا (*brahma-bhūta*) (ش.ب ۲۰/۳۰/۴) یا آتما- ناندی (*ātma-nandī*)، یا مرحله‌ی رضایت ذات خوانده می‌شود که هیچ شباهتی به رضایت نادان بی‌عمل ندارد. نادان بی‌عمل در مرحله‌ی جهالت ابلهانه است، درحالی‌که فرد رضایت‌یافته در ذات واقع در مرحله‌ی آتما-ناندی، فراتر از مرحله‌ی مادی قرار دارد. به محض اینکه شخص در خدمت عابدانه‌ی قطعی ثابت و متمرکز شود، این مرحله‌ی کمال به دست می‌آید. خدمت عابدانه عمل خالص و ناب روح است و کاملاً با بی‌عمل و غیرفعال بودن متضاد می‌باشد.

فعالیت روح در تماس با ماده منقلب می‌شود و در نتیجه این فعالیت‌های بیمارگونه به شکل شهوت، خواسته‌ی جنسی، حرص و طمع، عدم تحرک و تنبلی، حماقت و خواب بروز می‌کنند. خدمت عابدانه این‌گونه محصولات گونه‌ی شهوت و گونه‌ی جهل را کاملاً می‌زداید و تأثیر خود را بدین‌صورت ظاهر می‌کند. عابد بلافاصله در گونه‌ی نیکی ثابت و متمرکز می‌شود و پیشرفت بیشتری کسب می‌کند تا به جایگاه و آسودوا یا مرحله ساتوا‌ی ناآمیخته یا خالص، یا به عبارتی شودها-ساتوا (*śuddha-sattva*) ارتقاء یابد. شخص فقط در این مرحله‌ی شودها-ساتوا می‌تواند به علت دلبستگی پاک و خالص به خداوند، همواره کربشنا را رو در رو ببیند.

عابد همواره در گونه‌ی نیکی خالص قرار دارد؛ بنابراین به کسی صدمه نمی‌زند و موجب آزار کسی نمی‌شود. اما فرد غیرعابد، هرقدر هم که تحصیل کرده باشد، وجودش همواره زیان‌آور است. عابد نه جاهل است و نه پرهیجان و دارای احساسات تند و تیز. اشخاصی که آسیب می‌رسانند، نادانان و کسانی که در گونه‌ی شهوت هستند، هرقدر هم که با رفتار ظاهری خویش یا با لباس بیرونی خود ادعای عبودیت کنند، نمی‌توانند در رده‌ی عابدان خدا قرار گیرند. شایستگی و صلاحیت عابد همواره به خاطر کسب تمام صفات نیک خداوندی است. شایستگی‌های عابد ممکن است از نظر کمی با شایستگی‌های خداوند متفاوت باشد، اما از نظر کیفی خداوند و عابدش هر دو یکی و یکسان‌اند.

*evam prasanna-manaso
bhagavad-bhakti-yogataḥ
bhagavat-tattva-vijñānam
mukta-saṅgasya jāyate*

evam: بدین سان؛ *prasanna*: احیا شده؛ *manasaḥ*: مربوط به ذهن؛ *bhagavat-*
bhakti: خدمت عابدانه به خداوند؛ *yogataḥ*: از طریق تماس با؛ *bhagavat*: مربوط به
شخصیت خداوند؛ *tattva*: دانش، شناخت؛ *vijñānam*: علمی؛ *mukta*: رها شده؛
saṅgasya: از معاشرت؛ *jāyate*: مؤثر می‌شود.

ترجمه

بدین سان با استقرار در گونه‌ی نیکی خالص، کسی که ذهنش از طریق تماس
با خدمت عابدانه به خداوند احیا شده است، به شناخت علمی قطعی شخصیت
خداوند، در مرحله‌ی رهایی از هرگونه آلودگی مادی، دست می‌یابد.

شرح

در بهاگاود-گیتا (۳/۷) گفته شده است که در میان هزاران شخص عادی، تنها یک نفر این
سعادت را پیدا می‌کند که برای کمال در زندگی تلاش کند. اغلب انسان‌ها را گونه‌های شهوت و
جهل هدایت می‌کنند و در نتیجه آنان همواره مشغول شهوت جنسی، خواسته و آرزو، حرص و
طمع، نادانی و خواب هستند. در میان بسیاری از چنین حیوانات انسان‌نمایی، واقعاً یک نفر پیدا
می‌شود که مسئولیت زندگی انسانی را بشناسد و تلاش کند زندگی را با پیروی از وظایف
تجویز شده به کمال برساند. و در میان هزاران نفر از این قبیل اشخاص که بدین سان به موفقیت
در زندگی انسان نائل شده‌اند، تنها یکی از آنها ممکن است به طور علمی شخصیت خداوند شری
کریشنا را بشناسد. در بهاگاود-گیتا (۵۵/۱۸) همچنین گفته شده است که فقط با روش خدمت
عابدانه (بهاکتی-یوگا) است که می‌توان به شناخت علمی شری کریشنا نائل آمد.
این مطلب در آیه‌ی فوق نیز تأیید شده است. هیچ شخص عادی، یا حتی کسی که به موفقیت
در زندگی انسانی دست یافته است، نمی‌تواند شخصیت خداوند را کاملاً یا به طرز علمی بشناسد.
کمال زندگی انسانی زمانی تحقق می‌پذیرد که شخص بتواند درک کند که محصول ماده نیست
بلکه در حقیقت روح است. و به مجرد اینکه شخص درک کند که هیچ رابطه‌ای با ماده ندارد،

بلافاصله خواسته‌های مادی‌اش را متوقف می‌کند و به صورت یک موجود روحانی، احیا می‌شود. هنگامی می‌توان به این موقعیت دست یافت که شخص ورای گونه‌های شهوت و جهل قرار گیرد یا به عبارت دیگر، زمانی که شخص واقعاً از نظر صفات و صلاحیت یک برهمانا شده باشد. برهمانا نماد ساتوا-گونا، یا گونه‌ی نیکی است. و دیگران یعنی کشاتریاها، وایشیاها، شودراها یا افراد پایین‌تر از شودرا در گونه‌ی نیکی واقع نشده‌اند. مرحله‌ی برهمانایی، به علت صفات نیکویی که مشخصه‌ی آن است، بالاترین مرحله‌ی زندگی انسانی را تشکیل می‌دهد. برای رسیدن به درجه‌ی عبودیت و عابد خداوند شدن، انسان باید حداقل صفات و صلاحیت برهمانا را کسب کند. ولی عابد به علت نوع رفتار و عملش، از قبل برهمانا محسوب می‌شود. ولی رسیدن به درجه‌ی برهمانایی پایان راه نیست. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، چنین برهمانایی باید در حقیقت وایشناوا شود تا واقعاً در مرحله‌ی روحانی قرار گیرد. وایشناوای پاک و خالص، روحی رهاشده است و حتی از برهمانا، برتر است. در سطح مادی حتی برهمانا نیز روح مقید محسوب می‌شود، زیرا هر چند در مرحله‌ی برهمانایی، ادراک برهمن یا حقیقت میسر می‌شود ولی چنین ادراکی عاری از شناخت علمی خداوند متعال است. انسان باید مرحله‌ی برهمانایی را پشت سر بگذارد و به مرحله‌ی و‌آسودوا برسد تا شخصیت خداوند کریشنا را درک کند. علم شناخت شخصیت خداوند موضوع مطالعه‌ی جویندگانی است که در دانش روحانی خیره شده‌اند. ابلهان، یا اشخاصی که بهره‌ی اندکی از دانش دارند، قادر به درک خداوند متعال نیستند، آنها کریشنا را بر اساس هوی و هوس خود تعبیر و تفسیر می‌کنند. اما حقیقت این است که هیچ‌کس مادام که از آلودگی گونه‌های مادی آزاد نشده باشد، حتی چنانچه برهمانا هم باشد، نمی‌تواند علم شخصیت خداوند را درک کند؛ ولی زمانی که برهمانای شایسته وایشناوا می‌شود و به مرحله‌ی احیاشدگی رهایی می‌رسد، قادر می‌شود واقعاً شخصیت خداوند را درک نماید.

آیه ۲۱

*bhidyate hṛdaya-granthiḥ
chidyante sarva-saṁśayāḥ
kṣīyante cāśya karmāṇi
dṛṣṭa evātmanīśvare*

bhidyate: سوراخ شده، رخنه شده در آن؛ *hṛdaya*: قلب؛ *granthiḥ*: گره‌ها؛ *chidyante*:

قطعه‌قطعه شده؛ *sarva*: تمام؛ *samśayāḥ*: شک‌ها و تردیدها؛ *kṣīyante*: خاتمه‌یافته؛ *ca*: و؛ *asya*: مال او، ش؛ *karmāṇi*: زنجیره‌ی اعمال ثمربخش؛ *drṣṭe*: دیده شدن؛ *eva*: حتماً، قطعاً؛ *ātmani*: به ذات؛ *īśvare*: غالب بودن.

ترجمه

بدین‌سان گره‌ی قلب باز می‌شود و تمامی تردیدها محو می‌شوند. و وقتی انسان درک کند که ذات، ارباب و حکمرواست، زنجیره‌ی اعمال ثمربخش گسسته می‌شود.

شرح

با دستیابی به شناخت علمی شخصیت خداوند، انسان هم‌زمان ذات خود را رؤیت می‌کند. تفکرات و شبهات بسیاری در مورد هدایت موجود زنده به عنوان ذات روحانی وجود دارد. مادی‌گرایان وجود ذات روحانی را باور ندارند و فلاسفه‌ی تجردگرا بی‌آنکه فردیت موجودات زنده را به رسمیت بشناسند، به جنبه‌ی فاقد شخصیت روح کلّ ایمان دارند. اما روحانیون تصدیق می‌کنند که روح و روح متعال دو هویت متفاوت هستند، که از نظر کیفی یکی، ولی از نظر کمی متفاوت‌اند. نظریه‌های بسیار دیگری وجود دارد، اما به محض آنکه شری کریشنا از طریق روش بهاکتی-یوگا به‌راستی درک شود، تمامی این تفکرات پندارگرایانه‌ی گوناگون رد و کنار گذاشته می‌شوند. شری کریشنا مانند خورشید است و پندارهای مادی‌گرایانه راجع به حقیقت مطلق همچون ظلمات شب، به مجرد اینکه خورشید کریشنا درون قلب شخص طلوع کند، تاریکی پندارهای ذهنی مادی‌گرایانه راجع به حقیقت مطلق و موجودات زنده بلافاصله محو می‌شود. در حضور خورشید، تاریکی یارای مقاومت ندارد و حقایق نسبی که درون ظلمت انبوه جهل پنهان شده است با لطف و رحمت کریشنا، که در قلب همگان به عنوان روح متعال سکونت دارد، به‌وضوح متجلی می‌شود.

خداوند در بهاگاود-گیتا (۱/۱۰) می‌فرماید که به منظور نشان دادن لطف خاص خود به عابدان پاک و خالصش، شخصاً ظلمات حاصل از تمامی شبهات را با روشن کردن مشعل دانش پاک و خالص، درون قلب عابد مرتفع می‌کند. بنابراین، چون شخصیت خداوند مسئولیت روشن کردن قلب عابدش را به عهده می‌گیرد، چگونه عابدی که به خدمت او در عشق روحانی مشغول شده است، می‌تواند در تاریکی باقی بماند؟ او به شناخت همه چیز دست می‌یابد چه در مورد حقایق

مطلق و چه در مورد حقایق نسبی. عابد نمی‌تواند در تاریکی باقی بماند و چون از طریق شخصیت خداوند به اشراق رسیده است، دانشش قطعاً کامل است. این نکته درباره‌ی کسانی که با قدرت محدودشان در مورد حقیقت مطلق غور و تفکر می‌کنند، صدق نمی‌کند. دانش کامل، پارامپارا (*paramparā*) خوانده می‌شود؛ یعنی دانش استنتاجی که از مرجعیت به شونده‌ی فروتنی که با خدمت به خداوند و تسلیم به او شایستگی پیدا کرده است نازل می‌شود. شخص نمی‌تواند امید شناخت مرجعیت متعال را در دل بپروراند در حالی که او را به مبارزه می‌طلبند. خداوند که کل متعال است، حق آشکار نساختن خویش را بر شخصی که دارای چنین روحیه‌ی مدعیانه‌ای است برای خود حفظ می‌کند؛ شخصی که جرعه‌ای جزء و ناچیز و اسیر انرژی توهمی است. برعکس آن فردی که روحیه‌ی مدعیانه و معترضانه دارد، عابد مطیع و متواضع است و بدین سبب می‌تواند به کمک روح متعال که درون قلبش حضور دارد به دانش متعال دست یابد؛ دانشی که از شخصیت خداوند به برهما، از برهما به فرزندان و شاگردانش زنجیروار منتقل می‌شود. این است راه و روش کامل آموختن دانش روحانی.

این روشنایی کاملاً عابد را قادر می‌سازد تا روح را از ماده تشخیص دهد، زیرا گره‌ی روح و ماده به وسیله‌ی خداوند گشوده شده است. این گره که آهانکارا خوانده می‌شود، به طور کاذب موجود زنده را وادار می‌کند تا خود را با ماده هم هویت بدانند. به محض باز شدن این گره، تمام ابرهای شک و تردید زوده می‌شود. در آن زمان است که شخص ارباب خود، خداوند، را می‌بیند و به طور کامل خویشتن را مشغول خدمت عاشقانه‌ی روحانی او می‌کند و به زنجیره‌ی اعمال ثمربخش پایان می‌دهد. موجود زنده، در زندگی مادی، زنجیره‌ی اعمال ثمربخش خود را ایجاد می‌کند و از اثرات نیک و بد آن اعمال، زندگی پس از زندگی برخوردار می‌شود. اما به محض اینکه خود را مشغول خدمت عاشقانه‌ی خداوند کند، بلافاصله از زنجیر اسارت کارما آزاد می‌شود و اعمالش دیگر هیچ‌گونه عکس‌العملی به بار نمی‌آورند.

آیه ۲۲

*ato vai kavayo nityam
bhaktim paramayā mudā
vāsudeve bhagavati
kurvanty ātma-prasādanīm*

atah: بنابراین؛ *vai*: حتماً، قطعاً؛ *kavayah*: تمام روحانیون؛ *nityam*: از زمان بی‌آغاز؛ *bhaktim*: خدمت به خداوند؛ *paramayā*: اعلیٰ؛ *mudā*: با شوق و رغبت بسیار؛ *vāsudeve*: شری کریشنا؛ *bhagavati*: شخصیت خداوند؛ *kurvanti*: به‌جا آوردن؛ *ātma*: ذات؛ *prasādanīm*: آنچه که زندگی می‌بخشد یا احیاء می‌کند.

ترجمه

بنابراین، از عهد ازل به طور حتم تمامی روحانیون با شوق و رغبت بسیار مشغول انجام خدمت عابدانه به خداوند کریشنا، شخصیت پروردگار بوده‌اند، زیرا چنین خدمت عابدانه‌ای ذات را احیاء می‌کند.

شرح

ویژگی خدمت عابدانه به شخصیت پروردگار، خداوند شری کریشنا، به طور خاصی در این‌جا ذکر شده است. شری کریشنا، خداوند در شکل اصلیش سویام-روپا (*svayam-rūpa*) است و تمامی اشکال دیگر او که از شری بالادوا، سانکارشانا، و آسودوا، آنیرودها، پرادایومنا و نارایانا آغاز می‌شود و تا پروشا-آواتاراها (*puruṣa-avatāras*)، گونا-آواتاراها (*guṇa-avatāras*)، لیل-آواتاراها (*līlā-avatāras*)، یوگا-آواتاراها (*yuga-avatāras*) و هزاران هزار ظهورات شخصیت پروردگار ادامه می‌یابد، همگی بسط‌های کامل و اجزای تام خداوند شری کریشنا محسوب می‌شوند؛ درحالی‌که موجودات زنده، اجزاء و ذرات جداشده‌ی شخصیت پروردگار هستند. بنابراین خداوند شری کریشنا، شکل اصلی پروردگار است و او کلام غایی در شناخت حقیقت به‌شمار می‌رود. در نتیجه او برای روحانیون برتری که در بازی‌های جاودان خدا شرکت می‌کنند جذاب‌تر است. اشکال دیگر شخصیت پروردگار، به غیر از شری کریشنا و بالادوا، اجازه‌ی برقراری تماس شخصی و نزدیک با او را - آن‌چنان‌که در بازی‌های روحانیش در وراجابهومی (*Vrajabhūmi*) مشاهده می‌کنیم - نمی‌دهند. بازی‌های روحانی خداوند شری کریشنا، چنانچه برخی کم‌خردان در مورد آن بحث می‌کنند، موضوعاتی نیست که جدیداً مورد قبول واقع شده باشد. بازی‌های روحانی خداوند، جاودان است و در زمان و دوره‌ی مقرر، یک بار در روز برهماجی متجلی می‌شوند، همان‌گونه که خورشید در افق شرقی در پایان هر بیست و چهار ساعت طلوع می‌کند.

آیه ۲۳

*sattvaṁ rajas tama iti prakṛter guṇās tair
yuktaḥ paraḥ puruṣa eka ihāsya dhatte
sthiti-ādāye hari-viriñci-hareti samjñāḥ
śreyāṁsi tatra khalu sattva-tanor nṛṇām syuḥ*

sattvaṁ: نیکی؛ *rajah*: شهوت؛ *tamah*: تاریکی، جهل؛ *iti*: بدین سان؛ *prakṛteh*: مربوط به طبیعت مادی؛ *guṇāḥ*: طبایع، صفات؛ *taiḥ*: از طریق آنها؛ *yuktaḥ*: در تماس با؛ *paraḥ*: متعال، روحانی؛ *puruṣaḥ*: شخصیت؛ *ekah*: یک؛ *ihā asya*: مربوط به این دنیای مادی؛ *dhatte*: می‌پذیرد؛ *sthiti-ādāye*: در امر خلقت، بقا و نابودی، غیره؛ *hari*: ویشنو، شخصیت پروردگار؛ *viriñci*: برهما؛ *hara*: خداوندگار شیوا؛ *iti*: بدین سان؛ *samjñāḥ*: اشکال گوناگون؛ *śreyāṁsi*: نفع غایی؛ *tatra*: در آن؛ *khalu*: البته؛ *sattva*: نیکی؛ *tanoh*: شکل؛ *nṛṇām*: مربوط به موجود انسانی؛ *syuḥ*: ناشی شده.

ترجمه

شخصیت متعال پروردگار به طور غیرمستقیم با سه گونه‌ی طبیعت مادی، یعنی شهوت، نیکی و جهل تماس می‌یابد و فقط به منظور خلق، حفظ و انهدام جهان مادی، سه شکل کیفی برهما، ویشنو و شیوا را اختیار می‌کند. در میان این سه، تمام موجودات انسانی می‌توانند نفع غایی را از ویشنو، فرم کیفیت نیکی، کسب کنند.

شرح

همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، آیه‌ی فوق این مطلب را تأیید می‌نماید که انسان باید به خداوند شری کریشنا و همین‌طور به تمام بسط‌های کاملش که همگی ویشنو-تاتوا یا خود خداوند هستند، خدمت کند. اولین بسط شری کریشنا، بالادوا است. از بالادوا سانکارشانا، از سانکارشانا نارایانا، از نارایانا سانکارشانی دوم و از این سانکارشانا، پوروشا-آواتارهای ویشنو متجلی می‌شوند. ویشنو یا مظهر کیفیت نیکی در دنیای مادی، پوروشا-آواتارای معروف به کشیروداکاشایی ویشنو یا پاراماتما است. برهما مظهر راجاس (شهوت) و شیوا مظهر تاماس

(جهل) است. آنها رأس گونه‌های سه‌گانه‌ی این دنیای مادی هستند. نیکی ویشنو خلقت را امکان‌پذیر می‌کند و هنگامی که موعدِ نابودی جهان فرا می‌رسد، خداوندگار شیوا آن را از طریق تاندوانریتیا (tāṇḍavanṛtya) انجام می‌دهد. مادی‌گرایان، برهما و نادانان شیوا را پرستش می‌کنند؛ درحالی‌که روحانیون پاک و خالص، ویشنو یا شکل نیکی را در اشکال گوناگونش می‌پرستند. ویشنو از طریق میلیون‌ها و میلیاردها شکل کامل و شکل جداشده متجلی می‌شود. اشکال کامل، خداوند و اشکال جداشده، موجودات زنده یا جیوا خوانده می‌شوند. جیواها و خداوند، هر دو شکل روحانی اصلی خود را دارند. جیواها گاهی اوقات در معرض تسلط انرژی مادی قرار می‌گیرند، اما اشکال ویشنو همواره کنترل‌کنندگان این انرژی هستند. ویشنو، شخصیت پروردگار، به منظور نجات موجودات زنده‌ی مقیدی که تحت نفوذ انرژی مادی هستند در دنیای مادی ظاهر می‌شود. موجودات زنده به منظور خدایی کردن در دنیای مادی ظاهر می‌شوند و در آن‌جاست که سه‌گونه‌ی طبیعت آنها را به دام می‌افکنند. در نتیجه، موجودات زنده برای گذراندن دوره‌های مختلف حبس خود، باید پوشش‌های مادی‌شان را تغییر دهند. برهما، تحت آموزش شخصیت پروردگار، زندان دنیای مادی را خلق می‌کند و در پایان یک کالپا، شیوا کل آن را نابود می‌سازد. اما نگهداری و بقای زندان مربوط به ویشنو می‌شود، همان‌گونه که زندان را دولت اداره و نگهداری می‌کند. بنابراین، هرکس خواهان رهایی از این زندان موجودیت مادی باشد که مملو از رنج‌هایی همچون تکرار تولد، مرگ، بیماری و پیری است، باید خداوند ویشنو را راضی کند. تنها راه پرستش خداوند ویشنو اعطای خدمت عابدانه به اوست. چنانچه کسی بخواهد به زندگی در زندان دنیای مادی ادامه دهد، می‌تواند به منظور آسایش موقت، امکانات و تسهیلات نسبی را از خداوندگاران گوناگون همچون شیوا، برهما، ایندرا و وارونا درخواست کند؛ اما هیچ‌یک از خداوندگاران نمی‌توانند موجود زنده‌ی محبوس را از زندگی در اسارت موجودیت مادی رهایی بخشند. این رهایی را فقط ویشنو می‌تواند اعطا کند. بنابراین، نفع‌غایی از ویشنو، شخصیت پروردگار، عاید می‌شود.

آیه ۲۴

pārthivād dāruṇo dhūmas
tasmād agnis trayīmayaḥ
tamasas tu rajas tasmāt
sattvaṁ yad brahma-darśanam

pārthivāt: از خاک؛ *dāruṇaḥ*: هیزم؛ *dhūmaḥ*: دود؛ *tasmāt*: از آن؛ *agniḥ*: آتش؛ *trayī*: قربانی‌های ودایی؛ *mayah*: ساخته‌شده از؛ *tamasah*: در گونه‌ی جهل؛ *tu*: اما؛ *rajaḥ*: گونه‌ی شهوت؛ *tasmāt*: از آن؛ *sattvam*: گونه‌ی نیکی؛ *yat*: که؛ *brahma*: حقیقت مطلق؛ *darśanam*: ادراک، معرفت.

ترجمه

هیزم، حاصل تحول زمین است؛ اما دود، از چوب خام برتر است. ولی برتر از آن آتش است، چراکه به واسطه‌ی آن ما می‌توانیم [از طریق قربانی‌های ودایی] از مزایای دانش اعلی بهره‌مند شویم. مشابهاً شهوت [راجاس] برتر از جهل [تاماس] و نیکی [ساتوا] برترین آنهاست، زیرا از طریق نیکی می‌توان به ادراک حقیقت مطلق دست یافت.

شرح

همان‌گونه که در بالا ذکر شد، شخص می‌تواند از طریق خدمت عابدانه به شخصیت پروردگار، از زندگی در اسارت موجودیت مادی رهایی یابد. در این آیه اضافه می‌شود که شخص باید به سکوی گونه‌ی نیکی (ساتوا) ارتقا یابد تا بتواند شایسته‌ی خدمت عابدانه‌ی خداوند شود. اما چنانچه موانعی در این راه پیش آید با راهنمایی استادانه‌ی پیر روحانی از میان برداشته خواهد شد و شخص، حتی از سکوی تاماس، می‌تواند به تدریج به سکوی ساتوا ارتقا یابد. بنابراین طالبان صادق باید برای پیمودن چنین سیر پیش‌رونده‌ای به پیر روحانی خبره مراجعه کنند و هم اوست که شایستگی هدایت سالک را از هر یک از سطوح زندگی یعنی تاماس، راجاس یا ساتوا دارد. اشتباه است که تصور کنیم پرستش مظاهر و اشکال مختلف شخصیت اعلا‌ی خداوند نتایج یکسان به بار می‌آورد و فایده‌ای یکسان و برابر دارد. تمام اشکال خداوند، به جز ویشنو، تحت شرایط انرژی مادی متجلی می‌شوند و اشکال جداشده‌ی اویند. بنابراین اشکال انرژی مادی قادر نیستند شخص را به سکوی ساتوا، تنها سکویی که می‌تواند فرد را از اسارت مادی رهایی بخشد، ارتقا دهند.

مرحله‌ی غیرمتمدنانه‌ی زندگی، یا زندگی حیوانات فروتر، تحت تسلط و اداره‌ی گونه‌ی تاماس است. زندگی متمدنانه‌ی انسانی، که با شهوت برای انواع گوناگون منافع مادی همراه است مرحله‌ی راجاس خوانده می‌شود. مرحله‌ی راجاس زندگی، درپچه‌ی کوچکی از معرفت را به

حقیقت مطلق، به صورت احساسات لطیف در قلمروی فلسفه، هنر و فرهنگ که با اصول اخلاقی همراه شده باشند، می‌گشاید. اما گونه‌ی ساتوا مرحله‌ی برتری از کیفیت مادی را تشکیل می‌دهد، زیرا به طور واقعی به شخص کمک می‌کند که حقیقت مطلق را بشناسد. به عبارت دیگر، چنین نتیجه‌گیری می‌کنیم که تفاوت کیفی بین انواع گوناگون روش‌های پرستش و همچنین منافع و برکات اعطا شده از طریق مظاهر حکمران خداوند در گونه‌های طبیعت مادی یعنی برهما، ویشنو و هارا (شیوا) وجود دارد.

آیه ۲۵

bhejire munayo 'thāgre
bhagavantam adhokṣajam
sattvaṁ viśuddhaṁ kṣemāya
kalpante ye 'nu tān iha

bhejire: خدمت کردند به؛ *munayah*: حکیمان؛ *atha*: بدین‌سان؛ *agre*: سابقاً؛
bhagavantam: به شخصیت پروردگار؛ *adhokṣajam*: حقیقت؛ *sattvam*: هستی؛
viśuddham: ورای سه‌گونه‌ی طبیعت؛ *kṣemāya*: برای کسب منفعت نهایی؛ *kalpante*:
 سزاوار و شایسته‌اند؛ *ye*: آنها؛ *anu*: پیروی می‌کنند؛ *tān*: آنها؛ *iha*: در این دنیای مادی.

ترجمه

در زمان گذشته، تمام حکیمان بزرگ به سبب آنکه شخصیت پروردگار ورای سه‌گونه‌ی طبیعت مادی قرار دارد، به خدمت وی درآمدند. آنها او را به منظور کسب نفع غایی یعنی رهایی از قیود مادی پرستش کردند. هر آن کس که از چنین مراجع بزرگی پیروی کند نیز شایسته‌ی رهایی از دنیای مادی خواهد شد.

شرح

هدف از انجام فرائض دینی نه سود جستن از دستاوردهای مادی است و نه صرفاً کسب دانش تمایز بین ماده و روح. هدف نهایی از اعمال دینی آزاد کردن خویش از اسارت مادی و بازیافتن موجودیتی رها و آزاد در جهان معنوی است، مکانی که در آن‌جا شخصیت خداوند، شخص متعال

است. بدین سبب خداوند شخصاً قوانین و اصول دین را به صورتی مستقیم وضع می‌کند و فقط ماهاجاناها یا نمایندگان معتبر و موثق او، هدف و مقصود آن را می‌دانند. ماهاجاناها یا نمایندگان و کارگزاران معین خداوند دوازده تن می‌باشند که تمامی آنها مشغول خدمت روحانی به خداوند هستند. اشخاصی که طالب خیر و صلاح خویش‌اند می‌توانند از آنان پیروی کنند و بدین‌سان به نفع اعلی دست یابند.

آیه ۲۶

*mumukṣavo ghora-rūpān
hitvā bhūta-ṣatīm atha
nārāyaṇa-kalāḥ śāntā
bhajanti hy anasūyavaḥ*

mumukṣavaḥ: اشخاصی که خواهان رهایی‌اند؛ *ghora*: ترسناک، خوفناک؛ *rūpān*: اشکال مانند آن؛ *hitvā*: رد کردن؛ *bhūta-ṣatīm*: خداوندگاران؛ *atha*: بدین سبب؛ *nārāyaṇa*: شخصیت پروردگار؛ *kalāḥ*: بسط‌های کامل؛ *śāntāḥ*: مبارک و خجسته‌ی مطلق؛ *bhajanti*: پرستش می‌کنند؛ *hi*: قطعاً؛ *anasūyavaḥ*: عاری از حسادت.

ترجمه

کسانی که به طور جدی طالب رهایی‌اند، قطعاً به کسی حسادت نمی‌ورزند، و به همگان احترام می‌گذارند. با این حال، آنها اشکال مهیب و هولناک خداوندگاران را رد می‌کنند و فقط اشکال مبارک و خجسته‌ی مطلق خداوند ویشنو و بسط‌های کامل او را می‌پرستند.

شرح

شخصیت اعلای خداوند، شری کریشنا، که منشاء تمام رده‌های ویشنو است، خود را به دو صورت بسط می‌دهد: بسط‌های کامل یکپارچه‌ی ویشنو-تاتوا (*viṣṇu-tattva*) که موضوع پرستش و خدمت‌اند و دیگری اجزاء و ذرات جداشده که خادمان دسته‌ی اول را تشکیل می‌دهند. تمام خداوندگاران که خداوند متعال به آنها قدرت عطا نموده است نیز اجزاء و ذرات جداشده

محسوب می‌شوند و به دسته‌بندی ویشنو-تاتوا متعلق نیستند. ویشنو-تاتواها، آحاد زنده‌ای هستند که از قدرت یکسان با قدرت شکل اصلی شخصیت پروردگار برخوردارند، ولی هرکدام از آنها بنا بر مقتضیات زمان و مکان قدرت خاصی را از خود بروز می‌دهند. اجزاء و ذرات جداشده برخلاف ویشنو-تاتواها، دارای قدرت نامحدود نیستند و قدرتشان حد و مرزی دارد. ویشنو-تاتواها، یا بسط‌های کامل نارایانا، شخصیت پروردگار را نمی‌توان در دسته‌بندی‌ای یکسان با اجزاء و ذرات جداشده قرار داد. اگر کسی چنین کند، گناه بزرگی مرتکب شده است و به او پاشاندی (*pāśaṅḍī*) [مُلحد] می‌گویند. در عصر کالی، اشخاص ابله بسیاری مرتکب چنین اهانت‌های ناروایی می‌شوند و این دو رده را برابر و یکسان می‌دانند.

اجزاء و ذرات جداشده با توجه به قدرت‌های مادی خود موقعیت‌های گوناگونی را احراز می‌کنند و برخی از آنها همچون کالا-بهایراوا (*Kāla-bhairava*)، شماشانا-بهایراوا (*Śmaśāna-bhairava*)، شانی (*Śani*)، ماهاکالی (*Mahākālī*) و چاندیکا (*Caṅḍikā*) هستند. این خداوندگاران را اغلب کسانی پرستش می‌کنند که در پایین‌ترین رده‌های گونه‌ی جهل یا تاریکی قرار دارند. افراد دیگر که در گونه‌ی شهوت هستند و در اسارت خواسته برای لذایذ مادی‌اند، خداوندگاران^۳ دیگر همچون برهما، شیوا، سوریا، گانش و غیره را می‌پرستند. اما آن کسانی که واقعاً در گونه‌ی نیکی (ساتوا-گونا) طبیعت مادی واقع شده‌اند فقط ویشنو-تاتواها را پرستش می‌کنند که با اسماء و اشکال گوناگون همچون نارایانا، دامودارا، وامانا، گوویندا و آدهکشاچا (*Adhokṣaḥ*) متجلی می‌شوند.

برهماناهای شایسته، ویشنو-تاتواها را در شکل شالاگراما-شیلا (*śālagrāma-silā*) می‌پرستند؛ و برخی طبقات بالاتر همچون کشاتریاها و وایشیاها نیز به طور کلی ویشنو-تاتواها را پرستش می‌کنند.

برهماناهای با صلاحیت برتر که در گونه‌ی نیکی هستند هیچ‌گونه اکراهی در مورد پرستش‌های گوناگون دیگر از خود نشان نمی‌دهند و احترام کاملی برای خداوندگاران دیگر قائل هستند، حتی چنانچه آنان همچون کالا-بهایراوا یا ماهاکالی، هولناک و مهیب باشند. آنها به خوبی می‌دانند که این اشکال مهیب خداوند متعال، همگی خادمان گوناگون او تحت شرایط مختلف هستند. ولی با وجود این آنها پرستش خداوندگار را چه در صورت زیبا و جذاب و چه در صورت مخوف

^۳ در ترجمه‌ی حاضر از واژه‌ی "خداوندگار" معادل *demi god* استفاده شده است و واژه‌ی فرشته در موارد احتمالی که متن اصلی به *angel* تعبیر نموده مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

رد می‌کنند و فقط بر اشکال ویشنو توجه و متمرکز می‌نمایند، زیرا آنها جداً طالب رهایی از شرایط مادی‌اند. خداوندگاران، حتی برهما که برترین آنهاست، نمی‌توانند به کسی رهایی اعطا کنند. هیرانیاکاشیو متحمل ریاضت‌های شدیدی شد تا از طریق پرستش برهما و کسب برکات او جاودان شود، اما برهما، نتوانست او را راضی کند. بنابراین فقط ویشنو، موکتی-پادا (*mukti*-*pāda*) خوانده می‌شود، زیرا تنها شخصیت خداوند قادر است موکتی یا رهایی را ارزانی دارد. خداوندگاران همچون موجودات زنده‌ی دیگر دنیای مادی، همگی در زمان نابودی ساختار جهان مادی از بین می‌روند. وقتی آنها قادر به کسب رهایی برای خویش نیستند، چگونه می‌توانند به عابدشان رهایی بخشند؟ خداوندگاران می‌توانند به پرستش‌کنندگان خود فقط قدری منفعت موقتی اعطا کنند و نه منفعت غایی و نهایی را. فقط به این دلیل است که طالبان رهایی عمداً پرستش خداوندگاران را کنار می‌گذارند، هر چند که احترام به آنان را رد نمی‌کنند.

آیه ۲۷

*rajas-tamaḥ-prakṛtayah
sama-śīlā bhajanti vai
pitṛ-bhūta-prajeśādīn
śriyaiśvarya-prajepsavaḥ*

rajaḥ: گونه‌ی شهوت؛ *tamaḥ*: گونه‌ی جهل؛ *prakṛtayah*: مربوط به آن ذهنیت؛ *sama-śīlāḥ*: مربوط به همان دسته‌بندی‌ها؛ *bhajanti*: پرستش می‌کنند؛ *vai*: در واقع؛ *pita*: نیاکان؛ *bhūta*: موجودات زنده‌ی دیگر؛ *prajeśa-ādīn*: کنترل‌کنندگان نظام کیهانی؛ *śriyā*: توانگری، استغناء؛ *aiśvarya*: ثروت و قدرت؛ *prajā*: فرزندان؛ *īpsavaḥ*: چنین آرزو کردن.

ترجمه

افراد واقع در گونه‌های جهل و شهوت، نیاکان، موجودات زنده‌ی دیگر و خداوندگاران را پرستش می‌کنند که مسئول فعالیت‌های کیهانی‌اند، زیرا آنان با خواسته‌ی لذت بردن از زن، ثروت، قدرت و فرزند ترغیب شده‌اند.

شرح

شخصی که جداً خواهان بازگشت نزد خداوند باشد، نیازی به پرستش هیچ‌یک از خداوندگاران، در هر رده‌ای که قرار داشته باشند، ندارد. در بهاگاواد-گیتا (۲۰/۷ و ۲۳) به وضوح گفته شده است که افراد دیوانه‌ی لذت مادی، برای کسب منافع زودگذر که اشخاص بی‌بهره از دانش طالب آن هستند، به خداوندگاران گوناگون متوسل می‌شوند. ما هیچ‌گاه نباید در آرزوی افزایش لذت‌های مادی باشیم. باید لذت مادی را فقط تا حد تأمین حداقل نیازهای زندگی بپذیریم، نه بیشتر و نه کمتر. پذیرش لذت مادی بیشتر یعنی گرفتار کردن هرچه بیشتر و بیشتر خویش در رنج‌های موجودیت مادی. مادی‌گرایان، چون هیچ‌گونه اطلاعی از منافع حاصل از پرستش ویشنو ندارند، در طلب ثروت بیشتر، زنان بیشتر و اشرافیت کاذب هستند. انسان هم در این زندگی و هم در زندگی پس از مرگ می‌تواند از پرستش ویشنو منفعت ببرد. اشخاص نادان که با فراموش کردن این حقایق به دنبال ثروت بیشتر، زنان بیشتر و فرزندان بیشتری، خداوندگاران گوناگون را پرستش می‌کنند. هدف زندگی خاتمه دادن به رنج‌های زندگی است، نه افزایش آنها.

برای کسب لذات مادی احتیاجی نیست که به خداوندگاران متوسل شویم. آنها خادمان صرف خداوند، و موظف به تأمین نیازهای زندگی موجودات زنده به صورت آب، نور، هوا و غیره هستند. انسان باید برای موجودیت خویش سخت کار کند و ثمرات آن را به خداوند متعال اهدا و از این طریق او را پرستش کند. و این موضوع باید شعار زندگی او باشد. انسان باید مراقب باشد که وظیفه و خدمت حرفه‌ای خود را با ایمان به خداوند، به‌طرز صحیح انجام دهد، زیرا این امر شخص را به تدریج در راه پیش‌رونده‌ی بازگشت نزد خداوند هدایت خواهد کرد.

خداوند شری کریشنا، وقتی شخصاً در وراجادهاما حضور داشت، پرستش خداوندگار ایندرا را متوقف کرد و به ساکنان وراجا پند داد که از طریق حرفه‌ی خویش خداوند را پرستش کنند و به او ایمان داشته باشند. پرستش خداوندگاران گوناگون به‌منظور کسب دستاورد مادی عملاً انحراف از دین محسوب می‌شود. این نوع عمل دینی در آغاز بهاگواتام به عنوان کایتاوا-دهارما (*kaitava-dharma*) محکوم شده است. در جهان فقط یک دین وجود دارد که باید همه از آن پیروی کنند و آن بهاگواتا-دهارما (*Bhāgavata-dharma*) است؛ یعنی دینی که صرفاً پرستش شخصیت اعلا‌ی خداوند را آموزش می‌دهد و نه کس دیگری را.

آیه ۲۸-۲۹

vāsudeva-parā vedā
vāsudeva-parā makhāḥ

vāsudeva-ṣarā yogā
vāsudeva-ṣarāḥ kriyāḥ

vāsudeva-ṣaram jñānam
vāsudeva-ṣaram tapaḥ
vāsudeva-ṣaro dharmo
vāsudeva-ṣarā gatih

vāsudeva: شخصیت خداوند؛ *ṣarāḥ*: هدف نهایی؛ *vedāḥ*: کتب مقدس؛ *vāsudeva*: شخصیت خداوند؛ *ṣarāḥ*: برای پرستش کردن؛ *makhāḥ*: قربانی‌ها؛ *vāsudeva*: شخصیت خداوند؛ *ṣarāḥ*: وسیله‌ی دستیابی؛ *yogāḥ*: تمرین و انجام یوگا؛ *vāsudeva*: شخصیت خداوند؛ *ṣarāḥ*: تحت تسلط او (خداوند)؛ *kriyāḥ*: اعمال ثمربخش؛ *vāsudeva*: شخصیت خداوند؛ *ṣaram*: اعلیٰ، متعال؛ *jñānam*: دانش؛ *vāsudeva*: شخصیت خداوند؛ *ṣaram*: بهترین؛ *tapaḥ*: ریاضت؛ *vāsudeva*: شخصیت خداوند؛ *ṣaraḥ*: کیفیت برتر؛ *dharmāḥ*: دین؛ *vāsudeva*: شخصیت خداوند؛ *ṣarāḥ*: نهایی، غایی؛ *gatih*: هدف زندگی.

ترجمه

در متون مقدس، موضوع و منظور نهایی دانش، شری کریشنا، شخصیت خداوند است. مقصود از انجام قربانی جلب رضایت او و انجام یوگا به منظور شناخت و درک او است. تنها اوست که در نهایت پاداش تمام اعمال ثمربخش را می‌دهد. او دانش اعلیٰ است و تمام ریاضت‌های سخت به منظور شناخت او انجام می‌پذیرد. دین [دهارما] اعطای خدمت عاشقانه به اوست. او هدف اعلای زندگی است.

شرح

این دو آیه تأیید می‌کند که شری کریشنا، شخصیت خداوند، یگانه هدف پرستش است. تمام متون مقدس ودایی همین هدف را دنبال می‌کنند؛ یعنی برقراری رابطه‌ی خویشتن با خداوند و در نهایت، احیای خدمت عاشقانه‌ی گمشده‌ی ما به او. این جوهر و چکیده‌ی وداها است. خداوند در بهاگاواد-گیتا این نظریه را با تمام سخنان خویش تأیید می‌کند: هدف نهایی وداها فقط

شناخت اوست. خداوند تمام وادها را خود از طریق ظهور در بدن شریلا ویاسادوا آماده کرده است تا ارواح فروافتاده‌ی اسیر در طبیعت مادی، او یعنی شری کریشنا، شخصیت خداوند را به یاد آورند. هیچ‌یک از خداوندگاران قادر به اعطای رهایی از اسارت مادی نیستند. این حکم تمام متون ودایی است. بی‌هویت‌گرایان به سبب بی‌اطلاعی از شخصیت خداوند، قدرت مطلق او را حقیر می‌شمردند و وی را در موقعیت یکسانی با موجودات زنده‌ی دیگر قرار می‌دهند؛ و به سبب این عمل، با دشواری بسیار از اسارت مادی رهایی می‌یابند. آنها صرفاً پس از تولدهای بسیار در محیط‌های واجد پرورش روحانی، خواهند توانست خود را به او (خداوند) تسلیم کنند.

شخص ممکن است چنین استدلال کند که فعالیت‌های ودایی بر اساس مراسم و مناسک قربانی بنا شده‌اند. این صحیح است. اما باید دانست که منظور از انجام تمامی این قبیل قربانی‌ها نیز شناخت حقیقت مربوط به و آسودوا است. نام دیگر و آسودوا، یاگیا (قربانی) است و در بهاگاواد-گیتا به وضوح اظهار شده است که تمام قربانی‌ها و تمامی اعمال باید برای رضایت یاگیا، یا ویشنو، شخصیت خداوند انجام شوند. این موضوع درباره‌ی روش‌های یوگا نیز صدق می‌کند. یوگا یعنی واقع شدن در تماس با خداوند متعال. اما، انجام یوگا نیز مستلزم انجام تمرینات بدنی متعددی همچون آسانا، دهیانا، پرانا، یاما و مراقبه است که تمامی آنها هدفی جز متمرکز شدن بر جنبه‌ی موضعی و آسودوا که به صورت پاراماتما متجلی است، ندارند. ادراک پاراماتما ادراک جزئی و آسودوا است و اگر شخص در تلاش خود برای درک پاراماتما موفق باشد، و آسودوا را به طور کامل درک خواهد کرد. اما از بخت بد، قدرت‌های ماورایی که از طریق روند تمرینات جسمانی حاصل می‌شود اغلب یوگی‌ها را به دام می‌اندازد. به چنین یوگی‌های بدعاقبتی فرصتی دوباره داده می‌شود تا با تولد در خانواده‌ی برهمنانهای دانای نیک یا در خانواده‌ی تاجران ثروتمند، وظیفه‌ی ناتمام شناخت و آسودوا را به اتمام رسانند. این برهمنانهای خوش‌اقبال و پسران ثروتمندان اگر به درستی از این فرصت استفاده کنند، می‌توانند به سادگی از طریق معاشرت نیک و پاک با اشخاص مقدس، و آسودوا را درک کنند. بدبختانه، آنان علی‌رغم فرصت اعطاشده به ایشان دوباره از طریق ثروت و امتیازات مادی به دام می‌افتند و بدین‌سان عملاً هدف زندگی را فراموش می‌کنند.

این موضوع درباره‌ی طریقت تحصیل دانش نیز صدق می‌کند، زیرا پرورش دانش نیز به و آسودوا ختم می‌شود. بر اساس بهاگاواد-گیتا، پرورش دانش هجده اصل دارد. و شخص از طریق پرورش دانش به تدریج فاقد غرور و خودنمایی، فاقد خشونت، بردبار و شکیبیا، ساده، وقف پیر روحانی عظیم‌الشان و حکمران بر خویشان می‌شود. انسان با پرورش دانش، دل‌بستگی خود را به

خانه و کاشانه از دست می‌دهد و به رنج‌های ناشی از تولد، پیری، بیماری و مرگ آگاهی می‌یابد. تمامی پرورش دانش به انجام خدمت عابدانه به شخصیت پروردگار، و آسودوا منتهی می‌شود. بنابراین، و آسودوا هدف غایی پرورش دانش در تمام شاخه‌های گوناگون آن است و دانشی حقیقی محسوب می‌شود که شخص را به سکوی روحانی ملاقات با و آسودوا هدایت کند. بهاگواد-گیتا تمامی رشته‌های گوناگون دانش مادی را به عنوان آگیانا یا ضد دانش حقیقی محکوم می‌کند. هدف نهایی دانش مادی، راضی و خشنود کردن حواس است که به مفهوم طولانی کردن دوره‌ی زندگی مادی و در نتیجه استمرار رنج‌های سه‌گانه است. پس، طولانی‌تر کردن زندگی رنج‌بار موجودیت مادی، جهل و غفلت است و نه دانش. اما، چنانچه از این دانش مادی برای ارتقا به ادراک دانش روحانی استفاده شود، آنگاه خاتمه دادن به زندگی در رنج موجودیت مادی و آغاز زندگی در موجودیت روحانی در سطح و آسودوا امکان‌پذیر خواهد شد.

چون هدف ریاضت واصل شدن به و آسودوا است، همین اصل درباره‌ی تمامی انواع ریاضت‌ها نیز صدق می‌کند. تاپاسیا (*tapasya*) یعنی پذیرش داوطلبانه‌ی دردهای جسمانی به منظور نیل به هدف برتر زندگی. راوانا و هیرانیا کاشیپو، عذاب جسمانی شدیدی را تحمل کردند تا به غایت ارضای حواس دست یابند. گاهی اوقات سیاستمداران جدید نیز برای نیل به برخی اهداف سیاسی، انواع ریاضت‌های طاقت فرسا را متحمل می‌شوند. این در واقع تاپاسیا نیست. انسان باید ناملایمت‌های جسمانی داوطلبانه را به منظور شناختن و آسودوا بپذیرد و ریاضت حقیقی این است. در غیراین‌صورت تمامی اشکال ریاضت در گونه‌های شهوت و جهل قرار می‌گیرند و انسان قادر نیست از طریق آنها به رنج‌های زندگی خاتمه بخشد. فقط گونه‌ی نیکی است که می‌تواند رنج‌های سه‌گانه‌ی زندگی را تسکین دهد. واسودوا و دواکی، به اصطلاح پدر و مادر خداوند کریشنا، ریاضت‌های شدیدی را متحمل شدند تا و آسودوا را به شکل پسر خود به‌دست آورند. خداوند کریشنا پدر تمام موجودات زنده است. (ب. گ. ۴/۱۴). بنابراین او وجود زنده‌ی اصلی و اولیه است و تمام موجودات زنده‌ی دیگر از او نشأت می‌گیرند. او لذت‌برنده‌ی جاودان اصلی در میان تمام لذت‌برندگان دیگر است. بدین‌جهت، چنان‌که نادانان ممکن است تصور کنند، هیچ‌کس نمی‌تواند پدر به‌وجودآورنده‌ی او باشد. خداوند شری کریشنا به علت راضی شدن از ریاضت‌های سخت واسودوا و دواکی پذیرفت که به صورت پسر آنان ظاهر گردد. پس هدف هر نوع ریاضت نباید چیزی جز دست یافتن به و آسودوا یا نهایت دانش باشد.

و آسودوا شخصیت اصلی و ازلی پروردگار، خداوند شری کریشناست. همان‌گونه که پیش‌تر شرح داده شد، شخصیت اصلی پروردگار، خود را از طریق اشکال بی‌شماری بسط می‌دهد. ولی این امر

از طریق نیروهای بی‌شمار او ممکن می‌گردد که این نیروها دارای انواع گوناگون‌اند. از نظر کیفیت، نیروهای درونی‌اش، برتر و نیروهای بیرونی‌اش، فروتر محسوب می‌شوند. آنها در بهاگاود-گیتا (۴/۷-۶) به صورت پاراپراکرتیتی (*parā prakṛti*) و آپاراپراکرتیتی (*aparā prakṛti*) توضیح داده شده‌اند. پس در میان اشکال گوناگونی که از خداوند بسط می‌یابند آنهایی که از طریق نیروهای درونی خداوند متجلی می‌شوند، اشکال برتر، و آنهایی که از طریق نیروهای بیرونی او تجلی پیدا می‌کنند، اشکال فروتر را تشکیل می‌دهند. موجودات زنده نیز بسط‌های خداوند محسوب می‌شوند. موجودات زنده‌ای که از طریق نیروی درونی‌اش بسط یافته‌اند، به طور جاودان اشخاص رهایی یافته‌اند، در حالی که کسانی که به موجب نیروهای مادی او بسط یافته‌اند، به طور جاودان ارواح مقیدند. بنابراین، هدف از کسب دانش، پرداختن به ریاضت، انجام قربانی و سایر اعمال باید تغییر کیفیت نیرویی باشد که بر ما عمل می‌کند. در حال حاضر، نیروی بیرونی خداوند همگی ما را کنترل و اداره می‌کند و برای تغییر کیفیت نیرویی که بر ما نفوذ دارد، باید صرفاً تلاش و کوشش کنیم تا نیروی روحانی را پرورش دهیم. در بهاگاود-گیتا گفته شده است کسانی که ماهاتما (*mahātma*) هستند، یعنی آنان که ذهنشان چنان باز و گسترده شده است که به خدمت خداوند کریشنا درآیند، تحت نفوذ نیروی درونی هستند و نتیجه‌ی تأثیر نیروی درونی آن است که چنین موجودات زنده‌ی روشنفکری دائماً و بدون انحراف به خدمت خداوند مشغولند. همان‌گونه که تمام کتب مقدس ودایی حکم می‌کنند، این باید هدف زندگی باشد. هیچ‌کس نباید خود را با اعمال ثمربخش یا غور و تفکر خشک درباره‌ی دانش متعال به زحمت اندازد؛ بلکه همه باید بلافاصله خود را مشغول خدمت عاشقانه‌ی روحانی خداوند کنند. همچنین هیچ‌کس نباید خداوندگاران گوناگونی را که به صورت دست‌های مختلف خداوند در جهت خلق، بقاء یا نابودی مادی عمل می‌کنند، پرستش کند. خداوندگاران قدرتمند بی‌شماری اداره‌ی بیرونی جهان مادی را تحت نظر دارند که همگی آنها صرفاً دست‌های گوناگون یاری‌بخش خداوند و آسودا محسوب می‌شوند. حتی خداوندگار شیوا و خداوندگار برهما در زمره‌ی خداوندگاران قرار دارند، اما خداوند ویشنو، یا و آسودوا، همواره در موقعیت روحانی و مطلع واقع شده است. هر چند او گونه‌ی نیکی دنیای مادی را اختیار می‌کند، ولی فراتر از تمامی گونه‌های مادی است. مثال زیر این موضوع را به وضوح روشن می‌کند. در زندان، زندانیان و اداره‌کنندگان آن، هر دو و هر کدام به نحوی تحت قید قوانین سلطان هستند. اما هر چند سلطان گاهی به زندان سر می‌زند، اما قوانین زندان شامل حال او نمی‌شود. بنابراین سلطان همواره فراتر از قوانین زندان قرار دارد، همان‌طور که خداوند همواره فراتر از قوانین

دنیای مادی واقع شده است.

آیه ۳۰

*sa evedaṁ sasarjāgre
bhagavān ātma-māyayā
sad-asad-rūpayā cāsau
guṇamayāguṇo vibhuḥ*

saḥ: آن؛ *eva*: قطعاً؛ *idam*: این؛ *sasarja*: خلق کرد؛ *agre*: پیش از این؛ *bhagavān*: شخصیت پروردگار؛ *ātma-māyayā*: از طریق نیروی شخصی‌اش؛ *sat*: علت؛ *asat*: معلول؛ *rūpayā*: از طریق آشکال؛ *ca*: و؛ *asau*: همان خداوند؛ *guṇa-maya*: در گونه‌های طبیعت مادی؛ *aguṇaḥ*: متعال و روحانی؛ *vibhuḥ*: مطلق.

ترجمه

در آغاز آفرینش مادی، آن شخصیت مطلق پروردگار [وآسودوا]، در جایگاه و موقعیت روحانی خود، نیروهای علت و معلول را از طریق نیروی درونی خود خلق کرد.

شرح

موقعیت خداوند همواره متعال است زیرا نیروهای علت و معلول لازم برای خلقت جهان مادی را نیز او خلق کرده است. بنابراین، خداوند تحت تأثیر گونه‌های طبیعت مادی واقع نمی‌شود. وجود خداوند، شکل، اعمال و بارگاه او با تمامی متعلقاتش قبل از خلق مادی وجود داشته است. او کاملاً روحانی است و با خصوصیات طبیعت مادی، که از نظر کیفی با صفات روحانی خداوند متمایزند، هیچ‌گونه ارتباطی ندارد.

آیه ۳۱

*tayā vilasiteṣv eṣu
guṇeṣu guṇavān iva*

*antaḥ-praviṣṭa ābhāti
vijñānena vijṛmbhitaḥ*

tayā: از طریق آنها؛ *vilasiteṣu*: هر چند در عملکرد؛ *eṣu*: اینها؛ *guṇeṣu*: گونه‌های طبیعت مادی؛ *gunavān*: تحت تأثیر گونه‌ها؛ *iva*: چنانچه؛ *antaḥ*: درون؛ *praviṣṭaḥ*: داخل شد به؛ *ābhāti*: به‌نظر می‌رسد باشد؛ *vijñānena*: از طریق آگاهی متعال؛ *vijṛmbhitaḥ*: کاملاً روشن‌شده.

ترجمه

خداوند [وآسودوا] پس از آفرینش جوهر مادی، با بسط دادن خویش، به درون آن وارد می‌شود. و هر چند او درون گونه‌های مادی طبیعت قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد که یکی از احاد خلق شده است، اما او همواره در مقام متعالش به طرز کاملی در اشراق قرار دارد.

شرح

موجودات زنده، اجزاء و ذرات جدا شده‌ی خداوند هستند. و موجودات زنده‌ی مقید، یعنی آنان که شایستگی ملکوت روحانی خداوند را نداشته‌اند، به منظور لذت بردن از ماده تا سرحد امکان، در دنیای مادی پراکنده شده‌اند. خداوند، از طریق یکی از بسط‌های کاملش، به صورت پاراماتما و دوست جاودان موجودات زنده، آنها را در دنیای مادی همراهی می‌کند تا ایشان را در جستجوی لذت مادی‌شان هدایت کند و شاهد و ناظر تمامی اعمال آنان گردد. وقتی موجودات زنده در موقعیت‌های مادی لذت می‌برند، خداوند بی‌آنکه تحت تأثیر فضای مادی قرار گیرد، وضعیت متعال خود را حفظ می‌کند. متون مقدس ودایی (شروتی) از دو پرنده‌ای که بر روی درختی نشسته‌اند سخن می‌گویند. یکی از آنها مشغول خوردن میوه‌ی درخت است، در حالی که دیگری ناظر اعمال او است. پرنده‌ی ناظر، خداوند، و پرنده‌ای که میوه می‌خورد، موجود زنده است. خورنده‌ی میوه یا بهره‌برنده از نتیجه و ثمر (موجود زنده)، هویت حقیقی‌اش را فراموش کرده و غرق در اعمال ثمرجویانه‌ی اوضاع مادی شده است؛ اما خداوند (پاراماتما) همواره مملو از دانش متعال است. این تفاوت بین روح متعال و روح مقید است. روح مقید یا موجود زنده را قوانین طبیعت اداره می‌کنند در حالی که پاراماتما، یا روح متعال، گرداننده‌ی نیروی مادی است.

آیه ۳۲

*yathā hy avahito vahnir
dāruṣv ekaḥ sva-yoniṣu
nāneva bhāti viśvātmā
bhūteṣu ca tathā pumān*

yathā: آن قدر که؛ *hi*: دقیقاً، همچون؛ *avahitaḥ*: اشباع شده با؛ *vahnih*: آتش؛ *dāruṣu*: در چوب؛ *ekaḥ*: یک؛ *sva-yoniṣu*: منشاء تجلیات؛ *nānā iva*: مانند موجودات گوناگون؛ *bhāti*: روشن می‌کند؛ *viśva-ātmā*: خداوند به صورت پاراماتما؛ *bhūteṣu*: در موجودات زنده؛ *ca*: و؛ *tathā*: به همان ترتیب؛ *pumān*: شخص مطلق.

ترجمه

همان‌گونه که آتش در چوب سرایت می‌کند، خداوند به صورت روح متعال در هر چیز نفوذ می‌نماید و در نتیجه با تنوعات بسیار به نظر می‌رسد، هر چند او آن یگانه‌ی مطلق بی‌همتا است.

شرح

خداوند و آسودوا، شخصیت‌های پروردگار، از طریق یکی از بخش‌های کاملش، خود را در سراسر جهان مادی بسط می‌دهد و وجودش را حتی درون انرژی اتمی نیز می‌توان درک کرد. ماده، ضد ماده، پروتون، نوترون و غیره همگی جلوه‌های گوناگون وجه پارامتامای خداوند هستند. همان‌گونه که آتش از چوب متجلی می‌شود، یا همان‌گونه که کره از به‌هم زدن شیر حاصل می‌شود، حضور خداوند به صورت پاراماتما را نیز می‌توان از طریق روند شنیدن و ذکر کردن موثق موضوعات متعال و روحانی که به‌خصوص در متون مقدس ودایی همچون اوپانیشادها و ودانتا مطرح شده است، احساس کرد، و شریماد-بهاگواتام شرح موثق متون مقدس ودایی است. خداوند را می‌توان از طریق شنیدن پیغام متعال درک کرد و این تنها راه تجربه‌ی موضوعات متعال روحانی است. همان‌گونه که آتش در چوب از طریق آتش دیگری برافروخته می‌شود، آگاهی الهی انسان را نیز مشابهاً می‌توان از طریق شخصی خودشناخته و هدایت‌شده‌ی دیگری احیا کرد. پیر روحانی که رحمت الهی است، می‌تواند با منتقل کردن

پیغام‌های روحانی صحیح در گوش شنوای موجود زنده که در حکم چوب است، آتش روحانی را در او برافروزد. بنابراین برای شنیدن پیام‌های روحانی باید با گوشی شنوا به پیر روحانی شایسته مراجعه کرد و از این طریق است که وجود الهی به تدریج درک می‌شود. تفاوت بین حیوانیت و انسانیت فقط در این موضوع نهفته است. انسان می‌تواند به طرز صحیحی بشنود، در حالی که حیوان نمی‌تواند.

آیه ۳۳

*asau guṇamayair bhāvair
bhūta-sūkṣmendriyātmabhiḥ
sva-nirmiteṣu nirviṣṭo
bhunkte bhūteṣu tad-guṇān*

asau: آن پاراماتما؛ *guṇa-mayaiḥ*: تحت تأثیر گونه‌های طبیعت؛ *bhāvaiḥ*: به طور طبیعی؛ *bhūta*: خلق شده؛ *sūkṣma*: ظریف، لطیف؛ *indriya*: حواس؛ *ātmabhiḥ*: از طریق موجودات زنده؛ *sva-nirmiteṣu*: در خلقت خودش؛ *nirviṣṭaḥ*: داخل شدن؛ *bhunkte*: باعث لذت می‌شود؛ *bhūteṣu*: در موجودات زنده؛ *tad-guṇān*: این گونه‌های طبیعت.

ترجمه

روح متعال وارد کالدهای موجودات خلق شده که تحت تأثیر گونه‌های طبیعت مادی‌اند می‌شود و سبب می‌گردد که آنان از طریق ذهن لطیف از تأثیرات این گونه‌ها لذت برند.

شرح

نوع موجود زنده وجود دارد که از هوشمندترین آنان یعنی برهما گرفته تا مورچه‌ی ناچیز، همگی بر اساس خواسته‌های ذهن لطیف و کالبد مادی زمخت مشغول لذت بردن هستند. بدن مادی زمخت بر اساس وضعیت ذهن لطیف شکل می‌گیرد؛ زیرا حواس بر اساس خواسته‌ی موجود زنده خلق شده‌اند. خداوند به صورت پاراماتما به موجود زنده کمک می‌کند تا به لذت

مادی دست یابد؛ زیرا موجود زنده در نیل به آنچه آرزو می‌کند کاملاً عاجز است. او مطرح می‌کند و خواسته را بروز می‌دهد و خداوند برآورده می‌سازد و تحقق می‌بخشد. از طرف دیگر، موجودات زنده اجزاء و ذرات خداوند، و بنابراین با خداوند یکی هستند. خداوند در بهاگاواد-گیتا خود را پدر همه‌ی موجودات زنده با انواع کالیدهای گوناگون اعلام می‌کند و آنان را فرزندان خود می‌شمرد. درد و لذت فرزند به طور غیرمستقیم درد و لذت پدر محسوب می‌شود. با وجود این، پدر به هیچ وجه مستقیماً با رنج و لذت فرزند خود متأثر نمی‌شود. خداوند چنان مهربان است که دائماً به صورت پاراماتما همراه موجود زنده باقی می‌ماند و سعی می‌کند او را به سمت شادی و خوشبختی حقیقی سوق دهد.

آیه ۳۴

*bhāvayaty eṣa sattvena
lokān vai loka-bhāvanah
līlavatārānurato
deva-tiryak-narādiṣu*

bhāvayati: حفظ می‌کند؛ *eṣaḥ*: تمامی اینها؛ *sattvena*: در گونه‌ی نیکی؛ *lokān*: سراسر جهان؛ *vai*: به طور کلی؛ *loka-bhāvanah*: صاحب و حکمران تمام جهان‌ها؛ *līlā*: بازی‌های روحانی، اعمال روحانی؛ *avatāra*: ظهور؛ *anurataḥ*: به عهده گرفتن نقش؛ *deva*: خداوندگاران؛ *tiryak*: حیوانات فروتر؛ *nara-ādiṣu*: در میان موجودات انسانی.

ترجمه

بدین‌سان خداوند جهان‌ها، تمامی سیارات را که خداوندگاران، انسان‌ها و حیوانات فروتر در آن اسکان یافته‌اند حفظ می‌کند. او با پذیرش نقش‌های ظهورات، بازی‌ها و اعمال روحانی، خویش را برای رهایی کسانی که در گونه‌ی نیکی پاک و خالص قرار دارند، به نمایش می‌گذارد.

شرح

جهان‌های مادی بی‌شماری وجود دارد که هر یک از آنها شامل سیارات بی‌شماری می‌شوند. در

هر یک از این سیارات، مراتب مختلف موجودات زنده که هر کدام به صورت خاصی تحت تأثیر گونه‌های مختلف طبیعت هستند، سکنی دارند. خداوند (ویشنو) خود را در هر یک از آن سیارات و در هر یک از اجتماعات موجودات زنده ظاهر می‌کند. او فقط به منظور اینکه خواسته‌ی بازگشت نزد خویش را در آنان ایجاد کند، اعمال روحانی‌اش را در میان آنان متجلی می‌کند. خداوند موقعیت روحانی اصلی‌اش را تغییر نمی‌دهد، بلکه چنین به نظر می‌رسد که بر اساس زمان، مکان و جامعه‌ای خاص، به گونه‌ای متفاوت متجلی شده است.

گاهی اوقات خود شخصاً ظاهر می‌شود یا موجود زنده‌ی مناسبی را برای عمل کردن به جای خویش، اقتدار می‌بخشد. اما در هر دو مورد، هدف یکی است: بازگرداندن موجود زنده‌ی واقع در رنج به ملکوت خود، نزد خویشتن. شادی و خوشبختی‌ای که موجودات زنده به دنبال آن‌اند در هیچ نقطه‌ای از سیارات مادی جهان‌های بی‌شمار یافت نمی‌شود. شادی و لذت جاودانی که موجود زنده طالب آن است فقط در ملکوت خداوند دست یافتنی است، اما موجودات زنده‌ی فراموشکارِ تحت نفوذ گونه‌های مادی، هیچ‌گونه اطلاعی از ملکوت خداوند ندارند. بنابراین، خداوند می‌آید تا پیام ملکوت خود را اشاعه دهد، چه شخصاً از طریق یکی از ظهورات خود، چه از طریق نماینده‌ی معتبر و موثقش به صورت فرزند پاک خویش. این‌گونه ظهورات یا فرزندان خداوند، ابلاغ پیام به منظور بازگشت نزد او را فقط منوط به جامعه‌ی انسانی نمی‌کنند، بلکه فعالیت آنان در رده‌های مختلف موجودات زنده، از خداوندگاران گرفته تا موجودات پست‌تر از انسان، تسری می‌یابد.

بدین‌سان شرح‌های بهاکتی ودانتا بر فصل دوم جزء اول شریما-بهاگاواتام با عنوان "الوهیت و خدمت الهی" پایان می‌یابد.

فصل سوم

کریشنا منشاء تمام ظهورات است

آیه ۱

sūta uvāca
jagṛhe pauruṣaṁ rūpaṁ
bhagavān mahad-ādibhiḥ
sambhūtaṁ ṣoḍaśa-kalam
ādau loka-sisṛkṣayā

sūtaḥ uvāca: سوتا گفت؛ *jagṛhe*: پذیرفت؛ *pauruṣaṁ*: بسط کامل به صورت ظهور پوروشا؛ *rūpaṁ*: شکل؛ *bhagavān*: شخصیت پروردگار؛ *mahat-ādibhiḥ*: با عناصر تشکیل‌دهنده‌ی دنیای مادی؛ *sambhūtaṁ*: بدین‌سان آفرینش ... صورت گرفت؛ *-ṣoḍaśa-kalam*: شانزده اصل اولیه؛ *ādau*: در آغاز؛ *loka*: جهان‌ها؛ *sisṛkṣayā*: به قصد آفرینش.

ترجمه

سوتا گفت: در آغاز آفرینش، خداوند نخست خود را به شکل جهانی پوروشا آواتارا بسط داد و تمامی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آفرینش مادی متجلی ساخت. بدین‌سان به منظور آفرینش جهان مادی، در ابتدا شانزده اصل عمل مادی پدید آمد.

شرح

بهاگاود-گیتا اظهار می‌کند که شخصیت پروردگار شری کریشنا جهان‌های مادی را از طریق بسط دادن بسط‌های کاملش حفظ می‌کند. در نتیجه این شکل پرروشا، تصدیق همان حقیقت است. و آیه‌ی حاضر اظهارات بهاگاود-گیتا را تأیید می‌کند. شخصیت اصلی خداوند و آسودوا، یا خداوند کریشنا، که به عنوان پسر پادشاه و آسودوا یا پادشاه ناندنا معروف است، صاحب کل ثروت، کل قدرت، کل شهرت، کل زیبایی، کل دانش و کل انقطاع است. قسمتی از توانگری‌هایش به صورت برهمن فاقد شخصیت و قسمتی دیگر به صورت پاراماتما متجلی می‌شود. این شکل پرروشای شخصیت خداوند شری کریشنا، تجلی اولیه‌ی پاراماتمای خداوند است. سه شکل پرروشا در آفرینش مادی متجلی می‌شود که نخستین آنها به عنوان کارانوداکاشایی ویشنو (*Kāraṇodakaśāyī Viṣṇu*) معروف است. پرروشاهای دیگر به ترتیب به عنوان گاربهوگاشایی ویشنو (*Garbhodakaśāyī Viṣṇu*) و کشیروداکاشایی ویشنو (*Kṣīrodakaśāyī Viṣṇu*) شناخته می‌شوند. جهان‌های بی‌شماری از منافذ پوست کارانوداکاشایی ویشنو ایجاد می‌شود و خداوند به صورت گارابهوداکاشایی ویشنو وارد تمامی این جهان‌ها می‌گردد.

در بهاگاود-گیتا همچنین گفته شده است که دنیای مادی در فواصل معین زمانی خلق و سپس دوباره نابود می‌شود. این خلقت و فنا به خاطر ارواح مقید، یا موجودات زنده‌ی نیتیا-بادها (*nitya-baddha*) از طریق اراده‌ی متعال صورت می‌پذیرد. نیتیا-بادها، یا ارواح مقیدجاودان، دارای حس فردیت کاذب یا آهانکارا (*ahankāra*) هستند. آهانکارا به آنان حکم می‌کند که در پی لذت حواس و کامجویی باشند؛ در حالی که به طور فطری و بنیادی قادر به لذت بردن نیستند. خداوند، یگانه لذت‌برنده است و دیگران همگی موضوعات لذت‌اند. موجودات زنده، لذت‌برندگان تحت سلطه و تابع‌اند. اما آنان یعنی ارواح مقید جاودان، با فراموش کردن موقعیت فطری خویش، خواسته‌ای قوی برای لذت بردن دارند. بدین سبب خداوند فرصت لذت بردن از ماده را در دنیای مادی به ارواح مقید می‌دهد و در کنار آن، فرصت درک موقعیت حقیقی فطری‌شان را نیز به آنها اعطا می‌کند. آن موجودات زنده‌ی خوشبختی که حقیقت را به چنگ می‌آورند و پس از تولدهای بی‌شمار و پیاپی در دنیای مادی، به قدوم نیلوفرین و آسودوا تسلیم می‌شوند، به ارواح رهاشده‌ی جاودان می‌پیوندند و بدین‌سان به آنها اجازه داده می‌شود که به ملکوت خداوند داخل شوند. از آن پس، آنها دیگر وارد آفرینش مادی متناوب نمی‌شوند. اما آن

کسانی که نمی‌توانند به حقیقت فطرت جاودان خویش پی ببرند دوباره در زمان نابودی آفرینش مادی در ماهات- تاتوا (*mahat-tattva*) غرق می‌شوند. هنگامی که آفرینش، دوباره صورت می‌پذیرد ماهات- تاتوا که شامل تمامی اجزاء تشکیل دهنده‌ی تجلیات مادی، و نیز ارواح مقید است مجدداً آزاد می‌گردد. ماهات - تاتوا در آغاز به شانزده قسمت تقسیم می‌شود: پنج عنصر مادی زمخت و یازده نوع حس یا ابزار عمل‌کننده. ماهات-تاتوا همچون ابری در آسمان صاف دنیای روحانی است؛ آسمانی که تشعشع برهمن در همه‌جای آن گسترده شده است و کل نظام در روشنایی روحانی می‌درخشد. ماهات- تاتوا در گوشه‌ای از آسمان روحانی بی‌نهایت عظیم و نامحدود جمع شده است و قسمتی که این‌چنین با ماهات- تاتوا پوشانیده شده است، آسمان مادی خوانده می‌شود. این قسمت از آسمان روحانی، که ماهات- تاتوا خوانده می‌شود، بخشی جزئی از کل آسمان روحانی را تشکیل می‌دهد و درون این ماهات- تاتوا بی‌نهایت جهان وجود دارد. تمامی این جهان‌ها را کارانوداکاشایی ویشنو - که ماها- ویشنو نیز خوانده می‌شود- صرفاً با آستن کردن آسمان مادی از طریق نظر انداختن بر آن، یکجا و باهم ایجاد نموده است.

آیه ۲

*yasyāmbhasi śayānasya
yoga-nidrām vitanvataḥ
nābhi-hradāmbujād āsīt
brahmā viśva-sṛjām patih*

yasya: که مال او؛ *ambhasi*: در آب؛ *śayānasya*: دراز کشیدن؛ *yoga-nidrām*: خواب در مراقبه؛ *vitanvataḥ*: تهیه کردن، حاجات را برآورده کردن، مجهز کردن؛ *nābhi*: ناف؛ *hrada*: خارج از دریاچه؛ *ambujāt*: از نیلوفر آبی؛ *āsīt*: متجلی شد؛ *brahmā*: نیای موجودات زنده؛ *viśva*: جهان؛ *sṛjām*: مهندسان؛ *patih*: ارباب.

ترجمه

جزئی از پوروشا درون آب‌های جهان دراز می‌کشد، و از دریاچه‌ی نافش ساقه‌ی نیلوفری آبی می‌روید که از گل آن، برهما، استاد و ارباب تمام مهندسان جهان، متجلی می‌گردد.

شرح

نخستین پوروشا، کارنوداکاشایی ویشنو است. از منافذ پوستش بی‌نهایت جهان خارج می‌شود و پوروشا، به صورت گاربهوداکاشایی ویشنو وارد هر یک از آنان می‌گردد. او در نیمی از جهان که آب بدنش آن را پر کرده است دراز می‌کشد. از ناف گاربهوداکاشایی ویشنو، ساقه‌ی گل نیلوفر آبی‌ای جوانه می‌زند که محل تولد برهماست. برهما پدر تمام موجودات زنده است و همچنین ارباب تمام خداوندگاران مهندسی که مشغول طراحی و گرداندن کامل و بی‌نقص نظام جهانی‌اند. درون ساقه‌ی نیلوفر آبی، چهارده بخش منظومه‌ی سیاره‌ای وجود دارد که سیارات زمینی در وسط آنها واقع شده‌اند. قسمت فوقانی را منظومه‌های سیاره‌ای برتر که والاترین آنها منظومه‌ی برهما لوکا یا ساتیا لوکا است و قسمت تحتانی را هفت منظومه‌ی سیاره‌ای فروتر تشکیل می‌دهند که آسوراها و موجودات زنده‌ی مشابه دیگر در آن جا اقامت دارند.

از گاربهوداکاشایی ویشنو، بسط کشیروداکاشایی ویشنو به وجود می‌آید، که پارامتامای اشتراکی تمام موجودات زنده است. او هاری خوانده می‌شود و از وی تمام ظهورات، درون جهان بسط می‌یابند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که پوروشا- آواتارا به سه وجه متجلی می‌شود: نخستین وجه، کارنوداکاشایی ویشنو است که اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی متراکم مادی در ماهات- تاتوا را خلق می‌کند؛ دومین، گاربهوداکاشایی ویشنو که به درون هر جهان وارد می‌شود؛ و سومین، کشیروداکاشایی ویشنو که پارامتامای حاضر در هر شیئی مادی، اعم از آلی و غیر آلی است. کسی که این سه وجه کامل شخصیت خداوند را بشناسد، خداوند را به طرز صحیحی شناخته است و در نتیجه همان‌گونه که در بهاگاواد-گیتا تصریح شده است از شرایط مادی تولد، مرگ، پیری و بیماری، رها می‌شود. در این اشلوکا توضیح در مورد ماهات- ویشنو خلاصه شده است. ماهات- ویشنو در قسمتی از آسمان روحانی یا اقیانوس کارانا، با اراده‌ی آزاد خود دراز می‌کشد و از آن جا بر طبیعت مادی نظر می‌افکند و ماهات- تاتوا بلافاصله خلق می‌شود. بدین‌سان طبیعت مادی از طریق قدرت خداوند، همانند آنکه جریان برق به آن وارد شده باشد، بلافاصله جهان‌های بی‌شماری را ایجاد می‌کند؛ درست همان‌گونه که درخت طی زمان مقرر، خود را با بی‌شمار میوه‌ی رسیده تزئین می‌کند. تخم درخت را کشاورز می‌کارد و درخت در طی زمان و دوره‌ی مقرر با میوه‌های بسیار متجلی می‌شود. هیچ چیز نمی‌تواند بدون علت رخ دهد. بدین‌جهت، اقیانوسی که ماهاویشنو بر روی آن دراز می‌کشد اقیانوس کارانا یا علیت خوانده می‌شود زیرا آفرینش از آن جا آغاز می‌گردد. ما نباید ابلهانه نظریه‌ی خدانسانانه‌ی آفرینش را بپذیریم.

همان گونه که در بهاگاواد-گیتا توصیف شده است، خدانشناسان خالق را باور ندارند، اما در عین حال نیز نمی‌توانند از طریق ارائه‌ی نظریه‌ی درستی، چگونگی آفرینش را توضیح دهند. طبیعت مادی بدون قدرت پوروشا، توانایی خلق ندارد. درست همان گونه که پراکرتی، یا زن، نمی‌تواند بدون رابطه با پوروشا، یا مرد، فرزندی ایجاد کند. پوروشا باور می‌سازد و پراکرتی می‌زاید و ارائه می‌کند. ما نباید از زائده‌های گوشتی گردن بز انتظار شیر داشته باشیم، هر چند آنها شبیه به برجستگی‌های پستان به نظر می‌رسند. مشابهاً، ما نباید به هیچ‌وجه انتظار توانایی خلق از اجزاء مادی داشته باشیم؛ بلکه باید به قدرت پوروشا، که پراکرتی یا طبیعت را باور می‌سازد ایمان بیاوریم. چون خداوند اراده کرد در مراقبه دراز بکشد، انرژی مادی، جهان‌های بی‌شماری را یکجا و بی‌درنگ خلق کرد که در هر یک از آنها خداوند وارد شد و دراز کشید و بدین‌سان تمامی سیارات و ملحقات گوناگون بلافاصله و با هم از طریق مشیت خداوند خلق شدند. خداوند نیروهای نامحدودی دارد و هر چند شخصاً کاری برای انجام دادن ندارد، می‌تواند هرگونه که اراده کند و میل داشته باشد، با برنامه‌ریزی‌ای بی‌نقص عمل نماید. هیچ‌کس برتر از او یا برابر با او نیست. این حکم نهایی و داهاست.

آیه ۳

*yasyāvayava-saṁsthānaiḥ
kalpito loka-vistaraḥ
tad vai bhagavato rūpam
viśuddham sattvam ūrjitam*

yasya: که مال او؛ *avayava*: بسط بدنی؛ *saṁsthānaiḥ*: واقع‌شده در؛ *kalpitaḥ*: تصور شده است؛ *loka*: سیارات ساکنان؛ *vistaraḥ*: گوناگون؛ *tad vai*: اما آن هست؛ *bhagavataḥ*: مربوط به شخصیت پروردگار؛ *rūpam*: شکل؛ *viśuddham*: به‌طرز پاک و خالص؛ *sattvam*: وجود، هستی؛ *ūrjitam*: برتری، تفوق.

ترجمه

اعتقاد بر این است که تمام منظومه‌های سیاره‌ای جهان در پیکر پهناور پوروشا قرار گرفته‌اند، اما او هیچ کاری با عناصر مادی خلق شده ندارد. کالبد او به طور

جاودان و به حد کمال در موجودیت روحانی واقع است.

شرح

ادراک و تصور ویرات- روپا یا ویشوا- روپای حقیقت مطلق متعال یا شکل جهانی خداوند به خصوص برای مبتدیانی منظور شده است که قادر نیستند به شکل شخصیت خداوند فکر کنند. برای چنین افرادی شکل باید الزاماً از جنس ماده باشد و متعلق به این دنیای مادی؛ بنابراین در آغاز، برای متمرکز کردن ذهنشان روی قدرت گسترده‌ی خداوند، ضروری است که ادراک و تصویری متفاوت با مطلق در اختیارشان قرار گیرد. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، خداوند نیروی خود را به شکل ماهات- تاتوا بسط می‌دهد، که شامل تمام عناصر مادی است. به عبارتی، قدرت‌های بسط‌یافته‌ی خداوند و شخص خداوند یکی هستند، اما در عین حال ماهات- تاتوا نیز با خداوند متفاوت است. بنابراین خداوند و نیروی او به طور همزمان یکی و با یکدیگر متفاوت هستند. بدین‌سان، مفهوم ویرات- روپا، به خصوص برای بی‌هویت‌گرایان، با شکل جاودان خداوند متفاوت نیست. ولی باید دانست که شکل جاودان خداوند پیش از خلق ماهات - تاتوا وجود داشته است و در این‌جا تأکید شده است که شکل جاودان خداوند، به‌علاوه درجه روحانی است و ورای گونه‌های طبیعت مادی قرار گرفته است. نیروی درونی خداوند شکل روحانی او را متجلی می‌سازد و شکل‌گیری تجلیاتِ ظهوراتِ گوناگون او بدون هیچ‌گونه تماس با ماهات- تاتوا، همواره از همان کیفیت روحانی برخوردار است.

آیه ۴

*paśyanti ado rūpam adabhra-cakṣuṣā
sahasra-pādorū-bhujānanādbhutam
sahasra-mūrdha-śravaṇākṣi-nāsikam
sahasra-mauly-ambara-kuṇḍalollasat*

paśyanti: می‌بینند؛ *adaḥ*: شکل پوروشا؛ *rūpam*: شکل؛ *adabhra*: کامل؛ *cakṣuṣā*: با چشمان؛ *sahasra-pāda*: هزاران پا؛ *ūru*: ران‌ها؛ *bhujā-ānana*: دست‌ها و صورت‌ها؛ *adbhutam*: شگفت‌انگیز، خارق‌العاده؛ *sahasra*: هزاران؛ *mūrdha*: سرها؛ *śravaṇa*: گوش‌ها؛ *akṣi*: چشم‌ها؛ *nāsikam*: بینی‌ها؛ *sahasra*: هزاران؛ *mauli*: حلقه‌های گل؛

ambara: لباس‌ها؛ *kunḍala*: گوشواره‌ها؛ *ullasat*: همگی درخشان.

ترجمه

عابدان خداوند، با چشمان کامل خود، شکل متعال پوروشا را می‌بینند که هزاران پا، ران، بازو و صورت دارد و همگی خارق‌العاده‌اند. در آن کالبد، هزاران سر، گوش، چشم و بینی وجود دارد که با هزاران کلاه خود و گوشواره‌های درخشان تزیین، و با حلقه‌های گل آراسته شده‌اند.

شرح

ما با حواس مادی‌شده‌ی کنونی‌مان قادر نیستیم هیچ‌گونه چیزی از خداوند متعال را ببینیم. ما باید حواس کنونی خود را به کمک روش خدمت عابدانه تصحیح کنیم و پس از آن خداوند خود بر ما آشکار خواهد شد. بهاگاواد-گیتا تصریح می‌کند که خداوند فقط از طریق خدمت عابدانه‌ی پاک و خالص قابل درک و رؤیت است. در وداها نیز تأکید و تصدیق شده است که فقط خدمت عابدانه می‌تواند شخص را به سوی خداوند هدایت کند و او را بر شخص آشکار سازد. در برهما-سامهیتا نیز گفته شده که خداوند همواره برای عابدانی که چشمانشان با خدمت عابدانه‌ی او تدهین شده، مشهود است. بنابراین ما باید اطلاعات مربوط به شکل روحانی خداوند را از اشخاصی دریافت کنیم که واقعاً او را با چشمان کامل دیده‌اند؛ یعنی چشمانی آغشته به خدمت حاکمی از عشق و عبودیت. در دنیای مادی نیز، گاهی اوقات، ما بعضی از پدیده‌ها را با چشمان خود نمی‌بینیم، بلکه از طریق تجربیات دیگران آنها را می‌بینیم و حس می‌کنیم. اگر این راه برای تجربه‌ی یک پدیده‌ی مادی به کار آید چرا به طریق کامل‌تری در موضوعات متعال صدق نکند؟ در نتیجه فقط با بردباری و پشتکار، مداومت و ثبات قدم می‌توانیم آنچه را که مربوط به حقیقت مطلق و اشکال گوناگون آن می‌شود درک کنیم. خداوند برای مبتدیان راه معرفت، فاقد شکل است، اما خادم خیره و عابدش او را همان‌گونه که هست یعنی در شکل روحانی خود می‌بیند.

آیه ۵

etan nānāvātārāṇām
nidhānam bijam avyayam
yasyāmśāmsēna srjyante

deva-tiryāṅ-narādayaḥ

etat: این (شکل)؛ *nana*: متنوع، گوناگون؛ *avatārāṅām*: مربوط به ظهورات؛ *midhānam*: منبع؛ *bījam*: تخم؛ *avyayam*: فناپذیر؛ *yasya*: کسی که (مال او)؛ *aṁśa*: بسط کامل؛ *aṁśena*: قسمتی از بسط کامل؛ *srjyante*: خلق می‌کند؛ *deva*: خداوندگاران؛ *tiryak*: حیوانات؛ *nara-ādayaḥ*: موجودات انسانی و دیگران.

ترجمه

این شکل [دومین تجلی پوروشا] منشاء و تخم فناپذیر ظهورات گوناگون درون جهان است. از ذرات و قسمت‌های این شکل است که موجودات زنده‌ی گوناگون، همچون خداوندگاران، انسان‌ها و دیگران، خلق می‌شوند.

شرح

پوروشا، پس از خلق بی‌شمار جهان در ماهات-تاتوا، به صورت دومین پوروشا یعنی گاربهوداکاشایی ویشنو وارد هر یک از آنها شد. وی وقتی دید درون جهان فقط تاریکی و فضا وجود دارد، و هیچ مکانی برای استراحت نیست، نیمی از جهان را با آب ناشی از تعلق خود پُر کرد و در همان آب دراز کشید. این آب، گاربهوداکا (*Garbhodaka*) خوانده می‌شود. سپس از نافش، ساقه‌ی گل نیلوفر آبی‌ای جوانه زد که روی گلبرگ‌های آن، برهما، یا مهندس اصلی نقشه‌ی جهانی متولد شد. برهما، مهندس و طراح جهان شد و خداوند خود مسئولیت نگهداری جهان را به صورت ویشنو پذیرفت. برهما از راجو-گونای (*rajo-guna*) پراکریتی، یا گونه‌ی شهوتِ طبیعت ایجاد گشت و ویشنو، خداوند گونه‌ی نیک‌ی شد. همان گونه که قبلاً توضیح داده شد، ویشنو ورای تمام گونه‌ها، و بدین سبب همواره از تعلق مادی مبری است. از برهما، رودرا (شیوا) پدید می‌آید که مسئول گونه‌ی جهل یا تاریکی است و هم اوست که کل خلقت را با اراده‌ی خداوند نابود می‌کند. بنابراین برهما، ویشنو و شیوا، هر سه ظهورات گاربهوداکاشایی ویشنو هستند. از برهما، خداوندگاران دیگر همچون داکشا، ماریچی، مانو و بسیاری دیگر ظاهر می‌شوند تا موجودات زنده‌ی درون جهان را ایجاد کنند. از گاربهوداکاشایی ویشنو، در سرودهای گاربها-ستوتی (*Garbha-stuti*) وداها تجلیل شده است که این سرودها با توصیف خداوند به صورت هزاران سر و غیره آغاز می‌شوند. گاربهوداکاشایی ویشنو، خداوند جهان است و هر چند به

نظر می‌رسد که درون جهان دراز کشیده است، ولی همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، همواره متعال و روحانی است. ویشنوی که بسط کامل گاربهوداکاشایی ویشنو است، روح متعال زندگی جهانی می‌باشد، و به عنوان نگهدارنده‌ی جهان یا کشیروداکاشایی ویشنو معروف است. پس سه وجه پوروشای اصلی بدین‌سان درک می‌شوند. و تمام ظهورات درون جهان یا آواتارها، تجلیاتی از این کشیروداکاشایی ویشنو هستند.

در اعصار گوناگون، ظهورات مختلف بی‌شماری متجلی می‌شوند که برخی از آنها همچون ماتسیا، کورما، واراها، راما، نریشیما، واما و بسیاری دیگر برجسته‌اند. این ظهورات، ظهورات لیل (līlā) [لیلا-آواتارا] خوانده می‌شوند. ظهورات کیفی همچون برهما، ویشنو و شیوا (یا رودرا) [که گونا-آواتارا نامیده می‌شوند]، مسئولیت گونه‌های مختلف طبیعت مادی را برعهده دارند.

ویشنو با شخصیت پروردگار متفاوت نیست. شیوا در موقعیتی حاشیه‌ای بین شخصیت پروردگار و موجودات زنده، یا جیوها قرار دارد، و برهما همواره یک جیوا-تاتوا است. برترین موجود زنده‌ی متقی، یا بزرگ‌ترین عابد خداوند، با نیروی او، اقتدار می‌یابد تا آفرینش را انجام دهد و برهما خوانده می‌شود. قدرت او همچون قدرت تابش خورشید است که در سنگ‌های قیمتی و جواهرات ارزشمند منعکس شده باشد. وقتی چنین موجود زنده‌ای وجود نداشته باشد که سیمت برهما را احراز کند، خداوند خود برهما می‌شود و مسئولیت این سیمت را برعهده می‌گیرد.

شیوا موجود زنده‌ی عادی نیست. او بسط کامل خداوند است، اما به علت تماس مستقیم با طبیعت مادی، دقیقاً همان مقام متعال و روحانی ویشنو را ندارد. تفاوت بین آنها را می‌توان به تفاوت بین شیر و پنیر تشبیه کرد. پنیر چیزی جز شیر نیست، ولی با وجود این، نمی‌توان از آن به جای شیر استفاده کرد.

ظهورات بعدی مانوها هستند. در طول یک روز زندگی برهما که چهار میلیارد و سیصد میلیون (۴/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) سال خورشیدی را تشکیل می‌دهد، چهارده مانو ظاهر می‌شوند. بنابراین ۴۲۰ مانو در یک ماه برهما و ۵۰۴۰ مانو در یک سال برهما متجلی می‌شوند. برهما یکصد سال زندگی می‌کند و بنابراین ۵۰۴۰×۱۰۰ یا ۵۰۴۰۰۰ مانو در طول عمر برهما ظاهر می‌شوند. جهان‌های بی‌شماری وجود دارد، که هر یک از آنها را یک برهما اداره می‌کند و همگی آنها در طول زمان تنفس پوروشا، خلق و نابود می‌شوند. بنابراین تصور تعداد مانوهایی که در خلال یک تنفس پوروشا به وجود می‌آیند بسیار مشکل است.

مانوهای برجسته‌ی جهان ما عبارتند از: یاگیا (*Yajña*) به عنوان سویامبهووا مانو (*Svārociṣa*)، ویبهو (*Vibhu*) به عنوان سواروچی‌شا مانو (*Svārociṣa*)

(Manu)، ساتیاسینا (Satyasena) به عنوان اوتاما مانو (Uttama Manu)، هاری (Hari) به عنوان تاماسا مانو (Tāmasa Manu)، وایکهنوتها (Vaikuṅṭha) به عنوان رایواتا مانو (Raivata Manu)، آجیتا (Ajita) به عنوان چاکشوشا مانو (Cākṣuṣa Manu)، وامانا (Vāmana) به عنوان وایواسواتا مانو (Vaivasvata Manu) که عصر کنونی زیر نفوذ وایواسواتا مانو است، ساروابهوما (Sārvabhauma) به عنوان ساواری مانو (Sāvarṇi) (Sāvarṇi Manu)، ریشابهیا (Rṣabha) به عنوان داکشاساواری مانو (Dakṣasāvarṇi Manu)، ویشواکسینا (Viṣvaksena) به عنوان برهما-ساواری مانو (Brahma-sāvarṇi)، دهارمایتو (Dharmasetu) به عنوان دهارما-ساواری مانو (Dharma-sāvarṇi Manu)، سودهاما (Sudhāmā) به عنوان رودرا-ساواری مانو (Rudra-sāvarṇi Manu)، یوگشوارا (Yogeśvara) به عنوان دیوا-ساواری مانو (Deva-sāvarṇi Manu) و بریهادبهانو (Bṛhadbhānu) به عنوان ایندرا-ساواری مانو (Indra-sāvarṇi Manu). اینها نام یک سلسله از چهارده مانویی است که در خلال ۴/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سال خورشیدی همان گونه که در فوق توصیف شد، پدیدار می‌شوند.

سپس از یوگا آواتاراها (yugāvātāra)، یا ظهورات عصر می‌توان نام برد. چهار یوگا یا عصر وجود دارد که با نام‌های ساتیا-یوگا (Satya-yuga)، تریتا - یوگا (Tretā-yuga)، دوآپارا-یوگا (Dvāpara-yuga) و کالی-یوگا (Kali-yuga) شناخته می‌شوند. ظهور هر یوگا به رنگ متفاوتی متجلی می‌شود که این رنگ‌ها به ترتیب سفید، قرمز، سیاه و زرد هستند. در دوآپارا-یوگا، خداوند کریشنا به رنگ سیاه و در کالی-یوگا، خداوند چیتانیا به رنگ زرد ظاهر شدند.

بدین ترتیب، تمام ظهورات خداوند در کتب مقدس یا شاستراها ذکر شده‌اند. پس هیچ‌گونه فرصتی برای اینکه فردی متظاهر خود را ظهور خداوند قلمداد کند وجود ندارد. از طرفی دیگر، ظهور خداوند هیچ‌گاه خود را به عنوان ظهور خداوند اعلام نمی‌کند، بلکه حکیمان بزرگ از طریق نشانه‌هایی که در کتب مقدس ذکر گردیده است، یعنی شکل او و مأموریتی که برای انجام آن ظاهر می‌گردد، هم رأی می‌شوند و او را به عنوان ظهور خداوند اعلام می‌کنند. به غیر از ظهورات مستقیم، بی‌شمار ظهورات قدرت‌یافته وجود دارند که از آنها نیز در کتب مقدس یاد برده شده است. چنین ظهوراتی به طور مستقیم و همچنین غیرمستقیم قدرتمند شده‌اند. وقتی آنان به طور مستقیم اقتدار یافته باشند، ظهورات، و هنگامی که به طور غیرمستقیم قدرت یافته باشند، به آنها ویبهوتی‌ها (vibhūti) گفته می‌شود. ظهورات مستقیماً قدرت‌یافته،

کوماراه، نارادا، پریتهو، شیشا، آنانتا و غیره هستند. و در مورد ویبهوتی‌ها، بهاگاواد-گیتا به وضوح در فصل ویبهوتی-یوگا یعنی فصل ده خود آنها را توصیف می‌کند. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که گاربهوداکشایی ویشنو، منشاء تمام انواع گوناگون ظهورات است.

آیه ۶

*sa eva prathamam devaḥ
kaumāraṁ sargam āśritaḥ
cacāra duścaram brahmā
brahmacaryam akhaṇḍitam*

saḥ: آن؛ *eva*: قطعاً، حتماً؛ *prathamam*: نخست؛ *devaḥ*: خداوند متعال؛ *kaumāram*: به نام کومارها (مجرد، غیرمتأهل)؛ *sargam*: خلقت؛ *āśritaḥ*: تحت، زیر؛ *cacāra*: انجام دادند؛ *duścaram*: انجام‌دادنش سخت است؛ *brahmā*: در مرتبه‌ی برهمن؛ *brahmacaryam*: زندگی‌کردن تحت انضباط خاص به‌منظور شناخت مطلق (برهمن)؛ *akhaṇḍitam*: شکسته‌نشده، لاینقطع.

ترجمه

در آغاز خلقت، نخست چهار فرزند مجرد برهما [کومارها] پدید آمدند که به علت خوردن سوگند تجرد، ریاضت‌های سختی را به‌منظور شناخت حقیقت مطلق متحمل شدند.

شرح

دنیای مادی در فواصل معین و مشخص آفریده می‌شود، حفظ می‌گردد و سپس نابود می‌شود. در نتیجه، هر آفرینش، بر حسب برهمایی که آن را اداره می‌کند نامیده می‌شود؛ برهمایی که پدر تمام موجودات زنده‌ی آن آفرینش نیز محسوب می‌گردد. کومارها (*Kumāras*)، که آیه‌ی فوق در مورد آنها صحبت می‌کند، ظهورات قدرت‌یافته‌ای هستند که در آفرینش کُمارا (*Kaumāra*)ی دنیای مادی ظاهر شدند و برای آموزش روش شناخت برهمن به ما، کفّ نفس شدیدی را به صورت زندگی در تجرد متحمل شدند. قبل از انجام اعمال و ریاضت‌های

شدید، همگی آنها برهماناهای شایسته و باصلاحیت شدند. مثال کوماراها به ما می‌آموزد که قبل از اختیار کردن روش شناخت برهنه، انسان باید صفات و صلاحیت‌های برهمانا را کسب کند که این موضوع فقط بر اثر تولد در یک خانواده‌ی برهمانا به‌دست نمی‌آید.

آیه ۷

*dvitīyaṁ tu bhavāyāsyā
rasātala-gatāṁ mahīm
uddhariṣyann upādatta
yajñeśaḥ saukaram vapuḥ*

dvitīyaṁ: دومین؛ *tu*: اما؛ *bhavāyā*: برای خیر؛ *asya*: مربوط به این زمین؛ *rasātala*: مربوط به پایین‌ترین منطقه؛ *gatāṁ*: رفته؛ *mahīm*: زمین؛ *uddhariṣyan*: بلندکردن؛ *upādatta*: پابرجا کرد؛ *yajñeśaḥ*: صاحب یا لذت‌برنده‌ی متعال؛ *saukaram*: خوک‌صفت؛ *vapuḥ*: ظهور.

ترجمه

لذت‌برنده‌ی متعال تمامی قربانی‌ها، [در دومین ظهور خود] شکل یک گراز را پذیرفت و برای خیر کره‌ی زمین آن را از فروترین مناطق جهان خارج کرد.

شرح

در متون مقدس، رسالت معین هر یک از ظهورات شخصیت خداوند ذکر شده است. هیچ ظهوری نمی‌تواند فاقد رسالتی خاص باشد، که این رسالت‌ها همواره اعمالی خارق‌العاده هستند و انجام آنها برای موجود زنده غیرممکن است. خداوند به منظور خارج کردن زمین از منطقه‌ی ناپاک ستاره‌ی پلوتو به صورت گراز ظاهر شد. هیچ موجودی بهتر از گراز قادر به خارج کردن چیزی از میان لجن و کثافت نیست، بنابراین شخصیت قادر متعال پروردگار، این شگفتی را به آسورواها، که کره‌ی زمین را در چنین مکان آلوده‌ای پنهان کرده بودند، نشان داد. هیچ‌چیز برای شخصیت خداوند غیرممکن نیست و هر چند او نقش یک گراز را بازی کرد، عابدانش همچنان او را پرستش می‌کنند، زیرا او همواره در بُعد روحانی و متعال واقع است.

آیه ۸

*tṛtīyam ṛṣi-sargaṁ vai
devarṣitvam upetya saḥ
tantram sātvatam ācaṣṭa
naiṣkarmyaṁ karmaṇām yataḥ*

tṛtīyam: سومین؛ *ṛṣi-sargaṁ*: عصر ریشی‌ها؛ *vai*: حتماً، قطعاً؛ *devarṣitvam*: ظهور ریشی در بین خداوندگاران؛ *upetya*: پذیرفتن، گرفتن؛ *saḥ*: او؛ *tantram*: توضیح و شرح وداها؛ *sātvatam*: که به‌خصوص برای خدمت عابدانه منظور شده است؛ *ācaṣṭa*: جمع‌آوری کرد؛ *naiṣkarmyaṁ*: غیرثمربخش، بدون نتیجه‌ی مادی؛ *karmaṇām*: مربوط به کار و عمل؛ *yataḥ*: از آن‌که.

ترجمه

شخصیت خداوند، در عصر ریشی‌ها، سومین ظهور اقتدار یافته را به شکل دواریشی نارادا پذیرفت که حکیمی بزرگ در میان خداوندگاران است. او آن دسته از توضیحات و شرح‌های وداها را که مربوط به خدمت عابدانه می‌شود و عمل بدون نتیجه را الهام می‌بخشد، گردآوری کرد.

شرح

ریشی بزرگ نارادا، که ظهور قدرت‌یافته‌ی شخصیت خداوند است، خدمت حاکمی از عشق و عبودیت را در سراسر جهان ابلاغ می‌کند و تمامی عابدان بزرگ خداوند در سراسر جهان و در سیارت گوناگون و گونه‌های حیاتی مختلف، شاگردان او محسوب می‌شوند. شریلا ویاسادوا، مؤلف و گردآورنده‌ی شریماد-بهاگواتام نیز یکی از شاگردان او است. نارادا مؤلف نارادا - پانچاراترا (*Nārada-pañcarātra*) است. این اثر بخشی از وداهاست که به تشریح و توضیح خدمت عابدانه به خداوند اختصاص دارد. نارادا - پانچاراترا به کار می‌ماند، یا عمل‌کنندگان برای ثمر، تعلیم می‌دهد تا به رهایی از اسارت عمل ثمربخش یا کارما دست یابند. ارواح مقید غالباً جذب عمل ثمربخش می‌شوند؛ زیرا می‌خواهند از طریق دست‌رنج خویش از زندگی لذت برند. تمام جهان مملو از عمل‌کنندگان برای ثمر در تمام گونه‌های حیاتی است. اعمال ثمربخش، تمام

انواع طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی را در بر می‌گیرد. اما قانون طبیعت ایجاب می‌کند که هر عمل، عکس‌العملی منتج از آن داشته باشد و چنین عکس‌العمل‌هایی، چه خوب و چه بد، انجام‌دهنده‌ی عمل را به بند می‌کشند. بازتاب عمل خوب، رفاه مادی نسبی، و بازتاب عمل بد، رنج مادی نسبی است. اما موقعیت‌های مادی، چه در اصطلاح شادی و چه در اصطلاح رنج، همگی در نهایت فقط به رنج منتهی می‌شوند. مادی‌گرایان نادان هیچ اطلاعی از چگونگی دست‌یابی به شادی و خوشبختی جاودان در وضعیت غیرمقید ندارند. شری نارادا آنان را آگاه می‌کند که چگونه به ادراک حقیقت شادی دست یابند؛ و به بیماران جهان مادی آموزش دهند که چگونه می‌توانند از طریق اشتغال کنونی خود به سوی رهایی روحانی هدایت شوند. طبیب به بیماری که از سوءهاضمه‌ی ناشی از مصرف فرآورده‌های لبنی رنج می‌برد توصیه می‌کند که از شیر تغییر شکل یافته به صورت ماست استفاده کند. بنابراین علت بیماری و درمان آن ممکن است یکسان باشد، اما طبیب حاذقی چون نارادا می‌تواند آن را تشخیص دهد. بهاگاواد-گیتا نیز درمان نارادا را توصیه می‌کند؛ یعنی خدمت به خداوند از طریق تقدیم نتایج و ثمرات تلاش و کوشش خود به او. این روش شخص را به راه نایشکارمیا (*naiṣkarmya*) یا رهایی، هدایت می‌کند.

آیه ۹

turye dharma-kalā-sarge
nara-nārāyaṇāv ṛṣī
bhūtvātmopāśamopetam
akarod duścaram tapaḥ

turye: چهارمین در سلسله؛ *dharma-kalā*: زن (همسر) دهارما راجا؛ *sarge*: متولد شدن از؛ *nara-nārāyaṇau*: به نام نارا و نارایانا؛ *ṛṣī*: حکیمان؛ *bhūtvā*: شدن؛ *ātma-* *opāśama*: مهارنمودن حواس؛ *upetam*: برای دست یافتن به؛ *akarot*: متحمل شد، تقبل کرد؛ *duścaram*: خیلی سخت و توان فرسا؛ *tapaḥ*: کف نفس، ریاضت.

ترجمه

در چهارمین ظهور، خداوند به صورت نارا و نارایانا، پسران دوقلوی همسر

پادشاه دهارما متجلی گردید. در این شکل، او به منظور مهار کردن حواس خویش، ریاضت‌های شدید و عبرت‌انگیزی را متحمل شد.

شرح

همان‌گونه که پادشاه ریشابها به پسرانش پند داد که تاپاسیا (*tapasya*)، یا پذیرش داوطلبانه‌ی ریاضت برای شناخت حقیقت، تنها وظیفه‌ی انسان است، خداوند نیز خود به صورت نارا و نارایاناریشی به آن تن داد تا سرمشقی برای آموزش ما باشد. خداوند نسبت به ارواح فراموشکار بسیار مهربان است. بدین سبب او شخصاً ظاهر می‌گردد و آموزش‌های لازم را به‌جا می‌گذارد و یا فرزندان نیک و پاکش را به صورت پیامبر می‌فرستد تا تمام ارواح مقید را به بازگشت نزد خداوند فرا بخوانند. اخیراً، تا آن‌جا که مردم این زمان به یاد دارند، خداوند چیتانیا نیز برای همین منظور ظاهر شد یعنی نشان دادن لطف خاص به ارواح فروافتاده‌ی این عصرِ صنعت و آهن. ظهور نارایانا هنوز در باداری- نارایانا (*Badarī-nārāyaṇa*)، در دامنه‌ی هیمالیا پرستش می‌شود.

آیه ۱۰

*pañcamaḥ kapilo nāma
siddheśaḥ kāla-viplutam
provācāsuraḥ sāṅkhyam
tattva-grāma-vinirṇayam*

pañcamaḥ: پنجمین؛ *kapilah*: کاپیلا؛ *nāma*: به نام؛ *siddheśaḥ*: بزرگ‌ترین در میان انسان‌های کامل؛ *kāla*: زمان؛ *viplutam*: گم شده؛ *provāca*: گفت؛ *āsuraḥ*: به برهمنایی به نام آسوری؛ *sāṅkhyam*: متافیزیک؛ *tattva-grāma*: کل عناصر خلق‌کننده؛ *vinirṇayam*: توضیح، شرح.

ترجمه

پنجمین ظهور، کاپیلا نام دارد که برترین در میان موجودات کامل است. او به آسوری برهمانا (*Āsuri Brāhmaṇa*) توضیح تفصیلی عناصر آفرینش و علم

ماوراء الطبیعه را عرضه کرد، زیرا این دانش در خلال زمان گم شده بود.

شرح

در مجموع بیست و چهار عنصر وجود دارند که مکتب فلسفی سانکهیا هر یک آنها را به تفصیل شرح می‌دهد. دانشمندان اروپایی، فلسفه‌ی سانکهیا را متافیزیک می‌نامند. معنی ریشه‌ی لغوی سانکهیا عبارت است از: «آنچه از طریق تجزیه و تحلیل عناصر مادی، به طرز روشنی جهان را تشریح می‌کند». فلسفه‌ی سانکهیا را برای نخستین بار کاپیلا آموزش داد که در این جا پنجمین ظهور به‌شمار آمده است.

آیه ۱۱

*ṣaṣṭham atrer aṣatyatvaṃ
vṛtaḥ prāpto 'nasūyayā
ānvikṣikīm alarkāya
prahlādādibhya ūcivān*

ṣaṣṭham: ششمین، *atreh*: مربوط به آتری؛ *aṣatyatvam*: پسری، فرزندی؛ *vṛtaḥ*: دعاکردن برای؛ *prāptaḥ*: به‌دست آورد؛ *anasūyayā*: از طریق آناسویا؛ *ānvikṣikīm*: درباره‌ی موضوع حقیقت؛ *alarkāya*: به آلاکارا؛ *prahlāda-ādibhyaḥ*: به پراهلادا و دیگران؛ *ūcivān*: سخن گفت.

ترجمه

ششمین ظهور پوروشا، پسر حکیم آتری بود. او به درخواست و دعای آناسویا از رجم وی زاده شد و درباره‌ی حقیقت و دانش روحانی با آلاکارا پراهلادا و دیگران [یادو، هایه‌ایا و دیگران] سخن گفت.

شرح

خداوند خود را به صورت داتاتریا (*Dattātreyā*)، پسر ریشی آتری و آنا سویا ظاهر ساخت.

براهماندا پورانا (*Brahmāṇḍa Purāṇa*) سرگذشت تولد و ظهور این آواتارا را در ارتباط با داستان مادرش به عنوان همسری وفادار و از خود گذشته چنین ذکر می‌کند: آنا سوپا، همسر ریشی آتری، در برابر خداوندگاران برهما، ویشنو و شیوا بدین‌گونه دعا کرد: «خداوندگارانم، چنانچه از من راضی هستید و آرزو دارید که من از شما موهبتی درخواست کنم، دعا می‌کنم که بتوانم ترکیب هر سه‌ی شما را به صورت فرزندی واحد داشته باشم.» این دعا پذیرفته شد و خداوند به صورت داتاتریا ظاهر گشت و فلسفه‌ی روح را تشریح کرد و به آلاکا، پراهلادا، یادو، هایهیا و دیگران آموزشی خاص داد.

آیه ۱۲

tataḥ saptama ākūtyām
rucer yajñō 'bhyajāyata
sa sura-gaṇair
apāt svāyambhuvāntaram

tataḥ: پس از آن؛ *saptame*: هفتمین در سلسله؛ *ākūtyām*: در رجم آکوتی؛ *ruceḥ*: از طریق پراجاپاتی روچی؛ *yajñah*: ظهور خداوند به صورت یاگیا؛ *abhyajāyata*: ظهور کرد؛ *saḥ*: او؛ *yāma-ādyaḥ*: با یاما و دیگران (با یاما و دیگران)؛ *sura-gaṇaiḥ*: با خداوندگاران؛ *apāt*: حکومت کرد؛ *svāyambhuva-antaram*: در دوره‌ی سویامبهووا مانو.

ترجمه

هفتمین ظهور، یاگیا، پسر پراجاپاتی روچی و همسرش آکوتی بود. او با کمک خداوندگاران هم‌چون یاما، پسرش، در عهد سویامبهووا مانو، حکمرانی کرد.

شرح

خداوندگاران، برای تأمین نظم دنیای مادی، منصب‌هایی را اشغال می‌کنند که فقط به متقی‌ترین موجودات زنده ارزانی می‌شود. هنگامی که فقدان چنین موجودات زنده‌ی متقی پیش آید، خداوند خود به صورت برهما، پراجاپاتی، ایندرا و غیره ظهور می‌کند و مسئولیت آنها را عهده‌دار می‌شود. در عهد سویامبهووامانو (عهد کنونی عهد وایواسوتا مانو است) موجود زنده‌ی شایسته‌ای که

بتواند سمت ایندرا، پادشاه سیاره‌ی ایندرا لوکا (بهشت) را اشغال کند، وجود نداشت. خداوند خود در آن زمان، با نام یاگیه، ایندرا شد و با همکاری پسران خویش همچون یاما و خداوندگاران دیگر اداره‌ی امور جهان را بر عهده گرفت.

آیه ۱۳

*aṣṭame merudevyām tu
nābher jāta urukramah
darśayan vartma dhīrāṇām
sarvāsrama-namaskṛtam*

aṣṭame: هشتمین ظهور؛ *merudevyām tu*: در رحم مرودوی (*merudevi*) همسر؛ *nābheḥ*: پادشاه نابهی (*nabhi*)؛ *jātaḥ*: متولد شد؛ *urukramah*: خداوند قادر مطلق؛ *darśayan*: از طریق نشان دادن؛ *vartma*: راه؛ *dhīrāṇām*: مربوط به موجودات کامل *sarva*: همه؛ *āsrama*: مراحل زندگی؛ *namaskṛtam*: محترم شمرده شده از طریق.

ترجمه

هشتمین ظهور، پادشاه ریشابها، پسر پادشاه نابهی و همسرش مرودوی بود. خداوند در این ظهور، راه کمال را نشان داد؛ راهی که مهارکنندگان کامل حواس که مورد احترام همه‌ی اقشار جامعه هستند، از آن پیروی می‌کنند.

شرح

جامعه‌ی انسانی شامل هشت تقسیم‌بندی طبیعی است که چهار تای آن – متشکل از طبقه‌ی خردمندان، طبقه‌ی مدیران، طبقه‌ی تولیدکنندگان و طبقه‌ی کارگران – مربوط به اشتغالات انسان، و چهار تای دیگر – متشکل از شاگردان، متاهلان، بازنشستگان و کسانی که از زندگی مادی انقطاع حاصل کرده‌اند – مربوط به مراحل تحول روحی و دستیابی به معرفت روحانی است. در میان اینها، مرحله‌ی انقطاع از زندگی، یا مرحله‌ی سانیاسا، بالاتر از همه محسوب می‌شود و یک سانیاسی به طور بنیادی، پیر روحانی تمام هشت طبقه‌ی ذکر شده در بالا به شمار می‌آید. در مرحله‌ی سانیاسا نیز چهار مرحله‌ی ارتقاء به سمت کمال وجود دارد. این مراحل کوتیچاکا

(*kuṭīcaka*)، باهوداکا (*bahūdaka*)، پاریوراچاکاچاریا (*parivrājakācārya*) و پاراماهاامسا (*paramahansa*) خوانده می‌شوند. بالاترین مرحله‌ی کمال در زندگی، مرحله‌ی پاراماهاامسا است که مورد احترام همگان است. ماهاراجا ریشابهیا، پسر پادشاه نابهی و مرویدی، که ظهور خداوند بود، به پسرانش آموزش داد که راه کمال را از طریق تاپاسیا دنبال کنند؛ زیرا تاپاسیا، زندگی انسان را تطهیر می‌کند و او را قادر می‌سازد که به مرحله‌ی شادی و خوشبختی روحانی، که جاودان و همواره رو به فزونی است، دست یابد. هر موجود زنده‌ای به دنبال شادی و خوشبختی است، اما هیچ‌کس نمی‌داند در کجا می‌توان شادی و لذت جاودان و نامحدود را به دست آورد. اشخاص نادان به دنبال لذت حسی مادی به عنوان جانشینی برای شادی و لذت حقیقی هستند، اما فراموش می‌کنند که آن شادی و خوشبختی موقتی ناشی از لذت حواس را خوک‌ها و سگ‌ها نیز تجربه می‌کنند. هیچ حیوانی، از هر رقم که باشد، از این لذت حواس محروم نیست. در هر یک از گونه‌های حیاتی، و نیز شکل انسانی حیات، چنین شادی و لذتی به فراوانی قابل حصول است. اما شکل انسانی حیات برای چنین شادی و لذت کم‌بهای منظور نشده است. زندگی انسانی برای دستیابی به لذت جاودان و نامحدود از طریق معرفت روحانی در نظر گرفته شده است. این معرفت روحانی از طریق تاپاسیا، یا پذیرش داوطلبانه‌ی راه ریاضت و خودداری از لذات مادی به دست می‌آید. کسانی که در جهت خودداری از لذات مادی تعلیم دیده و تربیت شده‌اند، دهیرا (*dhīra*) خوانده می‌شوند. دهیرا به فردی اطلاق می‌شود که از طریق حواس، آشفته و مشوش نمی‌گردد. فقط دهیراها قادرند مرحله‌ی سانیا سا را بپذیرند و به تدریج به مرحله‌ی پاراماهاامسا ارتقا یابند؛ مرحله‌ای که مورد ستایش تمام اعضای جامعه است. مأموریت پادشاه ریشابهیا ابلاغ و اشاعه‌ی این مطلب بود و خود وی، در آخر، کاملاً از نیازهای جسمانی مادی جدا شد؛ که چنین انقطاعی بسیار نادر است و نادانان باید از تقلید آن بپرهیزند و همگان باید این انقطاع را ستایش کنند.

آیه ۱۴

*ṛṣibhir yācito bheje
navamaṁ pārthivaṁ vapuḥ
dugdhemām oṣadhīr viprās
tenāyaṁ sa uśattamaḥ*

:*ṛṣibhiḥ* از طریق حکیمان؛ *vyācitāḥ*: دعا کردند برای؛ *bheje*: پذیرفت؛ *navamam*:
 نهمین؛ *pārthivam*: حکمران زمین؛ *vapuḥ*: بدن؛ *dugdha*: استخراج کردن؛ *imām*:
 همه‌ی اینها؛ *oṣadhīḥ*: محصولات زمین؛ *viprāḥ*: برهمنانها؛ *tena*: از طریق؛ *ayam*:
 این؛ *saḥ*: او؛ *uśattamaḥ*: زیبا و جذاب.

ترجمه

ای برهمنانها، خداوند بر اثر دعای حکیمان، در نهمین ظهور خود، بدن یک پادشاه [پریتهو] را پذیرفت. او زمین را کشت کرد تا محصولات گوناگون به بار آورد و بدین سبب زمین بسیار زیبا و جذاب شد.

شرح

پیش از ظهور پادشاه پریتهو، پدر وی، پادشاه قبلی، بر اثر فساد و به علت سوء اداره، مملکت را به ویرانی کشانده بود. طبقه‌ی خردمندان (یعنی حکیمان و برهمنانها) نه تنها به درگاه خداوند دعا کردند که هبوط کند، بلکه پادشاه قبلی را نیز عزل کردند. این وظیفه‌ی پادشاه است که متقی و مراقب رفاه و سعادت همه‌جانبه‌ی شهروندان باشد و هرگاه وی در انجام وظیفه‌اش قصور کند و غفلت ورزد، طبقه‌ی خردمندان باید او را عزل کنند. اما خردمندان، هیچ‌گاه خود بر مسند پادشاهی نمی‌نشینند، زیرا وظایف به مراتب مهم‌تری در جهت سعادت جامعه دارند. آنها به جای سلطنت، برای ظهور خداوند دعا کردند و خداوند به صورت ماهاراجا پریتهو هبوط کرد. خردمندان حقیقی، یا برهمنانهای شایسته و با صلاحیت، هیچ‌گاه در آرزوی اشغال مناصب سیاسی نیستند. ماهاراجا پریتهو محصولات زیادی از دل خاک بیرون کشید و بدین سان نه تنها شهروندان از داشتن چنین پادشاه نیکی شاد و خوشبخت بودند، بلکه زمین و طبیعت نیز منظری زیبا و جذاب یافت.

آیه ۱۵

rūpaṁ sa jagṛhe mātsyaṁ
cākṣuṣodadhi-samplave
nāvy āroṇya mahī-mayyām
apād vaivasvataṁ manum

rūpam: شکل *saḥ*؛ او (خداوند)؛ *jaḡṛhe*: اختیار کرد؛ *mātsyam*: مربوط به یک ماهی؛ *cākṣuṣa*: چاکشوشا؛ *udadhi*: آب؛ *samplave*: سیل؛ *nāvi*: روی قایق؛ *āropya*: نگاه داشتن؛ *mahī*: زمین؛ *mayyām*: غرق شده در؛ *apāt*: حفاظت کرد؛ *vaivasvatam*: وایواسواتا؛ *manum*: مانو، پدر بشر.

ترجمه

هنگامی که پس از عصر چاکشوشا مانو، سیل کاملی به راه افتاد و تمام جهان در اعماق آب فرو رفت، خداوند شکل یک ماهی را اختیار نمود و وایواسواتا مانو را بر روی ناوی حفظ کرد.

شرح

بر اساس اظهارات شریپادا شریدههاراسوامی، مفسر اصلی بهاگواتام، پیدایش انهدام پس از تغییر هر مانو همواره الزامی نیست. ولی پس از عصر چاکشوشا مانو سیل رخ داد تا شگفتی‌هایی به ساتیاوراتا (*Satyavrata*) نشان داده شود. اما شری جیواگوسوامی از کتب مقدس معتبر و موثق (همچون ویشنو - دهارموتارا (*Viṣṇu-dharmottara*))، مارکاندیا پورانا (*Mārkaṇḍeya Purāṇa*)، هاری وامشا (*Harivaṁśa*) و غیره) دلایلی متقن ارائه کرده است که پس از پایان عصر هر مانو همواره یک نابودی پیش می‌آید. شریلا ویشواناتها چاکراوارتی نیز، با استناد به بهاگواتامریتا، دیدگاه شریلا جیواگوسوامی را درباره‌ی آب‌گرفتنی پس از اتمام عصر هر مانو تأیید کرده است. جدای از این، خداوند برای نشان دادن لطف خاص به عابد خود ساتیاوراتا، در این دوران معین ظهور کرد.

آیه ۱۶

surāsurāṇām udadhim
mathnatām mandarācalam
dadhre kamaṭha-rūpeṇa
prṣṭha ekādaśe vibhuḥ

sura: خدانشناسان؛ *asurāṇām*: مربوط به خدانشناسان؛ *udadhim*: در اقیانوس؛

mathnatām: به هم زدن؛ *mandarācalam*: تپه‌ی مانداراچالا؛ *dadhre*: نگه داشته شده؛ *kamaṭha*: لاک‌پشت؛ — *rūpeṇa*: در شکل؛ *prṣṭhe*: لاک؛ *ekādaśe*: یازدهمین؛ *vibhuḥ*: بزرگ، عظیم.

ترجمه

خداوند در یازدهمین ظهور خود شکل لاک‌پستی را اختیار کرد که لاکش محل اتکاءِ تپه‌ی مانداراچالا شد و خداوندگاران و اهریمنان کل جهان از این تپه به عنوان وسیله‌ی [به هم] زدن اقیانوس استفاده کردند.

شرح

روزی خداوندگاران و اهریمنان مشغول گرفتن شهاد از دریا شدند، تا بتوانند با نوشیدن آن فناپذیر شوند. در آن زمان تپه‌ی مانداراچالا به مثابه‌ی وسیله‌ی به هم زدن آب دریا و لاک ظهور خداوند به شکل لاک‌پشت، محل اتکای آن تپه در آب دریا شد.

آیه ۱۷

dhānvantaram dvādaśamam
trayodaśamam eva ca
apāyayat surān anyān
mohinyā mohayan striyā

dhānvantaram: ظهور خداوند، به نام دهانوانتاری؛ *dvādaśamam*: دوازدهمین؛ — *trayodaśamam*: سیزدهمین؛ *eva*: حتماً — قطعاً؛ *ca*: و؛ *apāyayat*: به منظور نوشیدن دادند؛ *surān*: خداوندگاران؛ *anyān*: دیگران؛ *mohinyā*: از طریق زیبایی مسحورکننده؛ *mohayan*: اغواکننده؛ *striyā*: به شکل زن.

ترجمه

خداوند در دوازدهمین ظهور خود، به صورت دهانوانتاری ظاهر گشت و در سیزدهمین آنها، به شکل زنی زیبا و دلربا اهریمنان را فریفت و شهاد را به

خداوندگاران نوشاند.

آیه ۱۸

*caturdaśam nārasimham
bibhrat daityendram ūrjitam
dadāra karajair ūrāv
erakām kaṭa-kṛd yathā*

caturdaśam: چهاردهمین؛ -*nāra-simham*: ظهور خداوند به صورت نیمه انسان و نیمه شیر؛ *bibhrat*: ظهور کرد؛ *daitya-indram*: پادشاه کافران؛ *ūrjitam*: محکم ساخته شده؛ *dadāra*: دوشاخه کردن؛ *karajair*: با ناخن‌ها؛ *ūrau*: بر روی زانوان؛ *erakām*: نی‌ها؛ *kaṭa-kṛt*: نجار؛ *yathā*: درست همچون.

ترجمه

خداوند در چهاردهمین ظهور خود به صورت نریسیمها، به همان سادگی که نجار نی را شکاف می‌دهد، بدن تنومند هیرانیا کاشیبوی خدانشناس را با چنگال خود درید و دو نیمه کرد.

آیه ۱۹

*pañcadaśam vāmanakam
kṛtvāgād adhvaram baleḥ
pada-trayam yācamānaḥ
pratyāditsus tri-ṣiṣṭapam*

pañcadaśam: پانزدهمین؛ *vāmanakam*: برهمنای کوتوله؛ *kṛtvā*: با گرفتن شکل؛ *agāt*: رفت؛ *adhvaram*: صحن قربانی؛ *baleḥ*: مربوط به پادشاه بالی؛ *pada-trayam*: فقط سه قدم؛ *yācamānaḥ*: درخواست کردن، گدایی کردن؛ *pratyāditsus*: قلباً خواهان پس گرفتن؛ *tri-ṣiṣṭapam*: قلمرو سه نظام سیاره‌ای.

ترجمه

در پانزدهمین ظهور، خداوند شکل برهمنای کوتوله‌ای [وامانا] را به خود گرفت و به صحن قربانی‌ای که ماهاراجا بالای ترتیب داده بود وارد شد و صرفاً صدقه‌ای به شکل سه قدم زمین درخواست کرد، در حالی که در نظر داشت قلمرو سه منظومه‌ی سیاره‌ای را باز ستاند.

شرح

خداوند قادر مطلق می‌تواند پادشاهی جهان را با هیچ به هر کسی ارزانی کند و مشابهاً می‌تواند پادشاهی جهان را به بهانه‌ی گدایی کردن قطعه‌ی کوچکی زمین بستاند.

آیه ۲۰

*avatāre ṣoḍaśame
paśyan brahma-druho nṛpān
triḥ-sapta-kṛtvaḥ kupīto
niḥ-kṣatrām akaron mahīm*

avatāre: در ظهور خداوند؛ *ṣoḍaśame*: شانزدهمین؛ *paśyan*: دیدن؛ *brahma-druhaḥ*: نافرمانی از دستورهای برهماناها؛ *nṛpān*: طبقه‌ی درباری (قشر درباری)؛ *triḥ-sapta*: سه بار هفت مرتبه؛ *kṛtvaḥ*: انجام داده بود؛ *kupītaḥ*: مشغول شدن؛ *niḥ*: نفی؛ *kṣatrām*: طبقه‌ی حکمرانان؛ *akaron*: انجام داد؛ *mahīm*: کره‌ی زمین.

ترجمه

خداوند در شانزدهمین ظهور خود [به صورت بهریگوپاتی] که از تمبرد طبقه‌ی زمامداران [کشاتریاها] نسبت به برهماناها [طبقه‌ی خردمندان]، خشمگین شده بود، در بیست و یک نوبت آنان را به هلاکت رساند.

شرح

از کشاتریاها، یا طبقه‌ی زمامدار انتظار می‌رود که با هدایت طبقه‌ی خردمند که حکمرانان را

برحسب شاستراها یا کتب دانش نازل شده راهنمایی می‌کنند، بر کره‌ی ارض حکومت کنند. زمامداران موظف‌اند براساس این چنین هدایتی انجام وظیفه کنند. هرگاه کشاتریاها یا طبقه‌ی زمامدار فرمان‌های برهماناهای دانا و هوشیار را نادیده بگیرند، از منصب خود عزل می‌شوند و تدبیری برای حکومتی بهتر صورت می‌گیرد.

آیه ۲۱

tataḥ saptadaśe jātāḥ
 satyavatyaṁ parāśarāt
 cakre veda-taroḥ śākhā
 dṛṣṭvā pumsa 'lpa-medhasaḥ

tataḥ: پس از آن؛ saptadaśe: در هفدهمین ظهور؛ jātaḥ: ظهور نمود؛ satyavatyaṁ: در رحم ساتیاواتی؛ parāśarāt: توسط پاراشارا مونی؛ cakre: آماده کرد؛ veda-taroḥ: مربوط به درخت آرزوی وداها؛ śākhāḥ: شاخه‌ها، شعب؛ dṛṣṭvā: با دیدن؛ pumsaḥ: عموم مردم؛ 'lpa-medhasaḥ: کم‌خرد.

ترجمه

پس از آن، خداوند در هفدهمین ظهور خود به صورت شری ویاسادوا، از پاراشارا مونی و در رحم ساتیاواتی ظاهر شد و با مشاهده‌ی زوال و انحطاط شعور نزد عموم مردم، ودای واحد و یگانه را به بخش‌های متعدد اصلی و فرعی تقسیم کرد.

شرح

در اصل، فقط یک ودا وجود داشت. اما شریلا ویاسادوا ودای یگانه را به چهار بخش به نام ساما، یاجور، ریگ و آتهاروا تقسیم کرد و سپس آنها را مجدداً در بخش‌های گوناگون دیگری همچون پوراناها و ماهابهاراتا توضیح داد. درک کلام و موضوع وداها برای اشخاص عادی بسیار مشکل است. در واقع، فقط برهماناهای بسیار خردمند و خودشناخته از عهده‌ی درک آنها بر می‌آیند. ولی عصر کنونی کالی پُر از اشخاص نادان است. در عصر حاضر، حتی کسانی که از پدری برهمانا

متولد می‌شوند، چندان برتر از شودراها یا زنان نیستند. از افراد دوبار زاده شده، یعنی برهماناها، کشاتریاها و وایشیاه، انتظار می‌رود که روند سنتی تهذیب نفس معروف به سامسکاراها را انجام دهند، اما به علت تأثیر بد عصر کنونی، اعضای خانواده‌های به اصطلاح برهمانا و دیگر طبقات به اصطلاح برتر، فاقد فرهنگ والای ودایی هستند. آنها دویجا - باندهو (*dvija-bandhu*) یا دوستان و اعضای خانواده‌ی دوبارزاده‌شدگان نامیده می‌شوند. اما این دویجا- باندهوها نیز اکنون با شودراها و زنان در یک رده قرار می‌گیرند. شریلا ویاسادوا وداها را به خاطر طبقات کم‌خرد همچون دویجا - باندهوها، شودراها و زنان، به شاخه‌های گوناگون و زیرشاخه‌های منتج از آن تقسیم‌بندی نمود.

آیه ۲۲

nara-devatvam āpannaḥ
sura-kārya-cikīrṣayā
samudra-nigrahādīni
cakre vīryāṇy ataḥ param

nara: موجود انسانی؛ *devatvam*: الوهیت؛ *āpannaḥ*: اختیار کردن شکل؛ *sura*: خداوندگاران؛ *kārya*: اعمال *cikīrṣayā*: به‌منظور انجام دادن؛ *samudra*: اقیانوس هند؛ *nigraha-ādīni*: مهار کردن و غیره؛ *cakre*: انجام داد؛ *vīryāṇi*: دلاوری فوق انسانی؛ *ataḥ param*: پس از آن.

ترجمه

خداوند در هجدهمین ظهور به صورت پادشاه راما ظاهر شد. وی به منظور خشنودی خداوندگاران، با مهار کردن اقیانوس هند و نابود ساختن پادشاه کافر راوانا، که در آن سوی دریا می‌زیست، قدرت‌های فوق انسانی از خود نشان داد.

شرح

شخصیت خداوند شری راما شکل انسان را به خود گرفت و به منظور انجام عملی خوشایند برای خداوندگاران - حکمرانان جهان و مسئولان حفظ نظام آن - بر روز زمین ظاهر شد. گاهی

اوقات دیوصفتان و کافرانی بزرگ همچون راوانا و هیرانیا کاشیپو و بسیاری دیگر، از پیشرفت تمدن مادی خود که آن را از طریق کمک علوم مادی و اعمال دیگر کسب کرده‌اند، به منظور به مبارزه طلبیدن نظام کائنات خداوند استفاده می‌کنند و از این راه اشتها می‌یابند. برای مثال، تلاش و کوشش برای رسیدن به سیارات دیگر از طریق وسایل مادی، مبارزه‌ای علیه نظام استقرار یافته‌ی خداوند است. شرایط زندگی در هر یک از سیارات متفاوت است و طبقات گوناگون موجودات انسانی به منظور مقاصد خاصی که در متون مقدس بیان گردیده است، در آن‌جا مستقر شده‌اند. اما مادی‌گرایان خدانشناس، به علت غرور حاصل شده از موفقیت بسیار ناچیز خود در زمینه‌ی پیشرفت مادی، گاهی اوقات حتی حقانیت خداوند را منکر می‌شوند و او را به مبارزه می‌طلبند. راوانا یکی از آنان بود و می‌خواست اشخاص عادی را به کمک وسایل مادی و بدون در نظر گرفتن صلاحیت‌های لازم آنان، به سیاره‌ی ایندرا (بهشت) منتقل کند. او در نظر داشت پلکانی بلند بسازد که مستقیماً به سیاره‌ی بهشتی منتهی شود و برای رفتن به آن سیاره نیازی به انجام اعمال پرهیزگاران‌هی لازم نباشد. او همچنین می‌خواست اعمال دیگری علیه قوانین تثبیت شده‌ی خداوند انجام دهد. او حتی مرجعیت شری‌راما، شخصیت خداوند را به رسمیت نشناخت و او را به مبارزه طلبید و همسرش سیتا را ربود. البته خداوند راما به منظور اجابت دعا و خواسته‌ی خداوندگاران برای تنبیه این خدانشناس ظهور کرد. بنابراین او دعوت به مبارزه‌ی راوانا را پذیرفت و شرح کل اعمال او موضوع کتاب رامایانا را تشکیل می‌دهد. چون راماجاندرای شخصیت خداوند بود، اعمالی فوق انسانی از خود نشان داد که هیچ انسانی، از جمله راوانا که به پیشرفت مادی عظیمی دست یافته بود، نمی‌توانست انجام دهد. خداوند راماجاندرای سنگ‌های شناور جاده‌ای شاهانه بر روی اقیانوس هند ساخت. دانشمندان جدید در مورد بی‌وزنی اجسام تحقیقاتی انجام داده‌اند، اما قادر به بی‌وزن کردن هیچ جسمی در هیچ کجا نیستند. اما چون بی‌وزنی را خداوند آفریده است و از طریق آن می‌تواند سیارات عظیم‌الجثه را به پرواز درآورد و در فضا معلق نگه دارد، پس به راحتی می‌تواند بر روی زمین نیز وزن سنگ‌ها را زایل کند و بدون هیچ‌گونه پایه و تکیه‌گاهی، پلی از آنها روی دریا بسازد. این جلوه‌ی قدرت خداوند است.

آیه ۲۳

*ekonaviṁśe viṁśatime
vṛṣṇiṣu prāpya janmanī*

rāma-kṛṣṇāv iti bhuvo
bhagavān aharad bharam

ekonaviṁśe: در نوزدهمین؛ *viṁśatime*: در بیستمین نیز؛ *vṛṣṇīṣu*: در سلسله‌ی وریشنی؛ *prāpya*: به دست آوردن؛ *janmanī*: تولدها؛ *rāma*: بالاراما؛ *kṛṣṇau*: شری کریشنا؛ *iti*: بدین سان؛ *bhuvah*: مربوط به جهان؛ *bhagavān*: شخصیت خداوند؛ *aharat*: برطرف کرد، محو کرد؛ *bharam*: بار.

ترجمه

خداوند در نوزدهمین و بیستمین ظهور، خویشتن را به صورت بالاراما و کریشنا در خاندان وریشنی [سلسله‌ی یادو] ظاهر ساخت و با این کار، بار سنگین جهان را از گردی آن برداشت.

شرح

استفاده‌ی خاص از واژه‌ی بهاگاوان در این آیه، بر آن دلالت می‌کند که بالاراما و کریشنا، اشکال اصلی و ذاتی خداوند هستند. در مورد این موضوع بعداً بیشتر توضیح داده خواهد شد. همان‌گونه که در آغاز این فصل دیدیم، خداوند کریشنا ظهور پوروشا نیست، بلکه شخصیت اصلی خداوند است و بالاراما اولین مظهر کامل او محسوب می‌شود. از بالادیوا نخستین دسته‌ی بسط‌های کامل یعنی و‌آسودیوا، سانکارشانا، آنیرودها و پرادیومنا بسط می‌یابند. خداوند شری کریشنا، و‌آسودیوا است، و بالادیوا، سانکارشانا می‌باشد.

آیه ۲۴

tataḥ kalau sampravṛtṭe
sammohāya sura-dviṣām
buddho nāmnāñjana-sutaḥ
kikāṭeṣu bhaviṣyati

tataḥ: پس از آن؛ *kalau*: عصر کالی؛ *sampravṛtṭe*: از پی آمدن؛ *sammohāya*: به منظور فریب دادن؛ *sura*: خداشناسان؛ *dviṣām*: کسانی که حسود هستند؛ *buddhaḥ*:

خداوند بودا (بودها)؛ *nāmnā*: به نام؛ *añjana-sutaḥ*: کسی که مادرش آنجانا بود؛ *kīkaṭeṣu*: در منطقه گایا (بیهار)؛ *bhaviṣyati*: رخ خواهد داد.

ترجمه

سپس، در آغاز کالی - یوگا، خداوند به صورت بودا، پسر آنجانا، فقط به منظور فریفتن و اغفال آنان که به خدانشناسان مؤمن حسد می‌ورزند، در ناحیه‌ی گایا ظهور خواهد کرد.

شرح

خداوند بودا، ظهور قدرتمند شخصیت پروردگار در ایالت گایا (بیهار) به صورت فرزند آنجانا ظهور کرد و دیدگاه خاص خود را که مبتنی بر عدم اعمال خشونت بود ارشاد کرد و حتی قربانی‌های حیوانات را که وداها آنها را تأیید کرده است تقبیح نمود. در زمانی که حضرت بودا ظهور کرد، عموم مردم خدانشناس بودند و خوردن گوشت حیوان را به هر چیز دیگری ترجیح می‌دادند. به بهانه‌ی قربانی ودایی، همه‌جا عملاً به کشتارگاه تبدیل شده بود و در کشتن حیوانات به طرز بی‌حدّ و حصری زیاده‌روی می‌شد. حضرت بودا با ابراز رحم و شفقت نسبت به حیوانات بیچاره، عدم اعمال خشونت را ارشاد کرد. او عدم اعتقاد خویش به اصول مذهبی ودایی را ابراز نمود و روی تأثیرات روانی زینباری که کشتن حیوانات به بار می‌آورد تأکید داشت. مردم کم‌خرد عصر کالی که به خداوند ایمان نداشتند، از اصول وی پیروی کردند و در آن زمان با مراعات قواعد اخلاقی و عدم اعمال خشونت، که گام‌های مقدماتی برای پیشرفت در راه معرفت خداوند است، تربیت شدند. او از این راه خدانشناسان را فریب داد؛ زیرا آنان هرچند که به خداوند اعتقاد نداشتند، اما ایمان مطلق خود را به وی معطوف نمودند و بودا کسی نبود جز ظهور خداوند. در نتیجه بی‌ایمانان وادار شدند که به خداوند در شکل بودا ایمان بیاورند. این لطف و رحمت بودا بود: کاری کرد که بی‌ایمانان به او ایمان آورند.

تا قبل از ظهور بودا، کشتن حیوانات، به بهانه‌ی انجام قربانی‌های ودایی، شاخص‌ترین عملکرد جامعه بود. وداها باید از طریق آموزش سلسله‌ی پیران معتبر و موثق در دسترس انسان قرار گیرند، زیرا در غیر این صورت کلام جذاب وداها خواننده‌ی سطحی آن را فریفته و گمراه می‌کند. بهاگاواد - گیتا اعلام می‌دارد که چنین دانش‌پژوهان نادانی (آویپاشچیتاها) (*avipaścītaḥ*) که اهمیتی به دریافت پیام روحانی متون مقدس ودایی از طریق مراجع

خودشناخته‌ی روحانی سلسله‌ی پیران نمی‌دهند، قطعاً سرگشته و گمراه خواهند شد. برای آنان، همه‌چیز در مراسم آئینی خلاصه می‌شود و دانش آنان سطحی و فاقد عمق است. بر اساس بهاگاود-گیتا (۱۵/۱۵)، *vedais ca sarvair aham eva vedyah*: هدف وداها هدایت کردن تدریجی انسان به سوی خداوند متعال است. کلّ مضمون متون مقدس ودایی، شناخت خداوند متعال، روح فردی، موقعیت کیهانی و رابطه‌ی بین تمام این موارد است. وقتی این رابطه شناخته شد، عمل در چنین رابطه‌ای آغاز می‌شود و در نتیجه‌ی چنین عملی، هدف غایی زندگی یا بازگشت به خداوند به آسان‌ترین شیوه تحقق می‌یابد. متأسفانه محققان ناموثق وداها صرفاً شیفته‌ی مراسم آئینی تهذیب می‌شوند و در نتیجه پیشرفت طبیعی و حقیقی آنان متوقف می‌گردد.

برای چنین افراد سرگردانی که تمایل به کفر و خدانشناسی دارند، بودا مظهر اعتقاد به خداست. بنابراین او نخست تصمیم گرفت که عادت کشتن حیوانات را متوقف کند. کشدگان حیوانات عناصر خطرناکی در راه بازگشت به خداوند محسوب می‌شوند. دو نوع کشنده‌ی حیوان وجود دارد. روح نیز گاهی اوقات «حیوان» یا موجود زنده خوانده می‌شود. بنابراین، هم کشدگان حیوانات و هم کسانی که هویت روحانی‌شان را از دست داده‌اند، هر دو کشدگان حیوان به حساب می‌آیند.

ماهاراجا پاریکشیت اظهار می‌دارد که فقط کشنده‌ی حیوان است که نمی‌تواند از پیغام روحانی خداوند متعال لذت ببرد. بنابراین اگر قرار است که مردم در راه خداوند آموزش ببینند و تربیت شوند، همان‌طور که در بالا گفته شد، نخستین و مهم‌ترین نکته توقف روند کشتن حیوانات است. این گفته که کشتن حیوانات هیچ ارتباطی با معرفت روحانی ندارد، گزاره‌ای بیش نیست. در اثر این نظریه‌ی خطرناک، سانیاسی‌های دروغین بسیاری با لطف کالی - یوگا سر بر آورده‌اند که طرفدار کشتار حیوانات هستند و آن را تحت لوای وداها ارشاد می‌کنند. این موضوع در گفتگوی بین خداوند چیتانیا و مولانا چاند کازی شاهی (*Maulana Chand Kazi Shaheb*) نیز مورد بحث واقع شده بود: قربانی مقرر شده در وداها با کشتار بی‌حد و حصر حیوانات در کشتارگاه متفاوت است. چون آسوراها یا محققان کاذب متون مقدس ودایی، دلیل کشتن حیوانات را در توصیه‌ای که وداها در این مورد عنوان کرده است می‌دانستند، بودا ظاهراً مرجعیت وداها را انکار کرد. بودا به‌منظور نجات مردم از گناه کشتن حیوان و همچنین برای نجات حیوانات معصوم از کشته شدن به دست برادران بزرگشان که مصرانه و به ظاهر خواهان برادری جهانی، صلح، عدالت و تساوی حقوق بودند، مرجعیت وداها را رد کرد. تا زمانی که کشتار

حیوانات وجود داشته باشد، عدالتی در بین نخواهد بود. بودا می‌خواست کشتار حیوانات را به طور کامل متوقف کند، بنابراین آئین آهیمسای وی نه تنها در هندوستان، بلکه در خارج از آن نیز اشاعه یافت.

از نظر فنی، فلسفه‌ی بودا خدانشناسانه خوانده می‌شود، زیرا پذیرش خداوند متعال در آن وجود ندارد و مرجعیت وداها را نیز انکار می‌کند. اما این عمل، استتاری از طرف خداوند محسوب می‌شود. بودا ظهور خداوند و در نتیجه، مروج اصلی دانش ودایی است. بنابراین نمی‌تواند فلسفه‌ی ودایی را رد کند. اما او به ظاهر چنین کرد، چون سورا - دویشا (*ura-dviṣa*)، یا خدانشناسانی که همواره به عابدان خداوند حسادت می‌ورزند، سعی در حمایت از کشتن گاو یا کشتن حیوانات از طریق وداها دارند؛ همان‌گونه که سانیاسی‌های مدرن و امروزین نیز در حال انجامش هستند. بودا مجبور شد مرجعیت وداها را به تمامی نفی کند. این عمل صرفاً تدبیری فنی از سوی او محسوب می‌شود و اگر چنین نمی‌بود، وی به عنوان ظهور خداوند پذیرفته نمی‌شد. همچنین در سرودهای روحانی شاعری به نام جایادوا، که آچاریای وایشناوا است، نیز پرستش نمی‌شد. بودا اصول مقدماتی وداها را، به روشی مناسب برای آن زمان، ارشاد کرد تا مرجعیت وداها را تثبیت کند (و شانکاراچاریا نیز همین کار را انجام داد). بنابراین هم بودا و هم آچاریاشانکارا هر دو راه خداناسی را هموار کردند تا آچاریاهای وایشناوا، به‌خصوص شری چیتانیا ماهاپرابهو که پس از آنها ظهور کردند، مردم را در راه معرفت بازگشت به خداوند هدایت کنند.

ما به سهم خود خوشحالیم که مردم به جنبش عدم اعمال خشونت بودا علاقه می‌ورزند. اما آیا آنها این موضوع را جدی تلقی خواهند کرد و تمامی کشتارگاه‌ها را خواهند بست؟ اگر چنین نباشد معنی و مفهوم آئین آهیمسا (*ahimsā*) در چیست؟

شریماد-بهاگواتام درست قبل از آغاز عصر کالی (حدود پنج هزار سال پیش) گردآوری شد و بودا حدود بیست و شش قرن پیش ظاهر گشت و بدین ترتیب ظهور وی در شریماد-بهاگواتام پیش‌بینی شده است. چنین است مرجعیت این کتاب مقدس خالص که حاوی پیشگویی‌های بسیار دیگری است که یکی پس از دیگری تحقق می‌یابند. این مطلب اشاره به جایگاه مطلق شریماد-بهاگواتام دارد که کمترین اثری از اشتباه، توهم، فریب و نقص در آن یافت نمی‌شود؛ کاستی‌هایی که مختص تمام ارواح مقید است. ارواح رهایی یافته، ورای این نقایص قرار دارند؛ بنابراین آنها قادرند پدیده‌هایی را که در آینده‌ی بسیار دور رخ می‌دهد ببینند و پیش‌بینی کنند.

آیه ۲۵

*athāsau yuga-sandhyāyām
dasyu-ṣrāyeṣu rājasu
janitā viṣṇu-yaśaso
nāmnā kalkir jagat-ṣatiḥ*

atha: پس از آن؛ *asau*: همان خداوند؛ *yuga-sandhyāyām*: در تلاقی یوگاها؛ *dasyu*: غارت‌گران، چپاول‌گران؛ *ṣrāyeṣu*: تقریباً همه؛ *rājasu*: شخصیت حکمران؛ *janitā*: تولد خواهد یافت؛ *viṣṇu*: به نام ویشنو؛ *yaśasaḥ*: با لقب یاشا؛ *nāmnā*: به نام؛ *kalkiḥ*: ظهور خداوند *jagat-ṣatiḥ*: خداوند خلقت.

ترجمه

پس از آن، در نقطه‌ی تلاقی و اتصال دو عصر، زمانی که حکمرانان زمین رو به انحطاط خواهند رفت و غارت‌گرانی بیش نخواهند شد، خداوند آفرینش به صورت ظهور کالکی تولد خواهد یافت و پسر ویشنو یاشا خواهد شد.

شرح

در اینجا به‌گاوآتام پیشگویی دیگری را به عمل می‌آورد: پیدایش کالکی، ظهور دیگر خداوند در تلاقی دو یوگا؛ یعنی در پایان کالکی - یوگا و آغاز ساتیا - یوگا. گردش چهار یوگا، یعنی ساتیا، تریتا، دواپارا و کالی، همچون ماه‌های تقویم است. کالی - یوگا یا عصری که در آن به سر می‌بریم ۴۳۲۰۰۰ سال طول می‌کشد که فقط پنج هزار سال آن را گذرانده‌ایم، زیرا این عصر پس از نبرد کوروکشترا و پایان سلطنت پادشاه پاریکشیت آغاز شد. بنابراین به اتمام آن ۴۳۲۰۰۰ سال باقی مانده است. بنابراین در پایان این دوره، همان‌گونه که در شریما-د-بهاگواتام پیش‌بینی شده است، کالکی ظهور خواهد کرد. در به‌گاوآتام نام پدر وی یعنی ویشنو یاشا - برهمانای دانا - و همین‌طور محل ظهورش روستای شامبهاالا اعلام شده است. همان‌گونه که در فوق ذکر گردید، حقانیت تمام این پیش‌گویی‌ها در تاریخ معین و به ترتیب به اثبات خواهد رسید. این مرجعیت شریما-د-بهاگواتام است.

آیه ۲۶

avatārā hy asaṅkhyeyā
hareḥ sattva-nidher dvijāḥ
yathāvidāsinaḥ kulyāḥ
sarasaḥ syuḥ sahasraśaḥ

avatārāḥ: ظهورات؛ hi: قطعاً، حتماً؛ asaṅkhyeyāḥ: بی‌شمار؛ hareḥ: مربوط به هاری، خداوند؛ sattva-nidheḥ: مربوط به اقیانوس نیکی؛ dvijāḥ: برهماناها؛ yathā: همان‌گونه که هست؛ avidāsinaḥ: پایان‌ناپذیر؛ kulyāḥ: نهرها، جویبارها؛ sarasaḥ: مربوط به دریاچه‌های عظیم؛ syuḥ: هستند؛ sahasraśaḥ: هزاران از.

ترجمه

ای برهماناها، ظهورات خداوند بی‌شمارند، همانند نهرهایی که از منابع پایان‌ناپذیر آب جاری باشند.

شرح

فهرستی که از ظهورات شخصیت خداوند در اینجا ارائه شده است، کامل نیست. این فقط نظری اجمالی به تمام ظهورات است. ظهورات بسیار دیگری وجود دارند همچون شری‌هایاگریوا (Śrī Hayagrīva)، هاری (Hari)، هامسا (Hamsa)، پریشنیگاربا (Prṣnigarbha)، ویهو (Vibhu)، ساتیاسینا (Satyasena)، وایکوتنها (Vaikuṅṭha)، ساروابهوما (Sārvabhauma)، ویشواکسینا (Viṣvaksena)، دهارامیتو (Dharmasetu)، سودهاما (Sudhāmā)، یوگشوارا (Yogeśvara)، بریهادهانو (Bṛhadbhānu) و غیره که در اعصار کهن ظاهر شدند. شری پراهلادا ماهاراجا در دعایش گفت: «خداوند، تو در ظهورات بسیاری به تعداد گونه‌های حیاتی یعنی آبزیان، گیاهان، خزندگان، پرندگان، چهارپایان، انسان‌ها، خداوندگاران و غیره، صرفاً به‌منظور حفاظت از مؤمنان و نابودی بی‌ایمانان متجلی می‌شوی. بدین ترتیب، تو خود را منطبق با نیاز یوگ‌های گوناگون ظاهر می‌سازی. در کالی – یوگا تو در کسوت یک عابد ظهور کرده‌ای». منظور از این ظهور خداوند در کالی – یوگا، شری چیتانیا ماهاپرابهو است. ظهور خداوند به صورت شری چیتانیا ماهاپرابهو، به دفعات بسیار، هم در

بهاگواتام و هم در کتب مقدس دیگر به‌وضوح ذکر گردیده است. در برهما — سامهیتا نیز به طور غیرمستقیم گفته شده است که هر چند ظهورات بسیاری از خداوند همچون راما، نریسیمها، واراها، ماتسیا، کورما و ظهورات بسیار دیگری وجود دارد، ولی خداوند گاهی اوقات شخصاً ظهور می‌کند. بنابراین خداوند کریشنا و خداوند شری چیتانیا ماهاپراپهو، در زمره‌ی ظهورات نیستند، بلکه منشاء اصلی تمام ظهورات دیگر محسوب می‌شوند. این موضوع در اشلوکای بعد به‌وضوح توضیح داده خواهد شد. در نتیجه خداوند منبع پایان‌ناپذیر ظهورات بی‌شماری است که متون مقدس به صورت انفرادی از تمامی آنها نام نمی‌برد، اما آنها از طریق اعمال خارق‌العاده‌ی خاصی که انجام آن از عهده‌ی هیچ موجود زنده‌ای بر نمی‌آید متمایز می‌شوند. این محکی کلی است برای تشخیص هویت ظهورات خداوند، که به طور مستقیم و غیرمستقیم قدرتمند شده‌اند. برخی از ظهورات ذکر شده در فوق تقریباً بسط‌های کامل هستند. به عنوان نمونه، می‌توان از کوماراه‌ها که با دانش متعال، از شری نارادا که با خدمت عابدانه و از ماهاراجا پریتهو که با عملکرد اجرایی اقتدار یافته‌اند، نام برد. ظهور ماتسیا به طور مستقیم یک بسط کامل است. بنابراین ظهورات بی‌شمار خداوند در سراسر جهان‌ها به طور دائم و بدون توقف، متجلی می‌شوند؛ همان‌گونه که آب دائماً از آبشار جاری است.

آیه ۲۷

*ṛṣayo manavo devā
manu-putrā mahaujaśaḥ
kalāḥ sarve harer eva
saprājāpatayaḥ smṛtāḥ*

ṛṣayaḥ: تمام حکیمان؛ *manavaḥ*: تمام مانوها؛ *devāḥ*: تمام خداوندگاران؛ *manu-*
putrāḥ: تمام نوادگان مانو؛ *mahā-ojaśaḥ*: بسیار قدرتمند؛ *kalāḥ*: بسط کامل؛ *sarve*:
همگی، جمعاً؛ *hareḥ*: مربوط به خداوند؛ *eva*: حتماً، قطعاً؛ *sa-prājāpatayaḥ*: همراه با
پراجاپاتی‌ها؛ *smṛtāḥ*: شناخته می‌شوند.

ترجمه

تمام ریشی‌ها، مانوها، خداوندگاران و نوادگان مانو، که از قدرت خاصی

برخوردارند و همین طور پراجاپاتی‌ها، بسط کامل و یا قسمتی از بسط کامل خداوند به شمار می‌آیند.

شرح

ظهوراتی که دارای اقتدار نسبی کمتری هستند و بیهوتی (*vibhūti*)، و آنان که از اقتدار نسبتاً بیشتری برخوردارند اوشا (*āveśā*) خوانده می‌شوند.

آیه ۲۸

*ete cāmśa-kalāḥ ṣṛṣṇasah
kṛṣṇas tu bhagavān svayam
indrāri-vyākulaṁ lokam
mṛḍayanti yuge yuge*

ete: تمام اینها؛ *ca*: و؛ *amśa*: بسط‌های کامل؛ *kalāḥ*: بسط‌های بسط‌های کامل؛ *ṣṛṣṇasah*: مربوط به متعال؛ *kṛṣṇas*: خداوند کریشنا؛ *tu*: اما؛ *bhagavān*: شخصیت خداوند؛ *svayam*: شخصاً؛ *indra-ari*: دشمنان ایندرا؛ *vyākulam*: آشفته‌شده؛ *lokam*: تمام سیارات؛ *mṛḍayanti*: حفظ می‌کند؛ *yuge yuge*: در اعصار مختلف.

ترجمه

تمام ظهورات فوق‌الذکر یا بسط کامل خداوندند یا بسطی از بسط کامل او؛ اما شری کریشنا شخصیت اصلی و ازلی خداوند است. هرگاه در هر یک از سیارات، کافران و خداشناسان آشفته‌گی ایجاد کنند، خداوند به منظور حفظ خداشناسان ظهور می‌کند.

شرح

در این آیه‌ی خاص، خداوند شری کریشنا، شخصیت پروردگار، از ظهورات دیگر متمایز شده است. چنانچه او در میان آواتاراها (*avatāras*)، یعنی ظهورات، برشمرده شده به علت این است که از روی لطف و رحمت بی‌دلیل خود از ملکوت روحانی‌اش هبوط می‌کند. آواتارا یعنی

«کسی که هبوط می‌کند». تمام ظهورات خداوند و نیز خود خداوند، به منظور تحقق اهداف معین، در سیارات گوناگون دنیای مادی و در شکل گونه‌های مختلف حیاتی هبوط می‌کنند. گاهی اوقات خود وی می‌آید، و گاهی بسط‌های کامل یا جزئی مختلف و یا بخش‌های گوناگونش که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق وی قدرتمند شده‌اند، در این دنیای مادی هبوط می‌کنند تا نوعی عملکرد خاص را انجام دهند. خداوند به طور ذاتی دارای ثروت، قدرت، شهرت، زیبایی، دانش و انقطاع کامل است. زمانی که بسط‌های کامل یا قسمت‌هایی از بسط‌های کامل خداوند، جزئی از این توانگری‌ها را متجلی می‌کنند، باید متذکر شد که برای عملی کردن رسالتی خاص فقط به همان اندازه توانگری نیاز بوده است و نه بیشتر. روشن شدن اتافی با چند لامپ کوچک نشان‌دهنده‌ی توانایی واقعی نیروگاه برق نیست، زیرا آن نیروگاه قادر است برق مورد نیاز مجتمع‌های عظیم صنعتی را فراهم کند. مشابهاً، زمانی که ظهورات خداوند قدرت‌هایی محدود از خود نشان می‌دهند این بدان علت است که در آن زمان معین فقط به آن اندازه نیرو احتیاج بوده است. برای مثال، خداوند پاراشوراما با کشتن کشتارهای نافرمان در بیست و یک وهله، و خداوند نریسیمها با کشتن خدانشناس بسیار قدرتمند هیرانیا کاشیپو، توانگری‌های غیرعادی از خود نشان دادند. هیرانیا کاشیپو چنان قدرتمند بود که فقط با گره انداختن در ابروانش، حتی خداوندگاران را در سیارات دیگر از ترس به لرزه می‌انداخت. خداوندگاران در سطح بالاتری از موجودیت مادی به سر می‌برند و دارای طول عمر، زیبایی، ثروت و تجهیزات به مراتب بیشتری از مرفه‌ترین انسان‌ها هستند؛ با وجود این از هیرانیا کاشیپو بیم داشتند. حال می‌توان قدرت هیرانیا کاشیپو را در این جهان مادی تصور کرد. اما حتی هیرانیا کاشیپو هم با ناخن‌های خداوند نریسیمها تکه‌تکه شد. این بدان معناست که هیچ شخص قدرتمند مادی نمی‌تواند در برابر قدرت ناخن‌های خداوند ایستادگی کند. مشابهاً، جاماداگنیا (*Jāmadagnya*) یا پاراشوراما، قدرت خداوند را در نابودی تمام پادشاهان نافرمانی که دارای حکومت قدرتمندی بودند نشان داد. ظهور قدرت‌یافته‌ی خداوند، نارادا و همین‌طور ظهور کامل او، واراها، همچنین خداوندگار بودا که به طور غیرمستقیم قدرت یافته بود، ایمان را در دل توده‌ی مردم ایجاد کردند. ظهورات راما و دهانوانتاری شهرت وی را به نمایش گذاردند و بالاراما، موهینی و وامانا، زیبایی وی را. داتاتریا، ماتسیا، کومارا و کاپیلا، دانش متعال وی را نشان دادند و نارا و نارایانا ریشی انقطاع وی را. بدین ترتیب، هر یک از ظهورات مختلف خداوند به طور غیرمستقیم یا مستقیم بعضی از وجوه گوناگون وی را متجلی ساختند؛ اما شری کریشنا، خداوند ازلی، وجوه کامل خداوند را نشان داد و در نتیجه تصریح شده است که او منشاء تمام

ظهورات دیگر است. و شگفت‌انگیزترین وجهی که خداوند شری کریشنا از خود نشان داد، تجلی نیروی درونی خود از طریق بازی‌های متعالش با دختران گاوچران بود. اعمال روحانی وی با گوپی‌ها هر چند به ظاهر به صورت عشق نکاحی متجلی شده‌اند، همگی مظاهر و جلوه‌هایی از موجودیت روحانی، شرف و دانش هستند. جاذبه‌ی خاص اعمال روحانی خداوند با گوپی‌ها هیچ‌گاه نباید اشتباه درک شود. بهاگواتام این اعمال روحانی را در جزء دهم نقل می‌کند و خواننده را به تدریج با مطالعه‌ی نُه جزء دیگر به سطحی می‌رساند که بتواند سرشت مطلق و روحانی اعمال کریشنا را با گوپی‌ها درک کند.

بر اساس اظهارات جیواگوسوامی، منطبق با منابع معتبر و موثق، خداوند کریشنا منشاء تمام ظهورات دیگر است ولی خود هیچ منشاء ظهوری ندارد. تمام نشانه‌های حقیقت متعال به طور کامل در شخص خداوند شری کریشنا حضور دارد و در بهاگاواد – گیتا خداوند به طور مؤکد اعلام می‌کند که هیچ حقیقتی برتر از وی یا برابر با وی نیست. در این آیه، واژه‌ی سویام (*svayam*) مخصوصاً ذکر گردیده است تا از طریق آن تصریح کند که خداوند کریشنا به جز خود هیچ‌گونه منشاء دیگری ندارد. هرچند گاهی اوقات، ظهورات به علت عملکردهای خاصشان به عنوان بهاگاوان توصیف شده‌اند، ولی هیچ‌گاه شخصیت متعال قلمداد نشده‌اند. در این آیه واژه‌ی سویام به معنای برتری و عظمت شری کریشنا به عنوان خیر اعلی (*summum bonum*) است.

خیر اعلی، کریشنا، یگانه‌ی بی‌همتاست. او شخصاً خود را به اجزاء، بسط‌ها و قسمت‌های گوناگون به صورت سویام – روپا (*svayam-rūpa*)، سویام – پراکاشا (*svayam-prakāśa*)، تاد – اِکاتما (*tad-ekātma*)، پرابهاوا (*prābhava*)، وایبهاوا (*vaibhava*)، ویلاسا (*vilāsa*)، آواتارا (*avatāra*)، آوِشا (*āveśa*) و جیوا (*jīva*) بسط داده است که همگی مجهز به نیروهای بی‌شمار دقیقاً متناسب با شخص و شخصیت خویش هستند. دانایان و پژوهندگان موضوعات روحانی، خیر اعلی یا کریشنا را به دقت تحلیل کرده و در او شصت و چهار صفت اصلی یافته‌اند.

بسط‌های گوناگون خداوند و رده‌بندی‌های او فقط از چند درصدی از این صفات برخوردارند، در حالی که شری کریشنا دارنده‌ی صد درصد این صفات است. بسط‌های شخصی خداوند همچون سویام – پراکاشا، تاد – اِکاتما تا رده‌بندی آواتاراها که همگی ویشنو – تاتوا هستند، نود و سه درصد این صفات روحانی را دارا می‌باشند. خداوندگار شیوا، که نه آواتارا است و نه آوِشا و نه بین آن دو، تقریباً هشتاد و چهار درصد صفات را دارد. اما جیواها، یا موجودات زنده‌ی فردی در

سطوح گوناگون پیشرفت روحانی، می‌توانند حداکثر تا هفتاد و هشت درصد این صفات را داشته باشند. در وضعیت مقید موجودیت مادی، موجود زنده این صفات را در کمیت بسیار ناچیزی دارد که برحسب زندگی پرهیزگارانه‌ی وی متغیر است. کامل‌ترین موجود زنده، برهما است که زمامدار اعلا‌ی یک جهان محسوب می‌شود. او هفتاد و هشت درصد از این صفات را به طور کامل دارد. تمام خداوندگاران دیگر با کمیت پایین‌تری از این صفات برخوردارند، در حالی که موجودات انسانی این صفات را در کمیت بسیار اندکی دارند. معیار کمال برای انسان، پرورش دادن این صفات تا سطح هفتاد و هشت درصد به طور کامل است. موجود زنده هیچ‌گاه نمی‌تواند از این صفات به اندازه‌ی شیوا، ویشنو یا خداوند کریشنا برخوردار باشد. موجود زنده قادر است با پرورش دادن و تکامل بخشیدن هفتاد و هشت درصد این صفات به طور کامل، الهی شود، اما هیچ‌گاه نمی‌تواند خود را به سر حدّ شیوا، ویشنو یا کریشنا برساند. او می‌تواند در زمان خود یک برهما شود. موجودات زنده‌ی الهی که همگی ساکن سیارات آسمان روحانی هستند، معاشر جاودان خداوند در سیارات گوناگون روحانی‌اند که هاری – دهاما (*Hari-dhāma*) و ماهشا – دهاما (*Maheśa-dhāma*) خوانده می‌شوند. منزلگاه و ملکوت خداوند کریشنا، فوق تمام سیارات روحانی واقع است و کریشنالوکا (*Kṛṣṇaloka*) یا گولوکا ورینداوانا (*Goloka Vṛndāvana*) نام دارد و موجود زنده‌ی به کمال رسیده، با پرورش هفتاد و هشت درصد از صفات فوق در خود به طور کامل، می‌تواند پس از ترک بدن مادی کنونی به سیاره‌ی کریشنالوکا وارد شود.

آیه ۲۹

*janma guhyam bhagavato
ya etat prayato narah
sāyam prātar gṛṇan bhaktyā
duḥkha-grāmād vimucyate*

janma: تولد؛ *guhyam*: اسرارآمیز، رازگونه؛ *bhagavataḥ*: مربوط به خداوند؛ *yaḥ*: کسی که؛ *etat*: تمام اینها؛ *prayataḥ*: دقیقاً *narah*: انسان؛ *sāyam*: عصر، شامگاه؛ *prātaḥ*: صبحگاه *gṛṇan*: خواندن، ذکر کردن؛ *bhaktyā*: با عشق و عبودیت؛ *duḥkha-grāmāt*: از تمام رنج‌ها و بدبختی‌ها؛ *vimucyate*: رهایی می‌یابد از.

ترجمه

هر آن کس که شرح ظهورات اسرارآمیز خداوند را با عشق و عبودیت در صبحگاه و شامگاه به طور دقیق تلاوت کند، از تمام رنج‌های زندگی رها می‌گردد.

شرح

شخصیت خداوند در بهاگاواد — گیتا اعلام کرده است که هر کس سرشت روحانی ظهور و اعمال خداوند را درک کند، پس از رهایی از این اقامتگاه موقت مادی نزد خداوند باز خواهد گشت. پس، انسان صرفاً از طریق پی بردن حقیقی به چگونگی ظهور رازگونه‌ی خداوند در این دنیای مادی، می‌تواند از اسارت مادی رهایی یابد. بنابراین تولد و فعالیت‌های خداوند، همان‌گونه که وی آنها را برای سعادت عموم مردم متجلی ساخت، معمولی نیستند. آنها رازگونه‌اند و فقط برای کسانی که با دقت سعی کنند از طریق عشق و عبودیت روحانی به عمق این موضوع فرو روند، فاش می‌شوند، و از این طریق شخص به رهایی از اسارت مادی دست می‌یابد. بنابراین توصیه شده است که شخص این فصل بهاگاواتام را که پیدایش خداوند را در ظهورات گوناگون توصیف می‌کند، با صداقت و عشق و عبودیت، صرفاً تلاوت نماید، تا از این طریق بتواند به تولد و فعالیت‌های خداوند بصیرت یابد. خود واژه‌ی ویموکتی (*vimukti*)، یا رهایی، حاکی از آن است که تولد و فعالیت‌های خداوند همگی متعال‌اند؛ وگرنه صرفاً با تلاوت آنها چگونه انسان می‌تواند به رهایی نائل شود؟ بنابراین آنها رازگونه‌اند و کسانی که از قواعد و قوانین تجویز شده‌ی خدمت عابدانه پیروی نمی‌کنند، استحقاق پی بردن به راز تولدهای خداوند و اعمال او را ندارند.

آیه ۳۰

*etat rūpam bhagavato
hy arūpasya cid-ātmanah
māyā-guṇair viracitam
mahadādibhir ātmani*

etat: همه‌ی اینها؛ *rūpam*: اشکال؛ *bhagavataḥ*: مربوط به خداوند؛ *hi*: قطعاً؛
arūpasya: مربوط به کسی که هیچ شکل مادی ندارد؛ *cid-ātmanah*: مربوط به مطلق؛

māyā: نیروی مادی؛ *gunaiḥ*: از طریق طبایع یا صفات؛ *viracitam*: ساخته شده؛ *mahat-ādibhiḥ*: با عناصر مادی؛ *ātmani*: در ذات.

ترجمه

ادراک شکل جهانی خداوند، آن گونه که در دنیای مادی ظاهر می شود، تخیلی است. هدف آن فقط این است که به افراد کم خرد [و مبتدیان در راه خودشناسی] اجازه دهد تا به تصویری از شکل خداوند دست یابند. ولی در حقیقت خداوند دارای شکلی مادی نیست.

شرح

تصویر خداوند معروف به ویشوا - روپا یا ویرات - روپا مخصوصاً همراه با ظهورات گوناگون ذکر نشده است؛ چون تمام ظهورات فوق‌الذکر روحانی هستند و کمترین اثری از ماده در کالبد آنان دیده نمی شود. هیچ گونه تفاوتی بین کالبد و ذاتشان چنان که در روح مقید وجود دارد در آنان یافت نمی شود. ویرات - روپای مادی فقط برای پرستش کنندگان مبتدی خداوند تصور شده است، که توضیح آن در جزء دوم این کتاب ارائه خواهد شد. در ویرات - روپا، تجلیات مادی سیارات گوناگون به مثابه‌ی پاها، دست‌ها و غیره‌ی خداوند تصور شده است. در واقع تمام چنین توصیفاتی برای مبتدیان که نمی‌توانند چیزی ورای ماده تصور کنند در نظر گرفته شده است. تصویر مادی خداوند در فهرست اشکال حقیقی‌اش به‌شمار نیامده است. خداوند به صورت پاراماتما، یا روح متعال، درون هر شکل مادی، حتی در دل ذرات حضور دارد؛ اما شکل مادی بیرونی چیزی جز یک تخیل نیست، هم برای خداوند و هم برای موجود زنده؛ همان گونه که اشکال کنونی ارواح مقید نیز حقیقی نیستند. چنین نتیجه می‌گیریم که تصور مادی کالبد خداوند به صورت ویرات، تخیلی بیش نیست. هم خداوند و هم موجودات زنده، ارواح زنده هستند و کالبدهای روحانی ذاتی دارند.

آیه ۳۱

*yathā nabhasi meghaugho
reṇur vā pārthivo 'nile
evam draṣṭari dṛṣyatvam*

āropitam abuddhibhiḥ

yathā: همان‌گونه که هست؛ *nabhasi*: در آسمان؛ *megha-oghaḥ*: توده‌ای ابر؛ *reṇuḥ*: غبار؛ *vā*: همچون؛ *pārthivaḥ*: گل آلودگی؛ *anile*: در هوا؛ *evam*: بدین‌سان؛ *draṣṭari*: برای بیننده؛ *dṛṣyatvam*: به‌منظور دیدن؛ *āropitam*: دلالت دارد بر؛ *abuddhibhiḥ*: از طریق کم‌خردان.

ترجمه

ابر و غبار به‌وسیله‌ی هوا حمل می‌شود، اما اشخاص کم‌خرد با دیدن ابر در آسمان و غبار در هوا تصور می‌کنند که آسمان ابری و هوا غبارآلود است. مشابهاً آنان ادراکات بدنی مادی را نیز به ذات روحانی القاء می‌کنند.

شرح

در این آیه یک بار دیگر تصریح شده است که ما با حواس و چشمان مادی قادر نیستیم خداوند را که روح مطلق است، ببینیم. ما حتی قادر به کشف و شناسایی جرقه‌ی روحانی‌ای نیستیم که درون بدن مادی موجود زنده وجود دارد. ما به پوشش خارجی بدن یا ذهن لطیف موجود زنده نگاه می‌کنیم، اما نمی‌توانیم جرقه‌ی روحانی درون بدن را ببینیم. پس ما باید حضور موجود زنده را از طریق حضور کالبد مادی زمختش ببپذیریم. مشابهاً، به آن کسانی که می‌خواهند خداوند را با چشمان مادی کنونی‌شان ببینند یا از طریق حواس مادی درک کنند توصیه شده است بر سیمای بیرونی و عظیم خداوند به نام ویرات - روپا مراقبه کنند. ما گاهی اوقات افراد را با وسیله‌ی نقلیه‌شان هم هویت تلقی می‌کنیم. به عنوان مثال وقتی رئیس جمهور با اتومبیل مخصوص خود در حال حرکت باشد ما فوراً می‌گوییم: «این رئیس جمهور است». پس ما در آن موقع اتومبیل را با رئیس جمهور هم هویت تلقی کرده‌ایم. مشابهاً، هر چند خداوند در درون و برون حضور دارد، برای اشخاص کم‌خردی که می‌خواهند خداوند را بلافاصله و بدون کسب صلاحیت لازم و ضروری ببینند، نخست پیکر عظیم‌الجثه‌ی کیهان مادی به عنوان شکل خداوند نشان داده می‌شود. وقتی ابر در آسمان باشد، رنگ آبی آن بهتر درک می‌شود. هر چند رنگ آبی آسمان با خود آسمان متفاوت است، ولی ما رنگ آسمان را به صورت آبی تصور می‌کنیم. اما این فقط درکی سطحی است و مخصوص اشخاص عامی.

آیه ۳۲

ataḥ param yad avyaktam
 avyūḍha-guṇa-br̥mhitam
 adṛṣṭāśruta-vastutvāt
 sa jīvo yat punar-bhavaḥ

ataḥ: این؛ param: آن سوی، وراى؛ yat: که؛ avyaktam: نامتجلی؛ avyūḍha: بدون شکل مشخص؛ guṇa-br̥mhitam: متأثر از طبایع؛ adṛṣṭa: نادیده؛ aśruta: ناشنیده؛ vastutvāt: این گونه بودن؛ saḥ: آن؛ jīvaḥ: موجود زنده؛ yat: آن که؛ punar-bhavaḥ: کراراً تولد می‌یابد.

ترجمه

ورای این ادراک زمخت از شکل موجودات، ادراک لطیف دیگری یافت می‌شود: ادراک از شکلی نامشخص، نادیدنی، ناشنیدنی و نامتجلی. شکل حقیقی موجودات وراى این حالت لطیف قرار دارد، در غیر این صورت آنها نمی‌توانستند تولدهای پیاپی داشته باشند.

شرح

همان‌گونه که تجلی کیهانی زمخت به عنوان کالبد عظیم خداوند تصور شده است، به همین ترتیب تصویری از شکل لطیف خداوند وجود دارد که صرفاً بدون دیده شدن، شنیده شدن یا متجلی شدن درک می‌شود. اما در حقیقت تمام این تصویرهای زمخت یا لطیف بدن به موجودات زنده مربوط می‌شود. موجود زنده دارای شکلی روحانی است که وراى این موجودیت مادی زمخت یا موجودیت روانی لطیف قرار دارد. به مجرد اینکه موجود زنده بدن زمخت قابل رؤیت را ترک می‌کند، بدن زمخت و عملکردهای مربوط به روان از عمل باز می‌ایستند. در حقیقت، از این طریق متوجه می‌شویم که موجود زنده عزیمت کرده و رفته است؛ چون او نادیدنی و ناشنیدنی است. حتی هنگامی که موجود زنده در خواب عمیق است و بدن زمختش عملی انجام نمی‌دهد، ما از روی تنفسش به وجود او در بدن اطمینان حاصل می‌کنیم. بدین ترتیب، رحلت موجود زنده از بدن بدان معنی نیست که روح زنده موجودیت خود را از دست

داده است. روح وجود دارد؛ وگرنه چگونه می‌توانست تولدهای پیاپی کسب کند؟ چنین نتیجه‌گیری می‌کنیم که خداوند به طور جاودان در شکل روحانی‌اش که نه زمخت است و نه لطیف، حضور دارد. کالبد روحانی خداوند را نباید هیچ‌گاه با کالبدهای جسمانی زمخت و لطیف موجود زنده مقایسه کرد. داشتن چنین ادراکاتی از کالبد خداوند چیزی جز تصور و تخیل نیست. اما درباره‌ی موجود زنده باید گفت که او نیز دارای شکلی روحانی و جاودان است که فقط از طریق آلودگی مادی مقید می‌شود.

آیه ۳۳

*yatrema sad-asad-rūpe
pratiṣiddhe sva-saṁvidā
avidyayātmani kṛte
iti tad brahma-darśanam*

yatra: هر گاه؛ *ime*: در تمام اینها؛ *sat-asat*: زمخت و لطیف؛ *rūpe*: در اشکال؛ *pratiṣiddhe*: باطل شده‌اند؛ *sva-saṁvidā*: از طریق خودشناسی؛ *avidyayā*: از طریق حمل؛ *ātmani*: در ذات؛ *kṛte*: تحمیل شده‌اند؛ *iti*: بدین سان؛ *tat*: آن است؛ *brahma-darśanam*: روش دیدن مطلق.

ترجمه

هرگاه انسان از طریق شناخت هویت روحانی خود به این تجربه و آگاهی دست یافت که کالبدهای زمخت و لطیفش، هر دو، ارتباطی با ذات پاک و خالص او ندارد، در آن زمان وی خویشتن و همچنین خداوند را درک می‌کند و می‌بیند.

شرح

تفاوت بین خودشناسی و توهم مادی در پی بردن به این حقیقت است که نیروی مادی، بدن‌های زمخت و لطیف را که پوشش‌های سطحی و ظاهری برای ذات محسوب می‌شوند، به طور توهمی یا موقتی بر آن تحمیل می‌کند. این پوشش‌ها به علت جهل پدید می‌آیند. چنین پوشش‌هایی هیچ‌گاه قادر به پوشاندن شخص خداوند نیستند. پی بردن به این حقیقت و متقاعد

شدن با آن، رهایی یا دیدن مطلق خوانده می‌شود. این بدان معنی است که خودشناسی کامل با پذیرش زندگی الهی و روحانی ممکن می‌شود. خودشناسی به معنای بی‌تفاوت شدن نسبت به نیازهای کالبدیهای زمخت و لطیف و توجه بیشتر به فعالیت‌های ذات است. انگیزه برای عمل کردن از ذات نشأت می‌گیرد، اما به علت جهل و غفلت درباره‌ی موقعیت حقیقی ذات، اعمال توهمی می‌شوند. به علت جهل، منفعت شخصی بر اساس کالبدیهای زمخت و لطیف محاسبه می‌شود و بنابراین کلّ مجموعه‌ی فعالیت‌های فرد، زندگی پس از زندگی تباه می‌شود. فعالیت‌های ذات هنگامی آغاز می‌شود که شخص با آموزش صحیح، ذات و خویشتن خویش را ملاقات کند. بنابراین شخصی که به فعالیت‌های ذات مشغول شده است، حیوان – موکتا (*jīvan-mukta*)، یا یک شخص رهاشده، – حتی در موجودیت مقید – خوانده می‌شود.

این سطح کامل از خودشناسی نه از طریق شیوه‌های مصنوعی، بلکه فقط تحت هدایت قدم نیلوفرین خداوند همواره متعال و مطلق، دست‌یافتنی است. خداوند در بهاگاواد – گیتا می‌فرماید که او در قلب همه حضور دارد و فقط از اوست که تمامی دانش، به‌خاطر آوردن یا فراموشی نشأت می‌گیرد. هنگامی که موجود زنده بخواهد از نیروی مادی (پدیده‌ی توهمی) لذت برد، خداوند موجود زنده را در رمز و راز فراموشی می‌پوشاند و در نتیجه موجود زنده، بدن زمخت و ذهن لطیف را به مثابه‌ی خویشتن خویش تعبیر می‌کند و در این راه به خطا می‌رود؛ در حالی که با پرورش دانش متعال، وقتی موجود زنده برای رهایی از چنگ فراموشی به خداوند دعا کند، خداوند با لطف بی‌دلیلش، حجاب توهمی موجود زنده را برطرف می‌سازد و در نتیجه او به درک خویشتن حقیقی دست می‌یابد. وی سپس خود را در موقعیت فطری جاودانش به خدمت خداوند مشغول می‌کند و از زندگی مقید رها می‌گردد. تمامی اینها با اراده‌ی خداوند، از طریق نیروی بیرونی‌اش و با به‌طور مستقیم از طریق نیروی درونی وی انجام می‌شود.

آیه ۳۴

*yady eṣoparatā devī
māyā vaiśārādī matih
sampanna eveti vidur
mahimni sve mahīyate*

yadi: اگر، هر چند؛ *eṣā*: آنها؛ *uṣparatā*: فروکش کرده؛ *devī māyā*: نیروی توهمی؛

vaiśārādī: مملو از دانش؛ *matih*: روشنایی، اشراق؛ *sampannah*: غنی شده با؛ *eva*:
 حتماً، محققاً؛ *iti*: بدین سان؛ *viduh*: آگاه بودن از؛ *mahimni*: در شکوه و جلال؛ *sve*: مربوط
 به ذات؛ *mahīyate*: واقع شده در.

ترجمه

چنانچه نیروی توهمی فروکش کند و موجود زنده با لطف و رحمت خداوند به
 طور کامل با دانش غنی شود، آنگاه بی‌درنگ از طریق خودشناسی به اشراق
 می‌رسد و در نتیجه در شکوه و جلال خود واقع می‌گردد.

شرح

چون خداوند، ورای سه گونه‌ی طبیعت قرار دارد و حقیقت مطلق است، تمام اشکال، نام‌ها،
 اعمال، صفات، معاشران و نیروهای وی با خود او یکسان هستند. نیروی روحانی و متعال خداوند
 بر اساس قادر مطلق بودن وی به سه طریق بیرونی، درونی و حاشیه‌ای عمل می‌کند؛ و خداوند
 می‌تواند با قدرت مطلقش هر آنچه را که اراده کند با هر یک از نیروهای سه‌گانه‌ی فوق انجام
 دهد. او قادر است نیروی بیرونی خود را به نیروی درونی تبدیل کند. بنابراین با لطف و رحمت
 وی، نیروی بیرونی که به متوهم کردن آن دسته از موجودات زنده‌ای که در پی آن نیرو بودند
 گماشته شده بود، با اراده‌ی خداوند برحسب توبه و ریاضت روح مقید فرو می‌نشیند. و سپس خود
 همان نیرو در جهت کمک به موجود زنده‌ی تطهیر شده عمل می‌کند تا در راه خودشناسی
 پیشرفت نماید. به عنوان مثال می‌توان از نیروی برق نام برد. برق کار ماهر می‌تواند نیروی برق
 را فقط از راه تنظیم آن، هم برای گرم کردن و هم برای سرد کردن به کار ببرد. مشابهاً نیروی
 بیرونی، که اکنون موجود زنده را با تکرار تولد و مرگ سرگشته می‌کند، با اراده‌ی خداوند
 به‌منظور هدایت موجود زنده به‌سوی زندگی جاودان، به نیروی درونی تبدیل می‌شود. وقتی
 موجود زنده بدین‌گونه مورد لطف و رحمت خداوند واقع شود، در موقعیت فطری صحیحش قرار
 داده می‌شود تا از زندگی جاودان روحانی لذت برد.

آیه ۳۵

evaṁ janmāni karmāṇi
hy akartur ajanasya ca

*varṇayanti sma kavayo
veda-guhyāni hr̥t-pateḥ*

evam: بدین سان؛ *janmāni*: تولد؛ *karmāni*: فعالیت‌ها؛ *hi*: قطعاً؛ *akartuḥ*: مربوط به غیرفعال؛ *ajanasya*: مربوط به تولد نیافته؛ *ca*: و؛ *varṇayanti*: توصیف می‌کنند؛ *sma*: در گذشته؛ *kavayah*: دانایان؛ *veda-guhyāni*: کشف‌ناشدنی از طریق وداها؛ *hr̥t-pateḥ*: مربوط به خداوندِ قلب.

ترجمه

بدین سان دانایان، تولدها و اعمال آن زاده‌نشده‌ی بی‌عمل را، که حتی در متون ودایی غیرقابل کشف است، توصیف می‌کنند. او خداوند و حکمران دل است.

شرح

هم خداوند و هم موجودات زنده ذاتاً روحانی‌اند. بنابراین آنان جاودان‌اند و تولد و مرگ ندارند. تفاوت در این‌جاست که به اصطلاح تولدها و ناپیدایی‌های خداوند مشابه با تولدها و مرگ‌های موجودات زنده نیست. موجودات زنده‌ای که تولد می‌یابند و سپس دوباره مرگ را می‌پذیرند، به‌وسیله‌ی قوانین طبیعت مادی به اسارت کشیده شده‌اند. اما پیدایش و ناپیدایی خداوند، اعمال طبیعت مادی نیست؛ بلکه مظاهر نیروی درونی خداوند است که حکیمان بزرگ آنها را به‌منظور خودشناسی توصیف کرده‌اند. خداوند در بهاگاواد-گیتا فرموده است که به اصطلاح تولد وی در دنیای مادی و اعمالش، همگی روحانی‌اند؛ و صرفاً با مراقبه بر آنها، شخص می‌تواند به معرفت برهمن نائل شود و در نتیجه از اسارت مادی رها شود. در شروتی‌ها گفته شده است که چنین به نظر می‌رسد که آن تولدناپذیر، تولد می‌یابد. خداوند متعال ملزم به عمل نیست، اما چون قادر مطلق است، همه چیز از طریق او به طور طبیعی و آن‌چنان راحت انجام می‌شود که گویی خودبه‌خود رخ داده است. در حقیقت، پیدایش و ناپیدایی شخصیت اعلای خداوند و اعمال گوناگونش همگی محرمانه‌اند و حتی از طریق مطالعه‌ی متون مقدس ودایی نیز نمی‌توان در آنها رسوخ کرد. با وجود این، خداوند به منظور اعطای لطف و رحمت خود، آنها را برای ارواح مقید آشکار می‌سازد. ما باید همواره از روایات مربوط به فعالیت‌های خداوند، که راحت‌ترین، مناسب‌ترین و دلپذیرترین شکل مراقبه بر برهمن است، بهره‌مند شویم.

آیه ۳۶

sa vā idam viśvam amogha-līlah
 sṛjaty avaty atti na sajjate 'smin
 bhūteṣu cāntarhita ātma-tantraḥ
 śāḍ-vargikam jighrati śaḍ-guṇeśaḥ

saḥ: خداوند متعال؛ vā: به طور متناوب؛ idam: این؛ viśvam: جهان‌های تجلی‌یافته؛
 amogha-līlah: کسی که فعالیت‌هایش بی‌نقص هستند؛ sṛjati: خلق می‌کند؛ avati atti:
 حفظ و نابود می‌کند؛ na: نه (علامت نفی فعل)؛ sajjate: متأثر می‌شود از؛ asmin: در آنها؛
 bhūteṣu: در تمام موجودات زنده؛ ca: همچنین؛ antarhitaḥ: زندگی کردن در درون؛
 ātma-tantraḥ: قائم بالذات؛ śāḍ-vargikam: دارای تمام نیروهای توانگری‌هایش؛
 jighrati: به طور ظاهری و غیرمستقیم وابسته و مربوط شده (مانند در ارتباط واقع شدن با گل
 از طریق بوییدن رایحه‌اش)؛ śaḍ-guṇa-īśaḥ: ارباب شش حواس.

ترجمه

خداوند، فاعل اعمالی همواره بی‌عیب و منزّه، حکمران شش حواس و از طریق
 شش توانگری خود کاملاً توانا به هر کاری است. او جهان‌های تجلی‌یافته را
 می‌آفریند، حفظ می‌کند و منهدم می‌سازد؛ بدون آنکه کمترین تأثیری بپذیرد. او
 در هر موجود زنده‌ای جای دارد و همیشه مستقل و بی‌نیاز است.

شرح

تفاوت اصلی بین خداوند و موجودات زنده این است که خداوند، خالق و موجودات زنده
 مخلوق‌اند. در این آیه خداوند آموگها – لیلیا (amogha-līlah) خوانده شده است. این واژه بر
 آن دلالت دارد که در آفرینش وی هیچ‌چیز تأسّف‌آوری وجود ندارد و کسانی که آشفتگی و
 اغتشاش در آن ایجاد می‌کنند، خود آشفته و مغشوش می‌شوند. او ورای هر نوع اندوه و محنت
 مادی قرار دارد؛ چون با تمام شش توانگری خود، یعنی ثروت، قدرت، شهرت، زیبایی، دانش و
 انقطاع، کامل است و از این رو ارباب حواس محسوب می‌شود. او این جهان‌های تجلی‌یافته را به
 منظور نجات موجودات زنده‌ای که درون آنها تحت رنج‌های سه‌گانه‌ی مادی قرار می‌گیرند

می‌آفریند، حفظ می‌کند و در زمان خود نابود می‌سازد، بدون اینکه کوچک‌ترین تأثیری از چنین اعمالی بپذیرد. ارتباط او با این خلقت مادی بسیار سطحی است؛ درست همان‌گونه که شخصی رایحه‌ای را بدون آنکه با ماده‌ی معطر در تماس باشد، استشمام کند. بنابراین عناصر غیرالهی، به رغم تمام تلاش و کوشش خود، هیچ‌گاه نمی‌توانند به او تقرب جویند.

آیه ۳۷

*na cāśya kaścin nipuṇena dhātur
avaiti jantuḥ kumanīśa ūtīḥ
nāmāni rūpāṇi mano-vacobhiḥ
santanvato naṭa-caryām ivājñah*

na: نه؛ *ca*: و؛ *asya*: مربوط به او (خداوند)؛ *kaścit*: هر کس؛ *nipuṇena*: با مهارت و زبردستی؛ *dhātuḥ*: مربوطه به خالق؛ *avaiti*: می‌تواند بفهمد؛ *jantuḥ*: موجود زنده؛ *kumanīśaḥ*: با بهره‌ی اندکی از دانش؛ *ūtīḥ*: فعالیت‌های خداوند؛ *nāmāni*: نام‌های وی (خداوند)؛ *rūpāṇi*: شکل‌های وی (خداوند)؛ *manaḥ-vacobhiḥ*: به واسطه‌ی غور و تفکر ذهنی یا ایراد کردن سخنان؛ *santanvataḥ*: نشان دادن، نمایش دادن؛ *naṭa-caryām*: عمل نمایشی؛ *iva*: همچون؛ *ajñah*: نادان، ابله.

ترجمه

نادانان کم‌خرد نمی‌توانند به شناخت سرشت متعال شکل‌ها، نام‌ها و اعمال خداوند که همانند بازیگری بر صحنه‌ی نمایش ظاهر می‌شود، دست یابند. آنان نه در اندیشه‌ها و پندارهای خویش، و نه در بیانات خود، قادر به توصیف این مطالب نیستند.

شرح

هیچ‌کس نمی‌تواند سرشت روحانی حقیقت مطلق را به درستی توصیف کند. بنابراین گفته شده است که او ورای ذهن و کلام قرار دارد؛ با وجود این بعضی از افراد بی‌بهره از دانش، از طریق غور و تفکر ذهنی ناقص و توصیف اشتباه اعمال خداوند، خواهان درک حقیقت مطلق هستند.

برای عوام، اعمال خداوند، پیدایش و ناپیدایی، اسماء، اشکال، ملحقات، شخصیت‌های وی و تمام چیزهایی که به او مربوط می‌شود، رازگونه و اسرارآمیزند. اشخاص مادی‌گرا به دو دسته تقسیم می‌شوند: عمل‌کنندگان برای ثمر و فلاسفه‌ی تجربی. دسته‌ی اول عملاً اطلاعی از حقیقت مطلق ندارند و دسته‌ی دوم یا ذهنیت‌پردازان، پس از سرخورده شدن از اعمال ثمربخش، به سوی حقیقت مطلق رو می‌کنند و می‌کوشند با غور و تفکر ذهنی او را بشناسند. و برای تمام این اشخاص، حقیقت مطلق همانند یک راز محسوب می‌شود؛ درست همان‌گونه که تردستی شعبده‌باز برای کودکان یک راز است. غیرعابدان، حتی چنانچه در پرداختن به اعمال ثمربخش و غور و تفکر ذهنی بسیار ماهر و چیره‌دست باشند، به علت فریفته شدن با تردستی خداوند متعال همواره در جهل و غفلت بسر می‌برند. با چنین دانش محدودی، آنها قادر به نفوذ در قلمروی نهان و اسرارآمیز حقیقت نیستند. غور و تفکرکنندگان ذهنی از مادی‌گرایان زمخت یا عمل‌کنندگان برای ثمر کمی پیشرفته‌ترند، اما چون آنها نیز در چنگ توهم گرفتارند، معتقدند که آنچه شکل، نام و عمل داشته باشد، چیزی جز محصول نیروی مادی نیست. برای آنان روح متعال بی‌شکل، بی‌نام و بی‌عمل است. آنان در واقع در جهل و نادانی به سر می‌برند؛ زیرا نام و شکل متعال خداوند را با نام‌های مادی و شکل مادی برابر و مساوی می‌دانند. امکان دسترسی به سرشت حقیقی خداوند متعال، با چنین دانشی میسر نیست. همان‌گونه که در بهاگاواد- گیتا بیان شد، خداوند هیچگاه جایگاه متعال و روحانی خود را ترک نمی‌کند؛ حتی هنگامی که درون جهان مادی است. اما نادانان خداوند را یکی از شخصیت‌های بزرگ جهان تلقی می‌کنند و بدین‌سان از طریق نیروی توهمی، همواره در گمراهی باقی می‌مانند

آیه ۳۸

*sa veda dhātuḥ padavīm parasya
duranta-vīryasya rathāṅga-ṣāṅṅaḥ
yo 'māyayā santatayānuvṛtṭyā
bhajeta tat-ṣāṅṅa-saroja-gandham*

saḥ: او (خداوند) به تنهایی؛ *veda*: می‌تواند بشناسد؛ *dhātuḥ*: مربوط به خالق؛ *padavīm*: شکوه و جلال؛ *parasya*: مربوط به حقیقت و روحانیت؛ *duranta-vīryasya*: مربوط به قدرتمند بسیار عظیم؛ *ratha-aṅga-ṣāṅṅaḥ*: مربوط به خداوند کریشنا، کسی که در دستش

چرخ اراهه را حمل می‌کند؛ yah: کسی که amāyayā: بدون قید و شرط؛ santatayā: بدون هیچ‌گونه وقفه؛ anuvṛtṭyā: به طرز مساعدی؛ bhajeta: خدمت اعطا می‌کند؛ tat-pāda: مربوط به قدوم وی (خداوند)؛ saroja-gandham رایحه‌ی نیلوفر.

ترجمه

تنها آنان که بدون قید و شرط، بی‌وقفه و به طریقه‌ای مساعد به قدوم نیلوفرین شری کریشنا، کسی که چرخ اراهه در دست دارد، خدمت کنند، قادر به شناخت او، خالق جهان در تمام شکوه، قدرت و تعالی‌اش خواهند بود.

شرح

فقط عابدان پاک و خالص به علت مبری بودن کامل از واکنش‌های عمل ثمربخش و غور و تفکر ذهنی، قادرند نام، شکل و اعمال روحانی خداوند کریشنا را درک کنند. عابدان پاک و خالص در عوض خدمت بی‌شائبه‌ی خالصشان به خداوند هیچ‌گونه منفعت شخصی طلب نمی‌کنند. آنها به صورت خودبه‌خود و بدون هیچ قید و شرطی، همواره به خداوند خدمت می‌کنند. در حقیقت، همه‌ی موجوداتی که در خلقت خداوند واقع شده‌اند، به طور غیرمستقیم یا مستقیم در حال خدمت به او هستند. هیچ‌کس از این قانون خداوند مستثنی نیست. کسانی که به طور غیرمستقیم خدمت می‌کنند، تحت اجبار عامل توهمی خداوند، خدمت غیرمساعد به او عرضه می‌کنند؛ اما کسانی که به او به طور مستقیم خدمت می‌کنند، تحت هدایت نماینده‌ی محبوبش، خدمتی مساعد به او ارائه می‌دهند. چنین خادمان مفید و مساعدی، عابدان و فداییان خداوند محسوب می‌شوند و با لطف و رحمت او می‌توانند به قلمرو اسرارآمیز حقیقت و روحانیت پا بنهند. اما غور و تفکرکنندگان ذهنی همواره در تاریکی باقی می‌مانند. همان‌گونه که در بهاگاواد – گیتا اظهار گردیده، خداوند شخصاً عابدان پاک و خالص خود را، به علت اشتغال دائم آنان به خدمت عاشقانه‌ی ناشی از مهری خودجوش، به سوی راه معرفت هدایت می‌کند. این راز داخل شدن و پا نهادن به ملکوت خداوند است. فعالیت‌های ثمربخش و غور و تفکر، صلاحیتی برای ورود شخص به این حوزه محسوب نمی‌شوند.

*yad vāsudeve 'khila-loka-nāthe
kurvanti sarvātmakam ātma-bhāvam
na yatra bhūyaḥ parivarta ugraḥ*

atha: بدین سان؛ *iha*: در این جهان؛ *dhanyāḥ*: موفق؛ *bhagavantaḥ*: به طور کامل آگاه؛ *ittham*: چنین؛ *yat*: آنچه؛ *vāsudeve*: به شخصیت خداوند؛ *akhila*: دربرگیرنده‌ی همه چیز؛ *loka-nāthe*: به مالک تمام جهان‌ها؛ *kurvanti* – الهام می‌بخشد؛ *sarva-ātmakam*: کاملاً صد درصد؛ *ātma*: روح؛ *bhāvam*: جذب؛ *na*: هرگز؛ *yatra*: که در آن؛ *bhūyaḥ*: دوباره؛ *parivartaḥ*: تکرار؛ *ugraḥ*: وحشتناک، هولناک.

ترجمه

فقط طرح چنین پرسش‌هایی در این جهان است که می‌تواند موفقیت و شناخت کامل را عاید انسان سازد، زیرا این‌گونه پرسش‌ها و جستجوها، عشق متعال و پرجذبه به شخصیت خداوند – مالک تمامی جهان‌ها – را در او برمی‌انگیزد و مصونیت در برابر تکرار سهمگین تولد و مرگ را به طور صد درصد تضمین می‌کند.

شرح

در این آیه سوناگوسوامی، پرسش‌های حکیمان به سرکردگی شوناکا را به سبب کیفیت والای روحانی‌شان تحسین می‌کند. همان‌گونه که قبلاً نتیجه‌گیری شد، فقط عابدان خداوند قادرند او را عمیقاً بشناسند و نه کس دیگری؛ پس بدین ترتیب، عابدان به تمام دانش روحانی آگاهی کامل دارند. شخصیت خداوند، مفهوم غایی حقیقت مطلق است. شناخت شخصیت خداوند، شناخت برهمن فاقد شخصیت و پارامتامای موضعی (روح متعال) را نیز در بر می‌گیرد. در نتیجه کسی که شخصیت خداوند را بشناسد، می‌تواند خودبه‌خود همه‌ی حقایق مربوط به وی، نیروهای گوناگونش و بسط‌هایش را درک کند. و عابدان خداوند به سبب اینکه به موفقیت کامل دست یافته‌اند مورد تمجید واقع می‌شوند. علاوه بر این، عابدان خداوند در مقابل رنج‌های مادی وحشتناک مربوط به تولد و مرگ‌های پیاپی مصونیت کامل دارند.

آیه ۴۰

*idam bhāgavatam nāma
 purāṇam brahma-sammitam
 uttama-śloka-caritam
 cakāra bhagavān ṛṣiḥ
 niḥśreyasāya lokasya
 dhanyam svasty-ayanam mahat*

idam: این؛ *bhāgavatam*: کتاب حاوی روایت‌های مربوط به شخصیت خداوند و عابدان پاک و خالص؛ *nāma*: مربوط به نام؛ *purāṇam*: مکمل وداها؛ *brahma-sammitam*: ظهور خداوند شری کریشنا؛ *uttama-śloka*: مربوط به شخصیت پروردگار؛ *caritam*: فعالیت‌ها؛ *cakāra*: گردآوری؛ *bhagavān*: ظهور شخصیت خداوند؛ *ṛṣiḥ*: شری ویاسادوا؛ *niḥśreyasāya*: برای خیر نهایی؛ *lokasya*: مربوط به تمام افراد؛ *dhanyam*: کاملاً موفق؛ *svasty-ayanam*: شغف مطلق؛ *mahat*: کامل مطلق.

ترجمه

این شری‌ماد - بهاگواتام که به‌دست ظهور خداوند، شریلا ویاسادوا، گردآوری شده، ظهور ادبی خداوند است. این کتاب که موفقیت، سعادت و کمال مطلق را در بر دارد، برای نفع غایی همه‌ی انسان‌ها منظور شده است.

شرح

شری چیتانیا ماهاپرابهو اعلام کرد که شری‌ماد - بهاگواتام مظهر صوتی بی‌نقص تمام دانش و تاریخ ودایی است. این کتاب حاوی گزیده‌ی سرگذشت عابدان بزرگی است که در ارتباط مستقیم با شخصیت خداوند هستند. شری‌ماد - بهاگواتام ظهور ادبی خداوند شری کریشنا محسوب می‌شود، بنابراین با او متفاوت نیست. شری‌ماد - بهاگواتام باید با همان احترامی که خداوند را پرستش می‌کنیم، پرستش شود. از این رو می‌توانیم برکات نهایی خداوند را از طریق مطالعه‌ی دقیق و صبورانه‌ی آن به‌دست آوریم. همانند خداوند، شری‌ماد - بهاگواتام روشنایی مطلق، شغف مطلق و کمال مطلق است. ما می‌توانیم تمام روشنایی روحانی برهمن متعال، یعنی

شری کریشنا را از تلاوت شریماد- بهاگواتام کسب نماییم؛ به شرط آنکه آن را از طریق واسطه‌ی شفاف پیر روحانی دریافت کنیم. منشی خصوصی خداوند چیتانیا، شریلا سواروپا دامودارا گوسوامی به تمام زائرینی که به قصد دیدن شری چیتانیا به پوری می‌آمدند پند می‌داد که مطالعه‌ی بهاگواتام را نزد شخص بهاگواتام انجام دهند. شخص بهاگواتام، پیر روحانی حقیقی خودشناخته است و انسان فقط از طریق او می‌تواند پیام بهاگواتام را درک کند و از این راه به نتیجه‌ی مطلوب برسد. انسان می‌تواند با مطالعه‌ی بهاگواتام به تمام منافی‌هایی که از حضور شخصی خداوند به‌دست می‌آید، نائل شود. این کتاب حاوی تمامی برکات روحانی خداوند شری کریشنا است؛ برکاتی که می‌توانیم از تماس شخصی خداوند انتظار داشته باشیم.

آیه ۴۱

*tad idam grāhayām āsa
sutam ātmavatām varam
sarva-vedetihāsānām
sāram sāram samuddhṛtam*

tat: آن؛ *idam*: این؛ *grāhayām āsa*: قبولاند، باعث شد که بپذیرد؛ *sutam*: به پسرش؛ *ātmatvatām* مربوط به روح خودشناخته؛ *varam*: محترم‌ترین؛ *sarva*: همه؛ *veda*: متون مقدس ودایی (کتب دانش)؛ *itihāsānām*: مربوط به تمام شرح‌های تاریخی؛ *sāram*: خامه؛ *sāram*: خامه؛ *samuddhṛtam*: بیرون کشیده شده.

ترجمه

شری ویاسادوا، پس از استخراج عصاره‌ی تمام متون مقدس ودایی و شرح‌های تاریخی جهان به منظور گنجاندن آنها در این کتاب، آن را به پسرش که محترم‌ترین فرد در میان انسان‌های خودشناخته است، تسلیم کرد.

شرح

افراد بی‌بهره از دانش، تاریخ جهان را فقط از زمان بودا، یعنی از ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به بعد می‌پذیرند و تمام شرح‌های تاریخی نقل شده در کتب مقدس پیش از این دوران را صرفاً

داستان‌های تخیلی محسوب می‌کنند. این حقیقت ندارد. تمام داستان‌های ذکر شده در پوراناها و ماهابهاراتا و غیره سرگذشت‌های واقعی هستند، نه فقط در این سیاره که در میلیون‌ها سیاره‌ی دیگر درون جهان. گاهی اوقات تاریخ سیارات و رای جهان ما، برای چنین افرادی باورنکردنی به نظر می‌رسد. اما آنها نمی‌دانند که سیارات گوناگون از هر نظر یکسان نیستند و بنابراین برخی از وقایع تاریخی مربوط به آنها با تجربه‌ی این سیاره انطباق ندارد. با در نظر گرفتن موقعیت متفاوت سیارات گوناگون و همچنین مقتضیات زمان و مکان، هیچ چیز عجیبی در داستان‌های پوراناها به چشم نمی‌خورد و اثری از تخیل در آنها وجود ندارد. ما باید همواره این اصل را به خاطر داشته باشیم که غذای فردی ممکن است برای فرد دیگر سم محسوب شود. بنابراین ما نباید داستان‌ها و شرح‌های تاریخی پوراناها را به عنوان موضوعات تخیلی رد کنیم. چرا باید ریشی‌های بزرگی چون ویاسا داستان‌های تخیلی در آثار خود بگنجانند؟

در شریما - بهاگاواتام وقایعی تاریخی گزیده شده از تواریخ سیارات گوناگون شرح داده شده است. بنابراین تمام مراجع روحانی این کتاب را به عنوان ماها - پورانا یا پورانای بزرگ پذیرفته‌اند. اهمیت خاص این شرح‌های تاریخی در این نهفته است که همگی آنها به نحوی با اعمال روحانی خداوند در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت ارتباط دارند. شریلا شوکادوا گوسوامی برترین شخصیت در میان تمامی ارواح خودشناخته است و او شریما - بهاگاواتام را به عنوان موضوع مطالعه و تحقیق از پدرش، ویاسادوا، پذیرفت. شریلاویاسادوا مرجع بزرگی در روحانیت محسوب می‌شود و به علت اهمیت شریما - بهاگاواتام، این پیام را که به خامه‌ی شیر تشبیه شده است نخست به پسر بزرگوارش شریلا شوکادوا گوسوامی سپرد. متون مقدس ودایی را به اقیانوسی از شیر دانش تشبیه کرده‌اند و شریما - بهاگاواتام را که حاوی کلیه‌ی شرح‌های معتبر و موثق، آموزنده و مطبوع اعمال روحانی گوناگون خداوند و عابدینش است به خامه‌ی این اقیانوس شیر؛ زیرا خامه یا کره لذیذترین عصاره‌ی شیر محسوب می‌شود. اما دریافت پیام بهاگاواتام از زبان بی‌ایمانان، خدانشناسان و تلاوت‌کنندگان حرفه‌ای که در ازاء دریافت وجه، این کتاب را برای عوام قرائت و از این راه تجارت می‌کنند، حاصلی در بر نخواهد داشت. شریما - بهاگاواتام به شریلا شوکادوا گوسوامی عرضه شد، که درصدد تجارت با بهاگاواتام نبود. وی هیچ‌گونه اجباری نداشت که مخارج خانواده‌اش را از راه چنین تجارتي تأمین کند. بنابراین شریما - بهاگاواتام باید از نماینده‌ی شوکادوا دریافت شود، کسی که در مرحله‌ی انقطاع از زندگی و مبری از گرفتاری خانوادگی است. شیر بدون شک پرفایده و مغذی است، اما چنانچه با دهان مار تماس یافته باشد، دیگر مغذی نیست، بلکه به عکس، باعث مرگ می‌شود. مشابهاً

کسانی که با قدرت و جدیت از آیین وایشناوا پیروی نمی‌کنند نباید با این کتاب به سوداگری بپردازند و باعث مرگِ روحانی بسیاری از شنوندگان خود شوند. خداوند در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید که هدف تمام وداه‌ها شناخت او (خداوند کریشنا) است و شَریماَد-بِهاگاواتام خودِ خداوند شری کریشنا به شکل دانشِ نگاشته شده است. بنابراین، این کتاب عصاره‌ی تمام وداه‌ها است و حاوی کلیه‌ی حقایق تاریخی مربوط به شری کریشنا در تمام اعصار. این کتاب در حقیقت جوهر و چکیده‌ی تاریخ است.

آیه ۴۲

*sa tu saṁśrāvayām āsa
mahārājam ṣarīkṣitam
prāyopaviṣṭam gaṅgāyām
ṣarītam ṣaramarṣibhiḥ*

saḥ: پسر ویاسادوا؛ *tu*: دوباره؛ *saṁśrāvayām āsa*: آنها را شنیدنی می‌کند؛ - *mahā-rājam*: به امپراتور؛ *ṣarīkṣitam*: به نام پاریکشیت؛ *prāya-upaviṣṭam*: کسی که بدون خوردن و آشامیدن به انتظار مرگ نشست؛ *gaṅgāyām*: در ساحل رود گنگ؛ *ṣarītam*: احاطه شدن؛ *ṣaramarṣibhiḥ*: با حکیمان بزرگ.

ترجمه

شوکاَدوا گوسوامی، پسر ویاسادوا، به نوبه‌ی خود بهاگاواتام را به امپراتور بزرگ، پاریکشیت، که در جمع حکیمان در ساحل رود گنگ، با امتناع از خوردن و آشامیدن در انتظار مرگ نشسته بود، منتقل کرد.

شرح

کلیه‌ی پیام‌های روحانی باید از طریق سلسله‌ی پیران دریافت شود، که به این سلسله‌ی پیران پارامپارا می‌گویند. بنابراین دریافت دانش بهاگاواتام یا هر متن مقدس دیگر ودایی چنانچه از طریق نظام پارامپارا انجام نشود، اعتبار نخواهد داشت. ویاسادوا این پیام را به شوکاَدوا گوسوامی و شوکاَدوا گوسوامی آن را به سوتا گوسوامی ارائه کرد. بنابراین شخص باید پیام بهاگاواتام را از

سوتا گوسوامی یا از نماینده‌اش دریافت کند و نه از مفسّری نامربوط. امپراتور پاریکشیت که اطلاعات راجع به زمان مرگ خود را دریافت کرده بود، بلافاصله پادشاهی و خانواده‌اش را ترک کرد و در ساحل رود گنگ با گرفتن روزه به انتظار مرگ نشست. به علت مقام شامخ وی، تمام حکیمان بزرگ، ریشی‌ها، فلاسفه، عارفان و غیره به آن‌جا رفتند و به وی پیوستند. آنها پیشنهادهای بسیاری درباره‌ی وظیفه‌ی فوری وی، قبل از مرگ، مطرح کردند و سرانجام چنین قرار شد که او پای سخنان شوکادوا گوسوامی بشیند و درباره‌ی خداوند کریشنا از او بشنود. بدین‌سان، بهاگواتام برای وی بیان شد.

شریپاد شانکاراچاریا، که فلسفه‌ی مایاوادا را موعظه کرد و بر جنبه‌ی فاقد شخصیت مطلق تأکید داشت، در عین حال نیز توصیه کرد که شخص باید به قدم نیلوفرین خداوند شری کریشنا پناه ببرد، زیرا امیدی به مباحثه و مجادله نیست و از این راه هیچ دستاوری حاصل نمی‌شود. بدین‌ترتیب، شریپاد شانکاراچاریا به طور غیرمستقیم پذیرفت که تفسیرهای ادبی آراسته‌ای که از ودانتا-سوترا به عمل آورده است نمی‌تواند به انسان در زمان مرگ کمک کند. شخص در لحظه‌ی بحرانی مرگ باید نام گویندا را تلاوت کند. این توصیه‌ی تمام روحانیون بزرگ است. شوکادوا گوسوامی همان حقیقت را که در پایان عمر شخص باید نارایانا را به خاطر آورد، مدت‌ها پیش اظهار کرده بود. این جوهر و چکیده‌ی تمامی فعالیت‌های روحانی است. متعاقب این حقیقت جاودان بود که شوکادوا گوسوامی با صلاحیت، شریما-بهاگواتام را تلاوت کرد و ماهاراجا پاریکشیت آن را شنید. و بدین‌سان هم گوینده و هم شنونده‌ی پیام‌های بهاگواتام به نحو مطلوبی با این وسیله نجات یافتند.

آیه ۴۳

*kṛṣṇe sva-dhāmopagate
dharma-jñānādibhiḥ saha
kalau naṣṭa-dṛṣām eṣa
purāṇārko 'dhumoditaḥ*

kṛṣṇe: در . . . (متعلق به) کریشنا؛ *sva-dhāma*: قلمرو خود؛ *upagate*: بازگشته؛ *dharma*: دین؛ *jñāna*: دانش؛ *ādibhiḥ*: ترکیب‌شده با یکدیگر؛ *saha*: همراه با؛ *kalau*: در عصر کالی؛ *naṣṭa-dṛṣām*: مربوط به اشخاصی که بینایی‌شان را از دست داده‌اند؛ *eṣaḥ*:

تمام اینها؛ *ṣurāṇa-arkah*: پورانیی که همچون خورشید تابان و درخشان است؛ *adhunā*: همین الان؛ *uditaḥ*: طلوع کرده است.

ترجمه

این بهاگواتا پورانا، همانند خورشیدی درخشان، به محض عزیمت شری کریشنا به ملکوت خود، به همراه دین و دانش و غیره، طلوع کرده است. کسانی که در عصر کالی، ظلمات جهل بینایی آنها را زایل ساخته است، باید نور معرفت را از این پورانا دریافت کنند.

شرح

خداوند شری کریشنا دارای منزلگاه و ملکوتی جاودان به نام دهاما است؛ جایی که او به طور جاودان از خویشتن و معاشران و متعلقات جاودانش لذت می‌برد. قلمرو جاودان وی تجلی نیروی درونی اوست، در حالی که جهان مادی تجلی نیروی بیرونی او. هنگامی که او به جهان مادی هبوط می‌کند، خود را با تمام متعلقاتش از طریق نیروی درونی خویش، که آتما - مایا (*ātma-māyā*) خوانده می‌شود، ظاهر می‌سازد و به نمایش می‌گذارد. خداوند در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید که وی از طریق نیروی خویش (آتما - مایا) هبوط می‌کند. بنابراین شکل، نام، شهرت، متعلقات، ملکوت و غیره‌ی خداوند، آفرینش ماده نیستند. او هبوط می‌کند تا ارواح فروافتاده را اصلاح و به راه راست هدایت کند و قوانین دین را که خود مستقیماً وضع نموده است مجدداً برقرار سازد. به جز خداوند، هیچ‌کس نمی‌تواند اصول دین را مستقر نماید. فقط او یا شخصی شایسته که از طریق وی اقتدار یافته است می‌تواند اصول دین را وضع کند. دین حقیقی یعنی شناخت خداوند، نوع رابطه‌مان با او و وظایفمان در قبال وی و در نهایت شناخت مقصد خویش پس از ترک این کالبد مادی. ولی ارواح مقید، که نیروی مادی آنها را به دام افکنده است، به ندرت از این اصول زندگی مطلع‌اند. اکثر آنان همچون حیوانات به خوردن، خوابیدن، ترسیدن و دفاع کردن و جفت‌گیری مشغول‌اند. آنها غالباً تحت لوای دین‌داری، دانش یا رهایی و رستگاری به ارضاء حواس مشغول‌اند. عصر کنونی یا عصر ستیز (کالی - یوگا) آنها را نابیناتر ساخته است. انسان‌های کالی - یوگا دقیقاً حیوانات انسان‌نمای پر زرق و برقی هستند که با دانش روحانی یا زندگی دینی الهی هیچ‌گونه ارتباطی ندارند. آنها چنان نابینانند که قادر به دیدن چیزی ورای قلمروی ذهن لطیف، شعور یا منیت نیستند، اما به پیشرفت خود در دانش، علم و ترقی مادی

بسیار مغرورند. چون دیدشان را نسبت به هدف نهایی زندگی به طور کامل از دست داده‌اند، زندگی خود را برای سگ و یا خوک شدن، پس از ترک بدن کنونی به مخاطره می‌افکنند. شخصیت خداوند شری کریشنا درست کمی پیش از آغاز کالی یوگا در برابر ما ظاهر شد و عملاً در آستانه‌ی عصر کالی به منزلگاه جاودانش بازگشت. هنگامی که بر روی کره‌ی زمین حضور داشت، همه چیز را از طریق فعالیت‌های گوناگونش نشان داد و ارائه کرد. او به‌خصوص بهاگاواد-گیتا را بیان و تمام اصول متظاهرانه‌ی دینی را ریشه‌کن کرد. و پیش از عزیمتش از این جهان مادی، ویاسادوا را از طریق نارادا برای گردآوری شریماد-بهاگاواتام اقتدار بخشید و در نتیجه بهاگاواد-گیتا و شریماد-بهاگاواتام هر دو مشعلی برای افراد نابینای این عصر محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، اگر انسان‌ها در این عصر کالی بخواهند روشنایی حقیقی زندگی را ببینند، باید فقط به این دو کتاب بپردازند و آنگاه هدف زندگی‌شان تحقق خواهد یافت. مطالعه‌ی بهاگاواد-گیتا مقدمه‌ای بر مطالعه‌ی بهاگاواتام محسوب می‌شود. و شریماد-بهاگاواتام خیر نهایی زندگی، یعنی شخص خداوند شری کریشنا است. بنابراین ما باید شریماد-بهاگاواتام را به عنوان تجلی مستقیم خداوند کریشنا بپذیریم. کسی که بتواند شریماد-بهاگاواتام را ببیند و درک کند، می‌تواند شخص خداوند شری کریشنا را نیز ببیند و درک کند، زیرا آنها یکسان هستند.

آیه ۴۴

tatra kīrtayato viprā
viprarṣer bhūri-tejasaḥ
aham cādhyagamaṁ tatra
niviṣṭas tad-anugrahāt
so 'ham vaḥ śrāvayiṣyāmi
yathādhītam yathā-mati

tatra: آن‌جا؛ kīrtayataḥ: در موقع تلاوت کردن؛ viprāḥ: ای برهمنانها؛ vipra-ṛṣeḥ: از برهمنانها، ریشی بزرگ؛ bhūri: بسیار؛ tejasaḥ: قدرتمند؛ aham: من؛ ca: همچنین؛ adhyagamam: توانستم درک کنم؛ tatra: در آن گردهمایی؛ niviṣṭaḥ: به طور کامل متوجه بودن؛ tat-anugrahāt: با لطف و رحمت وی؛ saḥ: خود همان چیز؛ aham: من؛ vaḥ: به شما؛ śrāvayiṣyāmi: به سمع شما خواهم رساند؛ yathā-adhītam yathā-mati

mati: به میزان معرفت و شناخت من.

ترجمه

ای برهمنای دانا، هنگامی که شوکادوا گوسوامی در آن مکان [در حضور امپراتور پارکشیت] بهاگواتام را بیان داشت، من غرق در توجه و دقت آن را از او شنیدم و بدین سان، با لطف و رحمت وی، بهاگواتام را از آن حکیم بزرگ و قدرتمند آموختم. اینک سعی خواهم کرد آن را به عینه، همان گونه که از او فرا گرفته‌ام و به همان ترتیب که درک کرده‌ام به سمع شما برسانم.

شرح

چنانچه انسان بهاگواتام را از یک روح بزرگ خود شناخته همچون شوکادوا گوسوامی آموخته باشد، قطعاً می‌تواند به طور مستقیم حضور خداوند شری کریشنا را در صفحات آن ببیند و درک کند. اما شخص نمی‌تواند بهاگواتام را از یک قاری دروغین و کاسب که هدف زندگی‌اش به دست آوردن قدری پول از چنین تلاوتی و به کاربردن آن در ارضاء شهوت جنسی است، بیاموزد. شخصی که معاشر اشخاص مشغول در رابطه‌ی جنسی است، نمی‌تواند شری‌ماد-بهاگواتام را بیاموزد. این راز آموختن بهاگواتام است. همچنین نمی‌توان بهاگواتام را از فردی که آن را با دانش مادی‌اش تعبیر و تفسیر می‌کند، آموخت. چنانچه شخص واقعاً بخواهد خداوند شری کریشنا را در صفحات شری‌ماد-بهاگواتام ببیند، باید آن را از نماینده‌ی شوکادوا گوسوامی بیاموزد و نه کس دیگری. این رمز رسوخ کردن به پیام این متن مقدس است و راه دیگری وجود ندارد. سوتا گوسوامی نماینده‌ی معتبر و موثق شوکادوا گوسوامی است؛ زیرا هدفی جز ارائه‌ی پیامی که از برهمنای فاضل بزرگ دریافت کرده است ندارد. شوکادوا گوسوامی، بهاگواتام را همان گونه که آن را از پدر عظیم‌الشان خود شنید، ارائه کرد و سوتا گوسوامی نیز بهاگواتام را همان گونه که آن را از شوکادوا گوسوامی استماع کرد، عرضه می‌دارد. شنیدن صیرف این متن کافی نیست؛ انسان باید آن را، با دقت و توجه ویژه‌ای که به کار می‌برد، درک کند. واژه‌ی نیویشتا (*niviṣṭa*) بدان معنی است که سوتا گوسوامی عصاره و شهد بهاگواتام را از طریق گوش‌هایش نوشید. این روند حقیقی دریافت بهاگواتام است. انسان باید با دقت و توجه کامل از مرجعی موثق بشنود و در آن صورت است که می‌تواند بلافاصله حضور خداوند شری کریشنا را در هر صفحه‌ی آن درک کند. راز درک بهاگواتام در این جا ذکر شده است. هیچ‌کس نمی‌تواند با

ذهن ناپاک و ناخالص، غرق در دقت و توجه شود. هیچ کس نمی‌تواند با عمل ناپاک و ناخالص، ذهنی پاک و خالص داشته باشد. هیچ کس نمی‌تواند با خوردن، خوابیدن، دفاع کردن و جفت‌گیری ناپاک و ناخالص، عملی پاک و خالص داشته باشد. اما به نحوی از انحاء چنانچه بتوان غرق در دقت و توجه، از منبعی موثق آن را شنید، از همان آغاز قطعاً می‌توان شخص خداوند شری کریشنا را در صفحات بهاگواتام دید.

بدین‌سان شرح‌های بهاکتی‌ودانتا بر فصل سوم از جزء اول شریمداد-بهاگواتام، با عنوان "کریشنا منشاء تمام ظهورات است"، پایان می‌یابد.

فصل چهارم

ظهور شری نارادا

آیه ۱

vyāsa uvāca
iti bruvāṇam saṁstūya
munīnām dīrgha-satṛiṇām
vṛddhaḥ kula-patiḥ sūtam
bahvṛcaḥ śaunako 'bravīt

vyāsaḥ: ویاسادوا؛ *uvāca*: گفت؛ *iti*: بدین سان؛ *bruvāṇam*: سخن گفتن؛ *saṁstūya*:
تهنیت گفتن؛ *munīnām*: مربوط به حکیمان بزرگ؛ *dīrgha*: طولانی مدت؛ *satṛiṇām*:
مربوط به آن کسانی که به انجام قربانی مشغول شده اند؛ *vṛddhaḥ*: سالخورده؛ *kula-patiḥ*:
سرکرده‌ی مجمع؛ *sūtam*: به سوتا گوسوامی؛ *bahu-ṛcaḥ*: دانا؛ *śaunakah*: به نام شوناکا؛
abravīt: خطاب کرد.

ترجمه

شوناکا مونی، رهبر فاضل و ارشد تمام ریشی‌هایی که به آن مراسم قربانی
طولانی مدت اشتغال داشتند، پس از شنیدن سخنان سوتا گوسوامی، با ادای
سخنان زیر به وی خوشامد گفت.

شرح

در گردهمایی فرزندگان، هنگامی که لازم باشد از خطیب جلسه تمجید به عمل آید، این وظیفه به عهده‌ی رهبر مجمع، که مسن‌ترین فرد مجلس نیز هست، گذارده می‌شود. همچنین وی باید دانش وسیعی نیز داشته باشد. شری شوناکا ریشی تمام این صلاحیت‌ها را داشت و در نتیجه وقتی سوتا گوسوامی تمایلش را مبنی بر ارائه‌ی شری‌ماد - بهاگواتام - دقیقاً همان‌گونه که آن را از شوکادوا گوسوامی شنیده و شخصاً آن را درک کرده بود - ابراز کرد، برای خوشامدگویی به وی از جا برخاست. درک شخصی آن نیست که انسان، از روی غرور و خودنمایی، تلاش کند آموخته‌های خویش را از طریق تفوق جستن بر آچاریای پیشین نمایش دهد. او باید به آچاریای پیشین اعتماد کامل داشته باشد و در عین حال باید موضوع را خوب درک کرده باشد تا بتواند آن را به اقتضای زمان و مکان خاص، به شیوه‌ی مناسبی ارائه کند. مقصود اصلی متن باید حفظ شود. هیچ‌گونه معنی و مفهوم مبهمی نباید از آن متبادر شود و در عین حال باید به روش جالب و گیرایی برای درک بهتر شنوندگان ارائه شود. درک حقیقی بدین‌صورت است. شوناکا، رهبر مجمع، توانست ارزش ناطق یعنی شری سوتا گوسوامی را، صرفاً هنگامی که وی واژه‌های یاتهادهیتام (*yathādhītam*) و یاتها-ماتی (*yathā-mati*) را بر زبان راند (رجوع شود به آیه‌ی قبل)، برآورد کند و بنابراین از مدح وی به وجد آمده و بسیار مسرور بود. هیچ انسان دانایی نباید تمایل به گوش فرا دادن به شخصی داشته باشد که آچاریای اصلی را مطرح نمی‌کند. در نتیجه، در این گردهمایی که بهاگواتام در آن برای دومین بار تلاوت می‌شد، هم سخنران و هم شنوندگان دارای صلاحیت و اعتبار لازم بودند. این باید معیار مطلوب قرائت بهاگواتام باشد، تا اینکه مقصود حقیقی بدون مشکل تحقق یابد. مادامی که این وضعیت ایجاد نشده باشد، قرائت بهاگواتام برای مقاصد نامربوط، هم برای گوینده و هم برای شنونده رنج بی‌فایده‌ای است.

آیه ۲

*śaunaka uvāca
sūta sūta mahā-bhāga
vada no vadatām vara
kathām bhāgavatīm puṇyām
yad āha bhagavāñ chukaḥ*

śaunakah: شوناکا؛ *uvāca*: گفت؛ *sūta sūta*: ای سوتا گوسوامی؛ *mahā-bhāga*: خوشبخت‌ترین، خوش‌اقبال‌ترین؛ *vada*: لطفاً سخن بگو؛ *naḥ*: به ما؛ *vadatām*: مربوط به آن کسانی که می‌توانند صحبت کنند؛ *vara*: محترم؛ *kathām*: پیام؛ *bhāgavatīm*: مربوط به بهگاواتام؛ *puṇyām*: متقی؛ *yat*: که؛ *āha*: گفت؛ *bhagavān*: بسیار قدرتمند؛ *śukah*: شری شوکادوا گوسوامی.

ترجمه

شوناکا گفت: ای سوتا گوسوامی، تو نیک‌اقبال‌ترین و محترم‌ترین سخن‌گویانی. تمنا داریم پیام منزله شربماد- بهگاواتام را که حکیم بزرگ و قدرتمند شوکادوا گوسوامی بیان کرد، شرح دهی.

شرح

در اینجا شوناکاگوسوامی از روی شادی فراوان، حضرت سوتا گوسوامی را دو بار مورد خطاب واقع نموده است، زیرا او و اعضای مجمع، همگی مشتاق شنیدن متن بهگاواتام بودند که شوکادوا گوسوامی آن را قبلاً بیان کرده بود. آنها تمایلی به شنیدن آن از یک شخص قلابی که به شیوهی خود تعبیر و تفسیر می‌کند تا موضوع را با مقاصد خویش وفق دهد، نداشتند. به طور کلی، قاریان کاذب بهگاواتام از خوانندگان حرفه‌ای کاسب، و یا از افراد بی‌هویت‌گرای دانایی که قادر به درک سرشت روحانی اعمال شخصی شخص متعال نیستند، تشکیل شده‌اند. چنین بی‌هویت‌گرایانی، با تردستی معانی و مقاصدی از بهگاواتام بیرون می‌کشند تا نظرها و دیدگاه‌های بی‌هویت‌گرایانه را تأیید کند و با آنها موافق باشد و خوانندگان سوداگر حرفه‌ای بلافاصله به جزء دهم این اثر می‌پردازند تا محرمانه‌ترین بخش اعمال روحانی خداوند را اشتباه شرح دهند. هیچ‌کدام از این قاریان اشخاصی معتبر و موثق برای تلاوت بهگاواتام به‌شمار نمی‌آیند. فقط کسی که آماده است تا بهگاواتام را در پرتو آموزش‌های شوکادوا گوسوامی ارائه کند و فقط آن کسانی که آماده‌اند به شوکادوا گوسوامی و نماینده‌اش گوش فرا دهند، شرکت‌کنندگان حقیقی در گفتگوی متعال شربماد- بهگاواتام هستند.

آیه ۳

kasmin yuge pravṛtteyaṃ

sthāne vā kena hetunā
kutaḥ sañcoditaḥ kṛṣṇaḥ
kṛtavān samhitām munih

kasmin: در کدام؛ *yuge*: دوره؛ *pravṛttā*: شروع شد؛ *iyam*: این؛ *sthāne*: در مکان؛ *vā*: یا؛ *kena*: بر چه؛ *hetunā*: زمینه؛ *kutaḥ*: از کجا؛ *sañcoditaḥ*: ملهم شده از؛ *kṛṣṇaḥ*: کریشنا؛ دوایپایانا ویاسا؛ *kṛtavān*: گردآوری کرد؛ *samhitām*: متون مقدس ودایی؛ *munih*: دانا، عالم.

ترجمه

اصل و منشاء این اثر به کدام زمان و به کجا بر می‌گردد؟ و چرا به رشته‌ی
تحریر در آمد؟ کریشنا – دوایپایانا ویاسا، حکیم بزرگ، برای گردآوری این متن
مقدس از کجا الهام گرفت؟

شرح

چون شریمداد- بهاگواتام اثر خاص و شاهکار شریلا ویاسادوا است، شوناکا مونی دانا سؤالات
زیادی را مطرح می‌کند. حکیمان آگاه بودند که شریلا ویاسادوا قبلاً متن وداها را برای فهم زنان
کم‌خرد، شودراها و اعضای فروافتاده‌ی خانواده‌ی اشخاص دوبار زاده شده، به شیوه‌های گوناگون
از قبیل ماهابهاراتا توضیح داده بود. شریمداد- بهاگواتام فراتر از تمام آنان و برترینشان است
چون با هیچ چیز مادی ارتباطی ندارد. در نتیجه، پرسش‌های شوناکا بسیار خردمندانه و مناسب
به‌نظر می‌رسد.

آیه ۴

tasya putro mahā-yogī
sama-dṛṣṭiḥ nirvikalṭpakaḥ
ekānta-matir unnidro
gūḍho mūḍha iveyate

tasya: مال او؛ *putraḥ*: پسر؛ *mahā-yogī*: یک عابد بزرگ؛ *sama-dṛṣṭiḥ*: متعال؛

nirvikalpakah: یکتاگرایی (وحدت وجودی) مطلق؛ *ekānta-matiḥ*: ثابت و استوار در وحدت وجود یا یگانگی ذهن؛ *unnidrah*: جهل و غفلت را پشت سر گذاشته؛ *gūḍhaḥ*: در معرض قرار داده نشده؛ *mūḍhaḥ*: عقب مانده؛ *iva*: همچون؛ *iyate*: ظاهر می شود همچون.

ترجمه

پسر ویاسادوا، عابدی بزرگ و وحدت‌گرایی متوازن، و ذهن وی همواره متمرکز بر یکتاگرایی بود. او ورای اعمال دنیوی قرار داشت و به علت واقع نشدن در معرض آنها، همچون شخصی جاهل و نادان به نظر می‌رسید.

شرح

شریلا شوکادوا گوسوامی روحی رهاشده بود و در نتیجه همواره مراقب بود که به دام نیروی توهمی گرفتار نشود. این هوشیاری در بهاگاواد-گیتا به وضوح شرح داده شده است. روح رهاشده و روح مقید اشتغالات متفاوتی دارند. روح رهاشده همواره در راه پیشرفت به سوی فضیلت روحانی، گام برمی‌دارد؛ چیزی که برای روح مقید، همچون رؤیا به نظر می‌رسد. روح مقید نمی‌تواند اشتغالات حقیقی روح رهاشده را تصور کند. وقتی روح مقید بدین‌سان دربارهی اشتغالات روحانی رؤیا می‌بیند، روح رهاشده کاملاً بیدار است. مشابهاً، اشتغال روح مقید برای روح رهاشده به نظر رؤیا می‌رسد. اشتغالات روح مقید و روح رهاشده ممکن است ظاهراً یکسان به نظر بیاید، اما در حقیقت این دو به طور متفاوتی عمل می‌کنند: توجه روح مقید معطوف به لذت حواس و توجه روح رهاشده معطوف به خودشناسی است. روح مقید مجذوب ماده است، در حالی که روح رهاشده کاملاً نسبت به ماده بی‌تفاوت و بی‌اعتنا است. این بی‌اعتنایی در زیر توضیح داده شده است.

آیه ۵

*dr̥ṣṭvānuyāntam ṛṣim ātmajam apy anagnaṁ
devyo hriyā paridadhur na sutasya citram
tad vikṣya ṛcchati munau jagadus tavāsti
strī-ṣum-bhidā na tu sutasya vivikta-dr̥ṣṭeḥ*

dr̥ṣṭvā: با دیدن؛ *anuyāntam*: دنبال کردن؛ *ṛṣim*: حکیم؛ *ātmajam*: پسرش؛ *api*: به رگم؛ *anagnam*: برهنه نبودن؛ *devyah*: دوشیزگان زیبا؛ *hriyā*: از روی شرم؛ *paridadhuḥ*: بدن را پوشاندند؛ *na*: نه؛ *sutasya*: مربوط به پسر؛ *citram*: حیرت‌انگیز؛ *tat vīkṣya*: با دیدن آن؛ *ṛcchati*: پرسیدن؛ *munau*: به مونی (ویاسا)؛ *jagaduh*: پاسخ دادند؛ *tava*: مال تو؛ *asti*: وجود دارند؛ *stri-pum*: مذکر و مؤنث؛ *bhidā*: تفاوت‌ها؛ *na*: علامت نفی؛ *tu*: اما؛ *sutasya*: مربوط به پسر؛ *vivikta*: تطهیر شده؛ *dr̥ṣṭeh*: مربوط به کسی که نگاه می‌کند.

ترجمه

هنگامی که شری ویاسادوا به دنبال پسر خود روان بود، دوشیزگان جوان زیبایی که برهنه در حال استحمام بودند بدن خویش را با لباسشان پوشاندند، هرچند که شری ویاسادوا خود برهنه نبود. ولی زمانی که شوکادوا گوسوامی از آن محل عبور کرده بود، آنان چنین نکرده نبودند. علت این موضوع را حکیم جويا شد و بانوان جوان چنین پاسخ دادند که پسر وی فردی پاک و مطهر است و در نگاه او به آنان، هیچ تمایزی بین مذکر و مؤنث وجود نداشت، در حالی که حکیم چنین تمایزی را قائل می‌شد.

شرح

در بهاگواد-گیتا (۱۸/۵) گفته شده است که یک حکیم دانا، به دلیل بصیرت روحانی‌اش، به براهمنای فاضل و شریف، به چاندالا (سگ‌خور) به سگ یا به گاو به یک چشم می‌نگرد. شریلا شوکادوا گوسوامی به آن مرحله رسیده بود. در نتیجه او مذکر یا مؤنثی را ندید؛ او تمام موجودات زنده را در لباس‌های متفاوت می‌دید. بانوانی که در حال استحمام بودند می‌توانستند ذهن یک مرد را صرفاً با رفتارشان درک کنند، درست همان‌گونه که با نگاه کردن به یک کودک، می‌توان به معصومیتش پی برد. شوکادوا گوسوامی جوانی شانزده ساله بود و بنابراین تمام اعضای بدنش رشد یافته بودند. او عریان نیز بود و بانوان نیز چنین بودند. اما چون شوکادوا گوسوامی در ورای روابط جنسی قرار داشت، بسیار معصوم به نظر می‌رسید. بانوان، با صلاحیت‌های خاص‌شان، توانستند بلافاصله این موضوع را حس کنند و بنابراین از عبور وی از آن‌جا چندان معذب نشدند. اما هنگامی که پدرش ویاسادوا از آن محل گذشت، بانوان به سرعت لباس به تن کردند. آنان

دقیقاً به مثابه‌ی فرزندان یا نوه‌های وی بودند، با وجود این بر اساس سنت اجتماعی، نسبت به حضور ویاسادوا واکنش نشان دادند؛ زیرا شریلا ویاسادوا نقش یک متأهل را ایفا می‌کرد و فرد متأهل نمی‌تواند بین جنس مذکر و مؤنث تمایز قائل نشود. بنابراین شخص باید بدون هیچ دلبستگی برای مذکر و مؤنث تلاش کند تمایز روح با بدن را درک نماید. مادامی که برای فرد بین زن و مرد تمایز وجود داشته باشد، نباید سعی کند سانیاسی همچون شوکادوا گوسوامی شود. حداقل از جنبه‌ی نظری شخص باید متقاعد شده باشد که موجود زنده نه مذکر است و نه مؤنث. لباس بیرونی را طبیعت مادی از ماده ساخته است تا جنس مخالف را جذب کند و بدین‌سان شخص را در موجودیت مادی گرفتار نگه دارد. روح رهاشده ورای این تمایز منحرف قرار دارد. او تمایزی بین یک موجود زنده و موجود زنده‌ی دیگر قائل نمی‌شود. برای او آنها همگی یکی هستند و روح یکسان. کمال این بصیرت روحانی، مرحله‌ی رهایی است. و شریلا شوکادوا گوسوامی به این مرحله دست یافته بود. شریلا ویاسادوا نیز در مرحله‌ی روحانی قرار داشت، لیکن چون وی متأهل بود به حکم رعایت سنت، وانمود نکرد که روحی رهاشده است.

آیه ۶

*katham ālakṣitaḥ pauraiḥ
samprāptaḥ kuru-jāṅgalān
unmatta-mūka-jaḍavad
vicaran gaja-sāhvaye*

katham: چگونه؛ *ālakṣitaḥ*: شناخته‌شده؛ *pauraiḥ*: از طریق شهروندان؛
samprāptaḥ: رسیدن؛ *kuru-jāṅgalān*: ایالات کورو - جانگالا؛ *unmatta*: دیوانه؛
mūka: لال، گُنگ؛ *jaḍavat*: عقب‌مانده؛ *vicaran*: سیر کردن؛ *gaja-sāhvaye*:
هاستیناپورا.

ترجمه

هنگامی که وی [شریلا شوکادوا، پسر ویاسا] پس از سیرکردن مناطق کورو و جانگالا با ظاهری همانند دیوانگان و عقب‌ماندگان، عاری از کلام و شعور، به شهر هاستیناپور [دهلی کنونی] پا نهاد، اهالی این شهر چگونه او را شناختند؟

شرح

شهر کنونی دهلی، سابقاً به نام هاستیناپور شهرت داشت زیرا این شهر را پادشاه هاستی احداث کرده بود. شوکادوا گوسوامی، پس از ترک خانه‌ی پدری‌اش، همچون یک دیوانه سیر می‌کرد و از این رو شناختن مقام والای او برای شهروندان بسیار مشکل بود. بنابراین حکیم را از طریق شنیدن می‌شناسند و نه با دیدن. انسان باید برای شنیدن از یک ساده‌و یا حکیم بزرگ به او مراجعه کند و نه برای دیدنش. چنانچه شخص آماده‌ی شنیدن سخنان یک ساده‌و نباشد، نفعی از حضور او نمی‌برد. شوکادوا گوسوامی ساده‌ویی بود که می‌توانست درباره‌ی اعمال روحانی خداوند سخن بگوید و نه ارضاء کردن هوی و هوس عوام. وی فقط هنگامی که درباره‌ی موضوع بهاگواتام سخن گفت شناخته شد و هیچ‌گاه تلاشی مبنی بر تردستی و حقه بازی همچون یک ساحر و شعبده‌باز نکرد. ظاهراً همچون یک دیوانه‌ی لال و یک عقب‌مانده به‌نظر می‌رسید، اما در حقیقت دارای والاترین شخصیت روحانی بود.

آیه ۷

*katham vā pāṇḍaveyasya
rājarṣer muninā saha
samvādaḥ samabhūt tāta
yatraiṣā sātvatī śrutiḥ*

katham: چگونه است آن؛ *vā*: همچنین؛ *pāṇḍaveyasya*: مربوط به نواده‌ی پاندو (پاریکشیت)؛ *rājarṣeḥ*: مربوط به پادشاهی که حکیم بود؛ *muninā*: با مونی؛ *saha*: با؛ *samvādaḥ*: گفتگو، بحث؛ *samabhūt*: رخ داد؛ *tāta*: ای محبوب؛ *yatra*: که در نتیجه‌ی آن؛ *eṣā*: همچون دین؛ *sātvatī*: متعال، روحانی؛ *śrutiḥ*: جوهر و چکیده‌ی وداها.

ترجمه

چطور شد که پادشاه پاریکشیت این حکیم بزرگ را ملاقات کرد و بدین سبب این امکان پیش آمد که این جوهر و چکیده‌ی متعال و عظیم وداها [بهاگواتام] برای او سروده شود؟

شرح

در این آیه، شریماد-بهاگواتام به عنوان جوهر و چکیده‌ی وداها اعلام شده است. شریماد-بهاگواتام، آن گونه که گاهی اشخاص ناموثق تلقی می‌کنند، داستانی تخیلی نیست. شریماد-بهاگواتام، شوکا - سامهیتا (*Śuka-samhitā*) نیز نامیده شده است: یا به عبارتی سرود روحانی بیان شده از طریق شری شوکادوا گوسوامی، حکیم رهایی یافته‌ی بزرگ.

آیه ۸

*sa go-dohana-mātram hi
gr̥heṣu gr̥ha-medhinām
avekṣate mahā-bhāgas
tīrthī-kurvaṁs tad āśramam*

saḥ؛ او (شوکادوا گوسوامی)؛ *go-dohana-mātram*؛ فقط در مدت زمان دوشیدن گاو؛ *hi*؛ قطعاً؛ *gr̥heṣu*؛ در خانه؛ *gr̥ha-medhinām*؛ مربوط به متأهلان؛ *avekṣate*؛ منتظر می‌ماند؛ *mahā-bhāgaḥ*؛ خوشبخت‌ترین، نیک‌اقبال‌ترین؛ *tīrthī*؛ زیارت؛ *kurvan*؛ دگرگون کردن، تغییر دادن؛ *tat āśramam*؛ اقامتگاه، محل سکونت.

ترجمه

او [شوکادوا گوسوامی] چنین عادت داشت که بر در منزل متأهلان فقط به اندازه‌ی زمان لازم برای دوشیدن گاو توقف کند. و این عمل را فقط به منظور متبرک کردن آن محل انجام می‌داد.

شرح

شوکادوا گوسوامی، امپراتور پاریکشیت را ملاقات کرد و متن شریماد-بهاگواتام را شرح داد. وی عادت نداشت بیش از نیم ساعت (زمان دوشیدن گاو) در منزل متأهلان بماند و در آن زمان فقط صدقاتی را از متأهل نیک‌اقبال می‌پذیرفت و این عمل را به منظور تطهیر آن خانه، از طریق حضور خجسته و فرخنده‌اش، انجام می‌داد. بنابراین شوکادوا گوسوامی که در جایگاه روحانی واقع شده است، کمال مطلوب یک واعظ را نشان می‌دهد. کسانی که در مرحله‌ی انقطاع از

زندگی هستند و خود را وقف مأموریت مبتنی بر ارشاد پیام خداوند کرده‌اند، باید از اعمال آن قدیس بیاموزند که سروکار آنان با متأهلان چیزی نباید باشد جز آگاه کردن آنان به دانش روحانی؛ و درخواست صدقات از متأهلان باید فقط به منظور تطهیر منزل این افراد انجام پذیرد. کسی که در مرحله‌ی انقطاع از زندگی است نباید با زرق و برق دارایی‌های دنیوی متأهلان اغوا شود و بدین‌سان تابع و خادم اشخاص دنیوی گردد. این عمل برای وی بسیار خطرناک‌تر از نوشیدن زهر و یا ارتکاب به خودکشی است.

آیه ۹

*abhimanyu-sutam sūta
prāhur bhāgavatottamam
tasya janma mahāścaryam
karmāṇi ca gr̥ṇīhi naḥ*

abhimanyu-sutam: پسر آبهیمانویو؛ *sūta*: ای سوتا؛ *prāhuḥ*: گفته شده است که می‌باشد؛ *bhāgavata-uttamam*: عابد درجه یک خداوند؛ *tasya*: مال او؛ *janma*: تولد؛ *mahā-āścaryam*: خیلی شگفت‌انگیز؛ *karmāṇi*: فعالیت‌ها، اعمال؛ *ca*: و؛ *gr̥ṇīhi*: سخن بگویید با؛ *naḥ*: ما.

ترجمه

گفته شده است که ماهاراجا پاریکشیت، عابد درجه‌ی یک خداوند است و تولد و اعمال او همگی شگفت آورند. تمنا داریم درباره‌ی او برایمان صحبت کنی.

شرح

تولد ماهاراجا پاریکشیت خارق‌العاده است؛ زیرا وی حتی زمانی که هنوز در رحم مادر قرار داشت از طریق شخصیت خداوند شری کریشنا حفاظت شد. اعمالش نیز شگفت‌انگیز است زیرا وی کالی را که درصدد کشتن گاو ماده‌ای بود، تنبیه کرد. کشتن گاو ماده به معنای خاتمه دادن به تمدن انسانی است. او خواست که از گاو ماده حفاظت کند و از کشته شدنش به دست مظهر بزرگ گناه جلوگیری به عمل آورد. مرگ وی نیز شگفت‌انگیز است؛ زیرا وی از قبل، از آن اطلاع

حاصل کرد، چیزی که برای هر موجود فانی خارق‌العاده محسوب می‌شود. و در نتیجه او، با نشستن در ساحل رود مقدس گنگ و گوش فرا دادن به اعمال روحانی خداوند، خود را برای مردن آماده کرد. طی تمامی روزهایی که به شنیدن بهاگواتام گذراند، نه چیزی خورد، نه چیزی آشامید و نه حتی لحظه‌ای خوابید. پس هر چه به او مربوط می‌شود شگفت‌انگیز است و اعمالش ارزش شنیدن دقیق را دارد. بدین سبب است که حکیمان، در این آیه، تمایل خویش را برای شنیدن مفصل درباره‌ی او بیان می‌کنند.

آیه ۱۰

*sa samrāt kasya vā hetoḥ
pāṇḍūnām māna-varadhanah
prāyopaviṣṭo gaṅgāyām
anādṛtyādhirāt-śriyam*

Saḥ: او؛ samrāt: امپراتور؛ kasya: برای آنچه؛ vā: یا؛ hetoḥ: دلیل؛ pāṇḍūnām: مربوط به پسران پاندو؛ māna-varadhanah: کسی که خانواده را غنی می‌کند؛ -prāya-upaviṣṭah: نشستن و روزه گرفتن؛ gaṅgāyām: در ساحل گنگ؛ anādṛtya: فروگذارند، چشم پوشیدن؛ adhirāt: پادشاهی کسب شده؛ śriyam: ثروت‌ها، توانگری‌ها.

ترجمه

او امپراتوری بزرگ، و صاحب تمام توانگری و تمول قلمرو پادشاهی کسب شده‌ی خویش بود. وی چنان برجسته و سرافزار بود که حیثیت سلسله‌ی پاندو را فزونی بخشید. پس چرا همه‌چیز را رها کرد تا بر ساحل رود گنگ، با گرفتن روزه به انتظار مرگ بنشیند؟

شرح

ماهاراج پاریکشیت، امپراتور جهان و تمامی دریاها و اقیانوس‌ها بود. وی زحمتی برای به‌دست آوردن چنین قلمرویی متحمل نشده و آن را از پدربزرگان خود یعنی مهاراج یودهیشته‌هیرا و برادران او به ارث برده بود. گذشته از این، به‌خوبی قلمرو خویش را اداره می‌کرد و شایسته‌ی نام

نیک نیاکان خویش بود. در نتیجه هیچ چیز ناخوشایندی در توانگری و زمامداری اش یافت نمی‌شد. پس چرا باید تمام این وضعیت مساعد و مطلوب را رها کند و در ساحل گنگ، روزه‌دار تا زمان مرگ بنشیند؟ این حیرت‌انگیز است و بنابراین همه‌ی حکیمان مشتاق پی بردن به علت آن بودند.

آیه ۱۱

*namanti yat-pāda-niketam ātmanah
śivāya hānīya dhanāni śatravaḥ
katham sa vīraḥ śriyam aṅga dustyajām
yuvaiśatotsraṣṭum aho sahāsubhiḥ*

namanti: سر تعظیم فرود می‌آورند؛ *yat-pāda*: قدومش؛ *niketam*: زیر؛ *ātmanah*: مال خود؛ *śivāya*: رفاه سعادت؛ *hānīya*: عادت داشتند بیاورند؛ *dhanāni*: ثروت؛ *śatravaḥ*: دشمنان؛ *katham*: به چه دلیل؛ *saḥ*: او؛ *vīraḥ*: دلیرانه؛ *śriyam*: توانگری‌ها، ثروت‌ها؛ *aṅga*: ای؛ *dustyajām*: مغلوب‌نشدنی؛ *yuvā*: در جوانی کامل؛ *aiśata*: خواست، طلب کرد؛ *utsraṣṭum*: رها کردن؛ *aho*: علامت اظهار تعجب؛ *saha*: با؛ *asubhiḥ*: زندگی.

ترجمه

او چنان امپراتور بزرگی بود که تمامی دشمنانش در مقابل او سر تعظیم فرود می‌آوردند و به خاطر منفعت خویش همه‌ی ثروت خود را به او تسلیم می‌کردند. وی سرشار از جوانی و نیرومندی و برخوردار از نعمت‌های شاهانه‌ی بی‌پایان بود. پس چرا خواهان رها کردن تمامی آنها و حتی زندگی خود شد؟

شرح

هیچ چیز نامطلوبی در زندگی ماهاراج پاریکشیت وجود نداشت. وی مرد کاملاً جوانی بود می‌توانست با قدرت و ثروت خویش از زندگی لذت ببرد. پس دلیلی نداشت که وی از زندگی فعال خود کناره‌گیری کند. هیچ‌گونه مشکلی در گردآوری مالیات‌های حکومتی برای او وجود نداشت، زیرا چنان قدرتمند و دلاور بود که حتی دشمنانش نزد وی می‌آمدند و در برابر قدومش

سر تعظیم فرود می‌آورند و تمامی ثروت خویش را به خاطر نفع خود به وی تسلیم می‌کردند. ماهاراجا پاریکشیت پادشاهی متقی بود. او بر دشمنانش فائق آمد و بنابراین قلمروش سرشار از رفاه و سعادت و آبادانی بود. در سرزمین او غلات و فلزات کافی وجود داشت و تمامی رودخانه‌ها و کوه‌ها پربرکت بودند. در نتیجه همه‌چیز از نظر مادی رضایت‌بخش به نظر می‌رسید و بنابراین به هیچ‌وجه دلیلی برای رها کردن نابهنگام زندگی و پادشاهی‌اش وجود نداشت. حکیمان مشتاق شنیدن درباره‌ی تمامی این حقایق بودند.

آیه ۱۲

*śivāya lokasya bhavāya bhūtaye
ya uttama-śloka-paraṇā janāḥ
jīvanti nātmārtham asau paraśrayam
mumoca nirvidya kutaḥ kalevaram*

śivāya: رفاه آسایش؛ *lokasya*: مربوط به تمام موجودات زنده؛ *bhavāya*: به خاطر شکوفایی، به خاطر رونق گرفتن؛ *bhūtaye*: برای پیشرفت اقتصادی؛ *ye*: کسی که هست؛ *uttama-śloka-paraṇā janāḥ*: وقف شده در راه شخصیت خداوند؛ *janāḥ*: مردان؛ *jīvanti*: زندگی می‌کنند؛ *na*: اما نه؛ *ātma-artham*: منفعت خودخواهانه؛ *asau*: آن؛ *para-āśrayam*: پناه دیگران؛ *mumoca*: رها کرد، ترک کرد؛ *nirvidya*: رها شده از تمام دلبستگی‌ها؛ *kutaḥ*: به چه دلیل؛ *kalevaram*: بدن فانی.

ترجمه

اشخاصی که خود را وقف شخصیت خداوند کرده‌اند، فقط برای رفاه، پیشرفت و سعادت دیگران زندگی می‌کنند. آنها به دنبال منفعت شخصی نیستند. بنابراین، امپراتور پاریکشیت، هرچند آزاد از هر گونه دلبستگی به اموال دنیوی بود، چگونه توانست بدن مادی فانی خود را که پناه دیگران محسوب می‌شد، ترک کند؟

شرح

ماهاراج پاریکشیت، نمونه‌ی کامل یک پادشاه و متأهل مطلوب محسوب می‌شد، زیرا عابد شخصیت‌اعلای خداوند بود. عابد خداوند به خودی خود، تمامی صفات نیک را دارد. امپراتور مصداق خاص این حقیقت بود و هیچ‌گونه دلبستگی به ثروت‌های مادی تحت تملک خود نداشت. اما چون برای رفاه و سعادت همه‌جانبه‌ی شهروندانش پادشاه شده بود، همواره سرگرم اعمال عام‌المنفعه برای عموم مردم، نه فقط در این زندگی، که در زندگی بعد آنان نیز بود. او اجازه نمی‌داد کشتارگاهی به وجود آید یا گاوی کشته شود. او حکمرانی نادان و غیرمنصف نبود که ترتیب حفاظت موجود زنده‌ای را بدهد و اجازه‌ی کشته شدن موجود زنده‌ی دیگری را. به عنوان عابد خداوند، کاملاً خوب می‌دانست چگونه حکومت کند تا همه - انسان، حیوان، گیاه و تمام مخلوقات زنده - خوشبخت شوند. او در پی منفعت شخصی نبود. خودخواهی شخص معمولاً یا متوجه خود اوست و یا متوجه خود بسط یافته‌اش. در او هیچ‌اثری از این دو مشاهده نمی‌شد. تنها خواسته‌اش راضی کردن حقیقت‌متعال، شخصیت خداوند بود. پادشاه نماینده‌ی خداوند متعال است و بنابراین خواسته‌ی پادشاه باید با خواسته‌ی خداوند متعال یکسان و هماهنگ باشد. خواسته‌ی خداوند متعال این است که تمام موجودات زنده مطیع وی باشند و در نتیجه خوشبخت شوند. بنابراین خواسته‌ی پادشاه هدایت تمام رعایای خود به سوی ملکوت خداوند است. بدین‌جهت فعالیت‌های شهروندان باید به نحوی تنظیم شود که بتوانند در پایان به سرمنزله مقصود، نزد خداوند، بازگردند. قلمروی پادشاهی که نماینده‌ی خداوند است، سرشار از ثروت و توانگری می‌شود و تحت حکومت وی، انسان‌ها دیگر نیاز به خوردن حیوانات ندارند. دانه‌های غذایی، لبنیات، میوه‌ها و سبزیجات به فراوانی یافت می‌شود تا انسان و حیوان بتوانند به وفور و به دل سیر غذا بخورند. اگر تمام موجودات زنده غذای کافی و پناه مناسبی داشته باشند و از این طریق خشنود گردند و در عین حال از قوانین تجویز شده نیز اطاعت کنند، هیچ‌گونه اغتشاشی بین موجودات زنده پیش نمی‌آید. امپراتور پاریکشیت پادشاه لایقی بود و بنابراین همه در زمان حکومت وی شاد و خوشبخت بودند.

آیه ۱۳

*tat sarvaṁ naḥ samācaṣva
 pṛṣṭo yad iha kiñcana
 manye tvām viṣaye vācām
 snātam anyatra chāndasāt*

tat: آن؛ *sarvam*: همه؛ *naḥ*: به ما؛ *samācakṣva*: به وضوح شرح بده؛ *prṣṭaḥ*: مورد پرسش واقع شده؛ *yat iha*: در اینجا؛ *kiñcana*: همه‌ی آن؛ *manye*: ما فکر می‌کنیم؛ *tvām*: تو؛ *viṣaye*: در تمام موضوعات؛ *vācām*: معانی لغات؛ *snātam*: به طور کامل آشنا و آگاه؛ *anyatra*: به جز؛ *chāndasāt*: قسمتی از وداها.

ترجمه

ما می‌دانیم که تو، به استثنای بعضی از بخش‌های وداها، در تمام مباحث متبحر هستی و به مفهوم آنها دست یافته‌ای و بدین سبب قادری به تمام پرسش‌هایی که از تو به عمل آورده‌ایم به طریقی روشن پاسخ گویی و آنها را شرح دهی.

شرح

تفاوت بین وداها و پوراناها همچون تفاوت بین برهمنانها و پاریوراجاکاها (*parivrājakas*) است. برهمنانها برای اداره‌ی برخی از قربانی‌های ثمربخش ذکر شده در وداها در نظر گرفته شده‌اند، اما پاریوراجاکاچاریاها (*parivrājakācāryas*) یا ارشادکنندگان فاضل، برای اشاعه‌ی دانش روحانی بین همگان. بدین سبب پاریوراجاها یا پاریوراجاکاچاریاها همیشه در به ارتعاش درآوردن و تلفظ مانترهای ودایی استاد نیستند؛ مانترهایی که تحت قواعدی، با لحن و وزن خاص، توسط برهمنانها که برای اداره‌ی مراسم آئینی ودایی منظور شده‌اند، ادا می‌گردند. ولی با وجود این نباید چنین تلقی کرد که برهمنانها با اهمیت‌تر از واعظان سیار هستند. آنها در عین حال یکی و متفاوت‌اند؛ زیرا برای رسیدن به هدفی یکسان، ولی از راه‌ها و شیوه‌های مختلف در نظر گرفته شده‌اند.

همچنین، تفاوتی بین مانترهای ودایی و آنچه در پوراناها و ایتیهاسا (*Itihāsa*) توضیح داده می‌شود، وجود ندارد. بر اساس اظهارات شریلا جیوا گوسوامی، در ماده‌یاندینا - شروتی (*Mādhyandina-śruti*) ذکر شده است که تمام وداها، یعنی ساما، آتھاروا، ریگ، یاجور، پوراناها، ایتیهاساها، اوپانیشادها و غیره، تجلیاتی از تنفس خداوند متعال‌اند. تنها تفاوت این است که مانترهای ودایی غالباً با پراناوا اُم‌کارا (*praṇava omkāra*) آغاز می‌شوند و احتیاج به قدری آموزش جهت ادای تلفظ صحیح و وزن درست دارند. اما این مطلب بدان معنی نیست که شریما-بهاگواتام اهمیت کمتری نسبت به مانترهای ودایی دارد. به عکس، شریما-

بهاگواتام همان‌گونه که قبلاً نیز بیان گردید، میوه‌ی رسیده‌ی تمام وداها است. وانگهی کامل‌ترین روح رهایی‌یافته، یعنی شریلا شوکادوا گوسوامی، مجذوب مطالعه‌ی بهاگواتام است، هرچند وی قبل از آن نیز انسانی خودشناخته محسوب می‌شد. شریلا سوتا گوسوامی نیز راه وی را دنبال می‌کند و بنابراین مقام وی به علت اینکه در ذکر مانترهای ودایی با تلفظ و وزن صحیح خبره نبود، به هیچ وجه کم‌اهمیت‌تر نیست. باید دانست که این تلفظ خاص بیشتر به تمرین بستگی دارد تا به معرفت حقیقی؛ و معرفت، اهمیت بیشتری دارد تا ذکر طوطی‌وار.

آیه ۱۴

sūta uvāca
dvāpare samanuprāpte
ṛtīye yuga-ṣaryaye
jātaḥ parāśarād yogī
vāsavyām kalayā hareḥ

sūtaḥ: سوتا گوسوامی؛ *uvāca*: گفت؛ *dvāpare*: در دومین عصر؛ *samanuprāpte*: در ظهور مربوط به؛ *ṛtīye*: سومین؛ *yuga*: عصر؛ *ṣaryaye*: به جای؛ *jātaḥ*: ایجاد شد؛ *parāśarāt*: از طریق پاراشارا؛ *yogī*: حکیم بزرگ؛ *vāsavyām*: در رحم دختر واسو؛ *kalayā*: در بسط کامل؛ *hareḥ*: مربوط به شخصیت خداوند.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: به هنگام تلاقی اعصار دوم و سوم، حکیم بزرگ [ویاسادوا] از رحم ساتیاواتی، دختر واسو، زاده شد و پدرش، پاراشارا نام داشت.

شرح

چهار عصر ساتیا، دواپارا، تِرتا و کالی، تسلسل زمانی و ترتیب تاریخی خود را دارند؛ اما گاهی اوقات دو عصر با یکدیگر همپوشانی دارند. طی حکومت وایوسواتا مانو، در بیست و هشتمین گردش چهار عصر چنین همپوشانی رخ داد و سومین عصر پیش از دومین عصر پدیدار گشت. در

آن عصر خاص، خداوند شری کریشنا نیز هبوط نمود و بدین سبب دگرگونی ویژه‌ای رخ داد. مادرِ حکیم بزرگ، ساتیاواتی دختر واسوی ماهیگیر، و پدرش، پاراشارامونی بزرگ بود. این تاریخچه‌ی تولد ویاسادوا است. هر عصر به سه دوره تقسیم می‌شود و هر دوره یک ساندهیا (*sandhyā*) خوانده می‌شوند. ویاسادوا در سومین ساندهیای آن عصر معین ظاهر شد.

آیه ۱۵

*sa kadācit sarasvatyā
upaspr̥śya jalam śuciḥ
vivikta eka āsīna
udite ravi-maṇḍale*

saḥ: او؛ *kadācit*: یک بار، زمانی؛ *sarasvatyāḥ*: در ساحل رود ساراسواتی؛ *upaspr̥śya*: پس از اتمام غسل صبحگاهی؛ *jalam*: آب؛ *śuciḥ*: مطهر شده؛ *vivikte*: تمرکز؛ *ekah*: تنها؛ *āsīnaḥ*: بدین‌سان نشسته؛ *udite*: در طلوع؛ *ravi-maṇḍale*: مربوط به صفحه‌ی خورشید.

ترجمه

روزی، هنگام طلوع خورشید، ویاسادوا پس از انجام غسل صبحگاهی در آب رودخانه‌ی ساراسواتی، تنها به مراقبه نشست.

شرح

رودخانه‌ی ساراسواتی در ناحیه‌ی باداریکاشرامای (*Badarikāśrama*) هیمالیا جریان دارد. در نتیجه، مکانی که در این آیه به آن اشاره شده است، شامیا پراسا (*Śamyāprāsa*) در باداریکاشراما است؛ جایی که شری ویاسادوا در آن اقامت دارد.

آیه ۱۶

*parāvara-jñāḥ sa ṛṣiḥ
kālenāvyakta-ramhasā*

*yuga-dharma-vyatikaram
prāptam bhuvi yuge yuge*

para-avara: گذشته و آینده؛ *jñah*: کسی که می‌داند؛ *sah*: او؛ *ṛṣiḥ*: ویاسادوا؛ *kālena*: در طی زمان؛ *avyakta*: نامتجلی؛ *ramhasā*: با نیروی زیاد؛ *yuga-dharma*: برحسب عصر عمل می‌کند؛ *vyatikaram*: بی‌قاعدگی‌ها؛ *prāptam*: عاید شده؛ *bhuvī*: در کره‌ی زمین؛ *yuge yuge*: اعصار مختلف.

ترجمه

حکیم بزرگ ویاسادوا در وظایف عصر بی‌قاعدگی و بی‌نظمی‌هایی مشاهده کرد. این موضوع در اعصار گوناگون، در کره‌ی زمین، به علت تأثیر نیروهای نامرئی در طول زمان، رخ می‌دهد.

شرح

حکیمان بزرگی همچون ویاسادوا، ارواح رهایی‌یافته هستند و بنابراین می‌توانند به وضوح گذشته و آینده را ببینند. بدین ترتیب، او می‌توانست ناپهنجاری‌های آینده را در عصر کالی رؤیت کند و بر اساس آن برای عموم مردم تدبیری اندیشید تا بتوانند در این عصر، که پر از تاریکی و ظلمت است، تدریجاً به کمال زندگی دست یابند. عموم مردم در این عصر کالی علاقه‌ی زیادی به ماده که موقتی است، از خود نشان می‌دهند. آنها به علت جهل و غفلت، قادر به ارزیابی سرمایه‌های زندگی نیستند و نمی‌توانند نور و پرتو دانش روحانی را کسب کنند.

آیات ۱۷ و ۱۸

*bhautikānām ca bhāvānām
śakti-hrāsaṁ ca tat-kṛtam
aśraddadhānān niḥsattvān
durmedhān hrasitāyusaḥ*

*durbhagāmś ca janān vikṣya
munir divyena cakṣuṣā*

*sarva-varnāśramāṇām yad
dadhyau hitam amogha-dṛk*

bhautikānām ca: همچنین از هر چیزی که از ماده ساخته شده است؛ *bhāvānām*: اعمال؛ *śakti-hrāsam ca*: و اضمحلال قدرت طبیعی؛ *tat-kṛtam*: اعطا شده از طریق آن؛ *asṛaddadhānān*: مربوط به بی‌ایمانان؛ *niḥsattvān*: بی‌صبری به علت فقدان گونه‌ی نیکی؛ *durmedhān*: کندهوش، کم‌شعور؛ *hrasita*: کاهش یافته؛ *āyusaḥ*: مربوط به طول عمر؛ *durbhagān ca*: همچنین بدبخت؛ *janān*: عموم مردم؛ *vikṣya*: با دیدن؛ *munih*: مونی؛ *divyena*: از طریق روحانی؛ *cakṣuṣā*: بصیرت؛ *sarva*: همه؛ *varṇa-āśramāṇām*: مربوط به تمام مراحل و طبقات زندگی؛ *yat*: آنچه؛ *dadhyau*: تعمق نمود؛ *hitam*: رفاه و آسایش، خیر؛ *amogha-dṛk*: کسی که به طور کامل به دانش مجهز است.

ترجمه

حکیم بزرگ که کاملاً مجهز به دانش بود، از طریق بصیرت معنوی خویش توانست تأثیر مخرب این عصر را بر هر چیز مادی مشاهده کند. او همچنین قادر بود کوتاه شدن طول عمر مردم بی‌ایمان و کم‌طاقتی آنان بر اثر فقدان گونه‌ی نیکی را درک کند. پس او به خیر و سعادت همگان، در تمام طبقات و مراحل زندگی، اندیشید.

شرح

نیروهای نامتجلی و نامرئی زمان چنان قدرتمندند که تمام چیزهای مادی را در طول زمان، غرق در فراموشی می‌کنند. در کالی - یوگا، آخرین عصر از گردش و دوره‌ی تسلسل چهار عصر، قدرت تمام پدیده‌های مادی به علت نفوذ زمان رو به زوال می‌گذارد. در این عصر طول عمر بدن مادی عموم مردم و همچنین حافظه‌ی آنان بسیار کاهش می‌یابد. ماده نیز مواهب خود را محدود می‌کند. زمین دانه‌های غذایی را به نسبت اعصار گذشته تولید نمی‌کند. گاو به اندازه‌ی سابق شیر نمی‌دهد. تولید سبزی‌ها و میوه‌ها کمتر از گذشته است. در نتیجه، تمام موجودات زنده، هم انسان و هم حیوان، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، دچار سوء تغذیه هستند. به علت فقدان بسیاری از مایحتاج زندگی، به طور طبیعی طول عمر کاهش می‌یابد، حافظه کم

می‌شود، شعور اندک می‌گردد، روابط بین افراد پر از دورویی و تزویر می‌شود و غیره. حکیم بزرگ ویاسادوا توانست این حقیقت را با بصیرت روحانی‌اش ببیند. همان‌گونه که طالع‌بین می‌تواند آینده‌ی انسان را ببیند، یا ستاره‌شناس می‌تواند خورشیدگرفتگی یا ماه‌گرفتگی را پیش‌بینی کند، آن ارواح رهایی‌یافته‌ای که می‌توانند از طریق کتب مقدس ببینند، قادرند آینده‌ی بشریت را پیش‌گویی کنند و این، به سبب بینش عمیقی است که بر اثر فضیلت روحانی کسب نموده‌اند. علاوه بر آن، تمام چنین روحانیونی که به طور طبیعی عابدان خداوند هستند، همواره مشتاق اعطای خدمت عام‌المنفعه به عموم مردم هستند. آنان، برعکس رهبران سیاسی کاذبی که حتی قادر به پیش‌گویی اتفاقات پنج دقیقه‌ی بعد نیستند، دوستان حقیقی عموم مردم محسوب می‌شوند. در این عصر، عموم مردم و همچنین رهبران قلابی‌شان همگی اشخاصی بدبخت، بی‌ایمان به دانش روحانی و تحت نفوذ عصر کالی هستند. بیماری‌های گوناگون همواره آنان را مضطرب و آشفته می‌سازد؛ بیماری‌هایی که در اعصار گذشته وجود نداشت، زیرا شرایط زندگی این چنین نامساعد نبود. اشخاص نگون‌بخت این عصر همواره از پذیرش روحانیون نماینده‌ی شریلا ویاسادوا، افراد از خودگذشته‌ای که دغدغه‌ای جز برنامه‌ریزی در جهت کمک به همگان در تمام مراحل و طبقات زندگی ندارند، اکراه دارند. بزرگ‌ترین بشردوستان، آن روحانیونی هستند که رسالت ویاسا، نارادا، مادهوا (Madhva)، چیتانیا، روپا، ساراسواتی و غیره را ارائه می‌کنند. آنها همگی همتای یکدیگرند. شخصیت آنان ممکن است متفاوت باشد، اما هدف از مأموریتشان یکی و یکسان است: رساندن ارواح فروافتاده به سرمنزل مقصود نزد خداوند.

آیه ۱۹

*cātur-hotram karma śuddham
prajānām vīkṣya vaidikam
vyadadhāt yajña-santatyai
vedam ekam catur-vidham*

cātuḥ: چهار؛ *hotram*: آتش‌های قربانی؛ *karma śuddham*: تذهیبِ عمل؛ *prajānām*: مربوط به عموم مردم؛ *vīkṣya*: پس از دیدن؛ *vaidikam*: بر اساس مراسم ودایی؛ *vyadadhāt*: ساخته شده؛ *yajña*: قربانی؛ *santatyai*: بسط دادن، گسترش دادن؛ *vedam ekam*: فقط یک ودا؛ *cātuḥ-vidham*: در چهار دسته بندی.

ترجمه

وی متوجه شد که از طریق قربانی‌های ودایی، انسان می‌تواند اشتغالات حرفه‌ای خود را تقدیس کند؛ پس برای سهولت روند کار، ودای یگانه و اصلی را به چهار بخش تقسیم نمود تا بین انسان‌ها انتشار یابد.

شرح

در اصل فقط یک ودا، به نام یاجور، وجود داشت و چهار تقسیم‌بندی قربانی در آن ذکر شده بود. اما برای آنکه اجرای آنها آسان‌تر شود، و تنها به منظور تطهیر اشتغال حرفه‌ای چهار طبقه، ودا از روی چهار دسته‌بندی قربانی به چهار بخش تقسیم شد. علاوه بر چهار ودا - ریگ (Rg)، یاجور (Yajur)، ساما (Sāma) و آتھاروا (Atharva) - پورانها، ماهابهاراتا، سامهیتاها و غیره نیز وجود دارند که به عنوان پنجمین ودا شناخته می‌شوند. شری ویاسادوا و شاگردان بسیار همگی شخصیت‌های برجسته‌ی تاریخ، و نسبت به ارواح فروافتاده‌ی این عصر کالی بسیار مهربان و شفیق بودند. در نتیجه، به منظور کمک به این ارواح بود که پورانها و ماهابهاراتا از روی وقایع تاریخی نقل شده، ساخته شده‌اند؛ و این وقایع، آموزش‌های چهار ودا را بیشتر روشن می‌سازند. جای کوچک‌ترین شک و تردیدی نیست که پورانها و ماهابهاراتا مرجعیت دارند و به عنوان قسمت‌هایی از وداها شناخته شده‌اند. در چهاندوگیا اوپانیشاد (Chāndogya Upaniṣad) (۴/۱۷)، پورانها و ماهابهاراتا، که به طور کلی به شرح‌های تاریخی معروف‌اند، به عنوان پنجمین ودا ذکر شده‌اند. بر اساس اظهارات شریلا جیوا گوسوامی، این روش تعیین ارزش خاص متون مقدس از طریق استناد به منابع معتبر است.

آیه ۲۰

*ṛg-yajuḥ-sāmātharvākhyā
vedāś catvāra uddhṛtāḥ
itihāsa-ṭurāṇaṁ ca
pañcamo veda ucyate*

:*catvāraḥ*؛ وداها؛ *vedāḥ*؛ نام‌های چهار ودا؛ *ṛg-yajuḥ-sāma-atharva-ākhyāḥ*؛ چهار؛ *uddhṛtāḥ*؛ به قسمت‌های جداگانه درآورده شده؛ *itihāsa*؛ گزارش ثبت‌شده‌ی

تاریخی (ماهابهاراتا)؛ *purānam ca*؛ و پورانها؛ *pañcamah*؛ پنجمین؛ *vedah*؛ منشاء اصلی دانش؛ *ucyate*؛ گفته شده است که می‌باشد.

ترجمه

ودای اصلی سرچشمه‌ی دانش، به چهار بخش مجزا تقسیم شد. ولی وقایع تاریخی و سرگذشت‌های موثق ذکر شده در پورانها نیز پنجمین ودا نامیده می‌شوند.

آیه ۲۱

tatrarg-veda-dharaḥ pailaḥ
sāmagō jaiminiḥ kaviḥ
vaiśampāyana evaiko
niṣṇāto yajuṣām uta

tatra: در نتیجه‌ی آن؛ *ṛg-veda-dharaḥ*: استاد ریگ ودا؛ *pailaḥ*: ریشی‌ای به نام پایلا؛ *sāma-gaḥ*: مال ساما ودا؛ *jaiminiḥ*: ریشی‌ای به نام جایمینی؛ *kaviḥ*: با صلاحیت بسیار؛ *vaiśampāyanaḥ*: ریشی‌ای به نام وایشاماپایانا؛ *eva*: فقط؛ *ekaḥ*: به تنهایی؛ *niṣṇātaḥ*: خبره استاد؛ *yajuṣām*: مربوط به یاجور ودا؛ *uta*: تجلیل شده.

ترجمه

پس از تقسیم وداها به چهار بخش، پایلاریشی (Paila Ṛṣi) استاد ریگ-ودا گردید، جایمینی (Jaimini) استاد ساما-ودا، و وایشاماپایانا (Vaiśampāyana) استاد یاجور-ودا که خود از طریق آن پرشکوه گشت.

شرح

وداهای مختلف به دانایان به امانت سپرده شدند تا به طرق گوناگون بسط یابند.

آیه ۲۲

atharvāṅgirasām āsīt
sumantur dāruṇo muniḥ
itihāsa-purāṇānām
pitā me romaharṣaṇaḥ

atharva: آتھاروا ودا؛ *aṅgirasām*: به ریشی آنگیرا؛ *āsīt*: سپرده شد؛ *sumantuḥ*: همچنین معروف به سومانتو مونی؛ *dāruṇaḥ*: با جدیت وقف آتھاروا ودا شده؛ *muniḥ*: حکیم؛ *itihāsa-purāṇānām*: مربوط به وقایع ثبت شده‌ی تاریخی و پورانها؛ *pitā*: پدر؛ *me*: مال من؛ *romaharṣaṇaḥ*: ریشی رُماھارشانانا.

ترجمه

به سومانتو مونی آنگیرا (Sumantu Muni Aṅgirā) که کاملاً مشغول عبودیت بود، آتھاروا ودا سپرده شد. پورانها و شرح‌های تاریخی به عهده‌ی پدر من، رُماھارشانانا (Romaharṣaṇa) گذاشته شد.

شرح

در شروتی-مانتراها نیز بیان شده است که آنگیرا مونی، کسی که دقیقاً از اصول سخت آتھاروا-ودا پیروی می‌کرد، رهبر پیروان آتھاروا-ودا بود.

آیه ۲۳

ta eta ṛṣayo vedam
svam svam vyasyann anekadhā
śiṣyaiḥ praśiṣyais tac-chiṣyair
vedās te śākhino 'bhavan

te: آنها؛ *ete*: تمام اینها؛ *ṛṣayaḥ*: فاضلان؛ *vedam*: وادهای مربوطه؛ *svam svam*: در موضوعات به امانت سپرده‌شده به هر یک از آنها؛ *vyasyann*: اعطا کردند؛ *anekadhā*: بسیاری؛ *śiṣyaiḥ*: شاگردان؛ *praśiṣyais*: شاگردان شاگردان؛ *tac-chiṣyair*: شاگردان شاگردان؛ *vedāu te*: پیروان هر یک از وداها؛ *śākhinaḥ*: شاخه‌های مختلف؛

abhavan: بدین سان شدند.

ترجمه

تمام این حکمای فاضل، به نوبه‌ی خود، وداهایی را که به آنها سپرده شده بود، به شاگردان بی‌شمار خود، به شاگردان شاگردان خود و به شاگردان شاگردان خود ارائه کردند و بدین سان، شاخه‌های مربوطه از پیروان وداها به وجود آمدند.

شرح

وداها منبع اصلی دانش را تشکیل می‌دهند. هیچ شاخه‌ای از دانش، چه مادی و چه روحانی، یافت نمی‌شود که به متن اصلی وداها تعلق نداشته و از آن ناشی نشده باشد. تمام این شاخه‌های گوناگون، بسط‌های آن دانش اولیه را تشکیل می‌دهند که در اصل استادان دانای بزرگ قابل احترامی آنها را ارائه کردند. به عبارت دیگر، دانش ودایی، که سلسله‌های مختلف پیران آن را به شاخه‌های گوناگون منشعب کرده بودند، در سراسر جهان پخش شد. در نتیجه هیچ‌کس نمی‌تواند ادعای دستیابی به دانشی مستقل از وداها را بنماید.

آیه ۲۴

*ta eva vedā durmedhair
dhāryante puruṣair yathā
evam cakāra bhagavān
vyāsaḥ kṛpaṇa-vatsalāḥ*

te: آن؛ *eva*: قطعاً؛ *vedāḥ*: کتاب دانش؛ *durmedhaiḥ*: از طریق کم‌خردان؛ *dhāryante*: می‌تواند جذب شود؛ *puruṣaiḥ*: توسط انسان؛ *yathā*: به آن اندازه کم؛ *evam*: بدین سان؛ *cakāra*: چاپ و منتشر کرد؛ *bhagavān*: قدرتمند؛ *vyāsaḥ*: حکیم بزرگ و یاسا؛ *kṛpaṇa-vatsalāḥ*: بسیار مهربان نسبت به توده‌ی جاهل.

ترجمه

بدین‌سان، حکیم بزرگ ویاساداوا، سرشار از لطف نسبت به توده‌ی مردم جاهل، وداها را آن‌چنان تنظیم کرد که افراد کم شعورتر نیز قادر به درک پیام آنها باشند.

شرح

ودا یکی است، و در مورد دلایل تقسیم آن به بخش‌های متعدد در این آیه توضیح داده شده است. بذر تمام دانش‌ها، یا ودا، موضوعی نیست که هر انسان عادی بتواند آن را به آسانی درک کند. قاعده‌ی سختی وجود دارد مبنی بر اینکه هیچ‌کس نباید سعی کند وداها را بیاموزد، مگر اینکه برهمانایی شایسته باشد. از این قاعده‌ی سخت تفسیرهای اشتباه بسیاری به عمل آمده است. به عنوان مثال طبقه‌ای از مردم ادعا می‌کنند که مطالعه‌ی وداها فقط در انحصار طبقه‌ی برهمانا است، و شرایط لازم برای برهمانا شدن را صرفاً تولد در یک خانواده‌ی برهمانا می‌دانند. گروه دیگری از مردم این مطلب را نوعی بی‌عدالتی نسبت به اعضای طبقات دیگری که در خانواده‌ی برهمانا تولید نیافته‌اند، تلقی می‌کنند. اما هر دوی آنها در اشتباه‌اند. وداها مطالبی هستند که حتی به برهما نیز باید از طریق خداوند متعال توضیح داده می‌شد. بنابراین وداها را صرفاً اشخاصی که تحت تسلط گونه‌ی نیکی هستند درک می‌کنند. اشخاصی که در گونه‌های شهوت و جهل قرار دارند، قادر به فهم موضوع وداها نیستند. مقصود نهایی دانش ودایی، شری کریشنا، شخصیت خداوند است. افراد واقع در گونه‌های شهوت و جهل به ندرت این شخصیت را درک می‌کنند. در ساتیا-یوگا، همه در گونه‌ی نیکی واقع شده بودند. به تدریج گونه‌ی نیکی در دوران ترتا-یوگا و دوپارا-یوگا تنزل یافت و توده‌ی عام مردم منحرف و فاسد شدند. در عصر کنونی، گونه‌ی نیکی تقریباً به هیچ رسیده است. بدین سبب، شریلاویاساداوا، حکیم خوش‌قلب و قدرتمند، وداها را به بخش‌های گوناگون تقسیم‌بندی نمود تا اشخاص کم‌خرد واقع در گونه‌های شهوت و جهل، بتوانند در عمل از آنها پیروی کنند. این موضوع در اشلوکای بعد شرح داده می‌شود.

آیه ۲۵

strī-śūdra-dvijabandhūnām

trayī na śruti-gocarā
 karma-śreyasi mūḍhānām
 śreya evaṁ bhaved iha
 iti bhāratam ākhyānam
 kṛpayā muninā kṛtam

stri: طبقه‌ی زنان؛ sūdra: طبقه‌ی کارگر؛ dvija-bandhūnām: مربوط به بستگان دوبارزاده‌شده؛ trayī: سه؛ na: نه؛ śruti-gocarā: برای درک کردن؛ karma: در اعمال؛ śreyasi: در رفاه و آسایش؛ mūḍhānām: مربوط به نادانان؛ śreyaḥ: نفع اعلی؛ evam: بدین‌سان؛ bhavet: دست یافت؛ iha: از طریق این؛ iti: بدین‌سان فکر کردن؛ bhāratam: ماهابهاراتای بزرگ؛ ākhyānam: حقایق تاریخی؛ kṛpayā: از روی لطف و رحمت عظیم؛ muninā: از طریق مونی؛ kṛtam: کامل شد.

ترجمه

حکیم بزرگ، از سر لطف، چنین تشخیص داد که شرح تاریخی بزرگ ماهابهاراتا را گردآوری کند تا زنان، کارگران و بستگان دوبارزاده‌شدگان بتوانند به هدف نهایی زندگی دست یابند.

شرح

بستگان خانواده‌های دوبارزاده‌شده (twice-born) آن کسانی هستند که در خانواده‌های دارای فرهنگ روحانی یعنی خانواده‌های برهمانا، کشاتریا و وایشیا، زاده شده‌اند، اما برابر پدرانشان و در شأن نیاکان خویش نیستند. بدین‌معنی که هر چند این فرزندان از خاندان برهمانا، کشاتریا و وایشیا نشأت گرفته‌اند، ولی به علت اینکه مراسم مربوط به تہذیب برایشان انجام نشده است برهمانا، کشاتریا و وایشیا شناخته نمی‌شوند. فعالیت‌های مخصوص تہذیب حتی پیش از تولد کودک آغاز می‌شود و روش اصلاحی انعقاد نطفه گاربهداها- سامسکارا (-Garbhādhāna saṁskāra) خوانده می‌شود. کسی که چنین گاربهداها- سامسکارا یا روش تنظیم خانواده‌ی روحانی برای او انجام نشده باشد، به عنوان عضو خانواده‌ی دوبارزاده‌شده‌ی حقیقی پذیرفته نمی‌شود. در پی گاربهداها- سامسکارا، روش‌های پاکسازی دیگری می‌آید که مراسم پذیرش

نخ مقدس یکی از آنهاست. این عمل در زمان تشرّف روحانی انجام می‌شود. پس از این سامسکارای معین است که شخص واقعاً دوبارزاده شده خوانده می‌شود. تولد اول طی سامسکارای انعقاد نطفه در نظر گرفته می‌شود و دومین آن در زمان تشرّف روحانی. کسی که قادر بوده است چنین سامسکاراهای مهمی را پشت سر بگذارد، را می‌توان دوبارزاده شده‌ی حقیقی خواند. اگر پدر و مادر، روش تنظیم خانواده‌ی روحانی را اجرا نکنند و صرفاً از روی شهوت فرزند را به بار آورند، فرزندان آنان دویجا - باندھو (*dvija-bandhu*) خوانده می‌شوند. دویجا - باندھوها قطعاً به اندازه‌ی فرزندان خانواده‌های دوبارزاده شده‌ی کامل، خردمند نیستند. دویجا-باندھوها به استثنای سامسکارای مراسم ازدواج، نباید هیچ‌گونه سامسکارای دیگری با شودراها و طبقه‌ی زنان انجام دهند.

طبقات کم‌خرد انسان، یعنی زنان، شودراها و فرزندان ذکورِ فاقدِ صلاحیتِ طبقات بالاتر، از داشتن شایستگی‌های لازم برای درک مقصود و داهای روحانی محرومند و برای آنان بود که ماهابهاراتا تهیه شد. هدف ماهابهاراتا ارائه‌ی همان هدف و داهاست و بنابراین در این ماهابهاراتا، ودای خلاصه شده یعنی بهاگاواد-گیتا قرار داده شده است. کم‌خردان علاقه‌ی بیشتری به داستان از خود نشان می‌دهند تا به فلسفه؛ بنابراین فلسفه‌ی و داهای به شکل بهاگاواد-گیتا از سوی خداوند شری کریشنا بیان شده است. ویاساوا و خداوند کریشنا هر دو در سطح روحانی واقع‌اند؛ بنابراین آنها از این طریق در نیکی کردن به ارواح فروافتاده‌ی این عصر با یکدیگر تشریک مساعی می‌کنند. بهاگاواد-گیتا جوهر و چکیده‌ی تمام دانش ودایی، و مانند اوپانیشادها، نخستین کتاب ارزش‌های روحانی است. فلسفه‌ی ودانتا موضوع مطالعه‌ی فارغ‌التحصیلان علوم روحانی است. فقط شاگردان روحانی دارای مدارج بالا قادرند به حیظه‌ی خدمت روحانی یا خدمت عابدانه‌ی خداوند قدم گذارند؛ زیرا این خدمت، علمی بس بزرگ است که مهم‌ترین استاد آن، شخص خداوند به شکل شری چیتانیا ماهاپرابهو، محسوب می‌شود. و تنها اشخاصی که او به آنها اقتدار بخشیده است قادرند به دیگران تشرّف خدمت عاشقانه‌ی روحانی خداوند را اعطا نمایند.

آیه ۲۶

*evam pravṛttasya sadā
bhūtānām śreyasi dvijāḥ
sarvātmakenāpi yadā*

nātuṣyad dhṛdayam tataḥ

evam: بدین‌سان؛ *pravṛttasya*: کسی که مشغول شده است به؛ *sadā*: همواره؛ *bhūtānām*: مربوط به موجودات زنده؛ *śreyasi*: در نیکی نهایی؛ *dvijāḥ*: ای دوبارزاده‌شده؛ *sarvātmakena api*: از همه طریق؛ *yadā*: هنگامی که؛ *na*: نه؛ *atuṣyat*: راضی می‌شود؛ *hṛdayam*: ذهن؛ *tataḥ*: در آن زمان.

ترجمه

ای برهمناناهای دوبارزاده‌شده، هر چند وی برای خیر و سعادتِ کاملِ تمام انسان‌ها عمل کرده بود، ذهنش هنوز احساس رضایت و خشنودی نمی‌کرد.

شرح

شری ویاسادوا، هر چند متونی به ارزش وداها را برای سعادت همه‌جانبه‌ی توده‌ی مردم تهیه کرده بود، ولی از خود راضی نبود. انتظار می‌رفت پس از چنین فعالیت‌هایی از خویش راضی شود، اما در نهایت امر چنین نبود.

آیه ۲۷

*nātiprasīdat dhṛdayaḥ
sarasvatyās taṭe śucau
vitarkayan vivikta-stha
idaṁ covāca dharmā-vit*

na: نه؛ *atiprasīdat*: بسیار خشنود؛ *dhṛdayaḥ*: در قلب؛ *sarasvatyāḥ*: مربوط به رودخانه‌ی ساراسواتی؛ *taṭe*: در ساحل؛ *śucau*: پاک شده؛ *vitarkayan*: ملاحظه کردن؛ *vivikta-sthaḥ*: واقع شده در یک مکان خلوت؛ *idaṁ ca*: همچنین این؛ *uvāca*: گفت؛ *dharmā-vit*: کسی که می‌داند دین چیست.

ترجمه

پس حکیم، چون به اصل و جوهر دین آگاه بود، با قلبی ناراضی، بی‌درنگ به اندیشه نشست و با خود گفت:

شرح

حکیم درصدد کشف علت عدم رضایت قلبی خویش برآمد. تا زمانی که شخص در قلب خود احساس رضایت نکند، کمال به دست نمی‌آید. و این رضایت قلب را باید در ورای ماده جستجو نمود.

آیات ۲۸ و ۲۹

*dhṛta-vratena hi mayā
chandāmsi guravo 'gnayaḥ
mānitā nirvyalikena
gṛhītam cānuśāsanam*

*bhārata-vyapadeśena
hy āmnāyārthaś ca pradarśitaḥ
dṛśyate yatra dharmādi
strī-śūdrādibhir aṇy uta*

dhṛta-vratena تحت یک سوگند انضباطی محکم؛ *hi*: قطعاً؛ *mayā*: از طریق من؛ *chandāmsi*: سرودهای روحانی ودایی؛ *guravaḥ*: پیران روحانی؛ *agnayaḥ*: آتش قربانی؛ *mānitāḥ*: به طرز صحیحی پرستش شده؛ *nirvyalikena*: بدون انتظار، بدون توقع؛ *gṛhītam ca*: همچنین پذیرفتم؛ *anuśāsanam*: مقررات سنتی؛ *bhārata*: ماهابهاراتا؛ *vyapadeśena*: با گردآوری مربوط به؛ *hi*: قطعاً؛ *āmnāya-arthah*: اهمیت سلسه‌ی پیران؛ *ca*: و؛ *pradarśitaḥ*: به طرز صحیحی توضیح داده شده؛ *dṛśyate*: از طریق آنچه لازم است؛ *yatra*: جایی که؛ *dharmā-ādīḥ*: راه دین؛ *strī-śūdra-ādibhiḥ aṇy*: حتی از طریق زنان، شودراها و غیره؛ *uta*: بیان شده.

ترجمه

من، با عمل به تعهدات انضباطی شدید، بدون ادعا و خودنمایی، به پرستش وداها، پیر روحانی و محراب قربانی پرداخته‌ام. همچنین از احکام پیروی کرده‌ام و اهمیت سلسله‌ی پیران را از طریق توضیح ماهابهاراتا نشان داده‌ام تا حتی زنان، شودراها و دیگران [بستگان دوبارزاده‌شدگان] نیز بتوانند از طریق آن به ادراک راه دین دست یابند.

شرح

هیچ‌کس نمی‌تواند معنی و مفهوم وداها را بدون رعایت انضباطی شدید و شاگردی کردن در سلسله‌ی پیران درک کند. طالب دانش روحانی باید وداها، پیران روحانی و آتش قربانی را پرستش کند. تمام این ظرایف و پیچیدگی‌های دانش ودایی به طور منظم و اصولی در ماهابهاراتا ارائه شده است تا طبقه‌ی زنان، طبقه‌ی کارگران و اعضای فاقد صلاحیت خانواده‌های برهمنان، کشاتریا یا وایشیا آن را درک کنند. در این عصر، ماهابهاراتا ضروری‌تر از وداهای اصلی است و جایگاهی مهم‌تر از آنها دارد.

آیه ۳۰

tathāpi bata me daihyo
hy ātmā caivātmanā vibhuḥ
asampanna ivābhāti
brahma-varcasya sattamaḥ

tathāpi: هر چند؛ bata: نقص؛ me: مال من؛ daihyaḥ: واقع شده در بدن؛ hi: قطعاً؛ ātmā: موجود زنده؛ ca: و؛ eva: حتی؛ ātmanā: خودم؛ vibhuḥ: کافی؛ asampannaḥ: احتیاج داشتن به؛ iva ābhāti: به نظر می‌رسد باشد؛ brahma-varcasya: مربوط به ودانتیست‌ها؛ sattamaḥ: متعال.

ترجمه

احساس نقص می‌کنم، هر چند که شخصاً به تمامی آنچه وداها به آن تکلیف می‌کنند و انتظار دارند، به طور کامل مجهز شده‌ام.

شرح

جای شکی نیست که شریلا ویاسادوا کلیه اصول ودایی تا جزئی‌ترین آنها را رعایت می‌کرد. پاکسازی موجود زنده‌ی غوطه‌ور در ماده، با اعمال تجویز شده در وداها ممکن می‌شود؛ اما دستاورد نهایی و کمال، چیز دیگری است. مادام که آن به دست نیامده باشد، موجود زنده، حتی چنانچه کاملاً نیز مجهز باشد، نمی‌تواند در موقعیت طبیعی روحانی خود واقع شود. به نظر می‌رسد که شریلا ویاسادوا سررشته را گم کرده است و بدین سبب احساس عدم رضایت می‌کند.

آیه ۳۱

*kim vā bhāgavatā dharmā
na prāyeṇa nirūpitāḥ
priyāḥ paramahaṁsānām
ta eva hy acyuta-priyāḥ*

kim vā: یا؛ *bhāgavatāḥ dharmāḥ*: فعالیت‌های عابدانه‌ی موجودات زنده؛ *na*: نه؛ *prāyeṇa*: تقریباً؛ *nirūpitāḥ*: هدایت‌شده؛ *priyāḥ*: عزیز؛ *paramahaṁsānām*: مربوط به موجودات کامل؛ *ta eva*: آن نیز؛ *hi*: قطعاً؛ *acyuta*: لغزش‌ناپذیر، خطاناپذیر؛ *priyāḥ*: جذاب.

ترجمه

شاید این حال بدان سبب باشد که به طور اخص خدمتِ عابدانه و عاشقانه به خداوند را خاطر نشان نکرده‌ام؛ خدمتی که برای افراد به کمال رسیده و همچنین برای خداوند خطاناپذیر، عزیز است.

شرح

در این آیه، شریلا ویاسادوا علت این نارضایتی را خود بیان می‌کند. رضایت مورد نظر، در موقعیت طبیعی موجود زنده که همانا خدمت خالصانه به خداوند است احساس می‌شود. تا زمانی که شخص در وضعیت طبیعی خدمت، ثابت و استوار نشده باشد، نه خداوند و نه موجود زنده هیچ‌کدام نمی‌توانند به طور کامل راضی شوند. وی زمانی این نقص را احساس کرد که

نارادامونی، پیر روحانی‌اش نزد وی رسید. این موضوع در ذیل توصیف شده است.

آیه ۳۲

*tasyaivaṁ khilam ātmānaṁ
manyamānasya khidyataḥ
kṛṣṇasya nārada 'bhyāgād
āśramam prāg udāhṛtam*

tasya: مال او، ش؛ *evam*: بدین‌سان؛ *khilam*: پست تر، فروتر؛ *ātmānam*: روح؛
manyamānasya: فکر کردن درون ذهن؛ *khidyataḥ*: متأسف بودن؛ *kṛṣṇasya*: مربوط
به کریشنا دواییانا ویاسا؛ *nāradaḥ abhyāgāt*: نارادا آن‌جا آمد؛ *āśramam*: کلبه؛ *prāk*:
مقابل، برابر؛ *udāhṛtam*: گفت.

ترجمه

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، درست همان موقع که ویاسادوا از ضعف
خود احساس تأسف می‌کرد، نارادا به کلبه‌ی کریشنا دواییایانا ویاسا در سواحل
رود ساراسواتی رسید.

شرح

احساس خلأ ویاسادوا ناشی از فقدان دانش وی نبود. بهاگواتا-دهارما خدمت حاکی از عبودیت
و عشق پاک و خالص به خداوند است که وحدت‌گرایان (*the monist*) به آن دست نمی‌یابند.
وحدت‌گرایان در زمره‌ی پاراماهامساها (*paramahamsas*) (کامل‌ترین سانیاسی‌ها یا افراد
منقطع از زندگی) به شمار نمی‌آیند. شری‌ماد - بهاگواتام مملو از روایات اعمال روحانی شخصیت
خداوند است. هر چند ویاسادوا آواتارایی اقتدار یافته بود، اما باز هم احساس عدم رضایت می‌کرد؛
زیرا در هیچ‌یک از آثارش، اعمال روحانی خداوند به طرز مناسبی توضیح داده نشده بود. این
مطلب را شری کریشنا به طور مستقیم به قلب ویاسادوا الهام کرد؛ و در نتیجه، همان‌گونه که
توضیح داده شد، ویاسادوا احساس خلأ کرد. در اینجا به وضوح بیان گردیده است که بدون

خدمت عاشقانه‌ی روحانی به خداوند، همه چیز پوچ و تهی است؛ اما خدمت روحانی به خداوند به خودی خود کامل و همه چیز در آن قابل لمس و محسوس است، بدون آنکه نیاز به تلاش و کوششی جداگانه در حوزه‌ی عمل ثمربخش یا حوزه‌ی غور و تفکر فلسفی تجربی وجود داشته باشد.

آیه ۳۳

*tam abhijñāya sahasā
pratyutthāyāgataṁ munih
pūjayām āsa vidhivan
nāradaṁ sura-pūjitaṁ*

tam abhijñāya: با دیدن خجستگی و اقبال نیک در ورودش (ورود نارادا)؛ *sahasā*: ناگهان؛ *pratyutthāya*: بلند شدن، برخاستن؛ *āgataṁ*: رسیدن به؛ *munih*: ویاسادوا؛ *pūjayām āsa*: پرستش؛ *vidhi-vat*: با همان احترامی که به ویده‌ی (برهما) گذاشته می‌شود؛ *nāradaṁ*: به نارادا؛ *sura-pūjitaṁ*: پرستش‌شده‌ی خداوندگاران.

ترجمه

با ورود خجسته‌ی شری نارادا، شری ویاسادوا مؤدبانه برخاست و او را با همان احترامی که به برهماجی خالق گذارده می‌شود، پرستش نمود.

شرح

ویده‌ی نام دیگر برهما، نخستین موجود زنده‌ی مخلوق، است. وی در عین حال نخستین شاگرد و همچنین اولین استاد وداها محسوب می‌شود، زیرا وداها را از شری کریشنا فرا گرفت و برای نخستین بار به نارادا آموخت. در نتیجه نارادا دومین آچار یا در مسیر سلسله‌ی پیران روحانی است. او نماینده‌ی برهما است و بنابراین به وی دقیقاً همچون برهما، پدر تمام ویده‌ی‌ها (قواعد و قوانین) احترام گذاشته می‌شود. مشابهاً به تمام شاگردان متوالی دیگر در این تسلسل نیز، به طور یکسان، به عنوان نمایندگان استاد و پیر روحانی اصلی احترام گذارده می‌شود.

بدین سان شرح‌های بهاکتی‌ودانتا بر فصل چهارم از جزء اول شری‌ماد-بیهاگواتام با عنوان "ظهور شری نارادا" پایان می‌یابد.

فصل پنجم

آموزش‌های نارادا به ویاسادو درباره‌ی شَریماَد - بهاگاواتام

آیه ۱

sūta uvāca
atha taṁ sukham āsīna
upāsīnam bṛhac-chravāḥ
devarṣiḥ prāha viprarṣim
vīṇā-pāṇiḥ smayann iva

sūtaḥ: سوتا؛ *uvāca*: گفت؛ *atha*: بنابراین؛ *taṁ*: به او؛ *sukham āsīnaḥ*: به راحتی نشست؛ *upāsīnam*: به کسی که در نزدیکی نشسته است؛ *bṛhat-śravāḥ*: مورد احترام بسیار؛ *devarṣiḥ*: ریشی بزرگ در میان خداوندگاران؛ *prāha*: گفت؛ *viprarṣim*: به ریشی در میان برهمنانها؛ *vīṇā-pāṇiḥ*: کسی که یک وینا در دستش حمل می‌کند؛ *mayan iva*: با ظاهری لبخندزنان.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: پس حکیم خداوندگاران (نارادا)، که به آسودگی نشسته بود و لبخند بربل به نظر می‌رسید، ریشی برهماناها (وداویاسا) را مورد خطاب قرار داد.

شرح

نارادا لبخند بر لب داشت زیرا به خوبی حکیم بزرگ وداویاسا را می‌شناخت و از علت ناراضایتی‌اش آگاه بود. عدم رضایت ویاسادوا، همان‌گونه که به تدریج شرح داده خواهد داد، در ارائه‌ی ناکافی علم خدمت عابدانه خلاصه می‌شد. نارادا از این نقص اطلاع داشت و حالت ویاسا نیز آن را تأیید می‌کرد.

آیه ۲

nārada uvāca
pārāśarya mahā-bhāga
bhavataḥ kaccid ātmanā
parituṣyati śārīra
ātmā mānasa eva vā

nāradaḥ: نارادا؛ *uvāca*: گفت؛ *pārāśarya*: ای پسر پاراشارا؛ *mahā-bhāga*: بسیار خوشبخت؛ *bhavataḥ*: مال تو؛ *kaccit*: اگر آن باشد؛ *ātmanā*: از طریق خودشناسی مربوط به؛ *parituṣyati*: آیا آن راضی و خشنود می‌کند؛ *śārīraḥ*: هم‌هویت دانستن با بدن؛ *ātmā*: ذات؛ *mānasaḥ*: هم‌هویت دانستن با ذهن؛ *eva*: قطعاً، حتماً؛ *vā*: و.

ترجمه

نارادا خطاب به ویاسادوا، پسر پاراشارا، پرسید: آیا از هم‌هویت دانستن بدن یا ذهن با ذات حقیقی خود راضی هستی؟

شرح

در این‌جا، نارادا به علت یأس ویاسادوا اشاره‌ای می‌کند. ویاسادوا، به عنوان فرزند حکیم قدرتمند

پاراشارا، متعلق به خانواده‌ای بزرگ بود و بدین سبب نباید دلسردی به خود راه می‌داد. او فرزند شایسته‌ی پدری برجسته بود و نمی‌بایست همانند اشخاص عادی که بهره‌ی اندکی از دانش دارند، ذات را با بدن یا ذهن هم‌هویت تلقی می‌کرد. تا زمانی که شخص به طور حقیقی در خودشناسی، که فراتر از بدن و ذهن مادی است، واقع نشده باشد، نمی‌تواند به طور طبیعی شاد و خوشحال باشد.

آیه ۳

*jijñāsitaṁ susaṁpannam
api te mahad-adbhutam
kṛtavān bhāratam yas tvam
sarvārtha-ṭaribṛṁhitam*

jijñāsitaṁ: کاملاً تحقیق و پرسش شده؛ *susaṁpannam*: خیره، استاد؛ *api*: به رغم؛ *te*: مال تو؛ *mahad-adbhutam*: بزرگ و شگفت‌انگیز؛ *kṛtavān*: آماده شده؛ *bhāratam*: ماهابهاراتا؛ *yaḥ tvam*: آنچه انجام داده‌ای؛ *sarva-artha*: شامل تمام رشته‌ها؛ *ṭaribṛṁhitam*: به تفصیل توضیح داده شده.

ترجمه

تحقیقات تو کامل بود و مطالعات نیز به خوبی انجام شد، و شکی نیست که تو اثری بزرگ و شگفت‌انگیز، یعنی ماهابهاراتا را آماده کرده‌ای که مملو از توضیحات استادانه درباره‌ی انواع مطالب ودایی است.

شرح

دلسردی و یأس ویاسادوا قطعاً به سبب نداشتن دانش کافی نبود، زیرا وی به عنوان یک شاگرد، به طرز کاملی درباره‌ی متون مقدس ودایی تحقیق کرده بود، و نتیجه‌ی آن، تألیف ماهابهاراتا حاوی توضیحات کامل درباره‌ی وداها بود.

آیه ۴

*jijñāsitam adhītam ca
brahma yat tat sanātanam
tathāpi śocasy ātmānam
akṛtārtha iva prabho*

jijñāsitam: به نحو کاملاً خوبی فکر شده، سنجیده شده؛ *adhītam*: دانش آموخته؛ *ca*: و؛
brahma: مطلق؛ *yat*: آنچه؛ *tat*: آن؛ *sanātanam*: جاودان؛ *tathāpi*: به رغم آن؛
śocasi: متأسف شدن؛ *ātmānam*: به ذات؛ *akṛta-arthaḥ*: انجام نشده؛ *iva*: مانند؛
prabho: سرور عزیزم.

ترجمه

تو کاملاً موضوع برهمن فاقد شخصیت و نیز دانشی که از آن نشأت می‌گیرد را
تشریح کرده‌ای. پس ای بزرگوار، چرا به رغم انجام تمامی این کارها باید
دل‌سرد باشی و فکر کنی که کاری انجام نداده‌ای؟

شرح

ودانتا- سوترا، یا برهما- سوترا اثر شری ویاسادوا، مطالعه‌ی کامل وجه فاقد شخصیت حقیقت
مطلق است و به عنوان برجسته‌ترین شرح فلسفی در جهان پذیرفته شده است. در این رساله
بحث پیرامون موضوع جاودانگی است و توضیحات ارائه شده در آن، بسیار فاضلانده‌اند. بنابراین
هیچ‌گونه شکی درباره‌ی دانش متعال ویاسادوا نمی‌تواند وجود داشته باشد. پس چرا وی باید
متأسف باشد؟

آیه ۵

*vyāsa uvāca
asty eva me sarvam idaṁ tvayoktaṁ
tathāpi nātmā parituṣyate me
tan-mūlam avyaktam agādha-bodhaṁ
pṛcchāmahe tvātma-bhavātma-bhūtam*

vyāsaḥ: ویاسا؛ *uvāca*: گفت؛ *asti*: است؛ *eva*: قطعاً؛ *me*: مال من؛ *sarvam*: همه؛ *īdam*: این؛ *tvayā*: از طریق تو؛ *uktam*: گفته شده؛ *tathāpi*: و با وجود این؛ *na*: نه، علامت نفی فعل؛ *ātma*: ذات؛ *parituṣyate*: آرام می‌کند؛ *me*: به من؛ *tat*: مربوط به آنکه؛ *mūlam*: ریشه؛ *avyaktam*: آشکار نشده؛ *agādha-bodham*: شخص صاحب دانش نامحدود؛ *ṛcchāmahe*: پرسش می‌کند؛ *tvā*: از تو؛ *ātma-bhava*: از خود زاده شده؛ *ātma-bhūtam*: فرزند.

ترجمه

شری ویاسادوا گفت: هر آنچه درباره‌ی من گفتی، کاملاً صحیح است. به رغم انجام تمامی اینها، آرام نمی‌گیرم. بنابراین درباره‌ی علت ریشه‌ای عدم رضایت خویش از تو پرسش می‌کنم، زیرا تو صاحب دانش نامحدود هستی؛ چرا که زاده‌ی کسی [برهما] هستی که از خود زاده شده است [بدون پدر و مادر دنیوی].

شرح

همه در دنیای مادی مجذوب هم‌هویت دانستن خویش با بدن یا ذهن هستند. در نتیجه، تمام دانش منتشر شده در دنیای مادی یا با بدن ارتباط دارد و یا با ذهن. و این علت اصلی هرگونه یأس و دلسردی است؛ و این حقیقت حتی برای بزرگ‌ترین دانش‌پژوهان فاضل دانش مادی نامکشوف باقی می‌ماند. بنابراین برای حل علت ریشه‌ای هرگونه یأس و دلسردی باید به شخصی چون نارادا مراجعه کرد. در ادامه، دلیل چنین اقدامی توضیح داده شده است.

آیه ۶

sa vai bhavān veda samasta-guhyam
upāsīto yat puruṣaḥ purāṇaḥ
ṛāvareṣo manasaiva viśvaṁ
sṛjaty avaty atti guṇair asaṅgaḥ

saḥ: بدین‌سان؛ *vai*: قطعاً، حتماً؛ *bhavān*: خود تو؛ *veda*: می‌دانی؛ *samasta*: دربرگیرنده‌ی همه؛ *guhyam*: محرمانه؛ *upāsītaḥ*: عابد و فدایی؛ *yat*: چون؛ *puruṣaḥ*:

شخصیت خداوند؛ *purānaḥ*: قدیمی‌ترین؛ *parāvareśaḥ*: کنترل‌کننده‌ی جهان‌های مادی و روحانی؛ *manasā*: ذهن؛ *eva*: فقط؛ *viśvam*: جهان؛ *śṛjati*: خلق می‌کند؛ *avati atti*: نابود می‌کند؛ *guṇaiḥ*: از طریق طبایع یا گونه‌ها؛ *asaṅgaḥ*: غیروابسته.

ترجمه

سرورم، تو بر هر رازی آگاهی، زیرا آفریننده و نابودکننده‌ی جهان مادی و نگهدارنده‌ی جهان روحانی را می‌پرستی؛ یعنی شخصیت اصلی خداوند، کسی که ورای سه گونه‌ی طبیعت مادی قرار دارد.

شرح

شخصی که صد درصد به خدمت خداوند مشغول شده است، نماد و مظهر کل دانش است. چنین عابدی که در کمال خدمت عابدانه استقرار یافته است، با کیفیات شخصیت خداوند نیز کامل شده است. در نتیجه، کرامات هشت‌گانه‌ی قدرت ماورایی (اشتا-سیده‌ی) (*aṣṭa-siddhi*) اندکی از توانگری الهی‌اش را تشکیل می‌دهد. عابدی چون نارادا می‌تواند از طریق کمال روحانی‌اش، که هر کسی سعی دارد به آن دست یابد، به طرز شگفت‌انگیزی عمل کند. شریلا نارادا، هر چند با شخصیت خداوند برابر و یکسان نیست، موجود زنده‌ای صد درصد کامل است.

آیه ۷

*tvaṁ paryatann arka iva tri-lokīm
antaś-carō vāyur ivātma-sākṣī
parāvare brahmaṇi dharmato vrataiḥ
snātasya me nyūnam alam vicakṣva*

tvaṁ: ای نیکو خصال؛ *paryatan*: سفر کردن؛ *arkaḥ*: خورشید؛ *iva*: مانند؛ *tri-lokīm*: سه جهان؛ *antaḥ-carāḥ*: می‌تواند به قلب هر کسی نفوذ کند؛ *vāyur iva*: همچون هوای همه‌جا گسترده؛ *ātma*: خودشناخته؛ *sākṣī*: شاهد؛ *parāvare*: در موضوع علت و معلول؛ *brahmaṇi*: در مطلق؛ *dharmataḥ*: تحت مقررات و قواعد انضباطی؛ *vrataiḥ*: به موجب یک سوگند؛ *snātasya*: مجذوب شده در؛ *me*: مال من؛ *nyūnam*: نقص، کمبود؛ *alam*: به

وضوح؛ *vicakṣva*: جستجو کن.

ترجمه

ای نیکوخصال، تو قادری همانند خورشید، سه جهان را از هر سو سیر کنی و همانند هوا به حریم درونی همگان نفوذ نمایی. از این نظر، تو همتای روح متعال همه جا گسترده هستی. بنابراین به رغم اینکه من تحت قواعد تنظیم کننده و تعهدات خود، در جذبه‌ی متعال هستم، تقاضا دارم نقص و کاستی مرا کشف کنی.

شرح

معرفت روحانی، اعمال متقیانه، پرستش تمثال خداوند، صدقه، بخشندگی، عدم اعمال خشونت و مطالعه‌ی کتب مقدس تحت قواعد تنظیم کننده‌ی سخت، همواره مفید هستند.

آیه ۸

*śrī-nārada uvāca
bhavatānudita-prāyaṁ
yaśo bhagavato 'malam
yenaivāsau na tuṣyeta
manye tad darśanam khilam*

śrī-nāradaḥ: شری نارادا؛ *uvāca*: گفت؛ *bhavatā*: از طریق تو؛ *anudita-prāyam*: تقریباً تحسین نشده؛ *yaśaḥ*: شکوه و عظمت؛ *bhagavataḥ*: مربوط به شخصیت خداوند؛ *amalam*: بدون نقص؛ *yena*: از طریق آن؛ *eva*: حتماً، محققاً؛ *asau*: او (شخصیت خداوند)؛ *na*: علامت نفی فعل؛ *tuṣyeta*: راضی بودن؛ *manye*: فکر می‌کنم؛ *tat*: آن؛ *darśanam*: فلسفه؛ *khilam*: فروتر.

ترجمه

شری نارادا گفت: در حقیقت تو شکوه والا و منزّه شخصیت خداوند را ارائه و

پخش نکرده‌ای. بنابراین هر فلسفه‌ای که حواسِ روحانی و مطلق خداوند را راضی نکند، باید بدون ارزش تلقی شود.

شرح

روح فردی، خادم جاودان اربابِ جاودان یعنی شخصیتِ اعلاّی خداوند است. این رابطه‌ی جاودانی است که ذاتاً و فطرتاً آن دو را به هم پیوند می‌دهد. خداوند خود را به صورت موجودات زنده بسط داده است تا خدمت عاشقانه‌ی آنان را بپذیرد و فقط این موضوع است که می‌تواند هم خداوند و هم موجودات زنده را راضی کند. ویاسادوا که فاضل بزرگی محسوب می‌شود، بسط‌های بسیار زیادی از متون مقدس ودایی را ارائه و کامل کرده است که آخرین آنها فلسفه‌ی ودانتا است؛ ولی در هیچ یک از این نوشته‌ها، شخصیتِ خداوند تجلیل نشده است. غور و تفکر فلسفی خشک، حتی زمانی که در مورد موضوعِ روحانی شناخت مطلق نیز بحث کند، چنانچه مستقیماً از خداوند تجلیل نکند، جاذبه‌ی زیادی ندارد. شناخت شخصیتِ خداوند، غایت شناخت متعال است. درک حقیقت مطلق به صورت برهمن فاقد شناخت شخصیت یا روح متعال موضعی، پاراماتا، از شعف روحانی کمتری برخوردار است تا شناخت شکوه و جلال شخص خداوند.

هرچند ویاسادوا مؤلف ودانتا-دارشانا (*Vedānta-darśana*) است، با این وجود آشفته و مضطرب است. پس چه نوع شعف متعالی می‌تواند عابد خوانندگان و شنوندگان ودانتایی شود که نویسنده‌ی آن یعنی ویاسادوا، خود مستقیماً به شرح آن شعف نپرداخته است؟ در این جا ضرورت توضیح ودانتا-سوترا به شکل شریما-بهاگاواتام از طریق خود مؤلف پیش می‌آید.

آیه ۹

*yathā dharmādayaś cārthā
muni-varyānukīrtitāḥ
na tathā vāsudevasya
mahimā hy anuvarṇitāḥ*

yathā: به اندازه‌ی؛ *dharmādayaś*: کلیه‌ی چهار اصل دین؛ *ca*: و؛ *arthāḥ*: اهداف، مقاصد؛ *muni-varya*: از طریق تو، حکیم بزرگ؛ *anukīrtitāḥ*: کراراً توصیف شده؛ *na*: نه؛ *tathā*: به آن ترتیب؛ *vāsudevasya*: مربوط به شخصیتِ خداوندی شری کریشنا؛

mahimā: شکوه و عظمت؛ *hi*: حتماً، قطعاً؛ *anuvarṇitah*: دائماً توصیف شده.

ترجمه

حکیم بزرگ، هر چند تو چهار اصل را که با انجام مناسک مذهبی آغاز می‌شود، به طرز وسیع و جامعی توصیف کرده‌ای، ولی به تشریح شکوه و عظمت شخصیت متعال خداوند، یعنی و آسودوا نپرداخته‌ای.

شرح

تشخیص سریع شری نارادا بلافاصله اظهار شده است. علت ریشه‌ای نارضایتی و دلسردی ویاسادوا، امتناع آگاهانه‌ی وی از تجلیل خداوند در پورانا‌های گوناگونش بود. او قطعاً به عنوان یک موضوع بدیهی، توصیفاتی از شکوه و عظمت خداوند (شری کریشنا) ارائه کرده، اما نه به آن اندازه‌ای که به تشریح دین‌داری، پیشرفت اقتصادی، ارضاء حواس و رهایی پرداخته است. پذیرش این چهار اصل به مراتب پست‌تر از اشتغال به خدمت عابدانه‌ی خداوند است و شری ویاسادوا، به عنوان فاضلی معتبر و موثق، به این تفاوت خیلی خوب واقف بود؛ و با وجود این، به جای اهمیت دادن بیشتر به نوع بهتر اشتغال، یعنی خدمت عابدانه به خداوند، او کم و بیش به طرز نامناسبی از وقت ارزشمند خود استفاده کرده بود و در نتیجه افسرده و دلسرد بود. از این امر به وضوح پیداست که هیچ‌کس نمی‌تواند بدون مشغول شدن به خدمت عابدانه‌ی خداوند، به طور اساسی راضی و خشنود شود. این حقیقت در بهاگاواد-گیتا به وضوح بیان شده است. پس از رهایی، که آخرین مورد چهار اصل ذکر شده در بالاست، شخص به خدمت عابدانه‌ی پاک و خالص مشغول می‌شود. این، مرحله‌ی خودشناسی یا مرحله‌ی برهما-بهوتا (*brahma-bhūta*) خوانده می‌شود. [ش.ب ۲۰/۳۰/۴] پس از نیل به این مرحله است که شخص به رضایت دست می‌یابد. اما این رضایت، فقط آغاز شمع متعال است. انسان باید با نیل به بی‌طرفی و یکسانی در جهان نسبی پیشرفت کند. با عبور از این مرحله‌ی تعادل، شخص در خدمت عاشقانه‌ی روحانی خداوند ثابت و استوار می‌گردد. این آموزش شخصیت خداوند در بهاگاواد-گیتا است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که به منظور حفظ وضع موجود مرحله‌ی برهما-بهوتا، همچنین افزایش درجه‌ی معرفت متعال، نارادا به ویاسادوا توصیه کرد که باید اکنون مشتاقانه و به طور مکرر، راه خدمت عابدانه را توصیف کند. این اقدام، ناامیدی و دلسردی شدید وی را بهبود خواهد بخشید.

آیه ۱۰

na yad vacaś citra-ṣadam harer yaśo
 jagat-ṣavitram ṣragṛṇīta karhicit
 tad vāyasam tīrtham uśanti mānasā
 na yatra haṁsā niramanty uśik-kṣayāḥ

na: نه؛ yat: آن؛ vacaḥ: واژگان؛ citra-ṣadam: تزئینی؛ hareḥ: مربوط به خداوند؛
 yaśaḥ: شکوه و عظمت؛ jagat: جهان؛ ṣavitram: تقدیس شده؛ ṣragṛṇīta: توصیف
 شده؛ karhicit: به سختی؛ tat: آن؛ vāyasam: کلاغ‌ها؛ tīrtham: مکان زیارتی؛ uśanti:
 فکر می‌کنند؛ mānasā: اشخاص مقدس؛ na: نه؛ yatra: جایی که؛ haṁsā: تمام
 موجودات کامل؛ niramanti: لذت می‌برند؛ uśik-kṣayāḥ: کسانی که در قلمرو متعال
 سکونت دارند.

ترجمه

کلماتی که به توصیف شکوه خداوند نپردازند، خداوندی که به تنهایی قادر است
 جو کل جهان هستی را تطهیر کند، برای اشخاص مقدس چیزی بیش از محل
 زیارت کلاغان به حساب نمی‌آیند. نظر به اینکه اشخاص به کمال رسیده ساکن
 ملکوت متعال اند، هیچ لذتی از چنین زیارتگاهی کسب نمی‌کنند.

شرح

کلاغ و قو به علت حالات ذهنی متفاوتشان پرنده‌گانی یکسان نیستند. ثمرجویان یا اشخاص واقع
 در گونه‌ی شهوت به کلاغ تشبیه شده‌اند، در حالی که اشخاص مقدس به کمال رسیده را به قو
 تشبیه کرده‌اند. کلاغ‌ها در مکانی که زباله ریخته شده است، لذت می‌برند؛ درست همان‌گونه که
 ثمرجویان یا اشخاص در گونه‌ی شهوت از شراب و زن و نیز از مکان‌هایی که می‌توان در آنها به
 لذت زمخت حواس پرداخت. قوها در مکان‌هایی که کلاغ‌ها برای مذاکره و گردهمایی جمع

می‌شوند، لذت نمی‌برند. بر عکس، آنها در مناظر زیبای طبیعی دیده می‌شوند؛ جایی که برکه‌های آب زلال با گل‌های نیلوفر به رنگ‌های متنوع زیبا به طرز بسیار عالی تزیین شده‌اند. این تفاوت بین این دو دسته پرنده است.

طبیعت گونه‌های مختلف حیاتی را با ذهنیت‌های گوناگون تحت تأثیر قرار داده است، و نمی‌توان آنها را در دسته و مقامی یکسان قرار داد.

مشابهاً، انواع مختلف ادبیات برای انواع مختلف اشخاص با ذهنیت‌های متفاوت به وجود آمده است. اغلب بازارنوشته‌هایی که اشخاص طبقه‌ی کلاخ را جذب می‌کند، متونی هستند شامل بقایای بی‌مصرفِ موضوعاتِ شهوت‌انگیز. آنها به طور کلی به عنوان حرف‌هایی دنیوی در ارتباط با بدن زمخت و ذهن لطیف شناخته می‌شوند، که مملو از موضوعات توصیف‌شده به زبان زینتی سرشار از آرایش‌های تشبیهی و استعاره‌ای مادی هستند. با تمام این اوصاف، آنها از خداوند تجلیل نمی‌کنند. چنین نظم و نثری، درباره‌ی هر موضوعی که باشد، تزیین بدن مرده محسوب می‌شود. اشخاصی که از نظر روحانی پیشرفته‌اند و به قوت تشبیه می‌شوند، از چنین ادبیات مرده‌ای لذت نمی‌برند؛ متونی که سرچشمه‌ی لذت برای اشخاصی است که از نظر روحانی مرده‌اند. این آثار ادبی در گونه‌های شهوت و جهل که تحت برجسب‌های گوناگون توزیع می‌شوند به هیچ وجه نمی‌توانند به اشتیاق روحانی انسان کمک کنند، و در نتیجه اشخاص روحانی پیشرفته‌ی قوصفت با آنها هیچ کاری ندارند. چنین اشخاص پیشرفته از نظر روحانی، ماناسا (mānasa) نیز خوانده می‌شوند، زیرا همواره استاندارد و معیار خدمت داوطلبانه‌ی متعال به خداوند را در سطح روحانی حفظ می‌کنند. این موضوع، فعالیت‌های ثمربخش به منظور ارضای حواس زمخت بدنی یا غور و پندار لطیف ذهن خودخواه مادی را به طور کامل منع می‌کند.

نویسندگان موضوعات اجتماعی، دانشمندان، شاعران دنیوی، فلاسفه‌ی نظری و سیاستمدارانی که به طور کامل مجذوب پیشرفت مادی لذت حواس هستند، همگی عروس‌کهای نیروی مادی محسوب می‌شوند. آنها در مکانی لذت می‌برند که موضوعات پس‌مانده، دور ریخته شده‌اند. بر اساس اظهارات سوامی شریدهارا، این لذت فاحشه‌بازان است.

اما پاراماهاماساها از آثار ادبی که شکوه و عظمت خداوند را توصیف می‌کنند، لذت می‌برند؛ آنان جوهر و چکیده‌ی فعالیت‌های انسانی را درک کرده‌اند.

آیه ۱۱

tad-vāg-visargo janatāgha-viplavo

*yasmin prati-ślokaṁ abaddhavaty api
nāmāny anantasya yaśo 'ṅkitāni yat
śṛṇvanti gāyanti gṛṇanti sādhaḥ*

tat: آن؛ *vāk*: واژگان؛ *visargaḥ*: خلقت؛ *janatā*: عموم مردم؛ *agha*: گناهان؛ *viplavaḥ*: انقلابی؛ *yasmin*: که در آن؛ *prati- ślokaṁ*: هر یک از آیات؛ *abaddhavaty*: به صورت ناقص تدوین شده باشد؛ *api*: علی‌رغم آن؛ *nāmāni*: اسامی روحانی و غیره؛ *anantasya*: از خداوند بی‌نهایت؛ *yaśaḥ*: شکوه؛ *ṅkitāni*: شرح داده شده؛ *yat*: آن؛ *śṛṇvanti*: گوش دادن؛ *gāyanti*: خواندن؛ *gṛṇanti*: پذیرفتن؛ *sādhaḥ*: مردان پاکی که صادق هستند.

ترجمه

از سوی دیگر، متونی که سرشار از توصیفات شکوه متعال نام، شهرت، بازی‌ها و غیره خداوند متعال نامحدود هستند، خلقتی متفاوت و سرشار از کلمات متعال در راستای ایجاد تحولی در زندگی ناپاک تمدن منحرف جهان امروز هستند. چنین متون متعالی گرچه به صورت ناقص تدوین شده باشند، توسط اشخاص پاکی که کاملاً صادق هستند شنیده، خوانده و پذیرفته می‌شوند.

شرح

ویژگی اندیشمندان بزرگ آن است که می‌توانند بهترین‌ها را حتی از میان بدترین‌ها گزینش کنند. گفته شده است که مرد هوشمند باید بتواند عسل را از داخل ظرف محتوای سم جدا کند. باید طلا را حتی از یک مکان ناپاک بپذیرد، یک زن شایسته و خوب را حتی از یک خانواده‌ی ناشایست انتخاب کند و یک درس خوب را حتی از انسان یا معلمی از طبقه‌ی افراد ناپاک بیاموزد. این بعضی از آموزش‌های اخلاقی برای همگان، در هر مکان و بدون استثناء است. اما یک قدیس، بسیار فراتر از سطح یک انسان عادی است. او همواره جذب پرشکوه کردن خداوند متعال است؛ چراکه با پخش نام و شهرت خداوند متعال، جوّ آلوده‌ی جهان تغییر خواهد کرد و در نتیجه‌ی اشاعه‌ی متون متعالی همچون شریما-بهاگاواتام، مردم در تعاملات خویش به تعادل و سلامت خواهند رسید. در حالی که مشغول نگارش شرح بر همین آیه‌ی خاص هستیم، بحرانی را در مقابل چشمان خود مشاهده می‌کنیم. چین همسایه‌ی دوست ما با روحیه‌ی نظامی به

مرزهای هند حمله کرده است. ما هیچ ارتباطی با حوزه‌ی موضوعات سیاسی نداریم، با این حال مشاهده می‌کنیم که پیش‌تر چین و هند وجود داشتند و برای قرن‌ها بدون هیچ مشکلی در صلح کامل زندگی کرده‌اند. دلیل این امر آن است که در روزگار گذشته آنها در فضای خداآگاهی زندگی می‌کردند و هر کشوری در این جهان، خداترس، معصوم و پاک بود و هیچ جایگاهی برای دیپلماسی سیاسی وجود نداشت. هیچ دلیلی برای نزاع میان دو کشور هند و چین بر سر زمینی که چندان برای سکونت مناسب نیست وجود نداشت و قطعاً هیچ دلیلی برای جنگ بر سر این موضوع نیز نبود. اما به دلیل عصر نزاع، کالی، که پیش‌تر در مورد آن سخن گفتیم، همواره با یک تحریک ساده احتمال نزاع وجود خواهد داشت. این به دلیل موضوع مورد نزاع نیست، بلکه به دلیل فضای آلوده‌ی این عصر است. به طور سیستماتیک، گروهی از مردم به تبلیغ این امر می‌پردازند که باید پرشکوه کردن نام و شهرت خداوند متعال را متوقف نمود. بنابراین، نیاز گسترده‌ای به پخش پیغام شریمداد-بهاگاواتام در سراسر جهان وجود دارد. این وظیفه‌ی هر هندی و وظیفه‌شناسی است که پیغام روحانی شریمداد-بهاگاواتام را در سراسر جهان پخش کند و با این کار اعلی‌ترین عمل خیر را انجام دهد و در عین حال صلح مطلوب را در جهان به وجود آورد. از آنجایی که هند با فراموش کردن این عمل و وظیفه‌شناسانه، در انجام وظایف خود شکست خورده است، مشکلات و نزاع‌های گسترده‌ای در سراسر جهان اتفاق افتاده است. ما مطمئنیم اگر پیغام روحانی شریمداد-بهاگاواتام تنها توسط رهبران جهان دریافت شود، قطعاً تغییری در قلب آنها اتفاق خواهد افتاد و طبیعتاً عموم مردم نیز از آنها پیروی خواهند نمود. توده‌ی مردم ایزاری در دستان سیاستمداران و رهبران نوین هستند. اگر تنها در قلب رهبران تغییری رخ دهد، قطعاً تغییری عمده در فضای جهان اتفاق خواهد افتاد. می‌دانیم که تلاش صادقانه‌ی ما برای ارائه‌ی این متن عظیم باعث انتقال پیام متعال برای احیای خداآگاهی عموم مردم و احیای مجدد معرفت روحانی فضای جهان می‌گردد. فضایی که در حال حاضر دچار مشکلات فراوانی است. ارائه‌ی این متن به شیوه‌ای مناسب، به ویژه به زبانی بیگانه، قطعاً با اشتباهاتی همراه خواهد بود و علی‌رغم تلاش صادقانه‌ی ما برای ارائه‌ی این کار به صورت مناسب، نقائص ادبی زیادی در آن وجود خواهد داشت. اما ما مطمئنیم که با وجود تمام اشتباهات در این ارتباط، جدیت موضوع در نظر گرفته خواهد شد و رهبران جامعه نیز آن را به دلیل تلاش صادقانه برای پرشکوه کردن خداوند متعال خواهند پذیرفت. هنگامی که در یک خانه آتش‌سوزی اتفاق می‌افتد، ساکنان خانه به بیرون خانه می‌روند تا از همسایگان کمک بخواهند؛ همسایگانی که ممکن است خارجی باشند و حتی زبان قربانیان آتش‌سوزی را ندانند. با این حال، همسایگان حتی اگر به یک زبان

مشابه صحبت نکنند، چنین نیاز ضروری‌ای را درک می‌کنند. وجود چنین روحیه‌ی مشارکتی برای پخش پیغام متعال شریما-بهاگواتام در سراسر فضای آلوده جهان نیز ضروری است. به علاوه، این دانشی فنی مشتمل بر ارزش‌های روحانی است و بنابراین در این‌جا با تکنیک‌ها، و نه با زبان سر و کار داریم. اگر مردم جهان تکنیک‌های این متن عظیم را درک کنند، موفقیت حاصل شده است.

هنگامی که عموم مردم مشغول انجام فعالیت‌های متعدد مادی هستند، هیچ تعجبی نیست که با تحریکی کم‌اهمیت، یک فرد یا یک کشور به فرد یا کشور دیگر حمله‌ور شود. این قاعده‌ی عصر کالی یا عصر نزاع است. فضای جهان به دلیل انحراف در تمام تعاریف آلوده شده است و همگان این را به خوبی می‌دانند. همچنین متون ناخواسته‌ی متعددی از افکار مادی و در جهت ارضای حواس تولید شده است. در بسیاری از کشورها دولت سازمان‌هایی را مأمور نموده است تا وظیفه‌ی کشف و سانسور متون مستهجن را بر عهده گیرند. این بدان معنی است که نه دولت و نه رهبران وظیفه‌شناس خواستار چنین متونی نیستند؛ با این حال چنین متونی در بازار وجود دارند، چرا که مردم خواستار آن برای ارضای حواس هستند. عموم مردم تمایل به خواندن دارند (این یک تمایل غریزی است)، اما به دلیل اینکه ذهن‌های آنها آلوده است، خواستار چنین متونی هستند. در چنین شرایطی، متون متعالی همچون شریما-بهاگواتام نه تنها فعالیت‌های ذهن آلوده‌ی عموم مردم را نابود خواهد کرد، بلکه پس از خواندن چنین متون جذابی غذای مناسبی برای خواسته‌های آنها نیز ایجاد خواهد شد. در ابتدا ممکن است مردم آن را دوست نداشته باشند، چرا که فردی که از یرقان رنج می‌برد، در قبال آب‌نبات شیرین واکنش خوبی نشان نمی‌دهد، اما باید بدانیم که آب‌نبات تنها راه درمان یرقان است. مشابهاً اجازه دهید تبلیغ سیستماتیک برای عامه‌پسند نمودن مطالعه‌ی بهاگواد-گیتا و شریما-بهاگواتام اتفاق بیافتد، که همچون آب‌نبات شیرین برای شرایط یرقان‌گونه‌ی ارضای حواس عمل خواهد نمود. هنگامی که انسان‌ها مزه‌ی این متون را بچشند، متون دیگر، که تنها سم برای جامعه تولید می‌کنند، به صورت خود به خود موقوف خواهند شد. بنابراین ما مطمئنیم که همه‌ی افراد در جامعه‌ی انسانی از شریما-بهاگواتام استقبال خواهند نمود. گرچه آنچه امروز ارائه شده است، خطاهای زیادی در خود دارد، اما شری نارادا، فردی که به طرز پرلطفی در این فصل ظاهر شده، چنین اقدامی را توصیه نموده است.

*naiṣkarmyam apy acyuta-bhāva-varjitam
na śobhate jñānam alam nirañjanam
kutaḥ punaḥ śaśvad abhadram īśvare
na cārpitam karma yad apy akāraṇam*

naiṣkarmyam: خودشناسی؛ رها از واکنش‌های عمل ثمربخش؛ *api*: علی‌رغم؛ *acyuta*: خداوند خطاناپذیر؛ *bhāva*: تصور؛ *varjitam*: عاری از؛ *na*: نه؛ *śobhate*: به نظر رسیدن؛ *jñānam*: دانش روحانی؛ *alam*: توسط و توسط؛ *nirañjanam*: عاری از تعلقات؛ *kutaḥ*: کجاست؛ *punaḥ*: دوباره؛ *śaśvat*: همواره؛ *abhadram*: غیردوستانه و نامطلوب؛ *īśvare*: به خداوند؛ *na*: نه؛ *ca*: و؛ *arpitam*: عرضه می‌شود؛ *karma*: عمل ثمربخش؛ *yatapi*: آنچه؛ *akāraṇam*: غیرثمربخش.

ترجمه

علم خودشناسی، گرچه رها از هر نوع وابستگی مادی باشد، اگر عاری از ادراک خطاناپذیر [خداوند] باشد، دانشی شایسته به نظر نمی‌رسد. بنابراین، اگر فعالیت‌های ثمربخش برای خدمت عابدانه خداوند به کار گرفته نشوند، فایده‌ی این فعالیت‌ها که از همان ابتدا ماهیتی پررنج و موقتی دارند، چیست؟

شرح

همان‌گونه که در آیه‌ی قبل اشاره شد، نه تنها متون عادی که عاری از شکوه متعال خداوند هستند تقبیح می‌شوند، بلکه متون ودایی و حدس و گمان در مورد برهمن فاقد هویت نیز در صورتی که عاری از خدمت عابدانه باشند، تقبیح می‌گردند. هنگامی که حدس و گمان ذهنی در مورد برهمن فاقد هویت بر همین اساس تقبیح می‌شود، آنگاه دیگر صحبت در مورد عمل ثمربخشی که هدف از انجام آن خدمت عابدانه نباشد، چه جایگاهی خواهد داشت. چنین دانش پندارگرایانه و عمل ثمربخشی نمی‌تواند فرد را به هدف کمال زندگی هدایت کند. عمل ثمربخش، که اکثریت مردم مشغول انجام آن هستند، چه در آغاز و چه در انتها، همواره پر از رنج است. این عمل تنها وقتی ثمر واقعی خود را نشان می‌دهد که در خدمت عابدانه‌ی خداوند به کار گرفته شود. در بهاگاواد-گیتا نیز تأیید شده است که نتایج چنین عمل ثمربخشی می‌تواند برای

خدمت به خداوند تقدیم شود، اما در غیر این صورت چنین عملی باعث اسارت مادی می‌شود. لذت‌برنده‌ی معتبر از عمل ثمربخش، شخص خداوند است، و بدین ترتیب، هنگامی که این اعمال برای ارضای حواس موجودات زنده به کار گرفته می‌شوند، به منبع حاد مشکل تبدیل می‌گردند.

آیه ۱۳

*atho mahā-bhāga bhavān amogha-dṛk
śuci-śravāḥ satya-rato dhṛta-vrataḥ
urukramasyākḥila-bandha-muktaya
samādhinānusmara tad-viceṣṭitam*

atho: بنابراین؛ *mahā-bhāga*: بسیار خوشبخت؛ *bhavān*: خودت؛ *amogha-dṛk*: بیننده‌ی کامل؛ *śuci*: بی‌نقص؛ *śravāḥ*: مشهور؛ *satya-rataḥ*: قسم‌خورده برای راستگویی؛ *dhṛta-vrataḥ*: باثبات در کیفیات روحانی؛ *urukramasya*: از کسی که فعالیت‌های خارق‌العاده انجام می‌دهد (خداوند)؛ *akḥala*: جهانی؛ *bandha*: بند؛ *muktaya*: برای رهایی از؛ *samādhinā*: با خلسه‌ی روحانی؛ *anusmara*: به طور مکرر اندیشیدن و آنگاه توصیف آنها؛ *tad-viceṣṭitam*: بازی‌های مختلف خداوند.

ترجمه

ای ویاسادو، بینش تو کامل است. شهرت تو بی‌نقص است. تو در تعهد خود ثابت‌قدم و صادق هستی. بنابراین تو می‌توانی در حالت خلسه‌ی روحانی، برای رهایی عموم مردم از بندهای مادی به بازی‌های متعال خداوند بیاندیشی.

شرح

عموم مردم ذاتاً مشتاق مطالعه‌ی متون مختلف هستند. آنها تمایل دارند از مراجع معتبر در مورد نادانسته‌های خویش بشنوند و بخوانند، اما متون ناخجسته که سرشار از موضوعاتی برای ارضای حواس هستند از این مزه و اشتیاق ایشان سوء استفاده می‌کنند. چنین متون دربرگیرنده‌ی انواع مختلف اشعار مادی و تفکرات فلسفی، کم و بیش تحت تأثیر مایا هستند و در نهایت به ارضای حواس ختم می‌شوند. این متون، گرچه به معنای واقعی بی‌ارزش هستند، اما به زیبایی تزئین

می‌شوند تا توجه کم‌خردان را جلب کنند. بدین ترتیب، موجودات زنده‌ی مجذوب‌شده، بدون هیچ‌گونه امیدى به رهایی، طی هزاران نسل هرچه بیشتر در بندهای مادی گرفتار می‌شوند. شری نارادامونی، که بهترین وایشناواهاست، نسبت به قربانیان چنین متون بی‌ارزشی احساس رحم و شفقت می‌نماید و بنابراین به شری ویاسادو توصیه می‌کند که متنی متعال را تدوین نماید که نه تنها جذاب باشد، بلکه بتواند واقعاً رهایی از تمام انواع بندهای مادی را ممکن سازد. شریلا ویاسادو یا نمایندگان او شایسته‌ی انجام این کار هستند؛ چرا که آنها به درستی آموزش دیده‌اند تا موضوعات را از دیدگاهی صحیح ببینند. شریلا ویاسادو و نمایندگان او به دلیل بینش روحانی خود افکاری پاک دارند، در تعهدات خویش برای خدمت عابدانه استوار، و مصمم هستند که ارواح فروافتاده‌ی مستغرق در فعالیت‌های مادی را رها سازند. ارواح فروافتاده بسیار متمایل‌اند که به طور روزمره اطلاعاتی را در مورد داستان‌های مختلف به دست آورند و روحانیونی مانند ویاسادو یا نارادا می‌توانند برای چنین افراد مشتاقی بی‌نهایت خبر از دنیای روحانی تهیه کنند. در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که جهان مادی بخشی از کل خلقت است و این زمین تنها بخشی از کل جهان مادی است.

هزاران و هزاران ادیب در سراسر جهان وجود دارند که طی چند هزار سال گذشته، تعداد بسیار زیادی متون ادبی را برای اطلاع عموم مردم تولید کرده‌اند. متأسفانه هیچ‌یک از آنها صلح و آرامشی برای زمین به ارمغان نیاورده‌اند. این به دلیل خلاء روحانی در این متون است؛ بنابراین متون ودایی، به ویژه در بهاگاواد-گیتا و شریماد-بهاگاواتام، به ویژه برای بشریت در حال رنج توصیه می‌شود و تا اثر مطلوب رهایی از چنگال تمدن مادی را به ارمغان بیاورد؛ تمدنی که در حال بلعیدن بخش حیاتی انرژی بشریت است. بهاگاواد-گیتا پیغام بیان‌شده‌ی خود خداوند است که توسط ویاسادو به نگارش درآمده است، و شریماد-بهاگاواتام وصف متعال فعالیت‌های خداوند کریشناست که به تنهایی می‌تواند تمایلات مشتاقانه‌ی موجود زنده برای صلح و رهایی ابدی از رنج‌هایش را ارضا نماید. بنابراین، هدف شریماد-بهاگاواتام برای تمام موجودات زنده در سراسر جهان، رهایی کامل از تمام انواع قیود و بندهای مادی است. چنین توصیفات متعالی از بازی‌های خداوند می‌تواند تنها توسط ارواح رهایی‌یافته همچون ویاسادو و نمایندگان معتبر وی که کاملاً غرق در خدمت عاشقانه‌ی متعال خداوند هستند، صورت پذیرد. هیچ فرد دیگری، حتی اگر بر روی این موضوع سالیان متمادی به پندار ذهنی بپردازد، نمی‌تواند از فعالیت‌های خداوند آگاهی یابد و یا به توصیف آنها بپردازد. توصیفات بهاگاواتام چنان دقیق و واضح هستند که هر آنچه پنج هزار سال پیش در این متن عظیم پیش‌بینی شده، در حال حاضر اتفاق افتاده است.

بنابراین بینش نویسنده دربرگیرنده‌ی گذشته، حال و آینده است. اشخاص رهایی‌یافته‌ای همچون ویاسادو، نه فقط به دلیل قدرت بینش یا خردشان، بلکه از جنبه‌ی پذیرش شنیداری، اندیشه، احساس و دیگر فعالیت‌های حواس خود نیز کامل هستند. یک شخص رهایی‌یافته حواس کاملی دارد، و فقط با حواس کامل است که فرد می‌تواند به مالک حواس، هریشی کِشا (Hṛṣīkeśa)، شری کریشنا، شخصیت اعلا‌ی خداوند خدمت کند. بنابراین، شریما-بهاگواتام توصیف کامل شخصیت کامل خداوند، توسط شخصیت کامل شریلا ویاسادو، تدوین‌گر وداها است.

آیه ۱۴

tato 'nyathā kiñcana yad vivakṣataḥ
 pṛthag dṛśas tat-kṛta-rūpa-nāmabhiḥ
 na karhicit kvāpi ca duḥsthitā matir
 labheta vātāhata-naur ivāspadam

tataḥ: از آن؛ anyathā: جدا؛ kiñcana: چیزی؛ yat: هرآنچه؛ vivakṣataḥ: تمایل به توصیف؛ pṛthag: مجزا؛ dṛśaḥ: بینش؛ tat- kṛta: واکنش به آن؛ rūpa: شکل؛ nāmabhiḥ: توسط نام‌ها؛ na karhicit: هرگز؛ kvāpi: هر؛ ca: و؛ duḥsthitā matih: ذهن مردد؛ labheta: به دست می‌آورد؛ vāta-āhata: آشفته از باد؛ nauḥ: قایق؛ iva: همچون؛ āspadam: مکان.

ترجمه

هر آنچه دورنمایی به جز خداوند داشته باشد و تو تمایل به توصیف آن داشته باشی، تنها با اشکال، نام‌ها و نتایج مختلف واکنش‌هایی ایجاد می‌کند تا ذهن را آشفته سازد؛ همچون بادی که یک قایق را آشفته می‌کند، بدون آنکه آن قایق هیچ مکانی برای آرامش بیابد.

شرح

شری ویاسادو تدوین‌گر تمام توصیفات متون ودایی است و بنابراین وی ادراک روحانی را به طرق مختلف و به ترتیب توسط اعمال ثمربخش، دانش پندارگرایانه، قدرت ماورایی و خدمت

عابدانه توصیف نموده است. به جز این، ویاسادو در پورانا‌های مختلف خود، پرستش خداوندگاران را در اشکال و نام‌های مختلف توصیف نموده است. نتیجه آن است که عموم مردم در مورد چگونگی ثابت نگه داشتن ذهن خویش بر خدمت عابدانه خداوند گیج می‌شوند. آنها همواره در یافتن راه واقعی خودشناسی دچار مشکل می‌گردند. شریلا ناراداجوا بر این نقص خاص در متون ودایی گردآوری شده توسط ویاسادو تأکید می‌کند، و بدین ترتیب وی بر این امر تأکید دارد که همه چیز باید در ارتباط با خداوند، و نه فرد دیگری توصیف شود. در واقع، هیچ چیزی غیر از خداوند وجود ندارد. خداوند در بسط‌های مختلف متجلی می‌شود. او ریشه‌ی درخت کامل است. او معده‌ی بدن کامل است. آب دادن به ریشه، فرایند صحیح آبیاری درخت است؛ درست به همان ترتیبی که رساندن غذا به معده، تأمین‌کننده‌ی انرژی تمام بخش‌های بدن خواهد بود. بنابراین، شریلا ویاسادو نباید هیچ پورانایی غیر از بهاگوات-پورانا تدوین نماید؛ چرا که ذره‌ای انحراف می‌تواند در خودشناسی اغتشاش به وجود آورد. اگر ذره‌ای انحراف بتواند چنین اغتشاشی پدید آورد، آنگاه در مورد بسط آگاهانه‌ی ایده‌هایی مجزا از شخصیت حقیقت مطلق خداوند چه می‌توان گفت؟ ناقص‌ترین بخش پرستش خداوندگاران آن است که این بخش توصیفی مشخص از وحدت وجود (*Pantheism*) ایجاد می‌کند، که در نهایت متأسفانه منجر به ایجاد بسیاری از فرقه‌های مذهبی مخرب در مقابل پیشرفت اصول بهاگواتام می‌گردد؛ اصولی که به تنهایی می‌توانند جهت صحیح خودشناسی برای ارتباط ابدی با شخصیت خداوند را از طریق خدمت عابدانه در عشق متعال نمایان کنند. در این ارتباط، مثال قایقی که به دلیل گردباد دچار تلاطم شده است، مثال مناسبی است. ذهن منحرف پیرو آیین وحدت وجود، به دلیل شرایط آشفته‌ی ایجاد شده برای انتخاب هدف، هرگز نمی‌تواند به کمال خودشناسی دست یابد.

آیه ۱۵

*jugupsitam dharma-kṛte 'nuśāsataḥ
svabhāva-raktasya mahān vyatikramaḥ
yad-vākyato dharma itī taraḥ sthito
na manyate tasya nivāraṇam janaḥ*

jugupistm: بسیار تقبیح شده؛ *dharma-kṛte*: به خاطر دین؛ *anuśāsataḥ*: آموزش؛ *svabhāva-raktasya*: تمایل طبیعی؛ *mahān*: عظیم؛ *vyatikramaḥ*: بی‌منطق؛ *yat-*

vākyataḥ: تحت آموزش ایشان؛ *dharmah*: مذهب؛ *iti*: پس این‌گونه است؛ *itarah*:
عموم مردم؛ *sthitaḥ*: ثابت؛ *na*: نمی‌شود؛ *manyate*: می‌اندیشد؛ *tasya*: از آن؛
nivāraṇam: ممنوعیت؛ *janaḥ*: آنها.

ترجمه

عموم مردم ذاتاً تمایل به لذت بردن دارند، و تو آنها را به نام دین به این کار تشویق کرده‌ای. این امری تقبیح شده، و کاملاً غیرمنطقی است. از آن جایی که آنها با آموزش‌های تو هدایت شده‌اند، چنین آموزش‌هایی را به نام دین خواهند پذیرفت و به سختی توجهی به موارد ممنوعه خواهند نمود.

شرح

در این‌جا نارادامونی گردآوری متون مختلف ودایی توسط شریلا ویاسادو بر پایه‌ی انجام منظم اعمال ثمربخش، آن‌گونه که در ماهابهاراتا و دیگر متون مقدس ارائه شده است، را تقبیح می‌نماید. انسان‌ها، به دلیل معاشرت مادی طولانی، زندگی پس از زندگی، عملاً تمایل ذاتی به تلاش برای کنترل و هدایت انرژی مادی دارند. آنها هیچ درکی از مسئولیت زندگی انسانی ندارند. این شکل انسانی حیات فرصتی برای رهایی از چنگال انرژی توهمی است. هدف وداها بازگشت به منزلگاه واقعی خود نزد خداوند است. سیر در چرخه‌ی انتقال، در مجموعه‌ای از زندگی‌های مختلف و در میان ۸,۴۰۰,۰۰۰ گونه‌ی حیات، زندگی‌ای در بند و مقید برای ارواح محکوم مقید ایجاد می‌کند. شکل انسانی حیات، فرصتی برای خروج از این حیات در بند است و این چنین تنها اشتغال انسان، احیای رابطه‌ی گم‌شده‌ی خویش با خداوند است. تحت چنین شرایطی، فرد نباید هرگز به ایجاد برنامه‌ای برای ارضای حواس تحت عنوان اعمال مذهبی تشویق شود. چنین انحرافی در انرژی انسانی منجر به ایجاد تمدن منحرف می‌شود. شریلا ویاسادو، مرجع توصیفات ودایی در ماهابهارات و دیگر کتب است و تشویق وی به ارضای حواس به هر شکل، مانعی بزرگ بر سر راه پیشرفت روحانی محسوب می‌گردد؛ چرا که عموم مردم موافق ترک اعمال مادی که ایشان را در بندهای مادی نگه داشته است، نیستند. در مرحله‌ی خاصی از تمدن انسانی، هنگامی که چنین فعالیت‌های مادی به نام دین (همچون قربانی کردن حیوانات به نام انجام یاگیا (قربانی)) بسیار شایع گردیده، خداوند خود به صورت بودا ظهور نمود و مرجعیت وداها را به چالش کشید تا قربانی حیوانات به نام دین را متوقف کند. نارادا این امر را

پیش‌گویی کرده بود و بنابراین وی چنین متونی را تقبیح می‌کرد. گوشتخواران هنوز به نام دین به انجام قربانی حیوانات در پیشگاه خداوندگاران ادامه می‌دهند؛ چرا که در بعضی از متون ودایی چنین قربانی‌های منظمی توصیه شده است. این قربانی‌ها توصیه شده‌اند تا خوردن گوشت را کاهش دهند، اما به تدریج هدف چنین فعالیت‌های روحانی فراموش شد و کشتارگاه‌های فراوانی ظاهر شدند. این بدان خاطر است که مادی‌گرایان احمق تمایلی به گوش کردن به صحبت‌های کسانی که واقعاً در جایگاهی هستند که می‌توانند مراسم ودایی را توضیح دهند، ندارند.

در وداها به وضوح بیان شده است که کمال زندگی هرگز با کار بسیار زیاد و یا با جمع‌آوری اموال و یا افزایش جمعیت حاصل نخواهد شد. این هدف تنها با انقطاع حاصل خواهد شد. انسان‌های مادی‌گرا تمایلی به شنیدن در مورد چنین قواعدی ندارند. بر اساس نظر ایشان، مرحله‌ی به اصطلاح انقطاع زندگی برای کسانی است که به دلیل مشکلات جسمانی قادر به تأمین معاش خود نیستند و یا برای افرادی که در زندگی تأهل به موفقیت نرسیده‌اند.

البته در تاریخ‌هایی همچون ماهابهارات، در کنار موضوعات مادی، مباحثی در باب موضوعات روحانی نیز وجود دارد. ایده‌ی کلی ماهابهارات در آموزش‌های نهایی بهاگاواد-گیتا تجلی می‌یابد. آموزشی که بیان می‌دارد فرد باید تمام اشتغالات خود را ترک نماید و خود را صرفاً و کاملاً به قدوم نیلوفرین خداوند شری کریشنا تسلیم نماید. اما انسان‌های دارای تمایلات مادی بیشتر مجذوب فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و بشردوستانه‌ی مطرح در ماهابهارات هستند تا موضوع اصلی آن یعنی بهاگاواد-گیتا. نارادا صراحتاً این روحیه‌ی سازشگر ویاسادو را تقبیح می‌کند و وی را مستقیماً به اعلان ضرورت اصلی زندگی انسانی برای درک رابطه‌ی ابدی با خداوند و بنابراین تسلیم بدون تأخیر به وی، توصیه می‌کند.

مریضی که از نوع خاص بیماری رنج می‌برد، همواره تمایل دارد به سراغ غذاهایی برود که برای وی ممنوع است. طبیب حادثی در این زمینه با بیمار هیچ سازشی نمی‌کند و اجازه نمی‌دهد وی غذاهای ممنوع را بخورد. در بهاگاواد-گیتا نیز بیان شده است که فرد وابسته به عمل ثمربخش نباید به ترک اشتغال خویش تشویق شود، بلکه باید به تدریج به جایگاه خودشناسی برسد. این امر برای کسانی که تنها فیلسوفان تجربی خشک و فاقد هرگونه ادراک روحانی هستند کاربرد دارد. اما برای افراد واقع در مسیر خدمت عابدانه، نباید همواره چنین توصیه‌ای نمود.

آیه ۱۶

vicaṣaṇo 'syārhati veditum vibhor

*ananta-pārasya nivṛttitaḥ sukham
pravartamānasya guṇair anātmanas
tato bhavān darśaya ceṣṭitam vibhoḥ*

vicakṣaṇaḥ: بسیار ماهر؛ *asya*: از او؛ *arhati*: شایسته است؛ *veditum*: درک کند؛ *vibhoḥ*: متعلق به خداوند؛ *ananta-pārasya*: از نامحدود؛ *nivṛttitaḥ*: کناره‌گیری می‌کند از؛ *sukham*: خوشحالی مادی؛ *pravartamānasya*: کسانی که دلبسته هستند به؛ *guṇair*: کیفیت مادی؛ *anātmanas*: عاری از دانش در مورد ارزش‌های روحانی؛ *tataḥ*: بنابراین؛ *bhavān*: محبت تو؛ *darśaya*: راه‌ها را نشان می‌دهد؛ *ceṣṭitam*: فعالیت‌ها؛ *vibhoḥ*: مربوط به خداوند.

ترجمه

خداوند متعال بی‌نهایت است. تنها یک فرد بسیار ماهر، که از فعالیت‌های مربوط به شادکامی مادی دست کشیده، شایسته‌ی آن است که این دانش مربوط به ارزش‌های روحانی را درک کند. بنابراین تو باید با محبت خویش، به کسانی که به دلیل وابستگی مادی خود چنین موقعیت خوبی ندارند، مسیره‌های ادراک متعال را از طریق توصیف فعالیت‌های روحانی خداوند متعال نشان دهی.

شرح

دانش الهی، به ویژه هنگامی که با طبیعت روحانی پروردگار سر و کار داشته باشد، موضوع دشواری است. این موضوعی نیست که افراد بسیار دلبسته به فعالیت‌های مادی بتوانند آن را درک کنند. تنها افراد بسیار ماهری که با پرورش روحانی خود، تقریباً به طور کامل از فعالیت‌های مادی دست کشیده‌اند، می‌توانند مطالعه‌ی این دانش عظیم را بپذیرند. در بهاگاواد-گیتا به وضوح بیان شده است که از میان صدها و هزاران نفر، تنها یکی شایسته‌ی ورود به ادراک متعال است. و از میان هزاران نفر از چنین اشخاص خودشناخته‌ای، تنها تعداد اندکی می‌توانند دانش الهی به ویژه موضوع ارتباط با خداوند، به صورت شخص را درک کنند. بنابراین نارادا به شری ویاسادو توصیه می‌کند که دانش خداوند را با نقل فعالیت‌های روحانی وی توصیف نماید. ویاسادو خود فردی ماهر در این دانش، و کاملاً منقطع از لذات مادی است. بنابراین وی فردی شایسته برای

توضیح این موضوعات، و شوکادو گوسوامی، پسر ویاسادو، فردی شایسته برای دریافت آنها است. شریماد-بهاگواتام اعلی‌ترین دانش الهی است و بنابراین این متن می‌تواند برای یک فرد عامی همچون دارویی شفابخش عمل کند. از آن‌جا که این متن دربرگیرنده‌ی فعالیت‌های متعال خداوند است، هیچ تفاوتی میان خداوند و این متن وجود ندارد. این متن به واقع ظهور ادبی خداوند است. بنابراین افراد عامی می‌توانند توصیف فعالیت‌های خداوند را بشوند. بدین ترتیب آنها می‌توانند به معاشرت با خداوند بپردازند و به تدریج از امراض مادی پاک گردند. عابد ماهر نیز می‌تواند روش‌های نقل داستان و ابزارهایی را برای ایجاد تغییر در افراد غیرعابد بر حسب زمان و شرایط خاص کشف کند. خدمت عابدانه فعالیت‌ی پویا است، و عابدان ماهر می‌توانند ابزارهایی شایسته برای تزریق آن به اذهان جمعیت مادی‌گرا پیدا کنند. این‌گونه فعالیت‌های متعال عابدین برای خدمت به خداوند می‌تواند نظم جدیدی را به اجتماع احمق مادی‌گرایان ببخشد. خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو و پیروان وی مهارت ویژه‌ای را در این زمینه نشان دادند. با پیروی از همین روش، فرد می‌تواند افراد مادی‌گرای این عصر نزاع را به سمت زندگی آرام و ادراک متعال هدایت کند.

آیه ۱۷

*tyaktvā sva-dharmam caraṇāmbujam harer
bhajann apakvo 'tha patet tato yadi
yatra kva vābhadram abhūd amuṣya kim
ko vārtha āpto 'bhajatām sva-dharmataḥ*

tyaktvā: رها کرده است؛ *sua-dharmam*: اشتغال خود را؛ *caraṇa-ambujam*: قدوم نیلوفرین؛ *hareḥ*: متعلق به هاری (خداوند)؛ *bhajan*: مربوط به خدمت عابدانه؛ *apakvaḥ*: نابالغ؛ *atha*: به خاطر؛ *patet*: سقوط می‌کند؛ *tataḥ*: از آن مکان؛ *yadi*: اگر؛ *yatra*: هر جایی که؛ *kva*: هر نوع از؛ *vā*: یا (به صورت طعنه‌آمیز استفاده می‌شود)؛ *abhadram*: نامطلوب؛ *abhūt*: اتفاق می‌افتد؛ *amuṣya*: متعلق به او؛ *kim*: هیچ؛ *kaḥ vā arthaḥ*: آنچه مورد علاقه است؛ *āptaḥ*: به دست آید؛ *abhajatām*: مربوط به غیرعابدین؛ *sva-dharmataḥ*: مشغول در خدمت.

ترجمه

فردی که اشتغال مادی خویش را فراموش کرده است تا مشغول خدمت عابدانه‌ی خداوند شود، ممکن است در مرحله‌ی نابالغ بعضی مواقع سقوط کند، با این حال هیچ خطری برای عدم موفقیت او وجود ندارد. از سوی دیگر، یک غیرعابد، حتی اگر کاملاً مشغول وظایف شغلی خویش باشد، هیچ چیز به دست نمی‌آورد.

شرح

انسان وظایف متعددی دارد. هرکسی موظف به انجام وظایفی است. نه تنها نسبت به والدین، اعضای خانواده، جامعه، کشور، بشریت، دیگر موجودات زنده، خداوندگاران و غیره، بلکه وظایفی در قبال فیلسوفان بزرگ، شاعران، دانشمندان و غیره نیز دارد. در متون مقدس سفارش شده است که فرد می‌تواند از تمام وظایف خود چشم‌پوشی کند و تسلیم خدمت به خداوند شود. بنابراین اگر فرد چنین کند و در انجام خدمت عابدانه‌ی خویش موفق شود، اقدامی شایسته و خوب خواهد بود. اما گاهی چنین اتفاق می‌افتد که فرد به دلیل احساساتی زودگذر تسلیم خدمت عابدانه‌ی خداوند می‌شود، و در درازمدت، به دلایل بسیار متعدد، به دلیل معاشرت نامطلوب از مسیر خدمت سقوط می‌کند. مثال‌های زیادی در این زمینه در طول تاریخ وجود دارد. ماهاراج بهاراتا (*Bharata Mahārāja*) به دلیل وابستگی شدید به یک آهو، مجبور شد در زندگی بعدی خود به صورت آهو متولد شود. وی در هنگام مرگ خود به آن آهو می‌اندیشید. این چنین، در تولد بعدی، وی به یک آهو بدل شد، گرچه وی این رخداد زندگی پیشین خود را فراموش نکرد. مشابهاً چیتراکتو (*Citraketu*) نیز به دلیل اهانت‌های خویش به قدوم شیوا سقوط کرد. اما علی‌رغم تمام اینها، تأکید خاص بر تسلیم به قدوم نیلوفرین خداوند است، حتی اگر احتمال سقوط نیز وجود داشته باشد. و دلیل این امر آن است که حتی اگر فرد از وظایف تجویز شده در خدمت عابدانه سقوط کند، هرگز قدوم نیلوفرین خداوند را فراموش نخواهد کرد. هنگامی که فرد یک بار مشغول خدمت عابدانه‌ی خداوند شود، خدمت را در تمام شرایط ادامه خواهد داد. در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که حتی مقدار اندکی خدمت عابدانه می‌تواند فرد را از خطرناک‌ترین موقعیت نجات دهد. مثال‌های زیادی نیز در این زمینه در تاریخ وجود دارد. آجامیلا (*Ajāmila*) یکی از آنها است. آجامیلا در ابتدای زندگی خویش یک عابد بود، اما در دوره‌ی جوانی سقوط کرد؛ با این حال خداوند در پایان زندگی از وی محافظت نمود.

آیه ۱۸

*tasyaiva hetoḥ prayateta kovido
na labhyate yad bhramatām upary adhaḥ
tal labhyate duḥkhavad anyataḥ sukham
kālena sarvatra gabhīra-ramhasā*

tasya: برای آن منظور؛ *eva*: تنها؛ *hetoḥ*: دلیل؛ *prayateta*: باید تلاش کند؛ *kovidah*: فردی که به فلسفه تمایل دارد؛ *labhyate na*: حاصل نخواهد شد؛ *yat*: آنچه؛ *bhramatām*: سرگشته؛ *upari adhaḥ*: از بالا تا پایین؛ *tat*: آن؛ *labhyate*: می‌تواند حاصل شود؛ *duḥkhavat*: مانند بدبختی‌ها؛ *anyataḥ*: در نتیجه‌ی کارهای پیشین؛ *sukham*: ارضای حواس؛ *kālena*: در طول زمان؛ *sarvatra*: هر کجا؛ *gabhīra*: ظریف؛ *ramhasā*: پیشرفت.

ترجمه

افرادی که واقعاً هوشمند هستند و تمایلات فلسفی دارند، باید تنها برای آن مقصود هدفمندی تلاش کنند که حتی با سرگشتگی از بالاترین سیارات (برهمالوکا) تا پایین‌ترین سیارات (پاتالا) قابل دسترسی نخواهد بود. خوشحالی حاصل از ارضای حواس را می‌توان به طور خودبه‌خود در طول زمان به دست آورد؛ درست همان‌طور که در طول زمان رنج‌هایی به ما وارد خواهد شد که خواستار آنها نیستیم.

شرح

هر انسانی در هر کجا به طرق مختلف برای دستیابی به بیشترین میزان ارضای حواس تلاش می‌کند. بعضی از انسان‌ها مشغول تجارت، صنعت، رشد اقتصادی، برتری‌جویی سیاسی و غیره هستند و بعضی دیگر مشغول عمل ثمربخش هستند تا بتوانند با دستیابی به سیارات بالاتر در زندگی بعدی خوشبخت شوند. گفته شده است که ساکنان ماه با نوشیدن سوما-راسا (-soma rasa) شایسته‌ی ارضای حواس بیشتر هستند، و پیتری‌لوکا (*Pitrloka*) با انجام اعمال خیر و اعطای صدقات حاصل می‌شود. بنابراین چه در طول این زندگی و چه در زندگی پس از مرگ،

برنامه‌های متعددی برای ارضای حواس وجود دارد. بعضی در تلاش برای دستیابی به ماه یا سایر سیارات با ابزارهای مکانیکی هستند، چرا که تمایل دارند بدون انجام کارهای شایسته به چنین سیاراتی برسند. اما این امر اتفاق نخواهد افتاد. بر اساس قانون متعال، مکان‌های مختلف برای درجات مختلف موجودات زنده و بر اساس فعالیتی که آنها انجام می‌دهند در نظر گرفته شده است. تنها با اعمال شایسته، آن گونه که در متون مقدس تجویز شده است، فرد می‌تواند در یک خانواده‌ی شایسته، ثروتمند، با تحصیلات خوب و با ویژگی‌های بدنی مناسب تولد یابد. همچنین ما می‌توانیم ببینیم که حتی در این زندگی فرد با اعمال شایسته می‌تواند به تحصیل خوب و یا پول دست یابد. مشابهاً، در تولد بعدی تنها با اعمال شایسته و خوب به چنین موقعیت‌های مطلوبی خواهیم رسید. در غیر این صورت، این گونه نیست که دو فرد تولد یافته در یک مکان و یک زمان، به دلیل اعمال پیشین خویش، به صورتی کاملاً متفاوت در نظر گرفته شوند. اما تمام این موقعیت‌های مادی موقت هستند. موقعیت‌های موجود در اعلی‌ترین سیاره-برهمالوکا- و پست‌ترین سیاره-پاتالا- نیز ناپایدار و وابسته به نوع اعمال ما هستند. فرد متمایل به فلسفه‌ی حیات نباید در مقابل چنین موقعیت‌های تغییرپذیری وسوسه شود. وی باید تلاش کند که به زندگی ابدی سرشار از شرف و دانش دست یابد، جایی که مجبور نباشد دوباره به این جهان مادی پر از رنج، چه در این سیاره یا در سیاره‌ای دیگر بازگردد. رنج‌ها و شادی‌های توأم با آنها، دو ویژگی جهان مادی هستند و هر دوی آنها در برهمالوکا و دیگر سیارات نیز در دسترس هستند. آنها در زندگی خداوندگاران و در زندگی سگ‌ها و خوک‌ها نیز قابل دسترسی هستند. رنج‌ها و شادی‌های مختلط تمام موجودات زنده تنها در درجات و کیفیات مختلف هستند، اما هیچ‌کس آزاد از رنج‌های تولد، مرگ، پیری و بیماری نیست. مشابهاً در تقدیر همه‌ی موجودات شادی نیز دیده شده است. هیچ‌کس صرفاً با تلاش شخصی چیزی کمتر یا بیشتر از این موارد به دست نخواهد آورد. اگر چنین مواردی نیز حاصل شود، دوباره از دست خواهند رفت. بنابراین فرد نباید زمان خود را برای این موضوعات بی‌دوام تلف کند، بلکه باید تلاش نماید به سوی خداوند بازگردد. این باید مأموریت زندگی همگان باشد.

آیه ۱۹

*na vai jano jātu kathañcanāvrajen
mukunda-sevy anyavad aṅga saṁsṛtim
smaran mukundāṅghry-upagūhanam punar*

vihātum icchen na rasa-graḥo janaḥ

na: هرگز؛ *vai*: قطعاً؛ *janaḥ*: یک فرد؛ *jātu*: در هر زمان؛ *kathañcana*: به نوعی؛ *āvrajat*: تحمل نمی‌کند؛ *mukunda-sevī*: عابد خداوند؛ *anuavat*: همانند دیگران؛ *aṅga*: عزیزم؛ *saṁsṛtim*: موجودیت مادی؛ *smaran*: یادآوری؛ *mukund-aṅghri*: قدوم نیلوفرین خداوند؛ *uṣṭagūhanam*: پذیرش؛ *ṣunaḥ*: دوباره؛ *vihātum*: عزم به ترک؛ *icchet*: تمایل؛ *na*: هرگز؛ *rasa-graḥaḥ*: فردی که مزه چشیده است؛ *janaḥ*: فرد.

ترجمه

ویاسای عزیزم، حتی اگر گاهی یک عابد خداوند کریشنا به نوعی سقوط کند، قطعاً همانند دیگران (عمل‌کنندگان برای ثمر و غیره) دستخوش موجودیت مادی نمی‌گردد، چرا که فردی که یک بار مزه قدوم نیلوفرین خداوند را چشیده باشد، نمی‌تواند به جز یادآوری دوباره و دوباره‌ی آن شمع، کار دیگری انجام دهد.

شرح

یک عابد خداوند خود به خود نسبت به افسون موجودیت مادی بی‌علاقه می‌شود، چرا که وی راسا-گراها (*rasa-graha*)، یا فردی است که شیرینی قدوم نیلوفرین خداوند کریشنا را چشیده است. قطعاً مثال‌های زیادی از عابدان خداوند وجود دارد که به دلیل بعضی معاشرت‌های نامطلوب سقوط کرده‌اند؛ درست همانند عمل‌کنندگان برای اجر و ثمر، که همواره در معرض تنزل جایگاه و سقوط هستند. چنین عابدی اگرچه سقوط می‌کند، اما هرگز همانند یک کارمی سقوط کرده در نظر گرفته نمی‌شود. یک کارمی از نتایج واکنش‌های ثمربخش خویش رنج می‌برد، در حالی که یک عابد با تنبیه هدایت‌شده توسط خداوند، اصلاح می‌شود. رنج‌های یک کودک یتیم و رنج‌های کودک محبوب پادشاه یکسان و مشابه نیستند. یک کودک یتیم واقعاً فقیر است؛ چرا که کسی را ندارد که از او مراقبت نماید، اما پسر محبوب یک شخص ثروتمند، گرچه به نظر می‌رسد که در سطحی مشابه همان کودک یتیم باشد، اما همواره تحت مراقبت پدر توانمند خویش است. عابد خداوند، به دلیل معاشرت اشتباه، بعضی مواقع از عمل‌کنندگان برای اجر و ثمر پیروی می‌کند. عمل‌کنندگان برای اجر و ثمر خواستار خداوندی بر جهان مادی

هستند. مشابهاً یک عابد مبتدی نیز ممکن است به طرزی احماقه به جمع‌آوری مقداری قدرت مادی در قبال خدمت عابدانه‌ی خویش بیاندیشد. چنین عابدان احمقی بعضی مواقع توسط خداوند در معرض مشکلات قرار داده می‌شوند. به عنوان یک لطف ویژه، خداوند ممکن است تمام لوازم مادی را از زندگی چنین فردی حذف کند. با چنین اقدامی، تمام دوستان و خویشان، عابد سرگردان را رها می‌کنند و این چنین به لطف خداوند وی دوباره آگاهی خویش را به دست می‌آورد و آماده‌ی انجام خدمت عابدانه می‌گردد.

در بهاگاواد-گیتا همچنین گفته شده است که به چنین عابدان سقوط کرده‌ای فرصت داده می‌شود تا در یک خانواده‌ی بسیار شایسته‌ی برهمانا یا در یک خانواده‌ی تاجر ثروتمند متولد شوند. عابدی که در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد، به اندازه‌ی فردی که مورد تنبیه خداوند و در وضعیت درماندگی قرار می‌گیرد، خوشبخت نیست. عابدی که به خواسته‌ی خداوند درمانده و بیچاره می‌شود، خوشبخت‌تر از فردی است که در خانواده‌ی شایسته متولد خواهد شد. عابدان سقوط کرده‌ای که در یک خانواده‌ی شایسته متولد می‌شوند، ممکن است قدوم نیلوفرین خداوند را فراموش کنند؛ چرا که بخت و اقبال آنها کمتر است. اما عابدی که در موقعیت درماندگی قرار می‌گیرد، خوشبخت‌تر است، زیرا با اندیشیدن در مورد درماندگی خویش از همه جهات، به آرامی به سوی قدوم نیلوفرین خداوند باز می‌گردد.

خدمت عابدانه‌ی پاک چنان از لحاظ روحانی خوش طعم است که عابد خود به خود نسبت به لذات مادی بی‌علاقه می‌شود. این نشانه‌ی کمال در خدمت عابدانه‌ی در حال پیشرفت است. یک عابد پاک همواره قدوم نیلوفرین خداوند شری کریشنا را به یاد می‌آورد و حتی برای یک لحظه، حتی در قبال تمام ثروت‌های موجود در سه جهان، وی را فراموش نمی‌کند.

آیه ۲۰

*idam hi viśvaṁ bhagavān ivetaro
yato jagat-sthāna-nirodha-sambhavāḥ
tad dhi svayaṁ veda bhavāṁs tathāpi te
prādeśa-mātram bhavataḥ pradarśitam*

idam: این؛ *hi*: تمام؛ *viśvaṁ*: جهان؛ *bhagavān*: خداوند متعال؛ *iva*: تقریباً مشابه؛
itarah: متفاوت از؛ *yataḥ*: از او؛ *jagat*: جهان‌ها؛ *sthāna*: موجود؛ *nirodha*: نابودی؛

sambhavāḥ: خلقت؛ *tathi*: همگی در مورد؛ *svayam*: شخصاً؛ *veda*: دانش؛ *bhavān*: شخصیت شایسته‌ی تو؛ *tathā api*: در عین حال؛ *te*: به تو؛ *prādeśa-mātram*: تنها خلاصه‌ای؛ *bhavataḥ*: به تو؛ *pradarśitam*: توضیح داده شد.

ترجمه

شخصیت اعلای خداوند، خود این جهان است و در عین حال از آن مبری باقی می‌ماند. تنها از اوست که این تجلی کهکشانی متجلی می‌شود، و این تجلی به او تکیه می‌کند و پس از نابودی وارد او می‌شود. شما خود به شایستگی تمام این موارد را می‌دانید، و من تنها خلاصه‌ای از آنها را ارائه نمودم.

شرح

برای یک عابد پاک، مفهوم موکوندا (*Mukunda*)، خداوند شری کریشنا، هم واجد شخصیت و هم فاقد شخصیت است. حالت جهانی فاقد هویت نیز موکونداست؛ چرا که آن نیز از انرژی موکوندا نشأت می‌گیرد. برای مثال، یک درخت، یک واحد کامل است، در حالی که برگ‌ها و شاخه‌های درخت بخش‌ها و اجزای نشأت گرفته از درخت هستند. برگ‌ها و شاخه‌های درخت نیز درخت هستند، اما خود درخت نه برگ‌ها و نه شاخه‌های آن است. معنی دیدگاه ودایی در مورد آنکه کل خلقت چیزی جز برهمن نیست، آن است که از آن‌جایی که همه چیز از برهمن متعال نشأت گرفته است، هیچ چیز جدای از آن نیست. مشابهاً بخش و جزء دست‌ها و پاها، بدن نامیده می‌شود، اما بدن به عنوان یک واحد کل نه دست‌ها و نه پاهاست. خداوند شکل متعال ابدیت، دانش و زیبایی است. و بدین ترتیب به نظر می‌رسد که خلقت انرژی خداوند نیز تا اندازه‌ای ابدی، سرشار از دانش و نیز زیبایی باشد. بنابراین، ارواح مقید مسحور شده تحت تأثیر انرژی بیرونی، مایه، در دام طبیعت مادی گرفتار شده‌اند. آنها این امر را پذیرفته‌اند، چرا که هیچ اطلاعاتی در مورد خداوند که علت اولیه‌ی همه چیز است، ندارند. آنها نمی‌دانند که بخش‌ها و اجزای بدن، در صورت انقطاع از کل بدن، دیگر همان دست یا پای نیستند که زمانی به بدن متصل بود. مشابهاً یک تمدن بی‌خدا که مجزا از خدمت عاشقانه‌ی متعال به شخصیت اعلای خداوند است، همچون یک دست یا پای منقطع است. چنین بخش‌ها و اجزایی ممکن است همچون دست‌ها و پاها به نظر برسند، اما کارایی لازم را ندارند. عابد خداوند، شریلا ویاسادو، این را بسیار خوب می‌دانست. شریلا نارادا به ویاسادو توصیه کرد که این ایده را بسط دهد، به

گونه‌ای که ارواح مقید گرفتار آموزش‌هایی را از وی فرا بگیرند تا بتوانند خداوند متعال را به عنوان علت اصلی و غایی درک کنند.

بر اساس دیدگاه ودایی، خداوند ذاتاً قادر مطلق است و بدین ترتیب انرژی‌های متعال وی همواره کامل و یکسان با خود او هستند. آسمان‌های روحانی و مادی و متعلقات آنها همگی نشأت گرفته از انرژی‌های درونی و بیرونی خداوند هستند. انرژی بیرونی به لحاظ قیاسی فروتر و انرژی درونی برتر است. انرژی برتر، نیروی حیات است و بنابراین کاملاً مشابه خداوند می‌باشد؛ اما انرژی بیرونی، به دلیل خنثی بودن، به صورت جزئی مشابه خداوند است. اما هیچ یک از این دو انرژی نه برابر و نه بزرگ‌تر از خداوند است. خداوندی که خود مولد تمام انرژی‌ها است؛ چنین انرژی‌هایی همواره تحت کنترل او هستند، درست همانند انرژی برق که هر چقدر هم قوی باشد، همواره تحت کنترل مهندس مربوطه است.

انسان و سایر موجودات زنده، محصولات انرژی درونی خداوند هستند. بنابراین موجود زنده نیز مشابه با خداوند است. اما او هیچ‌گاه برابر با شخص خداوند یا برتر از وی نیست. خداوند و موجودات زنده همگی اشخاص منحصر به فرد هستند. با کمک انرژی مادی، موجودات زنده نیز چیزهایی را خلق می‌کنند، اما هیچ‌یک از خلقت‌هایشان برابر یا برتر از خلقت‌های خداوند نیست. انسان ممکن است یک اسپونیک (m: نوعی سفینه‌ی فضایی) کوچک تولید کند و آن را به فضا پرتاب کند، اما این بدان معنا نیست که وی می‌تواند همانند خداوند، سیاره‌ای همچون زمین یا ماه خلق و آن را در فضا شناور کند. انسان‌های دارای دانش اندک، ادعای برابری با خداوند را می‌کنند. آنها هرگز با خداوند برابر نیستند و چنین چیزی هرگز ممکن نخواهد بود. انسان، پس از دستیابی به کمال کامل، ممکن است درصد بالایی از کیفیات خداوند (به بیانی تا حدود هفتاد و هشت درصد) را به دست آورد، اما عبور از خداوند و یا حتی برابر شدن با وی هرگز ممکن نیست. تنها در شرایطی بیماری‌گونه است که موجودی نادان ممکن است ادعای برابری با خداوند را بنماید و بدین ترتیب توسط انرژی توهمی گمراه می‌گردد. بنابراین، موجودات زنده‌ی گمراه باید تعالی خداوند و انجام خدمت عاشقانه به وی را بپذیرند. آنها به همین منظور خلق شده‌اند. بدون این، هیچ صلح و آرامشی در این دنیا نمی‌تواند وجود داشته باشد. شریلا نارادا به شریلا ویاسادو توصیه می‌کند که این ایده را در بهاگواتام بسط دهد. در بهاگواد-گیتا نیز همین ایده توضیح داده شده است: تسلیم کامل به قدم نیلوفرین خداوند. این تنها اشتغال انسان کامل است.

آیه ۲۱

*tvam ātmanātmānam avehy amogha-dṛk
parasya puṁsah paramātmanaḥ kalām
ajam prajātam jagataḥ śivāya tan
mahānubhāvābhūdāyo 'dhigaṇyatām*

tvam: خودت؛ *ātmanā*: به وسیله‌ی خودت؛ *ātmanam*: روح متعال؛ *avehi*: جستجو؛ *amogha-dṛk*: فردی که بینش کامل دارد؛ *parasya*: مربوط به روحانیت؛ *puṁsah*: شخص خداوند؛ *paramātmanaḥ*: از خداوند متعال؛ *kalām*: بخش کامل؛ *ajam*: بدون تولد؛ *prajātam*: متولد می‌شود؛ *jagataḥ*: از جهان؛ *śivāya*: برای خیر؛ *tat*: آن؛ *mahānubhāva*: از شخصیت متعال خداوند، شری کریشنا؛ *abhūdāyo*: بازی‌های متعال؛ *adhigaṇya-tām*: به وضوح توصیف کنید.

ترجمه

شما بینش کاملی دارید. شما خود می‌توانید شخصیت روح متعال خداوند را درک کنید، چراکه خود به عنوان بخشی کامل از خداوند در این‌جا حضور دارید. گرچه شما بدون تولد هستید، برای خیر تمام مردم در این سیاره‌ی خاکی ظاهر شده‌اید. بنابراین درخواست می‌کنم بازی‌های متعال شخصیت اعلا‌ی خداوند را با وضوح بیشتر توصیف کنید.

شرح

شریلا ویاسادو یک ظهور کامل قدرت‌یافته‌ی شخصیت اعلا‌ی خداوند شری کریشناست. وی با لطف بی‌دلیل خویش ظهور کرده است تا ارواح فروافتاده در دنیای مادی را رها نماید. ارواح فروافتاده و فراموشکار، جدا از خدمت عاشقانه‌ی متعال خداوند هستند. موجودات زنده بخش‌ها و اجزای خداوند، و به طور ابدی خادم وی هستند. بنابراین تمام متون ودایی، به منظور منفعت ارواح فروافتاده در یک نظم سیستماتیک قرار گرفته‌اند، و این وظیفه‌ی ارواح فروافتاده است تا از چنین متونی بهره‌مند شوند و خود را از موجودیت مادی رها نمایند. گرچه به صورت رسمی شریلا نارادامونی ریشی پیر روحانی شریلا ویاسادو است، اما شریلا ویاسادو اصلاً وابسته به یک

پیر روحانی نیست؛ چرا که در واقع وی پیر روحانی همگان است. اما از آنجایی که وی مشغول انجام فعالیت‌های یک آچارباست، با رفتار خویش به ما آموزش می‌دهد که فرد حتی اگر خود خداوند باشد، باید پیر روحانی اختیار کند. خداوند شری کریشنا، خداوند شری راما، و خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو، تمام ظهورات خداوند، اگرچه به واسطه ماهیت متعال خویش به تمام علوم آگاه بودند، پیران روحانی رسمی پذیرفتند. برای هدایت عموم مردم به سمت قدوم نیلوفرین شری کریشنا، وی شخصاً در تجلی ویاسادو بازی‌های متعال روحانی خداوند را توصیف نمود.

آیه ۲۲

*idam hi puṁsaḥ tapasaḥ śrutasya vā
sviṣṭasya sūktasya ca buddhi-dattayoḥ
avicyuto 'rthaḥ kavibhir nirūpito
yad-uttamaśloka-guṇānuvarṇanam*

idam: این؛ *hi*: قطعاً؛ *puṁsaḥ*: از همگان؛ *tapasaḥ*: با اندکی ریاضت؛ *śrutasya*: با اندکی مطالعه‌ی ودها؛ *vā*: یا؛ *sviṣṭasya*: قربانی؛ *sūktasya*: آموزش روحانی؛ *ca*: و؛ *buddhi*: فرهنگ دانش؛ *dattayoḥ*: خیرات؛ *avicyutaḥ*: لغزش‌ناپذیر؛ *arthaḥ*: علاقه؛ *kavibhiḥ*: توسط اشخاص آگاه حکیم؛ *nirūpitaḥ*: نتیجه‌گیری می‌کند؛ *yad*: آنچه؛ *uttamaśloka*: خداوند، فردی که با اشعار برگزیده توصیف می‌شود؛ *guṇa-anuvarṇanam*: توصیف کیفیات روحانی.

ترجمه

محافل حکیمان به این نتیجه‌ی قطعی رسیده‌اند که هدف لغزش‌ناپذیر پیشرفت دانش، از جمله ریاضت‌ها، مطالعه‌ی وداها، قربانی، ذکر اوراد و صدقات، در توصیفات متعال خداوند که همواره با اشعار برگزیده وصف می‌گردد، به حد اعلای خود می‌رسد.

شرح

شعور انسان برای پیشرفت در فراگیری هنر، دانش، فلسفه، فیزیک، شیمی، روانشناسی، اقتصاد،

سیاست و غیره پرورش یافته است. به واسطه‌ی پرورش چنین دانش‌هایی جامعه‌ی انسانی می‌تواند به کمال زندگی دست یابد. این کمال زندگی در ادراک وجود متعال، ویشنو، به اوج می‌رسد. بنابراین شروتی (*śruti*) چنین امر می‌کند که افراد پیشرفته در امر فراگیری، باید مشتاق خدمت خداوند ویشنو باشند. متأسفانه افرادی که مجذوب زیبایی ظاهری ویشنو-مایا (*viṣṇu-māyā*) شده‌اند، درک نمی‌کنند که پرورش کمال یا خودشناسی وابسته به ویشنو است. ویشنو-مایا به معنی ارضای حواس است، که موقتی و رنج‌آور می‌باشد. آنهایی که در دام ویشنو-مایا افتاده‌اند از پیشرفت دانش برای ارضای حواس استفاده می‌کنند. شری نارادا مونی توضیح داد که تمام لوازم این جهان تنها نشأت گرفته از خداوند و انرژی‌های مختلف وی هستند، چرا که خداوند به واسطه‌ی انرژی غیر قابل درک خویش، اعمال و واکنش‌های این تجلی خلقت یافته را به حرکت درآورده است. بنابراین اعمال و واکنش آنها از انرژی او حاصل می‌شود، به انرژی او تکیه دارند و پس از نابودی در او مستغرق می‌شوند. بنابراین هیچ چیز متفاوت از او نیست، اما در عین حال خداوند همواره متفاوت از آنهاست.

هنگامی که پیشرفت دانش در خدمت خداوند به کار گرفته شود، کل فرایند مطلق می‌شود. شخص خداوند و نام، شهرت، شکوه و دیگر موضوعات متعال مربوط به او، همگی با وی یکسان هستند. بنابراین، تمام حکیمان و عابدان خداوند توصیه کرده‌اند که موضوع هنر، دانش، فلسفه، فیزیک، شیمی، روانشناسی، و دیگر شاخه‌های دانش باید به طور کامل و صرفاً در خدمت خداوند به کار گرفته شود. هنر، ادبیات، شعر، نقاشی و غیره نیز ممکن است در پرشکوه کردن خداوند مورد استفاده قرار گیرند. داستان‌نویسان، شعرا و ادیبان برگزیده معمولاً مشغول نگارش درباره‌ی موضوعات مربوط به حواس هستند؛ اما اگر آنها به سمت خدمت خداوند تغییر جهت دهند، می‌توانند بازی‌های متعال خداوند را توصیف کنند. والمیکی یک شاعر بزرگ بود و مشابهاً ویاسادو نیز یک نویسنده‌ی بزرگ است و هر دوی آنها خود را به طور کامل مشغول توصیف فعالیت‌های متعال خداوند نمودند و با انجام این کار نامیرا شدند. مشابهاً، دانش و فلسفه باید در خدمت خداوند به کار گرفته شوند. هیچ فایده‌ای در ارائه‌ی نظریه‌های پندارگریانه‌ی خشک وجود ندارد. فلسفه و دانش باید برای استقرار شکوه خداوند به کار گرفته شود. افراد پیشرفته، مشتاق درک حقیقت مطلق از طریق دانش هستند و بنابراین دانشمندان بزرگ باید برای اثبات وجود خدا بر مبنایی علمی تلاش کنند. مشابهاً، پندارهای فلسفی باید برای استقرار حقیقت مطلق به عنوان آگاه و قادر مطلق به کار گرفته شوند. مشابهاً، تمام شاخه‌های دانش باید همواره در خدمت خداوند به کار گرفته شوند. در بهاگاواد-گیتا نیز همین موضوع تأیید شده است. تمام

دانشی که در خدمت خداوند به کار گرفته نمی‌شود، تنها جهل است. کاربرد واقعی دانش پیشرفته، استقرار شکوه خداوند است و این تفسیر واقعی علم است. دانش علمی به کار گرفته شده در خدمت خداوند و تمام فعالیت‌های مشابه، واقعاً هاری-کیرتانا (*hari-kīrtana*) یا تجلیل از خداوند هستند.

آیه ۲۳

*ahaṁ purātīta-bhave 'bhavaṁ mune
dāsyās tu kasyāścana veda-vādinām
nirūpīto bālaka eva yoginām
śuśrūṣaṇe prāvṛṣi nirvivikṣatām*

ahaṁ: من؛ *purā*: پیش‌تر؛ *atīta-bhave*: در عصر پیشین؛ *abhavam*: شرم؛ *mune*: ای مونی؛ *dāsyāḥ*: از یک کنیز؛ *tu*: اما؛ *kasyāścana*: به قطع؛ *veda-vādinām*: پیروان ودانتا؛ *nirūpītaḥ*: مشغول؛ *bālakaḥ*: پسر خادم؛ *eva*: تنها؛ *yoginām*: مربوط به عابدان؛ *śuśrūṣaṇe*: در خدمت؛ *prāvṛṣi*: در طول چهار فصل باران؛ *nirvivikṣatām*: با هم زندگی کردن.

ترجمه

ای مونی، در عصر پیشین من به صورت پسر یک کنیز مشغول در خدمت برهمنانهای پیرو اصول ودانتا، متولد شدم. هنگامی که آنها در چهار ماه فصل بارانی با هم زندگی می‌کردند، من مشغول انجام خدمت شخصی به آنها بودم.

شرح

شری نارادا مونی در این‌جا معجزه‌ی جو سرشار از خدمت عابدانه به خداوند را شرح می‌دهد. وی پسر کم‌اهمیت‌ترین والدین بود و هیچ آموزش مناسبی نیز ندیده بود. با این حال، از آن‌جا که انرژی کامل خود را در خدمت خداوند به کار گرفت، به مرحله‌ی نامیرایی رسید. این قدرت عمل در خدمت عابدانه است. موجودات زنده، انرژی حاشیه‌ای خداوند هستند و بنابراین باید به طور شایسته در خدمت عاشقانه‌ی متعال خداوند به کار گرفته شوند. هنگامی که این امر اتفاق نیافتد،

موقعیت فرد مایا نامیده می‌شود. بنابراین توهم مایا به محض آنکه انرژی کامل فرد به جای استفاده در ارضای حواس در خدمت عبادانه‌ی خداوند مورد استفاده قرار گیرد، فوراً محو خواهد شد. از مثال شخصی شری نارادا مونی در زندگی پیشین خویش، مشخص می‌شود که خدمت خداوند با خدمت به خادمان معتبر وی آغاز می‌شود. خداوند بیان می‌دارد که خدمت به عبادانش از خدمت به شخصی وی بزرگ‌تر است. خدمت به عابد ارزشمندتر از خدمت به خداوند است. بنابراین فرد باید یک عابد معتبر خداوند را که همواره مشغول خدمت خداوند است انتخاب نماید، او را به عنوان پیر روحانی بپذیرد و خود را مشغول خدمت وی نماید. این پیر روحانی واسطه‌ای شفاف است که از طریق آن می‌توان خداوندی را که ورای ادراکات حواس مادی است، مشاهده نمود. با خدمت به پیر روحانی معتبر، خداوند رضایت می‌دهد که به تناسب خدمت انجام شده خود را بر عابد آشکار سازد. به کارگیری انرژی انسانی در خدمت خداوند مسیر پیشرفت به سوی رهایی است. به محض آنکه این خدمت تحت هدایت پیر روحانی معتبر انجام شود، کل خلقت کهکشانی با خداوند یکسان و هم‌هویت می‌شود. پیر روحانی ماهر، از هنر به کارگیری همه چیز در جهت تجلیل از خداوند آگاه است و بنابراین تحت هدایت وی و به واسطه‌ی لطف او، کل جهان تبدیل به سکونتگاه روحانی می‌شود.

آیه ۲۴

*te mayy apetākhila-cāpale 'rbhake
dānte 'dhṛta-kṛīdanake 'nuvartini
cakruḥ kṛpām yadyapi tulya-darśanāḥ
śuśrūsamāṇe munayo 'lpa-bhāṣiṇi*

te: آنها؛ *mayi*: به من؛ *apeta*: متحمل نشده‌اند؛ *akhila*: تمام انواع؛ *cāpale*: تمایل به چیزهای بد؛ *arbhake*: به یک پسر؛ *dānte*: حواس را کنترل کرده است؛ *adhṛta-kṛīdanake*: بدون عادت کردن به تفریحات؛ *anuvartini*: تابع؛ *cakruḥ*: ارزانی کرد؛ *kṛpām*: لطف بی‌دلیل؛ *yadyapi*: گرچه؛ *tulya-darśanāḥ*: ذاتاً بی‌طرف؛ *śuśrūsamāṇe*: به باایمانان؛ *munayaḥ*: پیروان مونی و دانتا؛ *lpa-bhāṣiṇi*: فردی که بیش از اندازه‌ی مورد نیاز صحبت نمی‌کند.

ترجمه

این پیروان ودانتا گرچه ذاتاً بی‌طرف بودند، مرا با لطف بی‌دلیل خویش متبرک ساختند. تا جایی که به من مربوط می‌شد، گرچه پسر بچه‌ای بیش نبودم، بر خود کنترل داشتم و هیچ دل‌بستگی‌ای به بازی‌های تفریحی و ورزشی نداشتم. علاوه بر این، نافرمان نبودم و بیش از آنچه نیاز بود نیز سخن نمی‌گفتم.

شرح

خداوند در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید: «تمام وداها در جستجوی من هستند.» خداوند شری چیتانیا می‌گوید که موضوعات اصلی وداها سه تا هستند که به ترتیب عبارتند از: استقرار رابطه‌ی موجودات زنده با شخص خداوند، انجام وظایف مربوطه در خدمت عابدانه و در نتیجه دستیابی به هدف نهایی، یعنی بازگشت به نزد خداوند. بنابراین ودانتا- وادی‌ها (*vedānta-vādīs*)، یا پیروان حقیقی ودانتا، عابدان پاک خداوند هستند. چنین ودانتا- وادی‌ها یا بهاکتی- ودانتاهایی (*bhakti-vedāntas*)، در اشاعه‌ی دانش روحانی خدمت عابدانه بی‌طرف هستند. برای ایشان هیچ‌کس دوست یا دشمن، با سواد یا بی‌سواد نیست. هیچ‌کس به طور خاص مطلوب، و هیچ‌کس نیز نامطلوب نیست. بهاکتی-ودانتاها می‌بینند که عموم مردم در حال اتلاف وقت خود در موضوعات حسی کاذب هستند. فعالیت ایشان هدایت عموم مردم نادان برای برقراری مجدد رابطه‌ی گمشده‌ی خویش با شخصیت‌اعلای خداوند است. با چنین تلاشی، حتی فراموشکارترین ارواح نیز حس زندگی روحانی را در خود برمی‌انگیزند، و بدین‌ترتیب با پذیرش تشرف [شاگردی] این بهاکتی‌ودانتاها، عموم مردم به تدریج در مسیر پیشرفت در ادراک متعال قرار می‌گیرند. بنابراین ودانتا-وادی‌ها آن پسر بچه را حتی پیش از آنکه وی بر خود کنترل کامل داشته باشد و از بازی‌های کودکانه منقطع گردد، تحت تشرف خویش قرار دادند. اما پیش از تشرف، آن پسر بیشتر و بیشتر منظم شده بود؛ موضوعی که برای فرد خواهان پیشرفت در این مسیر، بسیار ضروری است. در سیستم وارناشراما- دارما، که آغاز زندگی انسانی واقعی است، پسر بچه‌ها پس از سن پنج سالگی به آشرام گورو فرستاده می‌شوند تا برهماچاری شوند؛ جایی که چه پسر پادشاه باشند و چه پسر شهروندان عادی، این موارد به شکل سیستماتیک به آنها آموزش داده می‌شود. آموزش نه تنها برای ایجاد شهروندانی خوب برای جامعه، بلکه برای آماده ساختن زندگی آینده‌ی پسران جوان برای ادراک روحانی ضروری است. زندگی بدون مسئولیت برای ارضای حواس نزد فرزندان پیروان سیستم وارناشرام ناشناخته است. به فرزند حتی پیش از آنکه توسط پدر در رحم مادر قرار گیرد، بینش روحانی تزریق می‌گردد. هم پدر و هم مادر در

قبال موفقیت فرزند برای رهایی از قیود ماده مسؤل هستند. این فرایند برنامه‌ریزی خانوادگی موفقیت‌آمیز است. این یعنی ایجاد فرزندان برای دستیابی به کمال مطلق. بدون کنترل فردی، منظم بودن و تابعیت کامل، هیچ‌کس نمی‌تواند در پیروی از آموزش‌های پیر روحانی موفق باشد و بدون انجام این کار، هیچ‌کس قادر به بازگشت به سوی خداوند نیست.

آیه ۲۵

*ucchiṣṭa-lepān anumodito dvijaiḥ
sakṛt sma bhuñje tad-apāsta-kilbiṣaḥ
evam pravṛttasya viśuddha-cetasas
tad-dharma evātma-ruciḥ prajāyate*

ucchiṣṭa-lepān: باقیمانده‌ی غذاها؛ *anumoditaḥ*: مجاز شده؛ *dvijaiḥ*: توسط برهمنانهای ودانتیست؛ *sakṛt*: یک بار؛ *sma*: در گذشته؛ *bhuñje*: گرفت؛ *tat*: با آن عمل؛ *apāsta*: حذف شد؛ *kilbiṣaḥ*: تمام گناهان؛ *evam*: بنابراین؛ *pravṛttasya*: مشغول شده؛ *viśuddha-cetasas*: مربوط به کسی که ذهنش پاکسازی شده است؛ *tat*: آن موضوع ویژه؛ *dharmaḥ*: طبیعت؛ *eva*: قطعاً؛ *ātma-ruciḥ*: جذبه‌ی متعال؛ *prajāyate*: متجلی شده بود.

ترجمه

تنها یک بار، با اجازه‌ی ایشان، من باقی‌مانده‌ی غذایشان را برگرفتم، و با انجام این کار، تمام گناهان من فوراً از میان رفتند. با این عمل، قلب من پاک شد و در آن زمان ماهیت واقعی تعالی‌گرایان برایم جذاب گردید.

شرح

از دیدگاه مثبت، عبودیت پاک به همان میزان مسری است که یک بیماری مسری. یک عابد پاک از تمام انواع گناهان پاک شده است. شخصیت خداوند پاک‌ترین موجود است و تا زمانی که فرد به همین میزان از سرایت کیفیات مادی پاک نباشد، نمی‌تواند عابد پاک خداوند گردد. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، بهاکتی - ودانتاها عابدانی پاک بودند و آن پسر با معاشرت

ایشان و با یک بار خوردن باقیمانده‌ی غذای آنها، در معرض سرایت کیفیات پاک‌ی ایشان قرار گرفت. چنین باقیمانده‌های غذایی می‌تواند حتی بدون اجازه از عابدان پاک خورده شود. بعضی مواقع شبه عابدینی وجود دارند و فرد باید نسبت به آنها بسیار هوشیارانه عمل کند. اما با معاشرت با عابدان پاک، تمام این موانع برطرف می‌شود. عابد مبتدی عملاً از کیفیات متعال عابد پاک تغذیه می‌شود، که این به معنای جذب نام، شهرت، صفات و بازی‌های متعال شخصیت اعلای خداوند شدن است. سرایت کیفیات عابدان پاک به معنای جذب دائمی مزه‌ی عبودیت پاک از فعالیت‌های متعال شخصیت خداوند است. این مزه‌ی روحانی فوراً باعث می‌شود تمام موضوعات مادی مزه و طعم خود را نزد فرد از دست بدهند. پس از حذف تمام گناهان یا موانع مسیر خدمت عابدانه، فرد می‌تواند وارد جذبه شود، ثبات یابد، مزه‌ی کامل را بچشد، احساسات متعال داشته باشد، و در نهایت می‌تواند در سکوی خدمت عاشقانه‌ی خداوند قرار گیرد. تمام این مراحل در معاشرت با عابدان پاک گسترش می‌یابد و این شرح آیه‌ی فوق است.

آیه ۲۶

*tatrānvaham kṛṣṇa-kathāḥ pragāyatām
anugraheṇāśṛṇavam manoharāḥ
tāḥ śraddhayā me 'nupadam viśṛṇvataḥ
priyaśravasy aṅga mamābhavad ruciḥ*

tatra: آنگاه؛ *anu*: هر روز؛ *aham*: من؛ *kṛṣṇa-kathāḥ*: نقل فعالیت‌های خداوند؛ *pragāyatām*: توصیف؛ *anugraheṇa*: با لطف بی‌دلیل؛ *āśṛṇavam*: گوش فرا دادن؛ *manah-harāḥ*: جذاب؛ *tāḥ*: آنان؛ *śraddhayā*: با احترام؛ *me*: به من؛ *anupadam*: هر قدم؛ *viśṛṇvataḥ*: گوش دادن با توجه؛ *priyaśravasi*: شخصیت اعلای خداوند؛ *aṅga*: ای ویاسادو؛ *mama*: مال من؛ *abhavat*: این چنین شد؛ *ruciḥ*: مزه.

ترجمه

ای ویاسادو، در آن معاشرت و با لطف آن ودانتیست‌های بزرگ، توانستم توصیفات فعالیت‌های جذاب خداوند ک‌ریشنا را از ایشان بشنوم و بدین ترتیب با گوش دادن، اشتیاق من برای شنیدن در مورد شخصیت اعلای خداوند در هر

قدم افزایش یافت.

شرح

خداوند شری کریشنا، شخصیت مطلق خداوند، نه فقط به خاطر ویژگی‌های شخصی‌اش، بلکه به دلیل فعالیت‌های متعادلش جذاب است. این بدان علت است که مطلق با نام، شهرت، شکل، بازی‌ها، ملازمان، متعلقات و ... خود، همواره مطلق است. خداوند به واسطه‌ی لطف به دلیل خویش در این جهان مادی هبوط می‌کند و بازی‌های روحانی متعدد خود را به صورت یک انسان نشان می‌دهد تا انسان‌ها مجذوب او شوند و به سوی خداوند بازگردند. انسان‌ها ذاتاً تمایل به شنیدن داستان‌ها و نقل قول‌هایی از شخصیت‌های متعدد در حال انجام فعالیت‌های مادی دارند، بدون آنکه بدانند با چنین معاشرتی فرد صرفاً مشغول اتلاف زمان ارزشمند خویش است و نیز با چنین معاشرتی فرد معتاد به سه گونه‌ی طبیعت مادی می‌گردد. به جای تلف کردن زمان، فرد می‌تواند با معطوف ساختن توجه خویش به بازی‌های متعال خداوند به موفقیت روحانی دست یابد. با شنیدن توصیفات بازی‌های متعال خداوند، فرد مستقیماً با شخصیت‌های عالی خداوند مرتبط می‌شود و چنان که پیش‌تر توضیح داده شد، با شنیدن در مورد شخصیت خداوند، تمام گناهان انباشته‌شده‌ی موجود زنده، از درون پاک می‌شوند. بدین ترتیب با پاک شدن تمام گناهان، شنونده به تدریج از معاشرت مادی رها، و مجذوب ویژگی‌های خداوند می‌شود. نارادا مونی این موضوع را با تجربه‌ی شخصی خویش توضیح داده است. ایده‌ی کلی این است که صرفاً با شنیدن در مورد بازی‌های متعال خداوند، فرد به یکی از معاشران خدا تبدیل می‌شود. نارادا مونی زندگی ابدی، دانش بی‌نهایت و شرف بی‌همتایی در خود دارد و می‌تواند در میان تمام جهان‌های مادی و روحانی بدون هیچ محدودیتی سفر کند. فرد می‌تواند صرفاً با شنیدن دقیق بازی‌های روحانی خداوند از منبعی معتبر، به بالاترین حد کمال دست یابد، همان‌گونه که شری نارادا در زندگی پیشین خویش درباره‌ی این بازی‌ها از عابدان پاک (بهاکتی - ودانتیست‌ها) شنیده بود. این روند شنیدن در معاشرت با عابدان به ویژه در این عصر نزاع (کالی) توصیه شده است.

آیه ۲۷

*tasmims tadā labdha-rucer mahā-mate
priyaśravya askhalitā matir mama
yayāham etat sad-asat sva-māyayā*

paśye mayi brahmaṇi kalpitam pare

tasmin: این چنین بود؛ *tadā*: در آن زمان؛ *labdha*: محقق شد؛ *ruceḥ*: مزه؛ *mahā-*؛ *mate*: ای حکیم بزرگ؛ *priyaśravasi*: به خداوند؛ *askhalitā matiḥ*: توجه دائمی؛ *mama*: متعلق به من؛ *yayā*: با آن؛ *aham*: من؛ *etat*: تمام اینها؛ *sat-asat*: زمخت و لطیف؛ *sva-māyayā*: چهل خود فرد؛ *paśye*: دید؛ *mayi*: در من؛ *brahmaṇi*: متعال؛ *kalpitam*: پذیرفته می‌شود؛ *pare*: در روحانیت.

ترجمه

ای حکیم بزرگ، به محض آنکه اشتیاقی نسبت به شخصیت اعلای خداوند در من ایجاد شد، برای شنیدن در مورد خداوند ثابت قدم گشتم. و هنگامی که این اشتیاق در من فزونی گرفت، متوجه شدم که تنها جهالت من بوده است که سبب شده من پوشش‌های زمخت و لطیف را بپذیرم؛ چرا که هم خداوند و هم من، روحانی هستیم.

شرح

جهالت در موجودیت مادی با تاریکی مقایسه شده، و در تمام متون ودایی شخصیت اعلای خداوند به خورشید قیاس گشته است. هر جا که نور باشد، تاریکی نمی‌تواند وجود داشته باشد. شنیدن بازی‌های خداوند، خود معاشرت روحانی با خداوند است، چرا که هیچ تفاوتی میان خداوند و بازی‌های متعال وی موجود نیست. معاشرت با نور متعال یعنی از بین بردن تمام جهالت‌ها. تنها با جهالت است که روح مقید به اشتباه چنین می‌پندارد که او و خداوند هر دو محصولات طبیعت مادی هستند. اما در حقیقت شخصیت خداوند و موجودات زنده، روحانی هستند. هنگامی که جهالت برطرف گردید و کاملاً درک شد که هیچ چیز بدون شخصیت خداوند وجود ندارد، آنگاه فراموشی از بین می‌رود. از آنجایی که بدن‌های زمخت و لطیف همگی نشأت گرفته از شخصیت خداوند هستند، دانش نور به فرد اجازه می‌دهد که هر دوی آنها را در خدمت خداوند به کار گیرد. بدن زمخت باید در فعالیت‌های انجام خدمت به خداوند (همانند آوردن آب، تمیز کردن معبد یا تقدیم احترام) مشغول گردد. مسیر آرچانا (*arcana*)، یا پرستش خداوند در معبد، در برگیرنده‌ی مشغول نمودن بدن زمخت فرد در خدمت خداوند است. مشایه‌ها، ذهن نیز باید در

شنیدن بازی‌های متعال خداوند، اندیشیدن درباره‌ی آنها، ذکر نام‌های خداوند و غیره به کار گرفته شود. تمام چنین فعالیت‌هایی متعال هستند. هیچ یک از حواس زمخت و ظریف نباید به صورت دیگری به کار گرفته شوند. چنین درکی از فعالیت‌های متعال با سال‌ها ممارست در خدمت عابدانه ممکن می‌شود؛ اما صرفاً مجذوب عشق شخصیت خداوند شدن از طریق شنیدن، آن چنان که در ناردا مونی ایجاد شده بود، بسیار مؤثر است.

آیه ۲۸

*ittham śarat-prāvṛṣikāv ṛtū harer
viśṛṇvato me 'nusavaṁ yaśo 'malam
saṅkīrtiyamānam munibhir mahātmabhir
bhaktiḥ pravṛttātma-rajas-tamopahā*

Ittham: بدین ترتیب؛ *śarat*: پاییز؛ *prāvṛṣikau*: فصل باران؛ *ṛtū*: دو فصل؛ *hareḥ*: مربوط به خداوند؛ *viśṛṇvataḥ*: شنیدن مستمر؛ *me*: خودم؛ *anusavam*: همواره؛ *yaśaḥ*: *amalam*: شکوه خالص؛ *saṅkīrtiyamānam*: ذکر شده توسط؛ *munibhiḥ*: حکیمان بزرگ؛ *mahā-ātmabhiḥ*: ارواح بزرگ؛ *bhaktiḥ*: خدمت عابدانه؛ *pravṛtta*: جریان می‌یابد؛ *ātma*: موجود زنده؛ *rajaḥ*: گونه‌ی شهوت؛ *tama*: گونه‌ی جهل؛ *upahā*: نابود می‌شود.

ترجمه

بدین ترتیب، در طول دو فصل – فصل باران و پاییز – من این فرصت را داشتم که از آن حکیمان بزرگ دائماً در مورد شکوه خدشه‌ناپذیر خداوند هاری بشنوم. همین که خدمت عابدانه در وجود من جریان یافت، پوشش‌های گونه‌های جهل و شهوت ناپدید شدند.

شرح

خدمت عاشقانه‌ی روحانی به خداوند متعال، تمایل طبیعی هر موجود زنده است. این غریزه در همگان نهفته است؛ اما به دلیل معاشرت با طبیعت مادی، از زمان بسیار قدیم گونه‌های شهوت

و جهل این غریزه را پوشانده‌اند. اگر به لطف خداوند و عابدان بزرگ خداوند، موجود زنده آن قدر خوشبخت باشد که با عابدان خالص خداوند معاشرت کند و این فرصت را به دست آورد که شکوه خالص خداوند را بشنود، قطعاً جریان خدمت عابدانه همچون جریان یک رودخانه در درون وی مستقر می‌گردد. همان‌گونه که رودخانه جریان می‌یابد تا به دریا برسد، خدمت عابدانه نیز در معاشرت با عابدان پاک جریان می‌یابد تا به هدف نهایی یعنی عشق متعال خداوند برسد. چنین جریان خدمت عابدانه‌ای را نمی‌توان متوقف نمود. برعکس این جریان بدون هیچ محدودیتی بیشتر و بیشتر افزایش خواهد یافت. جریان خدمت عابدانه چنان پر قدرت است که حتی ناظران آن نیز از تأثیر گونه‌های جهل و شهوت‌رهای می‌یابند. بدین ترتیب این دو کیفیت طبیعت از بین می‌روند و موجود زنده با استقرار در موقعیت اصلی خویش به رهایی می‌رسد.

آیه ۲۹

*tasyaivam me 'nuraktasya
praśritasya hatainasaḥ
śraddadhānasya bālasya
dāntasyānucarasya ca*

tasya: متعلق به او؛ *evam*: این؛ *me*: مال من؛ *auraktasya*: وابسته به آنها؛
praśritasya: مطیعانه؛ *hata*: آزاد از؛ *enasah*: گناهان؛ *śraddadhānasya*: به باایمانان؛
bālasya: مربوط به بدن؛ *dāntasya*: مطیع شد؛ *anucarasya*: پیروی دقیق از آموزش‌ها؛
ca: و.

ترجمه

من به آن حکیمان بسیار وابسته بودم. در رفتار خود آرام بودم و تمام گناهان من در خدمت به آنها از بین رفت. در قلبم ایمانی بسیار قوی به آنها ایجاد شد. من حواس خود را مطیع نمودم و با بدن و ذهن دقیقاً به پیروی از آنها پرداختم.

شرح

برای داوطلبی که انتظار دارد به جایگاه یک عابد پاک دست یابد، چندین کیفیت ضروری وجود

دارد: چنین داوطلبی باید همواره در جستجوی معاشرت با عابدان پاک باشد؛ نباید توسط شبهه عابدان گمراه شود؛ و باید ساده و آرام باشد تا آموزش‌هایی را از یک عابد پاک دریافت کند. یک عابد پاک، روحی کاملاً تسلیم شده به شخصیت اعلای خداوند است. وی شخصیت اعلای خداوند را به عنوان مالک متعال و دیگران را به عنوان خادمان وی می‌شناسد. تنها با معاشرت با عابدان پاک، فرد می‌تواند از تمام گناهان جمع شده در اثر معاشرت مادی خلاص شود. یک عابد مبتدی باید با ایمان به عابد پاک خدمت کند. وی باید بسیار مطیع باشد و به دقت از آموزش‌ها پیروی نماید. اینها نشانه‌های عابدی است که مصمم است در همین زندگی به موفقیت دست یابد.

آیه ۳۰

*jñānam guhyatamaṁ yat tat
sākṣād bhagavatoditam
anvavocan gamiṣyantaḥ
kṛpayā dīna-vatsalāḥ*

jñānam: دانش؛ *guhyatamaṁ*: محرمانه‌ترین؛ *yat*: آنچه هست؛ *tat*: آن؛ *sākṣāt*: مستقیماً؛ *bhagavatā uditam*: مطرح شده توسط خود خداوند؛ *anvavocan*: آموزش داد؛ *gamiṣyantaḥ*: در حال ترک؛ *kṛpayā*: با لطف بی‌دلیل؛ *dīna-vatsalāḥ*: آنها که نسبت به فقرا و فروافتادگان بسیار مهربان هستند.

ترجمه

آن بهاکتی ودانتاهای بسیار مهربان نسبت به اشخاص ضعیف و کم‌ایمان، به هنگام ترک آن مکان، محرمانه‌ترین موضوع که توسط خود شخصیت اعلای خداوند آموزش داده شده بود را به من آموزش دادند.

شرح

یک ودانتیست پاک، یا بهاکتی-ودانتا، دقیقاً مطابق با آموزش‌های خود خداوند، به پیروان خود آموزش می‌دهد. شخص خداوند، چه در بهاکاواد-گیتا و چه در دیگر متون مقدس، به وضوح به

مردم آموزش می‌دهد که تنها پیرو خداوند باشند. خداوند خالق، نگهدارنده و از میان برنده‌ی همه چیز است. کل خلقت متجلی بنا به اراده‌ی وی موجود است و با اراده‌ی وی هنگامی که کل نمایش به پایان رسید همچنان در سکونتگاه ابدی خویش با ملازمانش باقی خواهد ماند. پیش از خلقت وی در سکونتگاه ابدی خود بود و پس از نابودی نیز در آنجا باقی خواهد ماند. بنابراین وی یکی از مخلوقات نیست. او متعال است. در بهاگاواد-گیتا خداوند می‌فرماید که بسیار پیش از آنکه آموزش‌های بهاگاواد-گیتا به أرجونا ارائه گردد، همین آموزش‌ها به خداوندگار خورشید آموزش داده شده بود و در طول زمان، همان آموزش‌ها به نادرستی منتقل گردید و زنجیره‌ی انتقال شکست. و بنابراین، این آموزش‌ها به خاطر آنکه وی عابد و دوست کامل خداوند بود به وی ارائه شد. بنابراین، آموزش خداوند را تنها از طریق عابدان و نه فرد دیگری می‌توان درک کرد. بی‌هویت‌گرایان، که هیچ ایده‌ای در مورد شکل روحانی و متعال خداوند ندارند، نمی‌توانند این محرمانه‌ترین پیام خداوند را درک کنند. واژه‌ی «محرمانه‌ترین» در این جا مهم است؛ چرا که دانش خدمت عابدانه بسیار برتر از دانش برهمن فاقد هویت است. گیانام یعنی دانش معمول یا هر شاخه‌ای از دانش. این دانش تا مرحله‌ی دانش برهمن فاقد هویت بسط می‌یابد. و رای این مرحله، هنگامی که این دانش با عبودیت ترکیب گردد، می‌تواند به دانش پاراماتا، یا خداوند در همه جا حاضر، بسط یابد. این محرمانه است. اما هنگامی که چنین دانشی به خدمت عابدانه‌ی پاک بدل گردد و بخش محرمانه‌ی دانش روحانی حاصل شود، محرمانه‌ترین دانش نامیده می‌شود. خداوند متعال این محرمانه‌ترین دانش را به برهما، أرجونا، اودهاوا و دیگران ارائه نمود.

آیه ۳۱

yenaiivāham bhagavato
vāsudevasya vedhasaḥ
māyānubhāvam avidam
yena gacchanti tat-ṣadam

yena: با آن؛ eva: قطعاً؛ aham: من؛ bhagavataḥ: شخصیت خداوند؛ vāsudevasya: متعلق به خداوند شری کریشنا؛ vedhasaḥ: مربوط به خالق متعال؛ māyā: انرژی؛ anubhāvam: تأثیر؛ avidam: به سادگی قابل درک؛ yena: با آن؛ gacchanti: آنها می‌روند؛ tat-ṣadam: در قدوم نیلوفرین خداوند.

ترجمه

با آن دانش محرمانه، من توانستم به وضوح تأثیر انرژی خداوند شری کریشنا، خالق، نگهدارنده و پایان‌دهنده‌ی همه چیز را درک کنم. با دانستن این موضوع، فرد می‌تواند به نزد خداوند بازگردد و وی را شخصاً ملاقات کند.

شرح

با خدمت عابدانه یا با محرمانه‌ترین دانش، فرد می‌تواند به سادگی چگونگی عملکرد انرژی‌های مختلف خداوند را درک کند. یک بخش از انرژی جهان مادی را متجلی می‌نماید؛ بخش دیگر (برتر) انرژی خداوند، جهان روحانی را متجلی می‌نماید. و انرژی میانی موجودات زنده را متجلی می‌کند که به یکی از دو انرژی بالا خدمت می‌کند. موجودات زنده‌ی خادم انرژی مادی، برای حیات و شادی خویش که به صورت توهم به ایشان ارائه شده است، سخت تلاش می‌کنند. اما آن موجودات زنده‌ای که در انرژی روحانی هستند، در خدمت مستقیم خداوند در زندگی جاودان، دانش کامل و شرف همیشگی قرار دارند. خداوند همان‌گونه که مستقیماً در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید، تمایل دارد که تمام ارواح مقید گرفتار در پادشاهی انرژی مادی، با ترک تمام اشتغالات در دنیای مادی به سوی وی باز گردند. این محرمانه‌ترین بخش دانش است. اما این دانش را تنها عابدان پاک درک می‌کنند. و تنها چنین عابدانی به قلمرو خداوند وارد می‌شوند تا شخصاً وی را ملاقات، و به وی خدمت کنند. مثال دقیق این امر خود ناراداست، که به این مرحله‌ی دانش و شرف ابدی دست یافت. و راه‌ها و ابزارهای دستیابی برای همگان آزاد است و هنگامی که فرد موافقت می‌کند تا از قدم شری نارادا مونی پیروی کند، این امکان برایش فراهم می‌شود. بر اساس شروتی، خداوند متعال انرژی‌های نامحدودی (بدون تلاشی از جانب وی برای کسب این انرژی‌ها) دارد و این موارد تحت سه عنوان اصلی که پیش‌تر ذکر شد، توضیح داده شده‌اند.

آیه ۳۲

*etat saṁsūcitam brahmaṁs
tāpa-traya-cikitsitam
yad īśvare bhagavati*

karma brahmaṇi bhāvitam

etat: این موارد؛ *samsūcitam*: نتیجه‌گیری شده توسط حکیمان؛ *bahman*: ای ویاسای برهمانا؛ *tāpa-traya*: سه نوع رنج؛ *cikisitam*: روش بهبود؛ *yat*: آنچه؛ *īśvare*: کنترل‌کننده‌ی متعال؛ *bhagavati*: به شخصیت‌اعلای خداوند؛ *karma*: فعالیت‌های تجویز شده‌ی فرد؛ *brahmaṇi*: به آن بزرگ؛ *bhāvitam*: تقدیم شده.

ترجمه

ای ویاسادو برهمانا، حکیمان چنین نتیجه‌گیری نموده‌اند که بهترین روش درمان تمام مشکلات و رنج‌ها، تخصیص فعالیت‌های شخص به خدمت شخصیت‌اعلای خداوند [شری کریشنا] است.

شرح

شری نارادا مونی شخصاً چنین تجربه کرده است که ممکن‌ترین و عملی‌ترین راه موجود درمسیر رهایی و آزادی از تمام رنج‌های زندگی، شنیدن فروتنانه در مورد فعالیت‌های روحانی خداوند از مراجع معتبر و موثق است. این تنها روش بهبود است. کل موجودیت مادی سرشار از رنج‌های گوناگون است. اشخاص احمق، در اذهان کوچک خویش، روش‌های بهبود متعددی را برای رفع رنج‌های سه‌گانه‌ی مربوط به بدن و ذهن، مربوط به رنج‌های طبیعی و مربوط به سایر موجودات زنده، تولید کرده‌اند. کل جهان در حال تلاشی بسیار سخت برای خروج از این رنج‌ها است. اما انسان نمی‌داند که بدون تأیید خداوند، هیچ طرح یا روش بهبودی واقعاً نمی‌تواند آن آرامش و صلح مطلوب را پدید آورد. درمان یک بیمار با روش‌های پزشکی، اگر توسط خداوند تأیید نشود، بی‌فایده خواهد بود. عبور از رودخانه یا اقیانوس حتی با یک قایق مناسب اگر این توسط خداوند تأیید نگردد، چاره‌ساز نیست. ما باید به یقین بدانیم که خداوند تأییدکننده‌ی نهایی است و بنابراین باید جهت کسب موفقیت نهایی یا خلاصی از موانع مسیر موفقیت، تلاش‌های خود را معطوف به کسب لطف خداوند نماییم. خداوند همه جا حاضر، قادر مطلق، و دانای کامل است. او آخرین عامل تأییدکننده‌ی تمام اثرات خوب و بد است. بنابراین ما باید بیاموزیم تلاش‌های خود را وقف کسب لطف خداوند نماییم و وی را چه به صورت برهنه فاقد هویت، پارامتامای مکان‌گزیده، یا شخصیت‌اعلای خداوند بپذیریم. مهم نیست که کدام یک از اینها را بپذیریم.

فرد باید همه چیز را به خدمت خداوند اختصاص دهد. اگر فرد یک دانشمند، فیلسوف، شاعر و غیره است، آنگاه باید آموخته‌های خویش را برای استقرار تعالی خداوند در دنیا به کار گیرد. سعی کنید انرژی خداوند را در هر حوزه‌ی زندگی مطالعه کنید. او را تقبیح نکنید و سعی نکنید با کسب مقداری دانش بی‌ارزش، شبیه او شوید و یا جایگاه وی را بگیرید. اگر فردی مدیر، حاکم، جنگجو، سیاستمدار و غیره است، باید بکوشد تعالی خداوند را در حاکمیت مستقر سازد. به دلیل خواست خداوند بجنگد؛ همان‌گونه که شری آرجونا چنین کرد. شری آرجونا، جنگجوی بزرگ، در ابتدا از جنگیدن سر باز زد، اما هنگامی که خداوند وی را متقاعد نمود که جنگیدن ضروری است، تصمیم خود را تغییر داد و به خاطر خداوند جنگید. مشابهاً اگر فردی تاجر، صنعتگر، کشاورز و غیره باشد، آنگاه می‌تواند پولی را که با تلاشی سخت به دست آورده است به خاطر خداوند خرج کند. همواره فکر کنید که پولی که جمع شده است پول خداوند است. این‌گونه در نظر گرفته می‌شود که ثروت، همان خداوندگار بخت (لاکشمی) (*Lakṣmī*) است. و خداوند، نارایان یا همسر لاکشمی است. سعی کنید لاکشمی را در خدمت خداوند نارایان به کار گیرید و شاد باشید. این روش درک خداوند در هر حوزه‌ی زندگی است. در نهایت، بهترین چیز، رهایی از فعالیت‌های مادی و اشتغال فرد در شنیدن بازی‌های متعال خداوند است. اما در غیبت چنین فرصتی، فرد باید تلاش کند که هر چیزی را که برای او دارای جذبه‌ای خاص است در خدمت خداوند به کار گیرد و این راه صلح و آرامش است. واژه سامسوجیتام (*samsūcitam*) در این آیه نیز مهم است. فرد حتی برای یک لحظه نباید فکر کند که درک نارادا تنها یک تصور و خیال کودکانه بوده است. این چنین نبوده است. این موضوع چنان است که توسط محققان متبحر و متخصص درک شده است و این تفسیر واقعی واژه‌ی سامسوجیتام است.

آیه ۳۳

*āmaya yaś ca bhūtānām
jāyate yena suvrata
tad eva hy āmayam dravyam
na punāti cikitsitam*

āmayaḥ: بیماری‌ها؛ *yaś ca*: هر آنچه؛ *bhūtānām*: متعلق به موجود زنده؛ *jāyate*: ممکن بودن؛ *yena*: توسط عامل؛ *svrata*: ای روح خوب؛ *tat*: آن؛ *eva*: بسیار؛ *hi*: قطعاً؛

āmayam: مریض؛ dravejam: چیز؛ na: آیا نیست؛ punāti: علاج؛ cikitsitam: درمان آن.

ترجمه

ای روح پاک، آیا از لحاظ درمان‌شناسی، چیزی که خود سبب یک بیماری شده است، می‌تواند آن را علاج کند؟

شرح

یک پزشک ماهر، بیمار خود را با رژیم درمانی معالجه می‌کند. برای مثال، بعضی مواقع فرآورده‌های شیر باعث ایجاد اختلال در شکم می‌شود، اما همان شیر وقتی به پنیر کورد تبدیل و با دیگر مواد درمانی ترکیب شود، چنین اختلالاتی را درمان می‌کند. مشابهاً، رنج‌های سه‌گانه‌ی موجودیت مادی را نمی‌توان صرفاً با فعالیت‌های مادی کاهش داد. چنین فعالیت‌هایی باید روحانی گردند، درست همان‌گونه که آهن در آتش خود به یک تکه آتش داغ تبدیل، و بنابراین عملکرد آتش آغاز می‌گردد؛ مشابهاً ادراک مادی از هر موضوع به محض آنکه آن موضوع در خدمت خداوند به کار گرفته شود، تغییر می‌کند. این راز موفقیت روحانی است. ما نباید برای خدایی کردن بر طبیعت مادی تلاش نماییم، و در عین حال نباید موضوعات مادی را رد کنیم. بهترین راه برای بهترین استفاده از یک معامله‌ی بد، استفاده از همه چیز در ارتباط با وجود روحانی متعال است. همه چیز نشأت گرفته از روح متعال است و خداوند با این قدرت تصورناپذیر می‌تواند روح را به ماده و ماده را به روح تبدیل کند. بنابراین یک شیء (به اصطلاح مادی) با اراده‌ی خداوند فوراً به یک نیروی روحانی تبدیل می‌شود. شرایط ضروری برای چنین تغییری به کارگیری به اصطلاح ماده در خدمت روح است. این روش معالجه‌ی بیماری‌های مادی ما و ارتقاء خود به سکوی روحانی است؛ جایی که در آن هیچ بدبختی، سوگواری و ترسی وجود ندارد. هنگامی که همه چیز در خدمت خداوند به کار گرفته شود، می‌توانیم تجربه کنیم که هیچ چیز غیر از برهمن متعال وجود ندارد. مانترای ودایی که بیان می‌داد «همه چیز برهمن است» بدین طریق برای ما قابل درک می‌شود.

آیه ۳۴

evam nṛṇām kriyā-yogaḥ

*sarve saṁsṛti-hetavaḥ
ta evātma-vināśāya
kalpante kalpitāḥ pare*

evam: بدین ترتیب؛ *nṛṇām*: متعلق به موجود زنده؛ *kriyā-yogāḥ*: تمام فعالیتها؛ *sarve*: همه چیز؛ *saṁsṛti*: موجودیت مادی؛ *hetavaḥ*: علل؛ *te*: آن؛ *eva*: قطعاً؛ *ātma*: درخت عمل؛ *vināśāya*: کشتن؛ *kalpante*: صلاحیت؛ *kalpitāḥ*: تقدیم شده؛ *pare*: به روحانیت.

ترجمه

بنابراین هنگامی که تمام فعالیت‌های انسان وقف خدمت به خداوند می‌گردد، همان فعالیت‌هایی که سبب به بند کشیده شدن دائمی وی می‌گردد به نابود کننده‌ی درخت عمل تبدیل می‌شود.

شرح

عمل ثمربخش که دائماً موجود زنده را به کار گرفته است، در بهاگاواد-گیتا به درخت بانیان تشبیه شده است؛ چرا که ریشه‌ی بسیار عمیقی دوانیده است. تا هنگامی که تمایل برای لذت بردن از ثمرات عمل وجود دارد، فرد باید انتقال روح از یک بدن یا مکان به بدن یا مکان دیگر را بر اساس ماهیت عمل خویش بپذیرد. تمایل به لذت بردن می‌تواند به تمایل به خدمت به مأموریت خداوند تغییر یابد، و با چنین تبدیلی، فعالیت فرد به کارما-یوگا، یا همان راهی تبدیل می‌شود که طی آن فرد در حالی که مشغول انجام وظایف بر اساس ماهیت طبیعی خویش است، به کمال روحانی دست می‌یابد. در اینجا واژه‌ی *آتما* (*atma*) بیان‌گر تمام انواع اعمال ثمربخش است. نتیجه آن است که وقتی تمام اعمال ثمربخش و سایر اعمال در خدمت عابدانه به خداوند به کار گرفته می‌شود، تولید کارما توسط آن متوقف می‌شود و به تدریج به خدمت عابدانه‌ی متعال بدل می‌شود که نه تنها ریشه‌ی درخت بانیان عمل را کاملاً قطع می‌کند، بلکه همچنین انجام‌دهنده را به قدم نیلوفرین خداوند می‌رساند.

می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که فرد پیش از هر چیز دیگر، باید در جستجوی معاشرت عابدان پاک باشد؛ کسانی که نه تنها از دانش ودانتا به خوبی آگاهند، بلکه ارواح خودشناخته و عابدان پاک خداوند شری کریشنا، شخصیت اعلا‌ی خداوند هستند. در این معاشرت، عابدان مبتدی باید

با بدن و ذهن و بدون هیچ قیدی به خدمت عاشقانه‌ی خداوند بپردازند. این روحیه‌ی خدمت ارواح بزرگ را تشویق می‌نماید تا لطف بیشتری را ارزانی فرد بنمایند، و این لطف باعث می‌شود تمام کیفیات روحانی عابدان پاک در فرد مبتدی تزریق گردد. به تدریج این به یک دلبستگی عمیق برای شنیدن بازی‌های متعال خداوند تبدیل می‌شود که فرد را قادر می‌سازد موقعیت ابدی بدن‌های لطیف و زمخت خویش، و در ورای آن دانش روح پاک و رابطه‌ی ابدی خویش با روح متعال، شخصیت اعلای خداوند را بشناسد. بعد از آنکه این رابطه با ایجاد رابطه‌ی ابدی با خداوند محقق گردید، خدمت عابدان پاک به خداوند به تدریج به کمال دانش شخصیت اعلای خداوند ورای دیدگاه برهمن فاقد هویت و پارامتامای مکان‌گزیده، بسط می‌یابد. با چنین پورشو-تام-یوگایی (*puruṣottama-yoga*)، آن چنان که در بهاگاواد گیتا بیان شده است، فرد حتی در همین بدن جسمانی فعلی نیز به کمال دست می‌یابد و تمام کیفیات خوب خداوند را در اعلی‌ترین میزان ممکن به نمایش می‌گذارد. پیشرفت تدریجی به واسطه‌ی معاشرت با عابدان پاک چنین است.

آیه ۳۵

*yad atra kriyate karma
bhagavat-ṣaritoṣaṇam
jñānam yat tad adhīnam hi
bhakti-yoga-samanvitam*

yat: هرچه؛ *atra*: در این زندگی یا جهان؛ *kriyate*: انجام می‌شود؛ *karma*: عمل؛
bhagavat: به شخصیت اعلای خداوند؛ *ṣaritoṣaṇam*: رضایت؛ *jñānam*: دانش؛ *yat*
tat: آنچه نامیده می‌شود؛ *adhīnam*: وابسته؛ *hi*: قطعاً؛ *bhakti-yoga*: عبادانه؛
samanvitam: متناسب با بهاکتی - یوگا.

ترجمه

هر عملی که در این زندگی برای ایفای مأموریت خداوند انجام شود، بهاکتی - یوگا یا خدمت عاشقانه‌ی متعال به خداوند نامیده می‌شود و هر آنچه دانش نامیده می‌شود، به عاملی هماهنگ و همراه بدل می‌گردد.

شرح

نظر عمومی آن است که با انجام عمل ثمربخش بر اساس هدایت کتب مقدس، فرد می‌تواند به طور کامل به دانش متعال برای خودشناسی روحانی دست یابد. بعضی فکر می‌کنند که بهاکتی - یوگا شکل دیگری از کارما است. اما در واقع بهاکتی - یوگا ورا ی کارما و گیاناست. بهاکتی - یوگا وابسته به گیانا یا کارما نیست؛ بلکه گیانا و کارما وابسته به بهاکتی - یوگا هستند. این کریا - یوگا یا کارما - یوگا، آن‌گونه که شری نارادا به ویاسا توصیه می‌کند، به طور خاص توصیه شده است؛ چرا که اصل اساسی رضایت خداوند است. خداوند نمی‌خواهد که پسرانش یعنی موجودات زنده از رنج‌های سه‌گانه‌ی زندگی رنج ببرند. او تمایل دارد که تمام ایشان به سوی او بازگردند و با او زندگی کنند. اما بازگشت به سوی خداوند به معنای آن است که فرد باید خود را از تأثیرات مادی پاکسازی نماید. هنگامی که عمل بدین ترتیب برای رضایت خداوند انجام شد، انجام دهنده به تدریج از تأثیرات مادی پاک می‌شود. این پاکسازی به معنای دستیابی به دانش روحانی است. بنابراین، دانش وابسته به عملی است که به خاطر خداوند صورت گیرد. دیگر دانش‌ها، که عاری از بهاکتی - یوگا یا رضایت خداوند هستند، نمی‌توانند فرد را به قلمرو پادشاهی خداوند هدایت کنند. و این بدان معنی است که این دانش‌ها نمی‌توانند رهایی را آن‌گونه در ارتباط با آیه‌ی نایشکار میام آپی اچیوتا - بهاوا - وارجیتام (-*naishkarmyam apy acyuta-bhāva*) (*varjitam*) (ش.ب. ۱/۵/۱۲) توضیح داده شده، به انسان عطا نمایند. نتیجه آن است که عابدی که مشغول خدمت پاک خداوند، به ویژه شنیدن و ذکر کردن شکوه متعال وی باشد، در همان زمان توسط لطف الهی به اشراق روحانی دست خواهد یافت و این امر در بهاگود - گیتا نیز تأیید شده است.

آیه ۳۶

kurvāṇā yatra karmāṇi
bhagavac-chikṣayāsakṛt
gṛṇanti guṇa-nāmāni
kṛṣṇasyānusmaranti ca

kurvāṇāḥ: در حال انجام؛ *yatra*: در نتیجه؛ *karmāṇi*: وظایف؛ *bhagavat*: شخصیت خداوند؛ *śikṣayā*: با لطف؛ *asakṛt*: همواره؛ *gṛṇanti*: می‌گیرد؛ *guṇa*: کیفیات؛ *nāmāni*:

نام‌های؛ *kṛṣṇasya*: متعلق به کریشنا؛ *anusmaranti*: همواره به یاد می‌آورد؛ و *ca*: و.

ترجمه

در هنگام انجام وظایف بر اساس فرمان شری کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، فرد همواره وی، نام‌هایش و کیفیاتش را به یاد می‌آورد.

شرح

یک عابد پاک خداوند می‌تواند زندگی خویش را به طریقی تنظیم کند که در حین انجام وظایف خود برای این زندگی یا زندگی بعدی، همواره نام، شهرت، کیفیات و دیگر موارد خداوند را به یاد آورد. فرمان خداوند به وضوح در بهاگاواد-گیتا وجود دارد: فرد در تمام حوزه‌های زندگی تنها باید برای خداوند کار کند. در هر حوزه‌ی زندگی خداوند باید به عنوان مالک همه چیز شناخته شود. بر اساس مناسک ودایی، حتی در پرستش بعضی خداوندگاران مانند ایندرا، برهما، ساراسواتی و گانش، قاعده‌ی صحیح آن است که در همه حال تجلی ویشنو باید به عنوان یاگشوار، یا قدرت کنترل‌کننده‌ی چنین قربانی‌هایی در مکان قربانی حضور داشته باشد. توصیه شده است که خداوندگاران خاصی برای هدف خاصی مورد پرستش قرار گیرند. با این حال، حضور ویشنو برای صحت قربانی، الزامی است.

جدای از چنین وظایف ودایی، حتی در امورات روزمره (برای مثال، در امورات خانوادگی یا در اشتغال و حرفه) ما باید در نظر داشته باشیم که نتایج تمام فعالیت‌ها باید به لذت‌برنده‌ی متعال، خداوند کریشنا تقدیم شود. در بهاگاواد-گیتا خداوند خود را به عنوان لذت‌برنده‌ی متعال از همه چیز، مالک متعال تمام سیارات و دست متعال تمام موجودات اعلام نموده است. هیچ‌کس جز خداوند شری کریشنا نمی‌تواند ادعا کند که مالک همه چیز در خلقت است. عابد پاک این موضوع را همواره به یاد می‌آورد و با این یادآوری، وی نام، شهرت و کیفیات متعال خداوند را تکرار می‌کند. این امر بدان معنی است که وی همواره در تماس با خداوند است. خداوند یکسان با نام و شهرت خویش است و بنابراین معاشرت با نام و شهرت او، همواره به معنای معاشرت واقعی با خداوند است.

بخش عمده‌ی درآمد مالی ما، نه کمتر از پنجاه درصد، باید برای تحقق فرمان خداوند کریشنا خرج شود. ما نه تنها باید سود حاصل از درآمد خود را به این کار اختصاص دهیم، بلکه باید ترتیبی اتخاذ کنیم که این فرهنگ عبودیت به دیگران نیز موعظه شود، چرا که این نیز یکی از

فرامین خداوند است. خداوند مشخصاً می‌فرماید که هیچ‌کس نزد وی عزیزتر از کسی نیست که همواره مشغول موعظه و پخش نام و شهرت خداوند در سراسر جهان است. کشفیات علمی دنیای مادی نیز می‌تواند در تحقق فرمان خداوند به کار گرفته شود. خداوند می‌خواهد که پیغام بهاگاواد-گیتا در میان عبادانش موعظه گردد. شاید این کار در میان اشخاصی که هیچ اعتباری برای ریاضت، خیرات، آموزش و غیره قائل نیستند، به آسانی صورت نگیرد. بنابراین تلاش برای افراد بی‌میل به تبدیل شدن به عابدان وی، باید ادامه یابد. خداوند چیتانیا در این ارتباط روش بسیار ساده‌ای را آموخته است. او روش پخش پیغام روحانی از طریق خواندن، رقصیدن و تفریح را آموزش داده است. بدین ترتیب، پنجاه درصد درآمد ما می‌تواند برای این منظور هزینه شود. در این عصر نزاع و تفرقه، اگر تنها رهبران و ثروتمندان جامعه با اختصاص پنجاه درصد دارایی خویش به خدمت خداوند، آن‌گونه که خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو آموخته است، موافقت نمایند، این جهنم سوزان یقیناً به ملکوت الهی خداوند تبدیل خواهد شد. هیچ‌کس مخالف حضور در مکانی نیست که خواندن، رقصیدن و تفریح در آن برپاست. همگان خواهان حضور در چنین عملی هستند، و قطعاً به صورت شخصی حضور متعال خداوند را حس خواهند نمود. این عمل به تنهایی به فرد کمک خواهد کرد که با خداوند معاشرت نماید و بدین ترتیب به پاکسازی خویش در ادراک روحانی بپردازد. تنها شرط برای انجام موفقیت‌آمیز انجام چنین فعالیت‌های روحانی آن است که آنها باید تحت هدایت یک عابد پاک که کاملاً عاری از تمایلات مادی، اعمال ثمربخش و پندار ذهنی خشک در مورد ماهیت خداوند است، صورت گیرد. هیچ‌کس مجبور به کشف ماهیت خداوند نیست. خداوند شخصاً در بهاگاواد-گیتا به صورت خاص، و در تمام متون ودایی دیگر به صورت عمومی در این زمینه صحبت کرده است. ما صرفاً باید آنها را به طور کل کامل بپذیریم و از فرامین خداوند اطاعت نماییم. این کار ما را به راه کمال رهنمون خواهد نمود. هیچ‌کس نمی‌تواند در موقعیت خویش باقی بماند. هیچ‌کس مجبور به تغییر موقعیت خویش نیست؛ به ویژه در این عصر که خود واجد مشکلات گوناگون است. تنها شرط این است که فرد باید عادت پندار ذهنی خشک با هدف یکی شدن با خداوند را رها کند. پس از ترک چنین افکار پرغرور و خودبینانه‌ای، فرد می‌تواند با تواضع کامل فرامین خداوند در بهاگاواد-گیتا یا بهاگاواتام را از دهان یک عابد معتبر- که ویژگی‌هایش پیش‌تر تشریح شد- بشنود. بی‌شک این اقدام سبب موفقیت در همه‌ی امور خواهد شد.

om namo bhagavate tubhyam
 vāsudevāya dhīmahī
 pradyumnāyāniruddhāya
 namaḥ saṅkarṣaṇāya ca

om: نماد ذکر شکوه روحانی خداوند؛ namaḥ: تقدیم احترامات به خداوند؛ bhagavate: به شخصیت خداوند؛ tubhyam: به تو؛ vāsudevāya: به خداوند، پسر واسودوا؛ dhīmahī: اجازه بده ذکر کنیم؛ pradyumnāya, aniruddhāya and saṅkarṣaṇāya: تمام بسط‌های کامل واسودوا؛ namaḥ: احترامات؛ ca: و.

ترجمه

بیایید همگی شکوه و آسودوا را همراه با تمام بسط‌های کاملش یعنی پرادیومنا (Pradyumna)، آنیرودها (Aniruddha) و سانکارشانانا (Saṅkarṣaṇa) ذکر کنیم.

شرح

بر اساس پانچاراترا (Pañcarātra)، نارایانا علت اصلی تمام بسط‌های خداوند است. این بسط‌های و آسودوا، سانکارشانانا، پرادیومنا و آنیرودها هستند. و آسودها و سانکارشانانا در میانه چپ و راست قرار دارند و پرادیومنا در سمت راست سانکارشانانا، و آنیرودها در سمت چپ و آسودوا قرار دارند و این چهار تمثال بدین ترتیب قرار گرفته‌اند. آنها به عنوان چهار دستیار شخصی خداوند شری کریشنا شناخته می‌شوند.

این یک سرود یا مانترای ودایی است که با اُم کارا پراناوا (omkara pranava) آغاز می‌شود و بدین ترتیب، مانترا با فرایند ذکر متعال یعنی اُم نامو دهیماهی (om namo dhīmahī) و غیره شکل می‌گیرد.

شرح آن است که هر معامله‌ای - حتی در حوزه‌ی عمل ثمربخش یا فلسفه‌ی تجربی - که هدف نهایی آن ادراک متعال از خداوند متعال نیست، بی‌فایده در نظر گرفته می‌شود. بنابراین ناراداجی ماهیت خدمت عابدانه‌ی پاک را با تجربه‌ی شخصی خویش در ایجاد رابطه میان خداوند و موجود زنده از طریق فرایند تدریجی پیش‌رونده‌ی اعمال عابدانه توضیح می‌دهد. چنین گام

برداشتن پیش‌رونده‌ای در عبودیت متعال خداوند، در دستیابی به خدمت عاشقانه‌ی خداوند به اوج خود می‌رسد. این خدمت عاشقانه، پرما خوانده می‌شود که در تنوعات روحانی مختلف که راسا (مزه‌ها) نامیده می‌شوند، اتفاق می‌افتد. چنین خدمت عابدانه‌ای نیز در اشکال ترکیب شده، به ترتیب در ترکیب با عمل ثمربخش یا فلسفه‌ی تجربی پندارگرایانه انجام می‌شود. حال سؤالی که توسط حکیمان بزرگ به رهبری شوناکا در ارتباط با یافته‌های سوتا گوسوامی از طریق پیر روحانی مطرح شده بود، با ذکر این سروده‌ی ودایی که شامل سی و سه حرف است توضیح داده می‌شود. این مانترا، چهار تمثال یا خداوند و بسط‌های کاملش را مخاطب قرار می‌دهد. نماد اصلی در این‌جا خداوند شری کریشنا است؛ چرا که بسط‌های کامل دستیاران شخصی وی هستند. محرمانه‌ترین بخش آموزش آن است که فرد باید شکوه خداوند شری کریشنا، شخصیت اعلا‌ی خداوند به همراه بسط‌های کامل متفاوت وی که به صورت و‌آسودوا، سانکارشانا، پرادایومنا و آنیرودها بسط یافته است همواره ذکر کند و به یاد آورد. این بسط‌ها تمثال‌های اصلی برای تمام حقایق دیگر، یعنی ویشنو- تاتواها (*viṣṇu-tattva*) یا شاکتی- تاتواها (*śakti-tattvas*) هستند.

آیه ۳۸

*iti mūrty-abhidhānena
mantra-mūrtim amūrtikam
yajate yajña-ṣṛuṣaṁ
sa samyag darśanaḥ pumān*

iti: بدین ترتیب؛ *mūrti*: تمثال؛ *abhidhānena*: در صوت؛ *mantra-mūrtim*: از تمثال صوت متعال؛ *amūrtikam*: خداوند، که دارای شکل مادی نیست؛ *yajate*: پرستش؛ *yajña*: ویشنو؛ *ṣṛuṣaṁ*: شخصیت خداوند؛ *saḥ*: او به تنهایی؛ *samyak*: کاملاً؛ *darśanaḥ*: فردی که دیده است؛ *pumān*: شخص.

ترجمه

بدین ترتیب کسی که شخصیت اعلا‌ی خداوند، ویشنو، را که فاقد فرم مادی است، در فرم صوت متعال پرستش می‌کند، دارای بینش حقیقی است.

شرح

حواس فعلی ما همگی ساخته شده از عناصر مادی هستند و بنابراین آنها در درک فرم متعال خداوند ویشنو ناقص هستند. بنابراین خداوند با تمثال صوتی و از طریق روش متعال ذکر مورد پرستش قرار می‌گیرد. هر چیزی که ورای تجربه‌ی حواس ناقص ما باشد می‌تواند به صورت کامل توسط تمثال صوتی درک شود. انتقال صدای یک فرد از فاصله‌ی بسیار دور را به واقع می‌توان تجربه نمود. اگر این امر از لحاظ مادی ممکن باشد، چرا از لحاظ روحانی ممکن نباشد؟ این تجربه یک تجربه‌ی بی‌هویت و مبهم نیست. این واقعاً تجربه‌ی شخصیت متعال خداوند است که دارای شکلی پاک از ابدیت، شمع و دانش است.

در فرهنگ لغات سانسکریت آماراکوشا (*Amarakoṣa*)، واژه‌ی مورتی (*murti*) معانی دوگانه‌ای را به خود اختصاص داده است: شکل و دشواری. بنابراین شری ویشاوانهاتا چارکراواتی تهاگور، واژه‌ی آمورتیکام (*amūrtikam*) را به معنی «بدون دشواری» ارائه نموده است. حواس روحانی اصلی ما می‌تواند شکل روحانی شمع و دانش جاودان را درک کند و این حواس می‌تواند با ذکر مانترای مقدس یا تمثال‌های صوتی متعال احیا شوند. چنین صوتی باید از طریق واسطه‌ی شفاف پیر روحانی معتبر دریافت شود و ذکر باید با هدایت پیر روحانی تمرین گردد. این کار ما را به تدریج به خداوند نزدیک‌تر می‌کند. این روش پرستش در سیستم پنچاراتریکا که هم روشی شناخته و هم معتبر می‌باشد، توصیه شده است. سیستم پنچاراتریکا دارای معتبرترین قوانین برای خدمت عابدانه‌ی متعال است. بدون استفاده از چنین قوانینی، فرد قطعاً با پندار فلسفی خشک نمی‌تواند به خداوند نزدیک شود. سیستم پنچاراتریکا برای این عصر کالی هم عملی و هم مناسب است. پنچاراترا برای عصر حاضر مهم‌تر از دانتاست.

آیه ۳۹

*imam sva-nigamaṁ brahman
avetya mad-anuṣṭhitam
adān me jñānam aiśvaryaṁ
svasmin bhāvaṁ ca keśavaḥ*

imam: بدین ترتیب؛ *sva-nigamaṁ*: دانش محرمانه در وداها در ارتباط با شخصیت اعلای خداوند؛ *Brahman*: ای برهمانا (ویاسادو)؛ *avetya*: به خوبی می‌داند؛ *mat*: توسط من؛

anuṣṭhitam: اجرا شد؛ *adāt*: به من ارزانی شد؛ *me*: مرا؛ *jñānam*: دانش متعال؛
aiśvaryam: توانگری؛ *svasmin*: شخصی؛ *bhāvam*: مهربانی و عشق زیاد؛ *ca*: و؛
keśavaḥ: خداوند کریشنا.

ترجمه

ای برهمانا، بدین ترتیب کریشنا، خداوند متعال، نخست دانش متعال خداوند را بدان گونه که در بخش‌های محرمانه‌ی وداها آمده است، سپس توانگری‌های روحانی، و در نهایت خدمت عاشقانه‌ی صمیمی خود را به من اعطا نمود.

شرح

صمیمیت با خداوند از طریق ارسال صوت متعال تفاوتی با روح متعال، خداوند شری کریشنا ندارد. این روشی کامل برای نزدیک شدن به خداوند است. با چنین ارتباط پاکی با خداوند، و بدون ارتکاب اهانت‌های ناشی از ادراکات مادی (ده مورد)، عابد می‌تواند از سکوی ماده ارتقاء یابد تا معنای درونی متون ودایی، شامل وجود خداوند در قلمروی متعال را دریابد. خداوند هویت خویش را برای فردی که هم به پیر روحانی و هم به خداوند ایمانی ثابت و لغزش‌ناپذیر دارد به تدریج آشکار می‌کند. پس از این، عابد توانگری‌های ماورایی به دست می‌آورد که هشت نوع هستند. و بالاتر از آن، عابد در ملازمان محرمانه‌ی خداوند پذیرفته می‌شود و خدمت ویژه‌ی خداوند به واسطه‌ی پیر روحانی به وی واگذار می‌شود. عابد پاک بیشتر علاقه‌مند خدمت به خداوند است تا نمایش قدرت‌های ماورایی نهفته در وی. شری نارادا تمام این اشکال را از تجربه‌ی شخصی خویش توضیح داده است و فرد می‌تواند تمام امکاناتی را که شری نارادا با تکمیل فرایند ذکر تمثال صوت متعال به آن دست یافته بود، به دست آورد. هیچ مانعی برای ذکر این صوت متعال توسط هیچ‌کس وجود ندارد؛ چرا که این صوت متعال از طریق نماینده‌ی نارادا، و با انتقال در سلسله‌ی پیران یا سیستم پارمپارا دریافت شده است.

آیه ۴۰

*tvam apy adabhra-śruta viśrutam vibhoḥ
 samāpyate yena vidām bubhutsitam
 prākhyāhi duḥkhair muhur arditātmanām*

saṅkleśa-nirvāṇam uśanti nānyathā

tvam: روح خوب تو؛ *api*: همچنین؛ *adabhra*: وسیع؛ *śruta*: ادبیات ودایی؛ *viśrutam*: نیز شنیده‌ای؛ *vibhoḥ*: مربوط به قادر مطلق؛ *samāpyate*: راضی؛ *yena*: با آن؛ *vidām*: مربوط به حکیمان؛ *bubhutsitam*: کسی که همواره تمایل به آموختن دانش روحانی دارد؛ *prākhyāhi*: توصیف می‌کنند؛ *duḥkhaiḥ*: با رنج‌ها؛ *muhuḥ*: همواره؛ *ardita-* *ātmanām*: رنج توده‌ی مردم؛ *saṅkleśa*: رنج‌ها؛ *nirvāṇam*: کاهش؛ *uśanti ca*: خلاص شدن؛ *anyathā*: با دیگر ابزار.

ترجمه

بنابراین، لطفاً فعالیت‌های خداوند قادر متعال را که با دانش عظیمت از وداها آموخته‌ای توصیف کن، چرا که آن می‌تواند اشتیاق عالمان بلندمرتبه را ارضاء و در عین حال رنج توده‌ی مردم را که همواره در چنگال ماده در عذابند، کاهش دهد. در واقع، هیچ راه دیگری برای خلاصی از این رنج‌ها وجود ندارد.

شرح

شری نارادامونی به واسطه‌ی تجربه‌ی عملی خویش به وضوح بیان می‌دارد که راه حل اصلی تمام مشکلات ناشی از عمل مادی، پخش گسترده‌ی شکوه روحانی خداوند متعال است. چهار گروه افراد شایسته و چهار گروه افراد ناشایست وجود دارند. چهار گروه افراد شایسته، مرجعیت خداوند قادر متعال را به رسمیت می‌شناسند و بنابراین چنین افراد شایسته‌ای (۱) هنگامی که دچار مشکل می‌شوند، (۲) هنگامی که به پول نیاز دارند، (۳) هنگامی که دانش کسب می‌کنند، و (۴) هنگامی که کنجکاو می‌شوند تا بیشتر و بیشتر در مورد خداوند بدانند؛ به طور حسی پناه خداوند را می‌گیرند. این چنین، ناراداجی به ویاسادو توصیه می‌کند که دانش متعال خداوند را بر اساس دانش گسترده‌ی ودایی که تا آن زمان به دست آورده است، پخش کند. در مورد انسان‌های بد و ناشایست می‌توان گفت که آنها نیز چهار گروه هستند: (۱) آنها که صرفاً معتاد به انجام عمل ثمربخش شده‌اند و بدین ترتیب در معرض رنج‌های همراه آن قرار می‌گیرند، (۲) کسانی که صرفاً معتاد به انجام اعمال نادرست به منظور ارضای حواس هستند و بنابراین از نتایج آن رنج می‌برند، (۳) کسانی که از دیدگاه مادی بسیار پیشرفته در دانش هستند، اما به دلیل

به رسمیت نشناختن مرجعیت خداوند متعال رنج می‌برند، و (۴) طبقه‌ای از انسان‌ها که با عنوان خدانشناسان (کفار) شناخته می‌شوند و بنابراین اگرچه همواره در مشکل هستند، به طور آگاهانه از نام‌های خداوند متنفرند.

شری ناراداجی به ویاسادوا توصیه نمود که شکوه خداوند را تنها به منظور انجام کاری خیر در حق تمام هشت طبقه‌ی انسان‌ها، چه خوب و چه بد، توصیف کند. بنابراین شریماد-بهاگواتام برای هیچ طبقه‌ای از انسان‌ها یا فرقه‌ای خاص نیست. این کتاب برای ارواح پاکی است که واقعاً خواهان خیر خویش و آرامش ذهنی هستند.

بدین‌سان شرح‌های بهاکتی‌ودانتا بر فصل پنجم از جزء اول شریماد-بهاگواتام با عنوان "آموزش‌های نارادا به ویاسادو درباره‌ی شریماد - بهاگواتام" پایان می‌یابد.

فصل ششم

گفتگوی میان نارادا و ویاسادو

آیه ۱

sūta uvāca
evam niśamya bhagavān
devarṣer janma karma ca
bhūyaḥ paṇḍarāccha tam brahman
vyāsaḥ satyavatī-sutaḥ

sūtaḥ uvāca: سوتا گفت؛ *evam*: بدین ترتیب؛ *niśamya*: شنیدن؛ *bhagavān*: تجلی قدرتمند خداوند؛ *devarṣeḥ*: از حکیمان بزرگ در میان خداوندگاران؛ *janma*: تولد؛ *karma*: عمل؛ *ca*: و؛ *bhūyaḥ*: دوباره؛ *paṇḍarāccha*: پرسید؛ *tam*: به او؛ *Brahman*: ای برهمنانها؛ *vyāsaḥ*: ویاسادو؛ *satyavatī-sutaḥ*: پسر ساتیاواتی.

ترجمه

سوتا گفت: ای برهمنانها، بدین ترتیب ویاسادو تجلی خداوند و پسر ساتیاواتی با شنیدن تمام موضوعات در مورد تولد و فعالیت‌های شری نارادا، چنین پرسید.

شرح

ویاسادو مشتاق دانستن بیشتر در مورد کمال ناراداجی بود، و بنابراین می‌خواست بیشتر و بیشتر

در مورد او بداند. در این فصل ناراداجی توصیف می‌کند که چگونه وی توانسته است ملاقات کوتاهی با خدا داشته باشد در حالی که مجذوب افکار روحانی خود در رابطه با جدایی با خداوند بود، و این برایش بسیار دردناک بود.

آیه ۲

*vyāsa uvāca
bhikṣubhir vipravasite
vijñānādeṣṭṛbhis tava
vartamāno vayasy ādye
tataḥ kim akarod bhavān*

vyāsaḥ uvāca: شری ویاسادو گفت؛ *bhikṣubhiḥ*: توسط درویشان بزرگ؛ *vipravasite*: عزیمت به مکانی دیگر؛ *vijñāna*: دانش علمی در تعالی؛ *ādeṣṭṛbhiḥ*: کسانی که آموزش داده‌اند؛ *tava*: متعلق به شما؛ *vartamānaḥ*: حاضر؛ *vayasi*: از زمان زندگی؛ *ādye*: پیش از آغاز؛ *tataḥ*: پس از آن؛ *kim*: چه؛ *akarot*: انجام داد؛ *bhavān*: شخص شما [محترمانه].

ترجمه

شری ویاسادو گفت: شما [نارادا] پیش از تولد حاضر خود و پس از عزیمت حکیمان بزرگ که به شما در مورد دانش روحانی متعال آموختند، چه کردید؟

شرح

ویاسادو خود شاگرد ناراداجی بود و بنابراین طبیعی بود که مشتاق باشد بداند نارادا پس از دریافت تشریف از پیران روحانی چه کاری انجام داده است. وی می‌خواست در مسیر طی شده توسط نارادا حرکت کند تا به همان مرحله از کمال زندگی دست یابد. این تمایل به پرسش از پیر روحانی یک معیار ضروری در مسیر پیشرفت است. این فرایند به لحاظ تکنیکی ساد-دهارما-پریچها (*sad-dharma-prcchā*) خوانده می‌شود.

آیه ۳

svāyambhuva kayā vṛtṭyā
 vartitaṁ te param vayah
 kathaṁ cedam udasrākṣiḥ
 kāle prāpte kalevaram

svāyambhuva: ای پسر برهما؛ *kayā*: تحت چه شرایطی؛ *vṛtṭyā*: اشتغال؛ *vartitam*: گذرانیده؛ *te*: شما (تو)؛ *param*: پس از تشریف؛ *vayah*: دوره‌ی زندگی؛ *katham*: چگونه؛ *ca*: و؛ *idam*: این؛ *udasrākṣiḥ*: تو ترک کردی؛ *kāle*: در طول؛ *prāpte*: دست یافتن؛ *kalevaram*: بدن.

ترجمه

ای پسر برهما، زندگی خود را پس از دریافت تشریف چگونه گذرانید، و پس از ترک بدن پیشین در موقع خود، چگونه به این بدن دست یافتید؟

شرح

شری نارادا مونی در زندگی قبلی خود تنها پسر یک مستخدمه بود، بنابراین اینکه چگونه به طور کامل به بدنی روحانی با زندگی ابدی، شرف و دانش تحول یافت، مهم است. شری ویاسادو آرزو می‌کند که این حقایق برای رضایت همگان آشکار گردد.

آیه ۴

prāk-kalpa-viṣayām etām
 smṛtiṁ te muni-sattama
 na hy eṣa vyavadhāt kāla
 eṣa sarva-nirākṛtiḥ

prāk: پیش از؛ *kalpa*: طول یک روز برهما؛ *viṣayām*: موضوع؛ *etām*: تمام اینها؛ *smṛtiṁ*: یادآوری؛ *te*: متعلق به شما؛ *muni-sattama*: ای حکیم بزرگ؛ *na*: نه؛ *hi*: قطعاً؛ *eṣa*: تمام اینها؛ *vyavadhāt*: هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ *kālah*: طول زمان؛ *eṣaḥ*: تمام این موارد؛ *sarva*: تمام؛ *nirākṛtiḥ*: نابود می‌کند.

ترجمه

ای حکیم بزرگ، زمان همه چیز را نابود می‌کند، پس چگونه است که این موضوع، که پیش از روز برهما اتفاق افتاده است، هنوز در حافظه‌ی شما به روشنی و بدون اختلال ناشی از زمان، باقی مانده است؟

شرح

همان طور که روح حتی پس از نابودی بدن مادی از بین نمی‌رود، به همان ترتیب آگاهی روحانی نیز نابود نمی‌شود. شری نارادا این آگاهی روحانی را حتی هنگامی که بدن مادی خود در کالیپای پیشین را داشت، پرورش داده بود. آگاهی بدن مادی به معنی بروز آگاهی روحانی از طریق واسطه‌ی بدن مادی است. این آگاهی پست، تخریب‌پذیر و منحرف است. اما آگاهی اعلای مافوق ذهن در سکوی روحانی، همانند روح است و هرگز نابود نمی‌شود.

آیه ۵

nārada uvāca
bhikṣubhir vipravasite
vijñānādeṣṭṛbhir mama
vartamāno vayasī ādye
tata etad akāraṣam

nāradaḥ uvāca: شری نارادا گفت؛ *bhikṣubhiḥ*: توسط حکیمان بزرگ؛ *vipravasite*: به مکان‌های دیگر عزیمت نمودند؛ *vijñāna*: دانش روحانی علمی؛ *ādeṣṭṛbhiḥ*: آن کسانی که به من آموختند؛ *mama*: متعلق به من؛ *vartamānaḥ*: حاضر؛ *vayasī ādye*: پیش از این زندگی؛ *tataḥ*: از آن پس؛ *etat*: این مقدار؛ *akāraṣam*: انجام شده.

ترجمه

شری نارادا گفت: حکیمان بزرگ، که دانش علمی تعالی را به من آموختند، به مکان‌های دیگر عزیمت نمودند، و من مجبور شدم بدین طریق زندگی خود را

سپری کنم.

شرح

گرچه هنگامی که ناراداجی در زندگی پیشین خود دانش روحانی را به لطف حکیمان بزرگ آموخت سپری پنج ساله بود، اما دچار تحولی بزرگ در زندگی شد. این نشانه‌ای مهم و قابل رؤیت پس از تشریف از پیر روحانی معتبر است. معاشرت واقعی عابدان تغییر سریعی در زندگی در راستای ادراک خودشناسی به وجود می‌آورد. چگونگی این رخداد در زندگی قبلی شری نارادا مونی، در این فصل توصیف می‌شود.

آیه ۶

*ekātmajā me jananī
yoṣin mūḍhā ca kiṅkarī
mayy ātmaje 'nanya-gatau
cakre snehānubandhanam*

eka- ātmajā: تنها یک پسر داشتن؛ *me*: مرا؛ *jananī*: مادر؛ *yoṣit*: طبقه‌ی زن؛ *mūḍhā*: احمق؛ *ca*: و؛ *kiṅkarī*: کلفت، مستخدم؛ *mayi*: به من؛ *ātmaje*: فرزند آن زن بودن؛ *ananya-gatau*: فردی که هیچ گزینه‌ی دیگری برای حفاظت ندارد؛ *cakre*: آن را انجام داد؛ *sneha-anuban dhanan*: بسته شده با بند محبت.

ترجمه

من تنها پسر مادرم بودم، که نه تنها یک زن ساده بود بلکه یک کلفت نیز بود. از آنجایی که من تنها فرزند او بودم، هیچ گزینه‌ی دیگری برای حفاظت نداشتم: او مرا با بند محبت به خود بسته بود.

آیه ۷

*sāsvatantrā na kalpāsīd
yoga-kṣemaṁ mamecchatī*

*īśasya hi vaśe loko
yoṣā dārumayī yathā*

sā: او (آن زن)؛ *asvatantrā*: وابسته بود؛ *na*: نه؛ *kalpā*: توانا؛ *āsīt*: بود؛ *yoga-*
kṣemam: حفظ و نگهداری؛ *mama*: مال من؛ *icchatī*: گرچه تمایل داشت؛ *īśasya*:
مربوط به مشیت الهی؛ *hi*: برای؛ *vaśe*: تحت کنترل؛ *lokaḥ*: همگان؛ *yoṣā*: عروسک؛
dāru -mayī: درست شده از چوب؛ *yathā*: همچون.

ترجمه

او می‌خواست از من به خوبی مراقبت کند، اما چون مستقل نبود، نمی‌توانست
هیچ کاری برای من انجام دهد. جهان تحت کنترل کامل خداوند متعال است؛
بنابراین همگان همچون عروسک چوبی در دستان عروسک‌گردان هستند.

آیه ۸

*aham ca tad-brahma-kule
ūṣivāms tad-upekṣayā
dig-deśa-kālāvyutpanno
bālakah pañca-hāyanaḥ*

aham: من؛ *ca*: نیز؛ *tat*: آن؛ *brahma-kula*: در مکتب برهماناها؛ *ūṣivān*: زندگی کرد؛
tat: مربوط به او؛ *upekṣayā*: وابسته بودن به؛ *dik-deśa*: هدایت و کشور؛ *kāla*: زمان؛
avyutpannaḥ: بی‌تجربه؛ *bālakah*: تنها یک کودک؛ *pañca*: پنج؛ *hāyanaḥ*: ساله
(سن زندگی).

ترجمه

هنگامی که من تنها یک کودک پنج ساله بودم، در یک مکتب برهمانا زندگی
می‌کردم. من وابسته به محبت مادرم بودم و هیچ تجربه‌ای از سرزمین‌های
مختلف نداشتم.

آیه ۹

ekadā nirgatām gehād
duhantīm niśi gām pathi
sarpo 'daśat padā sprṣtaḥ
kr̥paṇām kāla-coditaḥ

ekadā: یک روز؛ nirgatām: رفته بود؛ gehāt: از خانه؛ duhantīm: برای دوشیدن شیر؛
niśi: شب هنگام؛ gām: گاو؛ pathi: در راه؛ sarpaḥ: مار؛ adaśat: زده شد؛ padā: روی پا؛
sprṣtaḥ: بدین ترتیب گزیده شده؛ kr̥paṇām: زن بیچاره؛ kāla-coditaḥ: تحت تأثیر زمان
متعال.

ترجمه

روزی مار پای مادر بیچاره‌ی من را که شب هنگام برای دوشیدن گاو از خانه
بیرون رفته بود، نیش زد و او بدین ترتیب درگذشت.

شرح

این راهی برای کشیده شدن یک روح صادق به سمت خداوند است. تنها مادری مهربان مراقب
آن پسر بیچاره بود و با این حال اراده‌ی خداوند این بود که مادر از این جهان رخت بر بندد تا
نارادا کاملاً تحت لطف خداوند قرار گیرد.

آیه ۱۰

tadā tad aham īśasya
bhaktānām śam abhīpsataḥ
anugrahaṁ manyamānaḥ
prātiṣṭham diśam uttarām

tadā: در آن زمان؛ tat: آن؛ adam: من؛ īśasya: مربوط به خداوند؛ bhaktānām: مربوط
به عابدان؛ śam: لطف؛ abhīpsataḥ: تمایل؛ anugraham: لطف ویژه؛

manyamānaḥ: تفکر بدین طریق؛ *prātiṣṭham*: حرکت کردم؛ *diśam uttarām*: در جهت شمال.

ترجمه

من این واقعه را به عنوان لطف ویژه‌ی خداوند در نظر گرفتم که همواره تمایل به ارائه‌ی برکت به عابدان خویش دارد و با چنین اندیشه‌ای، به سمت شمال حرکت کردم.

شرح

عابدان محرم خداوند در هر قدم برکات خداوند را رؤیت می‌کنند. آنچه به معنای دنیوی لحظه‌ای دشوار یا عجیب به شمار می‌آید، به عنوان لطف ویژه‌ی خداوند پذیرفته می‌شود. کامیابی دنیوی نوعی تب مادی است و با لطف خداوند درجه‌ی این تب مادی به تدریج کاهش می‌یابد و سلامت روحانی قدم به قدم حاصل می‌شود. مردم مادی در باب این موضوع دچار کج‌فهمی و سوء تفاهم هستند.

آیه ۱۱

*sphītāñ janapadāṃs tatra
pura-grāma-vrajākarān
kheṭa-kharvaṭa-vāṭīś ca
vanāny upavanāni ca*

sphītāñ: بسیار شکوفا؛ *jana-padān*: کلانشهرها؛ *tatra*: در؛ *pura*: شهرها؛ *grāma*: روستاها؛ *vraja*: مزارع بزرگ؛ *ākārān*: معادن؛ *kheṭa*: زمین‌های کشاورزی؛ *kharvaṭa*: دره‌ها؛ *vāṭīḥ*: باغ‌های گل؛ *ca*: و؛ *vanāni*: جنگل‌ها؛ *upavanāni*: گلخانه‌ها؛ *ca*: و.

ترجمه

پس از حرکت، از بسیاری کلانشهرهای شکوفا، شهرها، روستاها، مزارع نگهداری حیوانات، معادن، زمین‌های کشاورزی، دره‌ها، باغ‌های گل، گلخانه‌ها و

جنگل‌های طبیعی عبور کردم.

شرح

فعالیت‌های بشری در کشاورزی، معدن، نگهداری از حیوانات، صنایع، باغداری و غیره، حتی پیش از خلقت حاضر همگی در همین مقیاس حاضر وجود داشته‌اند، و همین فعالیت‌ها در خلقت بعدی نیز به همین صورت باقی خواهند ماند. پس از صدها میلیون سال، قوانین طبیعت خلقت دیگری را آغاز خواهند نمود و تاریخ جهان عملاً به روشی مشابه خود را تکرار خواهد کرد. مشاگره‌کنندگان مادی بدون آنکه در جستجوی نیازهای ضروری زندگی باشند، وقت خود را با جستجوهای باستان‌شناسی تلف می‌کنند. شری نارادا مونی، پس از یافتن انگیزه‌ای در زندگی روحانی، با اینکه کودکی بیش نبود، و از شهرها و روستاها، معادن و صنایع مختلف نیز عبور می‌نمود، حتی برای یک لحظه وقت خود را برای پیشرفت اقتصادی تلف نکرد. او به طور مستمر به سوی رهایی روحانی تدریجی حرکت کرد. شری‌ماد-بهاگاواتام تکرار تاریخی است که صدها میلیون سال قبل اتفاق افتاده است. همان‌گونه که در این‌جا بیان شده است، مهم‌ترین عوامل تاریخ در متون روحانی ثبت می‌شوند.

آیه ۱۲

*citra-dhātu-vicitrādrīn
ibha-bhagna-bhuja-drumān
jalāśayān chiva-jalān
naliniḥ sura-sevitāḥ
citra-svanaiḥ patra-rathair
vibhramad bhramara-śriyaḥ*

citra-dhātu: مواد معدنی ارزشمند همچون طلا، نقره و مس؛ *vicitra*: سرشار از تنوع؛
adrīn: تپه‌ها و کوه‌ها؛ *ibha-bhagna*: خرد شده توسط فیل‌های عظیم‌الجثه؛ *bhuja*:
شاخه‌ها؛ *drumān*: درختان؛ *jalāśayān śiva*: شفابخش؛ *jalān*: منابع آب؛ *naliniḥ*:
گل‌های نیلوفر آبی؛ *sura-sevitāḥ*: ملهم توسط ساکنان بهشت؛ *citra-svanaiḥ*: مطلوب
قلب؛ *patra-rathaiḥ*: توسط پرندگان؛ *vibhramat*: سرگشته؛ *bhramara-śriyaḥ*:

آراسته با زنبورهای عسل.

ترجمه

من از تپه‌ها و کوه‌های سرشار از ذخایر معدنی متنوع مانند طلا، نقره و مس و از زمین‌هایی با منابع آبی و سرشار از گل‌های نیلوفر زیبا، که با زنبورهای عسل و پرندگان خوش صدا آراسته شده و شایسته‌ی ساکنان بهشت بودند، عبور کردم.

آیه ۱۳

nala-veṇu-śaras-tanba-
kuśa-kīcaka-gahvaram
eka evātiyāto 'ham
adrākṣam vipinam mahat
ghoram pratibhayākāram
vyālolūka-śivājiram

nala: لوله‌ها؛ veṇu: بامبو؛ śaraḥ: نیستان؛ tanba: پر از؛ kuśa: علف تازه؛ kīcaka: علفزارها؛ gahvaram: غارها؛ ekaḥ: تنها؛ eva: تنها؛ atiyātaḥ: مشکل برای عبور؛ aham: من؛ adrākṣam: دیدم؛ vipinam: جنگل‌های مخوف؛ mahat: عظیم؛ ghoram: ترسناک؛ pratibhaya-ākāram: خطرناک؛ vyāla: مارها؛ ulūka: جغدها؛ śiva: شغال‌ها؛ ajiram: زمین‌های بازی.

ترجمه

آنگاه به تنهایی از جنگل‌های فراوان راش، بامبو، نیستان‌ها، علفزارها و غارهایی عبور کردم که عبور از آنها به تنهایی بسیار سخت بود. من جنگل‌های مخوف، تاریک و خطرناکی را دیدم که مکان گشت و گذار مارها، جغدها و شغال‌ها بود.

شرح

این وظیفه‌ی یک درویش (پاریوراجاکاچاریا) (*parivrājakācārya*) است که با مسافرت و عبور از تمام جنگل‌ها، تپه‌ها، شهرها، روستاها و غیره انواع خلقت‌های خداوند را تجربه کند تا هم ایمان قوی به خداوند و قدرت ذهن را حاصل نماید و هم ساکنان این مناطق را با پیغام خداوند آشنا سازد. یک سانیاسی موظف است چنین مخاطراتی را بدون ترس بپذیرد. بهترین سانیاس نمونه‌ی عصر حاضر خداوند چیتانیا است که به همین طریق در جنگل‌های مرکزی هندوستان سفر کرد و حتی الهام‌بخش ببرها، خرس‌ها، مارها، آهوان، فیل‌ها و دیگر حیوانات جنگل شد. فردی که برای تبلیغ و نمایش لباس خود را تغییر می‌دهد، متفاوت از سانیاس ایده‌آل و اصیل است. بنابراین فرد باید تعهد کند که داد و ستدهای اجتماعی را کاملاً متوقف کند و زندگی خویش را به طور ویژه وقف خدمت خداوند نماید. تغییر لباس تنها یک مراسم تشریفاتی است. خداوند چیتانیا نام یک سانیاس را نپذیرفت. در این عصر کالی نیز به اصطلاح سانیاسی‌ها با پیروی از مسیر خداوند چیتانیا نام نباید نام پیشین خویش را تغییر دهند. در این عصر، خدمت عابدانه‌ی شنیدن و تکرار شکوه مقدس خداوند به شدت توصیه می‌شود و فردی که تعهد انقطاع از زندگی خانوادگی را می‌پذیرد نباید از یک پاریوراجاکاچاریا همچون نارادا یا خداوند چیتانیا تقلید کند، بلکه می‌تواند در مکان مقدسی بنشیند و زمان و انرژی خویش را وقف شنیدن و ذکر مکرر متون مقدس به جای مانده از آچاریا‌های بزرگ همچون شش گوسوامی و رینداوان نماید.

آیه ۱۴

*pariśrāntendriyātmaḥam
tr̥ṭ-ṣarīto bubhukṣitaḥ
snātvā pītvā hrade nadyā
uṣaspr̥ṣṭo gata-śramaḥ*

pariśrānta: خستگی؛ *indriya*: بدنی؛ *ātma*: ذهنی؛ *aham*: من؛ *tr̥ṭ-ṣarītaḥ*: تشنگی؛ *bubhukṣitaḥ*: و گرسنگی؛ *snātvā*: استحمام، دوش گرفتن؛ *pītvā*: و نیز نوشیدن آب؛ *hrade*: در دریاچه؛ *nadyāḥ*: از یک رودخانه؛ *uṣaspr̥ṣṭaḥ*: در تماس با؛ *gata*: راحت شدن؛ *śramaḥ*: خستگی.

ترجمه

با این گونه سفر کردن، من هم از لحاظ بدنی و ذهنی احساس خستگی کردم و هم گرسنه و تشنه شدم. بنابراین در یک رودخانه استحمام کردم و از آب آن نیز نوشیدم. با تماس با آب، خستگی از بدن من خارج شد.

شرح

یک درویش در حال سفر، می‌تواند بدون آنکه به گدایی به در منزل افراد متأهل برود، نیازهای بدنی خود شامل تشنگی و گرسنگی را با هدیه‌های طبیعت برآورده سازد. بنابراین درویش نیازی ندارد به خانگی افراد متأهل برود تا از آنها صدقه بگیرد؛ بلکه وی به آن‌جا می‌رود تا آنها را از لحاظ روحانی به آگاهی برساند.

آیه ۱۵

*tasmin nirmanuje 'raṇye
pippalopastha āśritaḥ
ātmanātmānam ātmastham
yathā-śrutam acintayam*

tasmin: در آن؛ *nirmanuje*: بدون سکونت انسان؛ *araṇye*: در جنگل؛ *pippala*: درخت بانیان؛ *upasthe*: زیر آن نشستم؛ *āśritaḥ*: پناه گرفتم؛ *ātmanā*: با شعور؛ *ātmānam*: روح متعال؛ *ātma-stham*: واقع در درون؛ *yathā-śrutam*: آن گونه که در مورد آن از ارواح رهایی یافته شنیده بودم؛ *acintayam*: اندیشیدم.

ترجمه

پس از آن، زیر سایه‌ی یک درخت بانیان در یک جنگل غیرمسکونی، با به کارگیری فراست خود و بدان ترتیبی که از ارواح رهایی یافته شنیده بودم، شروع به مراقبه بر روی روح متعال واقع در درون نمودم.

شرح

فرد نباید بر اساس توهمات ذهنی خود به تمرکز بپردازد. فرد باید در این زمینه آگاهی کامل از

منابع معتبر مقدس و از طریق واسطه‌ی شفاف پیر روحانی معتبر را به دست آورده باشد و به استفاده‌ی صحیح از شعور آموزش یافته برای تمرکز بر روح متعال ساکن در قلب تمام موجودات زنده بپردازد. این آگاهی توسط عابدی که با انجام دستورات پیر روحانی مشغول انجام خدمت عابدانه‌ی خداوند است پرورش می‌یابد. شری ناراداجی با پیران روحانی ارتباط برقرار کرده، به آنها صادقانه خدمت نموده و به آگاهی مناسب دست یافته بود. بدین ترتیب وی مراقبه را آغاز نمود.

آیه ۱۶

*dhyāyataś caraṇāmbhojaṁ
bhāva-nirjita-cetasā
autkaṅṭhyaśru-kalākṣasya
hṛdy āsīn me śanair hariḥ*

dhyāyataḥ: با این مراقبه؛ *caraṇa-ambhojam*: قدوم نیلوفرین شخصیت مکان‌گزیده‌ی خداوند (روح متعال درون قلب)؛ *bhāva-nirjita*: ذهن متحول شده در عشق روحانی خداوند؛ *cetasā*: تمام فعالیت‌های ذهنی (فکر کردن، احساس کردن و خواستن)؛ *autkaṅṭhya*: اشتیاق؛ *śru-kala*: اشک‌ها فرو ریختند؛ *akṣasya*: از چشمان؛ *hṛdi*: درون قلبم؛ *āsīt*: ظاهر شد؛ *me*: مال من؛ *śanair*: بی‌درنگ؛ *hariḥ*: شخصیت خداوند.

ترجمه

به محض آنکه با ذهنم که از عشق روحانی خداوند متحول شده بود شروع به مراقبه بر قدوم نیلوفرین شخصیت خداوند نمودم، اشک از چشمانم فرو ریخت و بی‌درنگ شخصیت اعلا‌ی خداوند شری کریشنا در نیلوفر قلبم ظاهر شد.

شرح

کلمه بهاوا (*bhāva*) در این‌جا حائز اهمیت است. مرحله‌ی بهاوا پس از آن حاصل می‌شود که فرد علاقه‌ای متعال نسبت به خداوند داشته باشد. نخستین مرحله‌ی مقدماتی، شرادها (*śraddhā*) یا علاقه به خداوند نامیده می‌شود و به منظور افزایش این علاقه، فرد باید با

عابدان پاک خداوند معاشرت کند. مرحله‌ی سوم، تمرین قواعد تجویز شده‌ی خدمت عابدانه است. این مرحله باعث می‌شود تمام انواع شبهه‌ها از بین بروند و تمام نقایص شخصی مانع پیشرفت در خدمت عابدانه رفع گردند.

هنگامی که تمام شبهه‌ها و نقایص شخصی رفع شد، ایمانی متعارف نسبت به موضوع متعال در فرد ایجاد می‌شود و اشتیاق برای آن به میزان بیشتری افزایش می‌یابد. این مرحله به جذب منتهی می‌شود و پس از آن بهاوا یا مرحله‌ی ماقبل عشق پاک برای خداوند است. تمام این مراحل، مراحل مختلف از پرورش عشق متعال هستند. با پذیرش این عشق متعال، حس عجیب جدایی در انسان به وجود می‌آید که به هشت نوع شغف مختلف منجر می‌شود. ریزش اشک از چشمان یک عابد یک واکنش ناخودآگاه است و به خاطر آنکه شری نارادا مونی در زندگی پیشین خود پس از عزیمت از خانه به سرعت به این مرحله رسیده بود، برای وی کاملاً ممکن است که حضور واقعی خداوند را درک کند؛ حسی که تنها توسط حواس روحانی پیشرفته‌ی بدون حضور ماده برای وی قابل تجربه بود.

آیه ۱۷

premātibhara-nirbhinna-
pulaḥkāṅgo 'tinirvṛtaḥ
ānanda-samplave līno
nāpaśyam ubhayaṁ mune

premā: عشق؛ atibhara: بیش از حد؛ nirbhinna: به ویژه مشخص؛ pulaka: احساس شادی؛ āṅgaḥ: بخش‌های مختلف بدن؛ ati-nirvṛtaḥ: کاملاً شغف‌زده؛ ānanda: شغف؛ samplave: در اقیانوس؛ līnaḥ: مجذوب؛ na: نه؛ apaśyam: می‌توانستم ببینم؛ ubhayaṁ: هر دو؛ mune: ای ویاسادو.

ترجمه

ای ویاسادو، در آن زمان، با قدرت گرفتن از آن احساس شادی خارق‌العاده، تمام بخش‌های بدنم به طور مجزا حیاتی دوباره یافتند. مجذوب در اقیانوس شغف، نمی‌توانستم خود و خداوند را به طور همزمان ببینم.

شرح

احساسات روحانی از قبیل شادی و شغف شدید، هیچ معادل مادی ندارند؛ بنابراین بیان چنین احساساتی بسیار مشکل است. ما تنها در کلام شری نارادا مونی می‌توانیم نظری مختصر به چنین شعفی داشته باشیم. هر یک از بخش‌های بدن یا حواس عملکرد ویژه‌ی خود را داراست. پس از رؤیت خداوند، تمام حواس به طور کامل برای انجام خدمت خداوند احیا می‌شوند؛ چرا که در حالت رهایی‌یافته، حواس به کارایی کامل در خدمت خداوند می‌رسند. این چنین، در آن شغف روحانی اتفاقی که رخ می‌دهد آن است که حواس هر یک به صورت مجزا برای خدمت خداوند احیا می‌شوند. با چنین اتفاقی، نارادا مونی خود را در ملاقات همزمان خویش و خداوند فراموش نمود.

آیه ۱۸

*rūpaṁ bhagavato yat tan
manaḥ-kāntaṁ śucāpahaṁ
apaśyaṁ sahasottasthe
vaiklavyād durmanā iva*

rūpaṁ: شکل؛ *bhagavataḥ*: مربوط به شخص خداوند؛ *yat*: آن گونه که هست؛ *tat*: آن؛ *manaḥ*: مربوط به ذهن؛ *kāntaṁ*: آن گونه که آرزو می‌کند؛ *śuca-apahaṁ*: از بین رفتن تمام نواقص؛ *apaśyaṁ*: بدون رؤیت؛ *sahasā*: به ناگهان؛ *uttasthe*: برخاستم؛ *vaiklavyāt*: مغشوش؛ *durmanāḥ*: از دست دادن مطلوب؛ *iva*: آن گونه که بود.

ترجمه

شکل روحانی خداوند، آن گونه که هست، خواسته‌ی ذهن را راضی می‌سازد و فوراً تمام اشتباهات ذهنی را رفع می‌کند. با از دست رفتن آن شکل، مغشوش شدم و سراسیمه برخاستم؛ درست همان گونه که وقتی انسان مطلوب خود را از دست می‌دهد معمول است.

شرح

نارادا مونی این حقیقت که خداوند فاقد شکل نیست را تجربه کرد. اما شکل خداوند کاملاً متفاوت از تمام اشکال موجود در تجربیات مادی ماست. در یک دوره‌ی کامل زندگی، ما اشکال مختلفی در جهان مادی می‌بینیم، اما هیچ‌یک از آنها برای ارضای ذهن ما مناسب نیست، و هیچ‌یک از آنها حتی نمی‌تواند تمام اغتشاشات ذهنی ما را از بین ببرد. اینها ویژگی‌های خاص شکل متعال خداوند هستند و فردی که یک بار آن شکل را دیده باشد با هیچ چیز دیگری راضی نمی‌شود. هیچ شکلی در جهان مادی نمی‌تواند ببیننده را راضی سازد. اینکه خداوند فاقد شکل یا بی‌هویت است بدین معناست که وی هیچ چیزی شبیه به اشکال مادی ندارد و همچون هیچ شخص مادی نیست.

ما به عنوان موجودات روحانی دارای روابط ابدی با شکل متعال خداوند هستیم و در جستجوی آن شکل می‌باشیم و نمی‌توانیم خود را با هیچ نوع تسکین‌بخش مادی دیگری راضی کنیم. نارادا مونی تنها نظری کوتاه به خداوند داشت، اما هنگامی که دیگر وی را مشاهده نکرد، مغشوش شد و ناگهان به جستجوی آن شکل برخاست. نارادامونی آنچه ما زندگی پس از زندگی در جستجوی آن هستیم را به دست آورده بود، و از دست دادن آن قطعاً برای وی شوک بزرگی به شمار می‌رفت.

آیه ۱۹

*didṛkṣus tad aham bhūyaḥ
praṇidhāya mano hṛdi
vikṣamāṇo 'pi nāpaśyam
avitrpta ivāturaḥ*

didṛkṣuḥ: تمایل به رؤیت؛ *tat*: آن؛ *aham*: من؛ *bhūyaḥ*: دوباره؛ *praṇidhāya*: تمرکز ذهن؛ *manaḥ*: ذهن؛ *hṛdi*: روی قلب؛ *vikṣamāṇaḥ*: انتظار برای رؤیت؛ *api*: علی‌رغم؛ *na*: هرگز؛ *apaśyam*: خداوند را دید؛ *avitrptaḥ*: بدون رضایت؛ *iva*: همچون؛ *āturaḥ*: غمگین شد.

ترجمه

تمایل داشتیم آن شکل روحانی خداوند را دوباره ببینیم، اما علی‌رغم تلاش‌هایم

برای تمرکز بر قلب خود با اشتیاق برای رؤیت مجدد آن شکل، دیگر نتوانستم خداوند را ببینم و با این حس نارضایتی، به شدت غمگین شدم.

شرح

هیچ فرایند مکانیکی برای رؤیت شکل خداوند وجود ندارد. رؤیت وی کاملاً وابسته به لطف بی‌دلیل خود اوست. ما نمی‌توانیم از خداوند بخواهیم در مقابل چشمان ما ظاهر گردد؛ همان‌طور که نمی‌توانیم هرگاه که مایل باشیم از خورشید بخواهیم که مقابل چشمان ما ظاهر شود. خورشید بر اساس نظم خود طلوع می‌کند، و خداوند نیز هنگامی که راضی گردد، از سر لطف بی‌دلیل خویش ظاهر می‌شود. فرد صرفاً باید منتظر فرصت مناسب باشد و انجام وظایف تجویز شده در خدمت عابدانه را ادامه دهد. نارادا مونی فکر می‌کرد که می‌تواند دوباره با همان فرایند مکانیکی که در تلاش اول موفقیت‌آمیز بود، خداوند را ببیند؛ اما علی‌رغم تمام تلاشش نتوانست دوباره موفق شود. خداوند از تمام الزامات کاملاً مستقل است. او صرفاً با عبودیت ناب به بند کشیده می‌شود. برای حواس مادی ما او نه قابل رؤیت و نه قابل درک است. هنگامی که وی از تلاش صادقانه و کاملاً وابسته به لطف خداوند راضی گردید، آنگاه ممکن است از سر لطف قابل رؤیت گردد.

آیه ۲۰

*evam yatantam vijane
mām āhāgocaro girām
gambhīra-slakṣṇayā vācā
śucaḥ praśamayann iva*

evam: بدین ترتیب؛ *yatantam*: فردی که مشغول تلاش است؛ *vijane*: در آن بیغوله؛
mām: به من؛ *āha*: گفت؛ *agocaraḥ*: و رای طیف صوت فیزیکی؛ *girām*: ذکر؛
gambhīra: غم و اندوه؛ *slakṣṇayā*: گوش‌نواز؛ *vācā*: کلمات؛ *śucaḥ*: غصه؛
praśamayan: کاهش؛ *iva*: همچنین.

ترجمه

با مشاهده‌ی تلاش‌های من در آن بیغوله، شخص خداوند که در ورای تمام توصیفات مادی قرار دارد، با صدایی جذاب و کلماتی مطلوب با من صحبت نمود تا اندوهم کاهش یابد.

شرح

در وداها گفته شده است که خداوند ورای حدود کلمات و شعور مادی است، و با این حال به واسطه‌ی لطف به دلیلش، فرد می‌تواند حواس مناسب برای شنیدن صدای وی و صحبت کردن با او را پیدا کند. این قدرت غیرقابل درکِ انرژی خداوند است. فردی که لطف خداوند شامل حالش شده باشد می‌تواند صدای وی را بشنود. خداوند از نارادا مونی بسیار راضی شده بود و بنابراین قدرت لازم را به وی اعطا نمود تا او بتواند ندای خداوند را بشنود. بنابراین، برای دیگران درک مستقیم و لمس خداوند در طول مرحله‌ی ابتدایی خدمت عابدانه ممکن نیست. این هدیه‌ای ویژه برای نارادا بود. هنگامی که کلمات دلنشین خداوند را شنید، حس جدایی از وی تا حدودی کاهش یافت. یک عابد در عشق خداوند همواره حس جدایی را احساس می‌کند و بنابراین همواره در شمع متعال قرار می‌گیرد.

آیه ۲۱

*hantāsmiñ janmani bhavān
mā māṁ draṣṭum ihārhati
aviṣakva-kaṣāyāñām
durdarśo 'haṁ kuyoginām*

hanta: ای نارادا؛ *asmiñ*: این؛ *janmani*: دوره‌ی زندگی؛ *bhavān*: خودت؛ *mā*: نه؛
mām: مرا؛ *draṣṭum*: دیدن؛ *iha*: این‌جا؛ *ihārhati*: شایسته؛ *aviṣakva*: نابالغ؛
kaṣāyāñām: آلودگی مادی؛ *durdarśaḥ*: مشکل برای دیدن؛ *aham*: من؛
kuyoginām: خدمت ناقص.

ترجمه

[خداوند چنین فرمود] ای نارادا، متأسفم که در طول این زندگی دیگر قادر

نخواهی بود مرا رؤیت کنی. آنها که در خدمت ناکامل هستند و کاملاً از تمام آلودگی‌های مادی رها نشده‌اند، به سختی می‌توانند مرا رؤیت کنند.

شرح

شخصیت اعلا‌ی خداوند در بهاگاواد-گیتا به عنوان پاک‌ترین، متعال‌ترین و حقیقت مطلق توصیف شده است. هیچ اثری از مادیات در شخص وی نیست و بنابراین فردی که حتی به کمترین میزان تمایلی مادی داشته باشد، نمی‌تواند به وی نزدیک شود. خدمت عابدانه از نقطه‌ای آغاز می‌شود که فرد حداقل از دو شکل گونه‌های مادی، یعنی چهل و شهوت رها شده باشد. نتیجه‌ی این رهایی با نشانه‌های خلاصی از کاما (*kāma*) (شهوت) و لوبها (*lobha*) (طمع) متجلی می‌شود. این بدان معناست که فرد باید از تمایل به ارضای حواس و طمع برای ارضای حواس رها شده باشد. و رهایی کامل از رنگ‌های مادی به معنی رهایی از گونه‌ی نیکی نیز هست. جستجو برای معاشرت با خداوند در جنگلی خلوت، در گونه‌ی نیکی در نظر گرفته می‌شود. فرد می‌تواند برای دستیابی به رهایی به جنگل برود، اما این بدان معنی نیست که فرد می‌تواند خداوند را شخصاً در آن جا ببیند. فرد باید از تمام دلبستگی‌های مادی رها، و در سکوی تعالی قرار گرفته باشد، که این خود به تنهایی می‌تواند به عابد کمک کند تا در تماس شخصی با شخصیت خداوند قرار گیرد. بهترین روش آن است که فرد باید در مکانی زندگی کند که شکل روحانی خداوند پرستش می‌شود. معبد خداوند مکانی متعال است، در حالی که جنگل یک سکونتگاه خوب مادی است. به عابد مبتدی همواره توصیه می‌شود که به جای رفتن به جنگل در جستجوی خداوند، به "پرستش تمثال خداوند" (آرچانا) (*arcanā*) بپردازد. خدمت عابدانه از فرایند آرچانا آغاز می‌شود که بهتر از رفتن به جنگل است. شری نارادا مونی، در زندگی فعلی خویش، که کاملاً رها از تمام تعلقات مادی است، به جنگل نمی‌رود، گرچه می‌تواند تنها با حضور خویش هر مکانی را به وایکونتها تبدیل کند. او از سیاره‌ای به سیاره دیگر سفر می‌کند تا انسان‌ها، خداوندگاران، کینارها (*Kinnaras*)، گاندهارواها (*Gandharvas*)، ریشی‌ها، مونی‌ها و دیگران را به عابدان خداوند تبدیل کند. با این فعالیت‌ها، وی عابدان بسیاری همچون پراهلاد ماهاراج، دوروا ماهاراج و دیگران را به خدمت روحانی خداوند مشغول کرده است. بنابراین عابد پاک خداوند، از مسیر طی شده توسط عابدان بزرگی همچون نارادا و پراهلاد پیروی می‌کند و کل زمان خویش را با فرایند کیرتان به پر شکوه کردن خداوند می‌پردازد. چنین فرایند موعظه‌ای ورای تمام کیفیات مادی است.

آیه ۲۲

*sakṛt yad darśitam rūpam
etat kāmāya te 'nagha
mat-kāmaḥ śanakaiḥ sādhu
sarvān muñcati hṛc-chayān*

sakṛt: تنها یک بار؛ *yat*: آن؛ *darśitam*: نشان داده شده؛ *rūpam*: شکل؛ *etat*: این هست؛ *kāmāya*: برای تعلقات؛ *te*: ترا؛ *anagha*: این فرد پرهیزگار؛ *mat*: مال من؛ *kāmaḥ*: آرزو؛ *śanakaiḥ*: با افزایش؛ *sādhuḥ*: عابد؛ *sarvān*: تمام؛ *muñcati*: از دست دادن؛ *hṛt-śayān*: آرزوهای مادی.

ترجمه

ای فرد پرهیزگار، تو تنها یک بار شخص مرا دیده‌ای، و این تنها برای افزایش تمایلت برای من است، چرا که هرچه بیشتر در جستجوی من باشی، بیشتر از تمام آرزوهای مادی رها خواهی شد.

شرح

موجود زنده، خالی و تهی از آرزوها نیست. او یک سنگ مرده نیست. او باید کار کند، بیاندیشد، حس کند و اراده نماید. اما هنگامی که در بُعد مادی می‌اندیشد، حس می‌کند و اراده می‌نماید، گرفتار می‌شود. برعکس هنگامی که وی برای خدمت خداوند می‌اندیشد، حس می‌کند و اراده می‌نماید، به تدریج از تمام قیود رها می‌گردد. هرچه بیشتر شخص در خدمت عاشقانه‌ی متعال خداوند مشغول گردد، خواسته‌ی وی برای آن افزایش می‌یابد. این طبیعت روحانی خدمت خدایی است. خدمت مادی حد اشباع دارد، در حالی که خدمت روحانی خداوند اشباع‌ناپذیر و بی‌پایان است. فرد می‌تواند اشتیاق خود برای خدمت روحانی و عاشقانه‌ی خداوند را بیافزاید و با این حال از این حس اشباع نگردد یا آرزوی پایان یافتن آن را ننماید. با خدمت شدید خداوند، فرد می‌تواند به حضور متعال خداوند را حس کند. بنابراین رؤیت خداوند به معنای اشتغال در خدمت است؛ چرا که خدمت به خداوند و شخص خداوند یکی هستند. عابد صادق باید خدمت صادقانه به خداوند را ادامه دهد. خداوند جهت مناسب در مورد چگونگی و مکان انجام خدمت را نشان خواهد داد. هیچ

تمایل مادی در نارادا وجود نداشت و با این حال خداوند برای تشدید تمایل مفرط نارادا به او، به وی چنین توصیه نمود.

آیه ۲۳

*sat-sevayādīrghayāpi
jātā mayi dṛḍhā matiḥ
hitvāvadyam imam lokam
gantā maj-janatām asi*

sat-sevayā: با خدمت به حقیقت مطلق؛ *adīrghayā*: برای چند روز؛ *api*: حتی؛ *jātā*: دست یافته؛ *mayi*: به من؛ *dṛḍhā*: ثابت؛ *matiḥ*: شعور؛ *hitvā*: ترک کرده است؛ *avadyam*: اسفناک؛ *imam*: این؛ *lokam*: جهان‌های مادی؛ *gantā*: رفتن به؛ *mat-janatām*: معاشران؛ *asi*: شدن.

ترجمه

با خدمت به حقیقت مطلق، حتی به مدت چند روز، یک عابد به شعوری ثابت و مستحکم در من می‌رسد. در نتیجه او این کار را ادامه می‌دهد تا پس از ترک این جهان‌های مادی اسفناک، معاشر من گردد.

شرح

خدمت به حقیقت مطلق به معنای انجام خدمت به شخصیت مطلق خداوند تحت هدایت پیر روحانی معتبر، که واسطه‌ای شفاف میان خداوند و عابد مبتدی است، می‌باشد. عابد مبتدی با قدرت حواس ناقص فعلی خویش توانایی نزدیکی شدن به شخصیت خداوند را ندارد و بنابراین تحت هدایت پیر روحانی وی در زمینه‌ی خدمت متعال به خداوند آموزش می‌یابد. و با چنین آموزشی، حتی برای چند روز، عابد مبتدی شعور لازم برای چنین خدمت متعالی را پیدا می‌کند، که در نهایت وی را به رهایی از سکونتگاه‌های موقتی این جهان مادی و ارتقاء به جهان روحانی برای تبدیل شدن به یکی از معاشران رهایی یافته‌ی خداوند در قلمروی پادشاهی‌اش هدایت می‌کند.

آیه ۲۴

*matir mayi nibaddheyam
na vipadyeta karhicit
prajā-sarga-nirodhe 'pi
smṛtiś ca mad-anugrahāt*

matih: شعور؛ *mayi*: وقف شده به من؛ *nibaddhā*: مشغول؛ *iyam*: این؛ *na*: هرگز؛ *vipadyeta*: مجزا؛ *karhicit*: در هر زمان؛ *prajā*: موجودات زنده؛ *sarga*: در زمان خلقت؛ *nirodhe*: و نیز در زمان نابودی؛ *api*: حتی؛ *smṛtiḥ*: یادآوری؛ *ca*: و؛ *mat*: مال من؛ *anugrahāt*: با لطف.

ترجمه

شعور مشغول در عبودیت هرگز مغشوش نمی‌گردد. حتی در زمان خلقت، و نیز در زمان نابودی جهان، تو با لطف من این خاطره را به یاد خواهی داشت.

شرح

خدمت عابدانه‌ی انجام شده برای شخصیت خداوند، هرگز بی‌فایده و بوج نمی‌شود. از آنجایی که شخصیت خداوند ابدی است، شعور به کار گرفته شده در خدمت وی یا هر کاری که در ارتباط با او نیز صورت پذیرد، دائمی است. در بهاواد-گیتا گفته شده است که چنین خدمت متعالی که برای شخصیت خداوند انجام شده باشد، زندگی پس از زندگی جمع می‌گردد و هنگامی که عابد به بلوغ کامل رسید، مجموع این خدمات وی را شایسته‌ی معاشرت با شخصیت خداوند می‌نماید. این خدمات‌های انباشته‌شده هرگز از بین نمی‌روند، بلکه چنین ذخیره‌ای تا آن هنگام که به بلوغ کامل برسد، مرتب افزایش می‌یابد.

آیه ۲۵

*etāvad uktvopararāma tan mahad
bhūtam nabho-liṅgam aliṅgam īśvaram
aḥam ca tasmai mahatām mahīyase*

śīrṣṇāvanāmam vidadhe 'nukampitah

etāvat: بدین ترتیب؛ *uktvā*: صحبت کرده؛ *uṣararāma*: متوقف شده؛ *tat*: آن؛ *mahat*: بزرگ؛ *bhūtam*: عجیب؛ *nabhaḥ-lingam*: شخصیت یافته با صوت؛ *aliṅgam*: نادیدنی با چشم؛ *īśvaram*: مرجع متعال؛ *aham*: من؛ *ca*: نیز؛ *tasmai*: به او (خداوند)؛ *mahatām*: عالی؛ *mahīyase*: به پرشکوه؛ *śīrṣṇā*: با سر؛ *avanāmam*: احترامات؛ *vidadhe*: انجام شده؛ *anukampitah*: مورد لطف خداوند.

ترجمه

آنگاه، آن مرجع متعال، شخصیت یافته با صوت و نادیده با چشمان، ولی خارق‌العاده‌ترین، از سخن گفتن باز ایستاد. من با حس شکرگزاری، سرم را خم کردم و بدین ترتیب احتراماتم را تقدیم وی نمودم.

شرح

اینکه شخصیت خداوند دیده نشده بود بلکه تنها شنیده شده بود، هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کرد. شخصیت خداوند با تنفس خویش چهار ودا را تولید کرد و او را می‌توان از طریق صوت روحانی وداها، رؤیت و درک نمود. مشابهاً بهاگاواد-گیتا تجلی صوتی خداوند است و هیچ تفاوتی در هویت آن وجود ندارد. نتیجه این است که خداوند را می‌توان با ذکر مداوم صوت متعال دید و شنید.

آیه ۲۶

nāmāny anantasya hata-trapaḥ paṭhan
guhyāni bhadraṇi kṛtāni ca smaran
gām paryaṭams tuṣṭa-manā gata-sṛṣṭhaḥ
kālam pratikṣan vimado vimatsaraḥ

nāmāni: نام، شهرت و ... مقدس؛ *anantasya*: از بی‌نهایت؛ *hata-trapaḥ*: آزاد از تشریفات جهان مادی؛ *paṭhan*: با نقل نمودن، خواندن مکرر، و غیره؛ *guhyāni*: پر از رمز و

راز؛ *bhadrāni*: تمام برکات؛ *kṛtāni*: فعالیت‌ها؛ *ca*: و؛ *smaran*: همواره به یاد داشتن؛ *gāma*: روی زمین؛ *paryaṭan*: سفر در تمام؛ *tuṣṭa-manāḥ*: کاملاً راضی؛ *-gata*: کاملاً آزاد از آرزوهای مادی؛ *kālam*: زمان؛ *pratikṣan*: منتظر؛ *vimadaḥ*: بدون غرور؛ *vimatsaraḥ*: بدون حسادت.

ترجمه

بدین ترتیب من ذکر نام و شهرت مقدس خداوند را از طریق بازگو نمودن مکرر آنها آغاز نمودم و از تمام تشریفات و آیین‌های دنیای مادی چشم پوشیدم. چنین ذکر و یادآوری بازی‌های روحانی خداوند پربرتک هستند. در حین انجام این کار، با رضایت کامل، تواضع و بدون حسد به سرتاسر زمین سفر نمودم.

شرح

بدین ترتیب نارادا مونی زندگی یک عابد پاک را به صورت مختصر و بر اساس الگوی شخصی خویش بیان نمود. چنین عابدی، پس از تشریف گرفتن از خداوند و یا نمایندگان معتبر وی، ذکر شکوه خداوند را بسیار جدی می‌گیرد و در تمام جهان سفر می‌کند تا سایر مردم نیز شکوه خداوند را بشنوند. چنین عابدانی هیچ آرزویی برای کسب دستاوردهای مادی ندارند. این عابدان تنها با یک آرزو هدایت می‌شوند: بازگشت به نزد خداوند. این آرزو تا موعد مقرر برای ترک این بدن مادی ملازم آنهاست. از آن جایی که آنها بالاترین هدف زندگی، یعنی بازگشت به نزد خداوند را در خود پرورش می‌دهند، هرگز به کسی حسادت نمی‌ورزند و نیز هرگز از شایستگی بازگشت به نزد خداوند مغرور نمی‌شوند. تنها اشتغال ایشان ذکر و یادآوری نام، شهرت و بازی‌های متعال خداوند و پخش این پیغام برای خیر همگان و بدون انگیزه برای کسب دستاوردهای مادی، در حد توانایی فردی‌شان است.

آیه ۲۷

*evaṁ kṛṣṇa-mater brahman
nāsaktasyāmalātmanaḥ
kālaḥ prādurabhūt kāle
taḍit saudāmanī yathā*

evam: بدین ترتیب؛ *kr̥ṣṇa-mateḥ*: فردی که همواره مجذوب اندیشه در مورد کریشنا است؛ *brahman*: ای ویاسادو؛ *na*: نه؛ *āsaktasya*: مربوط به کسی که دل بسته است؛ *-amala*: *ātmanah*: مربوط به کسی که کاملاً رها از آلودگی‌های مادی است؛ *kālah*: مرگ؛ *prādurabhūt*: قابل رؤیت شدن؛ *kāle*: در طول زمان؛ *taḍit*: صاعقه؛ *saudāmanī*: نورافشانی؛ *yathā*: آن گونه که هست.

ترجمه

و این چنین، ای ویاسادو برهمنانا، من که کاملاً مجذوب تفکر در مورد کریشنا بودم و بنابراین هیچ دل بستگی مادی نداشتم و کاملاً عاری از آلودگی‌های مادی بودم، در موعد مقرر از زمان، با مرگ ملاقات نمودم؛ درست همان گونه که صاعقه و درخشش نور آن در یک لحظه با هم پدید می‌آیند.

شرح

جذب کامل در اندیشه‌ی کریشنا به معنای پاکسازی از آلودگی‌ها و تمایلات مادی است. همان طور که فرد ثروتمند هیچ تمایلی نسبت به اشیای حقیر ندارد، یک عابد خداوند کریشنا نیز که به وی تضمین ورود به قلمروی پادشاهی خداوند - جایی که زندگی در آن جاودان، کاملاً آگاهانه و سرشار از شرف است - داده شده، طبیعتاً هیچ تمایلی برای موضوعات حقیر مادی ندارد. و این موضوعات برای وی همچون عروسک خیمه‌شب‌بازی و سایه‌هایی از واقعیت هستند و هیچ ارزش دائمی ندارد. این علامت اشخاصی است که به لحاظ روحانی به غنا و حد اعلائی رسیده‌اند. و در موعد مقرر، هنگامی که یک عابد پاک کاملاً آماده شده است، تعویض بدن که در عرف مرگ خوانده می‌شود، به طور ناگهانی اتفاق می‌افتد. و برای یک عابد پاک، چنین تغییری دقیقاً همچون صاعقه و درخشش نور آن است که همزمان با یکدیگر رخ می‌دهند. می‌توان گفت یک عابد همزمان بدن مادی خویش را تغییر می‌دهد و با اراده‌ی خداوند متعال، بدنی روحانی می‌پذیرد. یک عابد پاک حتی پیش از مرگ نیز هیچ احساسات مادی ندارد، چرا که بدن وی همچون آهنی گداخته با آتش، روحانی شده است.

آیه ۲۸

prayuḥyamāne mayi tāṁ

*śuddhām bhāgavatīm tanum
ārabdha-karma-nirvāṇo
nyapatat pāñca-bhautikaḥ*

prayuḥyamāne: پاداش گرفته؛ *mayi*: به من؛ *tām*: آن؛ *śuddhām*: روحانی؛ *bhāgavatīm*: شایسته برای معاشرت با شخصیت خداوند؛ *tanum*: بدن؛ *ārabdha*: حاصل شده؛ *karma*: عمل ثمربخش؛ *nirvāṇaḥ*: ممنوعه؛ *nyapatat*: ترک؛ *pāñca-bhautikaḥ*: بدن ساخته شده از پنج عنصر مادی.

ترجمه

با پاداش دریافت یک بدن متعال شایسته برای معاشرت با شخصیت خداوند، من بدن متشکل از پنج عنصر مادی را ترک نمودم و بدین ترتیب تمام نتایج اعمال ثمربخش (کارما) متوقف گردید.

شرح

نارادا مونی که از سوی شخص خداوند مطلع شده بود که بدنی متعال و مناسب برای معاشرت با خداوند به دست خواهد آورد، به محض ترک بدن مادی، بدن روحانی‌اش را پذیرفت. این بدن روحانی عاری از هر نوع قرابت مادی است و سه کیفیت اصلی متعال یعنی ابدیت، آزادی از گونه‌های مادی و آزادی از واکنش‌های اعمال ثمربخش در آن نهاده شده است. بدن مادی همواره مبتلا به کمبود این سه کیفیت است. بدن یک عابد به محض آنکه وی در خدمت عابدانه مشغول می‌شود بلافاصله واجد کیفیات متعال می‌گردد. این اتفاق همانند تأثیر مغناطیسی یک سنگ کیمیا بر آهن است. تأثیر خدمت عابدانه‌ی متعال نیز این چنین است. بنابراین تغییر بدن به معنای توقف واکنش‌های گونه‌های طبیعت مادی بر عابد پاک است. در متون مقدس، مثال‌های زیادی در این زمینه وجود دارد. دوروا ماهاراج و پراهلاد ماهاراج و بسیاری دیگر از عابدان قادر به دیدار چهره به چهره‌ی شخصیت خداوند در همین بدن بوده‌اند. این بدان معناست که کیفیت بدن عابد از ماده به روحانیت تغییر می‌یابد. این نظر گوسوامی‌های معتبر بر اساس متون موثق است. در برهما-سامهیتا گفته شده است که از میکروبی به نام ایندرا-گوپا (*indra-gopa*) تا ایندرا کیبر، پادشاه بهشت، تمام موجودات زنده تحت تأثیر قانون کارما، و

ناگزیر از تحمل رنج و لذت بردن از نتایج اعمال خویش هستند. تنها عابدان با لطف بی‌دلیل مرجع متعال یعنی شخصیت خداوند، از چنین واکنش‌هایی مستثنی هستند.

آیه ۲۹

*kalpānta idam ādāya
śayāne 'mbhasi udanvataḥ
śīśayiṣor anuṣṛāṇam
viviṣe 'ntar ahaṁ vibhoḥ*

kalpa-ante: در پایان روز برهما؛ *idam*: این؛ *ādāya*: جمع شدن؛ *śayāne*: رفت دراز بکشد؛ *ambhasi*: در اقیانوس علیت؛ *udanvataḥ*: نابودی؛ *śīśayiṣoḥ*: حالت دراز کشیده‌ی شخصیت خداوند (نارایانا)؛ *anuṣṛāṇam*: تنفس؛ *viviṣe*: داخل شد؛ *antaḥ*: درون؛ *ahaṁ*: من؛ *vibhoḥ*: مربوط به خداوندگار برهما.

ترجمه

در پایان این عصر، هنگامی که شخصیت خداوند، خداوند نارایانا، در درون آب‌های نابودی دراز کشید، برهما به همراه تمام عناصر خلقت شروع به ورود به بدن متعال او نمودند و من نیز از طریق تنفس خداوند وارد شدم.

شرح

نارادا به عنوان پسر برهما شناخته می‌شود، درست به همان ترتیب که کریشنا به عنوان پسر واسودوا شناخته می‌شود. شخصیت خداوند و عابدان رهایی‌یافته‌اش همچون نارادا با فرایندی مشابه وارد این جهان مادی می‌شوند. همان‌طور که بهاگاواد-گیتا بیان شده است، تولد و فعالیت‌های خداوند همگی متعال هستند. بنابراین، بر اساس نظریه‌ای معتبر، تولد نارادا به عنوان پسر برهما نیز یک بازی متعال است. ظهور و غیبت وی نیز عملاً سطحی مشابه با ظهور و غیبت خداوند قرار دارد. بنابراین خداوند و عابدانش به عنوان وجود و موجودات روحانی یکی و در عین حال متفاوت هستند. آنها به دسته‌ای مشابه از روحانیات تعلق دارند.

آیه ۳۰

sahasra-yuga-pariyante
 utthāyedaṁ sisṛkṣataḥ
 marīci-miśrā ṛṣayaḥ
 prāṇebhyo 'haṁ ca jajñire

sahasra: یک هزار؛ yuga: ۴۳۰۰۰۰۰ سال؛ prayante: در انتهای دوره؛ utthāya: منقضی شده؛ idam: این؛ sisṛkṣataḥ: اراده نمود که دوباره خلق کند؛ marīci-miśrāḥ: حکمایی همچون ماریچی؛ ṛṣayaḥ: تمام ریشی‌ها؛ prāṇebhyah: از حواس خداوند؛ aham: من؛ ca: نیز؛ jajñire: ظاهر شد.

ترجمه

پس از ۴،۳۲۰،۰۰۰،۰۰۰ سال خورشیدی، هنگامی که بر اساس اراده‌ی خداوند برهما برخاست تا دوباره خلق کند، تمام ریشی‌هایی [حکما] همچون ماریچی (Marīci)، آنگیرا (Aṅgirā)، آتری (Atri) و دیگران از بدن روحانی خداوند خلق شدند و من نیز همراه آنها ظاهر شدم.

شرح

طول یک روز از زندگی برهما ۴،۳۲۰،۰۰۰،۰۰۰ سال خورشیدی است. این موضوع نیز در بهاگاوادگیتا بیان شده است. بنابراین برای رسیدن روزی دیگر، برهماجی در یوگا-نیدرا (yoga-nidrā) در درون بدن گاربهوداکاشایی ویشنو، مولد برهما، آرام می‌گیرد. پس از اتمام دوره‌ی خواب برهما، هنگامی که دوباره بر اساس اراده‌ی خداوند از طریق واسطه‌ی برهما خلقت رخ می‌دهد، تمام حکیمان بزرگ دوباره از بخش‌های مختلف بدن متعال ظاهر می‌شوند و نارادا نیز این‌چنین ظاهر می‌شود. این بدان معناست که نارادا در همان بدن متعال ظاهر می‌شود، به همان ترتیبی که یک انسان در بدن خویش از خواب بر می‌خیزد. شری نارادا به صورت ابدی آزاد است تا در تمام بخش‌های خلقت روحانی و مادی قادر متعال حرکت کند. او در بدن متعال خویش ظاهر و سپس غایب می‌شود که این بدن متعال بر خلاف ارواح مقید هیچ تمایزی میان بدن و روح در آن وجود ندارد.

آیه ۳۱

antar bahiś ca lokāms trīn
 paryemy askandita-vrataḥ
 anugrahān mahā-viṣṇor
 avighāta-gatiḥ kvacit

antaḥ: در دنیای روحانی؛ bahiḥ: در جهان مادی؛ ca: و؛ lokān: سیاره‌ها؛ trīn: سه (بخش)؛ paryemi: سفر؛ askandita: ناشکسته، مسلسل؛ vrataḥ: تعهد؛ anugrahāt: با لطف بی‌دلیل؛ mahā-viṣṇoḥ: مربوط به ماها-ویشنو (کارانوداکاشایی ویشنو)؛ avighāta: بدون محدودیت؛ gatiḥ: ورود؛ kvacit: در هر زمان.

ترجمه

از آن زمان، به لطف ویشنوی قادر، بدون محدودیت در همه جا، چه در جهان‌های روحانی و در سه بخش دنیای مادی سفر می‌نمایم. این بدان دلیل است که من پیوسته مشغول خدمت عابدانه‌ی خداوند هستم.

شرح

همان‌طور که در بهاگاواد-گیتا بیان شده است، سه بخش حوزه‌ی مادی با نام‌های اوردهاوا-لوکا (ūrdhva-loka) (بالاترین سیارات)، مادهیا لوکا (madhya-loka) (سیارات میانی)، و آدهو-لوکا (adho-loka) (سیارات زیرین) وجود دارند. ورای اوردهاوا-لوکا یعنی بالاتر از برهما لوکا، پوشش‌های مادی جهان‌ها وجود دارند و بالاتر از آن آسمان روحانی است که به صورت نامتناهی بسط یافته است و دربرگیرنده‌ی سیارات وایکونتهای درخشان بی‌شماری است که سکونتگاه خداوند و معاشرانش، که موجوداتی رهایی یافته به طور ابدی هستند، می‌باشد. شری نارادا مونی می‌توانست در تمام این سیارات در حوزه‌های مادی و معنوی بدون محدودیت وارد گردد، درست با همان آزادی که خداوند قادر متعال برای جابجایی شخصی در هر بخش از خلقت خویش داراست. در جهان مادی، موجودات زنده تحت تأثیر سه گونه‌ی طبیعت مادی یعنی نیکی، شهوت و جهل هستند. اما شری نارادا مونی در ورای این سه گونه قرار دارد و بنابراین می‌تواند بدون هیچ محدودیتی به هر جا سفر کند. وی یک فزانورد رها است. لطف بی‌دلیل خداوند

ویشنو بی نظیر است و چنین لطفی تنها با تأیید خداوند توسط عابدان قابل درک می‌شود. بنابراین عابدان هرگز فرو نمی‌افتند؛ اما مادی‌گرایان، یا به عبارت دیگر عمل‌کنندگان برای اجر و ثمر و فلاسفه‌ی پندارگرا، تحت تأثیر قدرت گونه‌های مادی مذکور سقوط می‌کنند. ریشی‌ها، چنانچه در بالا ذکر گردید، نمی‌توانند همچون نارادا وارد دنیای روحانی شوند. این حقیقت در ناراسیمها پورانا (*Narasimha Purāṇa*) آشکار شده است. ریشی‌هایی همچون ماریچی، مراجع عمل ثمربخش هستند و ریشی‌هایی چون ساناکا و ساناتانا مراجعی در فلسفه‌ی پندارگرایانه‌ی هستند. اما شری نارادا مونی، مرجع اصلی خدمت عابدانه‌ی متعال خداوند است. تمام مراجع بزرگ خدمت عابدانه‌ی خداوند بر اساس روال ذکر شده در نارادا - بهاکتی - سوترا (*Narada-bhakti-sutra*) از مسیر طی شده توسط نارادا مونی پیروی می‌کنند و بنابراین تمام عابدان خداوند بدون شک شایسته‌ی ورود به قلمروی پادشاهی خداوند، وایکونتها هستند.

آیه ۳۲

*deva-dattām imām vīṇām
svara-brahma-vibhūṣitām
mūrcchayitvā hari-kathām
gāyamānaś carāmy aham*

deva: شخصیت اعلای خداوند (شری کریشنا)؛ *dattām*: هدیه گرفته از؛ *imām*: این؛ *vīṇām*: نوعی ساز موسیقی زهی؛ *svara*: سنجه آواز؛ *brahma*: متعالی؛ *vibhūṣitām*: آراسته با؛ *mūrcchayitvā*: ارتعاش؛ *hari-kathām*: پیغام روحانی؛ *gāyamānaḥ*: همواره سرودن؛ *carāmi*: جابه‌جا شدن؛ *aham*: من.

ترجمه

و بدین ترتیب، من همواره در حال سفر و سرودن پیغام متعال شکوه و جلال خداوند با نواختن این ساز که وینا نام دارد، با صوت متعال کار می‌کند و خداوند کریشنا آن را به من عطا نموده است، هستم.

شرح

وینا، ساز موسیقی زهی که خداوند شری کریشنا آن را به نارادا بخشیده بود، در لینگا پورانا توصیف شده است و این توصیفات توسط شریلا جیوا گوسوامی تأیید شده است. این ساز روحانی با خداوند شری کریشنا و نارادا یکسان است؛ چرا که تمام آنها از یک دسته‌ی متعال مشابه هستند. صوت ساطع شده از این ساز نمی‌تواند مادی باشد و بنابراین شکوه و بازی‌هایی که توسط ساز نارادا پخش می‌شود نیز بدون کوچک‌ترین اثری از مادیات، متعال هستند. هفت سنجه آواز (*singing meter*)، با نام‌های سا (*śaḍja*)، ری (*riṣabha*)، گا (*gāndhāra*)، ما (*mādhya*)، پا (*pañcama*)، دها (*dhaivata*) و نی (*niśāda*) نیز همگی متعال هستند و به طور ویژه برای آوازهای روحانی در نظر گرفته شده‌اند. به عنوان یک عابد پاک خداوند، شری نارادا دوا همواره مشغول ادای تعهدات خویش به خداوند در قبال این ساز به عنوان هدیه‌ی خداوند است و بنابراین همواره مشغول سرودن شکوه متعال خداوند است و این چنین از موقعیت‌های خود هرگز سقوط نمی‌کند. با پیروی از قدوم شری نارادا مونی، روح خودشناخته در دنیای مادی نیز باید با آواز خواندن در مورد شکوه خداوند به استفاده‌ی مناسب از سنجه‌های آواز یعنی سا، ری، گا، ما و غیره بنماید و این موضوع در بهاگاواد-گیتا نیز بیان شده است.

آیه ۳۳

*pragāyataḥ sva-vīryāṇi
tīrtha-pādaḥ priya-śravāḥ
āhūta iva me śīghram
darśanam yāti cetasi*

pragāyataḥ: بدین ترتیب خواندن؛ *sva-vīryāṇi*: فعالیت‌های مادی؛ *tīrtha-pādaḥ*: خداوند، که قدوم نیلوفرینش منشاء تمام فضایل یا مقدسات است؛ *priya-śravāḥ*: مطلوب برای شنیدن؛ *āhūtaḥ*: خطاب می‌شود؛ *iva*: درست همانند؛ *me*: به من؛ *śīghram*: خیلی زود؛ *darśanam*: رؤیت؛ *yāti*: ظاهر می‌شود؛ *cetasi*: در سکوی قلب.

ترجمه

خداوند متعال شری کریشنا، که شنیدن شکوه و فعالیت‌هایش دلنشین است،

به محض آنکه مشغول ذکر فعالیت‌های مقدس او می‌شوم، گویی از وی تمنا نموده باشم، فوراً در جایگاه قلبم ظاهر می‌گردد.

شرح

شخصیت مطلق خداوند متفاوت از نام، شکل، بازی‌های متعال و ارتعاشات صوتی خویش نیست. به محض آنکه عابد پاک در خدمت عبادانه‌ی پاک شنیدن، ذکر کردن و به یاد آوردن نام، شهرت و فعالیت‌های خداوند مشغول می‌شود، خداوند فوراً در پیش چشمان روحانی عابد پاک با انعکاس خود در آئینه‌ی قلب به واسطه‌ی تلویزیون روحانی قابل رؤیت می‌گردد. بنابراین یک عابد پاک که با خداوند در خدمت متعال عاشقانه مرتبط است، می‌تواند حضور خداوند را در هر لحظه تجربه کند. این یک موضوع روان‌شناختی طبیعی است که هر فردی آرزومند شنیدن و لذت بردن از شکوه خویش است که توسط دیگران بیان می‌شود. این یک گزینه‌ی طبیعی است و خداوند نیز که شخصیتی منفرد همچون دیگران است، از این قاعده‌ی روان‌شناختی مستثنی نیست؛ چرا که ویژگی‌های روان‌شناختی قابل رؤیت در ارواح منفرد چیزی جز انعکاس همان موضوع روان‌شناختی در خداوند مطلق نیستند. تنها تفاوت آن است که خداوند بزرگ‌ترین شخصیت در میان همگان، و در تمام امور مطلق است. بنابراین اینکه خداوند با ذکر شکوه خود توسط عابد پاک مجذوب می‌شود، موضوع عجیب و خیره‌کننده‌ای نیست. از آن جایی که وی مطلق است، می‌تواند خود را در تصویر تجلیل خویش ظاهر نماید و هر دو یکی هستند. شریلا نارادا شکوه خداوند را برای منفعت شخصی خویش نمی‌سراید، بلکه به این دلیل که تجلیل از خداوند با خود خداوند یکسان است. نارادا مونی با ذکر متعال در محضر خداوند حضور می‌یابد.

آیه ۳۴

*etat dhy ātura-cittānām
mātrā-sparśecchayā muhuḥ
bhava-sindhu-plavo dr̥ṣṭo
hari-caryānuvarṇanam*

etat: این؛ *hi*: قطعاً؛ *ātura-cittānām*: کسانی که ذهنشان همواره پر از غم‌ها و نگرانی‌هاست؛ *mātrā*: اشیای لذت حواس؛ *sparśa*: حواس؛ *icchayā*: با تمایلات؛

muhuh: همواره؛ *bhava-sindhu*: اقیانوس جهالت؛ *plavaḥ*: قایق؛ *dr̥ṣṭaḥ*: تجربه شده؛ *hari-carya*: فعالیت‌های هاری، شخص خداوند؛ *anuvāṇanam*: ذکر مستمر.

ترجمه

من شخصاً این را تجربه کرده‌ام که کسانی که به دلیل تمایل به تماس حواس با موضوعات و اشیای جلب‌کننده‌ی حواس همواره پر از نگرانی و غم هستند، می‌توانند با مناسب‌ترین قایق - ذکر دائمی فعالیت‌های متعال شخصیت خداوند - از اقیانوس جهل عبور کنند.

شرح

نشانه‌ی موجود زنده آن است که او حتی برای مدت کوتاهی نمی‌تواند ساکت باقی بماند. او باید کاری انجام دهد، به چیزی فکر کند یا در مورد موضوعی صحبت کند. معمولاً انسان‌های مادی در مورد موضوعاتی فکر و صحبت می‌کنند که حواسشان را راضی می‌کند. اما از آن جایی که این کارها تحت تأثیر انرژی بیرونی و توهمی تجربه می‌شود، چنین فعالیت‌های حسی واقعاً هیچ رضایتی را برای ایشان فراهم نمی‌کند. بلکه در عوض مملو از غم و نگرانی می‌شوند. این "مایا" یا "آنچه که نیست" نامیده می‌شود. آنچه که نمی‌تواند به ایشان رضایت دهد به عنوان هدف رضایت پذیرفته می‌شود. بنابراین نارادا مونی، با تجربه‌ی شخصی خویش، بیان می‌دارد که رضایت برای چنین موجودات افسرده‌ای که مشغول ارضای حواس هستند، با ذکر دائمی فعالیت‌های خداوند حاصل می‌گردد. نکته این جاست که تنها موضوع باید تغییر کند. هیچ‌کس نمی‌تواند فعالیت تفکر، احساسات، خواسته‌ها یا فرایندهای عمل موجود زنده را متوقف کند؛ اما اگر فردی خواستار شادی واقعی باشد، باید تنها موضوع را تغییر دهد. به جای صحبت در مورد سیاست‌های یک فرد میرا، فرد باید در مورد سیاست‌های اجرا شده توسط خود خداوند صحبت کند. در عوض لذت بردن از فعالیت‌های بازیگران سینما، فرد باید توجه خود را به فعالیت‌های خداوند با معاشران ابدی‌اش همچون گویی‌ها و لاکشمی‌ها معطوف سازد. شخصیت قادر خداوند با لطف بی‌دلیل خویش بر روی زمین ظهور می‌کند و فعالیت‌هایی تقریباً هم‌ردیف فعالیت‌های بشر دنیوی، ولی در عین حال خارق‌العاده را به نمایش می‌گذارد؛ زیرا او قادر متعال است. وی این فعالیت‌ها را برای خیر تمام ارواح مقید انجام می‌دهد به گونه‌ای که آنها بتوانند توجه خویش را به سمت متعال جلب کنند. با این اعمال، ارواح مقید به تدریج به موقعیت متعال

ارتقا خواهند یافت و به سادگی از اقیانوس جهل و نادانی، که سرمنشاء تمام بدبختی‌هاست عبور خواهند کرد. این امر از تجربیات شخصی افرادی همچون شری ناردا مونی بیان می‌شود. و ما نیز اگر پیروی از مسیر طی شده توسط حکیم بزرگ که عزیزترین عابد خداوند است را آغاز کنیم، می‌توانیم تجربه‌ی مشابهی داشته باشیم.

آیه ۳۵

yamādibhir yoga-ṣathaiḥ
kāma-lobha-hato muhuḥ
mukunda-sevayā yadvat
tathātmāddhā na sām̐yati

yama-ādibhiḥ: با روند تمرین خودداری؛ *yoga-ṣathaiḥ*: با سیستم یوگا (قدرت بدنی ماورایی برای رسیدن به سطح خدانشناسی)؛ *kāma*: آرزوهایی برای ارضای حواس؛ *lobha*: شهوت برای ارضای حواس؛ *hataḥ*: مهار شده؛ *muhuḥ*: همواره؛ *mukunda*: شخصیت خداوند؛ *sevayā*: با خدمت؛ *gadvat*: آن‌گونه که هست؛ *tathā*: همانند آن؛ *ātma*: روح؛ *addhā*: برای تمام مقاصد عملی؛ *na*: نمی‌کند؛ *sām̐yati*: راضی می‌شود.

ترجمه

صحیح است که با تمرین مهار حواس از طریق سیستم یوگا فرد می‌تواند از اغتشاشات آرزوها و شهوت رها شود، اما این برای رضایت روح کافی نیست؛ چرا که این امر [رضایت] از طریق خدمت عابدانه به شخصیت خداوند حاصل می‌شود.

شرح

هدف یوگا کنترل حواس است. با بکارگیری روند ماورایی تمرین‌های بدنی در نشستن، فکر کردن، حس کردن، خواستن، تمرکز کردن و در نهایت غرق شدن در متعال، فرد می‌تواند حواس را کنترل کند. حواس همانند مارهای سمی در نظر گرفته می‌شوند و سیستم یوگا تنها برای کنترل آنهاست. از سوی دیگر، نارادا مونی روش دیگری را برای کنترل حواس در خدمت

عاشقانه‌ی روحانی به موکوندا، شخصیت خداوند، توصیه می‌کند. او از روی تجربه‌ی شخصی می‌گوید که خدمت عابدانه به خداوند کاراتر و عملی‌تر از سیستم کنترل مصنوعی حواس است. در خدمت خداوند موکوندا، حواس به صورت متعال مشغول می‌شوند؛ بنابراین هیچ فرصتی برای اشتغال آنها در ارضای حواس باقی نمی‌ماند. حواس خواستار نوعی اشتغال هستند. کنترل مصنوعی آنها یعنی اینکه در واقع کنترلی وجود ندارد؛ چرا که به محض پیش آمدن فرصتی برای کسب لذت، حواس مارگونه خواهان بهره بردن از این فرصت خواهند شد. مثال‌های زیادی در تاریخ وجود دارد؛ مثل سقوط ویشوامیترا مونی (*Viśvāmītra Muni*) که قربانی زیبایی میناکا (*Menakā*) شد. اما مایا که با لباسی زیبا خود را آراسته بود در میانه‌ی شب سعی نمود هاری داس تنهاکور را اغوا نماید، اما نتوانست عابد بزرگ خداوند را در دام خود بیاندازد. ایده‌ی کلی آن است که بدون خدمت عابدانه‌ی خداوند، نه سیستم یوگا و نه پندار فلسفی خشک نمی‌توانند موفقیت‌آمیز باشند. چنین خدمت عابدانه‌ای ذاتاً روحانی است و سیستم یوگا و گیانا نسبت به آن فروتر محسوب می‌شوند. هنگامی که خدمت عابدانه‌ی متعال با چنین روند فرعی و فروتری ترکیب می‌شود، دیگر متعال نیست؛ بلکه خدمت عابدانه‌ی درهم آمیخته نامیده می‌شود. شریلا ویاسادو، نویسنده‌ی شریما-بهاگواتام، به تدریج تمام این سیستم‌های مختلف ادراک متعال را در متن شرح می‌دهد.

آیه ۳۶

*sarvaṁ tad idam ākhyātaṁ
yat pṛṣṭo 'haṁ tvayānagha
janma-karma-rahasyaṁ me
bhavataś cātma-toṣaṇam*

sarvaṁ: تمام؛ *tad*: آن؛ *idam*: این؛ *ākhyātaṁ*: توصیف شده؛ *yat*: هر آنچه؛ *pṛṣṭaḥ*: پرسش شده توسط؛ *aham*: به من؛ *tvayā*: توسط تو؛ *anagha*: بدون هیچ گناهی؛ *janma*: تولد؛ *karma*: فعالیت‌ها؛ *rahasyam*: رمزها؛ *me*: مال من؛ *bhavataḥ*: مال تو؛ *cātma*: روح؛ *toṣaṇam*: رضایت.

ترجمه

ای ویاسادو، تو از تمام گناهان آزاد هستی، بنابراین من تولد و فعالیت‌هایم برای خودشناسی را، همان‌طور که خواسته بودی، برایت شرح دادم. تمامی اینها به رضایت شخصی تو نیز منجر خواهد شد.

شرح

روند خدمت عابدانه از ابتدا تا مرحله‌ی کمال متعال به قدر لازم برای پاسخ دادن به پرسش‌های ویاسادو شرح داده شد. او توضیح داد که چگونه بذره‌های خدمت عابدانه با معاشرت روحانی در درون وی کاشته شدند و چگونه این بذرها با شنیدن از حکما به تدریج رشد نمودند. نتیجه‌ی چنین شنیدنی، انقطاع از موضوعات دنیوی است؛ به میزانی که حتی یک پسر بچه نیز می‌تواند خبر مرگ مادرش به عنوان تنها مراقب خود را به عنوان برکتی از سوی خداوند درک کند و فوراً از این فرصت برای جستجوی خداوند استفاده نماید. گرچه برای هیچ‌کس رؤیت خداوند با چشمان مادی ممکن نیست، اشتیاقی صادقانه برای داشتن صحبتی با خداوند نیز به وی اعطا شده بود. وی همچنین توضیح داد که چگونه با انجام خدمات متعال و پاک فرد می‌تواند بدن مادی خویش را به بدن متعال تبدیل کند. تنها بدن روحانی قادر به ورود به قلمرو روحانی خداوند است و هیچ کس جز یک عابد پاک شایسته ورود به پادشاهی خداوند نیست. تمام رازهای ادراک متعال به میزان لازم توسط نارادا مونی توضیح داده شد و بنابراین با شنیدن از چنین فرد معتبری فرد می‌تواند ایده‌ای نسبت به نتایج زندگی عابدانه به دست آورد. موضوعی که به ندرت حتی در متون اصلی وداها مشخص شده است. در وداها و اوپانیسادهای تنها اشاراتی غیرمستقیم به تمام این موارد وجود دارد. هیچ چیزی به صورت مستقیم در آنجا توضیح داده نشده است و بنابراین اگر متون ودایی را همچون درختانی در نظر بگیریم، شریماد-بهاگواتام، میوه‌ی رسیده تمامی آنهاست.

آیه ۳۷

sūta uvāca
evam sambhāṣya bhagavān
nārado vāsavī-sutam
āmantrya vīṇām raṇayan
yayau yādṛcchiko munih

sūtaḥ: سوتا گوسوامی؛ *uvāca*: گفت؛ *evam*: این؛ *sambhāṣya*: مخاطب؛ *bhagavān*: قدرتمند متعال؛ *nāradaḥ*: نارادامونی؛ *vāsavī*: با نام واساوی (ساتیاواتی)؛ *sutam*: پسر؛ *āmantrīya*: دعوت؛ *vīṇām*: ساز؛ *raṇayan*: مرتعش؛ *yayau*: رفت؛ *yādṛcchikāḥ*: هر آنچه خواست؛ *muniḥ*: حکیم.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: شریلا نارادامونی پس از آنکه بدین ترتیب با ویاسادو سخن گفت، وی را ترک نمود و در حین نواختن ساز وینای خویش، از آنجا رفت تا با اراده‌ی آزاد خویش در جهان‌ها گردش نماید.

شرح

تمام موجودات زنده مشتاق داشتن آزادی کامل هستند، چرا که این امر ذاتاً متعال است. و این آزادی تنها از طریق خدمت متعال به خداوند حاصل می‌شود. همه‌ی افراد تحت توهم انرژی بیرونی فکر می‌کنند که آزاد هستند؛ اما در واقع تحت قوانین طبیعت به بند کشیده شده‌اند. روح مقید نمی‌تواند به طور آزادانه از یک مکان به مکانی دیگر در این سیاره زمین حرکت کند، چه رسد به رفتن از سیاره‌ای به سیاره‌ی دیگر. اما روح رهای تکامل‌یافته‌ای همچون نارادا، که همواره مشغول ذکر شکوه خداوند می‌باشد، آزاد است که نه تنها در روی زمین، بلکه در هر بخشی از جهان و همچنین در هر بخشی از آسمان روحانی حرکت کند. ما فقط می‌توانیم میزان و بی‌نهایت بودن آزادی وی را تصور کنیم که به همان میزان آزادی خداوند متعال است. هیچ دلیل یا التزامی برای مسافرت وی وجود ندارد، و هیچ‌کس نمی‌تواند وی را از حرکت آزادانه‌اش باز دارد. مشابهاً، سیستم متعال خدمت عابدانه نیز آزاد است. این سیستم ممکن است حتی پس از طی تمام فرمول‌های مشروح، در شخصی ایجاد شود یا نشود. مشابهاً، معاشرت عابد نیز آزاد است. فرد ممکن است خوشبخت باشد و آن را به دست آورد و یا فرد ممکن است چنین خوشبختی نداشته باشد و حتی پس از هزاران بار تلاش آن را به دست نیاورد. بنابراین، در تمام حوزه‌های خدمت عابدانه، آزادی یک محور اصلی است. بدون آزادی، انجام خدمت عابدانه معنایی ندارد. تسلیم آزادی به خداوند بدین معنا نیست که عابد از تمام جنبه‌ها وابسته می‌شود. تسلیم شدن به خداوند از طریق واسطه‌ی شفاف پیر روحانی به معنای دستیابی به آزادی کامل در زندگی است.

آیه ۳۸

aho devarṣir dhanyo 'yam
yat-kīrtim śārṅgadhanvanaḥ
gāyan mādyann idam tantryā
ramayaty āturaṁ jagat

aho: تمام شکوه و موفقیت به؛ devarṣiḥ: حکیم خداوندگاران؛ dhanyaḥ: موفقیت کامل؛
ayam yat: کسی که؛ kīrtim: شکوه؛ śārṅga-dhanvanaḥ: مربوط به شخصیت
خداوند؛ gāyan: خواندن؛ mādyan: لذت بردن از؛ idam: این؛ tantryā: به وسیله این
ساز؛ ramayati: احیاء می‌کند؛ āturaṁ: رنج‌دیده؛ jagat: جهان.

ترجمه

تمام شکوه و پیروزی بر شریلا نارادا مونی باد؛ چراکه وی فعالیت‌های شخصیت
خداوند را می‌سراید و با انجام این کار خود لذت می‌برد و نیز به تمام ارواح
رنج‌دیده‌ی جهان را جانی دوباره می‌بخشد.

شرح

شری نارادا مونی با ساز خود فعالیت‌های متعال خداوند را می‌سراید و آسایشی را برای تمام
موجودات زنده‌ی رنج‌دیده‌ی جهان به ارمغان می‌آورد. هیچ‌کس در این جهان خوشبخت نیست و
آنچه به عنوان خوشبختی حس می‌شود، توهم مایاست. انرژی توهمی خداوند آن‌چنان قوی
است که حتی خوکی که در کنار مدفوع کثیف زندگی می‌کند خود را خوشبخت می‌پندارد.
هیچ‌کس واقعاً نمی‌تواند در این دنیای مادی خوشبخت باشد. شریلا نارادا مونی به منظور
آگاه‌سازی ساکنان بدبخت این دنیا، در تمام نقاط این جهان مشغول گردش است. مأموریت وی
بازگرداندن ایشان به سوی منزل، نزد خداوند است. این مأموریت تمام عابدان حقیقی خداوند با
پیروی از مسیر طی شده توسط آن حکیم بزرگ است.

بدین‌سان شرح‌های بهاکتی‌ودانتا بر فصل ششم از جزء اول شریماد-بهاگواتام با عنوان "گفتگو
میان نارادا و ویاسا" پایان می‌یابد.

فصل هفتم

مجازات پسر درونا

آیه ۱

śaunaka uvāca
 nirgate nārade sūta
 bhagavān bādarāyaṇaḥ
 śrutavāms tad-abhipretam
 tataḥ kim akarod vibhuḥ

śaunakaḥ: شری شوناکا؛ uvāca: گفت؛ nirgate: رفته بود؛ nārade: نارادا مونی؛ sūta: ای سوتا؛ bhagavān: قدرتمند از لحاظ روحانی؛ bādarāyaṇaḥ: ویاسادو؛ śrutavān: که شنید؛ tat: به او؛ abhipretam: خواسته‌ی ذهن؛ tataḥ: از آن پس؛ kim: آنچه؛ akarot: چه انجام داد؛ vibhuḥ: بزرگ

ترجمه

شری شوناکا گفت: ای سوتا، ویاسادو بزرگ به لحاظ روحانی قدرتمند، تمام موارد را از شری نارادا مونی شنید. پس از عزیمت نارادا، ویاسادو چه کرد؟

شرح

در این فصل، سرنخ توصیف شریما-د-بهاگاواتام با حفظ معجزه‌آسای ماهاراج پاریکشیت در رحم مادرش مطرح می‌شود. دلیل این امر دراوینی (Drauṇi) (یا همان آشواتهاما (Aśvatthāmā)،

پسر درونچاریاست که پنج پسر درویدی را در حالی که خوابیده بودند به قتل رساند و به همین دلیل توسط آرجونا مجازات شد. پیش از آغاز حماسه‌ی بزرگ شیریماد-بهاگواتام، شری ویاسادو کل حقیقت را از طریق خلسه در عبودیت درک کرد.

آیه ۲

sūta uvāca
brahma-nadyām sarasvatyām
āśramaḥ paścime taṭe
śamyāprāsa iti proktaḥ
ṛṣiṅnām satra-varhdhanaḥ

sūtaḥ: شری سوتا؛ *uvāca*: گفت؛ *brahma-nadyām*: در کنار ساحل رودخانه‌ای که به شدت مرتبط با وداه، برهماناها، حکما و خداوند است؛ *sarasvatyām*: ساراسواتی؛ *āśramaḥ*: کلبه‌ای برای تمرکز؛ *paścime*: بر غرب؛ *taṭe*: ساحل؛ *śamyāprāsaḥ*: مکانی به نام شامیپراسا؛ *iti*: بدین ترتیب؛ *proktaḥ*: گفت؛ *ṛṣiṅnām*: مربوط به حکیمان؛ *satra-varhdhanaḥ*: آنچه که فعالیت‌ها را جان می‌بخشد.

ترجمه

شری سوتا گفت: در شامیپراسا، در ساحل غربی رودخانه‌ی ساراسواتی که در ارتباطی نزدیک با وداهاست، کلبه‌ای برای مراقبه وجود دارد که فعالیت‌های متعال حکیمان را روح می‌بخشد.

شرح

برای پیشرفت روحانی دانش، قطعاً مکان و جوّی مناسب مورد نیاز است. مکان یاد شده در ساحل غربی ساراسواتی به طور خاص برای این مقصود مناسب است. و در آن‌جا آشرام ویاسادو در شامیپراسا وجود دارد. شریلا ویاسادو فردی متأهل بود، اما با این حال مکان اقامت وی آشرام نامیده می‌شود. آشرام مکانی است که در آن فرهنگ روحانی در درجه‌ی نخست قرار دارد. مهم نیست که این مکان به فردی متأهل یا مجرد تعلق داشته باشد. کل سیستم وارناشرام به گونه‌ای

طراحی شده است که تمام مراحل زندگی در آن آشرام نامیده می‌شود. این بدان معناست که فرهنگ روحانی، معیاری عمومی برای تمام مراحل زندگی است. برهماچاری‌ها، گریه‌استاها، واناپراستاها و سانیاسی‌ها همگی به مأموریتی مشابه در زندگی یعنی درک خداوند متعال تعلق دارند. بنابراین تا آنجا که به فرهنگ روحانی مربوط می‌شود، هیچ کدام از اهمیت کمتری برخوردار نیستند. تفاوت در نوع آداب و رسوم، بر اساس قدرت انقطاع است. سانیاسی‌ها داری بالاترین میزان قدرت انقطاع واقعی در نظر گرفته می‌شوند.

آیه ۳

*tasmin sva āśrame vyāso
badarī-ṣaṇḍa-maṇḍite
āsīno 'pa upasṛṣya
praṇidadhyau manaḥ svayam*

tasmin: در آن (آشرام)؛ *sve*: متعلق؛ *āśrame*: در کلبه؛ *vyāsaḥ*: ویاسادو؛ *badarī*: توت؛ *ṣaṇḍa*: درختان؛ *maṇḍite*: محصور شده با؛ *āsīnaḥ*: نشسته؛ *apaḥ upasṛṣya*: لمس آب؛ *praṇidadhyau*: متمرکز؛ *manaḥ*: ذهن؛ *svayam*: خودش.

ترجمه

در آن مکان، شریلا ویاسادو، در آشرام خویش، که با درختان توت محصور شده بود، پس از لمس آب برای پاک‌سازی، به مراقبه نشسته بود.

شرح

ویاسادو تحت هدایت آموزش‌های پیر روحانی‌اش شریلا نارادا مونی، در آن مکان متعال به منظور مراقبه، ذهن خود را متمرکز کرده بود.

آیه ۴

*bhakti-yogena manasi
samyak praṇihite 'male*

*aṇśyat puṛuṣam pūṛṇam
māyām ca tad-apāśrayam*

bhakti: خدمت عابدانه؛ *yogena*: با روند اتصال؛ *manasi*: بر ذهن؛ *samyak*: کاملاً؛
praṇihite: مشغول و متمرکز بر؛ *amale*: بدون هیچ موضوعی؛ *aṇśyat*: دید؛
puṛuṣam: شخصیت خداوند؛ *pūṛṇam*: مطلق؛ *māyām*: انرژی؛ *ca*: نیز؛ *tad*: به او؛
apāśrayam: تحت کنترل کامل.

ترجمه

بدین ترتیب، وی ذهنش را متمرکز نمود و با اتصال آن در خدمت عابدانه
(بهاکتی-یوگا) و بدون ذره‌ای مادی گرایی، آن را کاملاً مشغول نمود و این چنین
وی شخصیت مطلق خداوند را به همراه انرژی بیرونی اش که تحت کنترل کامل
وی بود، مشاهده نمود.

شرح

رؤیت کامل حقیقت مطلق تنها با فرایند اتصال خدمت عابدانه ممکن است. این موضوع در
بهاگاواد-گیتا تأیید شده است. فرد می‌تواند حقیقت مطلق شخصیت خداوند را تنها با روند خدمت
عابدانه کاملاً درک کند و می‌تواند با چنین دانش کاملی وارد پادشاهی خداوند شود. ادراک ناقص
مطلق با رویکرد جزئی به برهمن فاقد هویت یا پارامتامی مکان‌گزیده، به فرد اجازه نمی‌دهد که
به پادشاهی خداوند وارد شود. شری نارادا به شریلا ویاسادو توصیه کرد که خود را مجذوب
مراقبه‌ی متعال بر شخصیت خداوند و فعالیت‌هایش نماید. شریلا ویاسادو به انوار برهمن توجهی
نداشت، چرا که این تصویر مطلق نیست. تصویر مطلق، شخصیت خداوند است، همان‌گونه که در
بهاگاواد-گیتا (۱۹/۷) تأیید شده است: واسودوا ساروام ایتی (*vāsudevaḥ sarvam iti*). در
اوپانی‌شاد نیز این امر تأیید شده است که واسودوا، شخصیت خداوند، با تشعشع زرین درخشان
حجاب هیرانماینا پاترنای (*hiraṇmayena pātrena*) برهمن فاقد هویت، پوشانده شده است
و هنگامی که این پرده با لطف خداوند برداشته شود، صورت واقعی مطلق قابل رؤیت است.
مطلق در این‌جا با عنوان پوروشا (*puṛuṣa*) یا شخص مورد اشاره قرار گرفته است. شخصیت
مطلق خداوند در بسیاری از متون ودایی مورد اشاره قرار گرفته است و در بهاگاواد-گیتا، پوروشا

به عنوان شخص ابدی و اصلی تأیید شده است. شخصیت مطلق خداوند شخص کامل است. شخص متعال انرژی‌های متعددی دارد که در میان آنها انرژی‌های درونی، بیرونی و حاشیه‌ای به طور خاص مهم هستند. انرژی مورد اشاره در این جا آن چنان که شرح فعالیت‌های این انرژی در آیات بعد روشن خواهد نمود، انرژی خارجی است. انرژی درونی همواره همراه با شخص متعال است؛ درست به همان ترتیبی که نور ماه به همراه ماه است. انرژی بیرونی با تاریکی مقایسه می‌شود، چرا که این انرژی موجود زنده را در تاریکی چهل نکه می‌دارد. واژه آپاسرایام (*apāśrayam*) بیان می‌دارد که این انرژی خداوند تحت کنترل کامل است. انرژی درونی یا انرژی برتر نیز مایا نامیده می‌شود، اما این انرژی مایای روحانی یا انرژی‌ای است که در قلمرو مطلق نمایش داده می‌شود. وقتی که فرد تحت پناه این انرژی درونی قرار بگیرد، تاریکی جهالت مادی فوراً از بین می‌رود. حتی آن افرادی که آتماراما (*ātmarāma*) یا جذب در خلسه هستند پناه این مایا یا انرژی درونی را می‌گیرند. خدمت عابدانه، یا بهاکتی - یوگا، عملکرد انرژی درونی است؛ بنابراین، در تشعشع انوار روحانی هیچ جایی برای انرژی فروتر یا انرژی مادی وجود ندارد، درست همان گونه که هیچ جایی برای تاریکی وجود ندارد. چنین انرژی درونی حتی اعلی‌تر از شغف روحانی قابل حصول از ادراک برهمن فاقد هویت است. در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که انوار برهمن متعال نیز از شخصیت مطلق خداوند شری کریشنا نشأت گرفته‌اند. آن گونه که در آیه‌های بعد نیز توضیح داده خواهد شد، پاراما-پوروشا (*parama-puruṣa*) نمی‌تواند کسی غیر از خود شری کریشنا باشد.

آیه ۵

yayā sammohito jīva
 ātmānam tri-guṇātmakam
 paro 'pi manute 'narthaṁ
 tat-kṛtaṁ cābhipadyate

yayā: توسط آن کس؛ samamohitah: توهم‌زده؛ jīvaḥ: موجودات زنده؛ ātmānam: خود؛ tri-guṇa ātmakam: مقید به سه گونه‌ی طبیعت مادی، یا یک محصول ماده؛ paraḥ: متعال؛ api: علی‌رغم؛ manute: مسلم می‌داند؛ anatham: چیزهای ناخواسته؛ tat: با آن؛ kṛtam ca: واکنش؛ abhipadyate: به واسطه‌ی آن متحمل می‌شود.

ترجمه

در اثر این انرژی بیرونی، موجود زنده، گرچه نسبت به سه گونه‌ی طبیعت مادی متعال است، خود را به عنوان یک محصول ماده می‌پندارد و به همین دلیل واکنش‌های رنج‌های مادی را متحمل می‌شود.

شرح

دلیل اصلی رنجی که موجودات مادی‌گرا متحمل آن می‌شوند همراه با روش درمان آن و نیز کمال نهایی قابل حصول در این آیه‌ی خاص مورد اشاره قرار گرفته‌اند. موجود زنده ذاتاً در ورای اشتغال مادی قرار دارد، اما اکنون تحت قیود انرژی بیرونی قرار گرفته است و بنابراین خود را یکی از محصولات مادی می‌پندارد. و به دلیل این تماس نامقدس، موجود روحانی پاک، تحت گونه‌های طبیعت مادی از بدبختی‌های مادی رنج می‌برد. این بدان معنی است که روش منحرف شده‌ی فعلی اندیشیدن، حس کردن و خواستن تحت شرایط مادی، برای وی طبیعی نیست. بلکه او دارای روش منطقی اندیشیدن، حس کردن و خواستن است. موجود زنده در وضعیت ازلی خویش فاقد قدرت اندیشیدن، خواستن و حس کردن نیست. این موضوع در بهاگاواد-گیتا نیز تأیید شده است که دانش واقعی روح مقید در حال حاضر با جهل پوشیده شده است. بنابراین این نظریه که موجود زنده، برهمن فاقد هویت مطلق است، در این جا رد می‌شود. این نظریه نمی‌تواند صحت داشته باشد؛ چرا که موجود زنده در شرایط غیرمشروط و غیرمقید اصلی خویش نیز روش اندیشیدن مخصوص خود را دارد. شرایط مقید فعلی به دلیل تأثیر انرژی بیرونی است که به معنی در دست گرفتن ابتکار عمل توسط انرژی توهمی، و کناره‌گیری خداوند متعال از این امر است. خداوند طالب آن نیست که موجود زنده تحت توهم انرژی بیرونی قرار بگیرد. انرژی بیرونی به این حقیقت واقف است، اما با این وی وظیفه‌ی حق‌شناسانه دور نگه داشتن ارواح فراموش‌کار تحت توهم، اثرات گیج‌کننده‌ی خویش را می‌پذیرد. خداوند در این وظیفه انرژی بیرونی مداخله نمی‌کند؛ چرا که چنین عملکردی از انرژی بیرونی برای اصلاح ارواح مقید الزامی است. یک پدر مهربان دوست ندارد فرزندانش توسط فرد دیگری تنبیه شوند، با این حال وی فرزندان سرکش و طغیان‌گر خود را به یک معلم خشن می‌سپارد تا آنها را وادار به پذیرش نظم کند. اما پدر متعال و مهربان‌ترین فرد در عین حال طالب رهایی ارواح مقید از چنگال انرژی توهمی است. پادشاه، شهروندان طغیان‌گر را به زندان می‌اندازد، اما بعضی مواقع پادشاه که

خواستار رهایی زندانیان است، شخصاً به آن‌جا می‌رود و درباره‌ی اصلاحات صورت گرفته پرسش می‌کند و براساس آن اصلاحات، زندانیان را آزاد می‌کند. مشابهاً خداوند متعال از پادشاهی خویش به پادشاهی انرژی توهمی هبوط می‌کند و شخصاً رهایی را به شکل بهاگاواد-گیتا عرضه می‌دارد، و در آن بیان می‌نماید که گرچه راه‌های غلبه بر انرژی توهمی بسیار سخت هستند، فردی که تسلیم قدم نیلوفرین خداوند می‌شود با دستور متعال آزاد می‌شود. این روند تسلیم، راه درمان برای رهایی از روش‌های گیج‌کننده‌ی انرژی توهمی است. روند تسلیم تحت تأثیر معاشرت کامل می‌شود. بنابراین خداوند بیان می‌دارد که تحت تأثیر سخنان قدیسان که واقعاً متعال را درک کرده‌اند، انسان‌ها می‌توانند در خدمت عاشقانه‌ی متعال خداوند مشغول شوند. روح مقید اشتیاق شنیدن در مورد خداوند را می‌یابد و تنها با چنین شنیدنی وی به تدریج به سکوی احترام، عبودیت و دلستگی به خداوند ارتقا پیدا می‌کند. کل موضوع با روند تسلیم کامل می‌شود. در این‌جا نیز پیشنهاد مشابهی توسط خداوند در تجلی خویش به صورت ویاسادو ارائه می‌شود. این بدان معنی است که خداوند ارواح مقید را به دو صورت، یعنی با روند مجازات توسط انرژی خداوند، و توسط خود به عنوان پیر روحانی درون و برون اصلاح می‌کند. درون قلب هر موجود زنده خود خداوند به عنوان روح متعال (پاراماتما) تبدیل به پیر روحانی می‌شود و از بیرون وی به شکل متون مقدس، قدیسان و پیر روحانی تشریف‌دهنده به پیر روحانی تبدیل می‌شود. این موضوع با وضوح بیشتری در آیه‌ی بعدی توضیح داده می‌شود.

مدیریت شخصی انرژی توهمی در ارتباط با قدرت کنترل خداوندگاران در وداها (کِنا اوپانیشاد) (*Kena Upaniṣad*) تأیید شده است. همچنین در این باره به روشنی بیان شده است که موجود زنده بر اساس ظرفیت فردی توسط انرژی بیرونی کنترل می‌شود. اما به هر حال از این عبارت بهاگاواتام مشخص است که همان انرژی بیرونی در موقعیت فروتر و پست‌تر نسبت به شخصیت خداوند یا وجود کامل قرار دارد. انرژی بیرونی که تنها بر موجودات زنده عمل می‌کند حتی نمی‌تواند به خداوند متعال نزدیک شود. بنابراین این تنها تصویری محض است که خداوند تحت توهم انرژی بیرونی قرار می‌گیرد و بنابراین به یک موجود زنده تبدیل می‌شود. اگر موجود زنده و خداوند در یک دسته‌ی مشابه بودند، آن‌گاه درک این موضوع برای ویاسادو کاملاً ممکن بود و بنابراین هیچ شکی در مورد رنج‌های مادی ایجاد شده از سوی موجودات واقع در توهم مطرح نمی‌گردید؛ چرا که وجود متعال کاملاً آگاه است. بنابراین تصورات غلط زیادی توسط وحدت‌گرایان مطرح می‌شود که همگی تلاش دارند خداوند و موجود زنده را در یک دسته قرار دهند. اگر خداوند و موجود زنده مشابه یکدیگر بودند آنگاه شریلا شوکادو گوسوامی زحمت

توصیف بازی‌های متعال خداوند را به خود نمی‌داد؛ چرا که آنها همگی از تجلیات انرژی توهمی بودند.

شریماد-بهاگواتام درمان مطلق رنج‌های مادی بشریت واقع در چنگال مایاست. بنابراین شریلا ویاسادو در ابتدا بیماری واقعی ارواح مقید یا به عبارت دیگر تحت توهم قرار گرفتن توسط انرژی بیرونی را تشخیص می‌دهد. وی همچنین وجود متعال کامل را رؤیت می‌کند که انرژی بیرونی‌اش از او کاملاً مجزاست و سپس هم ارواح مقید بیمار و هم دلیل بیماری را مورد بررسی قرار می‌دهد. شخصیت‌های خداوند و موجودات زنده بدون شک از لحاظ کیفی یکی هستند؛ اما خداوند کنترل‌کننده‌ی انرژی توهمی است، در حالی که موجود زنده تحت کنترل انرژی توهمی است. بدین ترتیب، خداوند و موجودات زنده به طور همزمان یکی و متفاوت هستند. در این‌جا نکته‌ی دیگری نیز واضح است: اینکه ارتباط بین خداوند و موجود زنده متعال است، چه در غیر این صورت، خداوند خود را برای رهایی ارواح مقید از چنگال مایا به زحمت نمی‌انداخت. به همین طریق، موجود زنده نیازمند احیای عشق و محبت ذاتی خویش نسبت به خداوند است و این اعلاترین کمال موجود زنده است و شریماد-بهاگواتام با در نظرگیری این هدف اصلی زندگی، ارواح مقید را درمان می‌کند.

آیه ۶

*anarthopaśamaṁ sākṣād
bhakti-yogam adhokṣaje
lokasyājānato vidvāṁś
cakre sātṛvata-saṁhitām*

anartha: چیزهایی که زائد هستند؛ *upaśamaṁ*: کاهش؛ *sākṣāt*: مستقیماً؛ *bhakti-yogam*: روند اتصال در خدمت عبادانه؛ *adhokṣaje*: به متعال؛ *lokasya*: مربوط به عموم مردم؛ *ajānataḥ*: ناآگاهان از؛ *vidvāṁś*: حکیم متعال؛ *cakre*: تألیف نمود؛ *sātṛvata*: در ارتباط با حقیقت متعال؛ *saṁhitām*: ادبیات ودایی.

ترجمه

رنج‌های مادی موجود زنده، که برای وی غیر ضروری هستند؛ می‌توانند مستقیماً

با روند اتصال در خدمت عابدانه کاهش یابند. اما عموم مردم این موضوع را نمی‌دانند و بنابراین ویاسادو حکیم، ادبیات ودایی را که در ارتباط با حقیقت متعال هستند تألیف نمود.

شرح

شریلا ویاسادو شخصیت کامل خداوند را رؤیت نمود. این عبارت نشان می‌دهد که کل کامل شخصیت خداوند اجزاء و ذات وی را نیز شامل می‌شود. بنابراین وی انرژی‌های مختلف خداوند یعنی انرژی درونی، انرژی حاشیه‌ای و انرژی بیرونی را نیز مشاهده کرده بود. وی همچنین بسط‌های کامل مختلف خداوند و اجزای بسط‌های کامل خداوند، یعنی تجلیات مختلف خداوند را مشاهده کرد و نیز به طور خاص، رنج‌های ناخواسته‌ی ارواح مقید را که با انرژی بیرونی سرگشته شده‌اند رؤیت نمود. در نهایت وی ابزار درمان ارواح مقید یعنی روند خدمت عابدانه را مشاهده کرد. این یک دانش روحانی عظیم است و با روند شنیدن و ذکر کردن نام، شهرت، و شکوه و دیگر موارد شخصیت اعلای خداوند آغاز می‌شود. احیای آن محبت یا عشق خفته به خداوند وابسته به سیستم مکانیکی شنیدن و ذکر کردن نیست، بلکه تنها و کاملاً وابسته به لطف بی‌دلیل خداوند است. هنگامی که خداوند از تلاش‌های صادقانه‌ی عابد راضی گردد، به وی خدمت عاشقانه‌ی متعال خویش را ارزانی می‌دارد؛ اما حتی با اشکال توصیف‌شده‌ی شنیدن و ذکر کردن، بلافاصله رنج‌های زائد و ناخواسته‌ی حیات مادی کاهش می‌یابد. این کاهش تأثیرات مادی به پیشرفت دانش متعال موکول نمی‌گردد؛ بلکه این دانش است که برای درک نهایی حقیقت مطلق به خدمت عابدانه وابسته می‌باشد.

آیه ۷

*yasyām vai śrūyamāṇāyām
kṛṣṇe parama-pūruṣe
bhaktir utpadyate puṁsaḥ
śoka-moha-bhayāpahā*

yasyām: این متن ودایی؛ *vai*: قطعاً؛ *śrūyamāṇāyām*: صرفاً با پذیرش شنیداری؛
kṛṣṇe: به خداوند کریشنا؛ *parama*: متعال؛ *pūruṣe*: به شخصیت خداوند؛ *bhaktiḥ*:

احساسات خدمت عابدانه، *utpadyate*: جوانه می‌زند؛ *ṣumsaḥ*: مربوط به موجود زنده؛ *śoka*: سوگواری؛ *moha*: توهم؛ *bhaya*: ترس، *apahā*: آنچه خاموش می‌سازد.

ترجمه

صرفاً با پذیرش شنیدن این متن ودایی، حس خدمت عابدانه‌ی عاشقانه‌ی خداوند کریشنا، شخصیت اعلا‌ی خداوند، فوراً جوانه می‌زند تا آتش غم، توهم و ترس را خاموش فرو بنشانند.

شرح

حواس متعددی وجود دارند که در این میان گوش کارآمدترین ایشان است. این حس حتی هنگامی که انسان در خواب عمیق باشد نیز کار می‌کند. هنگامی که فرد بیدار باشد می‌تواند خود را از تیررس هر دشمنی رها کند، اما به هنگام خواب تنها توسط گوش خود حفاظت می‌شود. اهمیت شنیدن در این‌جا در ارتباط با دستیابی به بالاترین کمال زندگی، یعنی رهایی از چنگال‌های سه‌گانه‌ی مادی مورد اشاره قرار می‌گیرد. همه همواره مشغول سوگواری، و در جستجوی سراب اشیای توهمی هستند و همواره از دشمن فرضی خویش می‌ترسند. اینها نشانه‌های اصلی مرض مادی هستند. و در این‌جا به وضوح بیان شده است که صرفاً با شنیدن پیغام شریماد-بهاگاواتام، فرد دلبسته‌ی شخصیت اعلا‌ی خداوند شری کریشنا می‌شود و به محض آنکه تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد، نشانه‌های بیماری‌های مادی در وی ناپدید می‌شوند. شریلا و یاسادو شخصیت کامل خداوند را رؤیت نمود و در این عبارت شخصیت کامل خداوند شری کریشنا به وضوح مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نتیجه‌ی نهایی خدمت عابدانه، پرورش عشق ناب به شخصیت متعال است. عشق واژه‌ای است که اغلب در ارتباط میان مرد و زن به کار گرفته می‌شود. و عشق تنها واژه‌ای است که می‌تواند به طور مناسب برای بیان رابطه‌ی میان شری کریشنا و موجودات زنده به کار رود. موجودات زنده در بهاگاواد-گیتا به عنوان پراکرتی (*prakṛti*) مورد اشاره قرار گرفته‌اند و در سانسکرت، پراکرتی یک شیء مؤنث است. خداوند همواره به عنوان پاراما-پورو‌شا (*parama-puruṣa*) یا شخصیت مذکر متعال توصیف شده است. بدین ترتیب، محبت میان خداوند و موجود زنده چیزی شبیه رابطه‌ی میان مرد و زن (مذکر و مؤنث) است. بنابراین اصطلاح عشق خداوند کاملاً مناسب است.

خدمت عابدانه‌ی عاشقانه با شنیدن در مورد خداوند آغاز می‌شود. هیچ تفاوتی میان خداوند و موضوعات شنیده شده در ارتباط با وی نیست. خداوند از همه جهت مطلق است و بدین ترتیب هیچ تفاوتی میان وی و موضوعات مطرح‌شده در ارتباط با وی نیست. بنابراین، شنیدن درباره‌ی وی به معنای ارتباط مستقیم با او از طریق ارتعاش صوت متعال است؛ و صوت متعال چنان کارآمد است که فوراً تمام احساسات مادی ذکر شده در بالا را از بین می‌برد. همان‌طور که پیش‌تر ذکر گردید، موجود زنده با معاشرت مادی نوعی پیچیدگی را پرورش می‌دهد و قفس توهمی بدن مادی به عنوان یک حقیقت واقعی پذیرفته می‌شود. تحت چنین پیچیدگی کاذبی، موجود زنده در طبقه‌های مختلف زندگی به طرق مختلف تحت توهم قرار می‌گیرد. حتی در پیشرفته‌ترین مرحله‌ی زندگی انسانی، همان توهم در شکل بسیاری از ایسم‌ها به انسان غالب می‌گردد و رابطه‌ی عاشقانه با خداوند منفصل و بنابراین رابطه‌ی عاشقانه‌ی میان انسان‌ها نیز منفصل می‌شود. با شنیدن موضوع شریما-بهاگاواتام این پیچیدگی کاذب مادی‌گرایی رفع می‌شود و آرامش واقعی در جامعه آغاز می‌گردد، آرامشی که سیاستمداران در بسیاری از موقعیت‌های سیاسی مشتاقانه خواهان آن هستند. سیاستمداران خواستار موقعیتی آرام میان انسان‌ها و میان کشورها هستند، اما در حال حاضر به دلیل دل‌بستگی شدید آنها به سلطه‌گری مادی، توهم و ترس وجود دارد. بنابراین کنفرانس‌های صلح سیاستمداران نمی‌تواند برای جامعه صلح را به ارمغان آورد. صلح تنها با شنیدن موضوعات بیان‌شده در شریما-بهاگاواتام در مورد شخصیت‌های اعلای خداوند شری کریشنا می‌تواند ایجاد شود. سیاستمداران نادان ممکن است برای صدها سال به برگزاری کنفرانس‌هایی با موضوعات صلح و موفقیت پردازند، اما با این وجود در دستیابی به موفقیت شکست خواهند خورد. تا هنگامی که ما به مرحله‌ی احیای مجدد رابطه‌ی از دست رفته‌ی خود با خداوند کریشنا نرسیم، توهم پذیرش بدن به عنوان خود غالب خواهد بود و بنابراین ترس نیز بر ما مستولی خواهد گشت. در مورد اعتبار شری کریشنا به عنوان شخصیت اعلای خداوند، صدها و هزاران هزار مدرک از تجربیات شخصی عابدان در مکان‌های مختلف همچون ورینداوان، ناوادویپ و پوری وجود دارد. حتی در لغتنامه‌ی کائومودی (*Kaumudī*) مترادف‌های کریشنا به صورت پسر یاشودا و شخصیت اعلای خداوند پارابرهمن ارائه شده است. نتیجه آن است که صرفاً با شنیدن متن ودایی شریما-بهاگاواتام، فرد می‌تواند به ارتباط مستقیم با شخصیت اعلای خداوند شری کریشنا دست یابد و بنابراین با عبور از رنج‌های مادی، توهم و ترس می‌تواند به بالاترین کمال زندگی دست یابد. این آزمون‌هایی عملی برای کسی است که واقعاً به شنیدن متواضعانه‌ی نوشته‌های شریما-بهاگاواتام می‌پردازد.

آیه ۸

sa samhitām bhāgavatīm
 kṛtvānukramya cātma-jam
 śukam adhyāpayām āsa
 nivṛtti-niratam munih

saḥ: آن؛ samhitām: متون ودایی؛ bhāgavatīm: در ارتباط با شخصیت خداوند؛ kṛtvā: انجام شده است؛ anukramya: با اصلاح و تکرار؛ ca: و؛ ātma-jam: پسر خویش؛ śukam: شوکادو گوسوامی؛ adhyāpayām āsa: آموخت؛ nivṛtti: مسیر خودشناسی؛ niratam: مشغول؛ munih: حکیم.

ترجمه

حکیم بزرگ ویاسادو، پس از تألیف و بازنگری شَریماَد-بِهاگاواتام، آن را به پسر خویش شَری شوکادو گوسوامی که پیش تر مشغول خودشناسی شده بود، آموخت.

شرح

شَریماَد-بِهاگاواتام شرح مسلم برهما-سوتراهاست که توسط همین نویسنده تألیف شده‌اند. هدف این برهما-سوترا، یا ودانتا-سوترا، کسانی است که مشغول موضوع خودشناسی هستند. شَریماَد-بِهاگاواتام به ترتیبی تألیف شده است که فرد می‌تواند صرفاً با شنیدن موضوعات آن مشغول مسیر خودشناسی گردد. گرچه این متن اصولاً برای پاراماهاماساها یا کسانی که کاملاً مشغول خودشناسی هستند در نظر گرفته شده است، اما در اعماق قلب‌های کسانی که ممکن است افراد دنیوی نیز باشند عمل می‌کند. افراد دنیوی همگی مشغول ارضای حواس هستند. اما حتی چنین افرادی می‌توانند در این متن ودایی ابزار درمان امراض مادی خود را پیدا کنند. شوکادو گوسوامی از همان بدو تولد روحی‌رهایی‌یافته بود و پدر وی شَریماَد-بِهاگاواتام را به وی آموخت. در میان دانشمندان مادی، در مورد تاریخ تألیف شَریماَد-بِهاگاواتام اختلاف نظر وجود دارد. با این حال، از متن بهاگاواتام مشخص است که این کتاب پیش از مرگ پادشاه پاریکشیت و پیش از عزیمت خداوند کریشنا از زمین تألیف شده است. هنگامی که ماهاراج پاریکشیت به عنوان پادشاه

بهارات- وارشا (*Bhārata-varṣa*) بر جهان حکومت می‌کرد، شخصیت کالی را تنبیه نمود. بر اساس متون مقدس و محاسبات ستاره‌شناسی، از آغاز عصر کالی پنج هزار سال گذشته است. بنابراین، شریماد-بهاگواتام در فاصله‌ای کمتر از پنج هزار سال پیش تألیف شده است. ماهابهارات پیش از شریماد-بهاگواتام، و پوراناها پیش از ماهابهارات تألیف شده‌اند. این تخمینی از تاریخ تألیف متون مختلف ودایی است. با آموزش نارادا، مختصری از شریماد-بهاگواتام پیش از توصیف مشروح آن ارائه شده است. شریماد-بهاگواتام دانش پیروی از مسیر نیوریتی-مارگا (*nivṛtti-mārga*) است. نارادا مسیر نیوریتی-مارگا که مسیر تمایل طبیعی تمام ارواح مقید است را تقبیح می‌کند. موضوع شریماد-بهاگواتام علاج بیماری مادی بشر یا توقف کامل دردهای سخت حیات مادی است.

آیه ۹

*śaunaka uvāca
sa vai nivṛtti-nirataḥ
sarvatropekṣako muniḥ
kasya vā bṛhatīm etām
ātmārāmaḥ samabhyasat*

śaunakaḥ uvāca: شری شوکانا پرسید؛ *saḥ*: او؛ *vai*: البته؛ *nivṛtti*: در مسیر خودشناسی؛ *nirataḥ*: همواره مشغول؛ *sarvatra*: از هر جهت؛ *upekṣakaḥ*: بی‌تفاوت؛ *muniḥ*: حکیم؛ *kasya*: به چه دلیل؛ *vā*: یا؛ *bṛhatīm*: وسیع؛ *etām*: این؛ *ātma-ārāmaḥ*: فردی که در خود راضی است؛ *samabhyasat*: مشغول مطالعه شدن.

ترجمه

شری شوناکا از سوتاگوسوامی پرسید: شری شوکادو گوسوامی از قبل در مسیر خودشناسی قرار داشت و بنابراین در درون خود راضی بود، پس چرا خود را برای پذیرش مطالعه‌ی چنین متن وسیعی به زحمت انداخت؟

شرح

برای عموم مردم بالاترین کمال زندگی، توقف فعالیت‌های مادی و ثبات در مسیر خودشناسی است. افراد مشغول کسب لذت حواس یا کسانی که در اقدامات رفاهی بدنی و مادی ثابت‌قدم هستند، کارمی‌نامیده می‌شوند. از میان هزاران و میلیون‌ها نفر از چنین کارمی‌هایی، ممکن است یک نفر با خودشناسی آتماراما (*ātmārāma*) شود. آتما یعنی خود، و آراما یعنی لذت بردن. همه در جستجوی کسب بالاترین لذت هستند، اما استاندارد لذت هر فرد ممکن است از استاندارد فرد دیگر متفاوت باشد. بنابراین، استاندارد لذت کسب شده توسط کارمی‌ها متفاوت از استاندارد لذت آتماراماها است. آتماراماها از هر جهت کاملاً بی‌تفاوت هستند. شریلا شوکادو گوسوامی پیش‌تر به آن مرحله رسیده بود و با این حال مجذوب پذیرش زحمت مطالعه‌ی متن عظیم بهاگواتام گردید. این بدان معنی است که شربماد-بهاگواتام یک مطالعه‌ی تکمیلی حتی برای آتماراماهاست که تمام مطالعات دانش ودایی را پشت سر گذاشته‌اند.

آیه ۱۰

sūta uvāca
ātmārāmāś ca munaya
nirgranthā apy urukrame
kurvanti ahaitukīm bhaktim
ittham-bhūta-guṇo hariḥ

sūtaḥ uvāca: سوتاگوسوامی پرسید؛ *ātmārāmāḥ*: کسانی که در آتما (معمولاً روح) لذت می‌برند؛ *ca*: نیز؛ *munayaḥ*: حکیمان؛ *nirgranthāḥ*: آزاد از تمام قیود؛ *api*: علی‌رغم؛ *urukrame*: به ماجراجوی بزرگ؛ *kurvanti*: انجام می‌دهد؛ *ahaitukīm*: پاک؛ *bhaktim*: خدمت عبادانه؛ *ittham-bhūta*: اعجاب‌آور؛ *guṇaḥ*: کیفیات؛ *hariḥ*: مربوط به خداوند.

ترجمه

تمام انواع مختلف آتماراماها (کسانی که در آتما یا روح لذت می‌برند)، به‌ویژه آنهایی که کاملاً در مسیر خودشناسی قرار دارند، گرچه آزاد از تمام قیود مادی هستند، تمایل به انجام خدمت عاشقانه‌ی پاک به شخص خداوند دارند. این

بدان معناست که خداوند دارای کیفیات روحانی است، و بنابراین می‌تواند همگان و از جمله ارواح رهایی یافته را مجذوب خود سازد.

شرح

شری چیتانیا ماهاپرابهو این آیه‌ی آتماراما را به روشنی برای شاگرد ارشد خویش شریلا سانانانا گوسوامی توضیح داد. وی یازده عامل را در این آیه مشخص نمود که به ترتیب عبارتند از: (۱) آتماراما (*ātmarāma*)، (۲) مونایا (*munayah*)، (۳) نیرگرانتها (*nirgrantha*)، (۴) آپی (*api*)، (۵) چا (*ca*)، (۶) اوروکراما (*urukrama*)، (۷) کوروانتی (*kurvanti*)، (۸) آهایتوکیم (*ahaitukim*)، (۹) بهاکتیم (*bhaktim*)، (۱۰) ایتهم-بهوتا-گونوا (*ittham-bhūta-guṇaḥ*) و (۱۱) هاری (*hariḥ*). بر اساس لغت‌نامه‌ی سانسکریت ویشوا-پراکاشا (*Viśva-prakāśa*)، هفت مترادف برای واژه‌ی آتماراما وجود دارد که به شرح زیر هستند: (۱) برهنم (حقیقت مطلق)، (۲) بدن، (۳) ذهن، (۴) تلاش، (۵) تحمل، (۶) شعور، (۷) رفتارهای فردی.

کلمه مونایا به کسانی اشاره دارد که (۱) بسیار اندیشمند هستند، (۲) موقر و خاموش هستند، (۳) ریاضت‌کشان (۴) پاداران، (۵) درویشان، (۶) حکیمان و (۷) قدیسان. واژه‌ی نیرگرانتها دربرگیرنده‌ی مفاهیم زیر است: (۱) فردی که از جهل رها شده است، (۲) فردی که هیچ ارتباطی با قواعد روحانی ندارد؛ یعنی کسی که از الزامات قواعد و قوانین ذکر شده در متون مقدس همانند اخلاقیات، وداها، فلسفه، روان‌شناسی و متافیزیک آزاد است (به کلام دیگر نادانان، بی‌سوادان، شیطان‌صفتان و غیره، که هیچ رابطه‌ای با قواعد تنظیم‌کننده ندارند)، (۳) فرد سرمایه‌دار، و نیز (۴) فرد فقیر.

بر اساس لغت‌نامه‌ی شابدا-کوشا (*Śabda-kośa*)، پیشوند نی در این موارد استفاده می‌شود: (۱) قطعاً، (۲) محاسبه، (۳) ساخت، (۴) ممنوعیت؛ و واژه‌ی گرانتها در مورد ثروت، نظریه، لغت‌نامه و غیره استفاده می‌شود.

واژه‌ی اوروکراما به معنای "فردی است که فعالیت‌های پرشکوهی دارد". کراما یعنی قدم. کلمه‌ی اوروکراما به‌ویژه بیان‌گر ظهور خداوند به صورت واماناست که کل جهان را با گام‌های غیرقابل اندازه‌گیری پیمود. خداوند ویشنو قادر است و فعالیت‌های وی آن‌چنان پرشکوه است که وی دنیای روحانی را با انرژی درونی خویش و دنیای مادی را با انرژی بیرونی خویش خلق نموده است. وی با ویژگی‌های تماماً عالی خویش در همه جا به صورت حقیقت مطلق حضور دارد و در وجه شخصی خویش همواره در سکونت‌گاه متعال خود گولوکو ورینداوان حضور دارد؛ جایی که

وی بازی‌های متعال روحانی خویش را در تمام تنوعات نشان می‌دهد. فعالیت‌های وی نمی‌تواند با فعالیت‌های هیچ فرد دیگری مقایسه شود و بنابراین واژه‌ی او روکراما تنها برای وی قابل استفاده است.

براساس آرایش کلامی سانسکریت، کوروانتی به معنای انجام کارها برای شخصی دیگر است. بنابراین، این بدان معنی است که آتاماماها در حال انجام خدمت عابدانه به خداوند، نه برای نفع شخصی، بلکه برای رضایت خداوند هستند.

هتو به معنای "علی و سببی" است. علل زیادی برای رضایت حواس فرد وجود دارد و آنها به طور عمده می‌توان به لذت مادی، قدرتهای ماورایی و رهایی طبقه‌بندی نمود، که دو مورد آخر مطلوب نظر اشخاص پیشرفته است. لذات مادی بی‌شمار هستند و مادی‌گرایان مشتاق افزایش بیشتر و بیشتر آنها هستند، چرا که ایشان تحت انرژی توهمی قرار دارند. هیچ پایانی برای فهرست لذات مادی وجود ندارد و هیچ‌کس در جهان مادی نمی‌تواند همه‌ی آنها را داشته باشد. قدرتهای ماورایی هشت مورد هستند (همانند کوچک‌ترین شدن، بی‌وزن شدن، به دست آوردن هر آنچه شخص آرزو می‌کند، خدایی بر طبیعت مادی، کنترل بر سایر موجودات زنده، پرتاب کردن سیارات زمینی به فضاهای بیرونی و غیره). این قدرتهای ماورایی در بهاگواتام مورد اشاره قرار گرفته‌اند و اشکال رهایی نیز پنج مورد هستند.

بنابراین، خدمت پاک به معنای خدمت به خداوند بدون تمایل برای کسب مزایای شخصی مذکور است. و شخصیت قدرتمند خداوند شری کریشنا می‌تواند با چنین خدمت پاک عاری از همه‌ی انواع خواسته‌های برآورده ساختن منافع شخصی راضی گردد.

خدمت عابدانه‌ی خالص خداوند در مراحل مختلف پیشرفت می‌کند. تمرین خدمت عابدانه در حوزه‌ی مادی دارای هشتاد و یک کیفیت است و ورای چنین فعالیت‌هایی، تمرین متعال خدمت عابدانه می‌باشد که یکی است و ساده‌انابهکتی (*sādhana-bhakti*) نامیده می‌شود. هنگامی که تمرین خالص ساده‌انابهکتی در عشق متعال خداوند به بلوغ رسید، به تدریج خدمت عاشقانه‌ی متعال خداوند پیشرفت به سوی نه مرحله‌ی تصاعدی خدمت عاشقانه در دلبستگی، عشق، محبت، احساسات، وابستگی، هواخواهی، پیروی، شرف و احساس شدید جدایی را آغاز می‌کند.

دلبستگی یک عابد غیرفعال تا مرحله‌ی عشق روحانی خداوند پیشرفت می‌کند. دلبستگی خادم فعال تا مرحله‌ی هواخواهی پیشرفت می‌کند و برای یک عابد درست تا مرحله‌ی پیروی پیشرفت می‌کند و همین حالت برای عابدان واقع در رابطه‌ی والدینی نیز اتفاق می‌افتد. عابدان در عشق

نکاحی، شعف را در خود تا مرحله‌ی احساس شدید جدایی پرورش می‌دهند. اینها تعدادی از وجوه خدمت عابدانه‌ی خالص خداوند است.

بر اساس هاری-بهاکتی-سودهودایا (*Hari-bhakti-sudhodaya*)، تفسیر کلمه‌ی ایتهم-بهوتا (*ittham-bhūta*) شعف کامل است. شعف روحانی در درک برهمن فاقد هویت قابل تشبیه به اندک آب باقیمانده در جای پای گاو است. این شعف در مقایسه با اقیانوس شعف حاصل از رؤیت شخصیت اعلای خداوند هیچ نیست. فرم شخصی خداوند شری کریشنا چنان جذاب است که تمام جذابیت‌ها، تمام شعف‌ها و تمام مزه‌ها (راساها) را در برمی‌گیرد. این جذابیت‌ها چنان قوی هستند که هیچ‌کس خواستار تبادل آن با لذت‌های مادی، قدرت‌های ماورایی و رهایی نیست. هیچ نیازی به بحث‌های منطقی جهت پشتیبانی از این عبارت وجود ندارد، بلکه شخص به دلیل طبیعت اصلی خویش مجذوب کیفیات خداوند شری کریشنا می‌گردد. ما باید به یقین بدانیم که آن کیفیات خداوند هیچ ارتباطی با کیفیات مادی ندارد. تمام این کیفیات سرشار از شعف، دانش و ابدیت هستند. خداوند کیفیات بی‌شماری دارد، و در حالی که فردی مجذوب یک کیفیت وی می‌شود، دیگری ممکن است مجذوب کیفیتی دیگر گردد.

حکیمان بزرگ، همچون چهار عابد مجرد ساناکا، ساناناتا، ساناندا و سانات-کومار مجذوب بوی گل‌ها و برگ‌های تولاسی آغشته به خمیر چوب صندل شدند که به قدم نیلوفرین خداوند تقدیم شده بود. مشابهاً، شوکادو گوسوامی مجذوب بازی‌های متعال خداوند شده بود. شوکادو گوسوامی از پیش در مرحله‌ی رهایی‌یافته قرار داشت و با این حال، وی مجذوب بازی‌های متعال خداوند گردید. این موضوع اثبات می‌کند که کیفیت بازی‌های متعال خداوند هیچ ارتباطی به وابستگی مادی ندارد. مشابهاً، دوشیزگان گاوچران جوان مجذوب ویژگی‌های بدنی خداوند شدند و روکمینی (*Rukminī*) مجذوب شنیدن شکوه خداوند گردید. خداوند کریشنا حتی ذهن الهه‌ی بخت را نیز مجذوب می‌سازد. او در موارد خاص، ذهن تمام دختران جوان را مجذوب می‌کند. او ذهن زنان مسن را نیز با استفاده از محبت والدینی مجذوب می‌کند. او ذهن مردان را نیز در رفتار خادمی و دوستی جذب خود می‌نماید.

واژه‌ی هاری (*hari*) معانی متعددی را منتقل می‌سازد، اما تفسیر اصلی این کلمه آن است که وی (خداوند) تمام ناخجستگی‌ها را از بین می‌برد و با اعطای عشق متعال پاک، ذهن عابدان را از ایشان می‌رباید. به تدریج خداوند تمام موانع مسیر خدمت عابدانه‌ی پاک را از میان برمی‌دارد و نتیجه نه خدمت عابدانه، همچون شنیدن و ذکر کردن، متجلی می‌گردند. خداوند با ویژگی‌های شخصی و متعال خویش، روان عابد پاک را جذب خود می‌نماید. قدرت

جاذبه‌ی خداوند این چنین است. این جاذبه چنان قوی است که عابد پاک هرگز به دنبال هیچ کدام از چهار اصل مذهب نیست و با اضافه شدن آپی و چا به این کلمات، فرد می‌تواند تفسیرهای خویش را بی‌نهایت افزایش دهد. بر اساس گرامر سانسکریت، هفت مترادف برای واژه‌ی آپی وجود دارد.

بنابراین با تفسیر هر یک از کلمات این آیه، فرد می‌تواند تعداد بی‌شماری از کیفیات روحانی خداوند کربشنا را مشاهده کند که این کیفیات ذهن عابد پاک خداوند را مجذوب خود می‌سازد.

آیه ۱۱

*harer guṇākṣipta-matir
bhagavān bādarāyaṇiḥ
adhyagān mahad ākhyānam
nityam viṣṇu-jana-priyaḥ*

hareḥ: مربوط به هاری، شخصیت خداوند؛ *guṇa*: ویژگی متعال؛ *ākṣipta*: مجذوب شدن در؛ *matih*: ذهن؛ *bhagavān*: قدرتمند؛ *bādarāyaṇiḥ*: پسر ویاسادو؛ *adhyagāt*: مشغول مطالعات؛ *mahat*: عظیم؛ *ākhyānam*: توصیف؛ *nityam*: به طور منظم؛ *viṣṇu-jana*: عابدان خداوند؛ *priyaḥ*: محبوب.

ترجمه

شریلا شوکادو گوسوامی، پسر شریلا ویاسادو، تنها از لحاظ روحانی قوی نبود، بلکه وی بسیار محبوب عابدان خداوند نیز بود. بدین ترتیب، وی مشغول مطالعه‌ی این روایت عظیم (شریما-بهاگواتام) گردید.

شرح

بر اساس برهما-واپورتا پورانا (*Brahma-vaivarta Purāṇa*)، شریلا شوکادو گوسوامی حتی درون رحم مادر خود نیز یک روح رهایی‌یافته بود. شریلا ویاسادو می‌دانست که این پسر، پس از تولدش، در خانه باقی نمی‌ماند. بنابراین وی (ویاسادو) خلاصه‌ی بهاگواتام را به وی ارائه نمود؛ به گونه‌ای که کودک بتواند دلبسته فعالیت‌های متعال خداوند گردد. کودک، پس از تولدش

نیز از طریق خواندن سروده‌های اصلی آموزش‌های بیشتری در موضوع بهاگواتام به دست آورد. ارواح رهایی‌یافته عموماً دلبسته‌ی وجه فاقد هویت برهنه با دیدگاه وحدت‌گرای یکی شدن با کل متعال هستند؛ اما با معاشرت عابدان پاکی همچون ویسادو، حتی ارواح رهایی‌یافته مجذوب کیفیات متعال خداوند می‌شوند. با لطف شری نارادا، شریلا ویسادو توانست حماسه‌ی عظیم شریما-بهاگواتام را نقل کند و با لطف ویسادو، شریلا شوکاگوسوامی قادر بود تفسیر آن را درک نماید. کیفیات روحانی خداوند چنان جذاب هستند که شریلا شوکادو گوسوامی دلبستگی خود برای جذب کامل در برهنه فاقد هویت را از دست داد و به طور قطعی مجذوب مطالعه‌ی فعالیت‌های شخصی خداوند شد.

وی عملاً ادراک بی‌هویت‌گرای مطلق را ترک نموده بود، چرا که می‌اندیشید صرفاً وقت زیادی را با وقف خویش به وجه فاقد هویت خداوند تلف کرده است، یا به عبارت دیگر، وی شغف روحانی بیشتری را در وجه شخصی خداوند نسبت به وجه فاقد هویت او درک کرده بود. و از آن زمان، نه تنها وی برای ویشنوجانها یا عابدان خداوند بسیار عزیز شده بود، بلکه ویشنوجانها نیز برای وی بسیار عزیز شده بودند. عابدان خداوند که تمایل ندارند فردیت موجودات زنده را بکشند و تمایل دارند خادم شخصی خداوند شوند، بی‌هویت‌گرایان را خیلی دوست ندارند، و مشابهاً بی‌هویت‌گرایان، که تمایل دارند با متعال یکی شوند، قادر به ارزیابی عابدان خداوند نیستند. بنابراین از زمان‌های دور، این دو گروه مسافران مسیر روحانی رقبای یکدیگر محسوب شده‌اند. به کلامی دیگر، هریک از آنها دوست دارد از گروه دیگر جدا باشد و دلیل آن ادراک نهایی شخصی و ادراک نهایی بی‌هویت‌گرایانه است. بنابراین به‌نظر می‌رسد شریلا شوکادو گوسوامی نیز عابدان را چندان دوست نداشت. اما از آنجایی که وی خود یک عابد بالغ شده بود، همواره تمایل به معاشرت روحانی با ویشنوجانها داشت و ویشنوجانها نیز معاشرت وی را دوست داشتند. چرا که او یک بهاگواتای شخصی شده بود. بنابراین پدر و پسر هر دو نسبت به دانش متعال برهنه آگاه بودند و پس از آن هر دوی آنها مجذوب وجه شخصی خداوند متعال شدند. بدین ترتیب پرسش در مورد چگونگی جذب شوکادو گوسوامی به توصیف و نقل بهاگواتام، کاملاً در این آیه پاسخ داده شده است.

آیه ۱۲

*parīkṣito 'tha rājarṣer
janma-karma-vilāpanam*

*saṁsthām ca pāṇḍu-putrāṇām
vakṣye kṛṣṇa-kathodayam*

parīkṣitah: مربوط به پادشاه پاریکشیت؛ *atha*: بدین ترتیب؛ *rājarseh*: مربوط به پادشاهی که در میان پادشاهان حکیم بود؛ *janma*: تولد؛ *karma*: فعالیت‌ها؛ *vilāpanam*: رهایی؛ *saṁsthām*: انقطاع از جهان؛ *ca*: و؛ *pāṇḍu-putrāṇām*: مربوط به پسران پاندو؛ *vakṣye*: من صحبت خواهم کرد؛ *kṛṣṇa-kathā-udayam*: آنچه باعث تعالی توصیف روحانی کریشنا، شخصیت متعال خداوند می‌شود.

ترجمه

بدین ترتیب سوتا گوسوامی حکیمان به سرکردگی شوناکا را چنین خطاب نمود: حال من توصیف روحانی خداوند شری کریشنا و موضوعات تولد، فعالیت‌ها و رهایی پادشاه پاریکشت، حکیمی در میان پادشاهان و نیز موضوعات مربوط به انقطاع پسران پاندو از امور دنیوی را آغاز خواهم نمود.

شرح

خداوند کریشنا نسبت به ارواح فروافتاده آن‌چنان مهربان است که شخصاً در میان انواع مختلف موجودات زنده ظهور می‌کند و با ایشان در فعالیت‌های روزمره نقش ایفا می‌کند. هر حقیقت تاریخی نو یا قدیمی که ارتباطی با فعالیت‌های خداوند داشته باشد را باید به عنوان توصیفات روحانی خداوند درک نمود. بدون کریشنا، تمام متون ضمیمه همچون پوراناها و ماهاپهارانا صرفاً داستان یا وقایع تاریخی هستند. اما با کریشنا آنها متعال می‌شوند و هنگامی که آنها را می‌شنویم فوراً به لحاظ روحانی با خداوند مرتبط می‌شویم. شریماد-بهاگواتام نیز یک پورانا است. اما اهمیت خاص این پورانا آن است که فعالیت‌های خداوند در آن نقش اصلی و محوری دارند و تنها مجموعه‌ای از وقایع تاریخی نیست. بدین ترتیب، خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو شریماد-بهاگواتام را به عنوان پورانای بی‌نقص توصیف می‌کند. گروهی از عابدان کم‌شعور بهاگواتا پورانا هستند که تمایل دارند فوراً طعم فعالیت‌های خداوند که در جزء دهم نقل شده است را بدون درک جزءهای (کنتوهای) پیشین، بچشند. آنها تحت تأثیر این ادراک غلط هستند که کنتوهای دیگر ربطی به کریشنا ندارند و بدین ترتیب، به طرز احمقانه‌ای به خواندن جزء دهم مشغول

می‌شوند. در این‌جا به طور خاص به این خوانندگان گفته شده است که جزءهای دیگر بهاگواتام نیز به همان اهمیت جزء دهم هستند. هیچ‌کس نباید تلاش کند تا بدون درک کامل شرح‌های نُ جزء دیگر به سراغ موضوعات جزء دهم برود. کریشنا و عابدان پاکش همانند پانداواها در یک سطح مشابه هستند. کریشنا در تمام راساها بدون عابدانش نیست و عابدان پاکی همچون پانداواها بدون کریشنا نیستند. عابدان و خداوند دارای ارتباط درونی با یکدیگر هستند و نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا نمود. بنابراین صحبت‌های راجع به ایشان همگی کریشنا-کاتها یا موضوعات مربوط به خداوند هستند.

آیات ۱۳-۱۴

yadā mṛdhe kaurava-sṛñjayānām
 vīreṣu atho vīra-gatiṁ gateṣu
 vṛkodarāviddha-gadābhimarśa-
 bhagnoru-daṇḍe dhṛtarāṣṭra-putre
 bhartuḥ priyam drauṇir iti sma paśyan
 kṛṣṇā-sutānām svapatām śirāmsi
 upāharad vipriyam eva tasya
 jugupsitam karma vigarhayanti

yadā: هنگامی که؛ *mṛdhe*: در میدان نبرد؛ *kaurava*: جبهه‌ی دهریتاراشترا؛
vīra-*sṛñjayānām*: مربوط به گروه پانداواها؛ *vīreṣu*: مربوط به جنگجویان؛ *atho*: این؛
gatiṁ: سرنوشت سزاوار جنگجویان؛ *gateṣu*: تحصیل شده؛ *vṛkodara*: بهیما (پانداوا
 دوم)؛ *āviddha*: ضربه خورده؛ *gadā*: با گرز؛ *abhimarśa*: غم؛ *bhagna*: شکسته؛
uru-*daṇḍe*: نخاع؛ *dhṛtarāṣṭra-putre*: پسر پادشاه دهریتاراشترا؛ *bhartuḥ*: مربوط به ارباب؛
priyam: مطلوب؛ *drauṇiḥ*: پسر دورناچاریا؛ *iti*: بدین ترتیب؛ *sma*: خواهد شد؛ *paśyan*:
 رؤیت؛ *kṛṣṇā*: دروپادی؛ *sutānām*: مربوط به پسران؛ *svapatām*: در حالی که خواب
 بودند؛ *śirāmsi*: سرها؛ *upāharat*: به عنوان هدیه حمل نمود؛ *vipriyam*: مطلوب؛ *eva*:
 همچون؛ *tasya*: مال او؛ *jugupistam*: شریرانه‌ترین؛ *karma*: عمل؛ *vigarhayanti*:
 ناپسند شمردن و رد کردن.

ترجمه

هنگامی که جنگجویان محترم هر دو جبهه، یعنی کوراواها (Kauravas) و پانداواها (Pāṇḍavas)، در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا (Kuruṣṣetra) کشته شدند و جنگجویان فوت کرده تقدیر شایسته‌ی خویش را کسب کردند، و هنگامی که پسر دهریتاراشترا (Dhṛtarāṣṭra) که ستون فقراتش در اثر ضربه‌ی گرز بهیماسنا (Bhīmasena) شکسته بود، به حالت سوگواری بر زمین فرو افتاد، پسر دروناچاریا (Droṇācārya) [آشواتاما] [Aśvatthāmā] سر از بدن پنج پسر خوابیده‌ی دروپادی (Draupadī) جدا کرد و آنها را به عنوان هدیه به ارباب خویش تسلیم نمود. در حالی که به طرز احمقانه‌ای فکر می‌کرد که او با این عمل راضی خواهد شد. اما دوریودهان (Duryodhana) این عمل شیرانه را رد کرد و به هیچ‌وجه از آن راضی نشد.

شرح

موضوعات روحانی فعالیت‌های خداوند شری کریشنا در شریماد-بهاگواتام از پایان نبرد کوروکشترا، جایی که خداوند در بهاگاواد-گیتا در مورد خویش صحبت می‌کند، آغاز می‌شود. بنابراین، هم بهاگاواد-گیتا و هم شریماد-بهاگواتام موضوعات روحانی در مورد خداوند کریشنا هستند. گیتا، کریشنا-کاتها یا موضوعات مربوط به کریشناست؛ چرا که توسط خداوند بیان شده است و بهاگواتام نیز کریشنا-کاتهاست چرا که آن نیز توسط خداوند بیان شده است. خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو خواستار آن است که همگان بنا به دستور خود خداوند نسبت به کریشنا-کاتهاها آگاه باشند. خداوند کریشنا چیتانیا خود کریشنا در لباس یک عابد کریشناست و بنابراین خداوند کریشنا و شری کریشنا چیتانیا ماهاپرابهو هر دو یکسان هستند. خداوند چیتانیا تمایل داشت تمام کسانی که در هند متولد می‌شوند به صورت جدی این کریشنا-کاتهاها را درک کنند و پس از درک کامل آن این پیام روحانی را به همگان در تمام بخش‌های دنیا موعظه کنند. این امر پیام‌آور صلح مطلوب و شکوفایی برای این دنیای ورشکسته و بدبخت خواهد بود.

آیه ۱۵

mātā śiśūnām nidhanam sutānām

*niśamya ghoram̐ paritapyamānā
tadārudad vāṣpa-kalākulākṣī
tām̐ sāntvayann āha kirītamālī*

mātā: مادر؛ *śiśūnām*: مربوط به آن فرزندان؛ *midhanam*: قتل عام؛ *sutānām*: مربوط به پسران؛ *niśamya*: پس از شنیدن؛ *ghoram*: هولناک؛ *paritapyamānā*: سوگواری؛ *tadā*: در آن زمان؛ *arudat*: شروع به گریه کرد؛ *vāṣpa-kal-ākula-akṣī*: با اشک در چشمان؛ *tam*: به او؛ *sāntvayan*: آرام کردن؛ *āha*: گفت؛ *kirītamālī*: آرجونا.

ترجمه

دروپادی، مادر پنج پسر پانداوا، پس از شنیدن خبر قتل عام پسرانش، با چشمانی پر از اشک شروع به گریستن نمود. آرجونا در تلاش برای تسلی دادن وی در این فقدان عظیم، به او چنین گفت:

آیه ۱۶

*tadā śucaḥ te pramṛjāmi bhadre
yad brahma-bandhoḥ śira ātatāyinaḥ
gāṇḍīva-muktair viśikhair upāhare
tvākramya yat snāsyasi dagdha-putrā*

tadā: تنها در آن زمان؛ *śucaḥ*: اشک ناشی از غم، *te*: مربوط به تو؛ *pramṛjāmi*: پاک خواهد شد؛ *bhadre*: ای بانوی محترم؛ *yat*: هنگامی؛ *brahma-bandhoḥ*: مربوط به برهمنایی ذلیل؛ *śiraḥ*: سر؛ *ātatāyinaḥ*: مربوط به متجاوز؛ *gāṇḍīva-muktaiḥ*: مورد اصابت تیرکمانی به نام گاندیو قرار گرفت؛ *viśikhaiḥ*: با تیرهای؛ *upāhare*: به تو اهدا نمایم؛ *tvā*: خودت؛ *ākramya*: سوار آن سواری؛ *yat*: که؛ *snāsyasi*: استحمام کنی؛ *dagdha-putrā*: پس از تدفین پسران.

ترجمه

ای بانوی محترم، هنگامی که سر آن برهمانا را، پس از بریدن با تیرهای رهاشده از کمانم گاندیو تقدیمت نمودم، اشک‌هایت را پاک خواهم نمود و تو را آرام خواهم کرد. آنگاه پس از تدفین بدن پسرانت، می‌توانی با ایستادن روی سر او استحمام کنی.

شرح

دشمنی که خانه را به آتش می‌کشد، سم در غذا می‌ریزد، به ناگهان با سلاح‌های مرگبار حمله می‌کند، ثروت یا محصولات کشاورزی را غارت می‌کند و همسر فرد دیگری را فریب می‌دهد متجاوز نامیده می‌شود. چنین متجاوزی گرچه یک برهمانا یا به اصطلاح پسر یک برهمانا باشد باید تحت هر شرایطی مجازات گردد. هنگامی که آرجونا تعهد نمود که سر متجاوزی به نام آشواتاما را جدا کند، به خوبی می‌دانست که آشواتاما پسر یک برهماناست، اما از آن‌جا که این به اصطلاح برهمانا همچون یک قصاب عمل کرده بود، شایسته بود که با وی به همان ترتیب مقابله شود و هیچ تردیدی در احتمال ارتکاب به گناه در صورت کشتن چنین برهمانازاده‌ی بدذاتی وجود نداشت.

آیه ۱۷

*iti priyām valgu-vicitra-jalpaiḥ
sa sāntvayitvācyuta-mitra-sūtaḥ
anvādravad daṁśita ugra-dhanvā
kapi-dhvajo guru-putram rathena*

iti: بدین ترتیب؛ *priyām*: به محبوب؛ *valgu*: شیرین؛ *vicitra*: متنوع؛ *jalpaiḥ*: با عبارات؛ *saḥ*: او؛ *sāntvayitvā*: رضایت؛ *acyuta-mitra-sūtaḥ*: آرجونا، که خداوند مصون از خطا به عنوان دوست و ارباب‌ران وی را هدایت می‌کرد؛ *anvādravat*: پیروی نمود؛ *daṁśitaḥ*: حفاظت‌شده با کاواچا؛ *ugra-dhanvā*: مسلح به ابزارهای آتشین؛ *kapi-dhvajaḥ*: آرجونا؛ *guru-putram*: پسر معلم مادی؛ *rathena*: سوار شدن بر اربه.

ترجمه

آرجونا که توسط خداوند مصون از خطا به صورت دوست و ارباب‌ران هدایت می‌گردید، بدین ترتیب آن بانوی محبوب را با چنین عباراتی راضی نمود. سپس زره پوشید و خود را به صلاح‌های آتشین مجهز ساخت و سوار بر ارباب، به دنبال آسواتاما پسر معلم مادی خود رفت.

آیه ۱۸

*tam āpatantam sa vilakṣya dūrāt
kumāra-hodvigna-manā rathena
parādravat prāṇa-parīpsur urvyām
yāvad-gamaṁ rudra-bhayād yathā kaḥ*

tam: او را؛ *āpatantam*: با عصبانیت نزدیک می‌شد؛ *saḥ*: او؛ *vilakṣya*: رؤیت؛ *dūrāt*: دور، *kumāra-hā*: قاتل شاهزادگان؛ *udvinga-manāḥ*: مغشوش در ذهن؛ *rathena*: سوار بر ارباب؛ *parādravat*: فرار کرد؛ *prāṇa*: زندگی؛ *parīpsuḥ*: برای حفظ؛ *urvyām*: با سرعت زیاد؛ *yāvat-gamaṁ*: همان‌طور که فرار می‌کرد؛ *rudra-bhayāt*: از ترس شیوا؛ *yathā*: آن‌چنان که؛ *kaḥ*: برهما (یا *arkaḥ*: سوریا).

ترجمه

آسواتاما، قاتل شاهزادگان، با رؤیت آرجونا از فاصله‌ای دور که با سرعتی زیاد در حال نزدیک شدن بود وحشت‌زده برای حفظ جان خود سوار بر ارباب‌اش فرار کرد؛ درست همان‌گونه که برهما از ترس شیوا پا به فرار گذاشت.

شرح

بر اساس شیوه‌ی خواندن، کاه (kaḥ) یا آرکاه (arkaḥ)، هر دو در پوراناها مورد اشاره قرار گرفته‌اند. کاه یعنی برهما که مسحور دختر خویش شد و شروع به تعقیب وی کرد و این کار شیوا را عصبانی کرد و باعث شد با نیزه‌ی سه‌شاخه‌اش به برهما حمله کند. برهماچی از ترس جانش فرار کرد. در مورد آرکاه نیز مرجعی در وامانا پورانا (Vāmana Purāṇa) وجود دارد. اهریمنی به نام ویدیونمالی (Vidyunmālī) وجود داشت که به وی هواپیمای زرین درخشانی

هدیه داده شده بود و با آن به پشت خورشید سفر می‌کرد و به دلیل تشعشع درخشان این سفینه، شب از بین رفته بود. بدین ترتیب، خداوندگار خورشید عصبانی شد و با انوار تند خود آن سفینه را ذوب کرد. این موضوع باعث خشم شیوا شد. آنگاه خداوندگار شیوا به خداوندگار خورشید حمله کرد و او فرار کرد تا بالاخره در کاشی (Kāśī) (واراناسی) (Vārāṇasī) و در مکانی معروف به لولارکا (Lolārka)، سقوط کرد.

آیه ۱۹

yadāśaraṇam ātmānam
aikṣata śrānta-vājinam
astram brahma-śiro mene
ātma-trāṇam dvijātmajah

yadā: هنگامی که؛ aśaraṇam: بدون گزینه‌ای برای حفاظت؛ ātmānam: خودش؛ aikṣata: دید؛ śrānta-vājinam: اسب‌هایی که خسته بودند؛ astram: سلاح؛ brahma-śiraḥ: بالاترین یا نهایی (هسته‌ای)؛ mene: به کار گرفته؛ ātma-trāṇam فقط برای حفظ خویش؛ dvija-ātma-jah: پسر یک برهمانا.

ترجمه

وقتی پسر برهمانا [آشواتاما] دید که اسب‌هایش خسته شده‌اند، متوجه شد که به جز استفاده از آخرین اسلحه یعنی برهماسترا [سلاح هسته‌ای] هیچ گزینه‌ی دیگری برای دفاع از خود ندارد.

شرح

سلاح هسته‌ای به نام برهماسترا تنها در مواقع بحرانی که هیچ گزینه‌ی دیگری وجود نداشته باشد، به کار گرفته می‌شود. واژه‌ی دویجاتماجا (dvijātmajah) در این‌جا حائز اهمیت است چرا که آشواتاما، گرچه پسر دروناچاریا بود، واقعاً برهمانایی شایسته نبود. هوشمندترین انسان‌ها برهمانا نامیده می‌شوند و این یک عنوان موروثی نیست. آشواتاما پیش‌تر برهما-باندو یا دوست یک برهمانا نامیده شده بود. دوست یک برهمانا بودن به معنای آن نیست که فرد کیفیات و

صفات یک برهمانا را داراست. یک دوست یا پسر یک برهمانا را هنگامی که کاملاً صاحب صلاحیت باشد، می‌توان برهمانا نامید، در غیر این صورت به کار بردن چنین عنوانی صحیح نیست. از آن‌جا که تصمیم آشواتاما ناپخته بود، در این‌جا عمداً پسر برهمانا نامیده می‌شود.

آیه ۲۰

*athopaspr̥śya salilam
sandadhe tat samāhitaḥ
ajānann api samhāram
prāṇa-kṛcchra upasthite*

atha: بدین ترتیب؛ *upaspr̥śya*: لمس به منظور تقدس؛ *salilam*: آب؛ *sandadhe*: سروده‌های ودایی را ذکر کرد؛ *tat*: آن؛ *samāhitaḥ*: بودن در تمرکز؛ *ajānan*: دانستن؛ *api*: اگرچه؛ *samhāram*: پس کشیدن؛ *prāṇa-kṛcchre*: به خطر افتادن زندگی؛ *upasthite*: قرار گرفتن در چنین موقعیتی.

ترجمه

از آن‌جایی که زندگی‌اش در خطر بود، آب را به منظور طهارت لمس کرد و بر ذکر سروده‌های ودایی برای پرتاب سلاح‌های هسته‌ای تمرکز نمود، گرچه او نمی‌دانست که چگونه چنین سلاح‌هایی را باز گرداند.

شرح

اشکال ظریف فعالیت‌های مادی لطیف‌تر از روش‌های زمخت‌تر مهارت‌های مادی هستند. چنین اشکال ظریفی از فعالیت‌های مادی از طریق پاکسازی صوت انجام می‌پذیرند. همین روش در این‌جا با ذکر سروده‌های ودایی برای عمل به صورت سلاح‌های هسته‌ای به کار گرفته شد.

آیه ۲۱

*tataḥ prāduṣkṛtaḥ tejaḥ
pracaṇḍam sarvato diśam*

prāṇāpadam abhiprekṣya
viṣṇum jīṣṇur uvāca ha

tataḥ: از این پس؛ *prāduṣkṛtam*: منتشر شد؛ *tejaḥ*: درخشش فراوان؛ *pracaṇḍam*: درنده و شریر؛ *sarvataḥ*: کل پیرامون؛ *diśam*: جهات؛ *prāṇa-āpadam*: تأثیر بر زندگی؛ *abhiprekṣya*: با در نظر گرفتن آن؛ *viṣṇum*: به خداوند؛ *jīṣṇuḥ*: آرجونا؛ *uvāca*: گفت؛ *ha*: در گذشته.

ترجمه

پس از آن نوری خیره‌کننده در تمام جهات منتشر گردید. این نور چنان شدید بود که آرجونا فکر کرد زندگی‌اش به خطر افتاده است و بنابراین شروع به صدا کردن خداوند شری کریشنا نمود.

آیه ۲۲

arjuna uvāca
kṛṣṇa kṛṣṇa mahā-bāho
bhaktānām abhayaṅkara
tvam eko dahyamānānām
apavargo 'si saṁsṛteḥ

arjunah uvāca: آرجونا گفت؛ *kṛṣṇa*: ای خداوند کریشنا؛ *mahā-bāho*: او که قادر متعال است؛ *bhaktānām*: مربوط به عابدان؛ *abhayaṅkara*: ترس را از بین برد؛ *tvam*: تو؛ *ekaḥ*: تنها؛ *dahyamānānām*: افرادی که رنج می‌برند از؛ *apavargah*: مسیر رهایی؛ *asi*: هستند؛ *saṁsṛteḥ*: در میان بدبختی‌های مادی.

ترجمه

آرجونا گفت: ای خداوند کریشنا، تو شخصیت قادر خداوند هستی. هیچ حدی برای انرژی‌های مختلف تو وجود ندارد. بنابراین تنها تو شایسته‌ی القای

بی‌باکی به قلوب عابدان هستی. آنان که در آتش رنج‌های مادی واقعند، مسیر رهایی را تنها در تو می‌توانند بیابند.

شرح

آرجونا نسبت به صفات روحانی خداوند شری کریشنا آگاه بود، چرا که این کیفیات و صفات را در هنگام جنگ کوروکشترا که آرجونا و کریشنا هر دو در آن حضور داشتند، تجربه کرده بود. بنابراین رؤیت خداوند کریشنا توسط آرجونا، موثق است. کریشنا قادر متعال و به ویژه علت بی‌باکی عابدان است. عابد خداوند همواره بدون ترس است و دلیل آن حفاظت ارائه شده توسط خداوند می‌باشد. موجودیت مادی همچون آتشی سوزان در جنگل است، که تنها می‌تواند با لطف خداوند شری کریشنا خاموش گردد. پیر روحانی نماینده لطف خداوند است. بنابراین، فردی که در آتش موجودیت مادی می‌سوزد ممکن است باران لطف خداوند را از طریق واسطه‌ی شفاف پیر روحانی خودشناخته درک کند. پیر روحانی با کلام خویش می‌تواند به قلب شخص رنج‌دیده نفوذ کند و دانش روحانی را که به تنهایی می‌تواند آتش موجودیت مادی را خاموش کند به قلب فرد تزریق کند.

آیه ۲۳

*tvam ādyaḥ puruṣaḥ sākṣād
īśvaraḥ prakṛteḥ paraḥ
māyām vyudasya cic-chaktyā
kaivalye sthita ātmani*

tvam ādyaḥ: تو آغازین هستی؛ *puruṣaḥ*: شخصیت لذت‌برنده؛ *sākṣāt*: مستقیماً؛ *īśvaraḥ*: کنترل‌کننده؛ *prakṛteḥ*: مربوط به طبیعت مادی؛ *paraḥ*: متعال روحانی؛ *māyām*: انرژی مادی؛ *vyudasya*: فردی که کنار گذاشته شده است؛ *cic-chaktyā*: با اندکی انرژی درونی؛ *kaivalye*: در دانش و شغف ابدی پاک؛ *sthitāḥ*: قرار گرفته؛ *ātmani*: در خود.

ترجمه

تو شخصیت آغازین خداوند هستی که خود را در سراسر خلقت‌ها بسط داد و ورای انرژی مادی هستی. تو به وسیله‌ی قدرت روحانی خود تأثیرات دنیای مادی را مردود نموده‌ای. تو همواره در شعف ابدی و دانش روحانی قرار داری.

شرح

خداوند در بهاگاواد-گیتا بیان می‌دارد که فردی که تسلیم قدم نیلوفرین خداوند می‌گردد، می‌تواند خود را از چنگال جهل و فراموشی رها سازد. کریشنا همانند خورشید است و مایا، انرژی مادی، همانند تاریکی است. هر جا که نور خورشید وجود دارد، تاریکی یا جهل فوراً از بین می‌رود. بهترین ابزار برای خلاصی از دنیای جهل در این‌جا بیان شده است. خداوند در این‌جا به عنوان شخصیت ازلی و آغازین خداوند مورد خطاب واقع شده است. از وی دیگر شخصیت‌های خداوند بسط می‌یابد. خداوند ویشنوی همه‌جا غالب، بسط کامل خداوند کریشنا است. خداوند به همراه انرژی‌های مختلفش خود را در اشکال بی‌نهایت و موجودات زنده، بسط می‌دهد. اما شری کریشنا، خداوند اصلی و ازلی است که همه چیز از وی نشأت می‌گیرد. وجه همه جا غالب خداوند که در دنیای متجلی تجربه می‌شود نیز نماینده‌ی جزئی خداوند است. بنابراین، خداوند دربرگیرنده‌ی پاراماتما نیز هست. او شخصیت متعال خداوند است. وی کاری با فعالیت‌ها و واکنش‌های تجلی مادی ندارد، چرا که ورای خلقت مادی است. تاریکی نماینده‌ی منحرف خورشید است، و بنابراین وجود تاریکی به وجود خورشید وابسته است، اما در خورشید خییج اثری از تاریکی وجود ندارد. همان‌گونه که خورشید تنها سرشار از نور است، شخصیت مطلق خداوند، ورای موجودیت مادی، و سرشار از شعف است. او نه تنها سرشار از شعف است بلکه سرشار از تنوعات روحانی است. او مجزا از طبیعت مادی است که با سه‌گونه‌های طبیعت مادی در هم پیچیده شده است. او پاراما یا اصل است. بنابراین او مطلق است. او انرژی‌های متعددی را داراست و از طریق انرژی‌های متنوع خویش دنیای مادی را خلق می‌نماید، حفظ می‌کند و از بین می‌برد. اما در سکونت‌گاه خودش، همه چیز ابدی و مطلق است. دنیای مادی با انرژی‌ها یا مأموران قدرتمند مستقل هدایت نمی‌شود بلکه با قدرت قادر مطلق واجد تمام انرژی‌ها هدایت می‌گردد.

آیه ۲۴

sa eva jīva-lokasya

*māyā-mohita-cetasah
vidhatse svena vīryeṇa
śreyo dharmādi-lakṣaṇam*

saḥ: آن روحانیت؛ *eva*: قطعاً؛ *jīva-lokasya*: مربوط به موجودات زنده‌ی مقید؛ *māyā-mohita*: مسحور با انرژی توهمی؛ *cetasah*: با قلب؛ *vidhatse*: انجام می‌دهد؛ *svena*: به وسیله‌ی خودت؛ *vīryeṇa*: تأثیر؛ *śreyaḥ*: خیر نهایی؛ *dharmādi*: چهار اصل رهایی؛ *lakṣaṇam*: با آن مشخص شده است.

ترجمه

و با این حال، گرچه ورای قلمروی انرژی مادی هستی، به چهار اصل رهایی که توسط دین و دیگر چیزها مشخص شده است برای خیر نهایی موجودات زنده عمل می‌نمایی.

شرح

شخصیت خداوند شری کرشنا به دلیل لطف بی‌دلیل خویش، بدون آنکه تحت تأثیر گونه‌های مادی طبیعت قرار بگیرد، به دنیای متجلی شده هبوط می‌کند. او به طور ابدی ورای تجلیات مادی است. او تنها از سر لطف بی‌دلیل خویش هبوط می‌کند تا ارواح فروافتاده‌ای را که مسحور انرژی توهمی هستند اصلاح کند. این ارواح تحت هجوم انرژی مادی قرار می‌گیرند و تحت پهنه‌های کاذب آن خواستار لذت بردن هستند. فرد به صورت ابدی خادم خداوند است و هنگامی که این موقعیت را فراموش می‌کند، به لذت بردن از دنیای مادی می‌اندیشد؛ اما در واقع او در توهم است. خداوند برای پاکسازی این حس کاذب لذت و بازگرداندن ارواح مقید به نزد خداوند، هبوط می‌کند. این ماهیت تماماً پرلطف خداوند برای ارواح مقید است.

آیه ۲۵

*tathāyaṁ cāvatāras te
bhuvo bhāra-jihṛṣayā
svānām cānanya-bhāvānām*

anudhyānāya cāsakṛt

tathā: بدین ترتیب؛ *ayam*: این؛ *ca*: و؛ *avatārah*: ظهور؛ *te*: به تو؛ *bhuvah*: به دنیای مادی؛ *bhāra*: متحمل؛ *jihīrṣayā*: برای حذف؛ *svānām*: مربوط به دوستان؛ *ca*: و؛ *aranya-bhāvānām*: و از عابدان خاص؛ *anudhyānāya*: برای یادآوری مکرر؛ *ca*: و؛ *asakṛt*: کاملاً راضی.

ترجمه

بدین ترتیب، تو به صورت یک ظهور برای رفع بار سنگین جهان، و برای نفع دوستان، به ویژه کسانی که عابدان خاص تو و همواره مجذوب در تمرکز بر تو هستند، ظهور نمودی.

شرح

مشخص می‌شود که خداوند طرفدار عابرنش است. همگان به خداوند مربوط هستند. او در قبال همگان یکسان است و با این حال او نیز به مردان و عابدان خویش تمایل دارد. خداوند پدر همگان است. هیچ‌کس نمی‌تواند پدر وی باشد و در عین حال هیچ‌کس نمی‌تواند پسر وی باشد. عابدان وی خویشاوندانش و بستگانش هستند. این بازی متعال اوست. این موضوع هیچ ربطی به ایده‌های مادی روابط، والدینی و یا چیزهای شبیه آن ندارد. همان‌طور که در بالا اشاره شد، خدا ورای گونه‌های طبیعت مادی است و بنابراین هیچ چیز مادی در مورد خویشاوندان و بستگان وی در خدمت عابدانه وجود ندارد.

آیه ۲۶

*kim idaṁ svit kuto veti
deva-deva na vedmy aham
sarvato mukham āyāti
tejah parama-dāruṇam*

kim: چگونه است؛ *dam*: این؛ *svit*: می‌آید؛ *kutaḥ*: از کجا؛ *vā iti*: کدام‌یک؛ *deva-*

deva: ای خداوند خداوندان؛ *na* نه؛ *vedmi*: آیا می‌دانم؛ *aham*: من؛ *sarvataḥ*: تمام پیرامون؛ *mukham*: جهات؛ *āyāti*: می‌آید؛ *tejah*: تشعشعات؛ *parama*: خیلی زیاد؛ *dāruṇam*: خطرناک.

ترجمه

ای خداوند خداوندان، چگونه است که این تشعشعات خطرناک در تمام جهات گسترده می‌شود؟ از کجا می‌آید؟ من این را نمی‌فهمم.

شرح

هر آنچه که به پیشگاه شخصیت خداوند ارائه می‌شود باید به مثابه‌ی ارائه‌ی دعاهای پراحترام انجام شود. این رویه‌ی متداول است و شری آرجونا، گرچه دوست صمیمی خداوند بود، این روش را برای آگاهی عموم رعایت نمود.

آیه ۲۷

śrī-bhagavān uvāca
vetthedam droṇa-putrasya
brāhmam astram pradarśitam
naivāsau veda saṁhāram
prāṇa-bādha upasthite

śrī-bhagavān: شخصیت‌اعلای خداوند؛ *uvāca*: گفت؛ *vettha*: فقط از من بدان؛ *idam*: این؛ *droṇa-putrasya*: مربوط به پسر درونا؛ *brāhmam astram*: اذکار سلاح برهما (هسته‌ای)؛ *pradarśitam*: نشان داده شد؛ *na*: نه؛ *eva*: حتی؛ *asau*: او؛ *veda*: بدان؛ *saṁhāram*: استرداد؛ *prāṇa-bādhe*: انهدام زندگی؛ *upasthite*: حتمی.

ترجمه

شخصیت‌اعلای خداوند گفت: این را از من بدان که این کار پسر دروناست. او اذکار انرژی هسته‌ای [برهماسترا] را پرتاب نموده است و نمی‌داند چگونه

می‌تواند آن را بازگرداند. او از سر ناچاری و به دلیل ترس از مرگ محتوم خویش این کار را انجام داده است.

شرح

برهماغترا مشابه سلاح‌های هسته‌ای جدید است که با انرژی اتمی ساخته می‌شوند. انرژی اتمی کلاً روی موضوع احتراق و سوزاندن کار می‌کند و براهماغترا نیز چنین عمل می‌کند. این سلاح گرمایی غیرقابل تحمل مشابه با تشعشع اتمی را ایجاد می‌کند. اما تفاوت در این است که بمب اتمی یک نوع زمخت از سلاح اتمی است، در حالی که برهماغترا نوع لطیف این سلاح است که با ذکر اذکار تولید می‌شود. این دانشی متفاوت است و در اعصار گذشته چنین دانشی در سرزمین بهاراتا-وارشا ایجاد شده بود. دانش لطیف ذکر اذکار نیز مادی است، اما هنوز برای دانشمندان مادی مدرن ناشناخته است. دانش مادی لطیف روحانی نیست، اما ارتباطی مستقیم با روش روحانی دارد که از آن نیز لطیف‌تر است. ذاکر ذکرها می‌دانست که چگونه از این سلاح استفاده کند و نیز می‌دانست که چگونه آن را باز گرداند. این دانش کامل بود. اما پسر دروناچاریا، که از این دانش لطیف استفاده می‌کرد، نمی‌دانست که چگونه آن را باز گرداند. او از ترس مرگ محتوم خویش آن را به کار گرفت و بنابراین این عمل نه تنها نامناسب بلکه غیرمذهبی نیز بود. به عنوان پسر یک برهمانا، او نباید چنین اشتباهاتی را مرتکب می‌شد. و برای چنین اشتباه فاحشی نسبت به وظایف خود، باید توسط شخص خداوند مجازات می‌گردید.

آیه ۲۸

*na hy asyānyatamaṁ kiñcid
astram̐ pratyavakarśanam
jahy astra-teja unnaddham
astra-jñō hy astra-tejasā*

na: نه؛ hi: قطعاً؛ asya: از آن؛ anyatamaṁ: دیگر؛ kiñcit: هر چیز؛ astram: سلاح؛
prati: مخالف، ضد؛ avakarśanam: واکنشی؛ jahi: سرکوب آن؛ astra-tejah: تشعشع
این سلاح؛ unnaddham: بسیار قدرتمند؛ astra-jñah: متبحر در علوم نظامی؛ hi: حقیقت؛
astra-tejasā: با تأثیر سلاح.

ترجمه

ای آرچونا، تنها برهماسترای دیگری می‌تواند این سلاح را خنثی کند. از آن جا که تو در علوم نظامی متبحر هستی، تشعشع این سلاح را با قدرت سلاحت مقهور نما.

شرح

هیچ سلاحی برای مقابله با سلاح‌های اتمی وجود ندارد که بتواند تأثیرات آنها را خنثی کند. اما با هنر ظریف عملکرد برهماسترا می‌توان برهماسترا را خنثی نمود و کسانی که در آن زمان متخصص علوم نظامی بودند می‌توانستند برهماسترا را خنثی نمایند. پسر درونا چاریا هنر مقابله با این سلاح را نمی‌دانست و بنابراین کریشنا از آرچونا خواست که با قدرت سلاح خویش با این سلاح مقابله کند.

آیه ۲۹

sūta uvāca
śrutvā bhagavatā proktam
phālgunaḥ para-vīra-hā
spr̥ṣtvāpas tam̐ parikramya
brāhmaṁ brāhmāstram̐ sandadhe

sūtaḥ: سوتا گوسوامی؛ *uvāca*: گفت؛ *śrutvā*: پس از شنیدن؛ *bhagavatā*: توسط شخصیت خداوند؛ *proktam*: آنچه گفته شده بود؛ *phālgunaḥ*: نام دیگر شری آرچونا؛ *para-vīra-hā*: کشنده‌ی مبارز مخالف؛ *spr̥ṣtvā*: پس از لمس؛ *āpah*: آب؛ *tam*: او را؛ *parikramya*: طواف کردن؛ *brāhmaṁ*: خداوند متعال؛ *brāhma-astam*: سلاح متعال؛ *sandadhe*: عمل نمود.

ترجمه

شری سوتا گوسوامی گفت: با شنیدن این مطلب از شخصیت خداوند، آرچونا

برای طهارت آب را لمس نمود و پس از طواف کردن خداوند شری کریشنا، سلاح براهماسترای خویش را برای مقابله با آن سلاح دیگر پرتاب نمود.

آیه ۳۰

*samhatyānyonyam ubhayos
tejasī śara-saṁvṛte
āvṛtya rodasī kham ca
vavṛdhāte 'rka-vahnivat*

samhatya: با ترکیب؛ *anyonam*: یکدیگر؛ *ubhayoḥ*: از هر دو؛ *tejasī*: انوار؛ *śara*: سلاح‌ها؛ *saṁvṛte*: پوشش؛ *āvṛtya*: پوشش؛ *rodasī*: آسمان کامل؛ *ca kham*: فضای بیرونی نیز؛ *vavṛdhāte*: افزایش؛ *arka*: سیاره‌ی خورشید؛ *vahni-vat*: همچون آتش.

ترجمه

هنگامی که انوار دو برهماسترا ترکیب شد، حلقه‌ی بزرگی از آتش همچون سیاره‌ی خورشید، تمام فضاها را بیرونی و کل آسمان‌های سیارات را پوشانید.

شرح

گرمای ایجاد شده با نور یک برهماسترا مشابه آتشی است که در کره‌ی خورشید در زمان نابودی کهکشانی رخ می‌دهد. انوار انرژی اتمی معاصر در مقایسه با گرمای تولید شده توسط یک برهماسترا بسیار بی‌اهمیت است. انفجار بمب اتمی در نهایت می‌تواند یک سیاره را منفجر کند، اما گرمای تولید شده توسط برهماسترا می‌تواند کل موقعیت کهکشانی را تخریب کند. بنابراین در این جا چنین حرارتی با گرمای زمان نابودی کل جهان قیاس شده است.

آیه ۳۱

*dṛṣṭvāstra-tejas tu tayos
trīl lokān pradahan mahat
dahyamānāḥ prajāḥ sarvāḥ*

sāmvartakam amamsata

dr̥ṣṭvā: بنابراین با رؤیت؛ *astra*: سلاح؛ *tejah*: گرما؛ *tu*: اما؛ *tayoḥ*: از هر دو؛ *trīn*: سه؛ *lokān*: سیاره‌ها؛ *pradahat*: درخشان؛ *mahat*: شدیداً؛ *dahyamānāḥ*: سوزان؛ *prajāḥ*: مردم؛ *sarvāḥ*: تمام آنها؛ *sāmvartakam*: نام آتشی که در زمان نابودی کهکشان اتفاق می‌افتد؛ *amamsata*: شروع به فکر کردن نمود.

ترجمه

تمام جمعیت سه جهان از گرمای ترکیبی این سلاح‌ها سوختند. همگان آتش ساموارتاکا (*sāmvartaka*) را به یاد آوردند که در زمان نابودی اتفاق می‌افتد.

شرح

سه جهان شامل سارات بالایی، پایینی و میانی هستند. گرچه برهماسترا روی سیاره‌ی زمین رها گردید، گرمای تولید شده از ترکیب این دو سلاح سراسر جهان را فرا گرفت و تمام جمعیت سیارات مختلف این گرمای بیش از حد را حس کردند و آنرا با آتش ساموارتاکا قیاس نمودند. بنابراین هیچ سیاره‌ای آن گونه که مادی‌گرایان کم‌خرد می‌پندارند، فاقد موجودات زنده نیست.

آیه ۳۲

prajopadravam ālakṣya
loka-vyatikaram ca tam
matam ca vāsudevasya
sañjahārjunō dvayam

prajā: عموم مردم؛ *upadravam*: اغتشاش؛ *ālakṣya*: آن را دیده بودند؛ *loka*: سیارات؛ *vyatikaram*: تخریب؛ *ca*: نیز؛ *tam*: آن؛ *ca matam*: و نظر؛ *vāsudevasya*: مربوط به و آسودوا، شری کریشنا؛ *sañjahāra*: منقبض و جمع نمود؛ *arjunah*: آرجونا؛ *dvayam*: هر دو سلاح‌ها.

ترجمه

بنابراین با رؤیت اغتشاش میان عموم مردم و تخریب قریب الوقوع سیارات، آرجونا فوراً درست به همان تربیی که خداوند شری کریشنا خواسته بود هر دو سلاح برهماسترا را باز گرداند.

شرح

این نظریه که انفجارهای بمب اتمی می‌تواند جهان را نابود سازد، تصویری بچه‌گانه است. قبل از هر چیز، انرژی اتمی آن قدر قوی نیست که بتواند جهان را تخریب کند. و دوم آنکه، در نهایت همه چیز بر خواسته‌ی متعال خداوند تکیه دارد؛ چرا که بدون خواسته یا تأیید او چیزی نمی‌تواند ساخته یا تخریب شود. تصور اینکه قوانین طبیعت نیز در نهایت قدرتمند هستند احمقانه است. همان‌طور که در بهاگاواد-گیتا بیان شده است، قانون طبیعت مادی تحت هدایت خداوند عمل می‌کند. خداوند در آن جا می‌فرماید که قوانین طبیعت تحت نظارت وی عمل می‌کنند. جهان تنها به واسطه‌ی اراده‌ی خداوند، و نه با تصمیمات سیاستمداران خرد، می‌تواند تخریب شود. خداوند شری کریشنا تمایل داشت که سلاح‌های رهاشده توسط دراوینی و آرجونا هر دو پس کشیده شوند و این کار فوراً توسط آرجونا انجام گردید. مشابهاً بسیاری از عوامل خداوند قادر وجود دارند و تنها با خواسته و اراده‌ی اوست که فرد می‌تواند آنچه را خداوند خواستار آن است انجام دهد.

آیه ۳۳

tata āsādya tarasā
dāruṇam gautamī-sutam
babandhāmarṣa-tāmrākṣaḥ
paśum raśanayā yathā

tataḥ: در نتیجه؛ āsādya: دستگیر نمود؛ tarasā: ماهرانه؛ dāruṇam: خطرناک؛ gautamī-sutam: پسر گائوتامی؛ babandha: بست و به بند کشید؛ amarṣa: خشمگین؛ tāmrā-akṣaḥ: با چشمانی قرمز همچون مس؛ paśum: حیوان؛ raśanayā: با طناب‌ها؛ yathā: آنچنان که بود.

ترجمه

آرجونا، که چشمانش از آتش خشم همچون دو گوی قرمز مسی بود، به طور ماهرانه‌ای پسر گائوتامی را دستگیر نمود و او را همچون یک حیوان با طناب بست.

شرح

کریپی، مادر آشواتاما، در خانواده‌ی گائوتاما زاییده شده بود. نکته‌ی حائز اهمیت در این آیه آن است که آشواتاما همانند یک حیوان دستگیر، و با طناب‌هایی بسته شد. بر اساس نظر شریدهارا سوامی، آرجونا به عنوان بخشی از وظیفه‌ی (دارما) خویش ملزم بود که این پسر برهمانا زاده را همچون حیوانی به بند کشد. این نظر شریدهارا سوامی در عبارت بعدی شری کریشنا نیز تأیید شده است. آشواتاما پسر معتبر دروناچاریا و کریپی بود. اما بدین خاطر که وی خود را به سطحی پایین‌تر از زندگی تنزل داده بود، شایسته‌ی رفتاری همچون یک حیوان و نه یک برهمانا بود.

آیه ۳۴

*śibirāya ninīṣantaṁ
rajjvā baddhvā ripuṁ balāt
prāhārjunam prakupīto
bhagavān ambujekṣaṇaḥ*

śibirāya: در مسیر اردوگاه نظامی؛ *ninīṣantaṁ*: در حالی که وی را می‌آورد؛ *rajjvā*: با طناب‌ها؛ *baddhvā*: بسته شده، *ripuṁ*: دشمن؛ *balāt*: با زور؛ *prāha*: گفت؛ *arjunam*: به آرجونا؛ *prakupītaḥ*: در حالتی خشمگین؛ *bhagavān*: شخصیت خداوند؛ *ambuja-ikṣaṇaḥ*: که با چشمان نیلوفرینش می‌نگرد.

ترجمه

پس از بستن آشواتاما، آرجونا می‌خواست وی را به اردوگاه نظامی ببرد. شخصیت‌اعلای خداوند شری کریشنا، که با چشمان نیلوفرینش می‌نگریست، به آرجونای خشمگین چنین گفت.

شرح

هم آرجونا و هم خداوند شری کریشنا در این جا در حالی خشمگین توصیف شده‌اند، با این حال، چشمان آرجونا همانند گوی‌های قرمز مسی اما چشمان خداوند همانند گل نیلوفر بود. این بدان معناست که حالت خشمگین آرجونا و خداوند در سطحی مشابه نیستند. خداوند متعال است و بنابراین در تمام مراحل مطلق می‌باشد. خشم خداوند همچون خشم هیچ موجود زنده‌ای در گونه‌های طبیعت مادی قرار ندارد. بدین خاطر که خداوند مطلق است، خشم و لذت وی نیز یکسان هستند. خشم وی نیز در سه گونه‌ی طبیعت مادی متجلی نمی‌شود. این تنها نشانه‌ای از تمایل ذهنی وی به سمت عابدان خویش است، چرا که این طبیعت متعال اوست. بنابراین، اگر خشمگین باشد، این فرد مورد خشم واقع شده است که برکت می‌یابد. وی خود در تمام شرایط بدون تغییر باقی می‌ماند.

آیه ۳۵

*mainam pāarthārhasi trātum
brahma-bandhum imam jahi
yo 'sāv anāgasah suptān
avadhīn niśi bālakān*

mā enam: نه هرگز به او؛ *pārtha*: ای آرجونا؛ *arhasi*: باید؛ *trātum*: رها کردن؛ *brahma bandndhum*: خویشاوند یک برهمانا؛ *imam*: او را؛ *jahi*: کشتن؛ *yah*: او (که دارد)؛ *asau*: آنان؛ *anāgasah*: بی‌خطا؛ *suptān*: در حالی که خواب بودند؛ *avadhī*: کشت؛ *niśi*: شب هنگام؛ *bālakān*: پسران.

ترجمه

خداوند شری کریشنا گفت: ای آرجونا، تو نباید با نشان دادن لطف، این خویشاوند برهمانا (برهما-باندهو) را آزاد کنی، چرا که وی پسران معصوم را در خواب کشته است.

شرح

واژه‌ی برهما-باندهو مهم است. فردی که در خانواده‌ی یک برهمانا متولد شده است اما شایسته‌ی برهمانا نامیده شدن نیست به عنوان خویشاوند یک برهمانا و نه به عنوان یک برهمانا مورد خطاب واقع می‌گردد. پسر یک قاضی دادگاه عالی واقعاً یک قاضی دادگاه عالی نیست، اما هیچ ضرری در مخاطب قرار دادن وی به عنوان خویشاوند یک قاضی محترم وجود ندارد. بنابراین، همان‌طور که تنها با تولد فرد نمی‌تواند قاضی دادگاه عالی شود، تنها با تولد نیز نمی‌تواند شایستگی‌های لازم برای برهمانا بودن را کسب کند. همان‌گونه که مسند قضاوت در دادگاه عالی مسندی برای یک فرد شایسته است، تکیه زدن بر مسند برهمانایی نیز تنها با کسب ویژگی‌های آن ممکن است. شاسترا بیان می‌دارد که حتی اگر شایستگی‌های مناسب در یک فرد زاده شده در خانواده‌ای غیر از خانواده برهمانا دیده شود، آن فرد شایسته باید به عنوان یک برهمانا پذیرفته شود؛ و مشابهاً اگر فردی در یک خانواده‌ی برهمانا متولد شد و عاری از شایستگی‌های برهمانایی باشد، باید با وی به صورت یک غیربرهمانا یا با واژگانی بهتر، همچون یک خویشاوند برهمانا رفتار شود. خداوند شری کریشنا، مرجع متعال تمام اصول مذهبی و داهها، شخصاً به این تفاوت‌ها اشاره می‌کند و دلایل این امر را در آیات بعد شرح می‌دهد.

آیه ۳۶

*mattam pramattam unmattam
suptam bālam striyam jaḍam
praṇanam viratham bhītam
na ripum hanti dharma-vit*

mattam: بی‌توجه؛ *pramattam*: ناآگاه، مست؛ *unamattam*: بی‌عقل؛ *suptam*: خوابیده؛ *bālam*: پسر؛ *striyam*: زن؛ *jaḍam*: احمق؛ *praṇanam*: تسلیم‌شده؛ *viratham*: فردی که ارباهش را از دست داده است؛ *bhītam*: ترسیده؛ *na*: نه؛ *ripum*: دشمن؛ *hanti*: کشتن؛ *dharma-vit*: فردی که اصول دین را می‌داند.

ترجمه

فردی که اصول دین را می‌داند، دشمنی که بدون توجه، ناآگاه، ناقص‌العقل، خوابیده، ترسیده یا بدون ارباب باشد را نمی‌کشد. همچنین او یک پسر بیچه، یک

زن، یا موجودی نادان یا یک روح تسلیم شده را نمی کشد.

شرح

دشمنی که مقاومت نمی کند هرگز توسط مبارزی که اصول دین را می داند کشته نخواهد شد. در زمان های قدیم جنگ ها بر اساس اصول دینی و نه به خاطر ارضای حواس صورت می گرفتند. اگر بر حسب اتفاق دشمن بدون توجه، مست، خواب یا غیره بود، هرگز کشته نمی شد. اینها بعضی قوانین جنگ مذهبی هستند. در زمان های گذشته، جنگ ها بر اساس توهمات رهبران سیاسی خودخواه صورت نمی گرفتند؛ بلکه بر اساس اصول مذهبی و عاری از تمام گناهان انجام می شدند. خشونت صورت گرفته بر اساس اصول مذهبی بسیار والاتر از به اصطلاح عدم خشونت است.

آیه ۳۷

*sva-prāṇān yaḥ para-prāṇaiḥ
praṇuṣṇāty aghṛṇaḥ khalaḥ
tad-vadhas tasya hi śreyo
yad-doṣād yāty adhaḥ pumān*

sva-prāṇān: زندگی خود فرد؛ *yaḥ*: فردی که؛ *para-prāṇaiḥ*: به قیمت زندگی دیگران؛ *praṇuṣṇāti*: به طور مناسب نگهداری می کند؛ *aghṛṇaḥ*: بی شرم؛ *khalaḥ*: بدبخت، پست؛ *tad-vadhaḥ*: کشتن وی؛ *tasya*: مربوط به او؛ *hi*: قطعاً؛ *śreyaḥ*: رفاه، خیر؛ *yat*: با آن؛ *doṣāt*: با تقصیر؛ *yāty*: می رود؛ *adhaḥ*: به سمت پایین؛ *pumān*: یک فرد.

ترجمه

فردی بی رحم و پست که به قیمت زندگی دیگران معاش می کند، برای خیر و رفاه خویش شایسته ی کشته شدن است، وگرنه به واسطه ی اعمال خویش سقوط خواهد نمود.

شرح

زندگی در مقابل زندگی، مجازات شخصی است که با قساوت و بی‌رحمی و به طرزی بسیار بی‌شرمانه به قیمت زندگی فرد دیگری امرار معاش می‌کند. اخلاق‌گرایی سیاسی، مجازات مرگ برای یک نفر به دلیل حفظ آن شخص از رفتن به جهنم است. اینکه یک قاتل توسط حکومت به مجازات مرگ محکوم شود برای خود آن فرد شرور مناسب است؛ چرا که در زندگی بعدی مجبور به رنج بردن از عمل قتل خویش نخواهد بود. چنین مجازات مرگی برای یک قاتل کمترین مجازات ممکن برای وی است و در اسمریتی-شاسترا (*smṛti-sāstras*) گفته شده است افرادی که توسط پادشاه بر اساس اصل زندگی در برابر زندگی مجازات می‌شوند، از تمام گناهانشان پاک می‌گردند، تا حدی که شایستگی ارتقاء به سیارات بهشتی را پیدا می‌کنند. بر اساس نظر مانو، نویسنده‌ی بزرگ قوانین مدنی و اصول مذهبی، حتی قاتل یک حیوان نیز باید به عنوان قاتل در نظر گرفته شود، چرا که غذای حیوانی هرگز برای انسان متمدنی که وظیفه‌ی اصلی‌اش آماده‌سازی خویش برای بازگشت به نزد خداوند است، در نظر گرفته نشده است. وی چنین اظهار می‌دارد که عمل کشتن یک حیوان، توطئه‌ای معمول توسط گروه گناه‌کاران است که تمامی آنها، درست همانند قاتلانی که به طور مشترک به قتل یک انسان دست می‌زنند، محکوم به مجازات به عنوان قاتل هستند. فردی که مجوز این کار را صادر می‌کند، فردی که حیوان را می‌کشد، فردی که حیوان سلاخی‌شده را می‌فروشد، فردی که بدن حیوان را می‌پزد، فردی که به توزیع این غذا می‌پردازد و در نهایت فردی که چنین غذای حیوانی طبخ‌شده‌ای را می‌خورد، همگی قاتل، و شایسته‌ی مجازات بر اساس قوانین طبیعت هستند. علی‌رغم تمام پیشرفت‌های علوم مادی هیچ‌کس قادر به خلق یک موجود زنده نیست و بنابراین هیچ‌کس حق کشتن یک حیوان دیگر بر اساس توهमत مستقل خود را ندارد. برای گوشت‌خواران، متون مقدس تنها قربانی‌های حیوانی محدودی را تأیید کرده‌اند و چنین تأییدی تنها برای ایجاد محدودیت در قبال افتتاح کشتارگاه‌ها و نه برای تشویق کشتن حیوانات ارائه شده است. روندی که طی آن قربانی حیوان در متون مقدس مجاز دانسته می‌شود، هم برای حیوان قربانی‌شده و هم برای گوشت‌خواران مفید است. این موضوع برای حیوان از آن جهت خوب است که حیوان قربانی‌شده پس از قربانی شدن در محراب، در زندگی بعد بلافاصله به بدن انسانی ارتقاء می‌یابد و گوشت‌خوار نیز انواع زمخت‌تر گناهان (خوردن گوشت تهیه شده توسط کشتارگاه سازمان‌یافته که مکانی هولناک برای تولید انواع مصیبت‌ها برای جامعه، کشور و کل مردم است) رها می‌شود. دنیای مادی به خودی خود همواره مکانی پر از نگرانی است و با تشویق کشتار حیوانات کل جو جامعه با جنگ، بیماری، قحطی و بسیاری دیگر از فجایع ناخواسته آلوده‌تر خواهد شد.

آیه ۳۸

*pratiśrutam ca bhavatā
pāñcālyai śṛṇvato mama
āhariṣye śiras tasya
yas te mānini putra-hā*

pratiśrutam: قول داده شده است؛ *ca*: و؛ *bhavatā*: توسط تو؛ *pāñcālyai*: به دختر پادشاه پنچالا (دروپادی)؛ *śṛṇvataḥ*: که شنیده شد؛ *mama*: توسط من شخصاً؛ *āhariṣye*: باید بیاورم؛ *śiraḥ*: سر؛ *tasya*: برای او؛ *yaḥ*: کسی که؛ *te*: مال تو؛ *mānini*: در نظر گرفتن؛ *putra-hā*: قاتل پسرانت.

ترجمه

علاوه بر این، من شخصاً شنیدم که تو به دروپادی قول دادی که سر قاتل پسرانش را برای او خواهی برد.

آیه ۳۹

*tad asau vadhyatām pāpa
ātatāyy ātma-bandhu-hā
bhartuś ca vipriyam vīra
kṛtavān kula-pāmsanaḥ*

tat: بنابراین؛ *asau*: این مرد؛ *vadhyatām*: کشته خواهد شد؛ *pāpaḥ*: گناهکار؛ *ātatāyī*: مهاجم؛ *ātma*: خود؛ *bandhu-hā*: قاتل پسران؛ *bhartuḥ*: مربوط به ارباب؛ *ca*: نیز؛ *vipriyam*: راضی نشده است؛ *vīra*: ای مبارز؛ *kṛtavān*: فردی که آن را انجام داده است؛ *kula-pāmsanaḥ*: باقی مانده‌ی سوخته‌ی خانواده.

ترجمه

این مرد یک متجاوز و قاتل اعضای خانواده‌ی خودت است. نه تنها این، بلکه

وی همچنین ارباب خود را نیز ناراضی کرده است. او چیزی نیست جز باقی‌مانده سوخته‌ی خانواده‌اش. فوراً او را بکش.

شرح

پسر دروناچاریا به عنوان باقی‌مانده‌ی سوخته‌ی خانواده‌ی خویش تقبیح شده است. نام نیک دروناچاریا بسیار محترم بود. گرچه وی به اردوگاه دشمن ملحق شد، پانداواها همواره احترام وی را نگه می‌داشتند و آرجونا پیش از آغاز نبرد در مقابل وی ادای احترام نمود. در این اقدام هیچ چیز اشتباهی وجود نداشت. اما پسر دروناچاریا با انجام اعمالی که هرگز توسط دویجاها یا اشخاص دو بار زاده شده در طبقه‌ی اعلی‌تر صورت نمی‌گرفت، منزلت و جایگاه خود را تقلیل داده بود. آشواتاما، پسر دروناچاریا، پنج پسر خوابیده‌ی دروپادی را کشته بود و با این عمل ارباب خویش، دوریودهان را ناراضی ساخته بود. دریودهان هرگز عمل پست و شرورانه‌ی قتل پنج پسر خوابیده‌ی پانوادها را تأیید نکرد. این بدان معناست که آشواتاما متجاوز به اعضای خانواده‌ی آرجونا به شمار می‌آید و بدین ترتیب شایسته‌ی مجازات توسط وی است. در شاستراها، فردی که بدون تذکر حمله می‌کند و یا از پشت سر می‌کُشد یا در خانه دیگری آتش می‌افکند یا همسر دیگری را می‌دزد، مستحق مرگ است. کریشنا این حقایق را به آرجونا یادآوری نمود تا شاید آرجونا آنها را در نظر بگیرد و اقدام لازم را انجام دهد.

آیه ۴۰

sūta uvāca
evam ṣarīkṣatā dharmam
pārthaḥ kṛṣṇena coditaḥ
naicchat dhantum guru-sutam
yadyapy ātma-hanam mahān

sūtaḥ: سوتا گوسوامی؛ *uvāca*: گفت؛ *evam*: این؛ *ṣarīkṣatā*: آزمایش‌شده؛ *dharmam*: در مورد وظیفه؛ *pārthaḥ*: شری آرجونا؛ *kṛṣṇena*: با خداوند کریشنا؛ *coditaḥ*: تشویق شده؛ *na icchat*: دوست نداشت؛ *hantum*: کشتن؛ *guru-sutam*: پسر معلمش؛ *yadyapi*: گرچه؛ *ātma-hanam*: قاتل پسران؛ *mahān*: بسیار عظیم.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: گرچه کریشنا، که دین‌داری آرچونا را آزموده بود، وی را به کشتن پسر دروناچاریا تشویق می‌کرد، آرچونا، آن روح بزرگ، ایده‌ی کشتن آشواتاما را حتی با این وجود که او قاتل شرور اعضای خانواده‌اش بود، نمی‌پسندید.

شرح

آرچونا بی‌شک روح بزرگی بود و این موضوع در این‌جا نیز اثبات شده است. وی در این‌جا شخصاً توسط خداوند به کشتن پسر درونا تشویق می‌شود، اما آرچونا در نظر داشت که باید از خون پسر معلم بزرگ خویش بگذرد؛ چرا که وی گرچه پسری ناشایست بود و تمام انواع اعمال شرورانه را بر اساس هوا و هوس و نفع شخصی خویش انجام داده بود، بر حسب اتفاق پسر دروناچاریا بود.

خداوند شری کریشنا ظاهراً آرچونا را تشویق می‌کند تا حس وظیفه‌شناسی وی را بیازماید. نه آرچونا در حس وظیفه‌شناسی خویش دچار نقصان بود، و نه خداوند شری کریشنا از حس وظیفه‌شناسی آرچونا ناآگاه. اما خداوند شری کریشنا بسیاری از عابدان پاکش را مورد آزمون قرار می‌دهد تا اهمیت حس وظیفه‌شناسی را پرشکوه‌تر سازد. گویی‌ها نیز در معرض چنین آزمونی قرار گرفتند. پراهلاد ماهاراج نیز در معرض چنین آزمونی قرار گرفت. تمام عابدان پاک از آزمون‌های مورد نظر خداوند سربلند و موفق بیرون می‌آیند.

آیه ۴۱

*athopetya sva-śibiram
govinda-priya-sārathiḥ
nyavedayat tam priyāyai
socantyā ātma-jān hatān*

atha: پس از آن؛ *apetya*: رسیدن؛ *sav*: خود؛ *śibiram*: اردوگاه؛ *govinda*: فردی که حواس را حیات می‌بخشد (خداوند شری کریشنا)؛ *priya*: عزیز؛ *sārathiḥ*: اربه‌ران؛ *nyavedayat*: واگذار شده به؛ *tam*: به او؛ *priyāyai*: به آن عزیز؛ *socantyai*: سوگواری

برای؛ *ātma-jān*؛ پسران خودش؛ *hatān*: کشته شده.

ترجمه

آرجونا پس از رسیدن به اردوگاه خویش به همراه دوست عزیز و اربابان خود (شری کریشنا)، قاتل را به همسر عزیزش که سوگوار پسران کشته شده اش بود، سپرد.

شرح

رابطه‌ی متعال آرجونا و کریشنا، دوستی در حد اعلاست. در بهاگواد-گیتا خداوند شخصاً آرجونا را به عنوان عزیزترین دوست خویش معرفی می‌کند. بدین ترتیب هر موجود زنده با نوعی رابطه‌ی محبت‌آمیز چه به صورت خادم یا به صورت دوست یا به صورت والدینی و یا به صورت عشق نکاحی در ارتباط با خداوند است. بنابراین اگر فردی چنین تمایلی داشته باشد و صادقانه با روند بهاکتی-یوگا در این جهت کوشش کند، می‌تواند از معاشرت خداوند در قلمرو روحانی لذت ببرد.

آیه ۴۲

*tathāhṛtam paśuvat pāśa-baddham
avān-mukhaṁ karma-jugupsitena
nirīkṣya kṛṣṇāpakṛtam guroḥ sutam
vāma-svabhāvā kṛpayā nanāma ca*

tathā: بدین ترتیب؛ *āhṛtam*: آورده شد؛ *paśu-vat*: همچون یک حیوان؛ *pāśa-baddham*: بسته شده با طناب؛ *avāk-mukham*: بدون کلامی در دهانش؛ *karma*: فعالیت‌ها؛ *jugupsitena*: شرارت؛ *nirīkṣya*: با رؤیت؛ *kṛṣṇā*: دروپادی؛ *apakṛtam*: انجام اعمال پست؛ *guroḥ*: معلم؛ *sutam*: پسر؛ *vāma*: زیبا؛ *svabhāvā*: طبیعت؛ *kṛpayā*: از سر محبت؛ *nanāma*: تقدیم احترامات؛ *ca*: و.

ترجمه

شری سوتا گوسوامی گفت: آنگاه دروپادی آشواتاما را دید که همچون یک حیوان بسته شده و به خاطر انجام شنیع‌ترین قتل ساکت بود. دروپادی به دلیل طبیعت زنانه‌ی خویش و بدین خاطر که ذاتاً خوب و خوش‌رفتار بود، به او احترامات شایسته‌ی یک برهمنای را تقدیم نمود.

شرح

خود خداوند آشواتاما را تقبیح کرده بود و آرجونا نیز همچون یک متهم با او برخورد کرد و نه شبیه پسر یک برهمنای یا یک معلم. اما هنگامی که وی به پیشگاه دروپادی آورده شد، دروپادی، گرچه سوگوار قتل پسرانش بود و گرچه قاتل نزد وی بود، نتوانست از احترامات معمول تقدیم شده به یک برهمنای یا پسر یک برهمنای صرف‌نظر کند. این امر به دلیل طبیعت ذهنی وی به عنوان یک زن بود. طبقه‌ی زنان بالاتر از مردان نیستند، و بنابراین قدرت تمایزی همچون مردان ندارند. آشواتاما خود ثابت کرده بود که پسر بی‌ارزش دروناچارایا یا یک برهمنای است و به همین دلیل، شری کریشنا بزرگ‌ترین مرجع جهان وی را تقبیح کرده بود و با این حال یک زن با شخصیت و آرام نمی‌توانست ادب و احترام خود را به یک برهمنای نشان ندهد. حتی امروزه نیز در یک خانواده‌ی هندو، زن احترامات در خور طبقه‌ی برهمنای را - حتی اگر فرد مورد نظر فروافتاده یا برهما-باندوهی شرور باشد- ادا می‌نماید. اما یک مرد شروع به اعتراض به برهما-باندوهایی می‌کند که در خانواده‌های شایسته برهمنای متولد شده‌اند اما به واسطه‌ی اعمالشان پست‌تر از شودراها هستند.

واژه‌ی خاص مورد استفاده در این آیه، واما-سوابهاوا (*vāma-svabhāvā*) یعنی ذاتاً آرام و نجیب است. یک مرد یا زن شایسته هر چیزی را به سادگی می‌پذیرد؛ اما یک مرد با هوش متوسط چنین کاری نمی‌کند. اما به هر حال، ما نباید قدرت استدلال و تمایز خود را به خاطر آرام بودن ترک کنیم. فرد باید قدرت تمایز مناسب برای قضاوت موضوعات برحسب شایستگی‌های آنها را داشته باشد. ما نباید از طبیعت آرام یک زن پیروی کنیم و بنابراین هرآنچه خالص نیست را بپذیریم. آشواتاما ممکن است توسط یک زن خوش‌ذات مورد احترام قرار بگیرد، اما این بدان معنی نیست که وی همانند یک برهمنای پاک، دارای شایستگی لازم است.

آیه ۴۳

uvāca cāsaḥanty asya

bandhanānayanam satī
mucyatām mucyatām eṣa
brāhmaṇo nitarām guruḥ

uvāca: گفت؛ *ca*: و؛ *asahantī*: غیرقابل تحمل برای او؛ *asya*: مال او؛ *bandhana*: به بند کشیده؛ *ānayanam*: آوردن او؛ *satī*: عابد؛ *mucyatām mucyatām*: فقط او را آزاد کنید؛ *eṣaḥ*: این؛ *brāhmaṇaḥ*: یک برهمنای؛ *nitaram*: به ما؛ *guruḥ*: معلم.

ترجمه

دروپادی نمی‌توانست تحمل کند که آشواتاما با طناب‌هایی به بند کشیده شده باشد و به دلیل اینکه عابد شایسته‌ای بود، گفت: او را آزاد کنید، چرا که او یک برهمنای پیر روحانی ماست.

شرح

به محض آنکه آشواتاما به پیشگاه دروپادی آورده شد، دروپادی اندیشید که دستگیری یک برهمنای همچون فردی خطاکار، و آوردن وی پیش دروپادی در آن شرایط، به ویژه هنگامی که این برهمنای پسر معلم آنها نیز باشد، غیرقابل تحمل است. آرجونا که آشواتاما را دستگیر نمود به خوبی می‌دانست که او پسر دروناچاریات است. کریشنا نیز این واقعیت را می‌دانست، اما هر دوی آنها قاتل را بدون در نظرگیری اینکه او پسر یک برهمناست، تقبیح نمودند. بر اساس متون مقدس، معلم یا پیر روحانی‌ای که کفایت لازم برای جایگاه گورو یا پیر روحانی را نداشته باشد، محکوم به رد شدن است. یک گورو، آچاریا نامیده می‌شود؛ یعنی فردی که تمام چکیده‌ی شاستراها را جذب کرده و شاگردان خویش را برای پذیرش این مسیرها یاری نموده است. آشواتاما در انجام وظایف یک برهمنای یا معلم شکست خورده بود و بنابراین وی شایسته‌ی آن بود که از جایگاه اعلا‌ی یک برهمنای به پایین کشیده شود. با در نظر گرفتن این واقعیت، هم خداوند شری کریشنا و هم آرجونا در تقبیح اعمال آشواتاما محق بودند. اما برای زن شایسته‌ای چون دروپادی، موضوع نه از دیدگاه شاستریک (قانون کتب مقدس)، بلکه از دید سنت مطرح بود. بر اساس سنت‌ها، به آشواتاما همان احترامی تقدیم می‌شود که به پدرش تقدیم می‌گردید. معمولاً این‌گونه بود که مردم از روی احساسات پسر یک برهمنای را همچون برهمنایی واقعی می‌پذیرفتند. اما حقیقت

چیز دیگری است. یک برهمانا بر اساس ویژگی‌ها و نه تنها بر اساس پسر یک برهمانای دیگر بودن پذیرفته می‌شود.

اما علی‌رغم تمام این موارد، دروپردی تمایل داشت که فوراً آشواتاما رها شود و این کار، احساس خوبی را در وی سبب می‌شد. این بدان معنا بود که عابد خداوند می‌تواند تمام آزمایش‌های سخت را تحمل کند، اما در عین حال چنین عابدانی هرگز نسبت به دیگران حتی نسبت به دشمن، عصبانی و نامهربان نمی‌شوند. اینها ویژگی‌های عابد پاک خداوند است.

آیه ۴۴

sarahasyo dhanur-vedaḥ
savisargopasaṁyamaḥ
astra-grāmaś ca bhavatā
śikṣīto yad-anugrahāt

sa- rahasyaḥ: محرمانه؛ *dhanuḥ-vedaḥ*: آگاهی از هنر ساخت تیرها و کمان‌ها؛ *sa- visarga*: رهاسازی؛ *uṣasāmyamaḥ*: کنترل؛ *astra*: سلاح‌ها؛ *grāmaḥ*: تمام انواع؛ *ca*: و؛ *bhavatā*: توسط خودت؛ *śikṣītaḥ*: آموختی؛ *yad*: توسط کسانی که؛ *anugrahāt*: لطفی.

ترجمه

این به سبب لطف دروناچاریا بود که تو هنر نظامی پرتاب تیرها و هنر محرمانه‌ی کنترل سلاح‌ها را آموختی.

شرح

ارجونا، دهانور-ودا (*Dhanur-veda*) یا علم نظامی را همراه با تمام رازهای محرمانه‌ی پرتاب و کنترل توسط مانترهای ودایی آن، از دروناچاریا آموخته بود. علم نظامی زمخت وابسته به سلاح‌های مادی است؛ اما لطیف‌تر از آن هنر پرتاب تیرهای مسلح به مانترهای ودایی است که کارآمدتر از سلاح‌های مادی زمخت همچون سلاح‌های خودکار و بمب‌های اتمی است. کنترل این سلاح‌ها توسط مانترهای ودایی یا علم ماورایی صوت صورت می‌پذیرد. در رامایانا گفته شده است که ماهاراج دشاراتها (*Mahārāja Daśaratha*)، پدرخوانده‌ی شری رام، تنها با صوت

تیرها را کنترل می‌کرد. او می‌توانست تیر خود را تنها با شنیدن صدا، بدون رؤیت هدف به آن بزند. بنابراین، این علم نظامی لطیف‌تر از سلاح‌های نظامی مادی و زمخت امروزی است. آرجونا تمام اینها را آموخته بود، و بنابراین دروپردی آرزو می‌کرد که آرجونا به خاطر این منافع خودش را نسبت به دروناچاریا مدیون بداند. و در غیبت دروناچاریا، پسرش نماینده‌ی وی بود. این نظر دروپردی، بانوی نیکو و نمونه بود. ممکن است این بحث مطرح شود که چرا دروناچاریا، یک برهمنای سرسخت، باید معلم علوم نظامی باشد. اما پاسخ آن است که یک برهمانا باید معلم باشد، بدون توجه به آنکه دپارتمان دانش او چیست. یک برهمنای حکیم باید تبدیل به یک واعظ و دریافت‌کننده‌ی خیرات و نذورات شود. یک برهمنای معتبر، شایستگی پذیرش چنین حرفه‌هایی را دارد.

آیه ۴۵

*sa eṣa bhagavān droṇaḥ
prajā-rūpeṇa vartate
tasyātmano 'rdham patny āste
nānvagād vīrasūḥ kṛpī*

saḥ: او؛ *eṣaḥ*: قطعاً؛ *bhagavān*: خداوند؛ *droṇaḥ*: دروناچاریا؛ *prajā-rūpeṇa*: در فرم پسرش آشواتاما؛ *vartate*: حضور دارد؛ *tasya*: مال او؛ *ātmanaḥ*: مربوط به بدن؛ *ardham*: نیمه؛ *patnī*: همسر (زن)؛ *āste*: زندگی؛ *na*: نه؛ *anvagāt*: بر عهده گرفت؛ *vīrasūḥ*: با حضور پسر خویش؛ *kṛpī*: خواهر کریپاچاریا.

ترجمه

او (دروناچاریا) قطعاً همچنان حضور دارد، و پسرش نماینده‌ی اوست. همسر وی کریپی مراسم ساتی را انجام نداد؛ چرا که وی یک پسر داشت.

شرح

همسر دروناچاریا، کریپی، خواهر کریپاچاریا است. یک همسر علاقمند، که بر اساس متون مقدس نیمه‌ی بهتر شوهر خویش است، در هنگام مرگ شوهرش، اگر دلیلی برای زندگی نداشته

باشد. مرگ داوطلبانه را می‌پذیرد. اما در مورد همسر دروناچاریا، کریپی متحمل چنین آزمونی نشد چرا که وی یک پسر به عنوان نماینده‌ی شوهرش داشت. اگر پسر شوهر وجود داشته باشد یک بیوه تنها در اسم بیوه است. بنابراین در هر دو مورد آشواتاما نماینده‌ی دروناچاریا بود و کشتن آشواتاما همانند کشتن دروناچاریا محسوب می‌شد. اما بحث دروپردی در مورد کشتن آشواتاما بود.

آیه ۴۶

*tad dharmajña mahā-bhāga
bhavadbhir gauravaṁ kulam
vr̥jinaṁ nārhati prāptuṁ
pūjyaṁ vandyam abhikṣaṣaḥ*

tat: بنابراین؛ *aharma-jña*: فردی که آگاه به اصول دین است؛ *mahā-bhāga*: خوشبخت‌ترین؛ *bhavadbhiḥ*: توسط خودت؛ *gauravam*: پرشکوه شده؛ *kulam*: خانواده؛ *vr̥jinaṁ*: آنچه که درآورده است؛ *na*: نه؛ *arhati*: شایسته است؛ *prāptuṁ*: برای کسب؛ *pūjyam*: قابل پرستش؛ *vandyam*: قابل احترام؛ *abhikṣaṣaḥ*: همواره.

ترجمه

ای خوشبخت‌ترین فرد که اصول مذهب را می‌شناسی، برای تو خوب نیست که دلیل غم و سوگواری اعضای خانواده‌ی پرشکوهی شوی که همواره محترم و شایسته‌ی احترام هستند.

شرح

اهانتی کوچک به یک خانواده‌ی محترم برای ایجاد و برانگیختن غم کافی است. بنابراین، یک مرد فرهیخته باید همواره در برخورد با اعضای خانواده‌ای محترم مراقب باشد.

آیه ۴۷

mā rodīd asya janani

*gautamī pati-devatā
yathāham mṛta-vatsārtā
rodimy aśru-mukhī muhuḥ*

mā: نکن؛ *rodīt*: گریستن؛ *asya*: مال او؛ *jananī*: مادر؛ *gautamī*: همسر درونا؛ *-pati*: *devatā*: عقیف، پاکدامن؛ *yathā*: همان گونه که دارد؛ *aham*: خودم؛ *mṛta-vatsā*: فردی که بچه اش مرده است؛ *ārtā*: مضطر، دچار اضطرار؛ *rodimi*: گریه؛ *aśru-mukhī*: اشک در چشمان؛ *muḥuḥ*: همواره.

ترجمه

ارباب من، کاری نکن که همسر درونا چاریا همچون من بگیرد. من سوگوار مرگ پسرانم هستم. لزومی نیست که او نیز همچون من همواره بگیرد.

شرح

شریماتی دروپادی، آن بانوی دلسوز و نیکو، هم از نگاه احساسات مادرانه و هم از دیدگاه موقعیت قابل احترام همسر درونا چاریا، نمی خواست وی را همچون خود در موقعیتی بی فرزند قرار دهد.

آیه ۴۸

*yaiḥ kopitaṁ brahma-kulaṁ
rājanyair ajitātmabhiḥ
tat kulaṁ pradahaty āśu
sānubandhaṁ śucārpitaṁ*

yaiḥ: توسط آنان؛ *kopitaṁ*: خشمگین؛ *brahma-kulaṁ*: نظم برهمنانها؛ *rājanyair*: توسط طبقه‌ی اجرایی؛ *ajita*: نامحدود؛ *ātmabhiḥ*: توسط خود شخص؛ *tat*: آن؛ *kulaṁ*: خانواده؛ *pradahati*: سوخته است؛ *āśu*: فوراً؛ *sa-anubandham*: همراه با اعضای خانواده؛ *śucā-adpitaṁ*: دچار غم و اندوه نمودن.

ترجمه

اگر دستور پادشاهی که از سر عدم کنترل حواس صادر شده است به مرتبه‌ی برهماناها صدمه بزند و ایشان را خشمگین کند، آنگاه آتش آن خشم کل خانواده‌ی سلطنتی را خواهد سوزاند و غم اندوه را برای همه به ارمغان می‌آورد.

شرح

مرتبه‌ی برهمنایی در جامعه، یا طبقه و اجتماع پیشرفته از لحاظ روحانی، و اعضای چنین خانواده‌های سطح بالایی همواره از احترام و اعتبار بالایی نزد دیگران و طبقات پایین‌تر یعنی طبقه‌ی اجرایی و پادشاهی، طبقه‌ی تجار و کارگران، برخوردارند.

آیه ۴۹

sūta uvāca
dharmyam nyāyām sakaruṇam
nirvyalikam samam mahat
rājā dharmā-suto rājñyāḥ
pratyanandad vaco dvijāḥ

sūtaḥ uvāca: سوتا گوسوامی گفت؛ *dharmyam*: در هماهنگی با اصول دین؛ *nyāyām*: عدالت؛ *sa-karuṇam*: سرشار از لطف؛ *nirvyalikam*: بدون دورویی در دهارما؛ *samam*: برابری؛ *mahat*: پرشکوه؛ *rājā*: پادشاه؛ *dharmā-sutaḥ*: پسر؛ *rājñyāḥ*: توسط ملکه؛ *pratyanandat*: حمایت نمود؛ *vacaḥ*: جملات؛ *dvijāḥ*: ای برهماناها.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: ای برهماناها، پادشاه یودهیشیتیرا کاملاً از جملات ملکه حمایت نمود، زیرا این جملات هماهنگ با اصول دین و کاملاً عادلانه، پرشکوه، پر از لطف و برابری و عاری از دورویی بودند.

شرح

ماهاراج یودهیشترا، که پسر دهارماراج (*Dharmarāja*) یا یاماراج (*Yamarāja*) بود، کاملاً از سخنان ملکه دروپادی که از آرجونا می‌خواست آشواتامارا را آزاد کند، حمایت کرد. فرد نباید خوار و خفیف شدن عضوی از اعضای یک خانواده‌ی بزرگ را تحمل کند. آرجونا و خانواده‌اش مدیون خانواده‌ی دروناچاریا بودند، چرا که آرجونا دانش نظامی را از وی آموخته بود. نمک‌شناسی در قبال چنین خانواده‌ی نیک‌خواهی، از منظر اخلاقی به هیچ‌وجه توجیه‌پذیر نیست. همسر دروناچاریا، که نیمه‌ی بدن آن روح بزرگ بود، باید با رحم و شفقت مورد پذیرش قرار گیرد و نباید به خاطر مرگ فرزند خویش سوگوار شود. این رحم و شفقت است. این عبارات دروپادی، عاری از هرگونه دورویی هستند؛ چرا که عمل باید با دانش کامل انجام پذیرد. حس حاکم بر این سخنان، حس برابری بود؛ چرا که دروپادی بر اساس تجربه‌ی شخصی خویش صحبت می‌کرد. یک زن نازا نمی‌تواند غم یک مادر را درک کند. دروپادی خود یک مادر بود و بنابراین برآورد وی از میزان عمق سوگواری کرپیی کاملاً صحیح بود. و این بسیار پرشکوه بود که وی خواستار ادای احترامی درخور و شایسته به یک خانواده‌ی بزرگ است.

آیه ۵۰

*nakulaḥ sahadevaś ca
yuyudhāno dhanañjayaḥ
bhagavān devakī-putro
ye cānye yāś ca yoṣitaḥ*

nakulaḥ: ناکولا؛ *sahadevaḥ*: ساهادو؛ *ca*: و؛ *yuyudhānaḥ*: ساتیاکی؛ *dhanañjayaḥ*: آرجونا؛ *bhagavān*: شخصیت خداوند؛ *devakī-putraḥ*: پسر دواکی، خداوند شری کریشنا؛ *ye*: آنان؛ *ca*: و؛ *anye*: دیگران؛ *yāḥ*: آنان؛ *ca*: و؛ *yoṣitaḥ*: بانوان.

ترجمه

ناکولا (Nakula) و ساهادو (Sahadeva) [برادران کوچک‌تر پادشاه] و نیز ساتیاکی (Sātyaki)، آرجونا، شخصیت اعلای خداوند شری کریشنا، پسر دواکی، و بانوان و دیگران همگی به اتفاق آراء با پادشاه موافق بودند.

آیه ۵۱

tatrāhāmarṣito bhīmas
tasya śreyān vadhaḥ smṛtaḥ
na bhartur nātmanaś cārthe
yo 'han suptān śiśūn vṛthā

tatra: در نتیجه؛ *āha*: گفت؛ *amarṣitaḥ*: در حالتی خشمگین، *bhīmaḥ*: بهیما؛ *tasya*: مربوط به او؛ *śreyān*: خیر نهایی؛ *vadhaḥ*: کشتن؛ *smṛtaḥ*: ثبت شد؛ *na*: نه؛ *bhartuḥ*: مربوط به ارباب؛ *na*: نه؛ *ātmanaḥ*: مربوط به خودش؛ *ca*: و؛ *arthe*: به خاطر؛ *yaḥ*: فردی که؛ *ahan*: کشته شد؛ *suptān*: خوابیده؛ *śiśūn*: کودکان؛ *vṛthā*: بدون هدف.

ترجمه

اما، بهیما (Bhīma) مخالف با ایشان بود و کشتن این فرد شرور را که در حالتی خشمگین کودکان خوابیده را بی هیچ دلیل و نه به خاطر نفع شخصی یا نفع ارباب خویش کشته بود، توصیه می کرد.

آیه ۵۲

niśamya bhīma-gaditam
draupadyāś ca catur-bhujah
ālokya vadanam sakhyur
idam āha hasann iva

niśamya: درست پس از شنیدن؛ *bhīma*: بهیما؛ *gaditam*: گفته شده توسط؛ *draupadyāḥ*: مربوط به دروپادی؛ *ca*: و؛ *catur-bhujah*: چهار دست (شخصیت خداوند)؛ *ālokya*: دیده شده؛ *madanam*: صورت؛ *sakhyuḥ*: مربوط به درستش؛ *idam*: این؛ *āha*: گفت؛ *hasan*: خنده؛ *iva*: آن چنان.

ترجمه

چاتوربھوجا (Caturbhuja) [فرد چهار دست]، یا شخصیت خداوند؛ پس از شنیدن سخنان بهیما، دروپادی و دیگران، صورت دوست عزیز خویش آرجونا را دید و شروع به صحبت کرد آن چنان که به نظر می‌رسید تبسمی بر لب دارد.

شرح

خداوند شری کریشنا دو دست داشت و اینکه چرا به وی در این‌جا عنوان چهار دست اطلاق شده، توسط شریدهارا سوامی توضیح داده شده است. بهیما و دروپادی دو دیدگاه کاملاً متضاد در قبال کشتن آشواتاما داشتند. بهیما می‌خواست وی فوراً کشته شود، در حالی که دروپادی می‌خواست جان وی را حفظ کند. می‌توان تصور کرد که بهیما آماده‌ی کشتن وی بود در حالی که دروپادی مانع وی برای انجام این کار می‌شد. و به منظور جلوگیری از هر دوی ایشان، خداوند دو دست دیگر خود را نشان داد. در اصل، خداوند ازلی شری کریشنا تنها دو دست در بدن متعال خود نشان می‌دهد، اما در وجه نارایان خود، او چهار دستش را نشان می‌دهد. در وجه نارایانای خویش وی با عبادانش در سیارات وایکونتها اقامت دارد، در حالی که وجه اصلی شری کریشنای وی در سیاره‌ی کریشنالوکا بسیار بسیار بالاتر از سیارات وایکونتها در آسمان روحانی اقامت دارد. بنابراین، در اینکه شری کریشنا چاتوربھوجا نامیده می‌شود، هیچ تضادی وجود ندارد. اگر نیاز باشد وی می‌تواند صدها دست به نمایش بگذارد، چنان‌که در شکل ویشوا-روپای (*viśva-rūpa*) خویش آن را به آرجونا نشان داد. بنابراین، فردی که می‌تواند صدها و هزاران دست نشان دهد، می‌تواند به هنگام ضرورت، فرم چهار دست خود را نیز نشان دهد. هنگامی که آرجونا گیج شده بود که با آشواتاما چه کار کند، خداوند شری کریشنا، به عنوان دوست بسیار عزیز آرجونا، داوطلبانه پذیرفت که راه‌حلی ارائه دهد، و در این حال، تبسمی بر لب داشت.

آیه ۵۳-۵۴

*śrī-bhagavān uvāca
brahma-bandhur na hantavya
ātātāyī vadhārhaṇaḥ
mayaivobhayam āmnātām
paripāhy anuśāsanam*

*kuru pratiśrutam satyaṃ
yat tat sāntvayatā priyām
priyaṃ ca bhīmasenasya
pāñcālyā mahyam eva ca*

śrī-bhagavān: شخصیت خداوند؛ *uvāca*: گفت؛ *brahma-bandhuḥ*: قوم و خویش یک برهمنان؛ *na*: نه؛ *hantavyaḥ*: کشته شود؛ *ātātāyī*: متجاوز؛ *vadha-arhaṇaḥ*: به همین دلیل باید کشته شود؛ *mayā*: توسط من؛ *eva*: قطعاً؛ *ubhayam*: هر دو؛ *āmnātam*: توصیف شده طبق قواعد مرجعیت؛ *paripāhi*: انجام می‌شود؛ *anuśāsanam*: قواعد؛ *kuru*: عمل کردن؛ *pratiśrutam*: آن‌گونه که تعهد شده بود توسط؛ *satyam*: حقیقت؛ *yat tat*: آن چه؛ *sāntvayatā*: در حال تسکین دادن؛ *priyām*: همسر عزیز؛ *priyam*: رضایت؛ *ca*: همچنین؛ *bhīmasenasya*: مربوط به شری بهیماسناسنا؛ *pāñcālyāḥ*: مربوط به دروپادی؛ *mahyam*: به من نیز؛ *eva*: قطعاً؛ *ca*: و.

ترجمه

شخصیت خداوند شری کریشنا گفت: دوست یک برهمنان نباید کشته شود، اما اگر وی یک متجاوز باشد، لازم است کشته شود. تمام این قواعد در متون مقدس وجود دارند، و تو باید بر اساس آن عمل کنی. تو باید به تعهد خود به همسرت عمل کنی و همچنین باید به گونه‌ای عمل نمایی که رضایت بهیماسناسنا و من تأمین شود.

شرح

آرجونا گیج شده بود، چرا که آشواتاما بر اساس متون مقدس مختلف ارائه شده توسط اشخاص مختلف هم باید کشته می‌شد و هم باید حفظ می‌گردید. به عنوان یک برهما-باندهو، یا پسر نالایق یک برهمنان، آشواتاما نباید کشته می‌شد، اما در عین حال وی یک متجاوز نیز بود؛ و بر اساس قواعد مانو، یک متجاوز، گرچه یک برهمنان باشد (چه رسد به پسر نالایق یک برهمنان)، باید کشته شود. دروناچاریا قطعاً یک برهمنان به معنای واقعی بود، اما در میدان جنگ کشته شد. آشواتاما اگرچه یک متجاوز بود، اما بدون هیچ سلاحی در آن‌جا ایستاده بود. قاعده آن است که

یک متجاوز را هنگامی که بدون سلاح یا ارابه باشد، نمی‌توان کشت. تمام این موارد قطعاً گیج‌کننده بودند. علاوه بر این، آرژونا باید به قولی که به دروپادی داده بود وفا می‌نمود تا وی را تسلی دهد. و وی همچنین باید بهیما و کریشنا را که توصیه کرده بودند آشواتاما را بکشد نیز راضی می‌ساخت. این دوگانگی پیش روی آرژونا بود و راه‌حل آن توسط کریشنا ارائه شد.

آیه ۵۵

sūta uvāca
arjunaḥ sahasājñāya
harer hārdam athāsina
mañim jahāra mūrdhanyaṁ
dvijasya saha-mūrdhajaṁ

sūtaḥ: سوتا گوسوامی؛ *uvāca*: گفت؛ *arjunaḥ*: آرژونا؛ *sahasā*: درست در همان زمان؛ *ājñāya*: دانستن آن؛ *hareḥ*: مربوط به خداوند؛ *hārdam*: انگیزه، محرک؛ *atha*: بدین ترتیب؛ *asinā*: با شمشیر، *mañim*: جواهر؛ *jahāra*: جدا نمود؛ *mūrdhanyaṁ*: روی سر، *dvijasya*: مربوط به دو بار زاده شده؛ *saha*: با؛ *mūrdhajaṁ*: موها.

ترجمه

درست در آن زمان، آرژونا توانست انگیزه‌ی سخنان دوپهلو و ابهام‌آمیز خداوند را درک کند و بدین ترتیب با شمشیر خود، موها و جواهرات روی سر آشواتاما را برید.

شرح

انجام دستورات متناقض اشخاص مختلف غیرممکن است. بنابراین آرژونا به واسطه‌ی شعور بالای خویش، به‌کارگیری یک راه‌حل میانی و سازشکارانه را برگزید و جواهر را از روی سر آشواتاما برداشت. این کار همانند جدا کردن سر وی بود و با این حال، جان وی نیز حفظ شده بود. در این‌جا آشواتاما به عنوان دوبار زاده شده مورد اشاره قرار می‌گیرد. قطعاً او دو بار زاده شده بود، اما از جایگاه خویش سقوط کرده بود و بنابراین به صورت مناسب مجازات شد.

آیه ۵۶

*vimucya raśanā-baddham
bāla-hatyā-hata-prabham
tejasā maṇinā hīnam
śibirān nirayāpayat*

vimucya: پس از رها کردن وی؛ *raśanā-badnham*: از بند طناب‌ها؛ *bāla-hatyā*: بچه‌کشی، *hata-prabham*: از دست رفتن درخشش بدنی؛ *tejasā*: مربوط به قدرت؛ *maṇinā*: توسط جواهر؛ *hīnam*: محروم شده از؛ *śibirāt*: از اردوگاه؛ *nirayāpayat*: اخراجش کرد.

ترجمه

او [آشواتاما] پیش‌تر درخشش بدنی خویش را به دلیل قتل آن کودکان از دست داده بود، و علاوه بر این، اکنون با از دست دادن جواهر روی سرش، قدرت خود را بیشتر از دست داد. بنابراین او از بندها رها، و از اردوگاه اخراج شد.

شرح

آشواتاما که بدان‌گونه خوار و حقیر شده بود، با شعور و خرد به کار گرفته شده از جانب خداوند کریشنا و آرجونا، همزمان هم کشته شد و هم کشته نشد.

آیه ۵۷

*vapaṇam draviṇādānam
sthānān niryāpaṇam tathā
eṣa hi brahma-bandhūnām
vadho nānyo 'sti daihikaḥ*

vapaṇam: بریدن موهای سر؛ *draviṇa*: ثروت؛ *adānam*: تاوان؛ *sthānāt*: از محل سکونت؛ *niryāpaṇam*: راندن؛ *tathā*: نیز؛ *eṣaḥ*: تمام اینها؛ *hi*: قطعاً؛ *brahma-*

bandhūnām: اقوام یک برهمنان؛ *vadhah*: کشتن؛ *na*: نه؛ *anyah*: هر روش دیگر؛ *asti*: وجود دارد؛ *daihikah*: در مورد بدن.

ترجمه

بریدن موی سر، محرومیت از ثروت و رانده شدن از سکونتگاه خود، تاوان‌ها و مجازات‌های تجویز شده برای بستگان [بدکار] یک برهمنان هستند. قاعده‌ای برای کشتن بدن وی وجود ندارد.

آیه ۵۸

putra-śokāturāḥ sarve
pāṇḍavāḥ saha kṛṣṇayā
svānām mṛtānām yat kṛtyam
cakrur nirharaṇādikam

putra: پسر؛ *soka*: محرومیت؛ *aturāḥ*: سرشار از غم؛ *sarve*: تمام آنها؛ *pāṇḍavāḥ*: پسران پاندو؛ *saha*: همراه با؛ *kṛṣṇayā*: با دروپادی؛ *svānām*: مربوط به خویشان؛ *mṛtānām*: مربوط به مرده؛ *yat*: آنچه؛ *kṛtyam*: باید انجام شود؛ *cakruḥ*: انجام شد؛ *nirharaṇa-ādikam*: قابل تعهد.

ترجمه

پس از آن، پسران پاندو و دروپادی، سرشار از غم و اندوه، مراسم شایسته‌ای را برای اجساد بستگان خویش برگزار نمودند.

بدین‌سان، شرح‌های بهاکتی‌ودانتا بر فصل هفتم از جزء اول شریما-سبهاگواتام با عنوان "مجازات پسر درونا"، به پایان می‌رسد.

فصل هشتم

دعاهای ملکه کونتی

و نجات پاریکشیت

آیه ۱

sūta uvāca
atha te samparetānām
svānām udakam icchatām
dātum sakṛṣṇā gaṅgāyām
puraskṛtya yayuḥ striyaḥ

sūtaḥ uvāca: سوتا گفت؛ *atha*: بنابراین؛ *te*: پانداواها؛ *samparetānām*: مربوط به مردگان؛ *svānām*: مربوط به بستگان؛ *udakam*: آب؛ *icchatām*: تمایل به داشتن؛ *dātum*: بردن؛ *sa-kṛṣṇā*: به همراه دروپادی؛ *gaṅgāyām*: به سمت گنگ؛ *puraskṛtya*: در مقابل قرار دادن؛ *yayuḥ*: رفت؛ *striyaḥ*: زنان.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: پس از آن، پانداواها که تمایل داشتند به بستگان مردهی

خویش که پیش تر در آرزوی آب بودند، آب برسانند، به همراه دروپادی به کنار گنگ رفتند. خانم‌ها جلوتر حرکت می‌کردند.

شرح

تا به امروز این سنت جامعه هند است که هنگام مرگ یکی از بستگان به کنار رود گنگ یا هر رود مقدس دیگری برود و در آن‌جا استحمام نماید. هر یک از اعضای خانواده کوزه‌ای از آب گنگ را برای فرد درگذشته پر می‌کنند و در حالی که خانم‌ها جلوتر قدم برمی‌دارند، به صورت دسته‌جمعی حرکت می‌کنند. بیش از پنج هزار سال پیش، پانداواها نیز از این قاعده پیروی می‌کردند. خداوند کریشنا، پسر دایی پانداواها، نیز در میان اعضای خانواده‌ی خود بود.

آیه ۲

*te ninīyodakam sarve
vilapya ca bhṛṣam pūnaḥ
āplutā hari-pādābja-
rajaḥ-pūta-sarij-jale*

te: تمام آنها؛ *ninīya*: تقدیم نموده؛ *udakam*: آب؛ *sarve*: هریک از آنها؛ *vilapya*: سوگواری نموده؛ *ca*: و؛ *bhṛṣam*: به صورت کافی؛ *pūnaḥ*: دوباره؛ *āplutā*: استحمام گرفتند؛ *hari-pādābja*: قدوم نیلوفرین خداوند؛ *rajaḥ*: غبار و خاک؛ *pūta*: پاک و تطهیر شده؛ *sarit*: مربوط به گنگ؛ *jale*: در آب.

ترجمه

پس از سوگواری برای درگذشتگان و تقدیم مقدار کافی از آب گنگ، آنها در گنگ استحمام کردند؛ رود گنگی که به خاطر ترکیب با غبار قدوم نیلوفرین خداوند، مطهر و پاک شده است.

آیه ۳

atrāsīnam kuru-patim

*dhṛtarāṣṭram sahanujam
gāndhārīm putra-śokārtām
pṛthām kṛṣṇām ca mādhavaḥ*

tatra: آن جا؛ *āsīnam*: نشستہ؛ *kuru-patim*: پادشاه کوروها؛ *dhṛtarāṣṭram*: دھرتاراشترا؛ *saha-anujam*: با برادران جوان تر خود؛ *gāndhārīm*: گاندھاری؛ *putra*: پسر؛ *śoka-artām*: کاملاً عذاباً؛ *pṛthām*: کونتی؛ *kṛṣṇām*: دروپادی؛ *ca*: نیز؛ *mādhavaḥ*: خداوند شری کریشنا.

ترجمہ

در آن جا، ماہاراج یودھیشثیرا، پادشاه کوروها، بہ ہمراہ برادران جوان خویش و دھرتاراشترا، گاندھاری، کونتی و دروپادی، کہ ہمگی بسیار اندوہگین بودند، نشستہ بود. خداوند شری کریشنا نیز در آن جا حضور داشت.

شرح

جنگ کوروکشترا بین اعضای خانوادہ اتفاق افتادہ بود و بنابراین تمام اشخاص تحت تأثیر جنگ همچون ماہاراج یودھیشثیرا و برادرانش، کونتی، دروپادی، سوبھادرا (*Subhadra*)، دھرتاراشترا، گاندھاری (*Gāndhārī*) و عروس های وی و غیرہ، ہمگی اعضای یک خانوادہ بودند. اما تمام مردگان اصلی نیز بہ طریقی با یکدیگر نسبت داشتند و بنابراین اندوہ و حزن خانوادہ، مشترک بود. خداوند کریشنا نیز بہ عنوان پسر دایی پاندواہا یکی از ایشان بود و بنابراین، بہ طور یکسان نسبت بہ تمام آنها احساس ہمدردی می کرد و بہ ہمین دلیل، بہ طریقی شایستہ شروع بہ تسلی دادن ایشان نمود.

آیہ ۴

*sāntvayām āsa munibhir
hata-bandhūñ śucārpitān
bhūteṣu kālasya gatim
darśayan na pratikriyām*

hata-bandhūn: کسانی که دوستان و بستگان خویش را از دست داده بودند؛ *śucārpitān*: همگی متشنج و متأثر بودند؛ *bhutesu*: به موجودات زنده؛ *kālasya*: مربوط به قانون متعال خداوند؛ *gatim*: واکنش‌ها؛ *darśayan*: نشان داده شد؛ *na*: نه؛ *pratikriyām*: ابزار بهبود.

ترجمه

با نقل قوانین دقیق خداوند و واکنش آنها نسبت به موجودات زنده، خداوند شری کریشنا و مونی‌ها اقدام به تسلی دادن به کسانی کردند که متشنج و متأثر بودند.

شرح

هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند قوانین دقیق طبیعت که تحت اراده و دستور شخصیت متعال خداوند است را تغییر دهد. موجودات زنده به صورت ابدی مطیع و تحت انقیاد خداوند قادر هستند. خداوند تمام قوانین و دستورات را به وجود می‌آورد و این نظم‌ها و قوانین عموماً دهارما یا دین نامیده می‌شوند. هیچ‌کس نمی‌تواند یک فرمول دینی به وجود آورد. دین معتبر بر اساس دستور خداوند مستقر می‌شود. دستورات خداوند به وضوح در بهاگاواد-گیتا بیان شده است. همه‌ی افراد باید از خداوند یا دستوراتش پیروی کنند. و این باعث شادی و خوشحالی همگان، چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ روحانی خواهد شد. تا هنگامی که ما در این جهان مادی هستیم، وظیفه‌ی ما پیروی از دستورات خداوند است و اگر به لطف خداوند از چنگال دنیای مادی رها شویم، آنگاه در مرحله‌ی رهایی‌یافته نیز می‌توانیم خدمت عاشقانه‌ی متعال به خداوند انجام دهیم. در مرحله‌ی مادی، به دلیل فقدان بینش روحانی نمی‌توانیم نه خودمان و نه خداوند را مشاهده کنیم. اما هنگامی که از تأثیرات مادی رهایی می‌یابیم و در شکل روحانی اصلی خویش واقع می‌گردیم، می‌توانیم خودمان و خداوند را رو در رو ببینیم. موکتی به معنی قرارگیری مجدد در وضعیت روحانی اصلی شخص پس از ترک ادراک مادی از زندگی است. بنابراین زندگی بشری به ویژه به منظور شایسته شدن ما برای این رهایی روحانی است. متأسفانه، تحت تأثیر انرژی توهمی مادی، ما این زندگی قابل مشاهده‌ی چند ساله را به عنوان موجودیت ابدی خویش می‌پذیریم و بدین ترتیب با تملک به اصطلاح کشور، خانه، زمین، فرزندان، همسر، اجتماع، ثروت و غیره که همگی نمایندگان کاذب خلق شده توسط مایا (توهم) هستند، توهم‌زده

می‌شویم و تحت تلقین مایا، با یکدیگر می‌جنگیم تا تعلقات کاذبمان را حفظ کنیم. با پرورش دانش روحانی، می‌توانیم درک کنیم که ما هیچ کاری با این تعلقات مادی نداریم و در آن هنگام فوراً از دلبستگی مادی آزاد می‌شویم. این پاکسازی از توهمات موجودیت مادی در معاشرت با عابدان خداوند، که می‌توانند صوت روحانی را در اعماق قلب‌های سرگردان تزریق و بدین ترتیب فرد را از تمام غصه‌ها و توهمات واقعاً رها کنند، فوراً حاصل می‌شود. این جمع‌بندی، ابزاری آرامش‌بخش برای اشخاص متأثر از واکنش‌های قوانین دقیق مادی است که به شکل تولد، مرگ، پیری و بیماری، موانع غیرقابل عبور موجودیت مادی هستند. قربانیان جنگ، یعنی اعضای خانواده‌ی کوروها، سوگوار موضوع مرگ بودند و خداوند بر پایه‌ی دانش ایشان را تسلی داد.

آیه ۵

sādhayitvājāta-śatroḥ
svaṁ rājyaṁ kitavair hṛtam
ghātayitvāsato rājñah
kaca-sparśa-kṣatāyusaḥ

sādhayitvā: اجرا شده؛ *ajāta-śatroḥ*: مربوط به کسی که دشمن ندارد؛ *svaṁ rājyaṁ*: پادشاهی خود؛ *kitavaih*: توسط افراد زیرک (دوریودهان و گروهش)؛ *hṛtam*: غصب شده؛ *ghātayitvā*: کشته شده؛ *asataḥ*: بی‌پروایی؛ *rājñah*: مربوط به ملکه؛ *kaca*: دسته مو؛ *sparśa*: بدرفتاری، دست‌درازی نمودن؛ *kṣata*: کاهش یافت؛ *āyusaḥ*: طول عمر.

ترجمه

دوریودهان زیرک و گروهش، با مکاری و فریب پادشاهی یودهشتیرا را که دشمنی نداشت غصب کرده بودند. به لطف خداوند، اقدام عاجل صورت گرفت و پادشاهان بی‌پروایی که به دوریودهان ملحق شده بودند توسط خداوند کشته شدند. دیگران نیز مردند، زیرا طول عمر ایشان به دلیل دست‌درازی به دسته موی ملکه دوریادی، کاهش یافته بود.

شرح

در روزهای پرشکوه، یا پیش از ظهور عصر کالی، برهماناها، گاوها، زنان، کودکان و سالمندان

تحت حفاظت مناسب قرار داشتند.

۱- حفاظت از برهمنانها، نهاد وارنا و آشرام را که علمی‌ترین فرهنگ برای دستیابی به زندگی روحانی است پشتیبانی می‌کند.

۲- حفاظت از گاوها سبب نگهداری از معجزه‌آساترین شکل غذا، یعنی شیر برای حفاظت از بافت‌های ظریف مغز جهت درک بالاترین اهداف زندگی است.

۳- حفاظت از زنان، حفظ معصومیت جامعه است که با آن می‌توانیم نسل خوبی برای صلح، آسایش و پیشرفت در زندگی داشته باشیم.

۴- حفاظت از فرزندان بهترین فرصت را به شکل انسانی حیات می‌دهد تا خود را برای رهایی از قیود مادی آماده سازد. چنین حفاظتی از فرزندان از همان روز لقاح با انجام فرایند پاکسازی گاربهادانا-سامکارا (*garbhādhāna-saṁskāra*) برای شروع زندگی‌ای پاک، آغاز می‌گردد.

۵- حفاظت از سالمندان به ایشان این فرصت را می‌دهد تا خود را برای زندگی بهتر پس از مرگ آماده سازند.

این دیدگاه کامل بر اساس عوامل منجر به موفقیت بشر و نقطه‌ی مقابل تمدن سگ‌ها و گربه‌های مبادی آداب است. کشتن مخلوقات معصوم ذکر شده در بالا کاملاً ممنوع است، چرا که حتی با اهانت به ایشان شخص از طول عمر خویش می‌کاهد. در دوره‌ی کالی از آنها به طرزی شایسته محافظت نمی‌شود و بنابراین طول عمر نسل حاضر به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که وقتی زنان به دلیل کمبود حفاظت بی‌عفت و آلوده شوند، فرزندان ناخواسته با عنوان وارنا-سانکارا (*varṇa-saṅkara*) تولید می‌شوند. اهانت به یک زن عقیف به معنای به ارمغان آوردن بدبختی در طول عمر است. دوشاسانا (*Duḥśāsana*)، برادر دوریودهان، به دورپادی، یک زن پاکدامن ایده‌آل اهانت نمود و بنابراین، این فرد خبیث دچار مرگی نابهنگام شد. بعضی از قوانین دقیق خداوند در بالا مورد اشاره قرار گرفته است.

آیه ۶

yājāyitvāśvamedhais taṁ
tribhir uttama-kalpakaiḥ
tad-yaśaḥ pāvanam dikṣu
śata-manyor ivātanot

yājāyitvā: با انجام؛ *aśvamedhaiḥ*: یاگیایی که در آن اسبی قربانی می‌شود؛ *tam*: به او (پادشاه یودهشتیرا)؛ *tribhiḥ*: سه؛ *uttama*: بهترین؛ *kalpakaiḥ*: تأمین شده با مواد مناسب و انجام شده توسط روحانیون توانمند؛ *tat*: آن؛ *yaśaḥ*: شهرت؛ *pāvanam*: با فضیلت، پرهیزگار؛ *dikṣu*: تمام جهات؛ *sata-manyoḥ*: ایندرا، که صد قربانی این چنین برگزار کرده بود؛ *iva*: مانند؛ *atanot*: گسترش یافت.

ترجمه

خداوند شری کریشنا سبب شده بود که سه آشوامدها- یاگیای (*Aśvamedha-*) *yajñas*] (قربانی اسب) مناسب توسط ماهاراج یودهشتیرا صورت پذیرد و بدین ترتیب باعث شده بود که شهرت پرهیزگاری وی در تمام جهات گسترده شود، درست همانند ایندرا، که صد قربانی این چنین برگزار نموده بود.

شرح

این همچون مقدمه‌ای بر اجرای آشوامدها-یاگیا توسط ماهاراج یودهشتیرا است. مقایسه‌ی ماهاراج یودهشتیرا با پادشاه بهشت حائز اهمیت است. پادشاه بهشت در توانگری‌ها هزاران و هزاران بار بزرگ‌تر از ماهاراج یودهشتیرا است. با این حال، شهرت ماهاراج یودهشتیرا کمتر از وی نبود. دلیل این امر آن است که ماهاراج یودهشتیرا عابد پاک خداوند بود و تنها به لطف خداوند، ماهاراج یودهشتیرا در سطح پادشاه بهشت قرار داشت. گرچه وی تنها سه یاگیا انجام داده، و پادشاه بهشت صدها یاگیا از این دست برگزار نموده بود. این امتیاز مخصوص عابد خداوند است. خداوند در قبال همگان یکسان است اما عابد خداوند پرشکوه‌تر می‌شود، چرا که وی همواره در تماس با بزرگ‌ترین است. انوار خورشید به صورت یکسان توزیع می‌شوند، اما با این حال بعضی مکان‌ها هستند که همواره تاریکند. سبب این امر خورشید نیست، بلکه قدرت پذیرش است. مشابهاً افرادی که صد درصد عابد خداوند هستند لطف کامل و همه‌جانبه‌ی خداوند را که همواره به طور یکسان در همه جا توزیع می‌شود، به دست می‌آورند.

آیه ۷

āmantrya pāṇḍu-putrāṁś ca
śaineyoddhava-samyutaḥ

*dvaipāyanādibhir vipraiḥ
pūjitaiḥ pratipūjitaḥ*

āmantrya: دعوت؛ *pāṇdu-putrān*: تمام پسران پاندو؛ *ca*: نیز؛ *saineya*: ساتیاکی؛
uddhava: اودهاوا؛ *saṃyutaḥ*: همراه شده؛ *dvaipāyana-ādibhiḥ*: توسط حکیمانی
همچون ودایاسا؛ *vipraiḥ*: توسط برهماناها؛ *pūjitaiḥ*: پرستش می‌شدند؛ *pratipūjitaḥ*:
خداوند نیز به میزان مشابه پاسخ می‌دهد.

ترجمه

آنگاه خداوند کریشنا آماده‌ی عزیمت شد. پس از پرستیده شدن توسط
برهماناها، به سرکردگی ویاسادوا، پسران پاندو را فرا خواند. همچنین خداوند
به احترامات نیز پاسخ متقابل داد.

شرح

خداوند شری کریشنا در ظاهر یک کشاتریا بود، و قابل پرستش توسط برهماناها نبود. اما
برهماناهای حاضر در آن‌جا به سرکردگی شریلا ویاسادو، همگی وی را به عنوان شخص خداوند
می‌شناختند و به همین دلیل وی را پرستش کردند. خداوند به احترامات جمع نیز پاسخ متقابل
داد تا به نظم اجتماعی که بر اساس آن یک کشاتریا تابع دستورات برهماناهاست احترام بگذارد.
گرچه خداوند شری کریشنا همواره به دلیل خداوند متعال بودن احتراماتی را از افراد مختلف
دریافت می‌نمود، اما هرگز از اجرای سنت‌های رایج میان چهار طبقه‌ی جامعه سر باز نزد. خداوند
عمداً تمام این سنت‌های اجتماعی را رعایت می‌نمود تا دیگران نیز در آینده از وی تبعیت کنند.

آیه ۸

*gantum kṛtamatir brahman
dvārakām ratham āsthitaḥ
upalebhe 'bhidhāvanti
uttarām bhaya-vihvalām*

gantum: تمایل به شروع؛ *kṛtamatiḥ*: تصمیم گرفته؛ *brahman*: ای برهمانا؛

dvārakām: به سمت دواراکا؛ *ratham*: بر ارابه؛ *āsthītaḥ*: نشسته؛ *upalebhe*: دید؛
abhidhāvantīm: با عجله آمدن؛ *uttarām*: اوتارا؛ *bhaya-vihvalām*: ترسیده.

ترجمه

به محض آنکه کریشنا بر ارابه نشست تا به سمت دواراکا (*Dvārakā*) عزیمت کند، اوتارا را دید که سراسیمه و هراسناک به سمت وی می‌آید.

شرح

تمام اعضای خانواده پانداواها کاملاً وابسته به حفاظت خداوند بودند و بنابراین خداوند آنها را در تمام موقعیت‌ها حفاظت می‌نمود. خداوند حافظ همگان است، اما فردی که کاملاً وابسته به خداوند است تحت مراقبت ویژه‌ی خداوند قرار می‌گیرد. یک پدر، از فرزند کوچک خود که به طور خاص وابسته به اوست، بیشتر مراقبت می‌کند.

آیه ۹

uttarovāca
pāhi pāhi mahā-yogin
deva-deva jagat-pate
nānyam tvad abhayam paśye
yatra mṛtyuḥ parasparam

uttarā uvāca: اوتارا گفت؛ *pāhi pāhi*: حفاظت، حفاظت؛ *mahā-yogin*: بزرگ‌ترین یوگی ماورایی؛ *deva-deva*: قابل پرستش در میان پرستیدنی‌ها؛ *jagat-pate*: ای خداوند جهان؛ *na*: نه؛ *anyam*: هرکس دیگر؛ *tvat*: بیش از تو؛ *abhayam*: بی‌باکی، بی‌پروایی؛ *paśye*: می‌بینم؛ *yatra*: جایی که وجود دارد؛ *mṛtyuḥ*: مرگ؛ *parasparam*: در دنیای دوگانگی.

ترجمه

اوتارا گفت: ای خداوند خداوندان، خداوند جهان! تو بزرگ‌ترین در میان

یوگی‌های ماورایی هستی. تمنا می‌کنم از من محافظت کن، چرا که در این دنیای دوگانگی کس دیگری وجود ندارد که بتواند مرا از چنگال مرگ رها سازد.

شرح

این دنیای مادی، بر خلاف یکتایی قلمرو مطلق، دنیای دوگانگی است. دنیای دوگانگی از ماده و روح تشکیل یافته است؛ درحالی که دنیای مطلق، کاملاً روحانی و بدون ذره‌ای از کیفیات مادی است. در دنیای دوگانه همگان به طور کاذب می‌کوشند تا ارباب دنیا شوند، در حالی که در دنیای مطلق، خداوند، تنها خداوند مطلق است و تمام افراد دیگر خادمان مطلق وی هستند. در دنیای دوگانگی همه به دیگران حسادت می‌ورزند و به دلیل وجود دوگانه‌ی ماده و روح، مرگ اجتناب‌ناپذیر است. خداوند تنها پناه بی‌باکی ارواح تسلیم شده است. در این دنیای مادی فرد بدون تسلیم شدن به قدوم نیلوفرین خداوند، نمی‌تواند خود را از چنگال بی‌رحم مرگ نجات دهد.

آیه ۱۰

*abhidravati mām īśa
śaras taptāyaso vibho
kāmaṁ dahatu mām nātha
mā me garbho niṣṭyātām*

abhidravati: به طرف کسی رفتن؛ *mām*: به من؛ *īśa*: ای خداوند؛ *śarah*: تیر؛ *tapta*: آتشین؛ *ayasah*: آهن؛ *vibho*: ای بلندمرتبه؛ *kāmaṁ*: تمایل؛ *dahatu*: بگذار بسوزد؛ *mām*: به من؛ *nātha*: ای پشتیبان؛ *mā*: نه؛ *me*: مال من؛ *garbhaḥ*: جنین؛ *niṣṭyātām*: سقط شد.

ترجمه

ای خداوند، تو قادر متعال هستی. یک تیر آهنی آتشین به سرعت به سمت من می‌آید. خداوند، اگر اراده‌ی تو چنین است بگذار آن تیر مرا بسوزاند، اما اجازه نده جنین من را بسوزاند و او را سقط کند. خداوند، تمنا می‌کنم این لطف را در حق من بنما.

شرح

این اتفاق پس از مرگ آپهیمانویو (*Abhimanyu*)، همسر اوتارا رخ می‌دهد. اوتارا، بیوه‌ی آپهیمانویو، باید مسیر شوهرش را طی می‌کرد، اما به این دلیل که باردار بود و ماهاراج پاریکشیت، عابد بزرگ خداوند، در رحم وی قرار داشت، اوتارا مسئول حفاظت از وی بود. مادر کودک مسئولیتی بزرگ در قبال حفاظت کامل از وی دارد و بنابراین اوتارا از بیان این موضوع در مقابل خداوند کریشنا شرم‌منده نبود. اوتارا دختر پادشاهی بزرگ، همسر قهرمانی بزرگ، و شاگرد ابدی بزرگ بود و بعدها مادر یک پادشاه بزرگ نیز گردید. او از هر جهت خوشبخت بود.

آیه ۱۱

sūta uvāca
upadhārya vacas tasyā
bhagavān bhakta-vatsalaḥ
apāṇḍavam idaṁ kartuṁ
drauṇeḥ astram abudhyata

sūtaḥ uvāca: سوتا گوسوامی گفت؛ *upadhārya*: با شنیدن صبورانه از وی؛ *vacaḥ*: سخنان؛ *tasyāḥ*: مربوط به او؛ *bhagavān*: شخصیت خداوند؛ *bhakta-vatsalaḥ*: خداوندی که نسبت به عابدان خویش بسیار مهربان است؛ *apāṇḍavam*: بدون حضور نوادگان پانداواها؛ *idaṁ*: این؛ *kartuṁ*: انجام آن؛ *drauṇeḥ*: پسر دروناجاریا؛ *astram*: سلاح؛ *abudhyata*: فهمید.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: خداوند شری کریشنا که همواره نسبت به عابدانش بسیار مهربان است، با شنیدن صبورانه‌ی سخنان اوتارا بلافاصله متوجه شد که آشواتاما، پسر دروناجاریا، برهماسترا را برای پایان بخشیدن به آخرین بازمانده‌ی خانواده‌ی پانداواها پرتاب نموده است.

شرح

خداوند در قبال همه بی‌طرف است، اما با این حال وی به سمت عابدانش تمایل دارد چرا که این امر برای رفاه همگان ضروری است. خانواده‌ی پانداوا، خانواده‌ی عابدان بود و بنابراین خداوند می‌خواست که ایشان به دنیا حکمرانی نمایند. درست به همین دلیل بود که وی سلطه‌ی دوربودهان و اطرافیانش را در هم شکست و حکمروایی ماهاراج یودهیشتیرا را برقرار نمود. بنابراین، او می‌خواست از ماهاراج پاریکشیت که در رحم بود نیز حفاظت نماید. او دوست نداشت که دنیا از پانداواها که خانواده‌ی ایده‌آل عابدان بودند، عاری گردد.

آیه ۱۲

*tarhy evātha muni-śreṣṭha
pāṇḍavāḥ pañca sāyakān
ātmano 'bhimukhān dīptān
ālakṣyāstrāṇy upādaduḥ*

tarhi: آنگاه؛ *eva*: نیز؛ *atha*: بنابراین؛ *mni-śreṣṭha*: ای سرکرده‌ی مونی‌ها؛ *pāṇḍavāḥ*: تمام پسران پاندو؛ *pañca*: پنج؛ *sāyakān*: سلاح‌ها؛ *ātmanah*: خودشان؛ *abhimukhān*: به سمت؛ *dīptān*: درخشنده؛ *ālakṣya*: با رؤیت آن؛ *astrāṇi*: سلاح‌ها؛ *upādaduḥ*: برگرفته شده.

ترجمه

ای بزرگ‌ترین در میان اندیشمندان بزرگ [مونی‌ها] [شوناکا]، با دیدن برهماغسترای درخشان که به سمت ایشان می‌آمد، پانداواها سلاح‌های پنج‌گانه‌ی مخصوص خویش را در دست گرفتند.

شرح

برهماغسترا ظریف‌تر از سلاح‌های هسته‌ای است. آشواتاما، برهماغسترا را صرفاً برای کشتن پاندوها، یعنی پنج برادر به سرکردگی ماهاراج یودهیشتیرا و تنها نوه‌ی ایشان که در درون رحم اوتارا قرار داشت، به کار گرفت. بنابراین برهماغسترا کارآمدتر و ظریف‌تر از سلاح‌های اتمی است و همچون سلاح‌های اتمی کور نیست. هنگامی که بمب‌های اتمی به کار گرفته می‌شوند آنها

تمایزی میان هدف و دیگران قائل نیستند. بمب‌های اتمی به افراد بی‌گناه صدمه می‌زند چرا که هیچ کنترلی بر روی آنها وجود ندارد. برهمناسرا این چنین نیست. او هدف را نشانه می‌گیرد و بدون آسیب به بی‌گناهان، به همان سمت حرکت می‌کند.

آیه ۱۳

*vyasanam vikṣya tat teṣām
ananya-viṣayātmanām
sudarśanena svāstreṇa
svānām rakṣām vyadhāt vibhuḥ*

vyasanam: خطر بزرگ؛ *vikṣya*: مشاهده نمود؛ *tat*: آن؛ *teṣām*: مال آنها؛ *ananya*: نه دیگر؛ *viṣaya*: به معنی؛ *ātmanām*: بنابراین سرازیر نمود؛ *sudarśanena*: با دیسک شری کریشنا؛ *sva-astreṇa*: با سلاح؛ *svānām*: مربوط به عابدانش؛ *rakṣām*: حفاظت؛ *vyadhāt*: انجام داد؛ *vibhuḥ*: قادر مطلق.

ترجمه

شخصیت مطلق خداوند، شری کریشنا، با مشاهده‌ی خطر بزرگ در حال نزدیک شدن به عابدان پاکش که ارواحی کاملاً تسلیم شده هستند، فوراً دیسک سودارشانای خود را برای حفاظت از ایشان به کار گرفت.

شرح

برهمناسرا، سلاح قدرتمندی که توسط آشواتاما رها شده بود، چیزی شبیه سلاح‌های هسته‌ای اما با نور و گرمای بیشتر است. این برهمناسرا محصول علمی لطیف‌تر، یعنی صوت ظریف یک مانترای ثبت‌شده در ودهاست. مزیت دیگر این سلاح آن است که این سلاح همچون سلاح اتمی کور نیست و می‌توان آن را تنها به سوی هدف و نه چیز دیگر هدایت نمود. آشواتاما این سلاح را تنها برای پایان بخشیدن به زندگی اعضای مذکر خانواده‌ی پاندو رها کرده بود؛ بنابراین از یک جهت این سلاح خطرناک‌تر از سلاح هسته‌ای است چرا که می‌تواند حتی در حفاظت‌شده‌ترین مکان‌ها نفوذ کند و هرگز از هدف منحرف نشود. با دانستن این موارد، خداوند

شری کریشنا فوراً سلاح خویش را برای حفاظت از عابدانش که کسی را به جز او حافظ خود نمی‌دانستند، به دست گرفت. در بهاگاواد-گیتا خداوند به وضوح تعهد می‌کند که عابدانش هرگز نابود نمی‌شوند. و او بر اساس کیفیت یا میزان خدمت عابدانه‌ی انجام گرفته توسط عابدان رفتار می‌کند. در این جا واژه‌ی آنانیا- ویشایاتمانام (*ananya-viṣayātmanām*) حائز اهمیت است. پانداواها گرچه خود جنگجویانی بزرگ به شمار می‌آمدند، صد درصد وابسته به حفاظت خداوند بودند. اما خداوند حتی بزرگ‌ترین جنگجویان را بی‌نهایت کوچک به شمار می‌آورد و آنها را در لحظه‌ای شکست می‌دهد. وقتی خداوند مشاهده کرد که پانداواها فرصت مقابله به مثل با برهماسترای آشواتاما را ندارند، سلاح خود را حتی به قیمت شکستن عهد خویش به دست گرفت. گرچه جنگ کوروکشترا کاملاً به پایان رسیده بود، اما بر اساس قول خداوند، او نباید سلاح خود را به دست می‌گرفت. اما ضرورت بسیار مهم‌تر از قول است. او به عنوان بهاکتا- واتسالا (*bhakta-vatsala*) یا عاشق عابدش شناخته می‌شود. بنابراین خداوند ترجیح داد که بهاکتا- واتسالا باشد تا یک اخلاق‌گرای مادی که هرگز قول خود را نمی‌شکند.

آیه ۱۴

*antaḥsthaḥ sarva-bhūtānām
ātma yogeśvaro hariḥ
sva-māyayāvṛṇod garbham
vairāṭyāḥ kuru-tantave*

antaḥsthaḥ: بودن در درون؛ *sarva*: همه؛ *bhūtānām*: مربوط به موجودات زنده؛ *ātma*: روح؛ *yoga-īśvaraḥ*: خداوند تمام یوگی‌ها؛ *hariḥ*: خداوند متعال؛ *sva-māyayā*: با انرژی شخصی؛ *āvṛṇot*: پوشیده شده؛ *garbham*: جنین؛ *vairāṭyāḥ*: مربوط به اوتارا؛ *kuru-tantave*: برای دودمان ماهاراج کورو.

ترجمه

پروردگار عرفان اعلی، شری کریشنا، در درون قلب همگان به صورت پاراماتما حضور دارد. این چنین، تنها برای حفاظت از دودمان سلسله‌ی کورو، جنین اوتارا را با انرژی شخصی خود پوشانید.

شرح

پروردگار عرفان اعلی می‌تواند با وجه پارامتامای خویش و بسط کامل خود، به صورت همزمان در قلب همگان ساکن باشد یا حتی در درون اتمها حضور یابد. بنابراین، خداوند از درون بدن اوتارا جنین وی را پوشانید تا ماهاراج پاریکشیت را محافظت کند و دودمان ماهاراج کورو را که پادشاه پاندو از سلسله‌ی وی بود، حفظ کند. هم پسران دهریتاراشترا و هم پسران پاندو به سلسله‌ی ماهاراج کورو تعلق داشتند؛ بنابراین هر دوی ایشان عموماً با عنوان کوروها شناخته می‌شدند اما هنگامی که اختلافی بین دو خانواده وجود داشت، پسران دهریتاراشترا به عنوان کورو، و پسران پاندو با عنوان پاندواها شناخته می‌شدند. از آن‌جا که پسران و نوادگان دهریتاراشترا همگی در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا کشته شدند، آخرین پسر سلسله به عنوان پسر کوروها شناخته می‌شود.

آیه ۱۵

*yadyapy astram brahma-śiras
tv amogham cāpratikriyam
vaiṣṇavam teja āsādyā
samaśāmyad bhṛgūdvaḥ*

yadyapi: گرچه؛ *astram*: سلاح؛ *brahma-śiraḥ*: برتر؛ *tu*: اما؛ *amogham*: بدون کنترل؛ *ca*: و؛ *āpratikriyam*: قابل مقابله به مثل نبودن؛ *vaiṣṇavam*: درارتباط با ویشنو؛ *tejaḥ*: قدرت؛ *āsādyā*: مواجه شدن با؛ *samaśāmyat*: خنثی گردید؛ *bhṛgu-udhava*: ای شکوه خانواده‌ی بریگهو.

ترجمه

ای شوناکا، گرچه سلاح عالی برهماسترای رها شده از سوی آشواتاما مقاومت‌ناپذیر و مقابله به مثل با آن غیرممکن بود، به واسطه‌ی قدرت ویشنو [خداوند کریشنا] خنثی و بی‌اثر گردید.

شرح

در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که برهما جیوتی (*brahmajyoti*)، انوار متعال درخشان، بر خداوند شری کریشنا تکیه دارند. به کلامی دیگر، انوار درخشانی که با عنوان برهما-تجاس (*brahma-tejas*) شناخته می‌شوند چیزی جز انوار خداوند نیستند، درست همان‌گونه که انوار خورشید در واقع انواری ساطع از کره‌ی خورشید هستند. بنابراین این سلاح برهما نیز، گرچه به لحاظ مادی مقاوم بود، نمی‌توانست برتر از قدرت متعال خداوند باشد. سلاحی که برهماسترا نامیده می‌شد و توسط آشواتاما رها شده بود، توسط انرژی خداوند شری کریشنا خنثی و بی‌اثر گردید؛ به بیان دیگر، او منتظر کمک کسی نماند، چرا که وی مطلق است.

آیه ۱۶

*mā mamsthā hy etad āścaryam
sarvāścaryamaye 'cyute
ya idam māyayā devyā
sṛjaty avati hantya ajaḥ*

mā: انجام نمی‌دهد؛ *mamsthāḥ*: اندیشیدن؛ *hi*: قطعاً؛ *etat*: تمام اینها؛ *āścaryam*:
اعجاب‌انگیز؛ *sarva*: تمام؛ *āścarya-maye*: در اسرار‌آمیزترین؛ *acyute*: خطاناپذیر؛ *yaḥ*:
فردی که؛ *idam*: این (خلقت)؛ *māyayā*: با انرژی خداوندی؛ *devyā*: متعال؛ *sṛjati*: خلق
می‌کند؛ *avati*: نگهداری می‌کند؛ *hanti*: از بین می‌برد؛ *ajaḥ*: زاده نشده.

ترجمه

ای برهماناها، چنین نپندارید که این امری اعجاب‌انگیز در میان فعالیت‌های شخصیت‌اعلای خداوند خطاناپذیر و اسرار‌آمیز است. خداوند با انرژی متعال خویش، تمام اشیای مادی را حفظ می‌کند و از بین می‌برد، گرچه وی خود زاده نشده است.

شرح

فعالیت‌های خداوند همواره برای مغز کوچک موجودات زنده غیرقابل درک است. هیچ چیز برای خداوند متعال غیرممکن نیست، اما تمام فعالیت‌های وی برای ما اعجاب‌انگیز است و بنابراین

وی همواره ورای طیف محدودیت‌های قابل درک ما قرار دارد. خداوند صد درصد کامل است، در حالی که دیگران، یعنی نارایانا، برهما، شیوا، خداوندگاران و تمام موجودات زنده، تنها درصد‌های مختلفی از چنین کمالی را در اختیار دارند. هیچ‌کس برابر یا برتر از او نیست. او بی‌رقیب است.

آیه ۱۷

*brahma-tejo-vinirmuktair
ātmajaiḥ saha kṛṣṇayā
prayāṇābhimukhaṁ kṛṣṇam
idam āha pṛthā satī*

brahma-tejah: تشعشع برهماسترا؛ *vinirmuktaiḥ*: حفاظت‌شده از؛ *ātma-jaiḥ*: همراه پسرانش؛ *saha*: با؛ *kṛṣṇayā*: دروپردی؛ *prayāṇa*: عزیمت؛ *abhimukham*: به سمت؛ *kṛṣṇam*: به خداوند کریشنا؛ *idam*: این؛ *āha*: گفت؛ *pṛthā*: کونتی؛ *satī*: عقیف و پاکدامن، وقف شده به خداوند.

ترجمه

بدین ترتیب، با حفظ شدن از تشعشع برهماسترا، کونتی، عابد پاکدامن خداوند، و پسرانش و دروپردی خداوند کریشنا را که در حال آغاز عزیمت به سمت خانه بود، مخاطب قرار دادند.

شرح

کونتی به دلیل عبودیت خالص خویش به خداوند کریشنا در این‌جا به عنوان ساتی یا پاکدامن توصیف شده است. ذهنیت وی در دعاهای وی به خداوند کریشنا که در ادامه می‌آیند، بیان شده است. یک عابد پاکدامن خداوند، حتی برای رهایی از خطر، به دیگران یعنی موجودات دیگر یا خداوندگاران فکر نمی‌کند. این ویژگی کل خانواده‌ی پانداواها بود. آنها هیچ چیز جز کریشنا را نمی‌شناختند و بنابراین خداوند همواره آماده‌ی کمک به ایشان در تمام شرایط و موقعیت‌ها بود. این طبیعت روحانی خداوند است. او وابستگی عابد را مقابله به مثل می‌کند. بنابراین، فرد نباید در جستجوی کمک گرفتن از موجودات زنده‌ی ناکامل یا خداوندگاران باشد، بلکه باید تمام کمک‌ها

را از خداوند کریشنا که برای حفظ عبادانش کافی است، طلب نماید. چنین عابد پاکدامنی نیز هرگز از خداوند طلب کمک نمی‌کند، اما خداوند، با طیب خاطر همواره مشتاق کمک رساندن به اوست.

آیه ۱۸

kuntī uvāca
namasye puruṣam tvādyam
īśvaram prakṛteḥ param
alakṣyaṁ sarva-bhūtānām
antar bahir avasthitam

kuntī uvāca: شریماتی کونتی گفت؛ *namasye*: اجازه بده سجده نمایم؛ *puruṣam*: شخص متعال؛ *tvā*: شما؛ *ādyam*: آغازین؛ *īśvaram*: کنترل‌کننده؛ *prakṛteḥ*: مربوط به دنیای مادی؛ *param*: ورای؛ *alakṣyam*: نامرئی؛ *sarva*: تمام؛ *bhūtānām*: موجودات زنده؛ *antaḥ*: درون؛ *bahih*: بدون؛ *avasthitam*: موجود.

ترجمه

شریماتی کونتی گفت: ای کریشنا، من احتراماتم را تقدیم می‌نمایم که شخصیت آغازین و تأثیرناپذیر از کیفیات دنیای مادی هستی. تو در درون و برون همه چیز حضور داری و با این وجود از دید همگان پنهانی.

شرح

شریماتی کونتی دوی کاملاً آگاه بود که گرچه کریشنا نقش پسر برادر وی را ایفا می‌نمود، شخصیت اصلی خداوند است. چنین بانوی روشنفکری نمی‌توانست با تقدیم احترامات به پسر برادر خویش دچار اشتباه شود. بنابراین کونتی وی را به عنوان پوروشای اصلی ورای دنیای مادی خطاب نمود. گرچه تمام موجودات زنده نیز روحانی هستند، اما آنها نه شخص اصلی و نه خطاناپذیر هستند. موجودات زنده مستعد فرو افتادن تحت سلطه‌ی طبیعت مادی هستند، ولی خداوند هرگز چنین نیست. بنابراین، در وداها، خداوند به عنوان رهبر و رئیس پیشرو در میان

موجودات زنده توصیف شده است. (nityo nityānām cetanaś cetanānām) (کاتها اوپانیشاد، ۱۳/۲/۲) آنگاه دوباره به عنوان ایشوارا (īśvara) یا کنترل‌کننده خطاب گشته است. موجودات زنده یا خداوندگاران هم چون چاندرا یا سوریا نیز تا حدودی ایشوارا هستند، اما هیچ‌یک از ایشان ایشواری متعال یا کنترل‌کننده‌ی نهایی نیست. او پارامیشوارا (parameśvara) یا روح متعال است. او هم در درون و هم در بیرون واقع شده است. گرچه وی به صورت پسر برادر کونتی در مقابلش حضور داشت، اما همچنین در درون و بیرون وی نیز حضور داشت. در بهاگاواد-گیتا (۱۵/۱۵) خداوند می‌فرماید: "من در قلب همگان حضور دارم و تنها به دلیل من است که فرد به یاد می‌آورد، فراموش می‌کند، آگاه است و ... از میان تمام وداها این من هستم که باید شناخته شوم؛ چرا که من مؤلف تمام وداها، و آموزگار ودانتا هستم." ملکه کونتی اذعان می‌دارد که خداوند گرچه در درون و بیرون تمام موجودات زنده قرار دارد، با این حال رؤیت‌ناپذیر است. باید گفت که خداوند برای اشخاص عادی همچون یک معماست. ملکه کونتی شخصاً تجربه کرد که خداوند کریشنا در مقابل وی حضور داشت و در عین حال، برای حفظ جنین اوتارا از حمله برهماسترای آشواتاما، وارد رحم اوتارا شده بود. کونتی خود گیج شده بود که شری کریشنا شخصیتی فراگیر است یا مکان‌گزیده. در واقع، او هر دو است، اما وی این حق را برای خود محفوظ داشته است که در مقابل اشخاصی که روح تسلیم شده نیستند خود را نشان ندهد. این پرده‌ی حائل، انرژی مایای خداوند متعال نامیده می‌شود و بینایی محدود ارواح سرکش را کنترل می‌کند. این موضوع به شرح زیر توضیح داده شده است.

آیه ۱۹

māyā-javanikācchannam
ajñādhokṣajam avyayam
na lakṣyase mūḍha-dṛṣā
naṭo nāṭyadhara yathā

māyā: اغفال‌گر، توهمی؛ javanikā: پرده؛ ācchannam: پوشیده‌شده توسط؛ ajñā:
نادان؛ adhokṣajam: ورای حدود ادراک مادی (متعال)؛ avyayam: بی‌گناه؛ na: نه؛
lakṣyase: مشاهده نمود؛ mūḍha-dṛṣā: توسط مشاهده‌گر نادان؛ naṭaḥ: هنرمند؛
nāṭya-dharaḥ: ملیس به لباس یک بازیگر؛ yathā: به طوری که.

ترجمه

با قرارگیری در ورای حدود ادراکات حسی محدود، تو علت مبری از گناه جاودانی هستی که با پرده‌ی انرژی توهمی پوشیده شده است. تو از دید ناظران نادان پنهانی، درست همان‌گونه که یک بازیگر با لباس مبدل قابل تشخیص نیست.

شرح

در بهاگاود-گیتا خداوند شری کریشنا اظهار می‌کند که اشخاص بی‌خرد به اشتباه وی را انسانی همچون ما فرض می‌کنند و بدین‌گونه وی را به استهزاء می‌گیرند. همین امر در این‌جا توسط ملکه کونتی مورد تأیید قرار می‌گیرد. اشخاص کم‌خرد افرادی هستند که از پذیرش قدرت خداوند ترمرد می‌ورزند. چنین افرادی به عنوان آسورا (*asura*) شناخته می‌شوند. آسوراها نمی‌توانند مرجعیت خداوند را به رسمیت بشناسند. هنگامی که خداوند به صورت رام، نرشیماها، واراها، یا در شکل اصلی خویش به صورت کریشنا در میان ما ظهور می‌کند، اعمال بسیار اعجاب‌انگیزی انجام می‌دهد که از عهده‌ی بشر بر نمی‌آید. همان‌طور که در جزء دهم این اثر بزرگ مشاهده خواهیم کرد، فعالیت‌های مافوق بشری خود را حتی از نخستین روزهای قرارگیری در آغوش مادرش به نمایش می‌گذارد. او پوتانای ساحره را که سینه‌ی خود را به زهری آغشته نموده بود تا خداوند را بکشد، از پای درآورد. خداوند همچون یک نوزاد معمولی سینه وی را مکید و با این عمل شیرهی جان وی را نیز کشید. مشابهاً او تپهی گواردهان (*Govardhana*) را درست همانند پسر بچه‌ای که یک چتر عروسکی را در دست می‌گیرد، بلند کرد و چندین روز پی در پی در همان حال ایستاد؛ فقط برای اینکه به ساکنان ورینداوان حفاظت دهد. اینها بعضی اعمال فوق بشری خداوند هستند که در متون ودایی معتبر مانند پوراناها، ایتیهاساها (*Itihāsas*) (تواریخ) و اوپانیشادها ذکر شده‌اند. وی آموزش‌های خارق‌العاده‌ای را به صورت بهاگاود-گیتا عرضه نموده است. وی همچنین قابلیت‌های حیرت‌آوری را به عنوان یک قهرمان، یک فرد متأهل، یک آموزگار، و یک فرد منقطع از خود به نمایش گذارده است، و از سوی شخصیت‌های موثقی مانند ویاسا، دوالا، آسیتا، مادهوا، شانکارا، رامانوجا، شری چیتانیا ماهاپرابهو، جیوا گوسوامی، ویشوانات چاکراواتی، بهاکتی سیدھانتا ساراسواتی، و سایر بزرگان واقع در این سلسله به عنوان شخصیت‌های اعلای خداوند پذیرفته شده است. او خود نیز به شخصه

این موضوع را در موارد متعدد در کتب مقدس اعلام نموده است. و هنوز طبقه‌ای از افراد با ذهنیت اهریمنی وجود دارند که همواره نسبت به پذیرش خداوند به عنوان حقیقت مطلق متعال بی‌میل هستند. این امر تا حدی به دانش بسیار اندک آنان و تا اندازه‌ای نیز به لجاجت خیره‌سرانه‌ی آنها باز می‌گردد که از اعمال ناشایست گوناگون آنها در گذشته و حال نشأت می‌گیرد. چنین افرادی حتی هنگامی که خداوند شری کریشنا در مقابل چشمانشان حضور داشت نتوانستند او را بشناسند. مشکل دیگر این است که افرادی که بیشتر به حواس ناقص خود متکی هستند نمی‌توانند وی را به عنوان خداوند متعال بازشناسند. چنین افرادی شبیه دانشمندان عصر حاضر هستند که سعی دارند همه چیز را از طریق دانش تجربی خود درک کنند. تمام حواس ما ناقص هستند. ما ادعا می‌کنیم که همه چیز را مشاهده می‌کنیم، اما باید اعتراف کنیم که ما فقط تحت شرایط مادی خاصی که آنها نیز خارج از کنترل ما هستند، قادر به مشاهده‌ی اشیاء هستیم. خداوند فراتر از قدرت ادراک شهودی ماست. ملکه کونتی این نقص روح مقید، به ویژه در میان طبقه زنان که کم‌خردتر هستند را می‌پذیرد. برای افراد کم‌خردتر، وجود مکان‌هایی مانند معابد، مساجد، یا کلیساها لازم است تا بتوانند شروع به شناخت مرجعیت خداوند نمایند و از مراجع حاضر در چنین مکان‌های مقدسی درباره‌ی او بشنوند. برای طبقه‌ی کم‌خردتر، چنین آغازی برای زندگی روحانی ضروری است، و تنها نادانان ایجاد چنین پرستشگاه‌هایی که برای ارتقای استاندارد کیفیات روحانی عامه‌ی مردم ضروری هستند را تقبیح می‌کنند. برای افراد کم‌خردتر، سر تعظیم فرود آوردن در برابر مرجعیت خداوند، عملی که به طور معمول در معابد، مساجد یا کلیساها رواج دارد، همان اندازه سودمند است که مراقبه بر خداوند از طریق انجام خدمت فعالانه برای عابدان پیشرفته.

آیه ۲۰

*tathā paramahamsānām
munīnām amalātmanām
bhakti-yoga-vidhānārtham
katham paśyema hi striyah*

tathā: علاوه بر آن؛ *paramahamsānām*: مربوط به روحانیون پیشرفته؛ *munīnām*: مربوط به فیلسوفان یا پندارگرایان ذهنی بزرگ؛ *amala-ātmanām*: افرادی که ذهنشان

مستعد ایجاد تمایز میان روح و ماده است؛ *bhakti-yoga*: دانش خدمت عابدانه؛ *vidhāna*-
artham: برای اجرای؛ *katham*: چگونه؛ *paśyema*: می‌تواند مشاهده کند؛ *hi*: قطعاً؛
striyah: زنان.

ترجمه

تو خود برای انتقال دانش متعال خدمت عابدانه به قلب روحانیون پیشرفته و
 پندارگرایان ذهنی که با قدرت تمایز قائل شدن میان ماده و روح، پاک شده‌اند
 ظهور می‌کنی. بنابراین ما زنان چگونه می‌توانیم تو را به طور کامل بشناسیم؟

شرح

حتی بزرگ‌ترین پندارگرایان فلسفی نمی‌توانند به قلمرو خداوند دسترسی یابند. در اوپانیشادها
 گفته شده است که حقیقت متعال، شخصیت مطلق خداوند و رای حدود قدرت اندیشه‌ی
 قوی‌ترین فلاسفه واقع شده است. وی با دانش‌اندوزی بسیار یا توسط بزرگ‌ترین عقل‌ها
 غیرقابل شناسایی است. وی تنها توسط فردی قابل شناسایی است که لطف خداوند را کسب
 نموده باشد. دیگران ممکن است برای سالیان متمادی به تفکر دسته‌جمعی درباره‌ی او پردازند،
 و با این وجود وی ناشناخته باقی بماند. این حقیقت توسط ملکه که نقش زنی معصوم را ایفا
 می‌نمود، تأیید شده است. زنان عموماً قادر به تفکر همچون فلاسفه نیستند، اما خداوند این
 برکت و لطف را به ایشان عطا نموده است که آنها می‌توانند توانایی و برتری مطلق خداوند را
 فوراً درک کنند و بنابراین بی‌هیچ تردیدی احترامات خود را تقدیم خداوند نمایند. خداوند چنان
 مهربان است که لطف خاص خود را تنها نصیب یک فیلسوف بزرگ نمی‌نماید. وی صداقت نیت
 را در نظر می‌گیرد. تنها به همین دلیل، تعداد زیادی از زنان معمولاً در هر نوع فعالیت دینی
 شرکت می‌کنند. به نظر می‌رسد که در تمام کشورها و ادیان، زنان بیش از مردان علاقه‌مند
 هستند. این سادگی پذیرش مرجعیت خداوند کارمدر از اشتیاقات مذهبی غیرصادقانه و نمایشی
 است.

آیه ۲۱

kṛṣṇāya vāsudevāya
devakī-nandanāya ca

nanda-gōṣa-kumārāya
govindāya namo namaḥ

kr̥ṣṇāya: خداوند متعال؛ *vāsudevāya*: به پسر واسودوا؛ *devakī-nandanāya*: به پسر دواکی؛ *ca*: و؛ *nanda-gōṣa*: ناندا و مردان گاوچران؛ *kumārāya*: به پسرشان؛ *govindāya*: به شخصیت خداوند، که به گاوها و حواس حیات می‌بخشد؛ *namaḥ*: سجده‌های محترمانه؛ *namaḥ*: سجده‌ها و احترامات.

ترجمه

بنابراین بگذار سجده‌های محترمانه‌ی خود را به خداوندی تقدیم نمایم که تبدیل به پسر واسودوا، لذت دواکی، پسر ناندا و دیگر مردان گاوچران و رینداوان، و حیات‌بخش گاوها و حواس شده است.

شرح

خداوند، با آنکه از طریق هیچ یک از دارایی‌های مادی قابل دسترس نیست، از سر لطف بی‌دلیل و نامحدود خود بر روی زمین ظهور می‌کند تا لطف ویژه‌ی خود را به عابدان پاکش نشان دهد و قیام شیطان‌صفتان را فرو بنشانند. ملکه کونتیی به طور ویژه تجلی یا ظهور خداوند کریشنا را ورای دیگر ظهورات مورد ستایش و پرستش قرار می‌دهد؛ چرا که در این ظهور خاص خداوند بیشتر قابل دسترسی است. در تجلی راما، خداوند از همان کودکی به صورت پسر یک پادشاه باقی می‌ماند، اما در تجلی کریشنا، گرچه وی پسر یک پادشاه بود، بلافاصله پس از ظهور پناه پدر و مادر واقعی خویش (پادشاه واسودوا و ملکه دواکی) را ترک نمود و به دامن یاشودامایی (*Yasodāmāyī*) رفت تا نقش یک پسر گاوچران عادی را در وراجابهومی پربرکت که از بازی‌های کودکانه‌ی وی عطرآگین شده بود، ایفا نماید. بنابراین خداوند کریشنا پرلطف‌تر از خداوند راما است. بی‌شک وی نسبت به برادر کونتیی واسودوا و خانواده‌اش بسیار مهربان بود. اگر او پسر واسودوا و دواکی نبود، ملکه کونتیی نمی‌توانست ادعا کند که وی برادرزاده‌اش است و بنابراین وی را با احساسات مادرانه خطاب قرار دهد. اما ناندا و یاشودا خوشبخت‌تر بودند، چرا که آنها می‌توانستند طعم بازی‌های کودکانه‌ی خداوند که بسیار جذاب‌تر از دیگر بازی‌هاست را بچشند. هیچ مشابه و نظیری برای بازی‌های کودکانه‌ی خداوند که در وراجابهومی به نمایش

گذاشته شده است، وجود ندارد، و این بازی‌ها نمونه‌ی اصلی روابط ابدی خداوند در کریشنالوکای اصلی هستند که در برهما سامهیتا به عنوان چینتامانی-دهام (*cintāmaṇi-dhāma*) توصیف شده است. خداوند شری کریشنا شخصاً به همراه تمام ملازمان و تعلقات روحانی خویش در وراجابهومی ظهور نمود. بنابراین شری چیتانیا ماهاپرابهو تأیید می‌کند که هیچ‌کس همچون ساکنان وراجابهومی به ویژه دوشیزگان گاوچران، که همه چیز خود را برای رضایت خداوند تقدیم نمودند، خوشبخت نیست. بازی‌های خداوند با ناندا و یاشودا و بازی‌هایش با مردان گاوچران و به ویژه پسران گاوچران و گاوها باعث گردید که وی با نام گوویندا شناخته شود. خداوند کریشنا به صورت گوویندا بیشتر به برهماناها و گاوها تمایل دارد و بدین ترتیب بیان می‌نماید که شکوفایی بشر بیشتر به این دو مورد، یعنی فرهنگ برهمنایی و حفاظت از گاوها وابسته است و خداوند کریشنا در مکانی که آنها حضور ندارند، راضی نمی‌گردد.

آیه ۲۲

namaḥ paṅkaja-nābhāya
namaḥ paṅkaja-māline
namaḥ paṅkaja-netrāya
namas te paṅkajāṅghraye

namaḥ: تمام سجده‌های محترمانه؛ *paṅkaja-nābhāya*: به خداوندی که دارای یک فرورفتگی ویژه همچون یک گل نیلوفر در مرکز شکمش است؛ *paṅkaja-māline*: فردی که همواره با دسته گلی از گل‌های نیلوفر آراسته شده است؛ *namaḥ*: احترامات؛ *paṅkaja-netrāya*: فردی که نگاهش همچون یک گل نیلوفر آرام‌بخش است؛ *namaḥ te*: سجده‌های محترمانه به تو؛ *paṅkaja-āṅghraye*: به تو، که در کف پاهایت گل‌های نیلوفر حکاکی شده است (و بنابراین کسی که گفته می‌شود دارای قدوم نیلوفرین است).

ترجمه

خداوند، سجده‌های محترمانه‌ام تقدیم تو باد که روی شکمت نشانه‌ای به شکل یک فرورفتگی همچون گل نیلوفر قرار دارد، همواره با حلقه‌های گل نیلوفر آراسته شده‌ای، نگاهت به آرامش گل نیلوفر است و قدومت با گل‌های نیلوفر

حکای شده است.

شرح

در این‌جا به بعضی از نشانه‌های نمادین خاص روی بدن شخصیت‌اعلای خداوند که بدن وی را از بدن‌های دیگر متمایز می‌سازد اشاره شده است. همگی آنها ویژگی‌های خاص بدن خداوند هستند. خداوند ممکن است همچون یکی از ما ظاهر شود، اما او همواره به واسطه ویژگی‌های بدنی خاص خود متمایز باقی می‌ماند. شریماتی کونتی به خاطر زن بودن، خود را ناشایست برای رؤیت خداوند می‌داند. این موضوع به آن دلیل بیان شده است که زنان، شودراها (طبقه‌ی کارگران) و دویجا-باندوها (*dvija-bandhus*)، یا نسل‌های بدبخت سه طبقه‌ی بالاتر، شعور مناسب برای درک موضوعات متعال مربوط به نام، شهرت، ویژگی‌ها و اشکال روحانی حقیقت مطلق متعال را ندارند. چنین اشخاصی، گرچه دارای شایستگی لازم برای ورود به روابط روحانی خداوند نیستند، می‌توانند وی را به صورت آرچا-ویگراها (*arcā-vigraha*) ببینند، که تنها برای انتشار لطف خویش در میان ارواح مقید از جمله زنان، شودراها و دویجا-باندوها در دنیای مادی ظهور نموده است. از آن‌جایی که ارواح فروافتاده نمی‌توانند چیزی ورای ماده را ببینند، خداوند خود را به صورت گاریهوداکاشای ویشنو در هر یک از بی‌شمار جهان‌ها وارد می‌نماید، که از فرورفتگی همچون گل نیلوفری در مرکز شکم متعالش ساقه‌ی نیلوفری می‌روید و بدین‌ترتیب، برهما، اولین موجود زنده در جهان خلق می‌شود. بنابراین خداوند با عنوان پانکاجانابهی (*Pankajanābhi*) شناخته می‌شود. خداوند پانکاجانابهی، آرچا-ویگراها (شکل روحانی‌اش) را در عناصر مختلف یعنی شکل درون ذهن، شکل ساخته شده از چوب، شکل ساخته شده از خاک، شکل ساخته شده از فلز، شکل ساخته شده از جواهر، شکل ساخته شده از رنگ، شکل کشیده شده روی ماسه و غیره می‌پذیرد. تمام این اشکال خداوند همواره با دسته‌های گل نیلوفرین مزین می‌شوند و باید فضایی آرام در معبد وجود داشته باشد که باعث جلب توجه غیرعابدانی شود که همواره مشغول مشاجرات مادی هستند. مراقبه‌کنندگان شکلی را در درون ذهن خود می‌پرستند. بنابراین، خداوند حتی نسبت به زنان، شودراها و دویجا-باندوها مهربان است. چنین بازدیدکنندگانی از معبد، آن‌گونه که بعضی افراد با دانش اندک خود بیان می‌دارند، بت‌پرست نیستند. تمام آچارهای بزرگ چنین معابد پرستشگاهی را در همه‌جا تأسیس می‌کردند تا افراد کم‌خرد را مورد لطف خویش قرار دهند. هیچ‌یک از کسانی که واقعاً در دسته‌ی شودراها و زنان یا پایین‌تر از آن جای دارند، نباید خود را در مرحله‌ی اعلا‌تر از پرستش در معبد

بدانند. فرد باید مشاهده‌ی خداوند را از قدوم نیلوفرینش آغاز کند و به تدریج به مشاهده‌ی ساق‌ها، کمر، قفسه‌ی سینه و صورت خداوند پردازد. فرد نباید تلاش کند که بدون عادت به نگاه به قدوم نیلوفرین خداوند فوراً به صورت خداوند نظر بیافکند. شریماتی کونتی، از آن‌جایی که عمه‌ی خداوند بود، رؤیت خداوند را از قدوم نیلوفرینش آغاز نکرد، چرا که ممکن بود خداوند احساس خجالت نماید و بدین ترتیب، کونتی دیوی، برای حفظ خداوند از این موقعیت نامناسب، رؤیت خداوند را از مکانی بالاتر از قدوم نیلوفرینش، یعنی از کمرش، آغاز نمود و به تدریج به صورت وی رسید و آنگاه دوباره به سراغ قدوم نیلوفرین رفت. در این چرخه همه چیز در نظم مشخصی قرار دارد.

آیه ۲۳

*yathā hr̥ṣīkeśa khalena devakī
kaṁsena ruddhāticiraṁ śucārpitā
vimocitāhaṁ ca sahātma-jā vibho
tvayaiva nāthena muhur vipat-gaṇāt*

yathā: آن‌گونه که بود؛ *hr̥ṣīkeśa*: ارباب حواس؛ *khalena*: توسط حسودان؛ *devakī*:
دواکی (مادر شری کریشنا)؛ *kaṁsena*: توسط پادشاه کامسا؛ *ruddhā*: زندانی شد؛ *-ati-*
ciraṁ: به مدت طولانی؛ *śuca-arpitā*: رنجور؛ *vimocitā*: رها شد؛ *aham ca*: نیز
خودت؛ *saha-atma-ja*: همراه با فرزندان من؛ *vibhi*: ای فرد بزرگ؛ *tvaya eva*: توسط
شما؛ *nāthena*: به عنوان حافظ؛ *muhur*: همواره؛ *vipat-gaṇāt*: از مجموعه‌ای از
خطرات.

ترجمه

ای هریشی‌کِشا (Hr̥ṣīkeśa)، ارباب حواس و خدای خداوندان، تو مادرت دواکی
را که به مدت طولانی توسط پادشاه حسود کامسا زندانی شده بود و آزار
می‌دید، و من و فرزندانم را از مجموعه‌ای از خطرات دائمی رها نمودی.

شرح

دواکی مادر کریشنا، و خواهر پادشاه کامسا، به همراه همسرش واسودوا به زندان انداخته شد، چرا که پادشاه حسود می‌ترسید که توسط پسر هشتم دواکی (کریشنا) کشته شود. او تمام پسران دواکی که پیش از کریشنا متولد شده بودند را کشت، اما کریشنا از این کشتارگاه کودک فرار کرد؛ چرا که او به خانه‌ی ناندا ماهاراج، پدر خوانده‌ی خود نقل مکان نمود. کونت‌ی دوی نیز به همراه فرزندان‌ش از مجموعه‌ای از خطرات حفظ گردید. اما خداوند لطف بیشتری نسبت به کونت‌ی دوی نشان داد؛ چرا که وی دیگر کودکان دواکی را حفظ نکرد، در حالی که فرزندان کونت‌ی دوی را محافظت می‌نمود. دلیل این امر آن بود که همسر دواکی، واسودوا، زنده بود در حالی که کونت‌ی دوی یک بیوه بود و هیچ‌کس جز کریشنا برای کمک به وی وجود نداشت. نتیجه آن است که کریشنا به عابدی که در خطر بزرگ‌تری واقع شده، لطف بیشتری نشان می‌دهد. بعضی مواقع وی عابدان پاکش را در چنین خطراتی قرار می‌دهد، زیرا در آن شرایط بیچارگی عابد به خداوند وابسته‌تر می‌شود. هر چقدر وابستگی به خداوند بیشتر باشد، موفقیت بیشتری برای عابد وجود خواهد داشت.

آیه ۲۴

*viṣān mahāgneḥ puruṣāda-darśanād
 asat-sabhāyā vana-vāsa-kṛcchrataḥ
 mṛdhe mṛdhe 'neka-mahārathāstrato
 drauṇy-astrataś cāsma hare 'bhirakṣitāḥ*

viṣāt: از سم؛ *mahā-agneḥ*: از آتش بزرگ؛ *puruṣa-ada*: آدم‌خواران؛ *darśanāt*: با رزم؛ *asat*: فاسد و شرور؛ *sabhāyāḥ*: جمع؛ *vana-vāsa*: به جنگل تبعید شد؛ *kṛcchrataḥ*: رنج‌ها؛ *mṛdhe mṛdhe*: دوباره و دوباره در جنگ؛ *aneka*: بسیاری؛ *mahā-ratha*: ژنرال‌های بزرگ؛ *astrataḥ*: سلاح‌ها؛ *drauṇi*: پسر دروناچاریا؛ *astrataḥ*: از سلاح؛ *ca*: و؛ *āśma*: اشاره به زمان گذشته؛ *hare*: ای خداوندم؛ *abhirakṣitāḥ*: کاملاً حفاظت شده.

ترجمه

کریشنای عزیزم، بزرگی و سروری تو ما را از کیک سمّی، از آتشی مهیب،

آدم‌خوارها، اجتماع فاسدان، رنج‌های دوران تبعید در جنگل و از جنگی که ژنرال‌های بزرگ در آن می‌جنگیدند حفاظت کرده است و حال تو ما را از سلاح آشواتاما حفاظت نمودی.

شرح

فهرست خطرات بزرگ [پیش آمده برای پانداواها] در این جا ارائه شده است. دواکی یک بار توسط برادر حسود خود دچار دردسر شد، و در باقی اوقات روزگار خوشی داشت. اما کونتی دوی و پسرانش پی در پی و طی سالیان متمادی در معرض مشکلات مختلف قرار می‌گرفتند. دوربودهان و طرفدارانش به خاطر مسئله‌ی پادشاهی مشکلاتی را برای آنها ایجاد می‌کردند و هر بار پسران توسط خداوند محافظت می‌شدند. یک بار در کیک بهیما سم ریخته شد؛ یک بار آنها را در خانه‌ای پوشیده شده از لاک و الکل گذاشتند و آتش روشن کردند؛ و یک بار دروپادی دزدیده شد و تلاش نمودند تا به قصد اهانت، او را در جمع افرار شرور و فاسد کوروها عریان کنند. خداوند دروپادی را با تأمین مقدار بی‌نهایتی پارچه محافظت نمود و طرفداران دوربودهان در عریان ساختن وی شکست خوردند. مشابهاً، هنگامی که آنها به جنگل تبعید شدند، بهیما مجبور به نبرد با دیوی آدم‌خوار به نام هیدیمبا راکشاسا (*Hiḍimbā Rākṣasa*) گردید. اما خداوند به او حفاظت داد. اما موضوع در همین جا خاتمه نیافت. پس از اتمام این مشکلات، جنگ عظیم کوروکشترا اتفاق افتاد و آرجونا مجبور به نبرد با ژنرال‌های بزرگی همچون درونا، بهیشما و کارنا، جنگجویان بسیار قدرتمند شده بود. و در نهایت، حتی هنگامی که همه چیز به پایان رسید، ماجرای برهماسترای رها شده توسط پسر دروناچاریا برای کشتن فرزند درون رحم اوتارا پیش آمد و این چنین خداوند تنها فرد باقی‌مانده از نسل کوروها، یعنی ماهاراج پاریکشیت را حفظ نمود.

آیه ۲۵

vipadaḥ santu tāḥ śaśvat
tatra tatra jagad-guro
bhavato darśanam yat syād
aṇunar bhava-darśanam

vipadah: بلایا و فجایع؛ *santu*: بگذار چنین باشد؛ *tāh*: تمام؛ *śaśvat*: دوباره و دوباره؛ *tatra*: آن‌جا؛ *tatra*: و آن‌جا؛ *jaat-guro*: ای خداوند جهان؛ *bhavatah*: مال تو؛ *darsanam*: ملاقات؛ *yat*: آنچه؛ *syāt*: هست؛ *apunah*: نه دوباره؛ *bhava-darsanam*: رؤیت تکرار تولد و مرگ.

ترجمه

آرزو می‌کنم که تمام این بدبختی‌ها و بلایا دوباره و دوباره اتفاق بیافتند و بدان‌سان ما بتوانیم تو را دوباره و دوباره ببینیم، چرا که رؤیت تو بدین معناست که ما دیگر تولدها و مرگ‌های مکرر را نخواهیم دید.

شرح

معمولاً رنج‌دیدگان، نیازمندان، هوشمندان و کنجکاوان، که مقداری اعمال پرهیزگاران انجام داده باشند، به پرستش خداوند می‌پردازند یا پرستش را آغاز می‌کنند. دیگران، که بدون توجه به موقعیت تنها مشغول انجام اعمال شرورانه هستند، به دلیل گمراه شدن توسط انرژی توهمی نمی‌توانند به متعال نزدیک شوند. بنابراین، برای یک فرد پرهیزگار، اگر بدبختی و فاجعه‌ای رخ بدهد هیچ راه‌حلی جز پناه گرفتن در قدوم نیلوفرین خداوند وجود ندارد. بنابراین، گرچه آنها به اصطلاح بدبختی و بلا نامیده می‌شوند، اما از رخ دادن آنها استقبال می‌شود؛ چرا که آنها فرصتی را برای یادآوری خداوند به دست می‌دهند که به معنای رهایی است.

فردی که پناه قدوم نیلوفرین خداوند، که به عنوان مناسب‌ترین قایق برای عبور از اقیانوس جهل و غفلت پذیرفته شده را گرفته است، می‌تواند به همان سادگی به رهایی دست پیدا کند که فردی می‌تواند از روی سوراخ ایجاد شده توسط سُم یک گوساله عبور کند. مقدر است که چنین اشخاصی در سکونتگاه خداوند ساکن شوند و آنها با مکانی که در هر قدم آن خطری نهفته است کاری ندارند.

خداوند در بهاگاواد-گیتا این دنیای مادی را به عنوان مکانی خطرناک و بلاخیز معرفی نموده است. افراد کم‌خرد مشغول آماده‌سازی طرح‌هایی برای انطباق شرایط با آن فجایع و بلایا هستند بدون آنکه بدانند ذات این مکان به خودی خود سرشار از فجایع و بلایا است. آنها هیچ اطلاعی در مورد سکونتگاه خداوند که سرشار از شمع و بدون کوچک‌ترین اثری از بدبختی و بلااست، ندارند. بنابراین وظیفه‌ی انسان‌های معقول آن است که از بدبختی‌های مادی دچار اغتشاش

نشوند، چرا که این بدبختی‌ها در هر شرایطی قطعاً اتفاق خواهند افتاد. با رنج کشیدن از تمام انواع بدبختی‌های اجتناب‌ناپذیر، فرد باید در ادراک روحانی خود پیشرفت نماید؛ زیرا این مأموریت زندگی انسانی است. روح ورای تمام بدبختی‌های مادی است، بنابراین، این به اصطلاح بدبختی‌ها کاذب نامیده می‌شوند. فرد ممکن است در خواب ببیند که یک ببر وی را می‌خورد و ممکن است برای این بدبختی و بلا بگریید. در واقع هیچ ببر و هیچ رنجی وجود ندارد. این تنها یک خواب است. به همین طریق، تمام بدبختی‌های زندگی خواب نامیده می‌شوند. اگر فردی چنان خوشبخت باشد که به واسطه‌ی خدمت عابدانه در تماس با خداوند قرار گیرد، کاملاً منتفع شده است. تماس با خداوند از طریق هر یک از نه روش خدمت عابدانه همواره گامی به جلو در مسیر بازگشت به خداوند است.

آیه ۲۶

*janmaīśvarya-śruta-śrībhir
edhamāna-madaḥ pumān
naivārhaty abhidhātum vai
tvām akiñcana-gocaram*

janma: تولد؛ *aiśvarya*: توانگری؛ *śruta*: آموزش؛ *śrībhiḥ*: با داشتن زیبایی؛ *edhamāna*: در حال افزایش تدریجی؛ *madaḥ*: مستی؛ *pumān*: انسان؛ *na*: هرگز؛ *eva*: همیشه؛ *arhati*: شایسته و لایق بودن؛ *abhidhātum*: مخاطب قرار دادن با احساسات؛ *vai*: قطعاً؛ *tvām*: تو، شما؛ *akiñcana-gocaram*: فردی که به آسانی در دسترس فردی است که به لحاظ مادی تحلیل رفته است.

ترجمه

خداوند، نزدیک شدن به حضرتت به آسانی امکان‌پذیر است؛ اما تنها توسط کسانی از مادیات خسته شده‌اند. فردی که در مسیر پیشرفت مادی است و تلاش می‌کند تا خود را با خویشان و دلبستگان محترم، دارایی عظیم، تحصیلات سطح بالا و زیبایی بدنی ارتقاء دهد نمی‌تواند با احساسی صادقانه به تو نزدیک شود.

شرح

پیشرفته بودن به لحاظ مادی به معنای تولد در یک خانواده‌ی اشرافی و تملک ثروت عظیم، تحصیلات و زیبایی فردی است. تمام افراد دنیوی به طور دیوانه‌وار در جستجوی این توانگری‌های مادی هستند و این امر با عنوان پیشرفت تمدن مادی شناخته می‌شود. اما نتیجه آن است که با تملک تمام این دارایی‌های مادی فرد به صورت کاذبی از چنین مایملک مادی مغرور و سرمست می‌شود. در نتیجه، چنین فرد مادی مغروری قادر به ذکر نام مقدس خداوند و مخاطب قرار دادن با احساس وی با عنوان «ای گوویندا، ای کریشنا» نیست. در شاستراها گفته شده است که با یک بار ذکر نام مقدس خداوند، گناهکار از میزانی از گناهان خویش خلاصی می‌یابد که قادر به انجام آن میزان از گناهان نیست. قدرت ذکر نام مقدس خداوند چنین است. هیچ اغراقی در این عبارت وجود ندارد. در واقع نام مقدس خداوند چنین قدرت خارق‌العاده‌ای دارد. اما کیفیت چنین ذکر نیز مطرح است و این خود به کیفیت احساس فرد مربوط می‌شود. یک فرد بیچاره می‌تواند از ته قلب به ذکر نام مقدس خداوند بپردازد، در حالی که فردی که همان نام مقدس را در رضایت عظیم مادی ذکر می‌کند نمی‌تواند آن چنان صادق باشد. یک فرد مغرور به لحاظ مادی ممکن است بعضی اوقات نام مقدس خداوند را ذکر کند، اما وی قادر به ذکر با کیفیت نام نیست. بنابراین، چهار اصل پیشرفت مادی یعنی (۱) بستگان سطح بالا؛ (۲) ثروت سرشار (۳) تحصیلات عالی (۴) زیبایی جذاب، در واقع عدم شایستگی‌هایی برای پیشرفت در مسیر ارتقای روحانی هستند. پوشش مادی روح پاک یک ویژگی بیرونی است؛ همان‌طور که تب یک ویژگی بیرونی از بدن ناسالم است. روند عمومی این است که میزان تب کاهش داده شود، نه اینکه با درمان اشتباه میزان آن افزایش یابد. بعضی مواقع دیده می‌شود که افراد روحانی پیشرفته از لحاظ مادی فقیر می‌شوند. در این موضوع هیچ جای ناامیدی وجود ندارد. از سوی دیگر، چنین فقری نشانه و علامت خوبی است؛ درست همان‌گونه که پایین رفتن درجه‌ی تب نشانه‌ی خوبی است. اصل زندگی باید کاهش میزان سرمستی و تخدیر مادی باشد زیرا چنین مستی و تخدیری سبب می‌شود فرد بیشتر و بیشتر در مورد هدف زندگی دچار توهم شود. افرادی که تحت توهم زمخت قرار می‌گیرند کاملاً ناشایسته برای ورود به قلمروی پادشاهی خداوند هستند.

namo 'kiñcana-vittāya
 nivṛtta-guṇa-vṛttaye
 ātmārāmāya śāntāya
 kaivalya-ṣataye namaḥ

namaḥ: تمام احترامات تقدیم به تو؛ *akiñcana-vittāya*: به دارایی فقرا؛ *nivṛtta*: کاملاً برای اعمال گونه‌های مادی؛ *guṇa*: گونه‌های مادی؛ *vṛttaye*: محبت؛ *ātma-ārāmāya*: فردی که در خود راضی است؛ *śāntāya*: آرام‌ترین؛ *kaivalya-ṣataye*: به ارباب وحدت‌گرایان؛ *namaḥ*: سجده.

ترجمه

احترامات من تقدیم تو باد، که دارایی کسی هستی که به لحاظ مادی فقیر است. تو هیچ کاری با اعمال و واکنش‌های گونه‌های طبیعت مادی نداری. تو در خود راضی هستی و بنابراین آرام‌ترین، و ارباب وحدت‌گرایان هستی.

شرح

یک موجود زنده به محض آنکه چیزی برای به دست آوردن وجود نداشته باشد، به پایان می‌رسد. بنابراین یک موجود زنده نمی‌تواند به معنای واقعی "منقطع" باشد. یک موجود زنده از چیزی منقطع می‌شود تا چیزی ارزشمندتر را به دست آورد. یک دانش‌آموز تمایلات کودکانی خود را قربانی می‌کند تا تحصیلات بهتری کسب کند. یک کارمند کار خود را برای به دست آوردن کار بهتر ترک می‌کند. مشابهاً یک عابد، دنیای مادی را نه برای هیچ چیز، بلکه برای چیزی ملموس بر اساس ارزش‌های روحانی ترک می‌کند. شریلا روپا گوسوامی، ساناناتانا گوسوامی و شریلا راگهوناتا داس گوسوامی و دیگران، شکوه و جلال مادی خویش را به خاطر خدمت خداوند ترک گفتند. آنها از لحاظ دنیوی مردانی بزرگ بودند. گوسوامی‌ها وزرای دولت بنگال بودند و شریلا راگهوناتا داس گوسوامی پسر یک زمین‌دار بزرگ عصر خویش بود. اما آنها هر آنچه را که داشتند به منظور دستیابی به چیزی اعلا تر از آنچه که پیش‌تر داشتند ترک کردند. عابدان معمولاً فاقد رفاه مادی هستند، اما آنها گنجینه‌ای پنهان در قدوم نیلوفرین خداوند دارند. داستان جالبی در مورد شریلا ساناناتانا گوسوامی وجود دارد. او یک سنگ محک با خود داشت و آن را در یک توده‌ی بزرگ زباله انداخت. مردی نیازمند آن را پیدا کرد، اما بعدها این سؤال

برایش مطرح شد که این سنگ قیمتی چرا در چنین مکان بی‌ارزشی گذاشته شده است. بنابراین وی از سانانانا گوسوامی در مورد ارزشمندترین چیز پرسید و پاسخ وی نام مقدس خداوند بود. آکینچانا (*akiñcana*) به معنای کسی است که به لحاظ مادی هیچ ندارد. یک عابد واقعی یا ماهاتما، هیچ چیز مادی به دیگری نمی‌دهد، چرا که وی تمام دارایی‌های مادی را ترک کرده است؛ اما وی می‌تواند دارایی متعال یعنی شخصیت خداوند را ارائه کند، چرا که آن تنها مایملک یک عابد واقعی است. سنگ محک سانانانا گوسوامی که به درون زباله‌ها پرتاب شده بود، دارایی گوسوامی نبود، چرا که در غیر این صورت در چنین مکانی از آن نگهداری نمی‌شد. این مثال، به ویژه برای عابدان مبتدی ارائه می‌شود تا آنها را متقاعد سازد که تعلقات مادی و پیشرفت روحانی با یکدیگر سازگار نیستند. تا هنگامی که فرد قادر به رؤیت همه چیز به صورت متعال و در ارتباط با خداوند متعال نباشد، باید بین ماده و روح تمایز قائل شود. یک پیر روحانی مانند شریلا سانانانا گوسوامی، گرچه شخصاً قادر به رؤیت همه چیز به صورت متعال بود، این الگو را تنها برای ما نشان داد؛ چرا که ما چنین بینش روحانی‌ای نداریم.

پیشرفت بینش مادی یا تمدن مادی، مانعی بزرگ در مقابل پیشرفت روحانی است. چنین پیشرفت مادی باعث به بند کشیده شدن موجود زنده در قید بدن مادی و به همراه آن تمام انواع بدبختی‌های مادی می‌شود. چنین پیشرفت مادی آنارثا (*anartha*) یا چیزهای ناخواسته نامیده می‌شود. در واقع چنین است. در وضعیت حاضر پیشرفت مادی فرد رژیلی را به قیمت پنجاه سنت استفاده می‌کند و چیزهای ناخواسته‌ی بسیار زیاد دیگری نیز وجود دارند که همگی محصولات ادراک مادی از حیات هستند. با انحراف توجه به بسیاری چیزهای ناخواسته، انرژی انسان بدون دستیابی به ادراک روحانی که نیاز اساسی زندگی انسانی است، هدر می‌رود. تلاش برای دستیابی به ماه مثال دیگری از اتلاف انرژی است؛ چرا که حتی اگر به کره‌ی ماه هم برسیم، مشکلات زندگی همچنان حل نشده باقی خواهد ماند. عابدان خداوند آکینچانا نامیده می‌شوند، چرا که آنها عملاً هیچ دارایی مادی ندارند. چنین دارایی‌های مادی همگی محصولات سه‌گانه‌ی طبیعت مادی هستند. آنها انرژی روحانی را خنثی می‌کنند و بنابراین هر چقدر دارایی‌های از این محصولات طبیعت مادی کمتر باشد، فرصت بیشتری برای پیشرفت روحانی نصیب ما خواهد شد.

شخصیت‌های اعلای خداوند هیچ ارتباط مستقیمی با فعالیت‌های مادی ندارد. تمام اعمال و فعالیت‌های خداوند، که حتی در این طبیعت مادی متجلی می‌شوند، روحانی و بدون تأثیر از گونه‌های طبیعت مادی هستند. در بهاگاواد-گیتا خداوند می‌فرماید که تمام اعمالش، حتی ظهور

و ناپیدایی‌اش در جهان مادی، متعال هستند و کسی که می‌تواند این موضوع را کاملاً درک کند دیگر در این جهان مادی متولد نخواهد شد، بلکه به ملکوت اعلاّی خداوند باز خواهد گشت. بیماری مادی به دلیل اشتیاق و تمایل به خداوندی بر طبیعت مادی است. این اشتیاق به دلیل تعامل با سه گونه‌ی طبیعت مادی است. نه خداوند و نه عبادانش دل‌بسته‌ی چنین لذات کاذبی نیستند. بنابراین، خداوند و عبادانش نیوریتا-گونا-وریتی (*nivṛtta-guṇa-vṛtti*) نامیده می‌شوند. نیوریتا-گونا-وریتی کامل خداوند متعال است؛ چرا که وی هرگز مجذوب گونه‌های طبیعت مادی نمی‌شود، در حالی که موجودات زنده چنین تمایلی را در خود دارا هستند. بعضی از ایشان در دام جذابیت توهمی طبیعت مادی می‌افتند.

از آن‌جایی که خداوند متعلق به عابدان و متقابلاً عابدان متعلق به خداوند هستند، عابدان قطعاً و رای گونه‌های طبیعت مادی هستند. این نتیجه‌گیری طبیعی است. چنین عابدان پاک‌ی متمایز از عابدان ناخالصی هستند که برای کاهش رنج و فقر خویش یا به خاطر کنجکاو‌ی و ذهنیت خویش به خداوند نزدیک می‌شوند. عابدان پاک و خداوند به طور متعال دل‌بسته‌ی یکدیگر هستند. برای دیگران، خداوند مجبور به مقابله به مثل نیست. بنابراین آتماراما (*ātmārāma*) یا در خود راضی نامیده می‌شود. از آن‌جایی که وی در خود راضی است، ارباب تمام حکیمان وحدت‌گرایی است که در پی غرق شدن در وجود خداوند هستند. چنین وحدت‌گرایی در انوار شخصی خداوند که برهماجیوتی نامیده می‌شود غرق می‌شوند، اما عابدان وارد بازی‌های متعال خداوند که هرگز نباید مادی در نظر گرفته شوند، خواهند شد.

آیه ۲۸

*manye tvām kālam īśānam
anādi-nidhanam vibhum
samam carantam sarvatra
bhūtānām yan mithaḥ kaliḥ*

manye: در نظر می‌گیرم؛ *tvām*: بزرگی‌ات؛ *kālam*: زمان ابدی؛ *īśānam*: خداوند متعال؛ *anādi-nidhanam*: بدون آغاز و پایان؛ *vibhum*: همه‌جا غالب؛ *samam*: به صورت یکسان مهربان؛ *carantam*: توزیع؛ *sarvatra*: همه‌جا؛ *bhūtānām*: مربوط به موجودات زنده؛ *yan mithaḥ kaliḥ*: با تعامل؛ اختلاف.

ترجمه

خداوندم، من حضرتت را به شکل زمان ابدی، کنترل‌کننده‌ی متعال، بدون آغاز و پایان، و در همه‌جا غالب در نظر می‌گیرم. تو در توزیع لطف نسبت به همگان یکسان هستی، و ناسازگاری میان موجودات زنده به دلیل مرادوات اجتماعی است.

شرح

کونتی دوی می‌دانست که کریشنا پسر برادر وی و نه یک عضو عادی از خانواده‌ی پدری‌اش است. وی کاملاً می‌دانست که کریشنا خداوند ازلی است که به صورت روح متعال پاراماتما در قلب همگان سکونت دارد. نام دیگر وجه پارامتامی خداوند، کالا (*kāla*) یا زمان ابدی است. زمان ابدی شاهد تمام اعمال خوب و بد است و بنابراین واکنش‌های منتج توسط وی رقم می‌خورد. هیچ فایده‌ای ندارد که بگوییم نمی‌دانیم چرا و به چه دلیل در حال رنج بردن هستیم. ما ممکن است اعمال ناپسندی را که در حال حاضر از واکنش آنها رنج می‌بریم فراموش کرده باشیم، اما باید به خاطر داشته باشیم که پاراماتما معاصر ابدی ماست و بنابراین وی همه چیز را در گذشته، حال و آینده را می‌داند. و بدین خاطر که وجه پارامتامی خداوند تمام اعمال و واکنش‌های آنها را رقم می‌زند، او کنترل‌کننده‌ی متعال نیز هست. بدون تأیید وی حتی یک برگ نیز تکان نمی‌خورد. به موجودات زنده به اندازه‌ی شایستگی ایشان آزادی اعطا می‌شود و سوء استفاده از آن آزادی سبب رنج است. عابدان خداوند از آزادی خویش سوء استفاده نمی‌کنند و بنابراین آنها پسران شایسته‌ی خداوند هستند. تقدیر تمام اینها پیش‌تر توسط زمان ابدی رقم خورده است. همان‌گونه که ما رنج‌هایی داریم که آنها را طلب نکرده‌ایم، به همان ترتیب ممکن است شادی‌هایی بر سر راهمان قرار گیرد که آرزوی آنها را نکرده باشیم. و تمام اینها توسط "کالا" رقم می‌خورد. بدین ترتیب هیچ‌کس دوست یا دشمن خداوند نیست. همگان در حال رنج و لذت بردن از نتایج تقدیر خویش هستند. این تقدیر توسط موجودات زنده و طی تعاملات اجتماعی رقم می‌خورد. در این‌جا همه خواهان خداوندی بر طبیعت مادی هستند و بدین ترتیب همگان تقدیر خود را تحت نظارت خداوند متعال رقم می‌زنند. او در همه‌جا حضور دارد و بنابراین می‌تواند فعالیت‌های همه را ببیند و به این دلیل که خداوند هیچ آغاز و پایانی ندارد، زمان ابدی، یا کالا نیز نامیده می‌شود.

آیه ۲۹

*na veda kaścīd bhagavaṁś cikīrṣitam
tavehamānasya nṛṇām viḍambanam
na yasya kaścīd dayito 'sti karhicid
dveṣyaś ca yasmin viṣamā matir nṛṇām*

na: نمی؛ *veda*: داند؛ *kaścīd*: هر کس؛ *bhagavan*: ای خداوند؛ *cikīrṣitam*: بازی‌ها؛
tava: مربوط به تو؛ *iḥamānasya*: همانند انسان‌های دنیوی؛ *nṛṇām*: مربوط به عموم
مردم؛ *viḍambanam*: گمراه‌کننده؛ *na*: هرگز؛ *yasya*: مربوط به او؛ *kaścīd*: هر کس؛
dayitaḥ: هدف لطف ویژه؛ *asti*: وجود دارد؛ *karhicid*: هر جا؛ *dveṣyaḥ*: هدف حسادت؛
ca: و؛ *yasmin*: به او؛ *viṣamā*: طرفداری؛ *matir*: تصور؛ *nṛṇām*: مربوط به مردم.

ترجمه

خداوندا، هیچ کس نمی‌تواند بازی‌های متعال را که به نظر انسانی می‌آیند و به همین دلیل نیز گمراه‌کننده هستند، درک کند. تو هیچ هدف خاصی از توجه یا دلیل خاصی برای حسادت ورزیدن نداری. مردم صرفاً تصور می‌کنند که تو رفتاری طرفدارانه داری.

شرح

لطف و رحمت خداوند نسبت به ارواح فروافتاده به طرز یکسان توزیع می‌شود. هیچ کس هدف ویژه‌ی خصومت خداوند نیست. مفهوم شخصیت‌اعلای خداوند به عنوان یک بشر، گمراه‌کننده است. به نظر می‌رسد که بازی‌های متعال خداوند دقیقاً همانند بازی‌های انسانی هستند، اما در واقع آنها متعال و فاقد ذره‌ای آلودگی مادی می‌باشند. او بی‌شک به عنوان طرفدار عابدان خویش شناخته می‌شود، اما در حقیقت او هرگز طرفدار کسی نیست، درست به همان ترتیبی که خورشید هرگز طرفدار کسی نیست. با استفاده از انوار خورشید، بعضی مواقع حتی سنگ‌ها نیز ارزشمند می‌شوند، در حالی که یک فرد کور نمی‌تواند خورشید را ببیند. گرچه به انوار خورشید اندازه‌ی کافی پیش چشم وی حضور دارند. تاریکی و نور دو مفهوم متضاد هستند، اما این بدان معنی نیست که خورشید در پخش انوار خویش جانبدار و طرفدار کسی است. انوار خورشید برای

همگان وجود دارند، اما ظرفیت‌های پذیرش متفاوت است. نادانان، خدمت عابدانه را روشی تملق‌آمیز برای کسب لطف خاص خداوند می‌پندارند. در واقع عابدان خداوند که مشغول انجام خدمت عاشقانه‌ی متعال به وی هستند، عده‌ای تاجر نیستند. یک بنگاه تجاری در قبال تبادل مقادیری پول به انجام خدمت به شخصی می‌پردازد. عابد پاک برای چنین تبدالی به خدمت عابدانه‌ی خداوند نمی‌پردازد و بنابراین لطف کامل خداوند برای وی فراهم می‌شود. افراد رنج‌دیده و نیازمند و اشخاص کنجکاو و یا فیلسوف ارتباطات موقتی با خداوند برقرار می‌کنند تا هدف ویژه‌ای را برآورده سازند. هنگامی که این هدف برآورده شد، دیگر ارتباطی با خداوند وجود نخواهد داشت. یک انسان رنجور، اگر اصلاً پرهیزگار باشد، برای بهبود اوضاع خویش به خداوند دعا می‌کند. اما به محض آنکه درمان و بهبود صورت گرفت، در اغلب موارد انسان رنجور دیگر توجهی به حفظ رابطه با خداوند نمی‌کند. لطف خداوند برای وی فراهم است، اما وی نسبت به دریافت آن بی‌تفاوت می‌باشد. این تفاوت میان یک عابد خالص و یک عابد ناخالص است. افرادی که کاملاً بر علیه خدمت خداوند هستند، "در پست‌ترین تاریکی واقع شده" در نظر گرفته می‌شوند؛ کسانی که طالب لطف خداوند تنها در زمان نیاز هستند، دریافت‌کنندگان جزئی لطف خداوند، و عده‌ای که صد درصد مشغول خدمات عابدانه‌ی خداوند هستند، دریافت‌کنندگان کامل لطف خداوند محسوب می‌شوند. این نسبی بودن دریافت لطف خداوند مربوط به دریافت‌کننده است، و نه به خاطر جانبداری خداوند پرلطف از عده‌ای خاص.

هنگامی که خداوند در دنیای مادی با انرژی لطف کامل خویش ظهور می‌کند، نقشی همچون یک انسان را ایفا می‌کند و بنابراین به نظر می‌رسد که خداوند تنها طرفدار عابدانش است. اما این حقیقت ندارد. علی‌رغم چنین جلوه‌ی ظاهری جانبدارانه‌ای، لطف او به صورت یکسان توزیع می‌شود. در صحنه‌ی نبرد کورکشترا، تمام افراد کشته شده در جنگ در حضور خداوند بدون وجود صلاحیت‌های ضروری به رهایی رسیدند؛ زیرا مرگ در حضور خداوند، ارواح در حال فوت را از اثرات تمام گناهان پاک می‌نماید و بنابراین فرد مرده مکانی را در سکونتگاه روحانی به دست می‌آورد. اگر فردی به هر طریق خود را در معرض انوار خورشید قرار دهد، قطعاً مزایای لازم از گرما و نور خورشید را به دست می‌آورد. بنابراین، نتیجه این است که خداوند هرگز طرفدار کسی نیست. اندیشه‌ی عمومی در مورد خداوند به صورت جانبداری عده‌ای، کاملاً اشتباه است.

janma karma ca viśva-ātman
 ajasyākartur ātmanaḥ
 tiryāṅ-nṛṣiṣu yādaḥsu
 tad atyanta-vidāmbanam

janma: تولد؛ karma: فعالیت؛ ca: و؛ viśva-ātman: ای روح جهان؛ ajasya: مربوط به زاده نشده؛ akartur: مربوط به غیرفعال؛ ātmanaḥ: مربوط به انرژی حیاتی؛ tiryak: حیوان؛ nṛ: انسان؛ ṛṣiṣu: در حکیمان؛ yādaḥsu: در آب؛ tat: آن؛ atyanta: به حقیقت؛ vidāmbanam: گیج‌کننده.

ترجمه

ای روح جهان، البته این گیج‌کننده است که تو کار می‌کنی، گرچه غیرفعال هستی؛ و زاده می‌شوی، گرچه نیروی حیات و زاده نشده هستی. تو خود در میان حیوانات، انسان‌ها، حکیمان، و آبزیان ظاهر شده‌ای. این واقعاً گیج‌کننده است.

شرح

بازی‌های متعال خداوند نه تنها گیج‌کننده، بلکه آشکارا متضاد هستند. به کلامی دیگر، این اعمال برای قدرت اندیشه‌ی محدود انسان غیرقابل درک هستند. خداوند روح متعال در همه‌جا حاضر است و با این حال به شکل یک گراز در میان حیوانات، به شکل یک انسان راما، کریشنا و غیره، به فرم یک ریشی همچون نارایان، و به فرم یک آبزی همچون یک ماهی ظاهر می‌شود. با این حال گفته شده است که او زاده نشده است و هیچ کاری برای انجام ندارد. در شروتی ماترا گفته شده است که برهمن متعال هیچ کاری برای انجام ندارد. هیچ‌کس برابر یا بزرگ‌تر از او نیست. او انرژی‌های متعددی دارد و همه چیز کاملاً توسط وی و از طریق دانش، قدرت و فعالیت خودکار انجام می‌پذیرد. تمام این عبارات بی‌شک اثبات می‌کنند که فعالیت‌ها، اشکال و اعمال خداوند برای قدرت اندیشه‌ی محدود ما غیرقابل درک هستند و بدین‌خاطر که وی به طرز غیرقابل تصویری قدرتمند است، همه‌چیز برای وی ممکن است. بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند به صورت دقیق وی را مورد ارزیابی قرار دهد؛ و تمام اعمال خداوند برای انسان‌های عادی گیج‌کننده است. او را نمی‌توان از طریق دانش ودایی شناخت، اما می‌توان به سادگی از

طریق عابدان پاکش درک نمود؛ چرا که آنها به صورت کاملاً صمیمانه و نزدیکی با او در ارتباط هستند. بنابراین عابدان می‌دانند که گرچه وی در میان حیوانات ظاهر می‌شود، اما یک حیوان، انسان، ریشی (حکیم) و یا یک ماهی نیست. او قطعاً در تمام شرایط، خداوند متعال است.

آیه ۳۱

*gopī ādade tvayi kṛtāgasi dāma tāvad
yā te daśāśru-kalilāñjana-sambhramākṣam
vaktram ninīya bhaya-bhāvanayā sthitasya
sā mām vimohayati bhīr api yad bibheti*

gopī: زن گاوچران (باشودا)؛ *ādade*: گرفت؛ *tvayi*: به تو؛ *kṛtāgasi*: ایجاد مزاحمت (با شکستن ظرف کره)؛ *dāma*: طناب؛ *tāvat*: در آن زمان؛ *yā*: آنکه؛ *te*: مال تو؛ *daśā*: موقعیت؛ *śru-kalila*: اشک‌ریزان؛ *añjana*: خط چشم؛ *sambhrama*: مضطرب؛ *akṣam*: چشمان؛ *vaktram*: صورت؛ *ninīya*: به سمت پایین؛ *bhaya-bhāvanayā*: با اندیشه‌ی ترس؛ *sthitasya*: از موقعیت؛ *sā*: آن؛ *mām*: به من، مرا؛ *vimohayati*: گیج می‌کند؛ *api bhīh*: حتی شخصیت ترس؛ *yat*: کسی که؛ *bibheti*: می‌ترسد.

ترجمه

کریشنای عزیزم، باشودا طنابی را گرفت تا تو را ببندد هنگامی که تو خطایی را مرتکب شده بودی، و چشمان مضطرب تو پر از اشک شد و خط چشمانت را پاک نمود. و تو ترسیده بودی، گرچه شخصیت ترس از تو می‌ترسد. این منظر برایم گیج کننده است.

شرح

این مثال دیگری از گیجی ایجاد شده از بازی‌های متعال خداوند است. همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، خداوند متعال از هر جهت متعال است. این مثالی ویژه از تعالی خداوند و در عین حال، حضور وی به صورت بازیچه‌ای در دست عابد پاکش است. عابد پاک خداوند تنها از روی عشق ناب به انجام خدمت به خداوند می‌پردازد و در حین انجام چنین خدمت عابدانه‌ای،

جایگاه خداوند متعال را فراموش می‌کند. خداوند متعال نیز خدمت عابدانه‌ای را که به صورت خودجوش و از روی احساسات پاک و بدون هیچ احترام خاصی صورت گیرد می‌پذیرد. معمولاً خداوند توسط عابدان در حالتی بسیار محترمانه پرستش می‌شود، اما خداوند هنگامی که عابد از روی احساسات و عشق پاک، خداوند را از خود پایین‌تر فرض می‌کند، کاملاً خوشنود می‌شود. بازی‌های متعال خداوند در سکونتگاه متعال گولوکا ورینداوان با این روحیه صورت می‌گیرند. دوستان کریشنا وی را به عنوان یکی از خودشان در نظر می‌گیرند. آنها برای وی اهمیت و حرمتی ویژه قائل نمی‌شوند. والدین خداوند (که همگی عابد پاک هستند) وی را تنها به صورت یک کودک در نظر می‌گیرند. خداوند تنبیهات والدینش را با خوشحالی بیشتری نسبت به دعا‌های سروده‌های ودایی می‌پذیرد. هنگامی که خداوند کریشنا در این دنیای مادی حاضر بود تا بازی‌های متعال ابدی‌اش در قلمرو متعال گولوکا ورینداوان را به عنوان جذبه‌ای برای عموم مردم متجلی نماید، صحنه‌ای منحصر به فرد از تبعیت را نزد مادرخوانده‌اش یاشودا، نشان داد. خداوند، در فعالیت‌ها و بازیگوشی‌های طبیعی کودکانه‌ی خویش، کراهی ذخیره شده‌ی مادر یاشودا را با شکستن ظرف‌ها و پخش محتویات آن میان دوستان و همبازی‌های خویش و از جمله میمون‌های دوست‌داشتنی ورینداوان که از بخشش خداوند بهره‌مند می‌شدند، تلف نمود. مادر یاشودا این را می‌دید و از روی عشق پاک نسبت به او می‌خواست که نمایی از تنبیه را برای کودک متعالش ترتیب دهد. او طنابی را برداشت و خداوند را تهدید کرد که او را -به همان ترتیبی که معمولاً یک مادر خانه‌دار انجام می‌دهد- خواهد بست. با رؤیت این طناب در دستان مادر یاشودا، خداوند سرش را پایین آورد و همچون یک کودک شروع به گریستن نمود و اشک روی گونه‌هایش غلتید و تمام خط چشم‌های زیبای وی را پاک نمود. این منظر از خداوند توسط کونتی دوی پرستش می‌شود؛ چرا که وی از جایگاه متعال خداوند آگاه است. اغلب اوقات شخصیت ترس از وی می‌ترسد، با این حال او از مادرش که می‌خواست به شیوه‌ای عادی وی را تنبیه کند، می‌ترسد. کونتی از موقعیت متعال کریشنا آگاه بود، در حالی که یاشودا آگاه نبود. بنابراین جایگاه یاشودا اعلا‌تر از جایگاه کونتی است. مادر یاشودا خداوند را به صورت پسرش دوست داشت و خداوند کاری کرد که یاشودا کاملاً فراموش کند فرزندش خود خداوند است. اگر مادر یاشودا از موقعیت ممتاز خداوندی وی آگاه بود، مسلماً از تنبیه وی خودداری می‌کرد؛ اما او در موقعیتی قرار گرفت که این واقعیت را فراموش کند، چرا که خداوند می‌خواست حالت کاملی از کودکی خود را در حضور یاشودای پرمحبت نشان دهد. این تبادل عشق میان مادر و پسر به طریقی طبیعی صورت گرفت و کونتی، با یادآوری این صحنه، گیج شده بود و نمی‌توانست کاری

جز ستایش محبت فرزندی متعال خداوند انجام دهد. در این جا مادر باشد با طور غیرمستقیم برای جایگاه منحصر به فرد عشقش ستایش شده است؛ چرا که وی توانست حتی خداوند قادر مطلق را به صورت فرزند محبوب خویش تحت کنترل درآورد.

آیه ۳۲

*kecid āhur ajam jātam
punya-ślokasya kīrtaye
yadoḥ priyasyānvavāye
malayasyeva candanam*

kecit: بعضی؛ *āhuḥ*: می گویند؛ *ajam*: زاده نشده؛ *jātam*: زاییده شدن؛ *punya-ślokasya*: از پادشاه پرهیزگار بزرگ؛ *kīrtaye*: برای پرشکوه کردن؛ *yadoḥ*: مربوط به پادشاه یادو؛ *priyasya*: مربوط به فرد عزیز؛ *anvavāye*: در خانواده‌ی؛ *malayasya*: تپه‌های مالا یا؛ *iva*: به صورت؛ *candanam*: چوب صندل.

ترجمه

بعضی می گویند که آن زاده نشده، برای تجلیل پادشاهان پرهیزگار زاییده شده است، و دیگران چنین می گویند که تو زاییده شدی تا پادشاه یادو را، که یکی از عزیزترین عابدان توست، راضی نمایی. تو در خانواده‌ی وی ظاهر شدی؛ درست همان گونه که چوب صندل در تپه‌های مالا با ظاهر می شود.

شرح

از آن جایی که ظهور خداوند در این جهان مادی گپیچ کننده است، نظرات مختلفی در مورد تولد زاده نشده وجود دارد. در بهاگاواد-گیتا خداوند بیان می دارد که گرچه او خداوند تمام خلقت‌ها و زاده نشده است، در جهان مادی متولد می شود. بنابراین نمی توان تولد خداوند زاده نشده را تکذیب نمود؛ چرا که وی خود این حقیقت را بیان می دارد. اما با این حال عقاید مختلفی درباره‌ی علت تولد وی وجود دارد. این امر نیز در بهاگاواد-گیتا بیان شده است. او با انرژی درونی خویش برای استقرار مجدد اصول دین و حفاظت از پرهیزگاران و نابودی بدکاران ظاهر می شود. این مأموریت

ظهور زاده‌نشده است. با این حال گفته شده است که خداوند در این‌جا حضور می‌یابد تا پادشاه پرهیزگار یودهیشتیرا را پرشکوه سازد. خداوند شری کریشنا قطعاً خواستار استقرار پادشاهی پانداواها برای خیر همه‌ی عالم بود. هنگامی که پادشاهی پرهیزگار بر جهان حکومت کند، مردم خوشحال هستند. هنگامی که حاکم کافر باشد، مردم ناراحت و بدبخت خواهند بود. در عصر کالی در اکثر موارد حاکمان خداناس و کافر هستند و بنابراین شهروندان نیز دائماً ناراحت هستند. اما در مورد دموکراسی، شهروندان خداناس خود به شخصه نمایندگانشان را برای حکمروایی بر خویش انتخاب می‌کنند و بنابراین آنها نمی‌توانند دیگران را برای ناخوشنودی خود سرزنش کنند. ماهاراج نالا (Mahārāja Nala) نیز به عنوان یک پادشاه پرهیزگار تحسین شده است، اما او هیچ ارتباطی با خداوند کریشنا نداشت. بنابراین ماهاراج یودهیشتیرا در این‌جا فردی است که توسط کریشنا پرشکوه می‌شود. خداوند همچنین با پذیرش تولد در خاندان یادو، وی را نیز پرشکوه می‌کند. او با نام‌های یاداوا (Yādava)، یادو ویرا (Yaduvīra)، یادوناندانا (Yadunandana) و غیره شناخته می‌شود؛ گرچه خداوند همراه از چنین تعلقاتی مستقل است. او همچون چوب صندل است که در تپه‌های مالایا رشد می‌کند. درختان می‌توانند در هر کجا رشد کنند اما از آن‌جایی که درختان صندل اغلب در حوزه‌ی تپه‌های مالایا رشد می‌کنند، نام چوب صندل و تپه‌های مالایا با یکدیگر در ارتباط است. بنابراین، نتیجه آن است که خداوند همواره همچون خورشید زاده‌نشده است و با این حال او همچون خورشیدی که از افق شرقی طلوع می‌کند ظاهر می‌شود. همان‌گونه که خورشید هرگز خورشید افق شرقی نیست، خداوند نیز هرگز پسر کسی نیست، بلکه او پدر همگان است.

آیه ۳۳

*apare vasudevasya
devakyām yācito 'bhyagāt
ajas tvam asya kṣemāya
vadhāya ca sura-dviṣām*

apare: دیگران؛ *vasudevasya*: مربوط به واسودوا؛ *devakyām*: مربوط به دواکی؛
yācitaḥ: دعا کردند؛ *abhyagāt*: متولد شدی؛ *ajaḥ*: زاده‌نشده؛ *tvam*: تو هستی؛ *asya*:
مربوط به او؛ *kṣemāya*: برای خیر؛ *vadhāya*: به منظور کشتن؛ *ca*: و؛ *sura-dviṣām*:

مربوط به کسانی که به خداوندگاران حسادت می‌کنند.

ترجمه

دیگران می‌گویند از آن‌جایی که واسودوا و دواکی هر دو به تو دعا کرده‌اند، تو به صورت پسر ایشان متولد شده‌ای. بدون شک تو زاده نشده‌ای، با این حال، برای رفاه ایشان و کشتن کسانی که نسبت به خداوندگاران حسادت می‌کنند متولد می‌شوی.

شرح

همچنین گفته شده است که واسودوا و دواکی، در تولدهای پیشین خود به صورت سوتاپا (Sutapā) و پریشنی (Pr̥ṣni)، ریاضت بسیار سنگینی را متحمل شدند تا خداوند را به صورت پسر خود داشته باشند و در نتیجه‌ی چنین ریاضت‌هایی، خداوند به صورت پسرشان ظاهر گردید. پیش‌تر در بهاگاواد-گیتا بیان شده است که خداوند برای خیر تمام مردم جهان و نابودی آسورها یا خداشناسان مادی‌گرا ظاهر می‌شود.

آیه ۳۴

*bhārāvataṛaṇāyānye
bhūvo nāva ivodadhau
sīdantya bhūri-bhāreṇa
jāto hy ātma-bhuvārthitaḥ*

bhāra-avatāraṇāya: تنها برای کاهش بار جهان؛ *anye*: دیگران؛ *bhūvaḥ*: مربوط به جهان؛ *nāvaḥ*: قایق؛ *iva*: همچون؛ *udadhau*: در دریا؛ *sīdantyaḥ*: غصه‌دار؛ *bhūri*: به شدت؛ *bhāreṇa*: از وزن؛ *jātaḥ*: تو زاده شدی؛ *hi*: قطعاً؛ *ātma-bhuvā*: توسط برهما؛ *arthitaḥ*: دعا کردن برای.

ترجمه

دیگران می‌گویند که دنیا، که همچون قایقی در دریا، بار سنگینی را تحمل

می‌کند، بسیار محزون است. برهما که پسر توست، به تو دعا کرد و این چنین برای رفع مشکل ظاهر شده‌ای.

شرح

برهما، یا نخستین موجود زنده که درست بلافاصله پس از خلقت متولد گردید، پسر مستقیم نارایانا است. نارایان، یا گاریهوداکاشایی ویشنو، در ابتدا وارد دنیای مادی گردید. بدون تماس روحانی، ماده نمی‌تواند خلق شود. این اصل از همان ابتدای خلقت رعایت شده است. روح متعال وارد دنیا گردید و اولین موجود زنده، برهما، بر روی گل نیلوفرین روئیده از شکم روحانی ویشنو متولد شد. بنابراین ویشنو به عنوان پادمانابها (*Padmanābha*) شناخته می‌شود. برهما با عنوان آتما- بهو (*ātma-bhū*) شناخته می‌شود، چرا که وی مستقیماً از پدر بدون هیچ تماسی با مادر لاکشمی زاییده شد. لاکشمی‌جی در نزد نارایان حضور داشت و مشغول خدمت به خداوند بود و با این حال، بدون تماس با لاکشمی‌جی، نارایان برهما را متولد نمود. این قدرت مطلق خداوند است. فردی که به طرزی احمقانه فکر می‌کند نارایان همچون دیگر موجودات زنده است، باید از این موضوع درس بیاموزد. نارایان یک موجود زنده‌ی عادی نیست. او خود شخصیت‌اعلای خداوند است و تمام قدرت‌های حواس گوناگون را در بخش‌های مختلف بدن متعال خود داراست. یک موجود زنده‌ی عادی با تماس جنسی یک بچه را به وجود می‌آورد و هیچ ابزار دیگری جز ابزاری که برای او طراحی شده است، برای این کار در اختیار ندارد. اما نارایان که قادر مطلق است، به هیچ یک از شرایط انرژی محدود نیست. او کامل و مستقل است و هر کاری را با قدرت‌های متنوع خویش، به آسانی و کمال انجام می‌دهد. بنابراین برهما مستقیماً پسر آن پدر است و در رحم هیچ مادری قرار نگرفته است. به همین دو دلیل او آتما- بهو نامیده می‌شود. این برهما مسئول باقی خلقت در جهان است، که به صورت ثانویه قدرت قادر مطلق را منعکس می‌کند. در هاله‌ی جهان، سیاره‌ای روحانی به نام شیوتادویپ (*Śvetadvīpa*) وجود دارد که منزلگاه کشیروداکاشایی ویشنو، وجه پارامتامای خداوند متعال است. هرگاه مشکلی در جهان رخ دهد که توسط خداوندگاران اجرایی قابل حل نباشد، آنها برای یافتن راه‌حل نزد برهما می‌روند و اگر مشکل توسط برهماجی نیز حل نشود، آنگاه برهماجی با کشیروداکاشایی ویشنو مشورت و برای ظهور وی و حل مشکلات دعا می‌کند. چنین مشکلی هنگامی رخ داد که کامسا و دیگران بر کره‌ی زمین حکمرانی می‌کردند و زمین از اعمال ناپسند آسوراها بار زیادی را تحمل می‌کرد. برهماجی، به همراه دیگر خداوندگاران، در ساحل اقیانوس

کشیروداکا دعا کردند و به آنها ظهور کریشنا به صورت پسر واسودوا و دواکی وعده داده شد. بنابراین بعضی از افراد می‌گویند که خداوند به دلیل دعا‌های برهماجی ظاهر شد.

آیه ۳۵

*bhave 'smin kliśyamānānām
avidyā-kāma-karmabhiḥ
śravaṇa-smaraṇārḥāṇi
kariṣyann iti kecana*

bhave: در خلقت مادی؛ *asmin*: این؛ *kliśyamānānām*: مربوط به کسانی که رنج می‌برند از؛ *avidyā*: جهل؛ *kāma*: خواسته؛ *karmabhiḥ*: با انجام اعمال ثمربخش؛ *śravaṇa*: شنیدن؛ *smaraṇa*: به یاد آوردن؛ *arḥāṇi*: پرستش؛ *kariṣyan*: می‌تواند انجام دهد؛ *iti*: بنابراین؛ *kecana*: دیگران.

ترجمه

و در همین حال عده‌ای دیگر می‌گویند که تو ظاهر شده‌ای تا خدمت عابدانه‌ی شنیدن، به یاد آوردن و پرستش کردن و غیره را احیاء کنی تا آن ارواح مقیدی که از اضطرابات مادی رنج می‌برند، از آن منتفع شوند و به رهایی برسند.

شرح

در شریما-بهاگاواد-گیتا بیان شده است که خداوند در هر عصر تنها برای استقرار مجدد مسیر دین ظاهر می‌شود. مسیر دین توسط خداوند متعال ایجاد می‌شود. هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌گونه که امروزه توسط برخی اشخاص جاه‌طلب رایج شده است، مسیری جدید برای دین خلق کند. راه واقعی دین، پذیرش خداوند به عنوان مرجع متعال و بنابراین انجام خدمت عابدانه به وی در عشق خودجوش است. یک موجود زنده نمی‌تواند کاری غیر از خدمت انجام دهد؛ چرا که وی به صورت بنیادی و ذاتی بدین منظور خلق شده است. تنها عملکرد موجود زنده انجام خدمت به خداوند است. خداوند بزرگ است و موجودات زنده تابع او هستند. بنابراین، وظیفه‌ی موجود زنده تنها خدمت به خداوند است. متأسفانه موجودات زنده‌ی متوهم، از سر ادراک غلط، توسط

آرزوهای مادی به خادمان حواس بدل می‌شوند. این آرزو آویدیا (*avidyā*) یا نادانی (جهل) نامیده می‌شود. و به دلیل چنین آرزویی، موجود زنده برنامه‌هایی مختلف برای لذت مادی با محوریت زندگی جنسی منحرف شده را طراحی می‌کند. بدین ترتیب و با انتقال در بدن‌های مختلف در سیارات گوناگون تحت هدایت خداوند متعال، در زنجیره‌ی تولد و مرگ به دام می‌افتد. بنابراین، تا هنگامی که فرد در ورای مرزهای این غفلت قرار نگیرد، نمی‌تواند از رنج‌های سه‌گانه‌ی این زندگی مادی رهایی یابد. این قانون طبیعت است.

اما خداوند از سر لطف بی‌دلیلش و از آن جایی که بیش از آنچه که موجودات زنده‌ی در حال رنج بتوانند انتظار داشته باشند پرلطف است، در مقابل ایشان ظاهر می‌شود و اصول خدمت عابدانه شامل شنیدن، ذکر کردن، به یاد آوردن، خدمت کردن، پرستش کردن، دعا کردن، دوستی و تسلیم به وی را احیاء می‌کند. پذیرش تمام موارد بالا یا یکی از آنها، می‌تواند به روح مقید کمک کند تا از چنگ غفلت خارج و بنابراین از تمام رنج‌های مادی ایجاد شده توسط انرژی بیرونی برای موجودات زنده‌ی متوهم آزاد و رها گردد. این نوع خاص از لطف توسط خداوند در شکل خداوند چیتانیا ماهاپرابهو به موجودات زنده ارزانی شده است.

آیه ۳۶

*śṛṇvanti gāyanti gṛṇanty abhīkṣṇaśaḥ
smaranti nandanti tavehitam janāḥ
ta eva paśyanty acireṇa tāvakam
bhava-pravāhoparamam padāmbujam*

śṛṇvanti: شنیدن؛ *gāyanti*: ذکر؛ *gṛṇanti*: گرفتن؛ *abhīkṣṇaśaḥ*: مستمراً؛ *smaranti*: به یاد آوردن؛ *nandanti*: لذت بردن؛ *tava*: مربوط به تو؛ *ihitam*: فعالیت‌ها؛ *janāḥ*: عموم مردم؛ *te*: آنها؛ *eva*: قطعاً؛ *paśyanti*: می‌تواند ببیند؛ *acireṇa*: خیلی زود؛ *tāvakam*: مربوط به تو؛ *bhava-pravāha*: جریان تکرار تولد؛ *uparamam*: توقف؛ *pada-ambujam*: قدوم نیلوفرین.

ترجمه

ای کریشنا، کسانی که دائماً در مورد فعالیت‌های متعال تو می‌شوند، آنها را ذکر

و تکرار می‌کنند و یا از انجام این کار توسط دیگران لذت می‌برند، قطعاً می‌توانند قدوم نیلوفرینت را که به تنهایی می‌تواند تکرار تولد و مرگ را متوقف کند، ببینند.

شرح

خداوند متعال شری کریشنا با قدرت بینایی مقید فعلی ما قابل رؤیت نیست. برای رؤیت وی فرد باید بینایی فعلی خویش را از طریق ایجاد شرایطی متفاوت در زندگی که سرشار از عشق خودجوش خداوند باشد، تغییر دهد. هنگامی که شری کریشنا شخصاً بر روی زمین حاضر بود، همگان نمی‌توانستند وی را به عنوان شخصیت‌های اعلاّی خداوند مشاهده کنند. مادی‌گرایانی همچون راوانا، هیرانیاکاشیپو، کامسا، جاراساندها (*Jarāsandha*) و شیشوپالا (*Śiśupāla*)، در زمینه‌ی کسب تعلقات مادی شخصیت‌های ممتازی به شمار می‌رفتند؛ اما قادر به درک حضور خداوند نبودند. بنابراین، گرچه ممکن است خداوند در مقابل چشمان ما حاضر باشد، رؤیت وی تا زمانی که قدرت بینایی لازم را به دست نیاورده باشیم ممکن نیست. شایستگی ضروری تنها با بسط فرایند خدمت عبادانه حاصل می‌شود که این فرایند با شنیدن در مورد خداوند از منابع موثق آغاز می‌گردد. بهاگاواد- گیتا یکی از متون محبوبی است که معمولاً توسط عموم مردم شنیده، ذکر و تکرار می‌شود، اما علیرغم چنین فعالیت‌هایی بعضی مواقع مشاهده می‌شود که انجام‌دهنده‌ی چنین خدمت عبادانه‌ای خداوند را رو در رو نمی‌بیند. دلیل آن است که مورد اول، شنیدن، بسیار حائز اهمیت است. اگر شنیدن از منابع موثق و صحیح صورت پذیرد، بسیار سریع عمل می‌کند. مردم عموماً از اشخاص غیرمعتبر می‌شوند. چنین اشخاص غیرمعتبری ممکن است بر اساس شایستگی‌های دانشگاهی صاحب صلاحیت باشند، اما از آن جایی که آنها از اصول خدمت عبادانه پیروی نمی‌کنند، شنیدن مطالب از ایشان صرفاً اتلاف وقت است. بعضی مواقع متون به صورت دلخواه و در تناسب با اهداف سخنگو تفسیر می‌شود. بنابراین، ابتدا فرد باید یک سخنگوی شایسته و معتبر را برگزیند و سپس از وی بشنود. هنگامی که فرایند شنیدن کامل باشد، دیگر فرایندها به خودی خود کامل خواهد شد.

فعالیت‌های متعال مختلف خداوند وجود دارد و در صورتی که فرایند شنیدن کامل باشد، هر یک از آنها به تنهایی برای ارزانی داشتن نتایج مطلوب کافی است. در بهاگواتام فعالیت‌های خداوند از ارتباطات وی با پانداواها آغاز می‌شود. بازی‌های متعال دیگری از ارتباطات خداوند با آسوراها و دیگران وجود دارد. در جزء دهم، ارتباطات متعال خداوند با معاشرانش در عشق نکاحی، گوی‌ها،

همچنین روابط وی با همسرانش در دواراکا ذکر شده‌اند. اما بعضی مواقع مردم، در فرایند شنیدن غیرمعتبر، بیشتر علاقمند شنیدن در مورد روابط وی با گویی‌ها می‌شوند. چنین تمایلی بیانگر احساسات شهوت‌آلود شنونده است، بنابراین یک سخنگوی معتبر در مورد روابط خداوند خود را درگیر چنین شنیدنی نمی‌کند. فرد باید در مورد خداوند از همان آغاز بشنود، همان‌گونه که در شریما-بهاگاواتام یا هر متن مقدس دیگری وجود دارد. و این کمک خواهد کرد که شنونده با پیشرفت تدریجی به کمال دست یابد. بنابراین، فرد نباید روابط خداوند با پانداواها را کم‌اهمیت‌تر از روابط وی با گویی‌ها در نظر بگیرد. ما همواره باید به یاد داشته باشیم که خداوند همواره و برای تمام تعلقات مادی است. در تمام روابط فوق‌الذکر خداوند، او در همه‌ی شرایط قهرمان است و شنیدن در مورد وی یا در مورد عابدان یا رقیبانش برای زندگی روحانی مساعد است. گفته شده است که وداها، پوراناها و غیره همگی برای احیای رابطه‌ی گم‌شده‌ی ما با وی ایجاد شده‌اند. شنیدن تمام این متون ضروری است.

آیه ۳۷

*apy adya nas tvam sva-kṛteḥita prabho
jihāsasi svit suhṛdo 'nujīvinaḥ
yeṣām na cānyad bhavataḥ padāmbujāt
parāyaṇam rājasu yojitāmhasām*

api: اگر؛ *adya*: امروز؛ *naḥ*: ما را؛ *tvam*: تو؛ *sva-kṛta*: خود انجام دهنده؛ *ihita*: تمام وظایف؛ *prabho*: ای خداوندم؛ *jihāsasi*: ترک کردن؛ *svit*: احتمالاً؛ *suhṛdaḥ*: دوستان صمیمی؛ *anujīvinaḥ*: زندگی به لطف؛ *yeṣām*: از کسانی که؛ *na*: نه؛ *ca*: و؛ *anyat*: هرکس دیگر؛ *bhavataḥ*: مربوط به تو؛ *pada-ambujāt*: از قدوم نیلوفرین؛ *parāyaṇam*: وابسته؛ *rājasu*: به پادشاهان؛ *yojita*: مشغول در؛ *amhasām*: نفرت و دشمنی.

ترجمه

ای خداوندم، تو تمام وظایف خود را انجام داده‌ای. آیا امروز که ما کاملاً وابسته به لطف تو هستیم و هیچ‌کس دیگری را برای حفاظت از خود نداریم؛ و در زمانی

که تمام پادشاهان دشمن ما هستند، ما را ترک می‌کنی؟

شرح

پانداواها خوشبخت‌ترین افراد هستند، چرا که با بخت بسیار مساعد، کاملاً وابسته به لطف خداوند بودند. در دنیای مادی، وابستگی به لطف فردی دیگر، بالاترین نشانه‌ی بدبختی است. اما در مورد رابطه‌ی روحانی ما با خداوند، این خوشبخت‌ترین موقعیت است که ما بتوانیم کاملاً وابسته به وی زندگی کنیم. دلیل بیماری مادی، تلاش برای استقلال در همه چیز است. اما طبیعت مادی خشن به ما اجازه نمی‌دهد که مستقل باشیم. تلاش کاذب برای استقلال از قوانین سخت طبیعت به عنوان پیشرفت مادی دانش تجربی شناخته می‌شود. کل دنیای مادی بر اساس این تلاش کاذب برای استقلال نسبت به قوانین طبیعت حرکت می‌کند. از راوانا، که می‌خواست نردبانی مستقیم تا سیارات بهستی بسازد، تا عصر حاضر، آنها تلاش می‌کنند که بر طبیعت مادی غلبه کنند. آنها در حال حاضر تلاش می‌کنند که با قدرت ماشین‌آلات الکترونیکی به سیستم‌های سیاره‌ای دوردست برسند. اما اعلی‌ترین هدف تمدن انسانی کار سخت تحت هدایت خداوند و وابستگی کامل به وی است. بالاترین دستاورد تمدن انجام کار با ارزش مادی و در عین حال وابستگی کامل به خداوند است. پانداواها انجام‌دهندگان ایده‌آل این استاندارد تمدن هستند. بدون شک آنها کاملاً وابسته به اراده‌ی خداوند شری کریشنا هستند. اما آنها هرگز انگل‌های بیکار خداوند نبودند. آنها چه به لحاظ ویژگی‌های شخصی و چه به لحاظ فعالیت‌های کالبدی بسیار شایسته بودند. با این حال آنها همواره در جستجوی لطف خداوند بودند؛ چرا که می‌دانستند موقعیت سرشتی تمام موجودات زنده، وابستگی است. بنابراین، کمال زندگی وابستگی به اراده‌ی خداوند به جای استقلال کاذب در دنیای مادی است. افرادی که به طور کاذب تلاش می‌کنند مستقل از خداوند باشند، آنانها (*anātha*) یا "بدون محافظ" نامیده می‌شوند. در حالی که افراد کاملاً وابسته به اراده‌ی خداوند، سانانها (*sanātha*) یا "آنها که فردی را برای حفاظت از خود دارند"، نامیده می‌شوند. بنابراین ما باید تلاش کنیم سانانها باشیم تا بتوانیم همواره خود را از شرایط نامطلوب موجودیت مادی حفظ نماییم. ما به واسطه‌ی قدرت توهمی طبیعت مادی بیرونی فراموش کردیم که موقعیت مادی زندگی، نامطلوب‌ترین سرگشتگی است. بنابراین بهاگاواد- گیتا (۱۹/۷) ما را هدایت می‌کند که پس از تولدهای بسار زیاد، فرد خوشبخت از این حقیقت آگاه می‌گردد که و آسودوا کل کامل همه چیز است و بهترین مسیر هدایت زندگی فردی، تسلیم کامل به وی است. این نشانه‌ی یک ماهاتما است. تمام اعضای خانواده‌ی پانداوا

ماهاتماهایی در زندگی تأهل بودند. ماهاراج یودهیشتیرا سرکرده‌ی این ماهاتماها، و ملکه کونتی مادر ایشان بود. بنابراین آموزه‌های بهاگاواد- گیتا و تمام پوراناها، به ویژه بهاگاوات پورانا، به طرز اجتناب‌ناپذیری با تاریخ پانداواهای ماهاتما مرتبط هستند. برای ایشان، جدایی از خداوند همچون جدایی ماهی از آب بود. بنابراین شریماتی کونتی دوی، چنین جدایی را همچون صاعقه حس می‌کرد و تمام دعاهای ملکه تلاشی بود برای تشویق خداوند به ماندن در میان ایشان. بعد از جنگ کوروکشترا، گرچه پادشاهان دشمن کشته شده بودند، پسران و نوه‌هایشان همچنان با پانداواها سر و کار داشتند. این تنها پانداواها نیستند که در چنین شرایط خصومت‌باری قرار گرفتند، بلکه تمام ما نیز همواره در چنین شرایطی هستیم و بهترین راه برای زندگی، وابستگی کامل به اراده خداوند، غلبه بر تمام مشکلات موجودیت مادی بدان وسیله است.

آیه ۳۸

*ke vayam nāma-rūpābhyām
yadubhiḥ saha pāṇḍavāḥ
bhavato 'darsanam yarhi
hr̥ṣīkāṇām iveśituḥ*

ke: کسانی هستند؛ *vayam*: ما؛ *nāma-rūpābhyām*: بدون شهرت و توانایی؛
yadubhiḥ: با یادوها؛ *saha*: به همراه؛ *pāṇḍavāḥ* و پانداواها؛ *bhavataḥ*: مربوط به تو؛
adarsanam: غیبت؛ *yarhi*: گویی؛ *hr̥ṣīkāṇām*: مربوط به حواس؛ *iva*: مانند؛ *īśituḥ*:
مربوط به موجود زنده.

ترجمه

همان‌طور که نام و شهرت یک بدن خاص با غیبت روح موجود زنده پایان می‌یابد، مشابهاً اگر تو به ما نظر نداشته باشی، تمام شهرت و فعالیت‌های ما، همراه با پانداواها و یادوها، فوراً به پایان خواهد رسید.

شرح

کونتی دوی کاملاً آگاه بود که موجودیت پانداواها تنها به دلیل شری کریشنا است. پانداواها

بدون شک دارای نام و شهرتی معتبر هستند و توسط پادشاه بزرگ یودهیشتیبرا که اخلاقیات شخصیت یافته است، هدایت می‌شوند و یادوها نیز بی‌شک هم‌پیمانان بزرگی هستند؛ اما بدون هدایت خداوند کریشنا، تمام آنها عدم و غیرموجود می‌شوند؛ درست به همان ترتیبی که حواس بدن بدون هدایت آگاهی، بی‌فایده می‌شوند. هیچ‌کس نباید از اعتبار، قدرت و شهرت خود بدون هدایت توسط لطف خداوند متعال، مغرور باشد. موجودات زنده همواره وابسته هستند و هدف نهایی این وابستگی، خود خداوند است. بنابراین ما ممکن است با پیشرفت دانش مادی خود تمام انواع منابع مادی خنثی‌کننده را ابداع کنیم، اما بدون هدایت خداوند تمام این ابداعات هر چقدر هم که این عناصر مقابله قوی و محکم باشند، به شکستی مفتضحانه منجر خواهد شد.

آیه ۳۹

*neyam śobhiṣyate tatra
yathedānīm gadādhara
tvat-padair ankitā bhāti
sva-lakṣaṇa-vilakṣitaiḥ*

na: نه؛ *iyam*: این سرزمین پادشاهی‌مان؛ *śobhiṣyate*: زیبا به نظر خواهد رسید؛ *tatra*: آنگاه؛ *yathā*: آن گونه که در حال حاضر هست؛ *idānīm*: چگونه؛ *gadādhara*: ای کریشنا؛ *tvat*: مربوط به تو؛ *padaiḥ*: با قدم؛ *ankitā*: نشانه‌گذاری شد؛ *bhāti*: گنج‌کننده است؛ *sva-lakṣaṇa*: نشان‌های خودت؛ *vilakṣitaiḥ*: توسط تأثیرات.

ترجمه

ای گادادهارا (Gadādhara) [کریشنا]، پادشاهی ما در حال حاضر با رد قدم نیلوفرینت نشانه‌گذاری شده است و بنابراین زیبا به نظر می‌رسد. اما هنگامی که تو این جا را ترک کنی، دیگر این گونه نخواهد بود.

شرح

نشانه‌های خاص متعددی بر قدم نیلوفرین خداوند وجود دارند که وی را از دیگران متمایز می‌سازند. در کف پای نیلوفرین خداوند نشان یک پرچم، صاعقه، و ابزاری برای هدایت یک

فیل، چتر، گل نیلوفر، حلقه و غیره وجود دارد. این نشانه‌ها بر غبارهای نرم زمین‌هایی که خداوند از آن گذر می‌کرد نقش می‌بستند. بدین ترتیب، سرزمین هاستیناپور (*Hastināpura*)، هنگامی که خداوند شری کریشنا، به همراه پانداواها در آن‌جا بود نقوشی را در خود داشت و این چنین، پادشاهی پانداواها با چنین نشانه‌های خجسته‌ای شکوفا و آباد می‌گردید. کونتی دوی به این ویژگی‌های خاص اشاره می‌کند و از بروز بدشانسی در غیبت خداوند می‌ترسد.

آیه ۴۰

*ime jana-padāḥ svṛddhāḥ
supakvauṣadhi-vīrudhaḥ
vanādri-nady-udanvanto
hy edhante tava vīkṣitaiḥ*

ime: تمام اینها؛ *jana-padāḥ*: شهرهای بزرگ و کوچک؛ *svṛddhāḥ*: آباد می‌گردید؛ *supakva*: طبیعت؛ *auṣadhi*: بوته‌ها؛ *vīrudhaḥ*: گیاهان؛ *vana*: جنگل‌ها؛ *adri*: تپه‌ها؛ *nadi*: رودخانه‌ها؛ *udanvantaḥ*: دریاها؛ *hi*: قطعاً؛ *edhante*: فزاینده؛ *tava*: توسط تو؛ *vīkṣitaiḥ*: دیده شده.

ترجمه

تمام این شهرهای بزرگ و کوچک از هر جهت در حال شکوفایی و آبادانی روزافزون‌اند، زیرا گیاهان و غلات به وفور وجود دارند، درختان پر از میوه، رودخانه‌ها خروشان و پرآب، تپه‌ها و کوه‌ها پر از مواد معدنی و اقیانوس‌ها سرشار از ثروت هستند؛ و تمامی اینها بدان دلیل است که تو بر آنها نظر می‌افکنی.

شرح

شکوفایی و موفقیت انسان از هدایای طبیعت و نه از شرکت‌های عظیم‌الجثه‌ی صنعتی تغذیه می‌شود. شرکت‌های عظیم‌الجثه‌ی صنعتی محصول تمدن بی‌خدا هستند و سبب نابودی اهداف متعالی زندگی انسانی می‌شوند. هر چه بیشتر چنین صنایع مشکل‌زایی را برای استخراج انرژی

حیاتی بشر افزایش می‌دهیم، ناآرامی و ناراضایتی عمومی بیشتری نزد مردم به وجود می‌آید؛ اگرچه تنها تعداد اندکی می‌توانند با استثمار دیگران با اسراف زیاد زندگی کنند. هدایای طبیعی همچون غلات و گیاهان، میوه‌ها، رودخانه‌ها، کوه‌های پر از جواهرات و مواد معدنی و دریاها را از صدف همگی به دستور خداوند متعال تأمین می‌شوند و آن‌گونه که وی می‌خواهد، طبیعت مادی آنها را به وفور تولید، و یا در مواقعی نایاب می‌کند. قانون طبیعی این است که انسان‌ها می‌توانند به صورت طبیعی از این هدایای الهی بهره‌مند شوند و با رضایت‌مندی کامل و بدون آنکه شیفته‌ی آرزوی استثمارگرایانه‌ی خدایی بر طبیعت مادی گردند، از آنها استفاده کنند. ما هر چه بیشتر تلاش می‌کنیم که طبیعت مادی را بر اساس آرزوهای خود به کار گیریم، بیشتر در بند واکنش‌های چنین تلاش‌های نامناسبی گرفتار می‌شویم. اگر ما غلات، میوه‌ها، سبزیجات و گیاهان کافی داشته باشیم، آنگاه لزوم فعالیت کشتارگاه‌ها و کشتن حیوانات بی‌گناه چیست؟ اگر انسانی غلات و سبزیجات کافی برای خوردن داشته باشد، نیازی به کشتار حیوانات نخواهد داشت. جریان آب رودخانه‌ها سبب حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی می‌شود و آنگاه بیش از آنچه که نیازمندیم به عمل خواهد آمد. مواد معدنی در کوه‌ها و جواهرات در اقیانوس تولید می‌شوند. اگر تمدن انسانی دارای غلات، مواد معدنی، جواهرات، آب، شیر و سایر موارد به اندازه کافی باشد، آنگاه چرا باید به دنبال شرکت‌های صنعتی وحشتناک به قیمت کار بعضی انسان‌های بدبخت باشد؟ اما تمام این هدایای طبیعی وابسته به لطف خداوند هستند. بنابراین، آنچه نیاز داریم زندگی انسانی با خدمت عبادانه است. اشارات کونتی دوی کاملاً صحیح هستند. او آرزو می‌کند که لطف خداوند نسبت به ایشان ارزانی گردد، به نحوی که شکوفایی طبیعی به واسطه‌ی این لطف حفظ شود.

آیه ۴۱

*atha viśveśa viśvātman
viśva-mūrte svakeṣu me
sneha-pāśam imaṁ chindhi
dṛdham pāṇḍuṣu vṛṣṇiṣu*

atha: بنابراین؛ *viśva-īśa*: ای خداوند جهان؛ *viśva-ātman*: ای روح جهان؛ *viśva-*
mūrte: ای شخصیت شکل جهانی؛ *svakeṣu*: نسبت به خانواده‌ی من؛ *me*: مال من؛

sneha-pāśam: بند محبت؛ *imam*: این؛ *chindhi*: قطع کردن؛ *ḍṛdham*: عمیق؛
pāṇḍuṣu: برای پانداواها؛ *vṛṣṇiṣu*: برای وریشنی‌ها نیز.

ترجمه

بنابراین ای خداوند جهان، ای روح جهان، ای شخصیت شکل جهان، خواهش می‌کنم بندهای محبت من نسبت به خویشان، پانداواها و وریشنی‌ها را قطع نما.

شرح

یک عابد پاک خداوند از درخواست چیزی از خداوند برای رضایت خود شرمند می‌شود. اما افراد متأهل بعضی مواقع مجبور به درخواست لطف و مرحمتی از خداوند می‌شوند، چرا که با بندهای محبت خانوادگی بسته شده‌اند. شریماتی کونتی دوی از این حقیقت آگاه بود و بنابراین به خداوند دعا نمود تا بندهای محبت وی نسبت به خویشان، پانداواها و وریشنی‌ها را قطع نماید. پانداواها پسران خودش و وریشنی‌ها اعضای خانواده‌ی مادری وی بودند. کریشنا به طور یکسان با هر دو خانواده مرتبط بود. هر دو خانواده نیازمند کمک خداوند بودند زیرا هر دو عابدان وابسته به خداوند به شمار می‌آمدند. شریماتی کونتی دوی از شری کریشنا خواست تا پیش پسرانش، پانداواها بماند، اما با این عمل خانه‌ی مادری کونتی محروم از این مزیت می‌شد. تمام این طرفداری‌ها ذهن کونتی را دچار مشکل می‌کرد و بنابراین وی آرزو داشت که این بندهای محبت قطع شود.

یک عابد پاک بندهای محدود محبت نسبت به خانواده‌اش را قطع می‌کند و فعالیت‌هایش در خدمت عابدانه را نسبت به همه‌ی ارواح فراموش شده گسترش می‌دهد. مثال مناسب در این زمینه، گروه شش گوسوامی است که از مسیر خداوند چیتانیا پیروی می‌کردند. تمام ایشان متعلق به روشنفکرترین و ثروتمندترین خانواده‌های طبقات بالای اجتماع بودند، اما برای بهره‌مندی عموم جامعه خانه‌های راحت خویش را ترک کردند و درویش شدند. قطع تمام محبت‌های خانوادگی به معنای گسترش حوزه‌ی فعالیت‌هاست. بدون این کار، فرد نمی‌تواند به عنوان یک برهمنای، یک پادشاه، یک رهبر ملی یا یک عابد خداوند برگزیده شود. شخصیت اعلای خداوند، به عنوان یک پادشاه ایده‌آل، این را در عمل نشان داد. شری راماجاندرا بندهای محبت خویش به همسر محبوبش را قطع نمود تا ویژگی‌های یک پادشاه ایده‌آل را نشان دهد.

چنین شخصیت‌هایی به عنوان یک برهمنای، یک عابد، یک پادشاه یا یک رهبر ملی باید در انجام

وظایف خویش با ذهنی بسیار باز عمل کنند. شریماتی کونتی دوی از این حقیقت آگاه بود و با دانستن ضعف خویش دعا می‌کرد تا از چنین بندهای محبت خانوادگی آزاد شود. خداوند در این‌جا به عنوان خداوند جهان، یا خداوند ذهن جهانی خطاب می‌شود که بیانگر توانایی مطلق وی در قطع گره‌های بسیار سخت محبت خانوادگی است. بنابراین، بعضی مواقع چنین تجربه می‌شود که خداوند، از سر محبت خاص خویش به یک عابد ضعیف، و با جبر شرایط ترتیب داده شده توسط انرژی کامل خود، رشته‌ی محبت خانوادگی عابد را می‌گسلد. با انجام این کار او باعث می‌شود عابد کاملاً به وی وابسته شود و بنابراین مسیر بازگشت وی به سمت خداوند هموار گردد.

آیه ۴۲

*tvayi me 'nanya-viṣayā
matir madhu-pate 'sakarṭ
ratim udvahatād addhā
gaṅgevaugham udanvati*

tvayi: به تو؛ *me*: مرا؛ *ananya- viṣayā*: پاک؛ *matih*: توجه؛ *madhu-pate*: ای خداوند مادهو؛ *asakarṭ*: مستمراً؛ *ratim*: جذب؛ *udvahatāt*: باشد که لبریز شود؛ *addhā*: مستقیماً؛ *gaṅgā*: گنگ؛ *iva*: مانند؛ *ogham*: جریان یابد؛ *udanvati*: به سمت دریا.

ترجمه

ای خداوندِ مادهو (Madhu)، همان‌گونه که رود گنگ همواره بدون هیچ مانعی به سمت دریا جریان دارد، تنها می‌کنم اجازه بده توجه من بدون انحراف به سمت فرد دیگر، به تو جلب گردد.

شرح

کمال خدمت عابدانه‌ی پاک زمانی حاصل می‌شود که تمام توجه فرد به سمت خدمت عابدانه و عاشقانه‌ی خداوند منعطف شود. قطع بند محبت‌های دیگر به معنای تکذیب کامل عناصر لطیف‌تر، مانند محبت نسبت به دیگر اشخاص نیست. این غیرممکن است. یک موجود زنده، هر

کس که باشد، باید دارای احساس محبت نسبت به دیگران باشد، چرا که این نشانه‌ی حیات است. نشانه‌های حیات، همچون آرزو، خشم، اشتیاق، احساس جذب و غیره نمی‌توانند از بین بروند. تنها هدف باید تغییر کند. آرزو نمی‌تواند خنثی شود، اما در خدمت عابدانه آرزو می‌تواند به آرزو برای خدمت به خداوند به جای آرزو برای ارضای حواس تغییر کند. به اصطلاح محبت به خانواده، اجتماع، کشور و غیره شامل مراحل مختلف ارضای حواس است. هنگامی که این آرزو به آرزو برای رضایت خداوند تغییر یابد، خدمت عابدانه نامیده می‌شود.

در بهاگاود-گیتا می‌توانیم ببینیم که آرجونا، تنها برای ارضای آرزوهای شخصی‌اش تمایل داشت که با برادران و اقوامش نجنگد. اما هنگامی که پیغام خداوند، شریما د بهاگاود-گیتا، را شنید، تصمیمش را تغییر داد و به خداوند خدمت نمود و با چنین کاری، عابد مشهور خداوند شد؛ چرا که در تمام کتب مقدس اعلام شده است که آرجونا با انجام خدمت عابدانه به خداوند در حالت دوستی به کمال روحانی دست یافت. در آن واقعه، جنگ و دوستی، و آرجونا و کریشنا همگی همچنان حضور داشتند؛ اما آرجونا با انجام خدمت عابدانه به فردی دیگر تبدیل شد. بنابراین، دعا‌های کونتی نیز بیان‌گر همین نوع تغییرات در فعالیت‌های انسان است. شریماتی کونتی می‌خواست بدون انحراف به خداوند خدمت کند و این دعای وی بود. این خدمت عابدانه‌ی پاک، هدف نهایی زندگی است.

توجه ما معمولاً منحرف به خدمت به چیزی می‌شود که غیرخدایی است یا در برنامه‌ی خداوند قرار ندارد. هنگامی که این برنامه به خدمت خداوند تغییر کند، یا به دیگر سخن، زمانی که حواس در ارتباط با خدمت خداوند پاک شوند، خدمت عابدانه‌ی پاک نامیده می‌شود. شریماتی کونتی دوی خواستار آن کمال بود و این را از خداوند می‌خواست.

محبت کونتی دوی نسبت به پانداواها و وریشنی‌ها خارج از طیف خدمت عابدانه نبود؛ چرا که خدمت به خداوند و خدمت به عابدانش یکسان است. بعضی مواقع خدمت به عابد ارزشمندتر از خدمت به خداوند است. اما در این‌جا محبت کونتی دوی برای پانداواها و وریشنی‌ها به دلیل روابط خانوادگی بود. این بند محبت به صورت روابط مادی، رابطه با مایا است؛ چرا که روابط بدنی یا ذهنی به دلیل تأثیرات انرژی بیرونی صورت می‌گیرند. روابط روحی، که در رابطه با روح متعال بنا نهاده می‌شوند، روابط واقعی هستند. هنگامی که کونتی دوی خواستار قطع روابط خانوادگی شد، منظور وی قطع روابط پوستی بود. رابطه‌ی پوستی باعث ایجاد قیود مادی می‌گردد، اما رابطه‌ی روحی باعث آزادی است. این رابطه میان روحی با روح دیگر می‌تواند از طریق واسطه‌ی رابطه با روح متعال برقرار شود. دیدن در تاریکی دیدن نیست. اما دیدن در نور

خورشید به معنای دیدن خورشید و هر چیزی است که در تاریکی دیده نمی‌شود. این روش خدمت عبادانه است.

آیه ۴۳

*śrī-kṛṣṇa kṛṣṇa-sakha vṛṣṇi-ṛṣabhāvani-dhru-
rājanya-vamśa-dahanānapavarga-vīrya
govinda go-dvija-surārti-harāvatāra
yogeśvarākhila-guro bhagavan namas te*

śrī-kṛṣṇa: ای شری کریشنا؛ *kṛṣṇa-sakha*: ای دوست آرجونا؛ *vṛṣṇi*: از نوادگان وریشنی؛ *ṛṣabha*: ای پیشرو؛ *avani*: زمین؛ *dhruk*: شورشگر؛ *rājanya-vamśa*: سلسله‌های پادشاهان؛ *dahana*: ای از میان برنده؛ *anapavarga*: بدون انحراف از؛ *vīrya*: دلآوری؛ *govinda*: ای مالک گولوکادها؛ *go*: مربوط گاوها؛ *dvija*: برهماناها؛ *sura*: خداوندگاران؛ *arti-hara*: رهایی از رنج؛ *avatāra*: ای خداوندی که هبوط می‌کند؛ *yoga-īśvara*: ای ارباب تمام قدرت‌های یوگایی؛ *akhila*: جهانی؛ *guro*: ای حافظ؛ *bhagavan*: ای دارای تمام توانگری‌ها؛ *namaḥ te*: احترامات من تقدیم به تو.

ترجمه

ای کریشنا، ای دوست آرجونا، پیشرو در میان نوادگان وریشنی، تو از میان برنده‌ی تمام گروه‌های سیاسی هستی که عناصر مزاحم روی زمین به شمار می‌آیند. قدرت تو هرگز زوال نمی‌یابد. تو مالک سکونتگاه متعال هستی و ظهور می‌کنی تا رنج‌های گاوها، برهماناها و عابدان را از بین ببری. تو صاحب تمام قدرت‌هایی یوگایی، و معلم کل جهان هستی. تو خداوند قادر هستی و من احتراماتم را به تو تقدیم می‌کنم.

شرح

خلاصه‌ای از [ویژگی‌های] خداوند شری کریشنای متعال در این‌جا توسط شریماتی کونتی دوی ارائه می‌شود. خداوند قادر مطلق دارای سکونتگاه ابدی خویش است؛ جایی که در آن، وی

مشغول نگهداری از گاوهای سوراپی است. صدها و هزاران الهه بخت به او خدمت می‌کنند. او بر این کره‌ی خاکی هیبوط می‌کند تا عبادانش را محافظت کند و عناصر مزاحم را از میان گروه‌های سیاسی و پادشاهان -که وظیفه‌ی اصلی آنها انجام امور حکومتی است- نابود کند. او با قدرت‌های نامحدود خویش خلق می‌کند، نگهداری می‌نماید و از بین می‌برد و با این حال او همواره با قدرت کامل باقی می‌ماند و انرژی وی زوال نمی‌یابد. گاوها، برهماناها و عابدان خداوند همگی اهداف توجه ویژه‌ی وی هستند؛ چرا که آنها عواملی بسیار مهم برای رفاه و خیر عموم تمام موجودات زنده به حساب می‌آیند.

آیه ۴۴

sūta uvāca
prthayetthaṁ kala-padaiah
pariṇūtākhillodayaḥ
mandam jahāsa vaikuṇṭho
mohayann iva māyayā

sūtaḥ uvāca: سوتا گفت؛ *prthayā*: توسط پریتها (کونتی)؛ *ittham*: این؛ *kala-*
padaiḥ: با کلماتی برگزیده؛ *pariṇūta*: پرستش می‌شود؛ *akhila*: جهانی؛ *udayaḥ*:
 افتخارات؛ *mandam*: به آرامی؛ *jahāsa*: خندید؛ *vaikuṇṭhaḥ*: خداوند؛ *mohayan*:
 مسحور کننده؛ *iva*: مانند؛ *māyayā*: قدرت ماورایی.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: خداوند، با شنیدن دعا‌های کونتی دوی، که کلماتی بسیار زیبا را برای تجلیل از وی برگزیده بود، به آرامی لبخند زد. آن تبسم همچون قدرت ماورایی وی مسحورکننده بود.

شرح

گفته شده است که هر چیز مسحورکننده در این دنیا، نماینده و تجلی خداوند است. ارواح مقید،

که مشغول تلاش برای خدایی بر جهان مادی هستند نیز مسحور قدرت‌های ماورایی خداوند می‌شوند. اما عابدان خداوند به طریقی متفاوت مسحور شکوه خداوند و برکات رحمت‌آمیز وی می‌گردند. انرژی وی به طرّقی مختلف نشان داده می‌شود؛ به همان ترتیبی که انرژی الکتریسته با ظرفیت‌های گوناگونی کار می‌کند. دعا‌های شریماتی کونتی دوی به خداوند تنها ذره‌ای از شکوه وی را بیان می‌دارد. تمام عابدان خداوند به همان طریق و با کلماتی برگزیده خداوند را پرستش می‌کنند و بنابراین خداوند به عنوان اوتاماشلوکا (*Uttamasloka*) شناخته می‌شود. هیچ مقدار از کلمات برگزیده برای برشمردن شکوه خداوند کافی نیست و با این حال خداوند از چنین دعا‌هایی راضی می‌گردد، همان‌طور که پدر حتی از شنیدن کلمات شکسته و نامفهوم کودک نوپای خود راضی می‌شود. واژه‌ی مایا به دو معنای "حس توهم" و "لطف" به کار گرفته می‌شود. در این‌جا، واژه‌ی مایا در ارتباط با لطف خداوند نسبت به کونتی دوی به کار گرفته شده است.

آیه ۴۵

*tām bādham ity upāmantrya
praviśya gajasāhvayam
striyaś ca sva-puram yāsyam
premṇā rājñā nivāritaḥ*

tām: تمام آنها؛ *bādham*: پذیرفته شده؛ *iti*: بنابراین؛ *upāmantrya*: بعداً مطلع نمود؛ *praviśya*: در حال ورود؛ *gajasāhvayam*: مکان هاستیناپور؛ *striyaḥ ca*: دیگر بانوان؛ *sva-puram*: سکونت خود؛ *yāsyam*: در حالی که قصد رفتن به جایی را داشت؛ *premṇā*: با عشق؛ *rājñā*: توسط پادشاه؛ *nivāritaḥ*: متوقف شد.

ترجمه

بدین ترتیب با پذیرش دعا‌های شریماتی کونتی دوی، خداوند با ورود به قصر هاستیناپور دیگر بانوان را نیز از عزیمت خویش مطلع ساخت. اما به هنگام آماده شدن برای ترک آن‌جا، توسط پادشاه یودهیشتیرا، که با لحنی عاشقانه به خداوند التماس می‌کرد، از رفتن باز داشته شد.

شرح

زمانی که خداوند کریشنا تصمیم به حرکت به سوی دواراکا گرفت، هیچ کس نمی‌توانست وی را مجبور به ماندن در هاستیناپور کند، اما درخواست ساده‌ی پادشاه یودهیشتیرا مبنی بر اینکه خداوند چند روز دیگر در آن‌جا بماند، ناگهان مؤثر واقع شد. این امر بیان‌گر آن است که قدرت پادشاه یودهیشتیرا محبت عاشقانه‌ای بود که خداوند نمی‌توانست آن را رد کند. بدین ترتیب، خداوند قادر، تنها با خدمت عاشقانه و نه هیچ چیز دیگر مغلوب می‌شود. او در تمام روابط خویش کاملاً مستقل است اما به طور داوطلبانه الزامات ایجاد شده توسط محبت عاشقانه‌ی عابدان پاک خود را می‌پذیرد.

آیه ۴۶

*vyāsādyair īsvarehājñaiḥ
kṛṣṇenādbhuta-karmaṇā
prabodhito 'pītiḥāsair
nābudhyata śucārpiṭaḥ*

vyāsa-ādyaiḥ: توسط حکیمان بزرگ به سرکردگی ویاسا؛ *īśvara*: خداوند قادر متعال؛ *īhā*: با اراده‌ی؛ *jñaiḥ*: توسط حکیمان؛ *kṛṣṇena*: توسط خود کریشنا؛ *adbhuta-karmaṇā*: توسط کسی که تمام کارهای ابر انسانی را انجام می‌دهد؛ *prabodhitaḥ*: تسلی داده شده؛ *api*: گرچه؛ *itihāsaiḥ*: با مستندات تاریخی؛ *na*: نه؛ *abudhyata*: راضی شد؛ *śucā*: *arpiṭaḥ*: رنجور.

ترجمه

پادشاه یودهیشتیرا که بسیار غمگین بود، علی‌رغم آموزش‌های حکیمان بزرگ به سرکردگی ویاسا و خداوند کریشنا، انجام‌دهنده‌ی اعمال ابر انسانی، و علی‌رغم تمام شواهد تاریخی، نمی‌توانست قانع شود.

شرح

پادشاه یودهیشتیرای پرهیزگار به دلیل کشتار عمومی انسان‌ها در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا، به

خصوص از سوی خودش، به شدت غمگین بود. دوریودهان بر تخت نشسته بود و تمام وظایف حکومتی خود را به خوبی انجام می‌داد و به نوعی نیازی به جنگ نبود. اما بر اساس اصل عدالت، یودهشتیرا باید جانشین وی می‌گردید. تمام جرگه‌ی سیاستمداران نگران این موضوع بودند و بنابراین تمامی پادشاهان و ساکنان کل جهان درگیر این نبرد میان برادران رقیب شدند. خداوند کریشنا نیز در جبهه پادشاه یودهشتیرا حضور داشت. در ماه‌بهاراتا، آدی-پاروا (۲۰) گفته شده است که ۶۴۰ میلیون نفر در طول هجده روز نبرد کوروکشترا کشته، و چندصد هزار نفر مفقودالثر شدند. در واقع این بزرگ‌ترین نبرد تاریخ جهان در طول پنج هزار سال گذشته است. این قتل عام عمومی تنها برای به تخت نشاندن ماهاراج یودهشتیرا، به شدت آزاردهنده بود، بنابراین وی تلاش می‌کرد با مستندات تاریخی و با گفته‌های حکیمان بزرگی همچون ویاسا و خود خداوند، خود را قانع کند که دلیل اصلی این جنگ تنها عدالت است. اما ماهاراج یودهشتیرا گرچه تحت آموزش‌های بزرگ‌ترین شخصیت‌های زمانه‌ی خویش قرار گرفته بود، راضی نشده بود. در این‌جا کریشنا به عنوان انجام‌دهنده‌ی اعمال ابر انسانی شناخته می‌شود، اما در این مورد خاص نه وی و نه ویاسا نتوانستند پادشاه یودهشتیرا را متقاعد کنند. آیا این بدان معنی است که وی از موقعیت عمل‌کننده‌ی ابر انسانی خود سقوط کرد؟ نه، قطعاً نه. تفسیر این است که خداوند به عنوان ایشوارا، یا روح متعال در قلب‌های پادشاه یودهشتیرا و ویاسا، همچنان اعمال ابر انسانی بیشتری انجام می‌دهد؛ چرا که خداوند چنین اراده نموده است. به عنوان روح متعال در پادشاه یودهشتیرا، او به پادشاه اجازه نداد که از سخنان ویاسا و دیگران از جمله خودش قانع شود؛ چرا که کریشنا می‌خواست پادشاه این آموزش‌ها را از بهیشمادو در حال مرگ، که یکی دیگر از عابدان بزرگ خداوند بود، بشنود. خداوند می‌خواست سلحشور بزرگ بهیشمادو در آخرین مرحله‌ی موجودیت مادی خود شخصاً کریشنا و نوادگان محبوبش، و پادشاه یودهشتیرا را که اکنون بر تخت نشسته بود ملاقات کند و بدین‌ترتیب بسیار آرام درگذرد. بهیشمادو در مجموع از جنگیدن در مقابل پانداواها، که نوادگان بدون پدر و محبوب وی بودند، راضی نبود. اما کشاتریاها افرادی بسیار سختگیر هستند و بنابراین وی متعهد بود که در جبهه‌ی دوریودهان باشد؛ چرا که وی به هزینه‌ی دوریودهان زندگی می‌کرد. علاوه بر این، خداوند همچنین می‌خواست که پادشاه یودهشتیرا با سخنان بهیشمادو آرام شود؛ به نحوی که جهان درک کند که بهیشمادو در دانش بر همه، حتی بر خود خداوند برتری دارد.

*āha rājā dharma-sutaś
cintayan suhṛdām vadham
prākṛtenātmanā viprāḥ
sneha-moha-vaśam gataḥ*

āha: گفت؛ *rājā*: پادشاه یودهیشتیرا؛ *dharma-sutaḥ*: پسر دهارما (یا مارج)؛ *cintayan*: فکر کردن به؛ *suhṛdām*: مربوط به دوستان؛ *vadham*: کشتن؛ *prākṛtena*: تنها با ادراک مادی؛ *ātmanā*: توسط خود؛ *viprāḥ*: ای برهمنان؛ *sneha*: محبت؛ *moha*: توهم؛ *vaśam*: حمل شده توسط؛ *gataḥ*: رفته است.

ترجمه

پادشاه یودهیشتیرا، پسر دهارما، در اندیشه‌ی مرگ دوستان، همچون یک انسان عادی مادی‌گرا غمگین بود. ای حکیمان، وی که این چنین به دلیل احساسات خویش فریب خورده بود، سخن را آغاز نمود.

شرح

گرچه انتظار نمی‌رفت پادشاه یودهیشتیرا همچون یک انسان عادی دچار غم و اندوه شود، با اراده‌ی خداوند (درست به همان ترتیبی که آرجونا نیز فریب داده شده بود)، فریب احساسات دنیوی خود را خورد. فردی که قادر به رؤیت واقعیت باشد، به خوبی می‌داند که موجود نه بدن و نه ذهن، بلکه ورای ادراک مادی از حیات است. انسان عادی به خشونت و عدم خشونت در ارتباط با بدن می‌اندیشد، اما این نوعی فریب است. هر کسی بر اساس وظایف اشتغالی خویش موظف به انجام اعمالی است. یک کشاتریا موظف به جنگیدن بنا به دلیل صحیح، بدون توجه به گروه مخالف است. در چنین انجام وظیفه‌ای، فرد نباید با از بین رفتن بدن مادی دچار اضطراب گردد؛ چرا که این بدن تنها لباس بیرونی روح است. تمام این موارد کاملاً برای ماهاراج یودهیشتیرا آشنا و شناخته شده بود، اما با اراده‌ی خداوند وی تبدیل به انسانی عادی شد؛ چرا که ایده‌ی بزرگ دیگری ورای این توهم و فریب وجود داشت. پادشاه تحت آموزش‌های بهیشتما قرار می‌گرفت؛ همان‌طور که آرجونا تحت آموزش‌های خود خداوند قرار گرفت.

آیه ۴۸

aho me paśyātājñānam
 hṛdi rūḍham durātmanaḥ
 pāraḥasyaiva dehasya
 bahvya me 'kṣauhiṇīr hatāḥ

aho: ای؛ me: مال من؛ paśyata: فقط ببین؛ ajñānam: جهل؛ hṛdi: در قلب؛ rūḍham: واقع در؛ durātmanaḥ: از گناهکاران؛ pāraḥasya: برای دیگران؛ eva: قطعاً؛ dehasya: مربوط به بدن؛ bahvyaḥ: بسیار، بسیار؛ me: توسط من؛ akṣauhiṇīḥ: ترکیب گروه نظامیان؛ hatāḥ: کشت.

ترجمه

ماهاراج یودهیشتیرا گفت: ای سرنوشت من! من گناهکارترین افراد هستم! تنها قلب مرا ببین که سرشار از جهل است! این بدن که در نهایت برای دیگران است، نظامیان بسیار زیادی را کشته است.

شرح

یک ترکیب نظامی از ۲۱۸۷۰ ارابه، ۲۱۸۷۰ فیل، ۱۰۹۵۶۰ پیاده نظام، ۶۵۵۰۰ سواره نظام، آکشوهینی (akṣauhiṇī) نامیده می‌شود. و تعداد بسیار زیادی از آکشوهینی‌ها در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا کشته شدند. ماهاراج یودهیشتیرا، به عنوان پرهیزگارترین پادشاه جهان، مسئولیت کشتن این تعداد بسیار زیاد از موجودات زنده را می‌پذیرد، چرا که دلیل این جنگ نشانیدن وی بر تخت سلطنت بوده است. در مجموع، این بدن هدف و منظوری برای دیگران است. تا زمان وجود زندگی در بدن، منظور آن خدمت به دیگران است و هنگامی که بدن مرده باشد، توسط سگ‌ها و شغال‌ها یا کرم‌ها خورده می‌شود. وی متأسف است که برای این بدن موقتی، چنین قتل عام بزرگی رخ داده است.

آیه ۴۹

bāla-dviḥja-suhṛn-mitra-

*pitṛ-bhrātṛ-guru-druhaḥ
na me syān nirayān mokṣo
hy api varṣāyutāyutaiḥ*

bāla: پسران؛ *dvi-ja*: دوبار زاده شده؛ *suhṛt*: خیرخواهان؛ *mitra*: دوستان؛ *pitṛ*: والدین؛ *bhrātṛ*: برادران؛ *guru*: معلمان؛ *druhaḥ*: فردی که کشته است؛ *na*: هرگز؛ *me*: متعلق به من؛ *syāt*: وجود خواهد داشت؛ *nirayāt*: از جهنم؛ *mokṣaḥ*: رهایی؛ *hi*: قطعاً؛ *api*: گرچه؛ *varṣa*: سالها؛ *ayuta*: میلیونها؛ *āyutaiḥ*: اضافه شد.

ترجمه

من پسران، برهمنانها، خیرخواهان، دوستان، والدین، معلمان و برادران بسیاری را کشته‌ام. اگر میلیون‌ها سال زندگی کنم، نمی‌توانم از شر جهنمی که به خاطر انجام این همه گناه منتظر من است، رهایی یابم.

شرح

هر زمان که جنگی رخ دهد، قطعاً کشتار تعداد زیادی موجودات زنده‌ی معصوم مانند پسران، برهمنانها و زنان اتفاق می‌افتد که قتل ایشان به منزله‌ی بزرگ‌ترین گناهان به شمار می‌آید. تمام آنها موجودات معصوم و بی‌گناهی هستند و قتل آنها تحت هر شرایطی در متون مقدس ممنوع است. ماهاراج یودهیشتیرا از این کشتار عمومی آگاه بود. مشابهاً دوستان، والدین و معلمانی در هر دو جبهه حضور داشتند و تمام ایشان کشته شدند. حتی فکر چنین کشتاری نیز برای وی وحشتناک بود و بنابراین وی به سکونت در جهنم به مدت میلیون‌ها و میلیاردها سال می‌اندیشید.

آیه ۵۰

*naino rājñāḥ prajā-bhartur
dharma-yuddhe vadho diviṣām
iti me na tu bodhāya
kalṣate śāsanam vacaḥ*

na: هرگز؛ enaḥ: گناهان؛ rājñāḥ: مربوط به پادشاه؛ prajā-bhartuḥ: مربوط به کسی که مشغول محافظت از شهروندان است؛ dharma: به دلیلی صحیح؛ yuddhe: در جنگ؛ vadhaḥ: کشتن؛ dviṣām: مربوط به دشمنان؛ iti: تمام اینها؛ me: برای من؛ na: هرگز؛ tu: اما؛ bodhaya: برای رضایت؛ kalpate: آنها برای رهبران منظور شده‌اند؛ sāsanam: قواعد؛ vacaḥ: کلمات.

ترجمه

هیچ گناهی متوجه پادشاهی که مشغول محافظت از رعیت خود می‌باشد و به دلیلی صحیح عده‌ای را می‌کشد، نیست. اما چنین حکمی درباره‌ی من صادق نیست.

شرح

ماهاراج یودهیشتیرا می‌اندیشید که گرچه وی واقعاً درگیر امور اجرایی پادشاهی نبود و این امر توسط دوریودهان بدون ضرر و زبانی برای شهروندان در حال انجام بود، او باعث کشته شدن تعداد زیادی از موجودات زنده تنها برای منفعت شخص خویش و گرفتن پادشاهی از دوریودهان شده است. کشتار نه به سبب امور اجرایی و تنها به خاطر خودبزرگ‌بینی صورت گرفته بود و این چنین بود که وی خود را مسئول تمام آن گناهان می‌دانست.

آیه ۵۱

strīṇām mad-dhata-bandhūnām
droho yo 'sāv ihotthitaḥ
karmabhir gṛhamedhīyair
nāham kalpo vyapohitum

strīṇām: مربوط به زنان؛ mat: توسط من؛ hata-bandhūnām: مربوط به دوستانی که کشته شده‌اند؛ drohaḥ: نفرت؛ yaḥ: آن؛ asau: تمام آنها؛ iha: در این‌جا؛ utthitaḥ: انباشته شده است؛ karmabhiḥ: با مقدار اندکی کار؛ gṛhamedhīyaiḥ: توسط اشخاصی که مشغول اعمال خیر مادی هستند؛ na: هرگز؛ aham: من؛ kalpaḥ: می‌توان انتظار داشت؛

vyapohitum: انجام ندادن عمل مشابه.

ترجمه

من بستگان بسیاری از زنان را کشته‌ام و بنابراین نفرتی چنان شدید را موجب شده‌ام که رفع آن با اعمال خیر مادی ممکن نیست.

شرح

گره‌بامده‌هی‌ها (*grhamedhīs*) کسانی هستند که تنها مشغله‌شان انجام اعمال خیر به منظور رونق و شکوفایی مادی است. بعضی مواقع اعمال گناه‌آلود مانع از چنین شکوفایی مادی می‌شوند، چرا که قطعاً مادی‌گرایان در انجام وظایف مادی مرتکب گناهان متعددی حتی به صورت ناآگاهانه می‌شوند. برای رهایی از چنین واکنش‌های گناه‌آلودی، وداها چندین نوع قربانی را توصیه می‌کنند. در وداها بیان شده است که با انجام آشوامدها- یاگیا (*-Asvamedha*) یاگیا (*yajña*) (قربانی اسب) فرد می‌تواند حتی از برهما- هاتیا (*brahma-hatyā*) (کشتن یک بره‌مانا) رهایی یابد.

ماهاراج یودهیشیتیرا این آشوامدها-یاگیا را انجام داده بود؛ اما می‌اندیشید که حتی با انجام چنین قربانی نمی‌تواند از گناهان بزرگ مرتکب‌شده‌ی خود رهایی یابد. در جنگ حتی شوهر یا برادر یا حتی پسران و پدران با یکدیگر می‌جنگند. و هنگامی که آنها کشته می‌شوند، نفرت و خصومتی تازه تولید می‌شود و بدین ترتیب زنجیره‌ی اعمال و واکنش‌های آنها افزایش می‌یابد که خنثی نمودن آنها حتی با هزاران آشوامدها- یاگیا نیز ممکن نیست.

طریق عمل (کارما) چنین است. این طریق یک عمل و یک واکنش دیگر را به طور همزمان تولید می‌کند و بنابراین زنجیره‌ی فعالیت‌های مادی را افزایش می‌دهد که انجام دهنده را در قیود مادی به بند می‌کشد. در بهاگاواد-گیتا (۲۷/۹-۲۸) این چاره پیشنهاد شده است که چنین اعمال و واکنش‌های طریق عمل تنها زمانی متوقف می‌شود که کار از طرف خداوند متعال صورت پذیرد. جنگ کوروکشتر در واقع بر اساس اراده‌ی خداوند متعال شری کریشنا به راه افتاده بود و تنها با اراده‌ی او بود که یودهیشیتیرا بر تخت سلطنت هاستیناپور نشاند. بنابراین، در واقع هیچ گناهی از طرف پانداواها صورت نگرفته بود، چرا که ایشان تنها آمران دستورات خداوند بودند. برای دیگران که جنگ را برای منافع شخصی خویش آغاز می‌کنند، کل مسئولیت بر دوش خودشان قرار دارد.

آیه ۵۲

yathā pañkena pañkāmbhaḥ
 surayā vā surākṛtam
 bhūta-hatyām tathaiivaikām
 na yajñair mārṣtum arhati

yathā: به همان میزان؛ pañkena: با گل؛ pañka-ambhaḥ: آب مخلوط با گل؛
 surayā: با شراب؛ vā: یا؛ surākṛtam: ناپاکی حاصل از تماسی اندک با شراب؛-
 bhūta-hatyām: کشتن حیوانات؛ tathā: همانند آن؛ eva: قطعاً؛ ekām: یک؛ na: هرگز؛
 yajñair: با قربانی‌های تجویز شده؛ mārṣtum: بی اثر کردن؛ arhati: ارزنده است.

ترجمه

همان‌طور که جداسازی آب گل‌آلود از گل و یا پاکسازی یک کوزه شراب از شراب ممکن نیست، خنثی کردن کشتن مردان نیز با قربانی حیوانات ممکن نیست.

شرح

مشخص است که آشوامدها-یاگیا یا گومدها-یاگیا (Gomedha-yajña)، قربانی‌هایی که طی آن یک اسب یا یک گاو نر قربانی می‌شوند، به منظور کشتن حیوانات انجام نمی‌شوند. خداوند چیتانیا فرمود که این حیوانات قربانی شده در محراب یاگیا دوباره زنده می‌شوند و زندگی جدیدی به ایشان اعطا می‌شود. این امر تنها برای اثبات تأثیرگذاری سروده‌های ودایی بود. با ذکر سروده‌های ودایی به روشی مناسب، قطعاً انجام‌دهنده‌ی قربانی از واکنش‌های گناهان آزاد می‌شود، اما در مورد انجام نامناسب این قربانی توسط مدیریتی فاقد تخصص، قطعاً فرد مسئولیت قربانی حیوان را باید به گردن بگیرد. در این عصر نزاع و نفاق هیچ امکانی برای انجام یاگیاهای کامل وجود ندارد و دلیل آن کمبود برهمنانهای متخصص برای هدایت چنین قربانی‌هایی است. بنابراین ماهاراج یودهیشتیرا به انجام قربانی‌ها در عصر کالی اشاره می‌کند. در عصر کالی- یوگا تنها قربانی توصیه‌شده، انجام هاری-ناما-یاگیا (hari-nāma-yajña) است که توسط خداوند شری چیتانیا ماهاپرابهو بنیان گذاشته شد. اما فرد نباید مشغول کشتار حیوانات

و سپس خنثی کردن آن از طریق انجام هاری-ناما-یاگیا شود. آنان که عابدان خداوند هستند هرگز یک حیوان را برای نفع شخصی خود نمی‌کشند و (همان‌طور که خداوند به آرجونا فرمان داد) از انجام وظایف یک کشاتریا نیز ممانعت نمی‌کشد. بنابراین، هدف کامل تنها زمانی برآورده می‌شود که همه چیز برای اراده‌ی خداوند صورت پذیرد. این امر تنها برای عابدان ممکن است.

بدین‌سان شرح‌های بهاکتی‌ودانتا بر فصل هشتم از جزء اول شریماد-بهاگواتام با عنوان "دعاهای ملکه کونتی و نجات پاریکشیت" به پایان می‌رسد.

فصل نهم

درگذشت بهیشمادو در حضور خداوند کریشنا

آیه ۱

sūta uvāca
iti bhītaḥ prajā-drohāt
sarva-dharma-vivitsayā
tato vinaśanamṁ prāgād
yatra deva-vrato 'patat

sūtaḥ uvāca: شری سوتا گوسوامی گفت؛ *iti*: بنابراین؛ *bhītaḥ*: ترسیده از؛ *prajā-drohāt*: به خاطر کشتن زیردستان؛ *sarva*: تمام؛ *dharma*: اعمال مذهبی؛ *vivitsayā*: برای درک؛ *tataḥ*: از این پس؛ *vinaśanam*: مکان وقوع جنگ؛ *prāgāt*: او رفت؛ *yatra*: جایی که؛ *deva-vrataḥ*: بهیشمادو؛ *apatat*: برای مردن دراز کشید.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: ماهاراج یودهیشتیرا، هراسان از کشتن تعداد زیادی از زیردستان در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا، به صحنه‌ی آن کشتار عمومی رفت. در آن‌جا، بهیشمادو دراز کشیده در بستری از تیر، در حال احتضار بود.

شرح

در این فصل نهم، آن گونه که خداوند کریشنا اراده نموده است، بهیشمادو به ارائه‌ی آموزش‌هایی به ماهاراج یودهیشتیرا در مورد وظایف اشتغالی می‌پردازد. همچنین بهیشمادو آخرین دعا‌های خویش را در آستانه‌ی عبور از این جهان مادی نثار خداوند می‌کند و بدین ترتیب خود را از قیود اشتغالات مادی رها می‌کند. به بهیشمادو این قدرت داده شده بود که زمان ترک بدن خویش را انتخاب کند و خوابیدن وی در بستری از تیرها، انتخاب شخصی وی بود. درگذشت سلحشور و جنگاوری بزرگ توجه تمام نخبگان معاصر وی را به خود جلب نمود و تمام ایشان برای نشان دادن احساسات حاکی از عشق، احترام و محبت خویش نسبت به این روح بزرگ در آن جا اجتماع نمودند.

آیه ۲

*tadā te bhrātaraḥ sarve
sadaśvaiḥ svarṇa-bhūṣitaiḥ
anvagacchan rathair viprā
vyāsa-dhaumyādayas tathā*

tadā: در آن زمان؛ *te*: تمام آنها؛ *bhrātaraḥ*: برادران؛ *sarve*: همگی؛ *sat-aśvaiḥ*: حمل شده توسط اسبان درجه یک؛ *svarṇa*: بر روی ارابه‌ها؛ *bhūṣitaiḥ*: تزئین شده با؛ *anvagacchan*: یکی پس از دیگری؛ *rathaiḥ*: بر روی ارابه‌ها؛ *viprāḥ*: ای برهمنانها؛ *vyāsa*: حکیم ویاسا؛ *dhaumya*: دهائومیا؛ *ādayaḥ* و دیگران؛ *tathā*: همچنین.

ترجمه

در آن زمان تمام برادرانش بر روی ارابه‌های زیبایی که توسط اسب‌های درجه یک که به زیبایی با تزئینات طلا مزین شده بودند کشیده می‌شدند، در پی وی به آن جا رسیدند. به همراه ایشان ویاسا و ریشی‌های دیگر همچون دهائومیا (Dhaumya) [حکیم خردمند پانداواها] و دیگران بودند.

آیه ۳

bhagavān api viprarṣe

*rathena sa-dhanañjayaḥ
sa tair vyarocata nṛpaḥ
kuvera iva guhyakaiḥ*

bhagavān: شخصیت خداوند (شری کریشنا)؛ *api*: همچنین؛ *vipra-rṣe*: ای حکیم در میان برهمنانها؛ *rathena*: بر ارابه؛ *sa-dhanañjayaḥ*: همراه با دهانانجایا (آرجونا)؛ *sah*: او؛ *sah*: توسط آنها؛ *vyarocata*: بسیار اشرافی ظاهر شد؛ *nṛpaḥ*: پادشاه (یودهیشتیرا)؛ *kuvera*: کوورا، خزانه‌دار فرشتگان؛ *iva*: همانند؛ *guhyakaiḥ*: همراه شناخته شده به صورت گوهیاکائی.

ترجمه

ای حکیم در میان برهمنانها، خداوند شری کریشنا، شخصیت خداوند نیز سوار بر ارابه به همراه آرجونا در پی ایشان وارد شد. بدین ترتیب، پادشاه یودهیشتیرا بسیار اشرافی ظاهر شد، همچون کوورا [خزانه‌دار بهشت] که ملازمانش (گوهیاکائی‌ها) وی را احاطه کرده باشند.

شرح

خداوند شری کریشنا خواستار آن بود که پانداواها در مقابل بهیسمادو به صورت بسیار اشرافی و مجلل ظاهر شوند؛ به گونه‌ای که وی با رؤیت خوشبختی ایشان در زمان مرگش راضی گردد. کوورا ثروتمندترین در میان فرشتگان است و در این‌جا پادشاه یودهیشتیرا همچون وی ظاهر گردید، چرا که همراهی و مشایعت شری کریشنا با وی به تنهایی برای جلال و شکوه پادشاه یودهیشتیرا کافی بود.

آیه ۴

*ṛṣṭvā nīpatitaṁ bhūmau
divaś cyutam ivāmaram
praṇemuḥ pāṇḍavā bhīṣmaṁ
sānugāḥ saha cakriṇā*

dr̥ṣṭvā: بدین ترتیب با رؤیت؛ *nīṣatitam*: دراز کشیده؛ *bhūmau*: بر روی زمین؛ *divaḥ*: از آسمان؛ *cyutam*: سقوط کرده؛ *iva*: همچون؛ *amaram*: فرشته؛ *praṇemuḥ*: تعظیم نمود؛ *pāṇḍavāḥ*: پسران پاندو؛ *bhīṣmam*: بهیشما؛ *sa-anugāḥ*: با برادران کوچکتر؛ *saha*: همچنین با؛ *cakriṇā*: خداوند (حامل دیسک).

ترجمه

با رؤیت وی [بهیشما] که همچون فرشته‌ای که از آسمان فرو افتاده باشد، بر زمین دراز کشیده بود، پادشاه یودهیشتیرای پانداوا و برادران کوچک‌ترش و خداوند کریشنا به وی ادای احترام نمودند.

شرح

خداوند کریشنا پسر دایی کوچک‌تر ماهاراج یودهیشتیرا و دوست صمیمی آرجونا نیز بود. اما تمام اعضای خانواده‌ی پانداواها خداوند کریشنا را به عنوان شخصیت‌اعلای خداوند می‌شناختند. خداوند گرچه از موقعیت متعال خویش آگاه بود، همواره به سنت‌های انسانی رفتار می‌کرد و او نیز در مقابل بهیشمادو در حال فوت تعظیم نمود؛ چنانکه گویی او یکی از برادران جوان‌تر پادشاه یودهیشتیرا است.

آیه ۵

*tatra brahmaṛṣayaḥ sarve
devarṣayaś ca sattama
rājarṣayaś ca tatrāsan
draṣṭum bharata-ṣuṅgavam*

tatra: آن‌جا؛ *brahma-ṛṣayaḥ*: حکیمی در میان برهماناها؛ *sarve*: تمام؛ *deva-ṛṣayaḥ*: حکیم در میان خداوندگاران؛ *ca*: و؛ *sattama*: مستقر در کیفیت نیکی؛ *rāja-ṛṣayaḥ*: حکیم در میان پادشاهان؛ *ca*: و؛ *tatra*: در آن مکان؛ *āsan*: حاضر بود؛ *draṣṭum*: تنها برای رؤیت؛ *bharata*: نوادگان پادشاه بهاراتا؛ *ṣuṅgavam*: رهبر.

ترجمه

تنها برای ملاقات رهبر نوادگان پادشاه بهاراتا [بهیشما]، تمام ارواح بزرگ جهان، یعنی حکیمان در میان خداوندگاران، برهماناها و پادشاهان، همگی مستقر در گونه‌ی نیکی، در آن‌جا اجتماع نمودند.

شرح

حکیمان افرادی هستند که به موفقیت روحانی کامل دست یافته‌اند. همگان چه فقیر و درویش و چه پادشاه می‌توانند به این موفقیت روحانی دست یابند. خود بهیشمادو نیز یکی از برهماریشی‌ها (*brahmarṣis*) و رهبر و سرکرده‌ی نوادگان پادشاه بهاراتا بود. تمام حکیمان در گونه‌ی نیکی مستقر شده‌اند. تمام ایشان در آن مکان اجتماع کرده بودند تا اخبار مرگ قریب‌الوقوع آن سحلشور بزرگ را بشنوند.

آیات ۶ - ۷

*parvato nārado dhaumyo
bhagavān bādarāyaṇaḥ
bṛhadaśvo bharadvājaḥ
saśiṣyo reṇukā-sutaḥ*

*vasiṣṭha indrapramadas
trito gr̥tsamado 'sitaḥ
kakṣivān gautamo 'triś ca
kauśiko 'tha sudarśanaḥ*

parvataḥ: پارواتا مونی؛ *nāradaḥ*: نارادا مونی؛ *dhaumyaḥ*: دهاثومیا؛ *bhagavān*: ظهور خداوند؛ *bādarāyaṇaḥ*: ویاسادو؛ *bṛhadaśvaḥ*: بریهاداشوا؛ *bharadvājaḥ*: بهارادوآجا؛ *sa-śiṣyaḥ*: به همراه شاگردان؛ *reṇukā-sutaḥ*: پاراشوراما؛ *vasiṣṭhaḥ*: واسیشتها؛ *indrapramadaḥ*: ایندراپرامادا؛ *tritaḥ*: تریتا؛ *gr̥tsamadaḥ*: گریتسامادا؛ *asitaḥ*: آسیتا؛ *kakṣivān*: کاکشیوان؛ *gautamaḥ*: گائوتاما؛ *atriḥ*: آتری؛ *ca*: و؛

kauśikah: کائوشیکا؛ *atha*: همچنین؛ *sudarśanaḥ*: سودارشنا.

ترجمه

تمام حکیمان مانند پارواتا مونی، نارادا، دهائومیا، ویاسادو ظهور خداوند، بریهاداشوا، بهارادواجا، پاراشورام و شاگردان، واسیشتها، ایندراپرامادا، تریتا، گریتسامادا، آسیتا، کاکشیوان، گائوتاما، آتری، کائوشیکا و سودارشنا حضور داشتند.

شرح

پارواتا مونی (*Parvata Muni*) یکی از قدیمی‌ترین حکیمان محسوب می‌شود. او همواره معاشر دائمی نارادا مونی است. آنها همچنین فضانوردان شایسته‌ای هستند که بدون کمک گرفتن از هیچ وسیله‌ی مادی در آسمان سفر می‌کنند. پارواتا مونی نیز همانند نارادا یک دواریشی یا یک حکیم بزرگ در میان خداوندگاران است. او به همراه نارادا در مراسم قربانی ماهاراج جانامجایا (*Janamejaya*)، پسر ماهاراج پاریکشیت حاضر بود. در این قربانی باید تمام مارهای جهان کشته می‌شدند. پارواتا مونی و نارادا مونی، گاندارواها را نیز فراخواندند، چرا که آنها می‌توانستند در زمان سفر در آسمان شکوه خداوند را نیز بسرایند. از آن جایی که آنها می‌توانستند در آسمان سفر کنند، می‌توانستند مراسم سوایاموارای (*svayamvara*) دروپردی (انتخاب همسر برای دروپردی) را از آسمان تماشا کنند. همانند نارادا مونی، پارواتا مونی نیز به ملاقات هیئت سلطنتی تحت حاکمیت پادشاه ایندرا در بهشت می‌رفت. وی به عنوان یک گانداروا، بعضی مواقع به ملاقات هیئت سلطنتی کوورا، یکی از خداوندگاران مهم می‌رفت. هم نارادا و هم پارواتا یک بار در ارتباط با دختر ماهاراج شرینجایا دچار مشکل شدند. ماهاراج شرینجایا (*Śrīñjaya*) این برکت را از پارواتا مونی دریافت نمود که صاحب یک پسر شود. نارادا مونی: حضور وی در داستان‌های پورانها اجتناب‌ناپذیر است. او در بهاگواتام نیز توصیف شده است. در زندگی پیشین، او پسر یک مستخدمه بود، اما با معاشرت با عابدان پاک وی خدمت عابدانه را آموزش دید و در زندگی بعدی به انسانی کامل بدل گردید که تنها با خودش قابل قیاس است. در ماه‌بهارات به کرات به نام وی اشاره شده است. او دواریشی اصلی یا حکیم پیشگام در میان خداوندگاران است. او پسر و شاگرد برهماجی است و از وی سلسله‌ی پیران در خط برهما گسترش یافته است. او پراهلاد ماهاراج، دهوروا ماهاراج و بسیاری از عابدان گرانقدر

خداوند را تشریف شاگردی داده است. وی حتی ویاسادو، نویسنده‌ی متون ودایی را تشریف داد و از ویاسادو، مادهاواچاریا (*Madhvācārya*) تشریف گرفت و بدین ترتیب، مادهاوا-سامپرادایا، که در برگیرنده‌ی گودیا-سامپرادایا نیز بود، در سراسر جهان گسترش یافته است.

شری چیتانیا ماهاپرابهو به این مادهاوا-سامپرادایا تعلق دارد؛ بنابراین، برهماجی، نارادا، ویاسا، تا مادهاوا، چیتانیا و گوسوامی‌ها همگی به خط یک سلسله‌ی پیران تعلق دارند. از زمان‌های بسیار دور، ناراداجی بسیاری از پادشاهان را آموزش داده است. در بهاگاواتام می‌توانیم مشاهده کنیم که او به پراهلاد ماهاراج زمانی که وی در رحم مادرش بود، و نیز به واسودوا، پدر کریشنا و همچنین ماهاراج یودهیشتیرا آموزش داده بود.

دھائومیا (*Dhaumya*): حکیمی بزرگ که ریاضت‌های شدیدی را در اوتکوچاکا تیرتها (*Utkocaka Tirtha*) تحمل کرده بود و به عنوان روحانی سلطنتی پادشاهان پانداوا منصوب شده بود. او به عنوان روحانی در بسیاری اعمال مذهبی پانداواها (سامسکارا) عمل نمود و همچنین هر یک از پانداواها در هنگام نامزدی با دروپردی توسط وی همراهی می‌شد. وی همچنین حتی در زمان تبعید پانداواها حضور داشت و در شرایطی که ایشان گیج می‌شدند به آنها توصیه‌هایی را ارائه می‌نمود. وی به آنها یاد داد که چگونه یک سال به صورت ناشناس زندگی کنند و آموزش‌های وی در آن زمان به دقت توسط پانداواها رعایت می‌شد. نام وی همچنین هنگام انجام مراسم خاکسپاری عمومی پس از جنگ کوروکشتر نیز ذکر شده است. در آنوشاسانا-پاروای (*Anuśāna-parva*) ماهابهارات (۱۶-۱۵/۱۲۷) وی آموزش‌های روحانی مشروحو را به ماهاراج یودهیشتیرا ارائه می‌کند. وی در واقع الگوی کامل یک فرد روحانی برای افراد متأهل است؛ چرا که وی می‌توانست پانداواها را در مسیر صحیح مذهب هدایت کند. کار فرد روحانی، هدایت متأهلان در مسیر صحیح آشراما-دهارما یا وظیفه‌ی اشتغالی یک طبقه‌ی خاص است. در واقع هیچ تفاوتی میان روحانی خانوادگی و پیر روحانی وجود ندارد. حکیمان، قدیسان و برهمنانها همگی برای انجام چنین اعمالی در نظر گرفته می‌شوند.

بادارایانا (*Bādarāyaṇa*) (ویاسادو): وی به نام کریشنا، کریشنا-دوایایانا، دوایایانا *بادارایانا* (*Dvaipāyana*)، ساتیواتی-سوئا (*Satyavatī-suta*)، پاراشاریا (*Pārāśarya*)، پاراشاراتماجا (*Parāśarātmaja*)، بادارایانا، ودوایاسا و غیره نامیده می‌شود. وی پسر ماهامونی پاراشارا (*Mahāmuni Parāśara*) در رحم ساتیواتی پیش از نامزدی وی با ماهاراج شانتانو (*Mahārāja Śantanu*)، پدر ژنرال بزرگ، پدر بزرگ بهیشمادو است. وی ظهور قدرتمند نارایان است و خرد ودایی را در سراسر جهان اشاعه می‌دهد. به همین دلیل، پیش از خواندن

متون ودایی به ویژه پورانها فرد باید احترامات خود را به ویاسادو تقدیم نماید. شوکادو گوسوامی پسر وی بود و ریشی‌هایی همچون وایسامپایانا (*Vaiśampāyana*) در شاخه‌های مختلف وداها شاگرد وی بودند. او نویسنده‌ی رزم‌نامه‌ی بزرگ ماهابهارات و متن ادبی وزین بهاگواتام است. برهما سوتراها (ودانتا-سوتراها یا بادارایانا-سوتراها) توسط وی تألیف شده‌اند. در میان حکیمان وی محترم‌ترین نویسنده به دلیل ریاضت‌های شدید است. هنگامی که می‌خواست حماسه‌ی بزرگ ماهابهارات را برای خیر عموم مردم در عصر کالی به رشته‌ی تحریر درآورد، نیاز به وجود یک نویسنده‌ی قوی را که بتواند جملات وی را پیاده سازد احساس کرد. با دستور برهماجی، شری گانشاجی (*Śrī Gaṇeśajī*) مسئولیت پیاده‌سازی گفته‌های وی را در شرایطی که ویاسادو هرگز بیان جملات را برای لحظه‌ای متوقف نمی‌کرد، بر عهده گرفت. بدین ترتیب، ماهابهارات با کوشش مشترک ویاسادو و گانش تألیف گردید. او با دستور مادرش ساتیاواتی که بعدها با ماهاراج شانتانو ازدواج کرد و با خواهش بهیشمادو-ارشدترین پسر ماهاراج شانتانو از همسر اولش گنگ (گانجی)-سه پسر درخشان، با نام‌های دهریتراشتره، پاندو و ویدورا را به دنیا آورد. ویاسادو پس از جنگ کوروکشترا و پس از مرگ تمام قهرمانان آن، ماهابهارات را تألیف نمود. این کتاب نخستین بار در اجتماع سلطنتی ماهاراج جانامجایا، پسر ماهاراج پاریکشیت بیان گردید.

بربهاداشوا (*Bṛhadāśva*): حکیم بزرگی که هر از چند گاهی به ملاقات ماهاراج یودهیشتیرا می‌رفت. نخستین بار وی ماهاراج یودهیشتیرا در کامیوانا (*Kāmyavana*) ملاقات نمود. این حکیم، تاریخ زندگی ماهاراج نالا را نقل نمود. برهاداسوای دیگری وجود دارد که پسر خاندان ایکشواکو (*Ikṣvāku*) است. (ماهابهارات، وانا پاروا، ۴/۲۰۹-۵)

بهارادواجا (*Bharadvāja*): وی پسر هفت حکیم بزرگ است و در زمان مراسم تولد آرجونا حضور داشت. این ریشی قدرتمند بعضی مواقع ریاضت‌های شدیدی را در کنار رود گنگ انجام می‌داد و آشرام وی در پرایاگادهام (*Prayāgadhāma*) همچنان مشهور است. چنین گفته شده است که این ریشی، در زمان استحمام در گنگ، گهریتاچی (*Ghṛtacī*) یکی از دختران هرزه‌ی بهشت را ملاقات نمود و بدین ترتیب از وی منی خارج شد که در یک کوزه‌ی گلی نگهداری می‌شد و از همین منی، درونا (*Drona*) متولد شد. بنابراین دروناچاریا پسر بهارادواجا مونی است. عده‌ای دیگر معتقدند که بهارادواجایی که پدر درونا است، فردی دیگر است. او یک عابد بزرگ برهما است. وی یک بار نزد دروناچاریا آمد و از وی درخواست نمود که جنگ کوروکشترا را متوقف کند.

پاراشوراما (*Paraśurāma*) یا رنوکاسوتا (*Renūkāsuta*): وی پسر ماهاریشی جاماداگنی (*Maharṣi Jamadagni*) و شریماتی رنوکا (*Śrīmatī Renūkā*) است. به همین دلیل وی با نام رنوکاسوتا نیز شناخته می‌شود. وی ظهور قدرتمند خداوند است و بیست و یک بار تمام کشاتریها را کشت. با خون کشاتریها وی ارواح اجداد خود را راضی نمود. بعدها وی ریاضت‌های شدیدی را در ماهندرا پارواتا (*Mahendra Parvata*) تحمل نمود. پس از پاکسازی زمین از کشاتریها، وی زمین را به عنوان صدقه به کاشیپامونی (*Kaśyapa Muni*) داد. وی دانور-ودا یا آموزش نبرد را به دروناچاریا آموزش داد؛ چرا که وی بر حسب اتفاق یک برهمنان بود. وی در تاج‌گذاری ماهاراج یودهیشیتیرا حضور داشت و این مراسم را به همراه دیگر ریشی‌های بزرگ تقدیس نمود.

پاراشوراما چنان مسن است که هم راما و هم کریشنا را در زمان‌های مختلف ملاقات نمود. وی با راما جنگید، اما کریشنا را به عنوان شخصیت اعلاهی خداوند پذیرفت. وی همچنین هنگامی که آرجونا را همراه کریشنا دید وی را مورد ستایش قرار داد. هنگامی که بهیشما ازدواج با آمبا را رد کرد، و آمبا می‌خواست که وی همسرش شود، آمبا به ملاقات پاراشوراما رفت و تنها با خواهش آمبا، پاراشوراما از بهیشمادو درخواست کرد که وی را به عنوان همسر بپذیرد. بهیشما از این دستور وی سرپیچی کرد، گرچه وی یکی از پیران روحانی بهیشمادو بود. هنگامی که او هشدارهای پاراشوراما را نادیده گرفت، پاراشوراما با بهیشمادو جنگید. هر دوی آنها به سختی جنگیدند و در نهایت پاراشوراما از بهیشمادو راضی شد و به وی برکت تبدیل شدن به بزرگ‌ترین جنگجوی جهان را داد.

واسیشتها (*Vasiṣṭha*): حکیمی عزیز و بزرگ در میان برهمنانها، که با عنوان برهماریشی واسیشتهادو نیز شناخته می‌شود. وی شخصیتی مهم در دوره‌های تاریخی رامایانا و ماهابهارات محسوب می‌شود. او مراسم تاج‌گذاری شخصیت خداوند شری راما را تقدیس نمود و همچنین در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا نیز حضور داشت. وی می‌توانست به تمام سیاره‌های بالاتر و پایین‌تر وارد شود و نام وی همچنین به تاریخ زندگی هیرانیاکاشیپو نیز مرتبط است. تنش بزرگی میان وی و ویشوامیترا که کامادهنو (*kāmadhenu*) گاو برآورنده‌ی آرزوهای وی را می‌خواست به وجود آمد. واسیشتها مونی از واگذاری کامادهنوی خود پرهیز کرد و به همین دلیل ویشوامیترا صد پسر وی را کشت. به عنوان یک برهمنای کامل، وی تمام طعنه‌های ویشوامیترا را تحمل نمود. یک بار به خاطر شکنجه‌های ویشوامیترا او سعی کرد خودکشی کند، اما تمام تلاش‌های وی ناموفق بود. او از کوه پرید، اما سنگ‌هایی که به آنها برخورد کرد به یک کوه کتان بدل

شدند و بدین ترتیب جان وی حفظ شد. وی خود را به اقیانوس انداخت، اما امواج او را به ساحل باز گرداندند. بدین سان تمام تلاش‌های او برای خودکشی ناموفق بود. او همچنین یکی از هفت ریشی و همسر آروندهاتی (*Arundhati*)، ستاره‌ی مشهور است.

ایندراپرامادا (Indrapramada): یک ریشی مشهور دیگر.

تریتا (Trita): یکی از سه پسر پراجاپاتی گائوتاما. او سومین پسر بود و دو برادرش اکات (*Ekat*) و دویتا (*Dvita*) نام داشتند. این برادران همگی حکیمانی بزرگ و پیروان سرسخت اصول دین بودند. با انجام ریاضت‌های شدید آنها خود را به برهملوکا (سیاره‌ی محل سکونت برهماجی) انتقال دادند. یک بار تریتامونی به درون چاه افتاد. وی مسئول هماهنگی قربانی‌های بسیاری بود و به عنوان یکی از حکیمان بزرگ وی نیز برای ادای احترام به بستر مرگ بهیشماجی آمد. وی یکی از هفت حکیم در وارونالوکا (*Varunaloka*) است. وی از کشورهای غربی جهان آمده بود. این چنین، به احتمال زیاد وی متعلق به کشورهای اروپایی است. در آن زمان کل جهان تحت کنترل فرهنگ ودایی بود.

گریتسامادا (Grtsamada): یکی از حکیمان بزرگ پادشاهی بهشت. وی دوست صمیمی ایندرا، پادشاه بهشت است و همچون بریهاسپاتی عزیز و گرانقدر می‌باشد. وی دائماً هیئت سلطنتی ماهاراج یودهیشتیرا را ملاقات می‌نمود، و همچنین به مکانی که بهیشمادو آخرین نفس‌هایش را در آن‌جا می‌کشید، سر زد. وی گاهی اوقات به تجلیل از خداوند شیوا نزد ماهاراج یودهیشتیرا می‌پرداخت. وی پسر ویتاهاویا (*Vitahavya*) است و ویژگی‌های بدنی او شبیه ایندرا می‌باشد. بعضی مواقع دشمنان ایندرا وی را به جای ایندرا اشتباه می‌گرفتند و دستگیر می‌کردند. وی دانشمندی بزرگ در ریگ وداست و بدین سان در جامعه‌ی برهمانا به شدت مورد احترام است. وی زندگی تجرد را انتخاب کرد و از هر جهت بسیار قوی بود.

آسیتا (Asita): پادشاهی با همین نام نیز وجود دارد، اما در این‌جا آسیتای ذکر شده به آسیتا دیوالا ریشی (*Asita Devala Rṣi*)، حکیمی قدرتمند در آن زمان اشاره دارد. وی ۱،۵۰۰،۰۰۰ آیه از ماهابهارات را برای پدر خود شرح داد. وی یکی از اعضای قربانی مار ماهاراج جانامجایا است. وی به همراه دیگر ریشی‌ها در مراسم تاج‌گذاری ماهاراج یودهیشتیرا حضور داشت و نیز به ماهاراج یودهیشتیرا در زمان حضور وی در تپه آنجانا (*Anjana*) آموزش‌هایی را ارائه نمود. وی همچنین یکی از عابدان خداوند شیوا است.

کاکشیوان (Kakṣivān): یکی از پسران گائوتاما مونی و پدر حکیم بزرگ چانداکائوسیکا (*Candakausika*) است. او یکی از اعضای پارلمان ماهاراج یودهیشتیرا بود.

آتری (Atri): آتری مونی یک حکیم برهمنای بزرگ و یکی از پسران ذهنی برهماجی بود. برهماجی چنان قوی است که تنها با فکر کردن به یک پسر می‌تواند آن را داشته باشد. چنین پسرانی ماناسا-پوتراها (mānasa-putras) خوانده می‌شوند. آتری یکی از هفت ماناسا-پوترای برهماجی و نیز یکی از هفت حکیم بزرگ برهمنان است. در خانواده‌ی وی پراچتاس (Pracetās) بزرگ نیز زاده شد. آتری مونی دو پسر کشاتریا داشت که پادشاه شدند. پادشاه آرتهاما (Arthama) یکی از آنها است. وی یکی از بیست و یک پراجاپاتی محسوب می‌شود. نام همسر وی آناسویا (Anasūyā) است. او در قربانی بزرگ ماهاراج پاریکشیت به وی کمک کرد.

کائوشیکا (Kausika): یکی از اعضای ریشی دائمی در هیئت سلطنتی ماهاراج یودهیشتیرا. وی بعضی مواقع به ملاقات خداوند کریشنا می‌رفت. حکیمان متعدد دیگری با همین نام وجود داشتند.

سودارشنا: این چرخ که توسط شخص خداوند (ویشنو یا کریشنا) به عنوان سلاح شخصی پذیرفته شده است، قوی‌ترین سلاح و بزرگ‌تر از برهماسترا یا دیگر سلاح‌های بسیار مخرب است. در بعضی متون ودایی گفته شده است که آگنی دوا، خداوندگار آتش، این سلاح را به خداوند کریشنا تقدیم نموده است. اما در واقع این سلاح از ازل همراه خداوند بوده است. آگنی دوا این سلاح را به کریشنا تقدیم نمود، به همان طریقی که روکمینی توسط ماهاراج روکما به کریشنا داده شد. خداوند چنین هدایایی را از عابدان خویش می‌پذیرد؛ گرچه چنین هدایایی به صورت ابدی مایملک وی محسوب می‌شوند. توضیح مفصلی از این سلاح در آدی-پاروای ماهابهارات وجود دارد. خداوند شری کریشنا از این سلاح برای کشتن شیشویالا که به رقابت با خداوند می‌پرداخت، استفاده نمود. همچنین کریشنا با این سلاح سالوا (Sālva) را کشت و بعضی مواقع وی از دوستش آرجونا می‌خواست که از این سلاح برای کشتن دشمنانش استفاده کند (ماهابهارات، ویراتا-پاروا، ۳/۵۶)

آیه ۸

anye ca munayo brahman
brahmarātādayo 'malāḥ
śiṣyair uṣetā ājagmuḥ
kaśyapāṅgirasādayaḥ

anye: بسیاری از دیگران؛ ca: نیز؛ munayah: حکیمان؛ brahman: ای برهنه‌ها؛ brahmarāta: شوکادو گوسوامی؛ ādayah: و همچنین دیگران؛ amalāh: کاملاً پاک؛ śiṣyāih: با شاگردان؛ upetāh: همراهی می‌شدند؛ ājagmuḥ: رسیدند؛ Kaśyapa: کاشیپا؛ āṅgīrasa: آنگیراسا؛ ādayah: دیگران.

ترجمه

و بسیاری افراد دیگر همچون شوکادو گوسوامی و دیگر ارواح پاک، کاشیپا و آنگیراسا و دیگران، همگی به همراه شاگردان محترم خویش به آن جا رسیدند.

شرح

شوکادو گوسوامی (براهماراتا) (Brahmarāta): پسر و شاگرد مشهور شری ویاسادو، که پدرش به وی نخست ماهابهارات و سپس شریماد- بهاگواتام را آموزش داد. شوکادو گوسوامی ۱,۴۰۰,۰۰۰ آیه از ماهابهارات را در جمع گاندهارواها، یاکشاه و راکشاساها و همچنین شریماد- بهاگواتام را اولین بار در حضور ماهاراج پاریکشیت نقل کرد. وی به طور کامل تمام متون ودایی را از پدر صاحب کرامت خود آموخت. بدین ترتیب وی با کمک دانش گسترده‌ی خویش در مورد اصول دانش، یک روح کاملاً پاک بود. از ماهابهارات، سابها-پاروا (۱۱/۴) مشخص می‌شود که او همچنین در هیئت سلطنتی ماهاراج یودهیشتیرا و در روزه‌ی ماهاراج پاریکشیت نیز حضور داشته است. او به عنوان یک شاگرد معتبر شری ویاسادو، از پدر خویش در مورد اصول دین و ارزش‌های روحانی پرسش‌های بسیاری کرد و پدر معظم او نیز آموزش‌های متعددی به وی داد که از آن جمله است: سیستم یوگایی که با انجام آن فرد می‌تواند به قلمرو روحانی دست یابد، نحوه‌ی درک تفاوت میان اعمال ثمربخش و دانش تجربی، روش‌ها و ابزارهای دستیابی به ادراک روحانی، چهار آشرام (یعنی زندگی شاگردی، زندگی تأهل، زندگی بازنشستگی و زندگی انقطاع)، جایگاه متعال شخصیت اعلای خداوند، فرایند رؤیت چهره به چهره‌ی وی، صلاحیت معتبر برای دریافت دانش، توجه به عناصر پنج‌گانه، موقعیت ممتاز شعور، آگاهی طبیعت مادی و موجود زنده، نشانه‌های روح خودشناخته، اصول عمل‌کننده در بدن مادی، نشانه‌های گونه‌های تأثیرگذار طبیعت، درخت آرزوهای ابدی، و فعالیت‌های ذهنی را درک کند. ویاسادو با ارائه‌ی این آموزش‌ها به پسرش، وی را راضی نمود. بعضی مواقع وی با اخذ اجازه از پدرش و نارداجی به کره‌ی خورشید می‌رفت. توصیفات سفر وی در فضا در شانتی- پاروای ماهابهارات (۳۳۲) ارائه

شده است. در نهایت وی به قلمروی متعال رسید. وی با نام‌های مختلف آرانیا (*Araṇeya*)، آرونیسوتا (*Arunīsuta*)، وایاساکی (*Vaiyāsaki*) و ویاساتاما (*Vyāsātama*) شناخته می‌شود.

کاشیایا (*Kāśyapa*): یکی از پراجاپاتی‌ها، پسر ماریچی و یکی از داماهای پراجاپاتی داکشا. وی پدر پرندهی غول آسا گارودا است، که برای غذا از فیل‌ها و لاکپشت‌ها تغذیه می‌کرد. وی با سیزده دختر پراجاپاتی داکشا به نام‌های آدیتی، دیتی، دانو، کاشتها، آریشتا، سوراسا، ایلا، مونی، کرودهاواشا، تامرا، سورابهی، ساراما و تیمی (*Aḍiti, Diti, Danu, Kāṣṭhā, Ariṣṭā,*) (*Surasā, Ilā, Muni, Krodhavaśā, Tāmrā, Surabhi, Saramā and Timi*) ازدواج کرد. وی از این همسران صاحب فرزندان بسیاری چه خداوندگار، و چه دیو گردید. از همسر اولش آدیتی، دوازده آدیتیا متولد شدند. یکی از آنها وامانا (*Vāmana*)، ظهور خداوند بود. این حکیم بزرگ، کاشیایا، همچنین در زمان تولد آرجونا حاضر بود. وی کل جهان را از پاراشورام به عنوان یک هدیه دریافت کرد و بعدها از پاراشورام خواست که دنیا را ترک کند. نام دیگر او آرستانمی (*Ariṣṭanemi*) است. وی در بخش شمالی جهان سکونت دارد.

آنگیراسا (*Āṅgīrasa*): وی پسر ماهاریشی آنگیرا است و با عنوان بریهاسپاتی (*Brhaspati*)، موعظه‌گر خداوندگاران شناخته می‌شود. گفته می‌شود درونچاریا ظهور جزئی او است. وی با شوکرچاریا (*Śukrācārya*)، پیر روحانی دیوها، مبارزه کرد. پسرش کاجا (*Kaca*) است و سلاح آتش را اولین بار وی به بهارادواج مونی (*Bharadvāja Muni*) داد. وی از همسرش چاندراماسی (*Candramāsī*) یکی از ستاره‌های مشهور صاحب شش فرزند (از جمله خداوندگار آتش) شد. وی می‌توانست در فضا سفر کند و بنابراین می‌توانست حتی در سیارات برهما لوکا و ایندرا لوکا حاضر گردد. وی در مورد غلبه بر دیوها به پادشاه بهشت، ایندرا، توصیه‌هایی نمود. یک بار او ایندرا را نفرین کرد و بنابراین ایندرا به خوکی روی کره‌ی زمین تبدیل شد که نمی‌خواست به بهشت برگردد. قدرت جاذبه‌ی انرژی توهمی چنان است که حتی یک خوک نمی‌خواهد بخشی از مایملک زمینی خود را در عوض پادشاهی بهشت واگذار کند. او آموزگار مذهبی بومیان سیاره‌های مختلف بود.

آیه ۹

*tān sametān mahā-bhāgān
upalabhya vasūttamaḥ*

*pūjayām āsa dharma-jñō
deśa-kāla-vibhāgāt*

tān: همه آنها؛ *sametān*: گرد هم آمدند؛ *mahā-bhāgān*: تمام افراد بسیار قدرتمند؛ *upalabhya*: پذیرفت؛ *vasu-uttamaḥ*: بهترین در میان واسوها (بهیشمادو)؛ *pūjayām āsa*: خوش آمد گفت؛ *dharma-jñāḥ*: یکی از افرادی که اصول دینی را می‌داند؛ *deśa*: مکان؛ *kāla*: زمان؛ *vibhāga-vit*: فردی که ملزومات زمان و مکان را می‌داند.

ترجمه

بهیشمادو، که در میان هشت واسو بهترین بود، تمام حکیمان بزرگ و قدرتمند گرد هم آمده در آن جا را پذیرفت و به آنها خوشامد گفت، چرا که وی تمام اصول دینی را مطابق با زمان و مکان به طور کامل می‌دانست.

شرح

مذهبیون متخصص کامل، چگونگی تنظیم اصول دینی را بر حسب زمان و مکان می‌دانند. تمام آچارهای بزرگ یا موعظه‌کنندگان مذهبی جهان مأموریت خود را با تنظیم اصول دینی بر حسب زمان و مکان انجام می‌دهند. اقلیمها و شرایط متفاوتی در بخش‌های مختلف جهان وجود دارد و اگر فردی مشغول انجام وظایف خویش برای موعظه‌ی پیام خداوند باشد، باید در تنظیم این پیامها بر حسب زمان و مکان مهارت داشته باشد. بهیشمادو یکی از دوازده مرجع بزرگ در زمینه‌ی موعظه این فرهنگ خدمت‌عابدانه است و بنابراین وی می‌توانست تمام حکیمان قدرتمند را در بستر مرگ خویش از تمام بخش‌های جهان بپذیرد و خوشامدگویی کند. وی قطعاً در آن زمان نمی‌توانست به صورت بدنی و فیزیکی از آنها استقبال کند؛ زیرا او نه در خانه بود و نه در شرایط عادی سلامتی قرار داشت. اما وی همچنان به دلیل فعالیت‌های ذهن سالمش شایستگی لازم را داشت و بنابراین می‌توانست کلماتی شیرین را با احساسات قلبی خویش بیان دارد و تمام آن حکیمان را مورد استقبال و خوشامدگویی مناسب قرار داد. فرد می‌تواند وظیفه‌ی خود را با اعمال بدنی، با ذهن و با کلام انجام دهد. و او به خوبی می‌دانست که چگونه از آنها در مکان مناسب استفاده کند و بنابراین هرچند به لحاظ بدنی در وضعیتی نامناسب قرار داشت، استقبال از ایشان برایش دشوار نبود.

آیه ۱۰

*kṛṣṇaṁ ca tat-prabhāva-jñā
āśinaṁ jagad-īśvaram
hṛdi-sthaṁ pūjayāṁ āsa
māyayopātta-vigraham*

kṛṣṇaṁ: به خداوند شری کریشنا؛ *ca*: نیز؛ *tat*: مربوط به او (خداوند)؛ *prabhāva-jñāḥ*: داننده‌ی شکوه (بهیشما)؛ *āśinaṁ*: نشست؛ *jagat-īśvaram*: خداوند جهان؛ *hṛdi-sthaṁ*: واقع در قلب؛ *pūjayāṁ āsa*: پرستش شد؛ *māyayā*: با انرژی درونی؛ *upātta*: متجلی شد؛ *vigraham*: یک شکل.

ترجمه

خداوند شری کریشنا در قلب همگان حضور دارد، با این حال فرم روحانی خود را توسط انرژی درونی خویش متجلی نمود. همان خداوند مقابل بهیشمادو نشسته بود و از آن جایی که بهیشمادو شکوه وی را می‌شناخت، بر حسب وظیفه و به صورتی شایسته وی را پرستش نمود.

شرح

قدرت مطلق خداوند با حضور همزمان در همه جا نشان داده می‌شود. او همواره در سکونتگاه ابدی خویش گولوکا ورینداوان حضور دارد و نیر در قلب همگان و حتی در درون هر اتم غیرقابل رؤیت، حاضر است. هنگامی که وی فرم روحانی خود را در دنیای مادی متجلی می‌کند، این کار را با انرژی درونی‌اش انجام می‌دهد. نیروی بیرونی یا انرژی مادی، هیچ ارتباطی با فرم ابدی او ندارد. بهیشمادو تمام این حقایق را به خوبی می‌دانست و بنابراین به طرز مناسب وی را پرستش نمود.

آیه ۱۱

*pāṇḍu-putrān upāśinān
praśraya-prema-saṅgatān*

abhyācaṣṭānurāgāśrair
andhībhūtena cakṣuṣā

pāṇḍu: پدر مرحوم ماهاراج یودهیشتیرا و برادرانش؛ *putrān*: پسران؛ *upāsīnān*: نشسته ساکت در نزدیکی؛ *praśraya*: گرفتار؛ *prema*: در احساسات عاشقانه؛ *saṅgatān*: جمع شده‌اند؛ *abhyācaṣṭa*: تبریک گفت؛ *anurāga*: با احساسات؛ *asraiḥ*: با اشک شوق؛ *andhībhūtena*: سرشار از؛ *cakṣuṣā*: با چشمانش.

ترجمه

پسران ماهاراج پاندو در سکوت و سرشار از احساسات نسبت به پدر بزرگ محترم خویش، در فاصله‌ای نزدیک نشسته بودند. با رؤیت این امر، بهیشمادو با احساساتی کامل به آنها تبریک گفت. اشک شوق در چشمانش حلقه زده بود، زیرا سرشار از عشق و محبت شده بود.

شرح

هنگامی که ماهاراج پاندو درگذشت، پسرانش همگی خردسال بودند و طبیعتاً آنها با محبت اعضای ارشد خاندان سلطنتی، به خصوص بهیشمادو رشد کردند. بعدها، هنگامی که پاندواها بزرگ شدند، دوریودهان مکار و همراهانش آنها را فریب دادند و بهیشمادو گرچه می‌دانست که پاندواها معصوم هستند و بی‌جهت در معرض مشکلات قرار گرفته‌اند، به دلایل سیاسی نتوانست جانب پاندواها را بگیرد. در آخرین مرحله‌ی زندگی، هنگامی که بهیشمادو نوه‌های عزیز خود به سرکردگی ماهاراج یودهیشتیرا را دید که در کنار بستر او به آرامی نشسته بودند، آن جنگجوی بزرگ نتوانست اشک‌های عاشقانه‌اش را که ناخودآگاه از چشمانش سرازیر می‌شدند، کنترل کند. وی مصائب عظیمی را که نوه‌های پرهیزگارش متحمل شده بودند به یاد آورد. قطعاً او راضی‌ترین فرد بود؛ چرا که یودهیشتیرا به جای دوریودهان بر تخت پادشاهی نشسته بود و بنابراین او به پاندواها تبریک گفت.

آیه ۱۲

aho kaṣṭam aho 'nyāyām

yad yūyam dharmā-nandanāḥ
jīvitum nārhattha kliṣṭam
vīpra-dharmācyutāśrayāḥ

aho: آه؛ *kaṣṭam*: چه رنج‌های وحشتناکی؛ *aho*: آه؛ *anyāyyam*: چه بی‌عدالتی وحشتناکی؛ *yat*: به خاطر؛ *yūyam*: تمام شما ارواح پاک؛ *dharmā-nandanāḥ*: پسران مذهب شخصیت‌یافته؛ *jīvitum*: برای زنده ماندن؛ *na*: هرگز؛ *arhattha*: شایسته؛ *kliṣṭam*: رنج؛ *vīpra*: برهمنانها؛ *dharmā*: پرهیزگاری؛ *acyuta*: خداوند؛ *āśrayāḥ*: حفاظت شده توسط.

ترجمه

بهیشمادو گفت: آه، شما ارواح بزرگ به خاطر آنکه پسران مذهب شخصیت یافته هستید، چه رنج‌ها و بی‌عدالتی‌های وحشتناکی را تحمل نمودید. شما شایسته‌ی زندگی با چنان رنج‌های بزرگی نبودید؛ ولی در عین حال، توسط برهمنانها، خداوند و مذهب محافظت شدید.

شرح

ماهاراج یودهیشتیرا از کشتار عظیم در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا آزرده‌خاطر بود. بهیشمادو می‌توانست این موضوع را متوجه شود و بنابراین در ابتدا از رنج‌های وحشتناک ماهاراج یودهیشتیرا سخن گفت. او ناعدالانه به مشکل افتاده بود و جنگ کوروکشترا تنها برای پاسخگویی به این ناعدالتی اتفاق افتاد. بنابراین، او نباید از چنین کشتار بزرگی پشیمان باشد. بهیشمادو می‌خواست به ویژه به این موضوع اشاره کند که آنها همواره تحت حفاظت برهمنانها، خداوند و اصول مذهبی بودند. تا هنگامی که آنها تحت حفاظت چنین عناصر مهمی بودند، هیچ دلیلی برای ناامیدی وجود نداشت. بنابراین بهیشمادو ماهاراج یودهیشتیرا را تشویق کرد که ناامیدی را از خود دور کند. تا هنگامی که فرد در هماهنگی کامل با تمایلات خداوند باشد، توسط برهمنانها و وایشناوهای معتبر هدایت شود و به دقت از اصول مذهبی تبعیت کند، تحت هر نوع شرایط زندگی، هیچ دلیلی برای ناامیدی وجود ندارد. بهیشمادو، به عنوان یکی از مراجع معتبر سلسله‌ی پیران، خواستار بیان این نکته به پانداواها بود.

آیه ۱۳

saṁsthite 'tirathe pāṇḍau
 pṛthā bāla-prajā vadhūḥ
 yuṣmat-kṛte bahūn kleśān
 prāptā tokavatī muhuḥ

saṁsthite: پس از فوت؛ ati-rathe: از ژنرال بزرگ؛ pāṇḍau: پاندو؛ pṛthā: کونتى؛
 bāla-prajā: داشتن بچه‌های خردسال؛ vadhūḥ: عروس من؛ yuṣmat-kṛte: از طرف تو؛
 bahūn: گوناگون و متعدد؛ kleśān: مصائب؛ prāptā: متحمل شد؛ toka-vatī: على‌رغم
 داشتن پسران بالغ؛ muhuḥ: همواره.

ترجمه

تا جایی که به عروسم کونتى مربوط است، با درگذشت ژنرال پاندوی بزرگ، او
 بیوه‌ای با بچه‌های زیاد شد و بنابراین رنج زیادی را متحمل گردید. و هنگامی
 که شما بزرگ شدید او به خاطر اعمال شما دچار مصائب عديده‌ای شد.

شرح

رنج‌های کونتى دوی شایسته سوگواری دوباره هستند. او به خاطر بیوه شدن بسیار زود خود و
 بزرگ کردن بچه‌ها در خاندان سلطنتی، متحمل رنج فراوانی شد؛ و هنگامی که فرزندانش بزرگ
 شدند، او به خاطر اعمال فرزندانش رنج کشید. بنابراین رنج وی ادامه یافت. این بدان معنا است
 که تقدیر وی رنج کشیدن است و او می‌بایست بدون معشوش شدن آنها را تحمل کند.

آیه ۱۴

arvaṁ kāla-kṛtaṁ manye
 bhavatām ca yad-apriyam
 sapālo yad-vaśe loko
 vāyor iva ghanāvaliḥ

sarvam: تمام این؛ *kāla-kṛtam*: انجام شده توسط زمان اجتناب‌ناپذیر؛ *manye*: فکر می‌کنم؛ *bhavatām ca*: برای شما نیز؛ *yat*: آنچه؛ *apriyam*: بسیار بد و نامناسب؛ *sa-pālah*: با حکمرانان؛ *yat-vaśe*: تحت کنترل آن زمان؛ *lokaḥ*: همگان در هر سیاره؛ *vāyoḥ*: بادی که می‌برد؛ *iva*: همچون؛ *ghana-āvaliḥ*: تعدادی ابر.

ترجمه

به نظر من، اینها همه به دلیل زمان اجتناب‌ناپذیر است که تحت کنترلش همگان در هر سیاره‌ای حمل می‌شوند، درست به همان ترتیبی که باد ابرها را حمل می‌کند.

شرح

کنترل توسط زمان در سراسر فضای جهان و نیز در تمام سیارات وجود دارد. تمام سیارات بسیار بزرگ شامل خورشید با نیروی هوا کنترل می‌شوند؛ به همان ترتیبی که ابرها نیز با نیروی هوا جابه‌جا می‌شوند. مشابهاً، کالای (*kāla*) اجتناب‌ناپذیر، یا زمان، حتی عملکرد هوا و دیگر عناصر را کنترل می‌کند. بنابراین همه چیز توسط کالای متعال که نماینده‌ی قدرتمند خداوند در این دنیای مادی است، کنترل می‌شود. بنابراین یودهیشتیرا نباید از عمل ادراک‌ناپذیر زمان متأسف باشد. همگان باید کنش‌ها و واکنش‌های زمان را تا هنگامی که در وضعیت این دنیای مادی قرار دارند تحمل کنند. یودهیشتیرا نباید فکر کند که در زندگی گذشته‌اش گناهایی را مرتکب شده است و از نتایج آن رنج می‌برد. حتی پرهیزگارترین فرد نیز باید از شرایط طبیعت مادی رنج ببرد. اما یک فرد پرهیزگار به خداوند ایمان دارد، چرا که وی تحت هدایت برهماناها و وایشناوای معتبر به پیروی از اصول مذهبی می‌پردازد. این سه اصل هدایت‌گر باید هدف زندگی باشند. حتی کنترل‌کننده‌ی بزرگ جهان، برهماجی، نیز تحت کنترل زمان است. بنابراین حتی اگر یک فرد پیرو واقعی اصول مذهبی باشد، نباید نسبت به کنترل شدن توسط زمان احساس اکراه و ناراضی‌ت می‌کند.

آیه ۱۵

yatra dharma-suto rājā
gadā-pāṇir vṛkodarah

*kṛṣṇo 'strī gāṇḍivam cāpaṁ
suhṛt kṛṣṇas tato vipat*

yatra: جایی که وجود دارد؛ dharmā-sutaḥ: پسر دهاراماراج؛ rājā: پادشاه؛ gadā-
pāṇih: با گرز قدرتمندش در دست؛ vṛkodaraḥ: بهیما؛ kṛsnaḥ: آرجونا؛ aśtrī: حامل
gāṇḍivam: گاندیو؛ cāpaṁ: کمان؛ suhṛt: خیرخواه؛ kṛṣṇaḥ: خداوند کریشنا
شخصیت خداوند؛ tataḥ: از آن؛ vipat: برعکس.

ترجمه

تأثیر زمان غیرقابل اجتناب، چقدر اعجاب‌انگیز است. این تأثیری
برگشت‌ناپذیر است؛ وگرنه در زمان حضور پادشاه یودهیشتیرا، پسر خداوندگار
کنترل‌کننده‌ی دین، بهیما، جنگجوی بزرگ با گرز، کمان‌گیر بزرگ آرجونا با
سلاح قدرتمندش گاندیو، و بالاتر از همه، خداوند، خیرخواه مستقیم پانداواها،
چگونه می‌تواند بدبختی‌ای وجود داشته باشد؟

شرح

پانداواها در ارتباط با منابع مادی یا روحانی مورد نیاز هیچ کمبودی نداشتند. آنها به لحاظ مادی
به خوبی تجهیز شده بودند؛ چرا که دو جنگاور بزرگ یعنی بهیما و آرجونا در میان آنان حضور
داشتند. به لحاظ روحانی، خود پادشاه نماد مذهب بود و بالاتر از همه‌ی ایشان شخصیت خداوند،
شری کریشنا حاضر بود که به صورت یک خیرخواه مراقب امور ایشان بود. و با این حال بسیاری
بدبختی‌ها در جبهه‌ی پانداواها وجود داشت. علی‌رغم قدرت اعمال پرهیزگاران، قدرت اشخاص،
قدرت مدیریت متخصص و قدرت سلاح‌ها تحت هدایت مستقیم خداوند کریشنا، پانداواها در
عمل چنان از بدبختی‌های زیادی رنج می‌بردند که آنها را تنها با تأثیر کالا، زمان اجتناب‌ناپذیر
می‌توان توضیح داد. کالا با خود خداوند یکسان است و بنابراین تأثیر کالا بیان‌گر تمایل غیرقابل
توضیح خود خداوند است. هنگامی که امری خارج از کنترل هر انسانی باشد چیزی برای
سوگواری وجود ندارد.

na hy asya karhicid rājan
 pumān veda vidhitsitam
 yad vijjñāsayā yuktā
 muhyanti kavayo 'pi hi

na: هرگز؛ hi: قطعاً؛ asya: مربوط به او (خداوند)؛ karhicid: هر آنچه؛ rājan: ای پادشاه؛
 pumān: هر کسی؛ veda: می‌داند؛ vidhitsitam: طرح و برنامه؛ yat: آنچه؛ vijjñāsayā:
 با جستجوی کامل؛ yuktā: مشغول در؛ muhyanti: گیج شدند؛ kavayah: فیلسوف‌های
 بزرگ؛ api: حتی؛ hi: قطعاً.

ترجمه

ای پادشاه، هیچ‌کس برنامه‌ی خداوند (شری کریشنا) را نمی‌داند. حتی
 فیلسوفان بزرگ که مشغول جستجوهای کامل هستند، در این‌باره گیج و
 سرگردان می‌شوند.

شرح

گیجی ماهاراج یودهیشیتیرا در مورد گناهان گذشته‌اش و نتایج رنج‌آور آنها و غیره در این‌جا
 توسط مرجع بزرگ بهیشمادو (یکی از دوازده مرجع معتبر) کاملاً رد می‌شود. بهیشمادو
 می‌خواست به ماهاراج یودهیشیتیرا یادآوری کند که از دیرزمان، هیچ‌کس حتی خداوندگارانی
 همچون شیوا و برهما، نمی‌توانستند برنامه‌ی واقعی خداوند را بدانند. بنابراین ما از آن چه درک
 می‌کنیم؟ جستجو در مورد آن نیز بی‌فایده است. حتی جستجوهای کامل فلسفی حکیمان نیز
 نمی‌تواند برنامه‌ی خداوند را معلوم کند. بهترین سیاست صرفاً اطاعت از دستورات خداوند بی
 هیچ بحث و جدلی است. رنج‌های پانداواها هرگز به خاطر اعمال گذشته‌ی ایشان نبود. خداوند
 خواستار اجرای برنامه‌ی استقرار پادشاهی پرهیزگاران بود و بنابراین عبادانش به صورت موقتی
 به منظور پیروزی پرهیزگاری رنج کشیدند. بهیشمادو قطعاً از دیدن پیروزی پرهیزگاری راضی
 شده بود و از مشاهده‌ی پادشاه یودهیشیتیرا بر تخت سلطنت خوشحال بود؛ گرچه خود در مقابل
 او جنگیده بود. حتی جنگجوی بزرگی مانند بهیشما نمی‌توانست پیروز جنگ کوروکشترا باشد؛
 چرا که خداوند می‌خواست نشان دهد فارغ از آنکه چه کسی سعی در انجام گناه و فساد دارد،
 گناه نمی‌تواند بر پرهیزگاری غلبه کند. بهیشمادو عابد بزرگ خداوند بود اما وی جنگ با پانداواها

را بر اساس اراده‌ی خداوند پذیرفت؛ چرا که خداوند می‌خواست نشان دهد که حتی جنگجویی مانند بهیشمادو نیز نمی‌تواند در جبهه‌ی بدکاران برنده‌ی این جنگ باشد.

آیه ۱۷

*tasmād idam daiva-tantram
vyavasya bharatarṣabha
tasyānuvihito 'nāthā
nātha pāhi prajāḥ prabho*

tasmād: بنابراین؛ *idam*: این؛ *daiva-tantram*: تنها مسحور فضل الهی؛ *vyavasya*: معلوم؛ *bharata-ṛṣabha*: ای بهترین در میان نوادگان بهارات؛ *tasya*: توسط او (خداوند)؛ *anuvihitaḥ*: آن‌گونه که تمایل داشت؛ *anāthāḥ*: بیچاره؛ *nātha*: ای ارباب؛ *pāhi*: تنها مراقب؛ *prajāḥ*: مربوط به زیردستان؛ *prabho*: این خداوند.

ترجمه

ای بهترین در میان نوادگان بهاراتا (یودهیشتیرا)، بنابراین چنین می‌بینم که تمام اینها در برنامه‌ی خداوند قرار داشت. با پذیرش برنامه‌ی غیرقابل درک خداوند، تو باید از آن پیروی کنی. در حال حاضر تو فرد منصوب شده برای حکومت هستی، و ارباب من، تو باید مراقب زیردستانی باشی که اکنون درمانده شده‌اند.

شرح

یک ضرب‌المثل می‌گوید که یک زن خانه‌دار با آموزش دادن به دختر خویش، عروسش را تعلیم می‌دهد. مشابهاً خداوند نیز با آموزش به عابد، جهان را تعلیم می‌دهد. عابد مجبور به یادگیری هیچ چیز جدیدی از خداوند نیست؛ چرا که خداوند همواره از درون مشغول تعلیم عابد خود است. بنابراین، نمایش آموزش به یک عابد، درست مانند آموزش‌های بهاگاواد-گیتا، تنها برای آموزش کم‌خردان است. بنابراین وظیفه‌ی یک عابد، پذیرش بی‌چون و چرای مصائب از سوی خداوند به صورت یک برکت است. بهیشمادو به پانداواها توصیه کرد که مسئولیت حکومت را بدون درنگ

بپذیرند. زیردستان بدبخت به دلیل جنگ کوروکشتر با دون حفاظت باقی مانده بودند و منتظر پذیرش قدرت توسط ماهاراج یودهیشتیرا بودند. یک عابد پاک خداوند مصائب را به عنوان الطاف خداوند می‌پذیرد. از آن جایی که خداوند مطلق است، هیچ تفاوت مادی میان این دو (مصائب و الطاف) وجود ندارد.

آیه ۱۸

*eṣa vai bhagavān sākṣāt
ādyo nārāyaṇaḥ pumān
mohayan māyayā lokam
gūḍhaś carati vṛṣṇiṣu*

eṣaḥ: این؛ *vai*: قطعاً؛ *bhagavān*: شخصیت خداوند؛ *sākṣāt*: اصلی؛ *ādyah*: اولین؛ *nārāyaṇaḥ*: خداوند متعال (که در آب دراز کشیده است)؛ *pumān*: لذت‌برنده‌ی متعال؛ *mohayan*: گیج‌کننده؛ *māyayā*: با انرژی خلق شده توسط خود؛ *lokam*: سیارات؛ *gūḍhaś*: کسی که غیرقابل درک است؛ *carati*: حرکت می‌کند؛ *vṛṣṇiṣu*: در میان خاندان وریشنی.

ترجمه

این شری کریشنا هیچ تفاوتی با شخصیت ازلی و غیرقابل درک خداوند ندارد. او اولین نارایان، و لذت‌برنده‌ی متعال است. اما او در میان نوادگان پادشاه وریشنی همانند یکی از ما حرکت می‌کند و ما را با انرژی خلق شده توسط خود گیج می‌کند.

شرح

سیستم ودایی کسب دانش، فرایندی استقرایی است. دانش ودایی به طور کامل از طریق سلسله‌ی پیران آغاز شده از سوی مراجع دریافت می‌شود. چنین دانشی هرگز آن‌گونه که کم‌خردان می‌پندارند، آمرانه و دستوری نیست. مادر مرجعیت شناسایی هویت پدر است. وی مرجع چنین دانش محرمانه‌ای است. بنابراین، مرجعیت خشک و تحکم‌آمیز نیست. در بهاگاواد-

گیتا این حقیقت در فصل چهارم تأیید شده است (ب.گ. ۲/۴) و سیستم کامل آموزش، دریافت آن از مرجعیت است. همین سیستم به صورت جهانی به عنوان یک حقیقت پذیرفته شده است و تنها مباحثه‌کنندگان کاذب بر علیه آن سخن می‌رانند. برای مثال، سفینه‌ی مدرن در آسمان حرکت می‌کند و هنگامی که دانشمندان می‌گویند که به سوی دیگر ماه سفر می‌کند، مردم به طور کورکورانه این داستان‌ها را باور می‌کنند؛ چرا که آنها دانشمندان مدرن را به عنوان مرجع پذیرفته‌اند. مراجع سخن می‌گویند و عموم مردم آنها را باور می‌کنند. اما در مورد حقایق ودایی، به مردم آموزش داده شده است که آنها را باور نکنند. حتی اگر آنها را بپذیرند، تفاسیر مختلفی در مورد آنها ارائه می‌کنند. هرکسی خواستار درک مستقیم دانش ودایی است اما آنها به صورت احمقانه‌ای آن را رد می‌کنند. این بدان معناست که گمراهان می‌توانند مرجعیت دانشمندان را باور کنند اما مرجعیت وداها را رد می‌کنند. نتیجه آن است که مردم فاسد شده‌اند.

در این جا یک مرجع در مورد کریشنا به عنوان شخصیت اصلی خداوند و نخستین نارایان صحبت می‌کند. حتی بی‌هویت‌گرایان همچون شانکارا آچاریا نیز در ابتدای تفسیر خود بر بهاگاواد-گیتا گفته است که نارایان، شخصیت خداوند، ورای خلقت مادی است. جهان تنها یکی از خلقت‌های مادی است اما نارایان ورای چنین تعلقات مادی قرار دارد.

بهیشمادو یکی از دوازده ماهاجانایی بود که اصول دانش روحانی را می‌دانستند. تصدیق وی مبنی بر اینکه خداوند شری کریشنا همان شخصیت اعلای خداوند است، توسط شانکارای بی‌هویت‌گرا نیز تأیید شده است. تمام آچاریاهای دیگر نیز این ادعا را تأیید کرده‌اند و بنابراین هیچ فرصتی برای نپذیرفتن خداوند شری کریشنا به عنوان شخصیت اصلی خداوند وجود ندارد. بهیشمادو می‌گوید که او نارایان اول است. برهماجی در شریماد-بهاگاواتام (۱۴/۱۴/۱۰) نیز این موضوع را تأیید می‌کند. کریشنا نارایان اول است. در دنیای روحانی (وایکونتها) بی‌نهایت نارایان وجود دارند که همگی همان شخص خداوند هستند و به عنوان بسط‌های کامل شخصیت اصلی خداوند، شری کریشنا مطرح می‌شوند. خداوند شری کریشنا نخست خود را به شکل بالادو بسط می‌دهد، و بالادو خود را به بسیاری فرم‌های دیگر، مانند سانکارشانا، پرادایومنا، آنیرودها، وآسودوا، نارایانا، پوروша، راما و نرسیمها بسط می‌دهد. تمام این بسط‌ها یکی، و همگی ویشنو-تاتوا (*viṣṇu-tattva*) هستند و شری کریشنا منبع اصلی تمام بسط‌های کامل است. پس او شخصیت اصلی خداوند است. او خالق جهان مادی، و تمثال غالب شناخته شده به عنوان نارایان در تمام سیارات وایکونتها است. بدین ترتیب، حرکات وی در میان انسان‌ها نوع دیگری از بهت و سردرگمی را پدید می‌آورند. بنابراین خداوند در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید که نادانان وی را بدون

آگاهی از پیچیدگی فعالیت‌هایش، یکی از انسان‌ها می‌پندارند. سرگشتگی و گیجی مربوط به شری کریشنا به دلیل عملکرد دوگانه‌ی انرژی‌های بیرونی و درونی وی بر روی انرژی سوم، با نام انرژی حاشیه‌ای است. موجودات زنده بسط‌های انرژی حاشیه‌ای هستند و بنابراین آنها بعضی مواقع توسط انرژی درونی و بعضی مواقع توسط انرژی بیرونی گیج و سردرگم می‌شوند. با گیجی ناشی از انرژی درونی، شری کریشنا خود را به شکل بی‌نهایت نارایان بسط می‌دهد و به تبادل یا پذیرش خدمت عاشقانه‌ی متعال از موجودات زنده در دنیای روحانی می‌پردازد. و به منظور استقرار مجدد رابطه فراموش شده خویش با موجودات زنده، با بسط‌های انرژی بیرونی خویش، در دنیای مادی انسان‌ها، حیوانات یا خداوندگاران و در میان انواع مختلف حیات ظهور می‌کند. اما مراجع بزرگی همچون بهیشمادو با لطف خداوند از چنین سرگشتگی رهایی می‌یابند.

آیه ۱۹

*asyānubhāvaṁ bhagavān
veda guhyatamaṁ śivaḥ
devarṣir nāradaḥ sākṣāḍ
bhagavān kaṭilo nṛpa*

asya: مربوط به او؛ *anubhāvam*: شکوه؛ *bhagavān*: قدرتمندترین؛ *veda*: می‌داند؛ *guhya-tamam*: بسیار محرمانه؛ *śivaḥ*: خداوندگار شیوا؛ *deva-rṣiḥ*: حکیم بزرگ در میان خداوندگاران؛ *nāradaḥ*: نارادا؛ *sākṣāt*: مستقیماً؛ *bhagavān*: شخصیت خداوند؛ *kaṭilāḥ*: کاپیلا؛ *nṛpa*: ای پادشاه.

ترجمه

ای پادشاه، خداوندگار شیوا، نارادا، حکیم در میان خداوندگاران و کاپیلا، ظهور خداوند، همگی از طریق تماس مستقیم در مورد شکوه خداوند مطالب بسیار محرمانه‌ای می‌دانستند.

شرح

عابدان پاک خداوند همگی بهاوا یا اشخاصی هستند که شکوه خداوند را در خدمت‌های عاشقانه و روحانی می‌دانند. همان‌طور که خداوند بسط‌های بی‌نهایتی در شکل کامل خویش دارد، عابدان پاک بی‌شمار خداوند وجود دارند که در تبادل خدمت به حالات مختلف مشغول هستند. اصولاً دوازده عابد بزرگ خداوند به نام‌های برهما، نارادا، شیوا، کومارا، کاپیلا، مانو، پراهلا، بهیشما، جاناکا، شوکادو گوسوامی، بالی ماهاراج و یاماراج وجود دارد. بهیشمادو، گرچه یکی از ایشان است، تنها سه نام مهم از میان این دوازده فردی که شکوه خداوند را به خوبی می‌دانستند بیان کرده است. شریلا ویشواناتها چاکراواتی تهاکور، یکی از آچارایهای بزرگ در عصر مدرن، توضیح می‌دهد که آنوبهاوا (*anubhāva*) یا شکوه خداوند، در ابتدا توسط یک عابد واقع در شعف با تجلی نشانه‌های تعریق، لرزه، گریستن، جوش روی بدن و غیره مشخص می‌شود و بعدها به تدریج با درک شکوه خداوند افزون می‌گردد. چنین ادراکات مختلفی از بهاوا در تعاملات بین یاشودا و خداوند (هنگام بستن خداوند با طناب) و در ارابه‌رانی خداوند میان وی و آرجونا دیده می‌شود. این شکوه و عظمت خداوند هنگامی که وی تابع عابدان خویش می‌شود، نشان داده می‌شود و این جنبه‌ای دیگر از شکوه خداوند است. شوکادو گوسوامی و کوماراه، گرچه در موقعیتی روحانی قرار داشتند، با جنبه‌ای دیگر از بهاوا متحول شدند و به عابدان پاک خداوند بدل گشتند. مصائب و رنج‌هایی که توسط خداوند به عابدان تحمیل می‌شود، نوعی دیگر از تبدلات بهاوای متعال میان خداوند و عابدان است. خداوند می‌فرماید: "من عابدانم را در معرض مشکل و سختی قرار می‌دهم و بدین ترتیب، عابدانم در تبادل بهاوای متعال با من پاک‌تر می‌شوند." قرار دادن عابد در مشکلات مادی برای رهایی وی از روابط مادی توهمی واجب و الزامی است. روابط مادی بر اساس تبادل لذت مادی بنا شده است، که خود اصولاً وابسته به منابع مادی است. بنابراین، هنگامی که خداوند منابع مادی را پس می‌گیرد، عابد صد درصد مجذوب خدمت عاشقانه‌ی متعال خداوند می‌گردد. بدین ترتیب، خداوند ارواح فروافتاده را از باتلاق موجودیت مادی می‌رهاند. مشکلات عرضه شده توسط خداوند به عابدش متفاوت از مشکلات و مصائب منتج از اعمال گناه‌آلود و ناپاک است. همان‌گونه که بیان شد شکوه و عظمت خداوند به طور ویژه برای ماهاجاناهای بزرگ همچون برهما، شیوا، نارادا، کاپیلا، کومارا و بهیشما آشکار است و شخص می‌تواند با لطف ایشان این شکوه را درک کند.

آیه ۲۰

yam manyase mātuleyam

*priyaṁ mitraṁ suhṛttamam
akaroḥ sacivaṁ dūtaṁ
sauhṛdād atha sārathim*

yam: شخص؛ manyase: تو فکر می‌کنی؛ mātuleyam: پسر دایی؛ priyam: بسیار عزیز؛
mitram: دوست؛ suhṛt-tamam: خیرخواه واقعی؛ akaroḥ: انجام شده؛ sacivam
مشاور؛ dūtam: پیام آور؛ sauhṛdāt: با عزم راسخ؛ atha: بی درنگ؛ sārathim: ارباب‌ران.

ترجمه

ای پادشاه، آن شخصیتی که تنها از سر جهل، تو چنین می‌پنداشتی که
پسردایی، دوست بسیار صمیمی، خیرخواه، مشاور، پیام‌آور و ... دوست، همانا
شخصیت خداوند، شری کریشنا است.

شرح

خداوند شری کریشنا گرچه نقش پسردایی، برادر، دوست، خیرخواه، مشاور و پیام‌آور پانداواها را
ایفا می‌نمود، با این حال شخصیت‌اعلای خداوند بود. او، از سر لطف و محبت بی‌دلیل خویش
نسبت به عابدان پاکش، تمام این خدمات را انجام می‌داد؛ اما این بدان معنا نیست که وی
جایگاه و موقعیت خویش به عنوان شخصیت مطلق را تغییر داده است. اندیشیدن به او به عنوان
یک انسان معمولی، زمخت‌ترین نوع جهل است.

آیه ۲۱

*sarvātmanaḥ sama-dṛśo
hy advayasyānahaṅkṛteḥ
tat-kṛtaṁ mati-vaiṣamyam
niravadyasya na kvacit*

sarva-ātmanaḥ: مربوط به او که در قلب همگان حاضر است؛ sama-dṛśaḥ: مربوط به
او که به صورت یک انسان نسبت به همه مهربان است؛ hi: قطعاً؛ advayasya: مربوط به
مطلق؛ anahaṅkṛteḥ: آزاد از تمام هویت‌های مادی منیت کاذب؛ tat-kṛtaṁ: هر آنچه

توسط وی انجام می‌شود؛ *mati*: آگاهی؛ *vaiṣamyam*: تمایز؛ *niravadyasya*: آزاد از هر دلبستگی؛ *na*: هرگز؛ *kvacit*: در هر مرحله‌ای.

ترجمه

وی که شخصیت مطلق خداوند است، در قلب همگان حضور دارد. او به صورت یکسانی نسبت به همه مهربان است و از هر نوع منیت کاذب متمایزکننده آزاد است. او در تعادل کامل قرار دارد.

شرح

از آن‌جا که او مطلق است، هیچ چیز متفاوتی از وی وجود ندارد. او کایوالیا (*kaivalya*) است؛ یعنی چیزی غیر از او وجود ندارد. همه چیز و همه کس تجلی انرژی اوست و بدین ترتیب او در با انرژی خود که غیرمتفاوت از اوست، در همه‌جا حضور دارد. خورشید با هر سانتی‌متر از اشعه‌ی خورشید و هر مولکول جزئی از این اشعه‌ها قابل شناسایی است. مشابهاً خداوند توسط انرژی‌های مختلفش منتشر می‌گردد. او پاراماتا یا روح متعال، حاضر در قلب همگان به صورت هدایت‌گر مطلق است و بنابراین او همواره ارابه‌ران و مشاور تمام موجودات زنده است. بنابراین، هنگامی که وی خود را به صورت ارابه‌ران آرجونا نشان داد، هیچ تغییری در موقعیت متعال او رخ نداد. این تنها قدرت خدمت عابدانه است که وی را به صورت ارابه‌ران یا پیام‌آور نشان می‌دهد. از آن‌جایی که او هیچ ارتباطی با ادراک مادی حیات ندارد چرا که وی هویت روحانی مطلق است، هیچ عمل اعلا تر و پست‌تری برای وی وجود ندارد. او با شخصیت مطلق خداوند بودن خویش، منیت کاذب ندارد و بنابراین خود را با هیچ چیز متفاوتی با خود، هم‌هویت نمی‌داند. ادراک مادی منیت در وی در تعادل کامل است. بنابراین وی با پذیرش نقش ارابه‌ران عابد پاک خود، احساس پایین‌تر بودن نمی‌کند. این تنها شکوه عابد پاک است که می‌تواند سبب شود خدمتی از سوی خداوند مهربان صورت پذیرد.

آیه ۲۲

tathāpy ekānta-bhakteṣu
paśya bhūpānukampitam
yan me 'sūms tyajataḥ sākṣāt

kṛṣṇo darśanam āgataḥ

tathāpi: هنوز، با این حال؛ *ekānta*: بدون لغزش؛ *bhakteṣu*: نسبت به عابدان؛ *paśya*: این را ببین؛ *bhū-ṣa*: ای پادشاه؛ *anukampitam*: چقدر مهربان؛ *yat*: برای آن؛ *me*: مال من؛ *asūn*: زندگی؛ *tyajataḥ*: در حال پایان؛ *sākṣāt*: مستقیماً؛ *kṛṣṇaḥ*: شخصیت خداوند؛ *darśanam*: در برابر دیدگان من؛ *āgataḥ*: به صورت پرلطف آمده است.

ترجمه

با این حال، علی رغم یکسان بودن خداوند در مهربانی نسبت به همگان، اینک که من در حال گذراندن آخرین لحظات زندگی‌ام هستم، او با لطف فراوان نزد من آمده است؛ چرا که من خادم ثابت قدم او می‌باشم.

شرح

خداوند متعال، شخصیت مطلق خداوند، شری کریشنا، گرچه نسبت به همگان یکسان است، با این حال نسبت به عابدان ثابت قدم خود که به طور کامل تسلیم وی هستند و کس دیگری را به عنوان حافظ و ارباب خویش نمی‌شناسند، تمایل بیشتری دارد. وجود ایمان خدشه‌ناپذیر به خداوند متعال به عنوان حافظ، دوست و ارباب فرد، شرایط بدیهی زندگی ابدی است. موجود زنده به اراده‌ی خداوند به گونه‌ای خلق شده است که با قرار دادن خود در شرایط وابستگی مطلق به شادترین حالات خواهد رسید.

تمایل مخالف این، دلیل سقوط است. موجود زنده با اندکی سوء شناخت در مورد استقلال کامل خود برای خداوندی بر دنیای مادی تمایل به این نوع سقوط را داراست. دلیل بنیادی تمام مشکلات در این منیت کاذب نهفته است. شخص باید تحت هر شرایطی به سمت خداوند حرکت کند.

حضور خداوند کریشنا در بستر احتضار بهیشتماجی به خاطر آن است که وی عابد ثابت‌قدم خداوند است. آرجونا نوعی رابطه‌ی بدنی با کریشنا داشت؛ چرا که خداوند پسر دایی وی محسوب می‌گردید. اما بهیشتما چنین رابطه‌ی بدنی با خداوند نداشت. بنابراین علت این جاذبه، تنها رابطه‌ی نزدیک و صمیمانه‌ی روح‌ها بود. با این حال به خاطر آنکه رابطه‌ی بدنی بسیار لذت‌بخش و طبیعی است، خداوند هنگامی که به صورت پسر ماهاراج ناندا، پسر یاشودا یا عاشق

رادهارانی مخاطب قرار می‌گیرد، بسیار راضی‌تر می‌شود. این محبت بر اساس رابطه‌ی بدنی با خداوند وجه دیگری از خدمات عاشقانه‌ی متقابل با خداوند است. بهیشمادو از شیرینی این کنایه‌ی روحانی آگاه بود و بنابراین دوست داشت خداوند را به صورت ویجایا-ساکهه (Vijaya-Sakhe)، پارتها-ساکهه (Pārtha-Sakhe) و غیره، درست همانند ناندا-ناندانا یا یاشودا-ناندانا مخاطب خود قرار دهد. بهترین راه برای ایجاد رابطه در شیرینی متعال، نزدیک شدن به خداوند از طریق عابدان سرشناس اوست. فرد نباید برای ایجاد رابطه‌ی مستقیم تلاش کند. این رابطه باید از طریق یک میانجی شفاف و شایسته برای هدایت ما در مسیر مستقیم صورت پذیرد.

آیه ۲۳

*bhaktyāveśya mano yasmin
vācā yan-nāma kīrtayan
tyajan kalevaram yogi
mucyate kāma-karmabhiḥ*

bhaktyā: با توجه عاشقانه؛ *āveśya*: مراقبه؛ *manaḥ*: ذهن؛ *yasmin*: در افرادی؛ *vācā*: با کلام؛ *yat*: کریشنا؛ *nāma*: نام مقدس؛ *kīrtayan*: با ذکر؛ *tyajan*: ترک؛ *kalevaram*: این بدن مادی؛ *yogi*: عابد؛ *mucyate*: رها می‌شود؛ *kāma-karmabhiḥ*: از اعمال ثمربخش.

ترجمه

شخصیت‌اعلای خداوند، که با عبودیت توأم با توجه، مراقبه، و ذکر نام مقدس در ذهن عابد ظاهر می‌گردد، در زمان ترک بدن مادی عابد را از قید اعمال ثمربخش رها می‌سازد.

شرح

یوگا یعنی تمرکز ذهن منقطع از دیگر موضوعات. و چنین تمرکزی در واقع سامادهی (*samādhi*) یا اشتغال صد درصد در خدمت خداوند است. و فردی که توجه خود را به این شیوه

متمرکز می‌سازد، یوگی نامیده می‌شود. چنین عابد یوگی خداوند خود را بیست و چهار ساعته مشغول خدمت خداوند می‌کند؛ به نحوی که کل توجه او جلب اندیشه به خداوند در خدمت‌های عابدانه‌ی نه‌گانه یعنی شنیدن، ذکر کردن، به یاد آوردن، پرستش کردن، دعا کردن، خادم داوطلب شدن، انجام فرامین و دستورات، ایجاد یک رابطه‌ی دوستانه، یا تقدیم هر آنچه شخص ممکن است داشته باشد در خدمت خداوند، می‌شود. با چنین تمرین یوگایی، یا اتصال در خدمت خداوند، به همان طریقی که در بهاگاواد-گیتا در ارتباط با اعلاترین مرحله‌ی کمال ساماده‌ی توضیح داده شده است، فرد توسط خود خداوند به رسمیت شناخته می‌شود. خداوند چنین عابد نادری را بهترین در میان یوگی‌ها می‌خواند. چنین یوگی کاملی به لطف خداوند قادر می‌شود تا ذهن خود را با آگاهی کامل بر خداوند متمرکز نماید و بدین ترتیب با ذکر نام‌های مقدس خداوند پیش از ترک بدن، یوگی بلافاصله توسط انرژی درونی خداوند به یکی از سیارات جاودانی که در آن هرگز موضوعی مرتبط با زندگی مادی و عوامل پیوسته به آن وجود ندارد، منتقل می‌شود. در موجودیت مادی یک موجود زنده باید شرایط مادی رنج‌های سه‌گانه را زندگی پس از زندگی بر اساس اعمال ثمربخش خود تحمل کند. چنین زندگی مادی‌ای تنها توسط آرزوهای مادی تولید شده است. خدمت عابدانه به خداوند آرزوهای طبیعی موجود زنده را نمی‌کشد، بلکه آنها را در مسیر صحیح خدمت عابدانه به کار می‌گیرد. این امر آرزوها را برای انتقال به آسمان روحانی تغییر می‌دهد. ژنرال بهیشمادو به نوع خاصی از یوگا به نام بهاکتی - یوگا اشاره می‌کند و او آن قدر خوشبخت است که خداوند را به صورت مستقیم در هنگام ترک بدن مادی خویش حاضر می‌یابد. بنابراین او در آیات بعد آرزو می‌کند که خداوند در برابر دیدگان او باقی بماند.

آیه ۲۴

*sa deva-devo bhagavān pratikṣatām
kalevaram yāvad idam hinomy aham
prasanna-hāsāruṇa-locanollasan-
mukhāmbujo dhyāna-ṭhaś catur-bhujah*

saḥ: او (خداوند)؛ *deva-devaḥ*: خداوند متعال تمام خداوندان؛ *bhagavān*: شخصیت خداوند؛ *pratikṣatām*: خواهش می‌کنم صبر کن؛ *kalevaram*: بدن؛ *yāvad*: تا هنگامی که؛ *idam*: این (بدن مادی)؛ *hinomi*: ممکن است ترک کند؛ *aham*: من؛ *prasanna*: با

خوشحالی؛ *hāsa*: خنده؛ *aruna-locana*: چشمانی سرخ همچون خورشید صبحگاهی؛ *ullasat*: به زیبایی آراسته شده؛ *mukha-ambujah*: گل نیلوفر صورت خداوند؛ *-dhyāna*؛ *pathah*: در مسیر تمرکز من؛ *catuṛ-bhujah*: فرم چهاردست نارایان (دیتی پرستش شده توسط بهیشمادو).

ترجمه

باشد که خداوندم، که چهاردست است و صورت نیلوفرینش با چشمانی سرخ همچون خورشید صبحگاهی به زیبایی آراسته شده است و می‌خندد، با لطف فراوان منتظر آن لحظه‌ای باشد که من این بدن مادی را ترک می‌کنم.

شرح

بهیشمادو به خوبی می‌دانست که خداوند کریشنا نارایان ازلی و اصلی است. دیتی پرستش شده بهیشمادو نارایان چهاردست بود، اما او می‌دانست که نارایان چهاردست بسط کامل خداوند کریشنا است. وی به طور غیرمستقیم آرزو داشت خداوند شری کریشنا خود را در وجه چهاردست نارایان ظاهر سازد. یک وایشناو همواره در رفتار خود متواضع است. گرچه صد درصد قطعی است که بهیشمادو پس از ترک این بدن مادی راهی وایکونتها دهاما می‌شود، با این حال به عنوان یک وایشناو متواضع خواستار رؤیت صورت زیبای خداوند است، چرا که پس از ترک این بدن او ممکن است در موقعیتی نباشد که خداوند را ببیند. یک وایشناو مغرور نیست، گرچه خداوند ورود به قلمروی خویش را برای عابد پاکش تضمین می‌کند. در این جا بهیشمادو می‌گوید: «تا هنگامی که این بدن را ترک نکرده‌ام». این بدان معناست که ژنرال بزرگ بدن خود را با اراده‌ی خویش ترک خواهد کرد. او توسط قوانین طبیعت به این کار مجبور نمی‌شود. او چنان قدرتمند است که می‌تواند تا زمانی که بخواهد در این بدن باقی بماند. او این برکت را از پدرش دریافت کرده بود. او آرزو داشت که خداوند در شکل نارایانای چهاردست خود پیش وی باقی بماند؛ به نحوی که وی بتواند بر او تمرکز کند و در آن مراقبه در شمع واقع گردد. آنگاه ذهن او با اندیشه به خداوند پاک می‌گردد و بدین ترتیب برای او فرقی نمی‌کرد که ممکن است به کجا برود. یک عابد پاک هرگز بسیار مشتاق بازگشت به مُلک خداوند نیست. او کاملاً به میل خداوند وابسته است. او همواره در خود راضی است؛ حتی اگر خداوند بخواهد او را به جهنم بفرستد. تنها آرزوی یک عابد پاک آن است که همواره با اندیشیدن به قدوم نیلوفرین خداوند در توجه کامل به خداوند باقی

بماند. بهیشمادو تنها این را می‌خواست: اینکه ذهن او مجذوب در اندیشه‌ی خداوند باشد و در چنین حالتی این جهان را ترک کند. این بالاترین آرزوی یک عابد پاک است.

آیه ۲۵

sūta uvāca
yudhiṣṭhiras tad ākarṇya
śayānam śara-pañjare
aṅgachad vividhān dharmān
ṛṣiṇām cānuśṛṇvatām

sūtaḥ uvāca: شری سوتا گوسوامی گفت؛ *yudhiṣṭhiraḥ*: پادشاه یودهیشتیرا؛ *tat*: آن؛ *ākarṇya*: شنیدن؛ *śayānam*: دراز کشیده؛ *śara-pañjare*: در بستر تیرها؛ *aṅgachat*: پرسید؛ *vividhān*: متنوع؛ *dharmān*: وظایف؛ *ṛṣiṇām*: مربوط به ریشی‌ها؛ *ca*: و؛ *anuśṛṇvatām*: شنیدن پس از.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: ماهاراج یودهیشتیرا، پس از شنیدن سخنان بهیشمادو با آن لحن خوشایند، در حضور تمام حکیمان و ریشی‌های بزرگ از وی در مورد اصول اساسی وظایف مختلف دینی پرسید.

شرح

بهیشما، که با لحنی خوشایند و جذاب سخن می‌گفت، ماهاراج یودهیشتیرا را متقاعد نمود که خود به زودی درخواهد گذشت. و ماهاراج یودهیشتیرا توسط خداوند کریشنا از درون تشویق شد که از بهیشمادو در مورد اصول دین بپرسد. خداوند شری کریشنا ماهاراج یودهیشتیرا را از درون برانگیخت تا در حضور تعداد زیادی از حکیمان از بهیشمادو پرسش کند، و این امر بیانگر آن است که عابدی همچون بهیشمادو گرچه به ظاهر همانند یک انسان دنیوی زندگی می‌کند، بسیار اعلا تر از بسیاری از حکیمان حتی ویاسادو است. نکته‌ی دیگر آن است که بهیشمادو در آن زمان نه تنها در بستری از تیرها دراز کشیده بود؛ بلکه از چنین حالتی بسیار غمگین بود.

هیچ کس نباید در چنان حالی از او چیزی می‌پرسید، اما خداوند کریشنا می‌خواست اثبات کند که عابدان پاکش با وجود بینش روحانی در بدن و ذهن، همواره سالم هستند و بدین ترتیب یک عابد خداوند در هر موقعیتی که باشد، در شرایط کامل و مناسب برای صحبت کردن در مورد روش صحیح زندگی است. یودهیشتیرا نیز ترجیح می‌داد که پرسش‌های دشوار خود را با پرسش از بهیشمادو حل کند تا آنکه آن پرسش‌ها را از دیگر حاضران در آن جمع که به نظر می‌رسید حکیم‌تر از بهیشمادو هستند، بپرسد. اینها همه به دلیل ترتیباتی است که توسط خداوند کریشنا ی عالی‌مقام چرخ [اشاره به صحنه‌ای که در آن خداوند کریشنا چرخ ارابه را از جا کنده و به سمت بهیشمادو یورش می‌برد- م] ایجاد شده است؛ کسی که شکوه عبادانش را برقرار می‌سازد. پدر دوست دارد ببیند که پرسش از خودش مشهورتر می‌شود. خداوند مؤکداً اعلام می‌کند که پرستش عابدش از پرستش خود وی ارزشمندتر است.

آیه ۲۶

puruṣa-sva-bhāva-vihitān
yathā-varṇam yathāśramam
vairāgya-rāgopādhibhyām
āmnāto bhaya-lakṣaṇān

puruṣa: موجود زنده؛ *sva-bhāva*: با کیفیات کسب شده‌ی خویش؛ *vihitān*: تجویز شده؛
yathā: بر اساس؛ *varṇam*: طبقه‌بندی اجتماعی (کاست‌ها)؛ *yathā*: بر اساس؛
āśramam: مراتب زندگی؛ *vairāgya*: انقطاع؛ *rāga*: دلبستگی؛ *upādhibhyām*: از روی
چنین تعلقاتی؛ *āmnāta*: به صورت سیستمی؛ *ubhaya*: هر دو؛ *lakṣaṇān*: نشانه‌ها.

ترجمه

با پرسش‌های ماهاراج یودهیشتیرا، بهیشمادو در ابتدا تمام طبقه‌بندی‌ها و مراتب زندگی را بر اساس کیفیات فردی تعریف نمود. آنگاه او با روشی معین، به توصیف واکنش‌های عمل به واسطه‌ی انقطاع و تعاملات به واسطه دلبستگی‌ها در این بخش‌های دوگانه، پرداخت.

شرح

ادراک چهار طبقه (کاست) و چهار مرتبه‌ی زندگی، آن‌گونه که توسط خداوند برنامه‌ریزی شده است (ب.گ ۱۳/۴)، شتاب بخشیدن به کیفیات روحانی شخص به نحوی است که وی به تدریج هویت روحانی خود را درک، و بر اساس آن عمل کند تا از بندهای مادی یا زندگی مقید رهایی یابد. تقریباً در تمام پوراناها این موضوع با همین جوهر مطرح شده است و همچنین این موضوع به طور کامل توسط بهیشمادو در شانتی-پاروای (*Śānti-parva*) ماهاپارات، از فصل شانزدهم به بعد، توصیف شده است.

وارناشرام-دهارما (*varṇāśrama-dharma*) برای انسان متمدن تجویز شده است تا به وی چگونگی پایان دادن موفقیت‌آمیز به زندگی انسانی را آموزش دهد. خودشناسی از زندگی حیوانات سطح پایین‌تر که مغشول خوردن، خوابیدن، ترسیدن و جفت‌گیری کردن هستند متمایز است. بهیشمادو برای کل بشریت نه کیفیت را توصیه می‌کند: (۱) خشمگین نشدن؛ (۲) دروغ نگفتن؛ (۳) توزیع کردن برابر ثروت؛ (۴) بخشیدن؛ (۵) بچه‌دار شدن تنها از همسر قانونی؛ (۶) پاک بودن در ذهن و بدن؛ (۷) دشمن هیچ‌کس نبودن؛ (۸) ساده بودن؛ (۹) حفاظت کردن از خادمان یا زیردستان. فرد نمی‌تواند بدون دستیابی به کیفیات اصلی فوق، انسان متمدن خوانده شود. به جز اینها، برهماناها (اشخاص خردمند)، اشخاص اجرایی، جامعه‌ی تجار و طبقه‌ی کارگران باید کیفیات و صفات خاصی را بر اساس وظایف اشتغالی خویش که در تمام متون ودایی ذکر شده است کسب کنند. برای اشخاص خردمند، کنترل حواس ضروری‌ترین کیفیت و صفت است. این پایه‌ی اخلاقیات است. مشغول شدن در عمل جنسی حتی با همسر مشروع نیز باید کنترل شود و بنابراین تنظیم و کنترل خانواده به صورت خود به خود رعایت می‌شود. یک فرد خردمند اگر از مسیر ودایی زندگی پیروی نکند، از کیفیات ارزشمند خویش سوء استفاده نموده است. این بدان معناست که او باید با جدیت به مطالعه‌ی متون ودایی، به خصوص شریما-بهاگاواتام و بهاگاواد-گیتا بپردازد. برای آموختن دانش ودایی، فرد باید نزد کسی برود که کاملاً مشغول خدمت عبادانه است. او نباید کارهایی را انجام دهد که در شاستراها ممنوع شده‌اند. فرد اگر مشروبات الکلی بنوشد یا مواد مخدر و سیگار بکشد، نمی‌تواند یک معلم باشد. در سیستم مدرن آموزش کیفیات علمی معلم بدون ارزیابی زندگی اخلاقی وی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، نتیجه‌ی این آموزش سوء استفاده از خرد و شعور بالا به روش‌های مختلف است.

به کثاتریا، عضو طبقه‌ی اجرایی توصیه می‌شود که صدقه بدهد و تحت هیچ شرایطی صدقه‌ای نپذیرد. مدیران اجرایی مدرن برای انجام بعضی فعالیت‌های سیاسی از مردم پول دریافت

می‌کنند، اما هرگز هیچ فعالیت دولتی را به صورت خیریه برای مردم انجام نمی‌دهند. این دقیقاً برعکس و خلاف قوانین شاستراها است. طبقه‌ی اجرایی باید به خوبی از شاستراها آگاه باشد اما نباید مسئولیت و حرفه‌ی معلمی را بپذیرد. مدیران اجرایی هرگز نباید چنین وانمود کنند که بدون خشونت هستند چرا که در این صورت به جهنم می‌روند. هنگامی که آرجونا می‌خواست به شکل فردی بزدل و بدون خشونت در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا حاضر گردد، به شدت توسط خداوند کریشنا مؤاخذه شد. خداوند در آن زمان آرجونا را به خاطر اعتراف به پذیرش رویه‌ی عدم اعمال خشونت تا موقعیت یک فرد بی‌تمدن تنزل داد. تک تک اعضای طبقه‌ی اجرایی باید آموزش‌های نظامی را پشت سر بگذارند. اشخاص پست و ترسو نباید تنها با تعدادی رأی بر مسند ریاست جمهوری بنشینند. در گذشته پادشاهان همگی اشخاص بسیار دلیری بودند و بنابراین حفظ یک پادشاهی مشروط به آموزش‌های منظم پادشاه در ارتباط با وظایف اشتغالی خود است. در جنگ، پادشاه یا رئیس‌جمهور هرگز نباید بدون زخمی شدن توسط دشمن به خانه برگردد. به اصطلاح پادشاه امروزی هرگز به رؤیت صحنه‌ی نبرد نمی‌رود. او در تشویق مصنوعی قدرت جنگاوری نیروهای خود به امید کسب وجهه‌ی ملی کاذب بسیار ماهر است. به محض آنکه طبقه‌ی اجرایی تبدیل به گروهی از تجار و طبقه‌ی کارگران می‌شود، کل بدنه‌ی دولت آلوده می‌گردد.

وایشیاه‌ها، اعضای طبقه تجار و بازرگانان، به صورت ویژه به حفاظت از گاوها توصیه شده‌اند. حفاظت از گاوها به معنای افزایش محصولات شیر، یعنی پنیر کورد و کره است. کشاورزی و توزیع مواد غذایی وظیفه‌ی اصلی طبقه‌ی بازرگانان است که با آموزش دانش ودایی و نیز آموزش شیوه‌ی اعطای صدقات و خیرات پشتیبانی می‌شود. همان‌طور که به کشاورزها مسئولیت حفاظت از شهروندان سپرده شده است، به وایشیاه‌ها نیز مسئولیت حفاظت از حیوانات سپرده شده است. حیوانات برای کشته شدن به دست انسان خلق نشده‌اند. کشتن حیوانات نشانه‌ی یک جامعه‌ی وحشی است. برای یک انسان، محصولات کشاورزی، میوه‌ها و شیر، مواد غذایی کافی و سازگار با طبع وی هستند. جامعه‌ی انسانی باید توجه بیشتری به حفاظت از حیوانات بنماید. هنگامی که افراد توسط کارخانه‌های صنعتی به کار گمارده می‌شوند، نیروی مولد آنان مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. انواع مختلف صنایع نمی‌توانند نیازهای ضروری انسان‌ها یعنی برنج، گندم، غلات، شیر، میوه‌ها و گیاهان را تولید کنند. تولید ماشین‌ها و ابزارآلات، سبک زندگی مصنوعی را رواج می‌دهد که شامل طبقه‌ای از خواص می‌گردد، و بدین ترتیب هزاران نفر دیگر را در قحطی و اضطراب نگه می‌دارد. این نباید استاندارد تمدن باشد.

طبقه‌ی شودرا کم خرد است و نباید هیچ استقلالی داشته باشد. هدف از وجود آنها انجام خدمت صادقانه به سه طبقه‌ی بالاتر جامعه است. طبقه‌ی شودرا باید صرفاً با انجام خدمت به طبقات بالاتر تمام موارد آسایش و راحتی را به دست آورد. به ویژه این امر تأکید شده است که یک شودرا هرگز نباید سپرده‌ی بانکی داشته باشد. به محض آنکه شودراها به جمع‌آوری ثروت می‌پردازند، آنرا به طرز نادرستی در فعالیت‌های گناه‌آلود نظیر مشروب، معاشرت با زنان و قمار به کار می‌گیرند. رواج تمایل به مشروب، زنان و قمار بیانگر آن است که عموم مردم به کیفیاتی پایین‌تر از صفات شودراها تنزل پیدا کرده‌اند. طبقات بالاتر باید همواره مراقب حفاظت از شودراها باشند و برای آنها لباس‌های کهنه و مستعمل تأمین کنند. یک شودرا نباید هنگامی که اربابش پیر و بی‌ارزش شد او را ترک کند و یک ارباب نیز باید از تمام جهات خادمان خود را راضی نگه دارد. پیش از انجام هر قربانی، شودراها باید با غذا و لباس کافی راضی شوند. در این عصر اقدامات زیادی با پرداخت میلیون‌ها دلار انجام می‌شود اما کارگران فقیر به قدر کافی تغذیه نمی‌شوند و وسایل رفاهی و لباس و غیره دریافت نمی‌کنند. بدین ترتیب کارگران ناراضی می‌شوند و آشوب برپا می‌کنند.

باید گفت وارناها طبقه‌بندی اشتغالات مختلف و آشراما-دهارما پیشرفت تدریجی در مسیر خودشناسی هستند. هر دوی آنها به هم مربوط هستند و یکی وابسته به دیگری است. هدف اصلی آشراما-دهارما احیای دانش و انقطاع است. آشرام برهماچاری زمینه‌ی آموزشی برای کاندیداهای آینده است. در این آشرام آموزش داده می‌شود که این دنیای مادی واقعاً منزلگاه موجود زنده نیست. ارواح مقید تحت قیود مادی، زندانیان ماده هستند و بنابراین خودشناسی هدف نهایی زندگی است. کل سیستم آشراما-دهارما به منظور انقطاع است. به فردی که قادر نیست خود را با این روحیه‌ی انقطاع کاملاً وفق دهد، اجازه داده می‌شود با همین روحیه‌ی انقطاع وارد زندگی خانوادگی شود. بنابراین، فردی که به کناره‌گیری از مادیات می‌رسد، می‌تواند بلافاصله چهارمین مرتبه‌ی زندگی یا منقطع بودن را بپذیرد و تنها با صدقات مردم زندگی کند؛ و این نه به معنای جمع‌آوری ثروت، بلکه صرفاً به منظور حفظ بدن و روح در کنار یکدیگر برای دستیابی به ادراک نهایی است. زندگی تأهل برای فردی که دلبسته است، و مراتب و اناها پراستها و سانیاسای زندگی برای کسانی است که از زندگی مادی منقطع شده‌اند. و آشرام برهماچاری، به طور خاص برای آموزش هر دو دسته (افرادی دلبسته و منقطع) ترتیب داده شده است.

dāna-dharmān rāja-dharmān
mokṣa-dharmān vibhāgaśaḥ
strī-dharmān bhagavad-dharmān
samāsa-vyāsa-yogataḥ

dāna-dharmān: اعمال خیر؛ *rāja-dharmān*: فعالیت‌های اجرایی پادشاهان؛ *mokṣa-dharmān*: اعمالی برای رستگاری؛ *vibhāgaśaḥ*: به صورت مجزا؛ *strī-dharmān*: اعمال زنان؛ *bhagavat-dharmān*: اعمال عابدان؛ *samāsa*: عموماً؛ *vyāsa*: به وضوح؛ *yogataḥ*: به وسیله‌ی.

ترجمه

سپس وی به صورت مجزا، اعمال خیر، فعالیت‌های اجرایی پادشاهان و اعمال لازم برای رستگاری را توضیح داد. آنگاه وی وظایف زنان و عابدان را هم به اختصار و هم به تفصیل بیان نمود.

شرح

دادن خیرات یکی از وظایف اصلی فرد متأهل است و او باید آماده باشد تا حداقل پنجاه درصد درآمد خود را که به سختی کسب نموده است صدقه بدهد. یک برهماچاری، یا دانش‌آموز، باید قربانی‌هایی را انجام دهد، یک فرد متأهل باید خیرات بدهد و فرد واقع در مرحله‌ی بازنشستگی و یا انقطاع باید ریاضت‌ها و کف نفس‌هایی را تمرین کند. اینها اعمال عمومی تمام آشرام‌ها یا مراتب زندگی در مسیر خودشناسی هستند. در زندگی برهماچاری آموزش کافی به فرد داده می‌شود؛ به نحوی که فرد بتواند درک کند که جهان، مایملک متعلق به خداوند متعال، شخص خداوند است. بنابراین، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعای مالکیت چیزی را در این جهان بنماید. بدین ترتیب، در زندگی یک فرد متأهل که نوعی مجوز برای لذت جنسی است، فرد باید برای خدمت خداوند خیرات دهد. انرژی همه‌ی افراد از منبع انرژی خداوند تولید یا به عاریت گرفته می‌شود، بنابراین، اعمال منتج از چنین انرژی باید به شکل خدمت عاشقانه و عابدانه به خداوند تقدیم شود. همان‌طور که رودخانه‌ها از طریق ابرها، آب را از دریا می‌گیرند و دوباره آن را به دریا می‌ریزند، مشابهاً انرژی ما از منبع متعال انرژی خداوند به عاریت گرفته شده است و باید به سمت خداوند بازگردد. این کمال انرژی ماست. بدین ترتیب، خداوند در بهاگاواد-گیتا (۲۷/۹)

می‌فرماید که تمامی آنچه که انجام می‌دهیم، ریاضت می‌کشیم، قربانی می‌کنیم، می‌خوریم و به خیرات می‌دهیم، باید به خداوند تقدیم شود. این روش بهره‌برداری از انرژی عاریت‌گرفته‌ی ماست. هنگامی که انرژی ما بدین طریق به کار گرفته شود، از آلودگی‌های مستی‌مادی پاک می‌شود و بدین گونه، ما شایسته‌ی زندگی فطری اصیل خدمت به خداوند می‌شویم.

راجا-دهارما (*Rāja-dharma*) دانشی عظیم است که شباهتی به دیپلماسی مدرن برای برتری‌جویی سیاسی ندارد. در گذشته پادشاهان با روش‌های معین آموزش می‌دیدند تا بخشنده باشند، و نه فقط مالیات‌گیر. آنها آموزش می‌دیدند تا قربانی‌های مختلفی را تنها برای خوشبختی و سعادت زیردستان خویش انجام دهند. هدایت پراجاها (*prajāś*) برای دستیابی به رستگاری و وظیفه‌ی مهم پادشاه بود. پدر، پیر روحانی و پادشاه نباید در زمینه‌ی هدایت زیردستان خویش در مسیر رهایی غایی از تولد، مرگ، بیماری و پیری بی‌اعتنا باشند. هنگامی که این وظایف اصلی به خوبی انجام شوند، نیازی به حکومت مردمی و حکومت توسط مردم نیست. در عصر حاضر عموم مردم با قدرت آراء دستکاری شده، مناصب اجرایی را به دست می‌آورند، اما آنها هرگز آموزش‌های لازم برای وظایف اصلی پادشاه را ندیده‌اند و این کار نیز برای همگان ممکن نیست. تحت چنین شرایطی مجریان آموزش ندیده برای خوشحال کردن همه‌جانبه‌ی زیردستان خود، مشغول ایجاد اغتشاش می‌شوند. از سوی دیگر، این مجریان آموزش ندیده به تدریج به دزدان و غارتگران تبدیل می‌شوند و مالیات بسیار سنگینی را برای تأمین بودجه‌ی امور اجرایی که از هر جهت بی‌ارزش هستند، اخذ می‌کنند. در واقع منظور از حضور برهمنانهای شایسته، هدایت پادشاهان جهت اداره‌ی مناسب کشور بر اساس متون مقدسی همچون مانو-سامهیتا و دهارما- شاستراهای پاراشارا (*Dharma-sāstras of Parāśara*) است. یک پادشاه، نمونه‌ی ایده‌آل عموم مردم است و اگر پادشاه پرهیزگار، مومن، دلیر و بخشنده باشد، عموم شهروندان از وی پیروی می‌کنند. چنین پادشاهی یک فرد احساساتی تنبل نیست که به هزینه‌ی رعیت خود زندگی کند؛ بلکه همواره برای کشتن دزدان و راهزنان هشیار است. پادشاهان پرهیزگار به نام آهیمسا (*ahimsā*) (عدم خشونت) هرگز نسبت به دزدان و راهزنان بخشنده نبودند. دزدان و راهزنان به شیوه‌ی عبرت‌آموز مجازات می‌شدند تا در آینده هیچ‌کس جرات نکند چنین مزاحمت‌هایی را به شکل سازمان یافته انجام دهد. چنین دزدان و راهزنانی هرگز آنچنان که امروزه متداول است برای امور اجرایی در نظر گرفته نمی‌شدند.

قانون مالیات ساده بود. هیچ فشار یا تخطی وجود نداشت. پادشاه حق داشت یک چهارم محصولات تولید شده توسط رعایا را جمع‌آوری کند. هیچ‌کس از جمع‌آوری مالیات ناراضی نبود،

زیرا به دلیل حضور پادشاه پرهیزگار و توازن مذهبی موجود، ثروت طبیعی کافی یعنی غلات، میوه‌جات، گل‌ها، ابریشم، کتان، شیر، جواهرات، مواد معدنی و غیره موجود بود و بنابراین هیچ‌کس به لحاظ مادی بدبخت نبود. شهروندان به لحاظ کشاورزی و دامپروری غنی و ثروتمند بودند و بنابراین بدون هیچ نیازی مصنوعی به مواد شوینده، سینماها و مشروب‌فروشی‌ها دارای غلات، میوه‌جات، و شیر کافی بودند.

پادشاه باید مراقب می‌بود که انرژی ذخیره شده‌ی انسانی به صورت مناسب به کار گرفته شود. هدف واقعی از وجود انرژی انسانی نه تحقق گرایشات حیوانی، بلکه خودشناسی است. کل حکومت به طور ویژه برای تحقق این هدف خاص طراحی شده است. این چنین، پادشاه باید اعضای هیئت دولت خود را به طرز شایسته، و نه بر اساس رأی‌گیری، برگزیند. وزیران، فرماندهان نظامی و حتی سربازان عادی همگی بر اساس کیفیات شخصی انتخاب و گزینش می‌شدند و پادشاه پیش از انتصاب ایشان در مشاغل مربوط، باید نظارتی مناسب بر این امر می‌نمود. پادشاه به ویژه باید مراقب می‌بود که تاپاس‌وی‌ها (*tapasvīs*) یا اشخاصی که همه چیز خود را برای انتشار دانش روحانی قربانی کرده‌اند مورد بی‌احترامی قرار نگیرند. پادشاه به خوبی می‌دانست که شخصیت اعلامی خداوند هیچ اهانتی را نسبت به عابدان پاکش تحمل نمی‌کند. چنین تاپاس‌وی‌هایی رهبرانی مورد اعتماد حتی برای دزدان و شروران بودند که هرگز از دستورات این عده سرپیچی نمی‌کردند. پادشاه حفاظت ویژه‌ای را به بی‌سوادان، افراد درمانده و بیوگان کل کشور می‌داد. ابزارهای دفاعی پیش از وقوع هر حمله‌ای توسط دشمنان تدارک دیده می‌شد. فرایند اخذ مالیات نیز ساده، و منظور از آن نه اسراف و ولخرجی، بلکه تقویت ذخایر مالی کشور بود. سربازگیری از تمام بخش‌های جهان صورت می‌گرفت و تمام آنها برای وظایف خاص خود آموزش می‌دیدند.

برای دستیابی به رهایی و رستگاری، فرد باید بر اصول شهوت، خشم، آرزوهای نامشروع، حرص و توهم غلبه کند. برای رهایی از خشم، فرد باید چگونگی بخشیدن را بیاموزد. برای رهایی از آرزوهای نامشروع فرد باید برنامه‌ریزی کند. با فرهنگ روحانی فرد می‌تواند بر خواب غلبه کند. با تحمل و صبر فرد می‌تواند بر آرزوها و حرص خود غلبه کند. رژیم غذایی مناسب می‌تواند مانع از بروز ناراحتی‌ها و رنج‌های ناشی از بیماری‌های مختلف گردد. با کنترل نفس فرد می‌تواند از آرزوهای کاذب رها گردد و با اجتناب از معاشرت نامطلوب می‌تواند پول خود را پس‌انداز کند. با تمرین یوگا فرد می‌تواند گرسنگی خود را کنترل کند و با پرورش دانش موقتی بودن مادیات، بر حس دنیا دوستی خود فائق آید. تبلی با صبح زود برخاستن قابل رفع است و مباحث کاذب و

بیهوده می‌توانند با اثبات حقایق کنترل شوند. با وقار و سکوت می‌توان از صحبت زیاد، و با شجاعت می‌توان از ترس پرهیز نمود. دانش کامل با خودشناسی و پرورش نفس قابل دستیابی است. فرد باید از شهوت، حرص، خشم، و آرزوها و غیره آزاد باشد تا بتواند به مسیر رهایی دست یابد.

در مورد زنان باید گفت آنها به عنوان قدرت الهام برای مردان پذیرفته می‌شوند. این چنین، زنان قدرتمندتر از مردان هستند. قدرت ژولیوس سزار توسط کلوپاترا کنترل می‌شد. چنین زنان قدرتمندی با نیروی حجب و حیا کنترل می‌شوند. بنابراین، حجب و حیا برای زنان بسیار حائز اهمیت است. هنگامی که این معیار کنترلی از دست برود، زنان می‌توانند با بی‌عفتی موجب بروز فاجعه در جامعه شوند. بی‌عفتی به معنای تولید فرزندان ناخواسته است که به صورت وارنا-

سانکارا (*varṇa-saṅkara*) شناخته می‌شود که سبب ایجاد اغتشاش در دنیا می‌شود. آخرین مورد آموزش داده شده توسط بهیشمادو، فرایند راضی نمودن خداوند است. ما همگی خادمان ابدی خداوند هستیم و هنگامی که این بخش حیاتی از ماهیت خود را فراموش می‌کنیم، تحت شرایط مقید زندگی قرار می‌گیریم. فرایند ساده‌ی راضی نمودن خداوند (به ویژه برای متأهلان) استقرار تمثال خداوند در منزل است. با تمرکز بر تمثال خداوند، فرد می‌تواند در کار منظم روزانه‌ی خویش پیشرفت نماید. پرستش تمثال در خانه، خدمت به عابدان، شنیدن شریماد-بهاگواتام، سکونت در یک مکان مقدس و ذکر نام مقدس خداوند همگی موارد ارزانی هستند که با آنها فرد می‌تواند خداوند را راضی نماید. بدین ترتیب، این موضوعات توسط پدربزرگ به نوه‌هایش توضیح داده شد.

آیه ۲۸

*dharmārtha-kāma-mokṣāṁś ca
sahopāyān yathā mune
nānākhyānetihāseṣu
varṇayām āsa tattvavit*

dharmā: وظایف اشتغالی، *artha*: پیشرفت اقتصادی؛ *kāma*: ارضای حواس؛ *mokṣān*: رهایی غایی؛ *ca*: و؛ *saha*: همراه با؛ *upāyān*: به معنی؛ *yathā*: آن گونه که هست؛ *mune*: ای حکیم؛ *nānā*: متعدد؛ *ākhyāna*: با ذکر روایات تاریخی؛ *itihāseṣu*: در تواریخ؛

varṇayām āsa: توصیف شده است؛ *tattva-vit*: فردی که حقیقت را می‌داند.

ترجمه

آنگاه وی به توصیف وظایف اشتغالی طبقات و شرایط متفاوت زندگی با نقل قول از تاریخ پرداخت؛ چرا که وی به خوبی با حقیقت آشنا بود.

شرح

وقایع ذکر شده در متون ودایی مانند پوراناها، ماهابهارات و رامایانا، گرچه در نظم زمانی تاریخی بیان نمی‌شوند، اما داستان‌های تاریخی واقعی هستند که در زمانی در گذشته رخ داده‌اند. چنین حقایق تاریخی، به دلیل آموزنده بودن برای افراد عادی، بدون ارجاعات منظم تاریخی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. به علاوه، آنها در سیارات مختلف و بلکه در جهان‌های گوناگون رخ داده‌اند و بنابراین شرح این وقایع گاهی اوقات باید در مقیاس سه‌بعدی صورت گیرد. ما صرفاً با آموزه‌های چنین وقایعی سر و کار داریم؛ حتی اگر آنها بر اساس درک محدود ما منظم نباشند. بهیشمادو در پاسخ به پرسش‌های مختلف ماهاراج یودهیشتیرا، چنین داستان‌هایی را برای وی نقل نمود.

آیه ۲۹

*dharmam pravadataḥ sa
kālāḥ pratyupasthitaḥ
yo yoginaś chanda-mṛtyoḥ
vāñchitaḥ tūttarāyaṇaḥ*

Dharman: وظایف اشتغالی؛ *pravadataḥ*: در حال توصیف؛ *tasya*: مربوط به او؛ *saḥ*: آن؛ *kālāḥ*: زمان؛ *pratyupasthitaḥ*: دقیقاً ظاهر شد؛ *yaḥ*: آن است؛ *yoginaḥ*: برای یوگی‌ها؛ *chanda-mṛtyoḥ*: کسانی که زمان مرگشان را خود بر می‌گزینند؛ *vāñchitaḥ*: آرزو می‌شود توسط؛ *tu*: اما؛ *uttarāyaṇaḥ*: زمانی که خورشید به سمت افق شمالی می‌رود.

ترجمه

هنگامی که بهیشمادو مشغول توصیف وظایف اشتغالی بود، خورشید به سمت نیمکره‌ی شمالی حرکت کرد. این هنگامی است که یوگی‌هایی که زمان مرگشان را خود بر می‌گزینند، تمایل زیادی به آن دارند.

شرح

یوگی‌های کامل یا یوگی‌های ماورایی می‌توانند بدن مادی را با اراده‌ی خود در زمان مناسب ترک کنند و به سیاره‌ی مناسبی که تمایل دارند بروند. در بهاگاواد-گیتا (۲۴/۸) گفته شده است که ارواح خودشناخته که بر اساس مصلحت خداوندی عمل می‌کنند، عموماً می‌توانند بدن مادی را در زمان درخشش خداوندگار خورشید و زمانی که خورشید در نیمکره‌ی شمالی واقع است، ترک کنند و بدین ترتیب به آسمان روحانی دست یابند. در وداها این زمان‌ها برای ترک بدن خجسته شناخته شده است و یوگی‌های ماهر که این سیستم را به کمال رسانده‌اند می‌توانند از این زمان‌ها بهره ببرند. همچنین یوگی‌ها می‌توانند فوراً بدون هیچ وسیله‌ی مادی به هر سیاره‌ای که می‌خواهند بروند. یوگی‌ها می‌توانند در زمانی بسیار کوتاه به بالاترین سیستم سیاره‌ای برسند؛ کاری که برای مادی‌گرایان غیرممکن است. حتی تلاش برای دستیابی به بالاترین سیارات با سرعت میلیون‌ها کیلومتر در ساعت، میلیون‌ها سال به طول خواهد کشید. این دانشی متفاوت است و بهیشمادو به خوبی می‌دانست که چگونه آن را به کار گیرد. او تنها منتظر لحظه‌ی مناسب برای ترک بدن مادی خود بود و این فرصت طلایی هنگامی فرا رسید که وی مشغول آموزش به نوه‌های گرانددرش، پانداواها بود. بدین ترتیب وی خود را آماده نمود که در حضور خداوند شری کریشنا، پانداواهای پرهیزگار و حکیمان بزرگ به رهبری بهاگاوان ویاسا و دیگر ارواح بزرگ حاضر در آن مکان، بدن خود را ترک کند.

آیه ۳۰

*tadopasamhṛtya girah sahasraṇīr
vimukta-saṅgaṁ mana ādi-ṭūruṣe
kṛṣṇe lasat-pīta-ṭaṭe catur-bhuje
puraḥ sthite 'mīlita-dṛg vyadhārayat*

tadā: در آن زمان؛ *uṣasamhṛtya*: پس کشیدن؛ *giraḥ*: سخن؛ *sahasraṇīḥ*: بهیشمادو

فردی که متخصص هزاران دانش و هنر بود؛ *vimukta-saṅgam*: کاملاً آزاد از همه چیز؛ *manah*: ذهن؛ *ādi-pūruṣe*: به شخصیت اصلی خداوند؛ *kr̥ṣṇe*: به کریشنا؛ *lasat-pīta*: *paṭe*: آراسته با لباس‌های طلایی؛ *catur-bhujē*: با نارایانای ازلی چهاردست؛ *purah*: تنها پیش از؛ *sthite*: ایستاده؛ *amīlita*: گستره؛ *dr̥k*: بصیرت؛ *vyadhārayat*: متمرکز.

ترجمه

در آن زمان، مردی که در باب موضوعات مختلف با هزاران معنی صحبت می‌کرد و در هزاران صحنه‌ی نبرد می‌جنگید و از هزاران مرد حفاظت می‌نمود، سخن گفتن را متوقف نمود و کاملاً آزاد از تمام بندها، ذهن خود را از همه چیز پس کشید و چشمان کاملاً باز خویش را بر شخص خداوند، شری کریشنا که در مقابل وی، در فرم چهاردست و در لباس‌های طلایی درخشان ایستاده بود متمرکز نمود.

شرح

در زمان ترک بدن مادی، بهیشمادو مثالی فوق‌العاده در زمینه‌ی فعالیت مهم شکل انسانی حیات را از خود نشان داد. موضوعی که موجب جذب مرد در حال مرگ می‌شود، آغاز زندگی بعدی وی خواهد بود. بنابراین، اگر کسی مجذوب تفکر در مورد خداوند متعال شری کریشنا شود، او قطعاً و بدون هیچ شکی به نزد خداوند باز خواهد گشت. این موضوع در بهاگاواد-گیتا (۱۵-۵/۸) تأیید شده است:

۵: و هر کسی که در لحظه‌ی پایان زندگی، تنها مرا به خاطر آورد و بدنش را ترک گوید، بی‌درنگ به طبیعت من واصل می‌گردد و جای هیچ‌گونه تردید در این باره نیست.
۶: ای پسر کونتی، هر حالتی از وجود را که انسان در هنگام ترک بدن به خاطر آورد قطعاً به همان حالت نائل خواهد شد.

۷: بنابراین، آرجونا، تو باید همواره مرا به صورت کریشنا به خاطر داشته باشی و به من فکر کنی و در عین حال وظیفه‌ی تجویز شده‌ی خود را که جنگیدن است انجام دهی. با نثار اعمال به من و با متمرکز نمودن فکر و شعور بر من، بی‌شک به من خواهی رسید.

۸: ای پارتها، آن‌کس که بر من به عنوان شخصیت اعلای پروردگار متمرکز می‌نماید، و همواره به یاد من است، و از این راه انحراف حاصل نمی‌کند، یقیناً به من نائل خواهد شد.

۹: انسان بایستی بر شخصیت متعال به عنوان دانای مطلق، قدیم ازلی، حکمران نهایی، کوچک‌تر از کوچک‌ترین، حافظ همه‌ی کائنات، و رای همه ادراکات مادی و وجودی تصورناشدنی که همواره یک شخص است، تمرکز نماید. او همچون خورشید درخشان و شخصیت متعال و روحانی‌اش در ورای این طبیعت مادی است.

۱۰: کسی که هنگام مرگ هوای زندگی‌اش را بین دو ابرو ثابت و متمرکز کند و با قدرت یوگا و با ذهنی بدون انحراف خود را وقف به یاد داشتن خداوند متعال در عشق و عبودیت کامل نماید، قطعاً به شخصیت اعلاّی پروردگار نائل خواهد شد.

۱۱: حکمای بزرگ در مرحله‌ی انقطاع که در وداها تبحر دارند و به ذکر اُم‌کارا می‌پردازند، وارد برهن می‌شوند. اکنون این روش‌هایی را که شخص در آرزوی رسیدن به آن، تجرد (عفاف کامل) اختیار می‌کند، برایت به اختصار توضیح خواهم داد.

۱۲: مفهوم یوگا، انقطاع از کلیه‌ی اعمال کام‌جویانه‌ی حسی و شهوانی است. شخص با بستن تمام درهای حواس و متمرکز نمودن ذهن بر قلب و هوای حیات بر نوک سر، خود را در یوگا استوار و پایرجا می‌سازد.

۱۳: چنانچه انسان پس از واقع شدن در این عمل یوگا و ذکر هجای مقدس اُم، که عالی‌ترین ترکیب حروف است، به شخصیت اعلاّی پروردگار فکر کند و بدنش را ترک گوید، قطعاً به سیارات روحانی واصل خواهد شد.

۱۴: ای پسر پریتها، برای کسی که مرا همواره بدون انحراف به خاطر دارد، به علت وقف بودن دائمی‌اش در عبادت عاشقانه یا خدمت عابدانه، رسیدن به من آسان است.

۱۵: ارواح بزرگ که یوگی‌هایی در عشق و عبودیت هستند، پس از نائل شدن به من، هیچ‌گاه به این عالم فانی که مملو از رنج و شوربختی است باز نمی‌گردند، زیرا آنان به بالاترین کمال دست یافته‌اند.

شری بهیشمادو با اراده‌ی خویش به کمال ترک بدن رسید و آن قدر خوشبخت بود که خداوند کریشنا، هدف توجه خویش را، شخصاً حاضر در زمان مرگ خویش داشته باشد. بنابراین او چشمان بازش را بر خداوند متمرکز نمود. او می‌خواست از سر عشق خودجوش شری کریشنا را برای مدت طولانی نظاره کند. از آن‌جایی که وی عابد پاک خداوند بود، ارتباط اندکی با انجام مشروح اصول یوگایی داشت. بهاکتی یوگای ساده برای رسیدن به کمال کافی است. بنابراین، آرزوی عمیق بهیشمادو رؤیت شخص خداوند، که عزیزترین هدف است، بود و با لطف خداوند، شری بهیشمادو این فرصت را در آخرین دم حیات مادی خود داشت.

آیه ۳۱

*viśuddhayā dhāraṇayā hatāśubhas
tad-ikṣayaivāśu gatā-yudha-śramah
nivṛtta-sarvendriya-vṛtti-vibhramas
tuṣṭāva janyaṁ visṛjañ janārdanam*

viśuddhayā: پاک شده؛ *dhāraṇayā*: تمرکز؛ *hata-aśubhaḥ*: فردی که کیفیت ناخجسته موجودیت مالی را به حداقل رسانده است؛ *tat*: او (خداوند) را؛ *ikṣayā*: با نظاره به؛ *eva*: صرفاً؛ *āśu*: فوراً؛ *gatā*: از بین رفتند؛ *yudha*: از تیرها؛ *śramah*: خستگی رنج؛ *nivṛtta*: متوقف شد؛ *sarva*: تمام؛ *indriya*: حواس؛ *vṛtti*: فعالیتها؛ *vibhramah*: به طور گسترده مشغول؛ *tuṣṭāva*: او دعا کرد؛ *janyaṁ*: پرستشگاه مادی؛ *visṛjan*: در حال ترک؛ *janadanam*: به کنترل کننده‌ی موجودات زنده.

ترجمه

وی در مراقبه‌ی خالص و در حالی که خداوند شری کریشنا را می‌نگریست، فوراً از تمام ناخجستگی‌های مادی و تمام رنج‌های بدنی حاصل از جراحات تیرها، آزاد شد. بدین ترتیب تمام فعالیت‌های بیرونی حواسش فوراً متوقف گشت. و به هنگام ترک بدن مادی خویش، به نیایشی متعال با کنترل‌کننده‌ی تمام موجودات زنده پرداخت.

شرح

بدن مادی هدیه‌ی "انرژی مادی" است که در اصطلاح فنی "توهم" نامیده می‌شود. یکسان پنداشتن خود با بدن مادی به دلیل فراموشی رابطه‌ی ابدی با خداوند است. برای یک عابد پاک خداوند همانند بهیشمادو، این توهم فوراً و به محض ورود خداوند از بین می‌رود. خداوند کریشنا همچون خورشید، و توهم یا انرژی مادی بیرونی همانند تاریکی است. در حضور خورشید هیچ امکانی برای مقاومت تاریکی وجود ندارد. بنابراین، صرفاً با رسیدن خداوند شری کریشنا، تمام آلودگی‌های مادی به طور کامل رفع گردید و بهیشمادو بدین ترتیب با توقف فعالیت‌های حواس ناپاک در تماس با ماده، قادر به استقرار در موقعیت متعال شد. روح اصولاً پاک است و حواس نیز

چنین هستند. با آلودگی مادی، حواس نقشی ناقص و ناپاک را به خود می‌گیرند. با احیای تماس با وجود پاک مطلق، خداوند کریشنا، حواس دوباره از آلودگی‌های مادی رها می‌شوند. بهیشمادو به خاطر حضور خداوند تمام این شرایط روحانی را پیش از ترک بدن مادی‌اش کسب نمود. خداوند کنترل‌کننده و ولی نعمت تمام موجودات زنده است. این گفته‌ی تمام وداها است. او ابدیت مطلق و وجودی زنده در میان تمام موجودات ابدی زنده است.

آیه ۳۲

*śrī-bhīṣma uvāca
iti matir upakalpitā vitṛṣṇā
bhagavati sātṛvata-ṇṅave vibhūmni
sva-sukham upagate kvacid vihartum
prakṛtim upeyusi yad-bhava-pravāhaḥ*

śrī-bhīṣmaḥ uvāca: شری بهیشمادو گفت؛ *iti*: بدین ترتیب؛ *matih*: اندیشه، احساس و خواسته؛ *upakalpitā*: متمرکز کرد؛ *vitṛṣṇā*: آزاد از تمام خواسته‌های حسی؛ *bhagavati*: به شخص خداوند؛ *sātṛvata-ṇṅave*: به رهبر عابدان؛ *vibhūmni*: به آن عظیم؛ *sva-sukham*: در خود راضی؛ *upagate*: به او (خداوند) که به آن رسیده است؛ *kvacit*: بعضی مواقع؛ *vihartum*: از سر لذت روحانی؛ *prakṛtim*: در دنیای مادی؛ *upeyusi*: آن را می‌پذیرد؛ *yad-bhava*: از او خلقت؛ *pravāhaḥ*: ایجاد و نابود می‌شود.

ترجمه

بهیشمادو گفت: حال اجازه بده اندیشه، احساس و خواسته‌ام را که زمان مدیدی مشغول موضوعات و وظایف مختلف بوده است، بر خداوند شری کریشنای قادر مطلق متمرکز نمایم. وی همواره در خود راضی است؛ اما گرچه این جهان مادی تنها از وی خلق شده است، گاهی در نقش هدایت‌گر عابدان، با ظهور در این دنیای مادی، لذتی متعال می‌برد.

شرح

از آن جایی که بهیشمادو یک فرد اجرایی، سرکرده‌ی خاندان کورو، یک ژنرال بزرگ و رهبر کشاتریاها بود، ذهن وی به سمت موضوعات بسیار متعددی کشیده می‌شد و اندیشه، احساسات و عزم وی در موضوعات مختلفی مشغول می‌گشت. حال برای دستیابی به خدمت عابدانه‌ی ناب، او می‌خواست تمام قدرت اندیشه، احساس و خواسته‌ی خود را به طور کامل در وجود مطلق، خداوند کریشنا جمع کند. وی در این‌جا به عنوان رهبر عابدان و قادر مطلق توصیف شده است. گرچه خداوند کریشنا، شخص اصلی خداوند است، بر روی زمین ظاهر می‌شود تا برکت خدمت عابدانه را نصیب عابدان پاک خویش سازد. وی بعضی مواقع به صورت خداوند کریشنا همان‌گونه که هست، و بعضی مواقع به صورت خداوند چیتانیا ظاهر می‌شود. هر دو رهبر عابدان پاک هستند. عابدان پاک خداوند هیچ آرزویی جز خدمت به خداوند ندارند و بنابراین آنها ساتواتا (*sātva*) نامیده می‌شوند. خداوند در میان چنین ساتواتاهایی پیشرو و رهبر است. بنابراین، بهیشمادو هیچ آرزوی دیگری نداشت. تا هنگامی که فرد از تمام انواع آرزوهای مادی پاک نشده باشد، خداوند رهبر وی نخواهد شد. آرزوها را نمی‌توان دور ریخت، بلکه تنها باید آنها را پاک نمود. خداوند در بهاگاواد-گیتا تأیید می‌فرماید که وی آموزش‌هایش را از درون قلب به عابد پایی که همواره مشغول خدمت خداوند است اعطا می‌کند. چنین آموزشی نه برای هیچ مقصود مادی بلکه برای بازگشت به خانه، نزد خداوند اعطا می‌شود. (ب. گ. ۱۰/۱۰) برای انسان‌های عادی که خواستار حکمرانی و خداوندی بر طبیعت مادی هستند، خداوند نه تنها فعالیت‌ها را تأیید و آن را مشاهده می‌کند، بلکه هرگز نیز آموزش‌های خود را برای بازگشت به خداوند به غیرعابدان نمی‌دهد. این تفاوت ارتباط خداوند با موجودات زنده‌ی مختلف از نوع عابد و غیرعابد است. او رهبر تمام موجودات زنده است؛ همان‌طور که پادشاه یک مملکت هم بر زندانیان و هم بر شهروندان آزاد حکمرانی می‌کند. اما غیرعابدان هرگز توجهی به آموزش‌های خداوند ندارند و بنابراین وی در قبال ایشان سکوت اختیار می‌کند، گرچه شاهد تمام فعالیت‌های ایشان است و نتایج متناسبی را - خوب و بد- در قبال این فعالیت‌ها به ایشان اعطا می‌کند. عابدان ورای نیکی و بدی مادی قرار دارند. آنها در مسیر تعالی پیشرفت می‌کنند و بنابراین هیچ آرزویی برای هیچ چیز مادی ندارند. عابد همچنین شری کریشنا را به عنوان نارایانای اصلی می‌شناسد؛ چرا که خداوند شری کریشنا، با بسط کامل خویش، به صورت کاراناداکشای ویشنو (*Kāraṇodakaśāyī Viṣṇu*)، منبع اصلی تمام خلقت مادی، ظاهر می‌شود. خداوند همچنین طالب معاشرت عابدان پاکش است و تنها به خاطر ایشان بر روی زمین ظاهر می‌شود و ایشان را حیاتی نو می‌بخشد. خداوند از سر خواسته و عزم خویش ظاهر می‌شود. او به واسطه‌ی قیود

طبیعت مادی مجبور نمی‌شود. بنابراین وی در این‌جا به صورت ویبهو (*vibhu*) یا قادر توصیف می‌شود، چرا که هرگز تحت تأثیر قوانین طبیعت مادی قرار نمی‌گیرد.

آیه ۳۳

*tri-bhuvana-kamanam tamāla-varṇam
ravi-kara-gaura-varāmbaram dadhāne
vapur alaka-kulāvṛtānanābjam
vijaya-sakhe ratir astu me 'navadyā*

tri-bhuvana: سه موقعیت سیستم‌های سیاره‌ای؛ *kamanam*: مطلوب‌ترین، خواستنی‌ترین؛ *tamāla-varṇam*: آبی همچون درخت تامالا؛ *ravi-kara*: انوار خورشید؛ *gaura*: رنگ طلایی؛ *varāmbaram*: لباس درخشان؛ *dadhāne*: فردی که می‌پوشد؛ *vapuh*: بدن؛ *alaka-kula-āvṛta*: پوشیده با رنگ‌های خمیر چوب صندل؛ *anana-abjam*: صورتی همچون نیلوفر؛ *vijaya-sakhe*: به دوست آرجونا؛ *ratih astu*: باشد که توجه من بر خداوند متمرکز گردد؛ *me*: مال من؛ *anavadyā*: بدون تمایل برای نتایج ثمربخش.

ترجمه

شری کریشنا دوست صمیمی آرجونا است. او بر روی زمین در بدن متعالش که همچون درخت تامالا آبی رنگ است، ظاهر شده است. بدن او همگان را در سه سیستم سیاره‌ای [بالایی، میانی و پایینی] مجذوب خود می‌سازد. باشد که لباس طلایی درخشان و چهره‌ی نیلوفرینش که آغشته به رنگ‌هایی از خمیر چوب صندل است، هدف توجه و جذبه‌ی من باشد و من هیچ آرزویی برای نتایج ثمربخش نداشته باشم.

شرح

هنگامی که شری کریشنا با لذت درونی خویش بر روی زمین ظاهر می‌شود، این کار را به واسطه‌ی انرژی درونی خویش انجام می‌دهد. وجوه جذاب بدن متعال وی مطلوب همگان در سه جهان یعنی سیستم‌های سیاره‌ای فوقانی، میانی و پایینی است. در هیچ نقطه‌ی جهان وجوه

زیبای بدنی همچون وجوه بدنی خداوند کریشنا وجود ندارد. بنابراین بدن متعال وی هیچ ارتباطی با خلقت مادی ندارد. آرجونا در این جا به عنوان فاتح، و کریشنا نیز به عنوان دوست صمیمی وی توصیف شده است. بهیشمادو، دراز کشیده در بستری از تیرها، پس از جنگ کوروکشترا، لباس خاص خداوند کریشنا را که به عنوان اربابان آرجونا بر تن کرده بود به یاد می آورد. در هنگام جنگ میان آرجونا و بهیشما، توجه بهیشما مجذوب لباس درخشان کریشنا شده بود و به طور غیرمستقیم وی به اصطلاح دشمن خویش آرجونا را به خاطر داشتن خداوند به عنوان دوست خویش ستود. آرجونا همواره یک فاتح بود؛ چرا که خداوند دوستش بود. بهیشمادو این فرصت را غنیمت شمرد تا خداوند را به عنوان ویجایا-ساکهه (دوست آرجونا) خطاب کند؛ چرا که خداوند از اینکه به همراه نام عابدانش - که در مزه های روحانی مختلف در ارتباط با وی هستند - مورد خطاب قرار گیرد بسیار راضی می شود. در زمانی که کریشنا اربابان آرجونا بود، انوار خورشید روی لباس خداوند می درخشید و بهیشما هرگز نمی توانست رنگ بسیار زیبای تولید شده از انعکاس این انوار را فراموش کند. به عنوان یک جنگجوی بزرگ او از رابطه با کریشنا در رابطه‌ی دلاوری لذت می برد. عابدان مختلف در بالاترین شرف مشغول چشیدن مزه‌ی رابطه‌ی متعال با خداوند در راساهای (مزه‌های) مختلف هستند. مادی‌گرایان کم‌خرد که می‌خواهند نمایشی از روحانیت را در ارتباط با خود به صورت مصنوعی نشان دهند، فوراً به سمت رابطه‌ی عشق نکاحی جلب می‌گردند و روابط دوشیزگان و راجادهام را تقلید می‌کنند. چنین رابطه‌ی بی‌ارزشی با خداوند فقط بر اساس ذهنیت بی‌ارزش مادی‌گرایان نمایش داده می‌شود زیرا فردی که مزه‌ی رابطه‌ی نکاحی با خداوند را چشیده باشد، نمی‌تواند جذب مزه‌ی نکاحی دنیوی که حتی توسط اخلاق‌گرایان دنیوی نیز تقبیح شده است، بشود. رابطه‌ی ابدی یک روح با خداوند رشد می‌کند و تکامل می‌یابد. یک رابطه‌ی خالص میان موجود زنده و خداوند می‌تواند شکلی از پنج راسای اصلی را در خود بپذیرد و این در درجه‌ی تعالی یک عابد پاک هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند. بهیشمادو یک مثال عینی در این زمینه است و باید به دقت این موضوع را در نظر داشت که چگونه ژنرالی بزرگ به لحاظ روحانی با خداوند در ارتباط بوده است.

آیه ۳۴

*yudhi turaga-rajo-vidhūmra-viṣvak-
kaca-lulita-śramavāry-alāṅkṛtāsyē
mama niśita-śarair vibhidyamāna-*

tvaci vilasat-kavace 'stu kṛṣṇa ātmā

yudhi: در صحنه‌ی نبرد؛ *turaga*: اسبان؛ *rajaḥ*: غبار؛ *vidhūmra*: به رنگ خاکستری تبدیل شد؛ *viṣvak*: رقصان؛ *kaca*: مو؛ *lulita*: پخش شده؛ *śramavāri*: عرق؛ *alankṛta*: آراسته با؛ *āsyē*: بر روی صورت؛ *mama*: مال من؛ *niśita*: تیز؛ *śaraiḥ*: با تیرها؛ *vibhidyamāna*: ضربه‌خورده توسط؛ *tvaci*: در پوست؛ *vilasat*: لذت بردن؛ *kavace*: سپر محافظ؛ *astu*: اجازه بده؛ *kṛṣṇe*: به خداوند شری کریشنا؛ *ātmā*: ذهن.

ترجمه

در صحنه‌ی نبرد (جایی که شری کریشنا از سر دوستی در کنار آرجونا حضور داشت)، موهای رقصان خداوند کریشنا به دلیل غبار برخاسته از سم اسبان، خاکستری شده بود؛ و به خاطر فعالیت بدنی، دانه‌های شیرین عرق صورتش را خیس کرده بود. وی از تمام این تزئینات که با زخم‌های ایجاد شده توسط تیرهای تیز من تشدید یافته بودند، لذت می‌برد. بنابراین بگذار ذهن من معطوف شری کریشنا شود.

شرح

خداوند فرم مطلق ابدیت، شمع و دانش است. بنابراین، خدمت عاشقانه‌ی متعال به خداوند در یکی از پنج رابطه‌ی اصلی، یعنی شانتا (*śānta*)، داسیا (*dāsya*)، ساکھیا (*sakhya*)، واتسالییا (*vātsalya*) و مادهوریا (*mādhurya*) یا به عبارت دیگر روابط خنثی، خادمی، دوستی، احساسات والدینی و عشق نکاحی، هنگامی که با احساسات و عشق پاک تقدیم خداوند گردد با احترام فراوان توسط خداوند پذیرفته می‌شود. بدین ترتیب، پرتاب تیرهای تیز بهیثمادو به سمت بدن متعال خداوند به همان خوبی پرستش عابدی دیگر در حال پرتاب گل‌های رُز نرم به سمت خداوند است.

چنین به نظر می‌رسد که بهیثمادو از اعمالی که بر علیه شخص خداوند انجام داده است اظهار پشیمانی می‌کند. اما در واقع بدن خداوند در مجموع به دلیل وجود روحانی و متعال خویش هیچ رنجی را متحمل نمی‌شد. روح هرگز تکه تکه، سوزانده، خشکانده و خیس و غیره نمی‌شود. این موضوع به وضوح در بهاگاواد-گیتا بیان شده است. همچنین این موضوع در اسکاندا پورانا

(*Skanda Purāṇa*) نیز بیان شده است. در آن جا گفته شده است که روح همواره عاری از آلودگی و غیرقابل نابودی است. روح را نمی‌توان آزار داد و آن را نمی‌توان خشک نمود. هنگامی که خداوند ویشنو در ظهورات خویش پیش چشمان ما ظاهر می‌شود، شبیه یکی از ارواح مقید به نظر می‌رسد، تنها به این دلیل که آسوراها یا بی‌ایمانان را که همواره حتی از همان ابتدای ظهورش در پی کشتن خداوند هستند، دچار گیجی کند. کامسا می‌خواست کریشنا را بکشد و راوانا می‌خواست راما را بکشد؛ چرا که آنها به طرز احمقانه‌ای از این حقیقت غافل بودند که خداوند هرگز کشته نمی‌شود، چرا که روح هرگز از بین نمی‌رود.

بنابراین، زدن تیر به بدن خداوند کریشنا توسط بهیشمادو موضوعی گیج‌کننده برای غیرعابدان خاندانشناس است، اما آنان که عابد یا ارواح رهایی‌یافته هستند، گیج و سرگشته نمی‌شوند. بهیشمادو ویژگی پرلطف‌ترین بودن خداوند را تحسین می‌کند؛ چرا که خداوند گرچه از تیرهای تیز بهیشمادو آزرده‌خاطر شده بود، نمی‌خواست آرجونا را تنها رها کند، و در عین حال گرچه بهیشمادو در صحنه‌ی نبرد رفتار مناسبی با وی نداشت، خداوند نمی‌توانست نسبت به حضور در بستر مرگ وی نیز بی‌تفاوت باشد. ویژگی پشیمانی بهیشمادو و مهربانی خداوند در این صحنه هر دو بی‌نظیر هستند.

شری ویشواناتها چاکراواتی تهاکور، یک آچاریا و عابد بزرگ در مزه‌ی عشق نکاحی با خداوند، به طور خاص به این موضوع اشاره می‌کند. وی می‌فرماید زخم‌های ایجاد شده در بدن خداوند توسط تیرهای تیز بهیشمادو همان قدر برای خداوند رضایت‌بخش بود که نیشگون‌های یک دختر که بدن خداوند را به دلیل حس شدید طلب سکس نیشگون می‌گیرد. چنین نیشگون‌هایی از سمت جنس مخالف، حتی اگر زخمی را در بدن به وجود آورد، هرگز به عنوان نشانه‌ی دشمنی در نظر گرفته نمی‌شود. بنابراین، جنگ به عنوان تبادل لذت روحانی میان خداوند و عابد پاکش، شری بهیشمادو، هرگز مادی نبود. به جز این، از آن جایی که بدن خداوند و خود خداوند یکسان هستند، هیچ امکانی برای ایجاد زخم در بدن متعال وجود ندارد. زخم‌های آشکار ایجاد شده توسط تیرهای تیز برای فریب اشخاص عادی است. اما فردی که کمی دانش روحانی داشته باشد می‌تواند تبادل روحانی در رابطه‌ی دلآوری و جنگجویی را درک کند. خداوند کاملاً از زخم‌های ایجاد شده توسط تیرهای تیز بهیشمادو خوشحال بود. در این جا واژه‌ی ویهیديامانا (*vibhidyamāna*) حائز اهمیت است؛ چرا که پوست خداوند از خود وی متفاوت نیست. از آن جایی که پوست ما از روح ما متفاوت است، در مورد ما واژه‌ی ویهیديامانا، یا خون‌مردگی و بریده شدن کاملاً مناسب است. شغف روحانی انواع مختلفی در خود دارد و انواع فعالیت‌های

دنیای مادی تنها انعکاس منحرف‌شده‌ی شمع متعال است. از آن‌جایی که همه چیز در دنیای مادی به لحاظ کیفی مادی است، سرشار از مستی و گیجی می‌باشد. در حالی که در حوزه‌ی مطلق، از آن‌جایی که همه چیز از همان ذات مطلق مشابه است، تنوعاتی از لذت فاقد مستی و گیجی وجود دارد. خداوند از زخم‌های ایجاد شده توسط عابد بزرگ خویش، بهیشمادو، لذت می‌برد و از آن‌جا که بهیشمادو عابدی در رابطه‌ی دلاوری و جنگاوری بود، ذهن خود را بر کریشنا در آن شرایط زخمی متمرکز نمود.

آیه ۳۵

*sapadi sakhi-vaco niśamya madhye
nija-parayor balayo ratham niveśya
sthitavati para-sainikāyur akṣṇā
hṛtavati pārtha-sakhe ratir mamāstu*

sapadi: در صحنه‌ی نبرد؛ *sakhi-vacaḥ*: فرمان دوست؛ *niśamya*: پس از شنیدن؛ *madhye*: در میانه؛ *nija*: مال خداوند؛ *parayoḥ*: و گروه مخالف؛ *balayoḥ*: قدرت؛ *ratham*: ارابه؛ *niveśya*: داخل شد؛ *sthitavat*: در حالی که در آن‌جا ایستاده؛ *para-sainika*: مربوط به سربازان جبهه‌ی مخالف؛ *āyuh*: طول زندگی؛ *akṣṇā*: با نظاره بر؛ *hṛtavati*: عمل نابودسازی؛ *pārtha*: مربوط به آرژونا، پسر پریتها (کوتنی)؛ *sakhe*: به دوست؛ *ratih*: رابطه‌ی صمیمی؛ *mama*: مربوط به من؛ *astu*: اجازه بده.

ترجمه

در اطاعت از دستور دوستش، خداوند شری کریشنا به صحنه‌ی نبرد کورکشترا و میان سربازان آرژونا و دوریودهان وارد شد و در آن‌جا طول عمر گروه مخالف را با نظاره‌ی پرلطف خویش کوتاه نمود. این امر صرفاً با نظاره‌ی وی بر دشمنان اتفاق افتاد. اجازه بده ذهنم را بر آن کریشنا متمرکز کنم.

شرح

در بهاگاواد-گیتا (۲۱/۱-۲۵) آرژونا به خداوند خطاناپذیر شری کریشنا دستور می‌دهد که ارابه‌ی

وی را به میان سپاهیان دو طرف ببرد. آرجونا از خداوند می‌خواهد تا هنگامی که وی به مشاهده‌ی دشمنان خود پایان نداده است، در آن‌جا توقف کند. هنگامی که خداوند این درخواست را شنید فوراً همانند یک فرمان‌بر عادی به این دستور عمل نمود، و در آن هنگام، خداوند تمام اشخاص مهم جبهه‌ی مقابل را مورد اشاره قرار داد و گفت: "این بهیثما است، این درونا است." و غیره. خداوند، آن وجود زنده‌ی مطلق، هرگز فرمان‌بردار هیچ‌کس نیست؛ حال آن‌ شخص هر که می‌خواهد باشد. اما از سر لطف و احساسات بی‌دلیل خویش نسبت به عابد پاکش، بعضی مواقع دستورات عابد را همچون یک خادم گوش به فرمان، به انجام می‌رساند. همان‌گونه که یک پدر از انجام دستورات فرزند کوچک خود راضی می‌شود، خداوند نیز با انجام دستورات یک عابد، راضی می‌گردد. این تنها از روی عشق روحانی ناب میان خداوند و عابدانش ممکن است و بهیثمادو کاملاً از این حقیقت آگاه بود. بنابراین او خداوند را به عنوان دوست آرجونا خطاب قرار می‌دهد.

خداوند با نظاره‌ی پرلطف خویش از طول عمر جبهه‌ی مخالف کاست. گفته شده است که تمام جنگجویان جمع شده در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا با رؤیت شخصی خداوند در هنگام نبرد به رهایی دست یافتند. بنابراین، کاهش طول عمر دشمنان آرجونا بدین معنا نیست که او طرفدار آرجونا است. در واقع او نسبت به جبهه‌ی مخالف پرلطف بود؛ چرا که آنها با مرگ در منزل به رهایی دست نمی‌یافتند اما با نبرد، رهایی از زندگی مادی برایشان ممکن شد. بدین ترتیب، خداوند خیر مطلق است و هر آنچه که او انجام می‌دهد برای خیر همگان است. به ظاهر، این اقدام برای پیروزی آرجونا، دوست صمیمی‌اش، بود. اما در واقع این خیر دشمنان آرجونا بود. فعالیت‌های متعال خداوند این‌چنین هستند و هرکس این موضوع را درک کند نیز پس از ترک بدن مادی به رهایی می‌رسد. خداوند تحت هیچ شرایطی عمل اشتباهی انجام نمی‌دهد؛ چرا که وی همواره خیر مطلق است.

آیه ۳۶

*vyavahita-ṣṛtanā-mukhaṁ nirikṣya
sva-jana-vadhā vimukhasya doṣa-buddhyā
kumatim aharad ātma-vidyayā yaś
caraṇa-ratiḥ paramasya tasya me 'stu*

vyavahita: ایستاده در فاصله‌ای؛ *ṣṛtanā*: سربازان؛ *mukham*: صورت‌ها؛ *nirikṣya* با

نظاره بر؛ *sva-jana*: بستگان؛ *vadhāt*: از عمل کشتن؛ *vimukhasya*: فردی که بی طرف است؛ *doṣa-buddhyā*: با شعور آلوده؛ *kumatim*: دانش اندک؛ *aharat*: از بین برد؛ *ātma-vidyayā*: با دانش روحانی؛ *yaḥ*: خداوندی که؛ *carāṇa*: به قدم؛ *ratih*: جذب؛ *paramasya*: مربوط به خداوند؛ *tasya*: برای او؛ *me*: مال من؛ *astu*: اجازه بده.

ترجمه

هنگامی که به نظر می‌رسید آرجونا با رؤیت سربازان و فرماندهان پیش روی خود در صحنه‌ی نبرد آلوده به جهل شده است، خداوند جهل وی را با انتقال دانش روحانی به وی، ریشه‌کن نمود. باشد که قدم نیلوفرینش همواره هدف جذبه‌ی من باشد.

شرح

پادشاهان و فرماندهان باید جلوتر از سربازان جنگجو می‌ایستادند. این سیستم جنگ واقعی بود. پادشاهان و فرماندهان، همچون به اصطلاح رئیس‌جمهوران و وزیران جنگ امروزی نبودند. آنها در حالی که سربازان یا اجیرشدگان با یکدیگر چهره به چهره می‌جنگیدند، در خانه نمی‌ماندند. این ممکن است قاعده‌ی دموکراسی مدرن باشد، اما هنگامی که رژیم سلطنتی واقعی غالب بود، سلاطین، دزدان و غارتگران انتخاب شده، بدون در نظرگیری ویژگی‌ها و شایستگی‌ها نبودند. همان‌طور که در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا مشخص بود، تمام مسئولان اجرایی هر دو جبهه، مانند درونا، بهیشتما، آرجونا و دوریودهان نخواستار بودند؛ تمام آنها مشارکت‌کنندگان واقعی در نبرد بودند و این نبرد در مکان انتخاب شده‌ای دور از محدوده‌های مسکونی اتفاق می‌افتاد. این بدان معنا است که شهروندان بی‌گناه مصون از تمام اثرات جنگ میان گروه‌های سلطنتی رقیب بودند. شهروندان در پی بررسی اخبار چنین جنگ‌هایی نبودند. آنها فقط باید یک چهارم درآمد خود را به حاکم می‌پرداختند؛ خواه آن حاکم آرجونا بود و خواه دوریودهان. تمام فرماندهان گروه‌های درگیر در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا چهره به چهره در مقابل یکدیگر ایستاده بودند و آرجونا آنها را با شفقت فراوان مشاهده نمود و از اینکه مجبور بود به خاطر سلطنت بستگانش را بکشد، ناراحت بود. او اصلاً از سپاهیان بزرگی که دوریودهان جمع‌آوری کرده بود ترسید. اما در نقش یک عابد پرلطف خداوند، وی تصمیم گرفت برای تعلقات مادی نجنگد. اما در این‌جا گفته شده که دلیل این امر آن بود که شعور وی آلوده شده بود. شعور وی نمی‌توانست هیچ زمانی

آلوده شود؛ زیرا همان طور که در فصل چهارم بهاگاواد-گیتا بیان شده است، او عابد و معاشر ابدی خداوند بود. شعور آرجونا در ظاهر آلوده شد، چرا که در غیر این صورت، این فرصت وجود نداشت که آموزش‌های بهاگاواد-گیتا برای خیر تمام ارواح مقید آلوده‌شده در بند قیود مادی به دلیل ادراکات کاذب از بدن مادی، ارائه شود. بهاگاواد-گیتا به ارواح مقید این جهان ارائه شد تا ایشان را از ادراک غلط هم‌هویت پنداشتن بدن با روح، رهایی بخشد و رابطه‌ی ابدی روح با خداوند متعال را دوباره برقرار سازد. آتما-ویدیا (*atma-vidya*) یا دانش روحانی خداوند، توسط خداوند و برای منفعت همگان در تمام بخش‌های جهان بیان شد.

آیه ۳۷

*sva-nigamam apahāya mat-pratijñām
ṛtam adhikartum avapluto rathasthaḥ
dhṛta-ratha-caraṇo 'bhyayāc caladgur
harir iva hantum ibhaṁ gatottariyaḥ*

sva-nigamam: صداقت شما؛ *apahāya*: برای خنثی کردن؛ *mat-pratijñām*: قول من؛
ṛtam: واقعی؛ *adhi*: بیشتر؛ *kartum*: برای انجام آن؛ *avaplutaḥ*: پیاده شد؛ *ratha-*
sthaḥ: از ارابه؛ *dhṛta*: گرفت؛ *ratha*: ارابه؛ *caraṇaḥ*: چرخ؛ *abhyayāt*: با عجله رفت؛
caladgur: زمین را لگدکوب کرد؛ *hariḥ*: شیر؛ *iva*: همچون؛ *hantum*: برای کشتن؛
ibham: فیل؛ *gata*: کنار گذاشتن؛ *uttariyaḥ*: لباس پوشاننده.

ترجمه

با برآورده کردن آرزوی من و قربانی کردن قول و عهد خویش، او از ارابه پیاده شد، چرخ آن را گرفت و با عجله به سمت من دوید، درست همانند شیری که برای کشتن یک فیل می‌رود. او حتی لباس رویی خویش را در مسیر انداخت.

شرح

صحنه‌ی نبرد کوروکشترا بر اساس اصول نظامی چیده شده، اما در عین حال با روحیه‌ای دوستانه طراحی گشته بود؛ درست همانند دوستی که با دوست دیگری می‌جنگد. دویودهان از

بهیشمادو به این دلیل که نسبت به کشتن آرجونا به دلیل رابطه‌ی والدینی با او امتناع می‌کند، انتقاد نمود. یک کشاتریا هرگز توهین در مورد اصول جنگاوری را تحمل نمی‌کند. بنابراین بهیشمادو قول داد که فردا او تمام پنج پانداوا را با سلاحی مخصوص که به همین منظور ساخته شده است، خواهد کشت. دوریودهان راضی شد و او تیرها را با خود نگه داشت تا فردا در هنگام نبرد آنها را به بهیشمادو تحویل دهد. آرجونا با فریب این تیرها را از دوریودهان گرفت و بهیشمادو می‌توانست درک کند که این فریب از سوی خداوند کریشنا بوده است. بنابراین او قسم خورد که فردا کریشنا باید خود اسلحه برگیرد و گرنه دوستش آرجونا کشته خواهد شد.

روز بعد، بهیشمادو آنچنان وحشیانه جنگید که هم آرجونا و هم کریشنا به مشکل افتادند. آرجونا کاملاً شکست خورده بود و وضعیت به گونه‌ای وخیم بود که نزدیک بود تا لحظاتی دیگر توسط بهیشمادو کشته شود. در آن زمان کریشنا می‌خواست عابد خویش بهیشمادو را با حفظ قول بهیشما که از قول خودش مهم بود، راضی نگه دارد. خداوند به ظاهر قول خود را شکست. او پیش از آغاز نبرد کوروکشتر قول داده بود که بدون سلاح باقی خواهد ماند و قدرت خود را برای هیچ یک از دو جبهه به کار نخواهد گرفت. اما برای حفاظت از آرجونا، او از ارابه پیاده شد، چرخ ارابه را برگرفت و با عجله و با حالتی خشمگین به سمت بهیشمادو دوید، درست همان گونه که یک شیر برای کشتن یک فیل به سمت او یورش می‌برد. او لباس رویی خود را در مسیر انداخت و به دلیل خشم زیاد از افتادن آن خبر نداشت. بهیشمادو فوراً سلاح خود را کنار گذاشت و ایستاد تا توسط کریشنا، خداوند محبوبش کشته شود. جنگ آن روز در همان لحظه به پایان رسید و آرجونا جان سالم به در برد. البته هیچ امکانی برای مرگ آرجونا وجود نداشت زیرا خود خداوند در ارابه بود، اما از آن جایی که بهیشمادو می‌خواست خداوند را ببیند که برای حفاظت از دوستش دست به سلاح می‌برد، خداوند این وضعیت را ایجاد نمود تا چنین به نظر برسد که وعده‌ی او انجام پذیرفته و خداوند چرخ را در دست گرفته است.

آیه ۳۸

*śita-viśikha-hato viśirṇa-damśaḥ
kṣataja-ṣaripluta ātatāyino me
prasabham abhisasāra mad-vadhārtham
sa bhavatu me bhagavān gatir mukundaḥ*

śita: تیر؛ *viśikha*: تیرها؛ *hataḥ*: زخمی شده توسط؛ *viśirṇa-damśaḥ*: زره شکسته؛

با زخم‌ها؛ *ksataja*: پارِپلُتا؛ *pariplutah*: آغشته به خون؛ *ātātāyinaḥ*: متجاوز بزرگ؛ *me*: مرا؛ *prasabham*: در حالتی خشمگین؛ *abhisasāra*: شروع به حرکت نمود؛ *mat-vadha*: *artham*: به منظور کشتن من؛ *saḥ*: خداوند؛ *bhavatu*: باشد که؛ *me*: مرا؛ *bhagavān*: شخص خداوند؛ *gatiḥ*: مقصد؛ *mukundah*: کسی که رهایی را اعطا می‌کند.

ترجمه

باشد که او، خداوند شری کریشنا، شخص خداوند، که رهایی را اعطا می‌کند، مقصد نهایی من باشد. در صحنه‌ی نبرد او مرا مورد حمله قرار داد، گویی که به دلیل زخم‌های ایجاد شده توسط تیرهای تیز من خشمگین است. زره وی شکسته بود و بدن او در اثر جراحات، آغشته به خون بود.

شرح

روابط خداوند کریشنا و بهیشمادو در نبرد کوروکشترا جالب است، چرا که به نظر می‌رسد فعالیت‌های خداوند شری کریشنا در جانب‌داری از آرجونا و دشمنی بهیشمادو است؛ اما در واقع تمام آنها برای نشان دادن لطف خاص خداوند به بهیشمادو، عابد بزرگ خداوند، بود. ویژگی خیره‌کننده‌ی چنین رابطه‌ای آن است که یک عابد می‌تواند خداوند را با ایفای نقش یک دشمن راضی کند. خداوند، آن وجود مطلق، می‌تواند خدمت عابد پاک خویش را حتی در لباس یک دشمن بپذیرد. خداوند متعال نمی‌تواند دشمنی داشته باشد و نه یک به اصطلاح دشمن می‌تواند به وی آزاری برساند چراکه وی آجیتا (*ajita*) یا شکست‌ناپذیر است. اما با این حال، هنگامی که عابد پاکش وی را همانند یک دشمن می‌زند یا از موقعیتی به ظاهر بالاتر او را سرزنش می‌کند، راضی می‌شود؛ گرچه هیچ‌کس نمی‌تواند بالاتر و اعلی‌تر از خداوند باشد. اینها بعضی از روابط متقابل متعال میان عابد و خداوند هستند و کسانی که هیچ اطلاعی در مورد خدمت عابدانه‌ی پاک ندارند، نمی‌توانند به راز این روابط پی ببرند. بهیشمادو نقش جنگجوی دلاوری را ایفا می‌کرد. او آگاهانه بدن خداوند را زخمی نمود؛ به گونه‌ای که در چشمان عوام آن‌گونه به نظر می‌رسید که خداوند زخمی شده است، اما در واقع تمام اینها برای غیرعابدان گیج‌کننده است. بدن کاملاً متعال خداوند نمی‌تواند زخمی شود و یک عابد نمی‌تواند دشمن خداوند باشد. اگر چنین بود، بهیشمادو آرزو نمی‌کرد که همان خداوند مقصد نهایی زندگی‌اش باشد. اگر بهیشمادو دشمن خداوند بود، خداوند کریشنا حتی بدون هیچ حرکتی می‌توانست او را نابود سازد. هیچ

نیازی به جنگ رو در رو و توأم با خون‌ریزی و زخم نبود. اما خداوند چنین نمود، چرا که عابد جنگجو خواستار زیارت بدن متعال خداوند مزین به زخم‌های ایجاد شده توسط یک عابد پاک بود. این روش تبادل راسای روحانی یا رویط میان خداوند و خادم است. با چنین روابطی هم خداوند و هم عابد در جایگاه خود پرشکوه می‌شوند. خداوند چنان خشمگین بود که آرجونا وی را در هنگام حرکت به سمت بهیشمادو متوقف نمود، اما علیرغم این اقدام آرجونا، او به سمت بهیشمادو پیش رفت به همان ترتیب که عاشقی بدون توجه به موانع به سمت عاشق دیگر پیش می‌رود. تصمیم خداوند به ظاهر کشتن بهیشمادو، اما در واقع راضی ساختن وی به عنوان یک عابد بزرگ خداوند بود. خداوند بدون شک رهایی‌بخش تمام موجودات مقید است. بی‌هویت‌گرایان از او خواستار رهایی هستند و او همواره بر اساس خواسته‌های ایشان به آنها برکاتی را می‌دهد؛ اما در این‌جا بهیشمادو خواستار رؤیت خداوند در وجه شخصی‌اش بود. تمام عابدان پاک آرزومند چنین چیزی هستند.

آیه ۳۹

*vijaya-ratha-kuṭumba ātta-totre
dhṛta-haya-raśmini tac-chriyekṣaṇīye
bhagavati ratir astu me mumūrṣor
yam iha nirīkṣya hatā gatāḥ sva-rūpam*

Vijaya: آرجونا؛ *ratha*: ارابه؛ *kuṭumbe*: هدف حفاظت در تمام خطرات؛ *ātta-totre*: با شلاقی در دست راست؛ *dhṛta-haya*: کنترل اسب‌ها؛ *raśmini*: اسب‌ها؛ *tat-śriyā*: به زیبایی ایستاده؛ *īkṣaṇīye*: نظاره بر؛ *bhagavati*: به شخصیت خداوند؛ *ratih astu*: اجازه بده توجه من؛ *me*: مرا؛ *mumūrṣor*: فردی که در آستانه مرگ است؛ *yam*: بر فردی که؛ *iha*: در این جهان؛ *nirīkṣya*: با نظاره؛ *hatāḥ*: کسانی که مرده‌اند؛ *gatāḥ*: دست یافته؛ *sva-rūpam*: فرم اصلی.

ترجمه

در این لحظه‌ی مرگ، بگذار توجه غایی من به شری کریشنا، شخصیت خداوند جلب شود. من ذهنم را بر آن اربهران آرجونا متمرکز می‌کنم که با شلاقی در

دست راست و افساری در دست چپ ایستاده است، و در محافظت از ارابه‌ی آرجونا به هر طریق ممکن، بسیار دقیق است. کسانی که او را در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا دیدند، پس از مرگ به فرم اصلی خویش دست یافتند.

شرح

عابد پاک خداوند همواره حضور خداوند را در درون خود احساس می‌کند، چرا که به لحاظ روحانی با خدمت عابدانه با خداوند در ارتباط است. چنین عابد پاکی نمی‌تواند برای لحظه‌ای خداوند را فراموش کند. این امر خلسه (*trance*) نامیده می‌شود. یوگی ماورایی تلاش می‌کند با کنترل حواس از تمام اشتغالات، بر روح متعال تمرکز کند و به این ترتیب در نهایت به سامادهی می‌رسد. یک عابد به شیوه‌ای آسان‌تر و با یادآوری دائمی خداوند در وجه شخصی‌اش به همراه نام، شهرت، و بازی‌های متعال او، به سامادهی یا خلسه می‌رسد. بنابراین تمرکز یوگی ماورایی و تمرکز عابد در یک سطح نیستند. تمرکز یوگی مکانیکی است. در حالی که تمرکز یک عابد پاک به صورت طبیعی در عشق پاک و احساسات خودجوش است. بهیشمادو یک عابد پاک بود و به عنوان یک ژنرال نظامی، او همواره وجوه جنگی خداوند به صورت پارتها-ساراتهی (*Pārtha-sārathi*)، ارابه‌ران آرجونا را به یاد می‌آورد. بنابراین، بازی‌های متعال خداوند به صورت پارتها-ساراتهی نیز ابدی است. بازی‌های متعال خداوند، از آغاز تولد وی در زندان کامسا تا موسالا-لیلا (*mausala-līlā*) در انتها، همی یکی پس از دیگری در تمام جهان‌ها جابه‌جا می‌شوند، درست به همان صورتی که عقربه‌ی ساعت از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر می‌رود؛ و در این بازی‌های متعال، معاشرانی همچون پانداواها و بهیشمادو همراهان دائمی و جاودان وی هستند. بنابراین بهیشمادو هرگز وجه زیبایی خداوند به صورت پارتها-ساراتی را که حتی آرجونا نمی‌توانست ببیند، فراموش نمی‌کند. آرجونا پشت سر پارتها-ساراتهی زیبا بود، در حالی که بهیشمادو درست در مقابل خداوند قرار داشت. در مورد وجه نظامی خداوند نیز بهیشمادو این وجه را با لذت بیشتری نسبت به آرجونا مشاهده می‌کرد.

تمام سربازان و اشخاص حاضر در صحنه‌ی نبرد کوروکشترا پس از مرگ به فرم روحانی همچون خداوند دست یافتند. چرا که به لطف بی‌دلیل خداوند آنها قادر به رؤیت چهره به چهره‌ی خداوند در آن موقعیت بودند. ارواح مقید با چرخش در چرخه‌ی تکاملی از آبزیان تا فرم برهما، همگی در فرم مایا یا فرم حاصل از اعمال خود و کسب شده از طبیعت مادی هستند. اشکال مادی ارواح مقید همگی لباس‌های بیگانه هستند و هنگامی که روح مقید از قیود انرژی

مادی رهایی می‌یابد، فرم اصلی خویش را می‌یابد. بی‌هویت‌گرایان خواستار دستیابی به انوار برهمن فاقد هویت خداوند هستند، اما این چندان متجانس با جرقه‌های زنده (ارواح)، اجزاء و ذرات خداوند نیست. بنابراین، بی‌هویت‌گرایان دوباره فرو می‌افتند و اشکال مادی‌ای می‌پذیرند که همگی نسبت به روح کاذب هستند. فرم روحانی مشابه فرم خداوند، به شکل دودست یا چهاردست، توسط عابدان خداوند در وایکونته‌ها یا در سیاره‌ی گولوکا، بر اساس ماهیت اصلی روح حاصل می‌شود. این شکل صد درصد روحانی، سواروپای (*svarūpa*) اصلی موجود زنده است و تمام موجودات زنده که در نبرد کوروکشتر در هر دو جبهه مشارکت داشتند، آن‌چنان که توسط بهیشمادو تأیید شده است، به سواروپای اصلی خویش دست یافتند. بنابراین خداوند شری کریشنا تنها نسبت به پاندواها مهربان نبود. وی نسبت به جبهه دیگر نیز مهربان بود؛ چرا که تمامی آنها به همین نتیجه دست یافتند. بهیشمادو نیز خواستار همین امکان بود و این دعای وی به خداوند بود؛ گرچه جایگاه وی به عنوان معاشر خداوند در تمام شرایط تضمین شده بود. نتیجه این است که هرکس در حال نظاره به شخص خداوند در درون یا برون فوت کند، به سواروپای خود که بالاترین کمال زندگی است، دست می‌یابد.

آیه ۴۰

*lalita-gati-vilāsa-valguhāsa-
pranaya-nirīkṣaṇa-kalpitorumānāḥ
kṛta-manu-kṛta-vatya unmadāndhāḥ
prakṛtim agan kila yasya gopa-vadhvaḥ*

lalita: جذاب؛ *gati*: حرکات؛ *vilāsa*: اعمال جذاب؛ *valguhāsa*: لبخند شیرین؛ *pranaya*: عاشقانه؛ *nirīkṣaṇa*: نظاره بر؛ *kalpita*: ذهنیت؛ *urumānāḥ*: به شدت پرشکوه شده؛ *kṛta-manu-kṛta-vatyaḥ*: در عمل تقلید حرکات؛ *unmada-andhāḥ*: جنون زده در شغف؛ *prakṛtim*: ویژگی‌ها؛ *agan*: متحمل شد؛ *kila*: قطعاً؛ *yasya*: آن کسانی که؛ *gopa-vadhvaḥ*: دوشیزگان گاوچران.

ترجمه

بگذار ذهن من بر خداوند شری کریشنا متمرکز شود که حرکات و لبخندهای

عاشقانه‌اش تمام دوشیزگان و راجادهام [گویی‌ها] را مجذوب خود می‌نمود. دوشیزگان ویژگی‌های حرکات خداوند را [پس از ناپدید شدن وی از رقص راسا] تقلید می‌کردند.

شرح

با شعف شدید در خدمت عابدانه، دوشیزگان و راجابهومی با رقصیدن در یک سطح برابر، آغوش کشیدن وی در حالت عشق نکاحی، لبخند طنازانه به وی و نظاره‌ی وی با حالتی عاشقانه، به وحدت کیفی با وی رسیدند. رابطه‌ی خداوند با آرجونا بی‌شک شایسته‌ی ستایش از سوی عابدانی همچون بهیشمادو است، اما رابطه‌ی گویی‌ها با خداوند همچنان شایسته‌ی ستایش بیشتری است، زیرا خدمت عاشقانه‌ی ایشان به خداوند، پاک‌تر است. با لطف خداوند، آرجونا آن‌قدر خوشبخت بود که خدمت دوستانه‌ی خداوند را به عنوان ارباب‌ران داشته باشد، اما خداوند به آرجونا قدرتی مشابه اعطا نمود. اما گویی‌ها به ویژه با دستیابی به هم‌قدمی با خداوند، با او یکی شدند. خواسته‌ی بهیشمادو برای یادآوری گویی‌ها، دعا برای کسب لطف ایشان در آخرین مرحله‌ی زندگی وی است. خداوند هنگامی که عابدان پاکش پرشکوه می‌شوند راضی‌تر می‌شود و بنابراین بهیشمادو نه تنها اعمال آرجونا، که نزدیک و در معرض دید خود بود را ستود، بلکه همچنین وی گویی‌ها را به یاد آورد که با انجام خدمت عاشقانه به خداوند به فرصتی استثنایی دست یافته بودند. برابری گویی‌ها با خداوند نباید هرگز با رهایی سابوجیای (*sāyujya*) بی‌هویت‌گرایان به اشتباه یکی پنداشته شود. برابری نوعی شعف کامل است که در آن مفهوم افتراق کاملاً از بین می‌رود؛ چرا که در این حال، علائق عاشق و معشوق با هم یکی می‌شوند.

آیه ۴۱

*muni-gaṇa-nṛpa-varya-saṅkule 'ntaḥ-
sadasī yudhiṣṭhira-rājasūya eṣām
arhaṇam uṇṇapaḍa ikṣaṇīyo
mama dṛṣī-gocara eṣa āvir ātmā*

muni-gaṇa: حکیمان بزرگ؛ *nṛpa-varya*: پادشاهان حکمران بزرگ؛ *saṅkule*: در جمع بزرگ؛ *antaḥ-sadasī*: مجمع؛ *yudhiṣṭhira*: مربوط به امپراتور بودهیشتیرا؛ *rāja-*

sūye: اجرای سلطنتی یک قربانی؛ eṣām: از میان تمام نخبگان بزرگ؛ arhaṇam: پرستش محترمانه؛ upapeda: دریافت شد؛ ikṣaṇīyah: هدف توجه و جاذبه؛ mama: مال من؛ dṛṣi: رؤیت، بینایی؛ gocarah: در حوزه‌ی دید؛ eṣaḥ āviḥ: شخصاً حاضر؛ ātmā: روح.

ترجمه

در راجاسویا-یاگیای (Rājasūya-yajña) [قربانی] انجام شده توسط ماهاراج یودهیشیتیرا، بزرگ‌ترین جمع تمام نخبگان جهان، افراد سلطنتی و حکیمان حضور داشتند و در آن جمع بزرگ خداوند شری کریشنا توسط همگان به عنوان شخصیت اعلا‌ی خداوند پرستش شد. این واقعه در حضور من رخ داد و من آن را به منظور تمرکز ذهنم بر خداوند به یاد آوردم.

شرح

پس از پیروزی در نبرد کوروکشترا، ماهاراج یودهیشیتیرا، امپراتور جهان، مراسم قربانی راجاسویا را انجام داد. امپراتور در آن روزگاران، با بر تخت نشستن، یک اسب مبارز را به سراسر دنیا می‌فرستاد تا برتری خویش را اعلام کند و هر شاهزاده یا پادشاه حاکمی مختار بود که این مبارزه را بپذیرد و اراده‌ی ضمنی خود را برای اطاعت یا عدم اطاعت از برتری آن امپراتور خاص اعلام نماید. فردی که مبارزه را می‌پذیرفت باید با امپراتور می‌جنگید و برتری خود را با پیروزی مستدام می‌نمود. مبارز شکست خورده باید جان خود را قربانی می‌کرد و جای خود را به پادشاه یا حاکمی دیگر می‌داد. بنابراین ماهاراج یودهیشیتیرا نیز چنین اسب‌های مبارزی را به سراسر دنیا اعزام نمود و تمام شاهزادگان و پادشاهان حاکم سراسر جهان رهبری ماهاراج یودهیشیتیرا را به عنوان امپراتور جهان پذیرفتند. پس از آن، تمام حکمرانان جهان تحت رژیم ماهاراج یودهیشیتیرا برای شرکت در مراسم بزرگ قربانی راجاسویا دعوت شدند. چنین مراسمی نیازمند صدها میلیون دلار است و این کاری آسان برای یک پادشاه کوچک نبود. چنین مراسم قربانی، به دلیل پرهزینه بودن و نیز دشواری آن در شرایط حاضر، در این عصر کالی غیرممکن است. همچنین در شرایط حاضر نمی‌توان روحانی متخصصی را برای بر عهده گرفتن مسئولیت قربانی پیدا نمود. بنابراین، پس از دعوت شدن، تمام پادشاهان و حکیمان بزرگ جهان در پایتخت ماهاراج یودهیشیتیرا گرد هم آمدند. جامعه‌ی خردمندان، شامل فیلسوفان، الهیون، پزشکان، دانشمندان و تمام حکیمان بزرگ همگی دعوت شده بودند. باید گفت، برهمانها و کشاتریاها رهبران عالی

جامعه هستند و همگی آنها برای مشارکت در این جمع دعوت شده بودند. وایشیاها و شودراها عناصر غیر مهم جامعه هستند، و در این‌جا مورد اشاره قرار نگرفته‌اند. به دلیل تغییر فعالیت‌های اجتماعی در عصر حاضر، اهمیت افراد نیز بر حسب وظایف اشتغالی ایشان تغییر کرده است. بنابراین در آن گردهمایی بزرگ، خداوند شری کریشنا مرکز توجه تمام چشمان بود. همگان خواستار رؤیت خداوند کریشنا و ادای احترام به وی بودند. بهیشمادو تمام اینها را به یاد آورد و خوشحال بود که خداوند پرستیدنی‌اش، شخص خداوند، در شکل واقعی خویش در مقابلش حاضر است. بنابراین مراقبه بر خداوند متعال، مراقبه بر اعمال، شکل، بازی‌های متعال، نام و شهرت خداوند است. این کار به مراتب آسان‌تر از مراقبه بر وجه فاقد هویت مطلق است. در بهاگاواد-گیتا (۵/۱۲) به وضوح بیان شده است که تمرکز بر وجه فاقد هویت مطلق بسیار مشکل است. در واقع هیچ مراقبه‌ای وجود ندارد یا تنها اتلاف وقت است؛ چرا که به ندرت نتایج مطلوب حاصل می‌شود. اما عابدان بر شکل واقعی و بازی‌های متعال خداوند مراقبه می‌کنند و بنابراین خداوند به سادگی در دسترس عابدان قرار می‌گیرد. این موضوع نیز در بهاگاواد گیتا (۹/۱۲) بیان شده است. خداوند متفاوت از فعالیت‌های روحانی‌اش نیست. همچنین در این آیه اشاره شده است که خداوند شری کریشنا، هنگامی که عملاً در جامعه‌ی انسانی حاضر بود، به ویژه در ارتباط نزدیک با نبرد کوروکشترا، به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت زمانه پذیرفته شده بود؛ گرچه شاید وی به عنوان شخص خداوند شناخته نمی‌شد. تبلیغ آنکه یک شخص بسیار بزرگ پس از مرگش به عنوان خدا مورد پرستش قرار می‌گیرد گمراه‌کننده است، چرا که یک انسان پس از مرگش نمی‌تواند خدا شود، و شخصیت خداوند نیز حتی هنگامی که شخصاً در این‌جا حاضر است، یک انسان نیست. هر دو برداشت اشتباه هستند. ایده‌ی قائل شدن جنبه‌ی انسانی برای خداوند (*anthropomorphism*) در مورد شری کریشنا قابل به کارگیری نیست.

آیه ۴۲

*tam imam aham ajam śarīra-bhājāṁ
 ḥṛdi ḥṛdi dhiṣṭhitam ātma-kalpitanām
 pratidṛśam iva naikadhārkam ekam
 samadhi-gato 'smi vidhūta-bheda-mohaḥ*

tam: آن شخص خداوند؛ *imam*: که حالا در مقابل من حاضر است؛ *aham*: من؛ *ajam*:

زاده نشده؛ *sarīra-bhājām*: مربوط به روح مقید؛ *hr̥ḍi* در قلب؛ *hr̥ḍi* در قلب؛ *dhiṣṭhitam*: واقع؛ *ātma*: روح متعال؛ *kalpitānām*: مربوط به پندارگرایان؛ *pratidṛśam*: در هر جهت؛ *iva*: همانند؛ *na ekadhā*: غیر یکی؛ *arkam*: خورشید؛ *ekam*: تنها یکی؛ *samadhi-gataḥ asmi*: در مراقبه‌ی خود به خلسه رفته‌ام؛ *vidhūta*: آزاد از؛ *bheda-mohaḥ*: سوء ادراک دوگانگی.

ترجمه

حال من با تمرکز کامل بر آن خداوند، شری کریشنا، که در مقابلم حاضر است مراقبه می‌کنم؛ زیرا در حال حاضر من سوء ادراک دوگانگی در مورد حضور او در قلب همگان، حتی در قلب‌های پندارگرایان ذهنی را پشت سر گذارده‌ام. خداوند در قلب همگان حضور دارد. خورشید ممکن است به طرق مختلفی درک شود، اما خورشید یکی است.

شرح

خداوند شری کریشنا، یگانه شخص اعلا‌ی مطلق خداوند است؛ اما وی با قدرت تصورناپذیرش بسط‌های متعددی را از خود متجلی می‌سازد. ادراک دوگانگی به دلیل جهل نسبت به انرژی غیرقابل ادراک اوست. در بهاگاواد گیتا (۱۱/۹) خداوند می‌فرماید که تنها احمقان او را یک انسان فرض می‌کنند. چنین احمقانی از انرژی غیرقابل ادراک خداوند آگاه نیستند. خداوند با قدرت تصورناپذیر خود در قلب همگان حاضر است؛ همانطور که خورشید پیش چشم همگان حضور دارد. وجه پارامتامی خداوند یکی از بسط‌های کامل وی است. وی با قدرت تصورناپذیرش، خود را به صورت پاراماتما در قلب همگان، و همچنین با درخشش شخصی، خود را به صورت انوار درخشان برهماجیوتی بسط می‌دهد. بنابراین، هیچ تفاوتی میان وی و درخشش شخصی‌اش، یا بسط کاملش به صورت پاراماتما وجود ندارد. اشخاص کم‌خرد که از این حقیقت آگاه نیستند برهماجیوتی و پاراماتما را متفاوت از شری کریشنا در نظر می‌گیرند. سوء ادراک دوگانگی کاملاً از ذهن پهبیشمادو پاک شده است و اکنون وی بدین اقتاع دست یافته است که خداوند شری کریشنا در بر گیرنده و اصل همه چیز است. این روشن‌بینی توسط ماهاتماها یا عابدان بزرگ قابل دستیابی است. همان‌طور که در بهاگاواد-گیتا (۱۹/۷) نیز بیان شده است، و آسودوا در بر گیرنده‌ی همه چیز است و هیچ موجودی بدون و آسودوا وجود ندارد. آن‌گونه که در این‌جا توسط

یک ماهاجانا تأیید می‌شود، وآسودوا یا خداوند شری کریشنا، شخص اعلاهی اصلی است و بنابراین هم عابدان مبتدی و هم عابدان پاک باید تلاش کنند که از مسیر وی پیروی نمایند. این مسیر عابدانه است.

هدف پرستش بهیشمادو خداوند شری کریشنا به صورت پارتها-ساراتهی است و هدف گوبی‌ها همان شری کریشنا در ورینداون به عنوان شیاماسوندارای (*Śyāmasundara*) جذاب است. بعضی مواقع محققان کم‌خرد دچار اشتباه می‌شوند و فکر می‌کنند کریشناهی ورینداوان و کریشناهی نبرد کوروکشترا اشخاص متفاوتی هستند. اما برای بهیشمادو این سوء ادراک کاملاً رفع شده بود. حتی مقصد بی‌هویت‌گرایان نیز کریشنا به صورت جیوتی فاقد هویت است و مقصد یوگی یعنی مراقبه بر پاراماتا نیز همان کریشنا است. کریشنا هم برهماجیوتی و هم پارامتامای مکان‌گزیده است، اما در برهماجیوتی یا پاراماتا، کریشنا یا روابط شیرین با کریشنا وجود ندارد. کریشنا در وجه شخصی‌اش هم پارتها-ساراتهی و هم شیاماسوندارای ورینداوان است، اما در وجه فاقد هویت خویش او نه در برهماجیوتی و نه در پاراماتا واقع نیست. ماهاتماهای بزرگ همچون بهیشمادو تمام وجوه مختلف خداوند شری کریشنا را درک می‌کنند و بنابراین آنها با دانستن کریشنا به عنوان سرمنشاء تمام وجوه، وی را پرستش می‌کنند.

آیه ۴۳

sūta uvāca
kṛṣṇa evaṁ bhagavati
mano-vāg-dṛṣṭi-vṛttibhiḥ
ātmany ātmānam āveśya
so 'ntaḥśvāsa upāramat

sūtaḥ uvāca: سوتا گوسوامی گفت؛ *kṛṣṇe*: خداوند کریشنا، شخصیت اعلاهی خداوند؛ *evaṁ*: تنها؛ *bhagavati*: به او (خداوند)؛ *manaḥ*: با ذهن؛ *vāk*: سخن؛ *dṛṣṭi*: بصیرت؛ *vṛttibhiḥ*: فعالیت‌ها؛ *ātmani*: به روح متعال؛ *ātmānam*: موجود زنده؛ *āveśya*: غرق شده در؛ *saḥ*: او؛ *antaḥ-śvāsaḥ*: تنفس؛ *upāramat*: ساکت شد.

ترجمه

سوتا گوسوامی گفت: بدین ترتیب بهیشمادو با ذهن، سخن، دیدار و فعالیت‌هایش خود را در روح متعال، خداوند شری کریشنا، شخصیت اعلای خداوند غرق نمود و بدین ترتیب ساکت شد و تنفسش قطع گردید.

شرح

مرحله‌ای که بهیشمادو در حال ترک بدن مادی‌اش بدان دست یافت، نیرویکالپا-سامادهی (*nirvikalpa-samādhi*) نامیده می‌شود؛ چرا که وی خود را در اندیشه‌ی خداوند و ذهن خود را در به یاد آوردن فعالیت‌های مختلف خداوند غرق نمود. او شکوه خداوند را می‌سرود و با قدرت بینایی خود خداوند حاضر در مقابلش را رؤیت می‌نمود و بدین ترتیب تمام فعالیت‌هایش بدون انحراف متمرکز بر خداوند شد. این بالاترین مرحله‌ی کمال است و دستیابی به این مرحله با تمرین خدمت عابدانه برای همگان میسر خواهد بود. خدمت عابدانه‌ی خداوند در بر گیرنده‌ی نه اصل خدمت است و آنها عبارتند از: (۱) شنیدن، (۲) ذکر کردن، (۳) به یاد آوردن، (۴) خدمت به قدوم نیلوفرین، (۵) پرستش، (۶) دعا کردن، (۷) انجام دستورات، (۸) دوستی، (۹) تسلیم کامل. هر یک از این نه اصل و یا تمام آنها کاملاً می‌توانند نتایج مطلوب را نصیب فرد سازند، اما آنها نیازمند تمرین مداوم و با پشتکار تحت هدایت یک عابد متخصص خداوند هستند. اولین مورد، مهم‌ترین مورد از میان آنها است و بنابراین شنیدن بهاگاواد-گیتا و سپس شریمااد-بهاگاواتام برای هر نامزد جدی خواستار دستیابی به موقعیت بهیشمادو ضروری است. موقعیت منحصر به فرد بهیشمادو در زمان مرگ قابل دستیابی است، گرچه ممکن است خداوند شخصاً حضور نداشته باشد. کلمات وی در بهاگاواد-گیتا یا شریمااد-بهاگاواتام با خداوند یکی هستند. آنها تجلیات صوتی خداوند هستند و فرد می‌تواند از آنها کاملاً بهره‌مند شود تا به موقعیت شری بهیشمادو که یکی از هشت واسو است دست یابد. هر انسان یا حیوانی باید در مرحله‌ی خاصی از زندگی بمیرد، اما فردی که همچون بهیشمادو می‌میرد به کمال دست می‌یابد و فردی که با اجبار قوانین طبیعت می‌میرد، همچون یک حیوان می‌میرد. این تفاوت میان یک انسان و یک حیوان است. هدف خاص شکل انسانی حیات، دستیابی به مرگی همچون مرگ بهیشمادو است.

آیه ۴۴

*sampadyamānam ājñāya
bhīṣmaṁ brahmaṇi niṣkale*

sarve babhūvus te tūṣṇīm
vayāmsīva dinātyaye

sampadyamānam: غرق شدن در؛ *ājñāya*: پس از دانستن؛ *bhīṣmam*: در مورد شری بهیشمادو؛ *brahmaṇi*: در مطلق متعال؛ *niṣkale*: نامحدود؛ *sarve*: همه‌ی حاضران؛ *babhūvuḥ te*: تمام آنها شدند؛ *tūṣṇīm*: ساکت؛ *vayāmsi iva*: همچون پرندگان؛ *dina-atyaye*: در پایان روز.

ترجمه

با دانستن آنکه بهیشمادو در ابدیت نامحدود مطلق متعال غرق شده است، تمام حضار همچون پرندگان خاموش در انتهای روز، ساکت شدند.

شرح

ورود یا غرق شدن در ابدیت نامحدود مطلق متعال به معنای ورود به خانه‌ی اصلی موجود زنده است. موجودات زنده همگی اجزاء و عناصر شخصیت مطلق خداوند هستند و بنابراین آنها به طور ابدی در رابطه‌ی خادم و مخدوم با خداوند در ارتباط هستند. تمام اجزاء و عناصر به خدمت به خداوند می‌پردازند، درست به همان ترتیبی که اتمام اجزاء و عناصر به خدمت به یک ماشین کامل می‌پردازند. هر جزیی از ماشین اگر از کل جدا شود، دیگر اهمیتی نخواهد داشت. مشابهاً، هر جزء و ذره‌ای از مطلق اگر از خدمت خداوند جدا شود، بی‌فایده خواهد بود. موجودات زنده‌ی حاضر در دنیای مادی همگی اجزاء و ذرات مجزا شده از کل مطلق می‌باشند و آنها دیگر همچون عناصر و ذرات اصلی، مهم نیستند. با این حال، موجودات زنده‌ی یکپارچه‌تر و جدا نشده‌ای هستند که همگی به صورت ابدی رهایی‌یافته می‌باشند. انرژی مادی خداوند به نام دورگا-شاکتی (*Durgā-śakti*) یا کنترل‌کننده‌ی متعال زندان، مسئولیت این ذرات و عناصر مجزا شده را بر عهده می‌گیرد و بدین ترتیب آنها متحمل یک زندگی مقید تحت قوانین طبیعت مادی می‌شوند. هنگامی که موجود زنده از این حقیقت آگاه شود، تلاش می‌کند به خانه نزد خداوند باز گردد و بدین ترتیب اشتیاق روحانی موجود زنده آغاز می‌شود. این میل و اشتیاق روحانی، برهما-جیگیاسا (*brahma-jijñāsā*) یا پرسش در مورد برهمن نامیده می‌شود. اصولاً این برهما-جیگیاسا با دانش، انقطاع و خدمت عابدانه به خداوند موفق‌آمیز خواهد بود. گیانا یا

دانش، به معنای دانش همه چیز در مورد برهمن، یا متعال است؛ انقطاع به معنای انقطاع از احساسات مادی است و خدمت عابدانه نیز با تمرین موقعیت اصلی موجود زنده قابل احیاء است. موجودات زنده‌ی موفق که شایسته‌ی ورود به قلمرو مطلق هستند، گیانی‌ها، یوگی‌ها و بهاکتاها نامیده می‌شوند. گیانی‌ها و یوگی‌ها وارد انوار فاقد هویت مطلق می‌شوند، اما بهاکتاها وارد سیارات روحانی شناخته شده به عنوان وایکونتها می‌شوند. در این سیارات روحانی خداوند متعال به صورت نارایانا غالب است و موجودات زنده‌ی سالم و غیرمقید، با انجام خدمت عابدانه در مقام‌های خادمی، دوستی، والدینی و عاشقی به خدمت عاشقانه به خداوند می‌پردازند. در آنجا موجودات زنده‌ی غیرمقید، در آزادی کامل به لذت بردن از رابطه با خداوند می‌پردازند؛ در حالی که گیانی‌ها و یوگی‌های بی‌هویت‌گرا به انوار درخشان فاقد هویت سیارات وایکونتها وارد می‌شوند. سیارات وایکونتها همگی مانند خورشید درخشنده هستند و انوار این سیارات، برهماجیوتی نامیده می‌شود. برهماجیوتی به طور نامحدودی گسترده شده است و دنیای مادی تنها جزئی پوشانده شده از بخشی بی‌اهمیت از همان برهماجیوتی است. این پوشش موقتی می‌باشد و بنابراین نوعی توهم است.

بهیشمادو به عنوان یک عابد پاک خداوند، وارد قلمروی یکی از سیارات وایکونتهایی شد که در آن سیاره خداوند در شکل ابدی پارتها- ساراتهی خود بر موجودات زنده‌ی رهایی‌یافته‌ی مشغول در خدمت ابدی خداوند حکومت می‌کند. عشق و محبتی که خداوند و عابد را به یکدیگر متصل می‌کند در مورد بهیشمادو متجلی شد. بهیشمادو هرگز خداوند را در وجه متعالش به عنوان پارتها- ساراتهی فراموش نکرد و خداوند در هنگام انتقال بهیشمادو به دنیای روحانی، شخصاً در مقابل دیدگان وی حاضر شد. این بالاترین کمال زندگی است.

آیه ۴۵

*tatra dundubhayo nedur
deva-mānava-vāditāḥ
śaśamsuḥ sādhave rājñāḥ
khāt pētuh puṣpa-vṛṣṭayaḥ*

tatra: پس از آن؛ *dundubhayah*: طبل‌ها؛ *neduh*: به صدا درآمدند؛ *deva*: خداوندگاران از سایر سیارات؛ *mānava*: افرادی از دیگر کشورها؛ *vāditāḥ*: ضربه زدن

توسط؛ *śaśamsuḥ*: ستایش شده؛ *sādhavaḥ*: صادق؛ *rājñām*: توسط هیئت سلطنتی؛ *khāt*: از آسمان؛ *petuḥ*: شروع به ریختن نمود؛ *puṣpa-vr̥ṣṭayah*: بارانی از گل.

ترجمه

پس از آن، همه مردان و هم خداوندگاران به نشانه‌ی احترام طبل‌ها را به صدا درآوردند، و خاندان درستکار سلطنتی احترامات خود را ادا نمودند و از آسمان بارانی از گل‌ها شروع به ریختن نمود.

شرح

بهیشمادو هم توسط انسان‌ها و هم توسط خداوندگاران مورد احترام قرار گرفت. موجودات زنده در روی زمین و سیارات مشابه دیگر در گروه‌های بهور (*Bhūr*) و بهووار (*Bhuvar*) سیارات زندگی می‌کنند، اما خداوندگاران در سووار (*Svar*) یا سیارات بهشتی زندگی می‌کنند و همگی آنها بهیشمادو را به عنوان جنگجو و عابد بزرگ خداوند می‌شناختند. به عنوان یک ماهاجانا (یا مرجع) بهیشمادو گرچه یک انسان بود اما در سطح برهما، نارادا و شیوا قرار داشت. داشتن کیفیتی برابر با خداوندگاران تنها با دستیابی به کیفیت روحانی ممکن است. بنابراین بهیشمادو در سراسر جهان شناخته شده بود و در طول مسافرت‌های بین سیاره‌ای خود از روش‌های ظریف‌تری از تلاش‌های بی‌ثمر با سفینه‌های مکانیکی تأثیر می‌پذیرفت. هنگامی که سیارات ورودست از درگذشت بهیشمادو با خبر شدند، تمام ساکنان سیارات بالاتر به همراه ساکنان زمین شروع به گل‌ریزان کردند تا احترامات خود را به شخصیت بزرگ درگذشته نشان دهند. این گل‌ریزان از بهشت نشانه‌ای از به رسمیت شناخته شدن از سوی خداوندگاران بزرگ است و نباید هرگز با تزئین و آراستن یک بدن مرده مقایسه شود. بدن بهیشمادو اثرات مادی خود را به دلیل انرژی گرفتن از ادراک روحانی از دست داده بود و بدین ترتیب بدن وی همچون آهنی که در تماس با آتش به یک میله‌ی گذاخته بدل می‌شود، روحانی شده بود. بنابراین بدن یک روح کاملاً خودشناخته به عنوان چیزی مادی پذیرفته نمی‌شود. احترام و به رسمیت شناخته شدن بهیشمادو هرگز نباید به شیوه‌های مصنوعی، آن‌گونه که امروزه اجرای مراسم به اصطلاح جایانتی (*jayanti*) برای هر انسان معمولی به صورت یک مد و سنت درآمد است، مورد تقلید قرار گیرد. بر اساس شاستراهای معتبر، چنین مراسم جایانتی برای یک انسان معمولی، هر چقدر نیز از لحاظ مادی متعال باشد، اهانتی به خداوند است، چرا که جایانتی برای روزی در نظر گرفته

شده است که خداوند بر روی زمین ظاهر می‌شود. بهیماشادو در فعالیت‌های خود منحصر به فرد بود و درگذشت و رهسپاری وی به سمت قلمروی خداوند نیز منحصر به فرد است.

آیه ۴۶

*tasya nirharanādīni
samparetasya bhārgava
yudhiṣṭhiraḥ kārāyivā
muhūrtam duḥkhito 'bhavat*

tasya: او را؛ *nirharana-ādīni*: مراسم تشییع جنازه؛ *samparetasya*: مربوط به بدن مرده؛ *bhārgava*: ای نواده‌ی بریگو؛ *yudhiṣṭhiraḥ*: ماهاراج یودهیشتیرا؛ *kārāyivā*: آن را انجام داده است؛ *muhūrtam*: برای یک لحظه؛ *duḥkhitaḥ*: غمگین؛ *abhavat*: شد.

ترجمه

ای نواده‌ی بریگو (شوناکا)، پس از انجام مراسم تشییع بدن مرده‌ی بهیشمادو، ماهاراج یودهیشتیرا برای لحظه‌ای سرشار از غم شد.

شرح

بهیشمادو نه تنها سرکرده‌ی خاندان ماهاراج یودهیشتیرا بود، بلکه یک فیلسوف بزرگ برای وی، برادران و مادرانش به شمار می‌آمد. از آن‌جا که ماهاراج پاندو، پدر پنج برادر به سرکردگی ماهاراج یودهیشتیرا فوت کرده بود، بهیشمادو مهربان‌ترین پدر بزرگ پاندواها و مراقب عروس بیوه، کونتی دوی، بود. گرچه ماهاراج دهریتراشتر، عموی بزرگ‌تر ماهاراج یودهیشتیرا برای مراقبت از آنها حضور داشت، اما محبت وی بیشتر متوجه صد فرزند خود به سرکردگی دوریودهان بود. در نهایت جمع بزرگی تشکیل شد تا پنج برادر یتیم را از ادعای قانونی خود برای پادشاهی هاستیناپور محروم کند. دسیسه‌های بزرگ، امری معمول در قصرهای سلطنتی بود و بنابراین پنج برادر به سمت طبیعت وحشی تبعید شدند. اما بهیشمادو همیشه خیرخواه، پدر بزرگ، دوست و فیلسوف صادق و غمخوار ماهاراج یودهیشتیرا، حتی تا آخرین دم حیات خود بود. او با دیدن ماهاراج یودهیشتیرا بر تخت سلطنت در شادمانی بسیار درگذشت، در غیر این صورت او به

جای آنکه از رنج‌های پانداواها بیشتر متحمل رنج شود، مدت‌ها قبل بدن مادی خویش را ترک کرده بود. او صرفاً منتظر یک لحظه‌ی مناسب بود چرا که اطمینان داشت پسران پاندو به این خاطر که خداوندشان شری کریشنا محافظ آنان بود، از نبرد کوروکشتر پیروز خارج می‌شوند. به عنوان یک عابد خداوند، او می‌دانست که عابد خداوند نمی‌تواند هیچ‌گاه نابود شود. ماهاراج یودهیشتیرا از تمام این خیرخواهی‌های بهیشمادو آگاه بود و بنابراین او می‌باید فراغ عظیمی را حس می‌کرد. ماهاراج یودهیشتیرا برای جدایی از یک روح بزرگ، و نه برای بدن مادی که بهیشمادو ترک کرده بود، ناراحت و اندوهگین بود. انجام مراسم تشییع جنازه یک وظیفه‌ی ضروری، حتی برای بهیشمادو که روحی‌رهایی‌یافته است، می‌باشد. از آن‌جا که بهیشمادو فرزندی نداشت، بزرگ‌ترین نوه، یعنی ماهاراج یودهیشتیرا، شخص مناسب برای انجام این مراسم بود. این برکتی بزرگ برای بهیشمادو بود که نوه‌ای بزرگ همچون ماهاراج یودهیشتیرا، آخرین مراسم مردی بزرگ را انجام می‌داد.

آیه ۴۷

*tuṣṭuvur munayo hr̥ṣṭāḥ
kṛṣṇam tad-guhya-nāmabhiḥ
tatas te kṛṣṇa-hṛdayāḥ
svāśramān prayayuh punaḥ*

tuṣṭuvuh: راضی؛ *munayah*: حکیمان بزرگ به رهبری ویاسادو و غیره؛ *hr̥ṣṭāḥ*: همگی در خوشحالی؛ *kṛṣṇam*: به خداوند کریشنا، شخصیت خداوند؛ *tat*: مربوط به خداوند؛ *guhya*: محرمانه؛ *nāmabhiḥ*: با نام مقدس خداوند، غیره؛ *tataḥ*: پس از آن؛ *te*: آنها؛ *kṛṣṇa-* *hṛdayāḥ*: اشخاصی که همواره خداوند کریشنا را در قلب خود حمل می‌کنند؛ *sva-* *āśramān*: منزل مربوطه‌ی خود؛ *prayayuh*: بازگشته؛ *punaḥ*: دوباره.

ترجمه

سپس تمام حکیمان بزرگ خداوند کریشنا را که در آن‌جا حاضر بود با سروده‌های محرمانه‌ی ودایی پرشکوه کردند. آنگاه تمام ایشان در حالی که همواره خداوند را در قلب‌هایشان داشتند، به منزل خویش بازگشتند.

شرح

عابدان خداوند همواره در قلب خداوند حضور دارد و خداوند همواره در قلب‌های عابدان حضور دارد. این رابطه‌ی شیرین خداوند و عبادانش است. به خاطر عشق و عبودیت پاک نسبت به خداوند، عابدان همواره او را در درون خویش می‌بینند و خداوند نیز، گرچه کاری برای انجام ندارد و هیچ خواسته‌ای ندارد، همواره مشغول در امور خیر برای عبادانش است. برای موجودات زنده‌ی عادی، قانون طبیعت برای تمام اعمال و واکنش‌های اعمال وجود دارد، اما او همواره مشتاق آن است که عابدان خود را در مسیر مستقیم قرار دهد. بنابراین عابدان تحت مراقبت مستقیم خداوند هستند، و خداوند نیز داوطلبانه خود را تنها تحت مراقبت عابدان خود قرار می‌دهد. بنابراین تمام حکیمان، به رهبری ویاسادو، عابدان خداوند بودند و این‌چنین آنها پس از مراسم تشییع جنازه، تنها برای راضی ساختن خداوند که شخصاً در آن‌جا حضور داشت، به ذکر سروده‌های ودایی پرداختند. تمام سروده‌های ودایی برای راضی ساختن خداوند کریشنا سروده می‌شوند. این موضوع در بهاگاواد-گیتا (۱۵/۱۵) تأیید شده است. تمام وداهای، اوپانیشادهای، ودانتا و غیره تنها در جستجوی او هستند و تمام سروده‌ها تنها برای پرشکوه کردن او می‌باشند. بنابراین، حکیمان دقیقاً همان اعمالی را که برای این هدف مناسب بود انجام دادند و شادمان روانه‌ی منازل خود شدند.

آیه ۴۸

*tato yudhiṣṭhiro gatvā
saha-kṛṣṇo gajāhvayam
pitaram sāntvayām āsa
gāndhārīm ca tapasvinīm*

tataḥ: پس از آن؛ *yudhiṣṭhiraḥ*: ماهاراج یودهیشثیرا؛ *gatvā*: در حال رفتن به آن‌جا؛ *saha*: با؛ *kṛṣṇaḥ*: خداوند؛ *gajāhvayam*: در پایتختی به نام گاجاهوایا هاستیناپور؛ *pitaram*: به عمویش (دهریتاراشترا)؛ *sāntvayām āsa*: تسکین داد؛ *gāndhārīm*: همسر دهریتاراشترا؛ *ca*: و؛ *tapasvinīm*: زن تارک دنیا.

ترجمه

پس از آن، ماهاراج یودهیشتیرا، به همراهی خداوند شری کریشنا فوراً به سمت پایتختش هاستیناپور حرکت کرد و در آنجا عمو و زن عموی خود گاندهاری، که زنی تارک دنیا بود را تسلی داد.

شرح

دهریتاراشترا و گاندهاری، پدر و مادر دوربودهان و برادرانش، عموی بزرگ و زن عموی ماهاراج یودهیشتیرا بودند. پس از نبرد کوروکشتر، این زوج مشهور با از دست دادن تمام پسران و نوه‌های خود، تحت حمایت ماهاراج یودهیشتیرا قرار گرفتند. آنها روزهای خود را به خاطر این فقدان عظیم در زندگی در رنجی عظیم سپری می‌کردند و در عمل تارک دنیا شده بودند. خبرهای مرگ بهیشمادو، عموی دهریتاراشترا، شوک بزرگ دیگری برای پادشاه و ملکه بود و بنابراین آنها نیازمند تسلی خاطر ماهاراج یودهیشتیرا بودند. ماهاراج یودهیشتیرا از وظیفه‌ی خود آگاه بود و فوراً با خداوند کریشنا به آن مکان مورد نظر رسید و دهریتاراشترای مغموم را با سخنانی شاهانه از سوی خود و همچنین از سوی خداوند راضی ساخت.

گاندهاری گرچه همچون یک همسر مؤمن و یک مادر پادشاه زندگی می‌کرد، یک تارک دنیای قدرتمند بود. گفته شده است که گاندهاری نیز به صورت دواطلبانه به خاطر کوری چشمان همسرش، چشمانش را بسته بود. وظیفه‌ی همسر پیروی صد درصد از همسرش است. و گاندهاری چنان نسبت به همسرش صادق بود که حتی در کوری ابدی همسرش وی را همراهی می‌کرد. بنابراین وی در اعمالش تارک دنیایی بزرگ بود. جز آن، شوک ناشی از کشته شدن تمام صد پسرش و نوه‌اش نیز قطعاً برای یک زن بسیار سنگین بود. گاندهاری، گرچه یک زن بود، در شخصیت کمتر از بهیشمادو نبود. آنها هر دو شخصیت‌هایی شاخص در ماهابهارات هستند.

آیه ۴۹

*pitrā cānumato rājā
vāsudevānumoditaḥ
cakāra rājyaṁ dharmeṇa
pitṛ-paitāmahaṁ vibhuḥ*

pitṛā: توسط عمویش، دهریتراشتر؛ *ca*: و؛ *anumataḥ*: با تأیید ایشان؛ *rājā*: پادشاه یودهیشتیرا؛ *vāsudeva-anumoditaḥ*: تأیید شده توسط شری کریشنا؛ *cakāra*: اجرا نمود؛ *rājyam*: پادشاهی؛ *dharmena*: در مطابقت با قواعد و اصول سلطنتی؛ *pitṛ*: پدر؛ *paitāmaham*: اجداد؛ *vibhuḥ*: به همان بزرگی.

ترجمه

پس از آن پادشاه بزرگ مذهبی، ماهاراج یودهیشتیرا، قدرت سلطنتی را در پادشاهی خود بر اساس قواعد و اصول سلطنتی تصدیق شده توسط عمویش و تأیید شده از سوی خداوند شری کریشنا، اجرا نمود.

شرح

ماهاراج یودهیشتیرا تنها یک مالیات‌بگیر نبود. او همواره نسبت به وظایفش به عنوان یک پادشاه، که دست کمی از وظایف یک پدر یا پیر روحانی نداشت، آگاه بود. پادشاه باید مراقب رفاه شهروندان از تمام زوایای ارتقای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روحانی باشد. پادشاه باید بداند که زندگی انسان به منظور رهایی روح مقید از قیود ماده است و بنابراین وظیفه‌ی وی مراقبت از این امر است که شهروندان به طور مناسب در پی دستیابی به این بالاترین مرحله‌ی کمال زندگی باشند.

ماهاراج یودهیشتیرا با جدیت این اصول را رعایت می‌کرد و این موضوع در فصل بعد مشخص می‌شود. او نه تنها از اصول پیروی می‌کرد، بلکه همچنین تأیید عمومی پیر خویش را که دارای تجربه در امور سیاسی بود کسب می‌نمود. وی همچنین تأیید خداوند کریشنا، گوینده‌ی فلسفه‌ی بهاگاواد-گیتا را نیز دریافت می‌کرد.

ماهاراج یودهیشتیرا پادشاهی ایده‌آل بود و سلطنت تحت هدایت پادشاهی همچون ماهاراج یودهیشتیرا بسیار بسیار اعلا تر از دولت‌های جمهوری یا حکومت‌های مردمی و توسط مردم است. عموم مردم، به ویژه در عصر کالی، شودرا، و اساساً از تولدی پایین، با آموزش‌های غلط، در بدبختی و با همنشینان بد متولد می‌شوند. آنها خود کامل‌ترین هدف زندگی را نمی‌دانند. بنابراین، رأی‌های ایشان در واقع هیچ ارزشی ندارد و بنابراین اشخاص انتخاب شده توسط چنین رأی‌های غیرمسئولانه‌ای نمی‌توانند نمایندگانی مسئولیت‌پذیر همچون یودهیشتیرا شوند.

بدین سان، شرح‌های بهاکتی‌ودانتا بر فصل نهم از جزء اول شریماد-بهاگواتام با عنوان "درگذشت بهیشمادو در حضور خداوند کریشنا" به پایان می‌رسد.

